سُورَةُ الحِجۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ وَقُرۡءَانٖ مُّبِينٖ ١ رُّبَمَا يَوَدُّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ ٢ ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ
وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٣ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا
مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٞ مَّعۡلُومٞ ٤ مَّا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ
أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ٥ وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ
ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ ٦ لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧ مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ
إِذٗا مُّنظَرِينَ ٨ إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩
وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٠ وَمَا يَأۡتِيهِم
مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١١ كَذَٰلِكَ نَسۡلُكُهُۥ
فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٢ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ
١٣ وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ١٤
لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُ	طمع در دنیا و باقی‌ماندن طولانی در آن، آنان را مشغول سازد.
لَّوۡ مَا	چرا نه.
شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ	فرقه‌های امت‌های نخستین.
فَظَلُّواْ	ادامه دادند.
يَعۡرُجُونَ	بالا می‌روند.
سُكِّرَتۡ	جادو شده است.

عمل به آیات

۱. حمد و سپاس الله را بگوی به شکرانهٔ این نعمت که تو را به اسلام هدایت فرمود، و از او تعالی بخواه تو را بر اسلام پایدار دارد تا زمانی که او را ملاقات می‌کنی، ﴿رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ﴾

۲. به زیارت قبور برو و به محل بازگشت بیندیش؛ زیرا زیارت قبور، سنت و یکی از اسباب کوتاه‌کردن آرزوهاست، ﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

۳. برنامه‌ای زمانی برای خودت بریز تا تو را بر تعیین اهداف و عمل جدی و اثربخش یاری کند، ﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده در تلفن‌های همراه، شخص را از انجام اعمال صالح بازمی‌دارد، ﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

۲. یکی از مظاهر رحمت الله به انسان این است که انسان نزول عذاب را می‌خواهد، اما الله تعالی رحمت نازل می‌فرماید، ﴿مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذٗا مُّنظَرِينَ﴾

۳. بهره‌نبردن از قرآن هنگام شنیدن یا خواندن آن، یکی از کیفرهای گناهان است، ﴿وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

سورهٔ حجر

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الر [= الف. لام. را]. این آیات کتاب [الهی] و قرآنِ روشنگر است. (۱) چه بسا کافران [هنگام مواجهه با عذاب قیامت] آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. (۲) بگذار بخورند و [از لذت‌های دنیا] بهره‌مند شوند و آرزوها[ی مادّی،] سرگرمشان سازد؛ پس به زودی خواهند دانست. (۳) ما [ساکنان] هیچ [شهر و] دیاری را هلاک نکردیم؛ مگر اینکه [مهلت و] اَجلی معیّن داشتند. (۴) هیچ امتی از اَجل [مقرر] خود نه پیشی می‌گیرد و نه [از آن] عقب می‌ماند. (۵) [کافران] گفتند: «ای کسی که [ادعا می‌کنی] قرآن بر تو نازل شده است، یقیناً تو دیوانه‌ای. (۶) اگر راست می‌گویی، چرا فرشتگان را نزدمان نمی‌آوری [تا دربارهٔ پیامبری‌ات گواهی دهند]؟» (۷) [باید بدانند که] ما فرشتگان را به‌حق [و فقط در هنگام عذاب کافران] نازل می‌کنیم؛ و [اگر برای عذابشان نازل شوند] دیگر مهلتی نمی‌یابند. (۸) به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هر گونه تبدیل و تحریفی] هستیم. (۹) [ای پیامبر،] پیش از تو نیز [رسولان خود را] میان گروه‌های پیشین فرستادیم. (۱۰) هیچ پیامبری نزدشان نمی‌آمد، مگر آنکه مسخره‌اش می‌کردند. (۱۱) اینچنین آن [تکذیب و تمسخر] را در دل‌های گناهکاران [= کافران] راه می‌دهیم. (۱۲) آنان به آن [قرآن] ایمان نمی‌آورند؛ و شیوهٔ [الله در مجازات] پیشینیان [نیز چنین] رفته است [که آنان را با عذابی دردناک هلاک نماید]. (۱۳) و [حتی] اگر دری از آسمان به روی آنان می‌گشودیم تا پیوسته در آن بالا روند [و شگفتی‌های ملکوت را ببینند]، (۱۴) یقیناً باز هم می‌گفتند: «بی‌تردید، ما را چشم‌بندی کرده‌اند؛ بلکه ما گروهی جادوشده‌ایم». (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ﴾

حسن می‌گوید: وقتی مشرکان ببینند مومنان وارد بهشت شده‌اند و آنان را در جهنم مشاهده نکنند، آرزو می‌کنند که کاش مسلمان بودند. قرطبی: ۱۲/ ۱۷۶.

پرسش: چه زمانی کافر آرزو می‌کند کاش مسلمان بود؟

۲ ﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

آرزوهای طولانی، یک بیماری سخت و مرض مزمن است که اگر در قلب جای گیرد، طبیعتش را فاسد و درمانش را سخت می‌کند، بیماری از آن جدا نمی‌شود و هیچ دارویی در آن سود نمی‌بخشد، بلکه پزشکان درمانده و حکما و علما از بهبودی آن نومید می‌شوند. حقیقت أمل [= آرزوها] عبارت است از: حرص و روی‌آوری و محبت به دنیا و رویگردانی از آخرت. قرطبی: ۱۲/ ۳۸۹.

پرسش: الله تعالی در این آیه از کدام بیماری بزرگ برحذر داشته است؟

۳ ﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

آیه اشاره دارد به این‌که لذت‌بردن و آسایش و عدم کسب آمادگی برای آخرت، خصلت کسی نیست که به دنبال نجات است. از حسن بصری چنین نقل شده است: هیچ بنده‌ای آرزوهای خویش را طولانی نمی‌کند مگر این‌که اعمالش را تباه می‌گرداند... در روایتی از علی ﷺ آمده است که: از دو امر بر شما می‌ترسم: آرزوهای طولانی و پیروی از هوای نفس؛ زیرا اولی آخرت را از یاد می‌برد و دومی از حق بازمی‌دارد. آلوسی: ۱۴/ ۳۴۱.

پرسش: آسیب‌های آرزوهای طولانی را بر اساس آیه توضیح دهید.

۴ ﴿لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ﴾

یعنی حال که فرشتگان را نیاورده‌ایی راستگو نیستی. این طرز تفکر، بزرگ‌ترین ستم و نادانی است. ستم‌بودنش که آشکار است؛ زیرا معجزاتی را می‌طلبیدند که ارادهٔ الله بر نازل کردن آن جاری نشده بود، [و در واقع به او تعالی تعیین تکلیف می‌کردند] که این امر، بزرگترین گستاخی و لجاجت در حق او تعالی محسوب می‌گردد، حال آن‌که اهدافی را که آنان از ظهور چنین معجزاتی تعقیب می‌کردند با دلایل زیادی که بر صحت رسالت پیامبر ﷺ دلالت دارند حاصل شده است و نیازی به معجزات پیشنهادی آنان نیست. اما جهالت و نادانی این سخن‌شان از این جهت است که: مصلحت و زیان خویش را تشخیص ندادند؛ زیرا فرستادن فرشتگان خیری برای‌شان ندارد بلکه الله تعالی فرشتگان را جز به حق نمی‌فرستد که هر کس از آن‌ها پیروی و اطاعت نکند، دیگر به او مهلت داده نمی‌شود. سعدی: ۴۲۹.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که درخواست مشرکان مبنی بر آمدن فرشتگان، ستم و نادانی به شمار می‌رود.

۵ ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ﴾

یعنی قرآن که تمام مسایل و دلایل واضح در آن بیان شده و هر کس که خواهان پندپذیری باشد از آن پند می‌پذیرد. سعدی: ۴۲۹.

پرسش: چرا قرآن کریم به «ذکر» توصیف شد؟

۶ ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ﴾

حفظ قرآن عبارت است از: پاسداری از آن در برابر تبدیل و تغییر آن‌گونه که در سایر کتاب‌ها صورت گرفته است. الله تعالی محافظت از قرآن را بر عهده گرفته و هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد یا تبدیلی در آن ایجاد کند بر خلاف سایر کتاب‌های آسمانی که محافظت از آن به پیروانش واگذار شد؛ زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ﴾ [المائدة: ۴۴]؛ «که حفاظت و پاسداری کتاب الله به آن‌ها سپرده شده بود». ابن جزی: ۱/ ۴۵۰.

پرسش: چه تفاوتی میان قرآن کریم و سایر کتاب‌های آسمانی از جهت مصونیت از تغییر وجود دارد؟

۷ ﴿مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذٗا مُّنظَرِينَ﴾

مجاهد می‌گوید: با رسالت و عذاب؛ فرشتگان بر رسولان با سخنان حق [و درست] و بر انذارشوندگان با افعال حق [و قطعی] شامل هلاکت و نجات نازل می‌شوند. بقاعی: ۴/ ۲۰۶.

پرسش: منظور از حقی که فرشتگان با آن نازل می‌شوند چیست؟

ترجمه آیات

و به راستی، ما برجهایی در آسمان قرار داده‌ایم و آن را برای تماشاگران آراسته‌ایم. (۱۶) و آن [= آسمان] را از [ورود و دستبردِ] هر شیطانِ رانده‌شده‌ای حفظ کردیم. (۱۷) مگر آن کس که دزدانه سخنی [از ملکوتیان] بشنود که [در آن صورت،] شهابی روشن او را دنبال می‌کند [و می‌سوزاند]. (۱۸) و زمین را گستردیم و کوه‌های استواری در آن افکندیم و از هر گیاه سنجیده [و مناسبی] در آن رویاندیم. (۱۹) و برای شما و کسانی که روزی‌دهنده آنان نیستید اسباب زندگی در آن قرار دادیم. (۲۰) و هیچ چیز نیست، مگر آنکه گنجینه‌هایش نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معیّن فرو نمی‌فرستیم. (۲۱) و بادها را باورکننده[ی ابرها] فرستادیم، سپس آبی از آسمان‌ها نازل کردیم و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما ذخیره‌کننده‌اش نیستید. (۲۲) و یقیناً ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و ما [بازماندهٔ جاوید و] وارث [همهٔ جهانیان] هستیم. (۲۳) و بی‌تردید، [تولد و مرگ] گذشتگان شما را دانسته‌ایم و یقیناً [تولد و مرگ] آیندگان را [نیز به خوبی] می‌دانیم. (۲۴) و [ای پیامبر،] بی‌گمان، پروردگارت [همهٔ] آنان را [در قیامت] محشور می‌کند. به راستی که او حکیم داناست. (۲۵) و در حقیقت، ما [نخستین] انسان [= آدم] را از گِلِ خشک [بازمانده] از لجنی بدبو آفریدیم. (۲۶) و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی‌دود آفریدیم. (۲۷) و [یاد کن] از هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «همانا من بشری را از گِلِ خشک [بازمانده] از لجنی بدبو خواهم آفرید. (۲۸) پس چون [او را آفریدم و] به او سامان دادم و از روح خویش در وی دمیدم، [به نشانهٔ اطاعت از فرمان من، همگی] بر او سجده کنید». (۲۹) فرشتگان همگی سجده کردند، (۳۰) مگر ابلیس که سرپیچی کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد. (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ﴾

این آیه بینندگان را به تدبر در آسمان و دقت در معانی‌اش و استدلال به آسمان بر وجود آفریدگارش وا می‌دارد. سعدی: ۴۳۰.

پرسش: ستارگان و برج‌های آسمان چگونه بر ایمان مومن می‌افزاید؟

۲ ﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا﴾

یعنی: زمین را چنان گستراندیم که تمام انسان‌ها و حیوانات بتوانند در سراسر آن منتشر شوند و از روزی‌هایش بخورند و در نواحی آن آرام گیرند. سعدی: ۴۳۰.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که یکی از گمان‌های بد به الله تعالی این است که انسان بپندارد ارزاق زمین در آینده برای مردم کفایت نخواهد کرد.

۳ ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ ٢٤ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ﴾

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ﴾ یعنی: از اولین تا آخرین مردم را به خوبی می‌شناسیم.. این عبارت برای استدلال بر حشر بیان شد که در مورد آن می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ﴾؛ زیرا وقتی علم الله بر آنان احاطه داشته باشد بازگرداندن و حشر آنان بر او تعالی دشوار نخواهد بود. ابن جزی: ۱/ ۴۵۱.

پرسش: چه وجه ارتباطی میان بیان ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡ﴾ پس از بیان ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ﴾ وجود دارد؟

۴ ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٦ وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ﴾

هدف آیه، آگاه‌کردن بر فضیلت آدم عليه السلام و پاکی مادهٔ آفرینش اوست. ابن کثیر: ۲/ ۵۳۱.

پرسش: چرا آفرینش انسان و آفرینش جن در کنار یکدیگر بیان شد؟

۵ ﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ﴾

بنابر دلایلی، فرمان‌یافتن فرشتگان به سجده منافاتی با تحریم سجده برای غیر الله در اسلام ندارد؛ دلیل اول این‌که: این تحریم برای بستن وسیلهٔ شرک‌ورزی آمده در حالی که فرشتگان معصوم هستند و شرک راهی به آنان پیدا نمی‌کند. دلیل دوم این‌که: شریعت اسلام به سبب رسیدن به نهایت درستی و اصلاح، بر دیگر شرایع برتری یافت و احکامی آورده که در شرایع پیشین وجود نداشته است؛ زیرا الله تعالی رسیدن پیروانش به اوج کمال در احکام شرعی را اراده کرده است. دلیل سوم این‌که: این خبر مربوط به عالم بالاست که احکام آن با تکالیف عالم پایین قابل قیاس نیست. ابن عاشور: ۱۴/ ۴۵.

پرسش: فرمان‌یافتن فرشتگان به سجده به چند دلیل با تحریم سجده برای غیر الله تعالی در اسلام منافات ندارد. این دلایل را بیان کنید.

۶ ﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ﴾

آدم هر چند از گِل آفریده شد اما بر اثر دمیده‌شدن روح مقدس در او، به افتخار و شرافت دست یافت؛ بنابراین فرمود: ﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ﴾ الله تعالی این سجده را منوط کرد بر این‌که از روح خویش در آدم می‌دمد. بنابراین سبب برتری آدم این فضیلت است که ابلیس از مانند آن بی‌نصیب بود. ابن تیمیه: ۴/ ۱۲۵.

پرسش: فضیلت آدم عليه السلام بر دیگران را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٣٠ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ﴾

الله تعالی ضمن بیان نعمت و احسان خویش بر پدرمان آدم عليه السلام و کارهای دشمنش ابلیس، ما را از شر و فتنهٔ ابلیس برحذر می‌دارد. سعدی: ۴۳۱.

پرسش: چرا قصهٔ آفرینش آدم و موضع ابلیس به صورت مفصّل بیان شد؟

سورة (الحجر) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٣)

وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ١٦
وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧ إِلَّا مَنِ ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ
فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ١٨ وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا
رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ ١٩ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ
فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ٢٠ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا
عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ٢١ وَأَرۡسَلۡنَا
ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَيۡنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمۡ
لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ٢٢ وَإِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَنَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ٢٣
وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ
٢٤ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ٢٥ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٦ وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن
قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ٢٧ وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا
مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٨ فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ
مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٢٩ فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ
أَجۡمَعُونَ ٣٠ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بُرُوجٗا	منازل ستارگان که در آن‌ها جای می‌گیرند.
رَّجِيمٍ	رانده‌شده از رحمت الله.
ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ	وحی را از آسمان دنیا برباید.
لَوَٰقِحَ	ابر را باردار می‌کنند و ابر از آب پر می‌شود.
صَلۡصَٰلٖ	گِل خشکی که اگر کوبیده شود صدا می‌دهد.
حَمَإٖ	گِل سیاه.
مَّسۡنُونٖ	رنگ و بویش تغییر کرده است.
نَّارِ ٱلسَّمُومِ	آتش بسیار داغ و بدون دود.

عمل به آیات

۱. به انسانی نیازمند یا به موسسه‌ای خیریه صدقه بده، و از تهیدستی صاحب عرش نترس، ﴿وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ﴾

۲. در انجام یکی از عبادات بر دیگران پیشی بگیر، تا پیش از دیگران به بهشت وارد شوی، ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ﴾

۳. قصهٔ آدم و ابلیس را از کتب تفسیر بخوان، سپس در نقاطی که ابلیس از طریق آن‌ها در آدم تاثیر گذشت بیندیش، ﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ﴾

رهنمودها

۱. در مورد سیاره‌ها و ستارگان آسمان بیندیش؛ زیرا الله تعالی آن‌ها را نشانه و زینتی برای بینندگان قرار داده است، ﴿وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ﴾

۲. در مورد زمین و گستردگی‌اش و روزی‌هایی که در آن قرار دارد بیندیش، ﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ﴾

۳. از این‌که روزیِ اندکی به تو رسیده اندوه مدار؛ زیرا الله تعالی به مصلحت تو، از خودت داناتر است، و به آن‌چه که الله برایت مقدر فرموده است خوشنود باش، ﴿وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ﴾

سورة (الحجر) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٤)

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمۡ أَكُن
لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ﴿٣٣﴾
قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ
ٱلدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ
مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ
أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ
﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ
مُسۡتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ
ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٣﴾
لَهَا سَبۡعَةُ أَبۡوَٰبٖ لِّكُلِّ بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ
ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾
وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ
﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ﴿٤٨﴾
۞نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي
هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئۡهُمۡ عَن ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٥١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَأَنظِرۡنِيٓ	به من مهلت بده.
صِرَٰطٌ	راه.
سُلۡطَٰنٌ	قدرت.
بِسَلَٰمٍ	سالم از هر آسیبی.
غِلٍّ	کینه.
نَصَبٞ	خستگی و رنجوری.
نَبِّئۡ	خبر بده.

عمل به آیات

۱. حیله‌ای را که گمان می‌کنی شیطان از طریق آن بر تو غلبه کرده است مشخص کن، سپس بیندیش که چگونه می‌توانی از این حیله نجات پیدا کنی، ﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه تو را از شر شیطان حفظ کند و در زمرهٔ بندگان مخلص خویش قرار دهد، ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾

۳. از کسی که بر تو ستم روا داشته یا در مورد تو اشتباهی مرتکب شده است درگذر؛ زیرا این کار قلبت را پاکیزه‌تر می‌سازد و آسایش و راحتی به ارمغان می‌آورد، ﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ﴾

رهنمودها

۱. آن‌چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند که این عمل، قلبت را به آرامش می‌رساند، ﴿قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ﴾

۲. آراستن نواهی و محرمات، قوی‌ترین سلاح ابلیس لعین است، ﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۳. شیطان هیچ قدرت و تسلطی بر هیچ‌کس ندارد، مگر کسی که خودش به شیطان اجازه دهد بر او مسلط شود، ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ﴾

ترجمه آیات

[الله] فرمود: «ای ابلیس، چرا تو با سجده‌کنندگان [همراه] نیستی؟» (۳۲) [ابلیس] گفت: «من آن نیستم که برای بشری که او را از گِلِ خشک [بازمانده] از لجنی بدبو آفریده‌ای سجده کنم». (۳۳) [الله] فرمود: «از آنجا [= بهشت] بیرون شو [که] بی‌تردید، تو [از بارگاهِ ما] رانده‌شده‌ای. (۳۴) و یقیناً تا روز قیامت بر تو لعنت خواهد بود». (۳۵) [ابلیس] گفت: «پروردگارا، تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده [و مرا نمیران]». (۳۶) [الله] فرمود: «[برو که] یقیناً تو از مهلت‌یافتگانی، (۳۷) تا روز آن وقتِ معلوم [که تمام مخلوقات با نفخهٔ نخست می‌میرند]». (۳۸) [او] گفت: «پروردگارا، به سببِ آنکه مرا گمراه ساختی، [من نیز] در زمین [بدی‌ها را] در نظرشان نیک جلوه می‌دهم و همهٔ آنان را به گمراهی می‌کشانم؛ (۳۹) مگر بندگان خالصِ تو از [میان] آنان، [که هدایتشان کرده‌ای]». (۴۰) [الله] فرمود: «این [اخلاص]، راه مستقیمی است [که به من می‌رسد]. (۴۱) یقیناً تو بر بندگانم تسلطی نداری، مگر [بر آن مشرکان و] گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند. (۴۲) و بی‌تردید، دوزخ وعده‌گاه همهٔ آنان است. (۴۳) [دوزخ] هفت در دارد [و] برای هر دری، گروهی از آنان تقسیم [و مشخص] شده‌اند». (۴۴) یقیناً پرهیزگاران در باغ‌ها[ی بهشت] و در [کنار] چشمه‌ها هستند. (۴۵) [هنگام ورود به آنان گفته می‌شود:] «به سلامت و ایمنی به آن [باغ‌ها] وارد شوید». (۴۶) آنچه از کینه [و حسد که] در دل‌هایشان است برمی‌کنیم؛ برادرانه بر تخت‌ها مقابل یکدیگرند. (۴۷) در آنجا نه رنجی به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند. (۴۸) [ای پیامبر،] به بندگانم خبر بده که من آمرزندهٔ مهربانم. (۴۹) و اینکه عذاب من، عذابی دردناک است. (۵۰) و از مهمانان ابراهیم [نیز] به آنان خبر بده. (۵۱)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ﴾

خودداری ابلیس از سجده برای آدم در میان جمع فرشتگان را به سبب حسادت و کفر و دشمنی و برتری‌جویی و افتخار به باطل بیان می‌کند. ابن کثیر: ۲/ ۵۳۱.

پرسش: غرور و حسادت می‌تواند صاحبش را به چه حدی برساند؟

۲ ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٣٦ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ﴾

اجابت دعای ابلیس از جانب الله، از باب احترام و ارج‌نهادن بر او نبود، بلکه فقط امتحان و آزمایشی از جانب الله برای او و بندگان بود تا بندهٔ صادق که از مولایش اطاعت می‌کند نه از دشمن، از کسی که چنین نیست مشخص گردد. سعدی: ۴۳۱.

پرسش: چرا دعای ابلیس از جانب الله سبحانه اجابت شد؟

۳ ﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

تزیین شیطان در این‌جا به دو صورت انجام می‌شود: یا با انجام گناهان، یا از طریق غافل‌کردن بندگان از اجرای طاعت با سرگرم‌کردن آنان در زینت دنیا. قرطبی: ۱۲/ ۲۱۲.

پرسش: دو راهی را که شیطان از طریق آن‌ها بر انسان نفوذ می‌کند بیان کنید؟

۴ ﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٣٩ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾

یعنی کسانی که آنان را به سبب اخلاص و ایمان و توکل‌شان پاک می‌کنی و برمی‌گزینی. سعدی: ۴۳۱.

پرسش: چه کسانی از فریب‌خوردن از ابلیس استثنا شده‌اند؟

۵ ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ﴾

شیطان هیچ تسلطی بر مخلصان و مومنان ندارد. بنابراین شیاطین از خانه‌ای که سورهٔ بقره در آن تلاوت می‌شود و نیز هنگام قرائت آیة الکرسی و آخر سورهٔ بقره و سایر قوارع قرآن، می‌گریزند. ابن تیمیه: ۴/ ۱۳۱.

پرسش: آیه گروهی را بیان می‌کند که شیطان هیچ تسلطی بر آنان ندارد. اینان چه کسانی هستند؟ و وسایل راندن شیطان چیست؟

۶ ﴿نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

زیرا بندگان اگر از رحمت و مغفرت کامل الله آگاه شوند در به‌کارگیری اسبابی که آنان را به رحمت پروردگارشان می‌رساند می‌کوشند و از گناهان دست می‌کشند و توبه می‌کنند؛ تا به مغفرت او تعالی دست یابند. سعدی: ۴۳۲.

پرسش: مومن با دانستن این‌که الله غفور و رحیم است چه موضعی اتخاذ می‌کند؟

۷ ﴿نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ﴾

قلب بنده باید همیشه میان بیم و امید و خوف و اشتیاق قرار داشته باشد؛ یعنی هر گاه به رحمت و مغفرت و احسان پروردگارش بنگرد امیدوار و مشتاق شود و هر گاه به گناهان و کوتاهی خویش در حقوق پروردگارش بنگرد ترسان و هراسان گردد و از گناهان دست بکشد. سعدی: ۴۳۲.

پرسش: قلب مسلمان در دنیا چه حالتی دارد؟

سورة (الحجر) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٥)

إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ ٥٢ قَالُواْ
لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٥٣ قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن
مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤ قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ
فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ ٥٥ قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ
رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ٥٦ قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ
٥٧ قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ٥٨ إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ
إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥٩ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ
ٱلۡغَٰبِرِينَ ٦٠ فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٦١ قَالَ
إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٦٢ قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ
يَمۡتَرُونَ ٦٣ وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٦٤ فَأَسۡرِ
بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ
وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ٦٥ وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ
دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ ٦٦ وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ
يَسۡتَبۡشِرُونَ ٦٧ قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ٦٨
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ٦٩ قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَجِلُونَ	بی‌تاب و ترسان.
ٱلۡقَٰنِطِينَ	نومیدان.
فَمَا خَطۡبُكُمۡ	مأموریت مهم شما چیست؟
قَدَّرۡنَآ	حکم کردیم.
ٱلۡغَٰبِرِينَ	بازماندگان در عذاب.
وَقَضَيۡنَآ	وحی فرستادیم.
مَقۡطُوعٞ	نابودشده با عذاب.

عمل به آیات

۱. هنگام ورود به منزل یا هنگام نزدیک‌شدن به مسلمانی، ابتدا سلام بگو، ﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ﴾

۲. امروز به یک مسلمان خبری بده که او را شاد و آرام می‌گرداند، ﴿قَالُواْ لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ﴾

۳. با ارائهٔ یک سخنرانی یا با ارسال یک پیام، خطر نومیدی از رحمت الله تعالی را توضیح بده، ﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ﴾

رهنمودها

۱. بشارت، گاهی پس از قطع اسباب دنیوی حاصل می‌شود، ﴿قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤ قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ﴾

۲. مشغول‌شدن انسان به اصلاح خودش و خانواده و افراد پیرامونش، او را از مصیبت‌های دنیوی و اخروی نجات می‌دهد، ﴿إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۳. در صورتی که ایمان نباشد، خویشاوندی نسبی و سببی هیچ ارزشی ندارد، ﴿إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که بر او وارد شدند، سلام گفتند؛ [اما چون دست به غذا نبردند، ابراهیم] گفت: «ما از شما هراسانیم». (۵۲) آنان گفتند: «نترس؛ ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم». (۵۳) [ابراهیم] گفت: «آیا با اینکه سالخورده شده‌ام مژده[ی تولد فرزند] به من می‌دهید؟ به چه [دلیل اینچنین] بشارت می‌دهید؟» (۵۴) آنان گفتند: «ما تو را به درستی بشارت دادیم؛ پس ناامید نباش». (۵۵) [ابراهیم] گفت: «و جز گمراهان، چه کسی از رحمتِ پروردگارش ناامید می‌گردد؟» (۵۶) [آنگاه به فرشتگان] گفت: «ای فرستادگان، کار [و مأموریت دیگر] شما چیست؟» (۵۷) آنان گفتند: «در حقیقت، ما به سوی قوم گنهکار [لوط] فرستاده شده‌ایم [تا هلاکشان کنیم]. (۵۸) مگر خانوادهٔ لوط که ما یقیناً همهٔ آنان را نجات خواهیم داد. (۵۹) جز همسرش که مقدر کرده‌ایم از بازماندگان [در عذاب] باشد». (۶۰) هنگامی که فرستادگان [الله به شکل انسان] نزد خاندان لوط آمدند، (۶۱) [لوط] گفت: «شما گروهی ناشناس هستید». (۶۲) [فرشتگان] گفتند: «بلکه ما همان چیزی را برایت آورده‌ایم که [این مردم گناهکار] درباره‌اش تردید می‌کردند [= نزول عذاب]. (۶۳) و ما برایت [خبرِ حقیقی و] راست آورده‌ایم و قطعاً ما راستگوییم. (۶۴) پس پاسی از شب [که گذشت] خانواده‌ات را [از این جا] ببر و [خودت] به دنبالشان برو؛ و هیچ‌یک از شما [نباید] پشت سرش را نگاه نکند و به جایی که به شما فرمان می‌دهند بروید». (۶۵) و ما او [= لوط] را از این امر آگاه کردیم که صبحگاهان ریشهٔ آنان برکنده خواهد شد. (۶۶) و اهالی شهر، در حالی که [دربارهٔ آمدن افراد جدید] با شادی [به یکدیگر] خبر می‌دادند [به سوی خانهٔ لوط] آمدند. (۶۷) [لوط] گفت: «اینها مهمانان من هستند؛ پس مرا رسوا [و شرمندهٔ مهمانانم] نکنید، (۶۸) و از الله بترسید و سرشکسته‌ام نسازید». (۶۹) [آنان] گفتند: «مگر ما تو را از [میزبانیِ] افراد [بیگانه] نهی نکردیم؟» (۷۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ﴾

زیرا این مهمانان بی‌موقع و در وقت نامناسبی درِ خانه را زدند؛ پس ابراهیم ﷺ گمان کرد که قصد بدی نسبت به او دارند. ابن عاشور: ۱۴/ ۵۸.

پرسش: چرا ابراهیم ﷺ سخنش را با گفتن ﴿إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ﴾ آغاز کرد؟

۲ ﴿قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ﴾

چون ابراهیم ﷺ از رحمت الله نومید نبود، فرشتگان با روشی مودبانه و مناسب به او اندرز دادند و او را نهی کردند از این‌که مبادا از گروه نومیدان باشد؛ تا از آن‌چه که سبب ورود به این گروه می‌شود برحذر باشد. ابن عاشور: ۱۴/ ۶۰.

پرسش: در خطاب فرشتگان به ابراهیم ﷺ، نوعی ادب وجود دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ﴾

یعنی: چه کسی جز زیانکاران از رحمت پروردگارش نومید می‌شود؟! ﴿إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ﴾ یعنی زیان‌کاران. نومیدی از رحمت الله تعالی گناهی کبیره و مانند ایمن‌دانستن خویش از تدبیر الله است. بغوی: ۲/ ۵۹۰.

پرسش: برخی از گناهکاران و مصیبت‌زدگان، از رحمت الله تعالی نومید هستند و می‌گویند: الله مرا نمی‌بخشد، یا: اندوهم را برطرف نخواهد کرد. چه پاسخی به این افراد داری؟

۴ ﴿فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ﴾

معمول چنین است که بزرگان، نزدیک‌ترین فردِ گروهِ خود به سوی امر ترسناک هستند؛ تا جان خودشان را در طبق اخلاص بگذارند و دیگران را ثابت‌قدم نگه دارند، همچنین می‌دانند که نزدیکی به خطر، اجل را نزدیک نمی‌سازد و دوری از آن، از قضا و قدر بی‌نیاز نمی‌کند و آسیب را دور نمی‌دارد. نیز به این هدف که قلبت در مورد افرادی که پشت سر تو هستند آشفته و نگران نشود و باید از تو حمایت کنند؛ یعنی هیچ یک از آنان به عقب نگاه نکند یا تخلف نورزد، و سایر مصالحی که در این کار وجود دارد. بقاعی: ۴/ ۲۲۹.

پرسش: چه مصلحتی اقتضا می‌کرد که لوط ﷺ هنگام خروج از شهر پشت سر خانواده‌اش حرکت کند؟

۵ ﴿فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ﴾

لوط ﷺ از پشت سر آنان حرکت می‌کرد تا محافظت بهتری از آنان انجام دهد. رسول الله ﷺ نیز در جنگ پشت لشکر حرکت می‌کرد تا ضعیفان را تقویت کند و جداشدگان را به لشکر برساند. ابن کثیر: ۲/ ۵۳۵.

پرسش: سنت پیامبر ﷺ در رفتن به سوی جهاد را توضیح دهید.

۶ ﴿وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ﴾

زیرا کسی که برگردد و به عقب نگاه کند ثابت‌قدم نیست؛ به این دلیل که به خبر ما یقین ندارد یا این‌که به خاطر قوم ناراحت است، پس هر کس به عقب نگاه کند عذاب او را فرا می‌گیرد. به‌علاوه عمل به این دستور، سبب تلاش بیشتر بر هجرت و حرکت سریع‌تر می‌شود و دلالت بیشتری دارد بر این‌که منازل و اسباب زندگی‌شان را که به جای گذاشته‌اند از دل‌های‌شان خارج کرده‌اند و برای کسانی که الله بر آنان خشم گرفته است دلسوزی نمی‌کنند؛ به‌علاوه شاید عذابی را ببینند که از توان‌شان خارج است. بقاعی: ۴/ ۲۲۹.

پرسش: بر اساس چه حکمتی، خاندان لوط ﷺ فرمان یافتند هنگام خروج از شهر به عقب نگاه نکنند؟

۷ ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ﴾

لوط ﷺ آنان را- هر چند کافر بودند- علاوه بر مانع عرفی، با مانع دینی نیز پند داد تا دعوت خویش را به صورت کامل انجام داده باشد؛ پس گفت: ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ﴾. ابن عاشور: ۱۴/ ۶۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که لوط ﷺ قومش را هم با مانع شرعی و هم مانع عرفی پند داد.

سورة (الحجر) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٦)

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ٧١ لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ
يَعۡمَهُونَ ٧٢ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُشۡرِقِينَ ٧٣ فَجَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا
سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٍ ٧٤ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ ٧٥ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٖ مُّقِيمٍ ٧٦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٧٧ وَإِن كَانَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ لَظَٰلِمِينَ ٧٨
فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ ٧٩ وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٨٠ وَءَاتَيۡنَٰهُمۡ ءَايَٰتِنَا فَكَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ
٨١ وَكَانُواْ يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ٨٢ فَأَخَذَتۡهُمُ
ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ٨٣ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٤
وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ
ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ٨٥ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨٦ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي
وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ ٨٧ لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا
مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨ وَقُلۡ
إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ٨٩ كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ٩٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَعَمۡرُكَ	الله تعالی به حیات پیامبر ﷺ سوگند یاد می‌کند.
سَكۡرَتِهِمۡ	غفلتشان.
يَعۡمَهُونَ	حیران و سرگردانند.
لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ	برای بینندگان و پندگیرندگان.
ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ	کسانی که قرآن را تقسیم کردند و به بخشی از آن ایمان آوردند و به بخشی دیگر کفر ورزیدند.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه زیرکی و فراست را به تو روزی دهد و اسباب آن، یعنی تقوای الهی و مخالفت با هوای نفس را به کار گیر، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ﴾

۲. سورهٔ فاتحه را با تدبر بخوان و از هر آیه یک نکته استخراج کن، ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ﴾

۳. با برادران مسلمانت- به‌خصوص خدمتکاران و کارگران- با مهربانی و خوشرویی رفتار کن، ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. حب زیاد به زینت دنیا، گاهی سبب می‌شود عقل انسان از بین برود، ﴿لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ﴾

۲. الله هر کس را دوست داشته باشد، در برابر زینت دنیا، او را به نیکی‌های ماندگار مشغول می‌سازد، ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ ٨٧ لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ﴾

۳. اگر خشم الله واقع شود، بنا و صنعت قوی، هیچ سودی نمی‌رساند، ﴿وَكَانُواْ يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ٨٢ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ٨٣ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

ترجمه آیات

[لوط] گفت: «اگر می‌خواهید [کاری حلال] انجام دهید، اینها دختران [قوم] من هستند؛ [با آنها ازدواج کنید]». (۷۱) سوگند به جان تو [ای پیامبر] که آنان در مستیِ خویش سرگشته بودند. (۷۲) پس هنگام برآمدنِ آفتاب، بانگ [مرگبار] آنان را فراگرفت. (۷۳) آنگاه آن [سرزمین] را زیر و رو کردیم و سنگ‌گل‌هایی پیاپی بر آنان باریدیم. (۷۴) به یقین، در این [کیفر،] برای هوشیاران عبرت‌هاست. (۷۵) و [آثار] آن [شهرهای ویرانه، هنوز] بر سر راه [مسافران] پابرجاست. (۷۶) یقیناً در این [عذاب،] نشانه‌ای برای [عبرت گرفتنِ] مؤمنان است. (۷۷) و اصحاب اَیکه [= قوم شعیب] قطعاً ستمکار بودند. (۷۸) [ما] از آنان انتقام گرفتیم و [شهرهای ویران‌شدهٔ] این دو [قوم،] بر سر راه آشکار است. (۷۹) و بی‌تردید، اهل حِجر [= قوم ثمود] پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۸۰) و [ما معجزات و] نشانه‌های خود را به آنان دادیم، و[لی] از آنها رویگردان شدند. (۸۱) و از کوه‌ها خانه‌هایی [برای خود] می‌تراشیدند که در امان بمانند. (۸۲) پس صبحگاهان بانگ [مرگبار] آنان را فراگرفت. (۸۳) و آنچه [از اموال و خانه‌های محکم] به دست آورده بودند، سودی به حالشان نداشت [و عذاب الهی را دفع نکرد]. (۸۴) و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست جز به‌حق نیافریده‌ایم؛ و قیامت قطعاً آمدنی است؛ پس [ای پیامبر، از کافران] به نیکویی گذشت کن. (۸۵) بی‌تردید، پروردگارت همان آفریدگارِ داناست. (۸۶) و به راستی، ما به تو «سبعُ المثانی» [= سورهٔ فاتحه] و قرآن بزرگ را دادیم. (۸۷) [بنابراین،] هرگز به آنچه [از نعمت‌های دنیوی] که گروه‌هایی از آنان [= کافران] را بهره‌مند کرده‌ایم چشم ندوز و به خاطر [ناسپاسی و شرکِ] آنان اندوهگین نباش و با مؤمنان فروتنی کن. (۸۸) و بگو: «به راستی که من همان بیم‌دهندهٔ آشکارم». (۸۹) [و آنان را از عذاب بترسان] همان گونه که [آن را] بر تقسیم‌کنندگان [آیات الهی] فرستادیم؛ (۹۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ﴾

این امر به استعداد خوب و هوشی تیز و اندیشه‌ای ناب... و خالی‌کردن قلب از زوائد دنیایی و پاک‌کردن آن از پلیدی‌های گناهان و اخلاق پست و پس‌ماندهٔ دنیا نیاز دارد. قرطبی: ۱۲/ ۲۳۴.

پرسش: بنده چگونه به هوشیاری و ادراک صحیح می‌رسد؟

۲ ﴿وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

پیامبرشان صالح ﷺ را تکذیب کردند. هر کس یکی از رسولان را تکذیب کند، مرتکب تکذیب همگی آنان شده است؛ از این رو، تکذیب تمام رسولان بر آنان اطلاق شد. ابن کثیر: ۲/ ۵۳۶.

پرسش: چرا در مورد اصحاب حجر که فقط صالح ﷺ را تکذیب کرده بودند گفته شد تمام رسولان را تکذیب کردند؟

۳ ﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

اموال و پناهگاه‌های موجود در کوه‌ها و نیرویی که به آنان داده شده بود. قرطبی: ۱۲/ ۲۴۹.

پرسش: آیا ثروت و قدرت اقتصادی، عذاب را از فرد یا حکومت دفع می‌کند؟

۴ ﴿فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ﴾

به نحوی نیک گذشت کن نه گذشتی که نیکو نیست؛ یعنی گذشت در جای غیر مناسبش نباشد، پس در جایی که عقوبت و سزا لازم است گذشت نکن؛ مانند مجازات کردن متجاوزان و ستمکارانی که فقط مجازات در مورد آنان مفید است. سعدی: ۴۳۴.

پرسش: آیا گذشت ناپسند نیز وجود دارد؟ توضیح دهید.

۵ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ﴾

از ابو سعید بن معلی روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾. هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي، وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيتُهُ» [صحیح بخاری: ۴۴۷۴ و ۴۷۰۳ و ۵۰۰۶] «سورهٔ حمد همان سبع مثانی و قرآن عظیم است که به من داده شده است». آلوسی: ۱۴/ ۴۳۲.

پرسش: منظور از سبع مثانی مذکور در آیه چیست؟

۶ ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ﴾ یعنی به آن‌چه که آنان را در دنیا با آن بهره‌مند ساختیم نگاه نکن. مثل این است که بگوید: ما سبع مثانی و قرآن عظیم را به تو عطا کردیم؛ پس به دنیا چشم ندوز که آن‌چه به تو داده شده است بهتر از دنیاست. ابن جزی: ۱/ ۴۵۵.

پرسش: در این آیه برنامه‌ای شامل چند توصیه برای تزکیهٔ نفس وجود دارد. این برنامه را توضیح دهید.

۷ ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

در برابر کسانی که به تو ایمان آورده‌اند مهربان و متواضع باش. پرنده وقتی جوجه‌اش را کنار خود می‌کشاند، بالش را می‌گستراند سپس آن را بر روی جوجه جمع می‌کند. این صفت را برای توضیح نزدیکی انسان به پیروانش بیان کرد. قرطبی: ۱۲/ ۲۵۴.

پرسش: مومن چه رابطه‌ای با برادران مومن خویش دارد؟

ترجمه آیات

همان کسانی که قرآن را بخش بخش کردند [و آن را شعر، سحر، کذب، و اساطیر نامیدند]. (۹۱) سوگند به پروردگارت، قطعاً [در قیامت] از همهٔ آنان سؤال خواهیم کرد، (۹۲) از آنچه می‌کردند. (۹۳) پس [ای پیامبر،] آنچه [را که از سوی الله] دستور یافته‌ای، آشکار کن و از مشرکان روی برگردان. (۹۴) بی‌تردید، ما [شرّ] مسخره‌کنندگان را از تو دور می‌کنیم. (۹۵) همان کسانی که [برای خود،] با الله، معبود دیگری قرار می‌دهند؛ پس به زودی [نتیجهٔ شرکِ خویش را] خواهند دانست. (۹۶) و [ای پیامبر،] یقیناً ما می‌دانیم که تو از آنچه آنان [= کافران] می‌گویند آزرده‌خاطر می‌گردی. (۹۷) پس به ستایش پروردگارت تسبیح بگو و از سجده‌کنندگان باش. (۹۸) و تا هنگامی که مرگت فرامی‌رسد پروردگارت را عبادت کن. (۹۹)

سورهٔ نحل

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[ای کافران، لحظهٔ وقوع قیامت و] فرمانِ الله [برای عذابتان] نزدیک شده است؛ پس برای [رسیدنِ] آن شتاب نکنید. او منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند برتر است. (۱) [الله] به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هر یک از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند [با این پیام] که: «[ای پیامبران، مردم را از شرک به الله] بیم دهید [و به آنان بگویید که] معبودی [به‌حق] جز من نیست؛ پس [ای مردم،] از من پروا کنید». (۲) او تعالی آسمان‌ها و زمین را به‌حق [و هدفمند] آفرید [و] از چیزهایی که [با وی] شریک می‌سازند برتر است. (۳) [الله] انسان را از نطفه‌ای آفرید و ناگهان او ستیزه‌گری سرسخت و آشکار شد. (۴) و چهارپایان را برایتان آفرید که در آنها پوشش [گرم] و منافع [دیگری] است و از [گوشت برخی از] آنها می‌خورید. (۵) و در آنها زیبایی [و شکوه] برایتان است، آنگاه که [آنها را شامگاهان] از چَرا بازمی‌آورید و [بامدادان] برای چَرا [به صحرا] می‌فرستید. (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩٢ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: «الله برای کسب خبر و آگاهی، از آنان نمی‌پرسد که آیا: فلان کار و فلان کار را انجام داده‌اید؟ زیرا الله تعالی از همه‌چیز آگاه است. بلکه برای سرزنش و توبیخ از آنان سوال می‌کند». قرطبی: ۱۲/ ۲۶۰.

پرسش: الله تعالی به چه هدفی در روز قیامت از کافران در مورد اعمال‌شان می‌پرسد؟

۲ ﴿إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ﴾

وعده‌ای از جانب الله به رسولش است که مسخره‌کنندگان هیچ زیانی به او نمی‌رسانند و این‌که الله با کیفرهای متنوعی که بخواهد شر آنان را از او دفع می‌کند. الله این وعده را محقق گردانید؛ زیرا هر کس که آشکارا مرتکب تمسخر رسول الله ﷺ و رسالتش شده، الله او را نابود ساخته و به بدترین روش کشته است. سعدی: ۴۳۵.

پرسش: الله تعالی به رسولش وعده داده که از او در برابر مسخره‌کنندگان محافظت می‌کند. این وعده چگونه محقق می‌شود؟ و حکم کسی که رسول الله ﷺ را مسخره می‌کند چیست؟

۳ ﴿إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ٩٥ ٱلَّذِينَ يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

توصیف مسخره‌کنندگان به شرک، برای دلداری‌دادن به رسول الله ﷺ و آسان‌کردن مأموریت بزرگش است؛ با اشاره به این‌که آنان بر تمسخر رسول الله ﷺ بسنده نکرده‌اند بلکه به انجام گناهی بزرگ - یعنی شرک‌ورزیدن به الله سبحانه - نیز گستاخ شده‌اند. آلوسی: ۱۴/ ۴۴۱.

پرسش: چرا پس از بیان این‌که الله تعالی پیامبرش ﷺ را در برابر شر و آزار مسخره‌کنندگان محافظت می‌کند، صفت شرک به آنان نسبت داده شده است؟

۴ ﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ﴾

عمر بن عبدالعزیز رحمه الله می‌گوید: «یقینی شبیه‌تر به شک از یقین مردم به مرگ ندیده‌ام، اما باز هم برایش آماده نمی‌شوند». یعنی گویی در مورد مرگ تردید دارند. قرطبی: ۱۲/ ۲۶۵.

پرسش: نامیده‌شدن مرگ به یقین در این آیه چه نکته‌ای برای مومن در بر دارد؟

۵ ﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ﴾

الله تعالی از قرب و نزدیک‌شدن قیامت خبر می‌دهد. این خبر با صیغهٔ ماضی که بر قطعیت و وقوع حتمی دلالت دارد بیان شد. ابن کثیر: ۲/ ۵۴۱.

پرسش: چرا الله تعالی با صیغهٔ ماضی فرمود ﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ﴾ و نفرمود: «سيأتي أمر الله»؟ انسان مؤمن چه فایده‌ای از این بیان می‌برد؟

۶ ﴿يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ﴾

وحی به این سبب روح نامیده شد که دل‌ها را زنده می‌کند. بغوی: ۲/ ۶۰۴.

پرسش: چرا الله تعالی وحی را روح نامید؟

۷ ﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۖ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٥ وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ﴾

این سوره، سورهٔ النعم نیز نامیده می‌شود؛ زیرا الله تعالی در ابتدای آن، اصول و قواعد نعمت‌ها و در پایان آن تکمله‌ها و متممات نعمت‌ها را بیان کرده است. سعدی: ۴۳۵- ۴۳۶.

پرسش: به چه دلیل سورهٔ نحل، سورهٔ النعم نامیده شده است؟

سورتا (الحجر، النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٧)

ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ ٩١ فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ٩٢ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٣ فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ
عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٩٤ إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ٩٥ ٱلَّذِينَ
يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٩٦ وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ
أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن
مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٩٨ وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ ٩٩

سُورَةُ النَّحۡلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ
١ يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ
عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ٢ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣ خَلَقَ
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ٤ وَٱلۡأَنۡعَٰمَ
خَلَقَهَاۖ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ
٥ وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ ٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عِضِينَ	بخش بخش؛ برخی گفتند: جادوست. برخی گفتند: کهانت است. و از این قبیل سخنان.
فَٱصۡدَعۡ	آشکار کن.
بِٱلرُّوحِ	با وحی.
خَصِيمٞ	دشمنی سرسخت.
تُرِيحُونَ	شامگاه آن‌ها را به آغل‌های‌شان بازمی‌گردانید.
تَسۡرَحُونَ	صبحگاه آن‌ها را برای چرا بیرون می‌برید.

عمل به آیات

۱. با یکی از دوستان یا خویشاوندانت در اجرای فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر مشارکت کن، ﴿فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۲. نعمت‌های مذکور در سورهٔ نحل را جمع کن، سپس در آن‌ها بیندیش تا هدف این سوره، یعنی برشمردنِ نعمت‌ها را دریابی، ﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۖ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ﴾

۳. متنی در مورد نشانه‌های قیامت صغری و کبری بخوان، ﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُ﴾

رهنمودها

۱. اعلام و بیان حق اهمیت دارد؛ به‌خصوص زمانی که فشار و آزار و اذیتی به همراه نداشته باشد که این امر بر مصلحت بیان حق می‌افزاید، ﴿فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۲. تسبیح و سجده، سینه را می‌گشاید و تنگ‌نظری و کدورت را از نفس برطرف می‌کند، ﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ﴾

۳. عبادت تا زمان مرگ باید ادامه داشته باشد، ﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٨)

وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ
ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٧ وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ
وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨
وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ
أَجۡمَعِينَ ٩ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم
مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ ١٠ يُنۢبِتُ لَكُم
بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ
ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ
١١ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ
وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ١٢ وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا
أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ١٣
وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا
وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ
فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَثۡقَالَكُمۡ	بارهای سنگین‌تان.
جَآئِرٞ	رویگردان از حق.
فِيهِ تُسِيمُونَ	حیوانات خودتان را میان درختان می‌چرانید.
ذَرَأَ	آفرید.
مَوَاخِرَ فِيهِ	کشتی‌های روان در دریا که سطح آب را می‌شکافند.
رَوَٰسِيَ	کوه‌هایی استوار.

عمل به آیات

۱. سه مورد از نعمت‌هایی را که الله تعالی از طریق حیوانات سواری به ما بخشیده است برشمار، سپس شکر الله تعالی را در قبال این نعمت‌ها به جای آور، ﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۲. هر گاه بر حیوانی سوار شدی بگو: «بِسْمِ اللهِ، الْحَمْدُ لِلهِ، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» [صحیح؛ ابوداود: ۲۶۰۲]، ﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۳. در گیاهان و میوه‌های مختلفی که با یک آب آبیاری می‌شوند بیندیش و شکر الله تعالی را در قبال نعمت‌هایش به جای آور، ﴿يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

رهنمودها

۱. برای ایجاد نعمت‌های الله تعالی بر بندگان، آب از آسمان نازل می‌شود، و زندگی همه‌چیز به آب بستگی دارد، ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ﴾

۲. ستارگان، اختیار خودشان را نیز ندارند، پس به طریق اولی به دیگران سود و زیان نمی‌رسانند، بنابراین دعا باید متوجه الله سبحانه باشد، ﴿وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓ﴾

۳. بنده‌ای سپاس‌گزار باش؛ یعنی هر گاه نعمتی به تو رسید، از الله تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

ترجمه آیات

[آنها] بارهای سنگین شما را [از شهری] به شهری [دیگر] می‌بَرند که [اگر چنین نمی‌کردند،] جز با زحمتی جانکاه نمی‌توانستید به آنجا برسید. به راستی که پروردگارتان دلسوز و مهربان است. (۷) و اسبان و قاطِران و خران را [نیز آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [نیز برایتان مایهٔ] تجمل [است] و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید. (۸) بر الله است که راهِ راست [= اسلام] را [به بندگانش بنمایاند] و برخی از آن [راه‌ها] بیراهه است؛ و اگر [الله] می‌خواست، همهٔ شما را هدایت می‌کرد. (۹) او همان ذاتی است که آبی از آسمان فروفرستاد که آشامیدنیِ شما از آن است و [گیاه و] درختی که [چهارپایان خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن [آب] است. (۱۰) [الله] به وسیله آن، کِشت و زیتون و درختان خرما و انگور و همه نوع محصولات [و میوه‌های دیگر] برایتان می‌رویانَد. به راستی که در اینها برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است. (۱۱) و شب و روز و خورشید و ماه را به خدمتتان گماشت؛ و ستارگان [نیز] به فرمانش در خدمت [انسان] هستند. بی‌تردید، در این [آفرینش،] برای مردم که خردورزی می‌کنند نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است. (۱۲) و آنچه را که در زمین به رنگ‌های گوناگون برایتان آفرید [نیز به خدمت شما گماشت]. بی‌تردید، در این [امور،] برای مردمی که پند می‌گیرند، نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است. (۱۳) اوست که دریا را به خدمتتان گماشت تا از [صیدِ] آن، گوشت تازه بخورید و زیوری [همچون مروارید و مرجان] از آن بیرون می‌آورید که می‌پوشید؛ و کشتی‌ها را در آن [دریا] می‌بینی که [امواج را] می‌شکافند تا شما از فضل [و بخشش] الله بهره‌مند گردید و باشد که سپاس گزارید. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗ﴾

یعنی: گاهی برای نیاز از آن‌ها سواری می‌گیرید و گاهی از آن‌ها برای زیبایی و زینت استفاده می‌کنید. خوردن را بیان نکرد چون خوردن قاطر و الاغ حرام است و اسب نیز غالبا برای خوردن استفاده نمی‌شود. سعدی: ۴۳۶.

پرسش: چرا از میان منافع حیوانات مذکور، منفعت خوردن بیان نشد؟

۲ ﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ﴾

﴿وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ﴾: «و [برای حمل و نقل و طی کردن مسافت شما، الله] چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید»؛ و آن ابزار وسایلی است که مردم پس از نزول قرآن در خشکی و دریا و فضا بر آن‌ها سوار می‌شوند و آن‌ها را در راستای منافع و مصالح خویش به‌کار می‌گیرند. نام این چیزها به این دلیل به طور مشخص ذکر نشد که الله تعالی در کتاب خویش فقط مواردی را بیان می‌کند که بندگان، خود آن موارد یا نظیرشان را می‌شناسند. اگر چیزی را که مانند ندارد بیان می‌فرمود مردم نمی‌شناختند و مراد از آن را نمی‌فهمیدند؛ بنابراین اصل جامعی را بیان فرمود که تمام آن‌چه را که مردم می‌شناسند و تمام آن‌چه را که نمی‌شناسند فرا می‌گیرد. چنان‌که در بیان نعمت‌های بهشتی، از مواردی که می‌شناسیم و مشاهده می‌کنیم مانند خرما و انگور و انار نام می‌برد و آن‌چه را که مانندی برایش نمی‌شناسیم به صورت مجمل می‌گذارد. سعدی: ۴۳۶.

پرسش: قرآن چه روشی برای بیان نعمت‌های غیبی به کار می‌گیرد؟

۳ ﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ۝٨ وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞ﴾

الله تعالی پس از بیان حیواناتی که در راه‌های حسی از آن‌ها سواری گرفته می‌شود، بر راه‌های معنوی دینی آگاه کرد. در مواضع زیادی از قرآن کریم این جابه‌جایی از امور حسی به امور سودمند دینی مشاهده می‌شود. ابن کثیر: ۲/ ۵۴۴.

پرسش: چه رابطه‌ای میان دو آیهٔ مذکور وجود دارد؟

۴ ﴿وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

پس از بیان نعمت آسان‌سازیِ راه‌های رسیدن به اهداف جسمانی، به یادآوری راه‌های رسیدن به اهداف روحانی که همان راه‌های هدایت است پرداخت. پیمان الله در این مورد، مهم‌تر از مهیاکردن راه‌های جسمانی است؛ زیرا سعادت ابدی، با پیمودن راه سعادت به دست می‌آید. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۱۲.

پرسش: نعمت‌های حسی بزرگ‌تر است یا روحی؟ چرا؟

۵ ﴿وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ﴾ یعنی بر الله است که راه هدایت را با برپایی دلایل و ارسال رسولان استوار نگه دارد. ابن جزی: ۱/ ۴۵۹.

پرسش: یکی از مظاهر رحمت الله در آیه بیان شده است. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَا﴾

تسخیر دریا عبارت است از: قدرت‌دادن به انسان برای تصرف در دریا و رام‌کردن دریا برای سواری و نزدیک‌شدن کشتی به ساحل و... . این مورد یکی از نعمت‌های الله بر ما است و الله اگر بخواهد آن را بر ما مسلط می‌کند و ما را غرق می‌گرداند. قرطبی: ۱۲/ ۲۹۴.

پرسش: نعمت رام‌کردن دریا توسط الله تعالی بر بندگانش را توضیح دهید؟

۷ ﴿وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ﴾

﴿وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ﴾ قتاده می‌گوید: روی‌آورنده و عقب‌رونده؛ یعنی دو کشتی می‌بینی: یکی پیش می‌آید و دیگری عقب می‌رود در حالی که هر دو با یک باد حرکت می‌کنند. بغوی: ۶۰۸/۲.

پرسش: بزرگی نعمت و قدرت الله در رام‌کردن کشتی‌ها را بیان کنید؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٦٩)

وَأَلْقَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَٰرًا وَسُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَٰمَٰتٍۚ وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ
﴿١٦﴾ أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن
تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٨﴾
وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـٔٗا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ
غَيْرُ أَحْيَآءٖۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٞ
وَٰحِدٞۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٞ وَهُم
مُّسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُم
مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوٓاْ
أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةٗ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم
بِغَيْرِ عِلْمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ ٱلْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ
مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

ترجمه آیات

و کوه‌های استوار [و محکمی] در زمین درافکند که مبادا شما را بلرزاند و جویبارها و راه‌ها[یی پدید آورد] تا [بدون گم‌شدن،] راه خود را بیابید. (۱۵) و نشانه‌هایی [برای یافتن مسیرها در طول روز آفرید] و توسط ستاره[ها نیز در شب] راه‌یابی می‌کنند. (۱۶) آیا آن ذاتی که می‌آفریند همچون کسی است که [هیچ] نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ (۱۷) اگر [بخواهید] نعمت[های] الله را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به شمارش درآورید. بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۸) و الله آنچه پنهان می‌کنید و آشکار می‌سازید، [همه را] می‌داند. (۱۹) و آنهایی را که [مشرکان] به جای الله [به یاری و دعا] می‌خوانند، چیزی را نمی‌آفرینند و خود آفریده می‌شوند. (۲۰) [این معبودها در حقیقت،] مُرده‌اند نه زنده؛ و خود نمی‌دانند که چه هنگام برانگیخته می‌شوند. (۲۱) معبود شما، معبودی یگانه است؛ و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان انکارکننده[ی حق] است و خود متکبرند. (۲۲) قطعاً الله آنچه را پنهان می‌کنند و آشکار می‌سازند [همه را] می‌داند. بی‌تردید، او متکبران را دوست ندارد. (۲۳) هنگامی که به آنان گفته می‌شود: «پروردگارتان چه چیزی نازل کرده است؟» می‌گویند: «افسانه‌های [خیالی] پیشینیان». (۲۴) [همچنان در کفر می‌مانند] تا روز قیامت، [هم] بارِ گناهان خود را به تمامی بر دوش کشند و [هم بخشی] از بارِ گناهان کسانی را که از روی نادانی [و تقلید] گمراهشان کرده‌اند. هان! چه بد است آنچه بر دوش می‌کشند! (۲۵) در حقیقت، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] نیرنگ [و بداندیشی] کردند؛ اما فرمان الله دررسید که بنیادشان را از اساس برانداخت و سقف بر سرشان فرو ریخت و از [همان] جایی که گمان نمی‌کردند عذاب دامنگیرشان شد. (۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَلْقَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَٰرًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾

این آیه بهترین دلیل بر جواز استفاده از اسباب است. قرطبی: ۱۲/ ۳۰۵.

پرسش: آیا توکل بر الله با به‌کارگیری اسباب منافات دارد؟ توضیح دهید.

۲ ﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ﴾ و اگر [بخواهید] فقط نعمت‌های الله را بدون سپاس‌گزاری بشمارید ﴿لَا تُحْصُوهَآ﴾ نمی‌توانید آن‌ها را بشمارید، چه رسد به این‌که شکر آن‌ها را نیز به جای آورید؛ زیرا نعمت‌های پنهان و آشکار الله تعالی بر بندگان به تعداد نفس‌ها و لحظات است که برخی از این نعمت‌ها را بندگان می‌شناسند و از برخی دیگر آگاه نیستند. همچنین عذاب‌هایی که از بندگان دفع می‌کند بیش از آن هستند که در شمار آیند، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ در برابر نعمت‌های فراوانش، از سپاس‌گزاری اندک شما نیز خوشنود می‌شود. سعدی: ۴۳۷.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿غَفُورٞ﴾ و ﴿رَحِيمٞ﴾ پایان یافت؟

۳ ﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

الله تعالی از ابتدای سوره تا این‌جا برای استدلال به یگانگی خویش، انواعی از مخلوقاتش را بیان کرد؛ بنابراین در ادامه فرمود: ﴿أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ﴾. در این آیات شماری از نعمت‌های الله بر بندگانش نیز بیان شده و به همین منظور سخن را با این عبارت ادامه داد: ﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ﴾ و پس از آن فرمود: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ یعنی کوتاهی شما در سپاس‌گزاری از نعمت‌هایش را می‌بخشد. ابن جزی: ۱/ ۴۶۰.

پرسش: چرا الله تعالی سخن خودش را با عبارت ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ پیگیری کرد؟

۴ ﴿وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ﴾

الله تعالی خبر می‌دهد که امور نهان و رازها را همانند امور آشکار می‌داند، و در روز قیامت جزای هر کسی را بر اساس عملش به او خواهد داد؛ اگر عمل خیر باشد جزای خیر و اگر بد باشد جزای بد می‌دهد. ابن کثیر: ۲/ ۵۴۶.

پرسش: این امر که الله تعالی امور نهان و آشکار را می‌داند چه فایدهٔ عملی دارد؟

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـٔٗا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٖۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾

بعضی از اشیای بی‌جان هستند که احتمال جریان زندگی در آن‌ها وجود دارد مانند نطفه؛ بنابراین عبارت ﴿غَيْرُ أَحْيَآءٖ﴾ آمد تا چنین مواردی از موضوع خارج شوند؛ مثل این است که گفته شود: اینان مردگانی هستند که در آینده نیز قابلیت زندگی را ندارند. آلوسی: ۱۴/ ۴۸۵.

پرسش: چرا برای توصیف معبودان مشرکان، برای تاکید بر واژهٔ ﴿أَمْوَٰتٌ﴾ قید ﴿غَيْرُ أَحْيَآءٖ﴾ آمد؟

۶ ﴿لِيَحْمِلُوٓاْ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةٗ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾

کسی را گمراه می‌کنند که او نمی‌داند که آن‌ها خودشان گمراه و بر باطل هستند. از این امر آگاه می‌کند که انسان خردمند گرفتار نیرنگ‌شان نمی‌شود بلکه فقط افراد نادان و بی‌خرد از آنان تقلید می‌کنند. به‌علاوه، سرزنش بر آنان تشدید شده است؛ زیرا وظیفه داشتند جاهلان را راهنمایی کنند نه این‌که آنان را به گمراهی بکشانند... با استدلال به آیه گفته شده که مقلد باید با تحقیق و بررسی، درست و نادرست را از هم تشخیص دهد و به سبب جهل، معذور به شمار نمی‌رود. آلوسی: ۴۸۹- ۴۹۰.

پرسش: بر اساس آیه، مفاسد جهل و تقلید در امور دینی را بیان کن؟

۷ ﴿وَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾

یعنی از همان جایی که گمان می‌کردند در امان هستند عذاب بر آنان وارد شد. قرطبی: ۱۲/ ۳۱۴.

پرسش: آیا عذاب غالبا از جهاتی می‌آید که ایمن به شمار می‌روند یا از جهاتی که ترس وقوع عذاب از آن‌ها وجود دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَن تَمِيدَ	تا نجنباند و آشفته نکند.
أَيَّانَ	وقت.
لَا جَرَمَ	قطعاً.
أَسَٰطِيرُ	قصص و اباطیل.
أَوْزَارَهُمْ	گناهان‌شان.
فَخَرَّ	سقوط کرد.

عمل به آیات

۱. با ارسال پیامی توضیح بده کسانی که به جای الله تعالی خوانده می‌شوند مالک هیچ سود و زیانی برای خودشان نیستند، چه رسد به این‌که بخواهند به دیگران سود و زیان برسانند، ﴿وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـٔٗا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٖۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾

۲. از تکبر و گردنکشی به الله پناه ببر، ﴿إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ﴾

۳. به خاطر هر پیام یا خبر یا قصهٔ گناه‌آلودی که منتشر کرده‌ای از الله تعالی آمرزش بخواه؛ زیرا گناه این کار و گناه تمام کسانی که تا روز قیامت بر آن عمل کنند بر دوش تو قرار دارد، ﴿لِيَحْمِلُوٓاْ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةٗ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾

رهنمودها

۱. هرگز نخواهی توانست شکر تمام نعمت‌های الله را به جای آوری، اما از بندگانی باش که بسیار سپاس‌گزارند، ﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ﴾

۲. برحذر باش از این‌که روز قیامت گناه دیگران را به دوش بکشی؛ یعنی دیگران را بر گناهی راهنمایی کنی یا گناه را به یاد دیگران آوری، ﴿لِيَحْمِلُوٓاْ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةٗ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ﴾

۳. نیرنگ بد فقط به صاحبانش آسیب می‌رساند، ﴿قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ ٱلْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٠)

ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ
كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ
ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٧ ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡۖ فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۢۚ بَلَىٰٓۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٨ فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٢٩ ۞ وَقِيلَ
لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡۚ قَالُواْ خَيۡرٗاۗ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي
هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۚ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞۚ وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ
٣٠ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ
لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَۚ كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣١
ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ
ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٣٢ هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن
تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ أَمۡرُ رَبِّكَۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِهِمۡۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٣٣
فَأَصَابَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُخۡزِيهِمۡ	آنان را رسوا و با عذاب، خوار می‌گرداند.
تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡ	به خاطر آنان، با پیامبران جنگ و مجادله می‌کردید.
فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ	تسلیم فرمان الله می‌شوند.
مَثۡوَى	جایگاه.
يَنظُرُونَ	انتظار می‌کشند.
وَحَاقَ	فرا گرفت.

عمل به آیات

۱. پیوسته در جستجوی علم باش و امروز در یک کلاس درس حاضر شو یا به یک سخنرانی گوش بده یا کتابی بخوان؛ زیرا الله تعالی درجهٔ علما را در دنیا و آخرت بالا می‌برد، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۲. چند عمل را که سبب ورود به بهشت هستند مشخص کن و امروز یکی از آن‌ها را انجام بده، ﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

۳. عاقبت نیکو را از الله تعالی بخواه، ﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از روش‌های بازیچه‌قراردادن خِردهای ضعیف توسط شیطان این است که این وسوسه را القا می‌کند که پایبندی به وحی به معنای عقب‌ماندگی است، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

۲. علمای ربانی در روز قیامت بر اعمال مردم دنیا گواهی می‌دهند، بنابراین در شناخت آن‌چه الله تعالی دوست دارد و می‌پسندد، در دنیا از این علما پیروی کن، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۳. مبادا دعوتگران به سوی الله تعالی یا علمای مصلح را مسخره کنی، ﴿فَأَصَابَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾

ترجمه آیات

سپس روز قیامت، [الله با عذابی دردناک،] آنان را خوار می‌سازد و می‌فرماید: «کجا هستند شریکان من که دربارهٔ آنان [با پیامبران و مؤمنان] ستیز می‌کردید؟» کسانی که به آنان علم داده شده است [= علمای ربانی] می‌گویند: «امروز خواری و عذاب، نصیب کافران است». (۲۷) [همان] کسانی که فرشتگان [عذاب،] در حالی جانشان را می‌گیرند که [به سبب شرک در دنیا] به خود ستم کرده بودند. [آنان در هنگام مرگ] سرِ تسلیم فرود می‌آورند [و می‌گویند:] «ما هیچ [کارِ] بدی نمی‌کردیم. آری، مسلماً الله به آنچه می‌کردید داناست. (۲۸) پس، از دروازه‌های دوزخ وارد شوید [که] جاودانه در آن خواهید بود؛ و به راستی، جایگاه گردنکشان چه بد است! (۲۹) و به کسانی که پرهیزگاری کردند گفته می‌شود: «پروردگارتان [بر پیامبر] چه چیز نازل کرده است؟» آنان می‌گویند: «خیر [و نیکوییِ بسیار]». برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند، [پاداش] نیکویی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است؛ و به راستی، چه نیکوست سرای پرهیزگاران! (۳۰) [جایگاهشان،] باغ‌هایی [از بهشت] جاودان است که به آن وارد می‌شوند. از زیر [درختانِ] آن جویبارها جاری است [و] در آنجا هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است. الله پرهیزگاران را اینچنین پاداش می‌دهد. (۳۱) [همان] کسانی که فرشتگان در حالی جانشان را می‌ستانند که [از آلودگیِ کفر و گناه] پاکند [و به آنان] می‌گویند: «درود بر شما. به [پاداش] آنچه می‌کردید [اینک] به بهشت درآیید». (۳۲) آیا [کافران] جز این انتظار دارند که فرشتگان [برای قبض روح] به سراغشان بیایند یا فرمان پروردگارت [برای عذابشان] بیاید؟ کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] چنین می‌کردند و الله به آنان ستم نکرد؛ بلکه آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند. (۳۳) پس [کیفر] بدی‌هایی که مرتکب شده بودند گریبانگیرشان شد و آنچه که آن را مسخره می‌کردند آنان را فروگرفت. (۳۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

آیه فضیلت علما را بیان می‌کند و این‌که آنان در این دنیا و روزی که گواهان به پا خیزند سخن حق را می‌گویند و سخن‌شان نزد الله و نزد مخلوقاتش معتبر است. سعدی: ۴۳۹.

پرسش: کدام یک از فضایل علما در این آیه بیان شده است؟

۲ ﴿فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۢۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

این انکار در یکی از ایستگاه‌های قیامت انجام می‌شود و مشرکان کارهایی را که در دنیا انجام داده‌اند انکار می‌کنند با این گمان که این کار برای‌شان فایده دارد، اما وقتی که اعضای بدن‌شان علیه آنان گواهی دهد و اعمال‌شان مشخص شود اقرار و اعتراف می‌کنند؛ بنابراین قبل از ورود به جهنم، به گناهان‌شان اعتراف می‌کنند. سعدی: ۴۳۹.

پرسش: این‌که مشرکان در روز قیامت اعمال‌شان را هم انکار و هم به آن اعتراف می‌کنند چگونه قابل جمع است؟

۳ ﴿فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ﴾

هر یک از جهنمیان از دری که مناسب حال خودش است واردِ آن می‌شود. سعدی: ۴۳۹.

پرسش: جهنمیان از کدام یک از هفت دروازهٔ جهنم وارد می‌شوند؟

۴ ﴿فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾

در روز مرگ کافران، ارواح‌شان وارد جهنم می‌شود و باد گرم و مهلک جهنم در قبر به بدن‌شان می‌رسد. سپس در روز قیامت ارواح آنان وارد بدن‌های‌شان می‌شود و برای همیشه در آتش جهنم می‌مانند. ابن کثیر: ۲/ ۵۴۸.

پرسش: کافر پس از مرگ دو مرحله عذاب می‌بیند. این دو مرحله چیست؟

۵ ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡۚ قَالُواْ خَيۡرٗاۗ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۚ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞۚ وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

نیکی دنیا به معنای زندگی پاکیزه و زیبایی‌های دنیا که الله برای‌شان فراهم ساخته، در کنار نعمت ایمان است. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۴۲.

پرسش: منظور از نیکی دنیا که در آیه بیان شده چیست؟

۶ ﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَۚ كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

برخی گفته‌اند بنابر قرینهٔ مقامی، تقدیم ﴿فِيهَا﴾ برای حصر و ﴿مَا﴾ برای عموم است؛ بنابر این دیدگاه، انسان تمام خواسته‌هایش را فقط در بهشت می‌یابد. در این نکته بیندیش. آلوسی: ۱۴/ ۵۰۰.

پرسش: انسان مومن به آن دسته از نعمت‌های دنیوی که نصیب او نشده است چگونه می‌نگرد؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ﴾

دل‌های‌شان به سبب معرفت و محبت الله و زبان‌های‌شان بر اثر ذکر و ستایش الله و اعضای‌شان با انجام طاعت الله و روی‌آوردن به سوی او پاکیزه شده است. سعدی: ۴۳۹.

پرسش: چگونه نفس انسان هنگام مرگ پاکیزه می‌شود؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧١)

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن
شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ
فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ
(٣٥) وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ
حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ (٣٦) إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ
فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (٣٧)
وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ
وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ (٣٨)
لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ
أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ (٣٩) إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ
لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (٤٠) وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ
لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ
يَعۡلَمُونَ (٤١) ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ (٤٢)

ترجمه آیات

و کسانی که شرک ورزیدند گفتند: «اگر الله می‌خواست، نه ما و نه پدرانمان چیزی را غیر از او عبادت نمی‌کردیم و چیزی را جز به [خواست و فرمان] او حرام نمی‌کردیم». کسانی که پیش از آنان بودند نیز چنین کردند؛ پس آیا پیامبران وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] دارند؟ (۳۵) یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: «الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید». الله برخی از آنان را هدایت کرده است و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهی شدند. پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجامِ تکذیب‌کنندگان [آیات الهی] چگونه بوده است. (۳۶) [ای پیامبر،] هر اندازه بر هدایت آنان مشتاق باشی [سودی ندارد؛ زیرا] الله کسی را که گمراه نماید، هدایت نخواهد کرد و آنان [هیچ] یاوری ندارند. (۳۷) [مشرکان] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند خوردند که: «الله کسی را که می‌میرد برنمی‌انگیزد». آری، این [برانگیختنِ مردگان]، وعده‌ای است که به‌حق بر عهدهٔ اوست؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۸) [او مردگان را زنده می‌کند] تا سرانجام [حقیقتِ] آنچه را که در آن اختلاف می‌کنند برایشان روشن سازد و تا کسانی که کفر ورزیدند بدانند که دروغگو بوده‌اند. (۳۹) سخن ما دربارهٔ چیزی که آن را اراده کرده‌ایم فقط این است که به آن می‌گوییم: «موجود شو»، پس بی‌درنگ موجود می‌شود. (۴۰) و کسانی که در [راه] الله ـ پس از آنکه مورد ستم واقع شدندـ هجرت کردند، قطعاً در دنیا [در سرزمین و] مکانی نیکو آنان را جای می‌دهیم؛ و یقیناً پاداش آخرت بزرگ‌تر است. اگر [کسانی که از هجرت امتناع کردند، پاداش این کار را] می‌دانستند، [هرگز از هجرت بازنمی‌ماندند]. (۴۱) [مهاجران در راه الله،] کسانی [هستند] که شکیبایی نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۴۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾

الله تعالی از زمان ایجاد شرک در میان آدمیزاد پیوسته رسولان را به سوی مردم می‌فرستاد؛ یعنی از دوران نوح علیه السلام که نخستین رسول به سوی ساکنان زمین بود تا زمان خاتم پیامبران -صلوات الله علیه وعلیهم-. تمام پیامبران دعوت واحدی داشتند چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ (٢٥)﴾ [الأنبياء: ۲۵] «و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن‌که به او وحی کردیم که (به مردم بگوید): معبودی (به‌حق) جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید» و نیز آن‌گونه که در این آیه به ما خبر داد. با این وجود، هیچ یک از مشرکان این حق را ندارد که بگوید: ﴿لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ﴾. قاسمی: ۴/ ۵۱۶.

پرسش: پیاپی آمدن رسولان از زمان نوح علیه السلام تا زمان پیامبر اسلام ﷺ برای امری واحد، چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

شگفتی از این جهت است که تعظیم الله را آشکار می‌کردند و به او تعالی سوگند یاد می‌نمودند، اما او را از زنده‌گردانیدن مردگان ناتوان می‌دانستند. قرطبی: ۱۲/ ۳۲۴.

پرسش: سوگند تکذیب‌کنندگان که در آیه بیان شده، از چه نظر مایهٔ تعجب و شگفتی است؟

۳ ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ﴾

آن‌گاه که فرمان پروردگارت فرا رسد و کافران اعمال‌شان را ببینند که مایهٔ حسرت‌شان شده و معبودهای‌شان که آن‌ها را همراه الله می‌خواندند هیچ سودی به آنان نمی‌رسانند و آن‌چه را که [به جای الله] عبادت می‌کردند هیزم جهنم گشته است و خورشید و ماه بی‌نور و ستارگان پراکنده گردد و برای عبادتگذارانشان مشخص شود که این‌ها بندگانی رام هستند و در تمام احوال به الله تعالی نیاز دارند. سعدی: ۴۴۰.

پرسش: کافران در روز قیامت چگونه می‌فهمند که سران‌شان دروغ می‌گفتند؟

۴ ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

احتمال دارد سبب نزول این آیهٔ کریمه در مورد مهاجران به حبشه باشد که مساکن و اموال‌شان را رها کردند و الله تعالی بهتر از آن را در دنیا به آنان بخشید؛ زیرا هر کس چیزی را به خاطر الله رها کند، الله بهتر از آن را به او می‌دهد، و چنین نیز شد... ﴿لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾ یعنی اگر بازماندگان از هجرت با آنان، می‌دانستند که الله تعالی برای کسی که از او اطاعت و از رسولش پیروی کند چه پاداشی ذخیره کرده است. ابن کثیر: ۲/ ۵۵۱.

پرسش: بر اساس آیه این مطلب را توضیح بده که هر کس چیزی را به خاطر الله رها کند الله بهتر از آن را به او می‌بخشد.

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

قتاده می‌گوید: اصحاب پیامبر ﷺ مورد نظر هستند که ساکنان مکه به آنان ستم کردند و آن‌ها را از خانه‌های‌شان راندند، تا این‌که گروهی از آنان به حبشه رسید، سپس الله تعالی آنان را در مدینه جای داد؛ یعنی سرای هجرت و یارانی مومن برای‌شان تعیین کرد. قرطبی: ۲/ ۶۱۵.

پرسش: با کدام یک از آیات قرآن کریم به شکنجه‌شدگان و مظلومان امروزی دلداری می‌دهی؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

استعمال فعل ماضی در مورد صبر و فعل مضارع در مورد توکل اشاره دارد به این‌که صبرشان به سرانجام رسیده است؛ زیرا اسبابش از بین رفته و الله تعالی با هجرت انجام‌شده و هجرت پیش‌رو برای‌شان گشایش قرار داده که این امر برای‌شان بشارت است. اما توکل، خوی و عادت آنان است؛ زیرا اعمال بزرگی پیش رو دارند که فقط با توکل بر الله انجام می‌گیرد؛ یعنی آنان توکل را تکرار می‌کنند و این موضوع، بشارتی است برای تضمین پیروزی. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۵۹.

پرسش: چرا فعل مربوط به صبر با صیغهٔ ماضی و فعل مربوط به توکل با صیغهٔ مضارع بیان شد؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

﴿وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾ در تمام امورشان. یکی از محققین گفته است: برگزیده‌ترین مردم کسی است که اگر آسیبی ببیند صبر می‌کند و اگر از انجام کاری ناتوان گردد توکل می‌کند؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾. قرطبی: ۱۲/ ۳۲۸.

پرسش: بارزترین صفات بهترین مردم، به فرمودهٔ الله تعالی چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلطَّٰغُوتَ	آن‌چه که به جای الله عبادت می‌شود.
جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ	با شدیدترین روش، سوگند یاد می‌کنند.
لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ	قطعاً آنان را جای خواهیم داد.
حَسَنَةٗ	سرایی پاکیزه.

عمل به آیات

۱. با پیروی از پیامبران و حرکت بر منهج آنان، مساله‌ای سودمند را به دوستان یا برادرانت برسان، ﴿فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ﴾

۲. سه مورد از اسباب نابودی تکذیب‌کنندگان توسط الله تعالی را بیان کن، ﴿فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾

۳. هدایت منوط به مشیّت و ارادهٔ الله است؛ پس هدایت را فقط از الله بخواه، ﴿إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. در تعلیم و تعلم و دعوت، اهتمام زیادی به توحید الله سبحانه داشته باش، ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾

۲. هر گاه از سرزمین امت‌های پیشین می‌گذری یا مطلبی در مورد آنان می‌خوانی، در احوال آنان بیندیش که این امر سبب ثبوت توحید و استقرار آن در قلب می‌شود، ﴿فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾

۳. در عبادت شکیبا باش، و در تمام امور بر الله سبحانه و تعالی توکل کن؛ زیرا این کار سبب رستگاری است، ﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٢)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ
ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ
ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾
أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ
أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ
فِي تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ
رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴿٤٧﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ
يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ
﴿٤٨﴾ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ
وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ﴿٥٠﴾ ۞ وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ
ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ﴿٥١﴾ وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا بِكُم مِّن
نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ إِذَا
كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ﴿٥٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلزُّبُرِ	کتاب‌های آسمانی.
مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ	نیرنگ‌ها چیدند.
يَتَفَيَّؤُاْ	مایل می‌شود.
دَٰخِرُونَ	در برابر عظمت الله فروتن هستند.
وَاصِبًا	ابدی.
تَجۡـَٔرُونَ	با زاری به سوی او دعا می‌کنید.

عمل به آیات

۱. یک یا چند حدیث از کتاب التفسیر صحیح بخاری بخوان و بیندیش که رسول الله ﷺ چگونه قرآن را تبیین می‌کند، ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۲. معنای دو اسم الله تعالی: ﴿رَءُوفٞ﴾ و ﴿رَّحِيمٌ﴾ را بیاموز و الله تعالی را با این دو نام بخوان، ﴿فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

۳. نعمتی بزرگ را که الله تعالی به تو بخشیده است به یاد بیاور، سپس بگو: «الله این نعمت را به من بخشید» و از نسبت دادن آن به مردم یا به خودت بپرهیز، ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ﴾

رهنمودها

۱. در مورد هر مسأله‌ای که نمی‌دانی باید به متخصص رجوع کنی، و هیچ‌چیزی را از جانب خودت ارائه ندهی، ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۲. بدون شناخت سنت نبوی، هرگز به مقاصد و ظرائف قرآن کریم دست نخواهی یافت، ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۳. هر کس بر معصیتی اصرار ورزد، الله او را از جایی که احساس نمی‌کند و انتظارش را نمی‌کشد، عذاب می‌کند، ﴿أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ﴾

ترجمه آیات

و [ای پیامبر،] ما پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم [کسی را به رسالت] نفرستادیم؛ پس [ای مشرکان،] اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر [= دانشمندان اهل کتاب] بپرسید. (۴۳) [آن پیامبران را] با دلایل روشن و کتاب‌ها[ی آسمانی فرستادیم]؛ و [ما این] قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده است روشن سازی؛ باشد که [در مفاهیمش] بیندیشند. (۴۴) آیا کسانی که بداندیشی [و توطئه] کردند، ایمن هستند [از این] که الله [همهٔ] آنان را در زمین فروبَرد یا عذاب [الهی] از جایی که نمی‌دانند [به سراغشان] بیاید؟ (۴۵) یا [آنکه] به هنگام رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد؟ پس آنان مانع [رسیدن عذاب] نیستند. (۴۶) یا [آنکه عذاب الهی] در حالی که [از آن] می‌ترسند گریبانگیرشان شود؟ پس بی‌تردید، پروردگارتان دلسوزِ مهربان است [که در مجازات شما شتاب نمی‌کند]. (۴۷) آیا آنان به چیزهایی [همچون درختان و کوه‌ها] که الله آفریده است نمی‌نگرند که [چگونه با حرکت خورشید و ماه] سایه‌هایشان از راست و چپ می‌گسترد و در حالی برای الله سجده می‌کنند که [در برابر عظمتش] خاکسارند؟ (۴۸) و هر چه در آسمان‌ها و زمین است ـ از جنبندگان و فرشتگان ـ [همگی] برای الله سجده می‌آورند و گردنکشی نمی‌کنند. (۴۹) [فرشتگان] از پروردگار خویش که [به ذات و غلبه و قدرتش] بالای آنان است می‌ترسند و آنچه را فرمان داده می‌شوند انجام می‌دهند. (۵۰) و الله فرمود: «دو معبود [را برای خود به عبادت] نگیرید. جز این نیست که [معبود شما] همان الله یکتاست؛ پس تنها از من پروا کنید». (۵۱) و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست و عبادت و فرمانبرداری [نیز] همیشه و پیوسته برای اوست. آیا از غیر الله پروا می‌کنید؟ (۵۲) و [ای مردم،] هر نعمتی که دارید، از سوی الله است؛ به علاوه، وقتی گزندی به شما می‌رسد، به پیشگاه او ناله و زاری می‌کنید. (۵۳) سپس وقتی آن گزند را از شما برطرف ساخت، گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌ورزند. (۵۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

آیه به صورت ضمنی، عدالت علما را تأیید و آنان را تزکیه می‌کند؛ زیرا به پرسیدن از آنان دستور داده است؛ و این‌که با این کار، مسئولیت از دوش جاهل برداشته می‌شود؛ بنابراین دلالت دارد بر این‌که الله تعالی علما را امانتدار وحی و قرآن قرار داده است. سعدی: ۴۴۱.

پرسش: توضیح دهید که آیه بر فضیلت علما دلالت دارد.

۲ ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ﴾

برترین اهل ذکر [= علم]، اهل قرآن عظیم هستند؛ و در حقیقت عالمان قرآن، اهل علم حقیقی هستند و از دیگران برای نامیده‌شدن به عنوان (اهل الذکر) شایسته‌تر و اولی‌تر هستند؛ از این رو الله تعالی فرمود: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ﴾ یعنی: قرآن را بر تو نازل کردیم. سعدی: ۴۴۱.

پرسش: برترین عالم کسی است که به قرآن نزدیک‌تر باشد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

عبارت ﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ﴾ دو وجه دارد: وجه اول به معنای «علی تنقص» است؛ یعنی اموال و افرادشان را به تدریج می‌گیرد تا نابود شوند بدون این‌که همگی را یکباره از بین ببرد؛ از این رو فرمود: ﴿فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾ زیرا چنین گرفتنی آسان‌تر از سایر انواع است. معنای تخوف در این آیه بر عمر بن خطاب رضی الله عنه مشتبه شد تا این‌که شخصی از قبیلهٔ هذیل گفت: تخوف در زبان ما به معنای تنقص (گرفتن اندک اندک و به تدریج) است. وجه دوم این است که از خوف گرفته شده؛ یعنی قبل از آنان قومی را نابود می‌کند تا از نابودی آنان بترسند، پس وقتی که عذاب را انتظار کشیدند و از آن ترسیدند آنان را می‌گیرد. ابن جزی: ۱/ ۴۶۵.

پرسش: عبارت ﴿يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ﴾ به چه معناست؟

۴ ﴿أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾

الله مهربان و بخشنده است؛ در نزول کیفر گناهکاران عجله نمی‌کند، بلکه به آنان مهلت و سلامتی و روزی می‌بخشد، در حالی که آنان به او تعالی و دوستانش آزار می‌رسانند. با این وجود، الله درهای توبه را به روی‌شان می‌گشاید و آنان را به ترک بدی‌ها که مایهٔ زیان‌شان است فرا می‌خواند و در قبال این کار، بهترین نعمت‌ها و آمرزش گناهان‌شان را به آنان وعده می‌دهد. سعدی: ۴۴۱.

پرسش: چرا آیات تهدید با اسمای دلالت‌کننده بر رحمت به پایان رسید؟

۵ ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ﴾

این آیه به اتفاق سجده دارد و حکمت سجده در این‌جا آن است که مومن اظهار دارد در گروه تحسین‌شده و شبیه فرشتگان در گزاردن سجده برای الله تعالی قرار دارد. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۷۱.

پرسش: حکمت ادای سجدهٔ تلاوت هنگام قرائت این آیه چیست؟

۶ ﴿وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ﴾

در این‌جا فقط به ترساندن از الله به تنهایی بسنده شد، اما این نکته را نیز می‌رساند که فقط باید به او امید بست؛ زیرا منحصرکردن ترس در ترس از الله، بر اعتقاد به اختصاص قدرت کامل به او تعالی دلالت دارد. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۷۴.

پرسش: چرا فقط به این دستور بسنده شد که ترس فقط در برابر الله ایجاد شود؟

۷ ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ﴾

یعنی چگونه از غیر الله می‌ترسید در حالی که تمام نعمت‌های‌تان فقط از جانب او تعالی است، ﴿فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ﴾ یعنی با صدای بلند یاری می‌خواهید و تضرع می‌کنید. ابن جزی: ۱/ ۴۶۶.

پرسش: چگونه از آیه استنباط می‌شود که توحید یکی از امور فطری انسان است؟

ترجمه آیات

تا سرانجام به آنچه به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند. پس [چند روزی از نعمت‌های دنیا] برخوردار شوید که به زودی [نتایج کردارتان را] خواهید دانست. (۵۵) و [مشرکان] از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، برای معبودانی که [چیزی] نمی‌دانند سهمی قرار می‌دهند. به الله سوگند که دربارهٔ آنچه افترا می‌بستید، قطعاً بازخواست خواهید شد. (۵۶) و [آنان فرشتگان را] دخترانی برای الله قرار می‌دهند ـ او تعالی منزّه است ـ و آنچه را میل دارند [= پسران] برای خودشان [قرار می‌دهند]. (۵۷) و هر گاه یکی از آنان را به [تولد] دختری بشارت دهند، در حالی که خشمش را فرومی‌خورد، چهره‌اش [از اندوه] تیره می‌شود. (۵۸) از بدی [و ناراحتیِ] آنچه به او مژده داده‌اند، از قوم [خویش] پنهان می‌شود [و با خود می‌اندیشد که] آیا او را با سرافکندگی نگه دارد یا در خاک پنهانش کند. هان! چه بد داوری می‌کنند! (۵۹) صفت زشت [جهل و کفر] برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند و صفتِ برتر، از آنِ الله است و او شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۶۰) و اگر الله مردم را به خاطر ظلمشان بازخواست می‌کرد، جنبنده‌ای روی زمین باقی نمی‌گذاشت؛ ولی [کیفرِ] آنان را تا زمانی معیّن به تأخیر می‌اندازد؛ و چون اَجَلشان به سر آید، نه ساعتی [از آن] تأخیر می‌کنند و نه پیشی می‌گیرند. (۶۱) و [مشرکان] آنچه را نمی‌پسندند برای الله قرار می‌دهند و زبانشان [چنین] دروغ می‌سازد که [رستگاری و] نیکویی از آنِ آنان است. حقا که آتش نصیبشان است و آنان قطعاً در [دوزخ] رها [و فراموش] می‌شوند. (۶۲) [ای پیامبر،] سوگند به الله که به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [نیز پیامبرانی] فرستادیم؛ اما شیطان کارهایشان را برایشان آراست؛ از این رو، امروز [نیز دوست و] کارسازشان همو [= شیطان] است و برایشان عذابی دردناک [در پیش] است. (۶۳) و [ای پیامبر،] این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه [حقیقتِ] آنچه را که [مردم] در آن اختلاف دارند برایشان بیان کنی و هدایت و رحمتی باشد برای گروهی که ایمان می‌آورند. (۶۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ﴾
سهمی از آن‌چه که الله به آنان روزی داده و بخشیده بود برای معبودهای‌شان - که نه چیزی می‌دانند و نه هیچ سود و زیانی می‌رسانند- قرار می‌دهند؛ یعنی از روزیِ الله تعالی در شرک‌ورزیدن به او کمک می‌گیرند و به معبودهایی تراشیده‌شده نزدیکی می‌جویند. سعدی: ۴۴۲.
پرسش: اوج نادانی مشرکان را در نزدیکی‌جستن به شریکان به جای الله توضیح دهید.

۲ ﴿تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ﴾
الله تعالی به نفس گرامی خویش سوگند یاد کرد که در مورد این دروغ و افترا از آنان خواهد پرسید و با آنان مقابله خواهد کرد و کامل‌ترین جزا را در آتش جهنم به آنان خواهد چشانید. ابن کثیر: ۲/ ۵۵۴.
پرسش: چه هدفی در ورای این خبر وجود دارد که الله تعالی در مورد آن‌چه افترا می‌بندند از آنان خواهد پرسید؟

۳ ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ﴾
آیه دلالت آشکاری دارد بر سرزنش کسی که اگر بشارت فرزند دختر به او داده شود اندوهگین می‌شود؛ زیرا خبر می‌دهد که کافران چنین حالتی دارند. ابن جریر و دیگران از قتاده روایت کرده‌اند که در مورد این قول الله تعالی ﴿وَإِذَا بُشِّرَ ...﴾ گفت: این عمل مشرکان عرب بود که الله زشتی آن را بیان کرد، اما برای مومن سزاوار است به آن‌چه که الله نصیب او کرده خوشنود باشد، حکم الله تعالی از حکم انسان برای خودش بهتر است، سوگند به جان خودم که نمی‌دانیم کدام یک بهتر است؛ چه بسا دختری که از یک پسر برای خانواده‌اش سودمندتر است، الله تعالی شما را از کار آنان باخبر ساخت تا از آن دوری کنید و دست بکشید. آلوسی: ۱۴/ ۵۴۹.
پرسش: انسان مسلمان اگر نوزادش بر خلاف جنسی باشد که دوست دارد باید چه موضعی بگیرد؟

۴ ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ﴾
﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم﴾ و اگر الله مردمان را به سبب ستمشان بدون هیچ افزونی و کاستی کیفر می‌داد، ﴿مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ﴾ قطعاً هیچ جنبده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت؛ یعنی علاوه بر گناهکاران، دیگران مانند چهارپایان و حیوانات را نیز نابود می‌ساخت، زیرا بر اثر شومی گناهان، کشتزارها و نسل‌ها نیز از بین می‌رفت. ﴿وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ﴾ اما آن‌ها را تا مدت معینی که آن روز قیامت است، مهلت می‌دهد، و به عذاب گرفتارشان نمی‌سازد. ﴿فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ﴾ چون وقت مقرر آنان فرا رسد نه لحظه‌ای تأخیر می‌کنند و نه لحظه‌ای پیشی می‌گیرند؛ پس باید در زمان اعطای مهلت و قبل از این‌که وقتی برسد که هیچ مهلتی در آن نیست پرهیز کنند. سعدی: ۴۴۳.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که زیانِ گناهِ فرد، تمام جامعه را فرا می‌گیرد؟

۵ ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ﴾
روایت شده که ابوهریره رضی الله عنه از شخصی شنید که می‌گفت: ستمکار فقط به خودش زیان می‌رساند. ابوهریره رضی الله عنه گفت: سخن اشتباهی گفتی، قطعاً هوبره در آشیانه‌اش بر اثر ستم ستمکار می‌میرد. بغوی: ۲/ ۶۲۰.
پرسش: نحسی ستم و ستمکاران به چه حدی می‌رسد؟

۶ ﴿فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾
چون از شیطان اطاعت می‌کنند او را دوست آنان نامید. بغوی: ۲/ ۶۲۱.
پرسش: نحوهٔ ولایت شیطان بر این افراد چگونه است؟

۷ ﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾
مهم‌ترین مقاصد قرآن کریم همین فوایدی است که اصول کارهای نیک را جمع کرده است؛ یعنی: آشکارکردن جهالت‌ها و هدایت به سوی معارف حق، و وقوع اثر این دو امر؛ یعنی رحمت ناشی از دوری گزیدن از گمراهی و پیروی از هدایت. ابن عاشور: ۱۴/ ۱۹۶.
پرسش: مقاصد نزول قرآن کریم چیست؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٣)

لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٥٥ وَيَجۡعَلُونَ
لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ
تَفۡتَرُونَ ٥٦ وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ
٥٧ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨
يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ
أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِۖ وَلِلَّهِ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ
٦٠ وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ
وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ
سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٦١ وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكۡرَهُونَۚ وَتَصِفُ
أَلۡسِنَتُهُمُ ٱلۡكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۖ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ
وَأَنَّهُم مُّفۡرَطُونَ ٦٢ تَٱللَّهِ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ
فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ
عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦٣ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٦٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَظِيمٌ	سرشار از غم و اندوه.
هُونٍ	خواری و پستی.
يَدُسُّهُۥ	او را دفن کند.
لَا جَرَمَ	قطعاً.
مُّفۡرَطُونَ	رهاشدگان در جهنم، فراموش‌شدگان.

عمل به آیات

۱. با ارسال پیامی، حال زن در جاهلیت قدیم و مدرن و حال او در اسلام را توضیح بده، ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ﴾

۲. الله تعالی را با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزُ﴾ و ﴿ٱلۡحَكِيمُ﴾ تسبیح بگو و بدان که عزت و حکمت فقط از جانب او می‌رسد، پس آن را از مالک بلندمرتبه‌اش طلب کن، ﴿وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

۳. از الله تعالی تقاضا کن که با کتاب خویش تو را هدایت کند و بر تو رحمت فرستد، ﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

رهنمودها

۱. مومن هر گاه به یاد آورد که در برابر الله تعالی مسئولیت گفتاری و رفتاری دارد، از سخن و عمل ناپسند خودداری می‌کند، ﴿تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ﴾

۲. با دختران و خواهرانت رفتار نیکو داشته باش و هنگام آمدن آنان، خوشحالی‌ات را آشکار کن، ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ﴾

۳. مبادا از کسانی باشی که شیطان اعمال بدشان را برای‌شان آراسته، یعنی عمل زشت را در نظرشان نیکو و عمل نیکو را در نظرشان زشت جلوه داده است، اما خودشان غافلند، ﴿فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٤)

وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَسۡمَعُونَ ٦٥ وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةًۖ نُّسۡقِيكُم
مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ
٦٦ وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرًا وَرِزۡقًا
حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَعۡقِلُونَ ٦٧ وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ
أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ٦٨ ثُمَّ
كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا
شَرَابٌ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ
يَتَفَكَّرُونَ ٦٩ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ
أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٍ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ٧٠
وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ
بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ
ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٧١ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجًا
وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ
ٱلطَّيِّبَٰتِۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ هُمۡ يَكۡفُرُونَ ٧٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَعِبۡرَةً	پند و اندرزی.
فَرۡثٍ	سرگین شکنبه.
سَآئِغًا	لذیذی که در گلوی نوشنده گیر نمی‌کند.
يَعۡرِشُونَ	خانه‌ها و سقف‌هایی که برای زنبور عسل می‌سازند.
فَٱسۡلُكِي	وارد شو.
ذُلُلٗا	هموار و رام.
أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ	بدترین دوران زندگی، یعنی کهنسالی.

عمل به آیات

۱. مقداری شیر بنوش، سپس به یاد آور که الله تعالی چگونه آن را برایت آماده ساخته است، آن‌گاه بگو: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَزِدْنَا مِنْهُ» [حسن؛ ابن ماجه: ۳۳۲۲؛ ابوداود: ۳۷۳۰؛ ترمذی: ۳۴۵۵] «پروردگارا در آن برای ما برکت بده و از آن برای ما بیفزا»، ﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةًۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ﴾

۲. امروز با نوشیدن عسل بیماری‌ات را درمان کن؛ زیرا خاصیت درمانی دارد، ﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البُخْلِ وَالكَسَلِ، وَأَرْذَلِ العُمُرِ، وَعَذَابِ القَبْرِ، وَفِتْنَةِ الدَّجَّالِ، وَفِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ» [صحیح بخاری: ۴۷۰۷] «یا الله! از بخل و سستی و پست‌ترین دوران زندگی (کهنسالی) و عذاب قبر و فتنهٔ دجال و فتنهٔ زندگی و فتنهٔ مرگ به تو پناه می‌برم»، ﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٍ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ﴾

رهنمودها

۱. اگر در مراحل تدریجی ایجاد شیر بیندیشی که چگونه از علوفه‌ای که در مزرعه روییده، وارد کارخانه‌ای در شکم حیوان می‌شود تا این‌که به یک نوشیدنی لذیذ تبدیل می‌گردد می‌دانی که حق سپاس‌گزاری الله در قبال این نعمت را به صورت کامل ادا نکرده‌ای، ﴿لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ﴾

۲. از حسادت بپرهیز؛ زیرا الله تعالی با روزی و عقل، میان مردم برتری و تفاوت قرار داده است، ﴿وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ فِي ٱلرِّزۡقِ﴾

۳. تمام پاکیزه‌ها حلال و تمام ناپاکی‌ها حرام است، ﴿وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ﴾

ترجمه آیات

و الله آبی از آسمان فرو فرستاد و با آن، زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده کرد. قطعاً در این [امر] برای مردمی که [سخن حق را] می‌شنوند، نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است. (۶۵) و [ای مردم،] قطعاً در [آفرینش] چهارپایان عبرتی برای شماست: از آنچه در شکمِ آنهاست، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیرِ خالصی به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. (۶۶) و [نیز] از میوه‌های درختانِ خرما و انگور، هم شراب [مستی‌آور] و هم روزیِ نیکو [و پاکیزه] به دست می‌آورید. بی‌گمان، در این [امر]، برای کسانی که خرد می‌ورزند، نشانه‌ای [از لطف و قدرتِ پروردگار] است. (۶۷) پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که: «از کوه‌ها و درختان و از آنچه [مردم] بنا می‌کنند [برای خود] خانه‌هایی برگیر. (۶۸) آنگاه از [شیرهٔ] تمام میوه‌ها [و گل‌ها] بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه طی کن». از شکم آنها شهدی رنگارنگ بیرون می‌آید که شفای مردم در آن است. به راستی، در این [ویژگی و کار زنبور عسل،] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌ای [از علم و قدرتِ پروردگار] است. (۶۹) و الله شما را آفریده است سپس جانتان را می‌گیرد؛ و برخی از شما به فروترین [دوران] عمر [= کُهنسالی] می‌رسد چنان که پس از دانستن [بسیاری چیزها، دیگر] چیزی نمی‌داند [و همه را فراموش می‌کند]. بی‌تردید، الله دانای تواناست. (۷۰) و الله برخی از شما را بر برخی [دیگر] در [نعمت و] روزی برتری داده است؛ ولی کسانی که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند، تا همگی در آن [نعمت و دارایی] برابر شوند. [اگر خود از شریک بیزارند، چرا برای الله شریک قرار می‌دهند؟] پس آیا [با این شرک‌ورزی،] نعمت الله را انکار می‌کنند؟ (۷۱) و الله از [جنس] خودتان همسرانی برای شما قرار داد و از همسرانتان فرزندان و نوادگانی برای شما آفرید و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. پس آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و نعمت الله را ناسپاسی می‌کنند؟ (۷۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةً﴾

ابوبکر وراق می‌گوید: پند و عبرت موجود در چهارپایان این است که رام صاحبان‌شان هستند و از آن‌ها فرمان می‌برند، اما انسان در برابر پروردگارش سرکشی می‌کند و در هر چیزی با او تعالی مخالفت می‌ورزد. مهم‌ترین پند این است که بی‌گناهی، گناهکاری را بر پشت خود جابه‌جا می‌کند. قرطبی: ۱۲/ ۳۵۰.

پرسش: الله تعالی چه پند و عبرتی در رام‌کردن چهارپایان قرار داده است؟

۲ ﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةًۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ﴾

آیا این قدرتی الهی است یا امری طبیعی؟ کدام امر طبیعی می‌تواند از علوفه و آب شیرین و شوری که حیوان می‌خورد شیری ناب و لذیذ بسازد؟ سعدی: ۴۴۴.

پرسش: وجه عبرت خروج شیر از شکم چهارپایان چیست؟

۳ ﴿وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرًا وَرِزۡقًا حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَعۡقِلُونَ﴾

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَعۡقِلُونَ﴾ نشانه‌ای بر اقتدار کامل الله؛ آن‌جا که از درختانی شبیه هیزم ثمره‌ای لذیذ و میوه‌ای پاکیزه درمی‌آورد، و نشانه‌ای بر رحمت گستردهٔ او تعالی، آن‌جا که تمام بندگانش را از آن برخوردار می‌کند. سعدی: ۴۴۴.

پرسش: در آفرینش میوه‌های مختلف و متنوع چه نشانه‌هایی برای خردمندان وجود دارد؟

۴ ﴿وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرًا وَرِزۡقًا حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَعۡقِلُونَ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ﴿سَكَرًا وَرِزۡقًا حَسَنًا﴾: «سکر: آن بخش از ثمرهٔ خرما و انگور است که حرام شده و رزق حسن: آن بخش از ثمره این دو است که حلال شده است»...

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَعۡقِلُونَ﴾ عقل به درستی در این‌جا بیان شد؛ زیرا بهترین نعمتی است که به انسان داده شده است؛ از این رو، الله تعالی نوشیدن مسکر را برای صیانت از عقل‌های‌شان بر آنان حرام گردانید. ابن کثیر: ۲/ ۵۵۶.

پرسش: چرا آیه با بیان عقل به پایان رسید؟

۵ ﴿ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوۡمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ یعنی: بی‌شک در این (امر،) نشانه‌ای است برای گروهی که می‌اندیشند و پند و عبرت می‌گیرند. یکی از وجوه عبرت در زنبور عسل این است که هر کس به دقت در کار عجیب این حشره بیندیشد به این یقین خواهد رسید که فقط الله می‌تواند این هنر و مهارت ظریف را در بدن ضعیف زنبور عسل الهام کند ... این حشره از طعم‌های ترش و تلخ و شیرین و شور و گیاهان زیان‌آور می‌خورد سپس الله تعالی آن را عسلی شیرین و شفابخش قرار می‌دهد که این امر بر قدرت او تعالی دلالت دارد. قرطبی: ۱۲/ ۳۷۴.

پرسش: یکی از وجوه شگفت‌آور زنبور عسل را بیان کنید؟

۶ ﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ﴾

یکی از صاحبنظران در طب نبوی می‌گوید: اگر فرموده بود «فیه الشفاء للناس» دارویی برای تمام بیماری‌ها بود، اما فرمود ﴿فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ﴾ یعنی: برای بیماری‌های سرد خاصیت درمانی دارد؛ زیرا گرم است و هر چیز با ضد خود درمان می‌شود. ابن کثیر: ۲/ ۵۵۶.

پرسش: چرا الله سبحانه فرمود ﴿فِيهِ شِفَآءٌ﴾ نه «فیه الشفاء»؟

۷ ﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٍ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ﴾

یکی از دعاهای پیامبر ﷺ که از انس رضی الله عنه روایت شده چنین است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البُخْلِ وَالكَسَلِ، وَأَرْذَلِ العُمُرِ، وَعَذَابِ القَبْرِ، وَفِتْنَةِ الدَّجَّالِ، وَفِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ» [صحیح بخاری: ۴۷۰۷] «یا الله! از بخل و سستی و پست‌ترین دوران زندگی (کهنسالی) و عذاب قبر و فتنهٔ دجال و فتنهٔ زندگی و فتنهٔ مرگ به تو پناه می‌برم»، آلوسی: ۱۴/ ۵۷۲.

پرسش: پیامبر ﷺ چگونه این آیه را تفسیر می‌فرمود: ﴿وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ﴾؟

ترجمه آیات

و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که مالک هیچ روزی‌ای در آسمان‌ها و زمین برایشان نیستند و توانایی [هیچ کاری] ندارند. (۷۳) پس برای الله امثال [و شریک‌ها] قائل نشوید. بی‌تردید، الله می‌داند و شما نمی‌دانید. (۷۴) الله مثالی زده است: بردهٔ مملوکی که قادر به هیچ کاری نیست و [در مقابل،] کسی که از جانب خویش به او روزیِ نیکویی بخشیده‌ایم و او از همان [نعمت‌های الهی] پنهان و آشکار انفاق می‌کند. آیا این دو برابرند؟ [پس شما مشرکان چگونه مالک مطلق را با معبودهای ناتوان یکسان می‌دانید؟] ستایش مخصوص الله است؛ اما بیشتر آنان [حقِ یگانگی‌اش را] نمی‌دانند. (۷۵) و الله مَثَل [دیگری] زده است: دو مرد را [فرض کنید] که یکی از آنها گنگ است و هیچ کاری از وی برنمی‌آید و سربارِ سرور خود می‌باشد، هر کجا او را می‌فرستد، هیچ خیری به همراه نمی‌آورد [و وظایفش را به درستی انجام نمی‌دهد]؛ آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راهی مستقیم قرار دارد برابر است؟ [پس شما مشرکان چگونه قادر مطلق را با مردگان و بُت‌های بی‌احساسِ ناتوان یکسان می‌دانید؟] (۷۶) [علم] غیب آسمان‌ها و زمین، تنها از آنِ الله است و امرِ [برپایی] قیامت، جز [به سرعت] یک چشم بر هم زدن نیست؛ یا [حتی] سریع‌تر. بی‌تردید، الله بر هر چیزی تواناست. (۷۷) [ای مردم،] الله شما را از شکمِ مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و گوش و چشم و دل [= عقل] برایتان پدید آورد [تا قدرت‌های الهی را درک کنید]؛ باشد که سپاس گزارید. (۷۸) آیا [مشرکان] پرندگان را ندیده‌اند که در فضای آسمان رام شده‌اند [و] کسی جز الله آنها را [در آن حال] نگه نمی‌دارد؟ به راستی، در این [امر]، برای مردمی که ایمان دارند، نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] است. (۷۹)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

یعنی: الله تعالی قبح شرک شما را می‌داند در حالی که خودتان نمی‌دانید، و اگر از زشتی این کار آگاه بودید هرگز آن را انجام نمی‌دادید. این مطلب، علت نهی را بیان می‌کند. یا به این معناست که الله اصل و حقیقت اشیا را می‌داند و شما نمی‌دانید؛ پس رأی و قیاس خود را در برابر نص او تعالی رها کنید. قاسمی: ۴/ ۵۳۴.

پرسش: عبارت ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾ به چه دلیل در پایان آیه بیان شد؟

❷ ﴿فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

قرار دادنِ همانند برای الله به این دلیل شرک دانسته شد که مشرکان صفات الهی را برای معبودها می‌گذاشتند و آن‌ها را شبیه آفریدگار قرار می‌دادند. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۲۳.

پرسش: دلیل اشتباه و جهل مشرکان در عبادت معبودها چیست؟

❸ ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدًا مَّمۡلُوكًا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٍ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرًّا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

الله تعالی حال معبودهای مشرکان را از نظر ناتوانی در کسب رزق و روزی‌شان، به حال برده‌ای تشبیه کرد که هیچ اختیاری در مورد خودش ندارد و مالک هیچ مالی هم نیست. ابن عاشور: ۱۴/۲۲۳.

پرسش: معبودها و مقبره‌ها و قبرستان‌ها از فایده‌رسانی به خودشان نیز ناتوانند چه رسد به این‌که به دیگران فایده برسانند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

❹ ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدًا مَّمۡلُوكًا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٍ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرًّا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

در این آیه یک مثال برای الله تعالی و مثالی دیگر برای معبودها بیان شده است. معبودها مانند برده‌ای هستند که توانایی هیچ کاری را ندارد، حال آن‌که پادشاهی از آنِ الله تعالی است، روزی به دست اوست و هر گونه که بخواهد در آن تصرف می‌کند؛ پس چگونه با معبودها یکسان است؟! ابن جزی: ۱/ ۴۳۲.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که شرک با عقل منافات دارد.

❺ ﴿وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ﴾

این سه عضو انسان به سبب فضیلت و برتری‌ای که نسبت به سایر اعضا دارند به صورت خاص بیان شدند. این اعضا، کلید تمام علوم هستند و بنده بدون یکی از این سه نعمت، به علم نمی‌رسد. سعدی: ۴۴۵.

پرسش: چرا فقط سه عضو مذکور بیان شدند؟

❻ ﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

آیات به این سبب به صورت جمع آمد که دلایل مختلفی در پرنده وجود دارد؛ از جمله: آفرینش هوا، آفرینش بدن پرنده به‌گونه‌ای که برای پریدن در هوا سازگار است، و ایجاد الهام به پرنده که در جو شناور بماند و جز با ارادهٔ الله تعالی به زمین نیفتد. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۳۶.

پرسش: چرا واژهٔ (آیات) با صیغهٔ جمع آمد؟

❼ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

فقط مومنان از آیات الله بهره می‌برند و در نشانه‌های او تعالی می‌اندیشند، اما دیگران فقط برای سرگرمی و غافلانه به آیات می‌نگرند. سعدی: ۴۴۵.

پرسش: چرا فقط مومنان بیان شدند که از آیات موجود در هستی فایده می‌برند؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٥)

وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ رِزۡقٗا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ شَيۡـٔٗا وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ
إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ۞ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدٗا
مَّمۡلُوكٗا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنٗا
فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرّٗا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ
بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلَيۡنِ
أَحَدُهُمَآ أَبۡكَمُ لَا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوۡلَىٰهُ
أَيۡنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأۡتِ بِخَيۡرٍ هَلۡ يَسۡتَوِي هُوَ وَمَن يَأۡمُرُ
بِٱلۡعَدۡلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيۡبُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَآ أَمۡرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ
ٱلۡبَصَرِ أَوۡ هُوَ أَقۡرَبُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٧٧﴾
وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا
وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ ٱلسَّمَآءِ
مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٧٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَمۡثَالَ	همانندهایی که آن‌ها را با الله تعالی شریک می‌گردانید.
أَبۡكَمُ	گنگ مادرزاد.
كَلٌّ	باری سنگین.
مَوۡلَىٰهُ	اربابش که عهده‌دار کارهایش است و به او نفقه می‌دهد.
كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ	مانند چشم‌به‌هم‌زدنی و نگاهی سریع.

عمل به آیات

۱. الله تعالی را سپاس بگو که نعمت‌ها و روزی‌اش را به تو بخشیده است، سپس یک بار پنهانی و باری دیگر آشکارا انفاق کن، ﴿وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنٗا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرّٗا وَجَهۡرًا﴾

۲. خویشاوند یا دوستی را که ناگهانی مرده است به یاد آور، سپس سرانجامی مانند او برای خویش تصور کن، ﴿وَمَآ أَمۡرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ أَوۡ هُوَ أَقۡرَبُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

۳. در مورد پرندگان بیندیش که چگونه در هوا پرواز می‌کنند و بالا می‌روند؟! زیرا با این تفکر، فرمان الله تعالی را استجابت کرده‌ای، ﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

رهنمودها

۱. هر کس که به عدالت سخن بگوید و به عدالت فرمان دهد جایگاه والایی نزد الله سبحانه دارد، ﴿هَلۡ يَسۡتَوِي هُوَ وَمَن يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۲. تصور کن که اگر یکی از نعمت‌های گوش، چشم و قلب از کار بیفتد یا معیوب شود، چه حالی خواهی داشت؟ پس شکر الله تعالی را در قبال این نعمت‌ها به جای آور، ﴿وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

۳. برای نزدیک‌ساختن امور به ذهن، هنگام نصیحت و دعوت از ضرب المثل استفاده کن، ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدٗا مَّمۡلُوكٗا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنٗا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرّٗا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٦)

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ
ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ
وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ
٨٠ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ
ٱلۡجِبَالِ أَكۡنَٰنٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ
ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ
عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ ٨١ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ
ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٨٢ يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا
وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٣ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ
شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ
٨٤ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ
يُنظَرُونَ ٨٥ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ
رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ
فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٨٦ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى
ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٨٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَسۡتَخِفُّونَهَا	حمل آن بر شما سبک می‌شود، یعنی خیمه‌ها.
ظَعۡنِكُمۡ	کوچ شما.
وَأَوۡبَارِهَا	کُرک‌های شتر.
ظِلَٰلٗا	اشیایی که از آن‌ها سایه می‌گیرید؛ مانند درختان.
سَرَٰبِيلَ	لباس.
بَأۡسَكُمۡ	جنگ‌تان.
وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ	از آن‌ها خواسته نمی‌شود که برای خوشنودی پروردگارشان توبه کنند.

عمل به آیات

۱. شکر نعمت اسکان و آرامشی را که الله به تو بخشیده است به جای آور، ﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا﴾

۲. با پرداخت اجاره مسکن فقیری به او کمک کن، ﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ» [صحیح: الادب المفرد بخاری: ۷۱۶] «یا الله! از این‌که دانسته به تو شرک ورزم به تو پناه می‌برم و از این‌که ندانسته به تو شرک ورزم از تو آمرزش می‌خواهم»، ﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ﴾

رهنمودها

۱. نعمت‌هایی را که الله به تو ارزانی داشته است به یاد داشته باش و او تعالی را در قبال این نعمت‌ها ستایش کن، ﴿كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ﴾

۲. وظیفهٔ رسول، هدایت دل‌ها نیست بلکه فقط آشکارساختن راه با ابلاغ روشن و واضح است، ﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ﴾

۳. برخی از انسان‌ها هستند که ضعف عقل‌شان فقط روز قیامت آشکار می‌گردد، یعنی زمانی که فرصت از دست می‌رود، ﴿وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ﴾

ترجمه آیات

الله از خانه‌هایتان محلِ سکونت [و آرامش] برای شما قرار داد و از پوست چهارپایان [نیز] خانه‌هایی [= خیمه‌هایی] برایتان قرار داد تا روز کوچ کردن سبکبار باشید و روز اقامتتان [نیز برپایی‌اش آسان باشد]؛ و از پشم و کُرک و موهایشان تا مدتی معیّن اثاث [خانه] و اسباب [و وسایل زندگی، برایتان] فراهم کرد. (۸۰) الله از آنچه [مانند درختان] آفرید، سایه‌هایی برایتان فراهم آورده است و از کوه‌ها [نیز راه‌ها و] پناهگاه‌هایی برایتان قرار داده است و جامه‌هایی برایتان پدید آورده است که شما را از [سرما] و گرما نگاه می‌دارد و [زره‌ها و] تن‌پوش‌هایی که در جنگ[های]تان از شما محافظت می‌کند. او اینچنین نعمتش را بر شما تمام می‌گرداند؛ باشد که [در برابر توحید] تسلیم شوید [و شرک نورزید]. (۸۱) پس [ای پیامبر،] اگر [مشرکان] روی گرداندند، جز این نیست که وظیفهٔ تو [فقط] پیام‌رسانیِ آشکار است. (۸۲) [آنان] نعمت الله را می‌شناسند؛ اما [باز هم] آن را انکار می‌کنند و بیشتر آنان ناسپاس و کافرند. (۸۳) و [یاد کن از] روزی که از هر امتی، گواهی [بر آنان] برمی‌انگیزیم؛ آنگاه به کسانی که کفر ورزیدند نه اجازهٔ [سخن گفتن] داده می‌شود و نه از آنان خواسته می‌شود که پوزش بخواهند. (۸۴) و کسانی که ستم کردند، هنگامی که عذاب [آخرت] را می‌بینند؛ نه عذابشان سبک می‌شود و نه مهلت داده می‌شوند. (۸۵) کسانی که شرک ورزیدند، وقتی شریکان خود را می‌بینند می‌گویند: «پروردگارا، اینها بودند آن شریکانی که ما به جای تو می‌خواندیم» و[لی شریکان،] سخنِ آنان را [اینگونه] رد می‌کنند که: «یقیناً شما دروغگویید». (۸۶) در آن روز، در برابر الله، سرِ تسلیم می‌افکنند و دروغ‌هایی که [دربارهٔ شفاعتِ غیر الله] می‌بافتند همه محو و نابود می‌گردد. (۸۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ﴾
این مورد در شمار نعمت‌هایی قرار دارد که الله انسان را به سوی آن راهنمایی کرده است؛ یعنی نعمت تفکر در ساخت منازل مستحکم و تن‌آسا و مواردی شبیه آن شامل لباس‌ها و لوازم، با عطف به عبارت ﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا﴾. تمام این موارد، لطف و بخشش الله است که عقلِ انسان را برای آن‌ها آماده و وسایل رسیدن به آن‌ها را برایش مهیّا کرده است. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۳۶.

پرسش: چه رابطه‌ای میان این آیه و آیهٔ ﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا﴾ که در صفحهٔ قبلی آمده است وجود دارد؟

۲ ﴿وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ﴾
الله تعالی در این‌جا بَرد (سرما) را ذکر نفرمود؛ زیرا بیان شد که اصول نعمت‌ها در ابتدای سوره و مکملات و متممات آن‌ها در پایان سوره بیان شده است؛ محافظت از سرما نیز جزء اصول نعمت‌هاست- زیرا یکی از ضروریات است- و در ابتدای سوره بیان شده، آن‌جا که فرمود: ﴿لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ﴾ [النحل: ۵]؛ «که در آن‌ها پوشش (گرم) و منافع (دیگری) برای‌تان است». سعدی: ۴۴۶.

پرسش: چرا در آیه فقط گرما ذکر شد و سرما بیان نشد؟

۳ ﴿كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ﴾
قتاده در تفسیر این آیه می‌گوید: این سوره، سورهٔ نعم (نعمت‌ها) نامیده می‌شود. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۱.

پرسش: به چه مناسبت یکی از علما سورهٔ نحل را «سورهٔ نِعَم» نامیده است؟

۴ ﴿كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ﴾
﴿لَعَلَّكُمۡ﴾ وقتی نعمت الله را به یاد آوردید و مشاهده کردید که از تمام جهات بر شما سرازیر شده است ﴿تُسۡلِمُونَ﴾ تسلیم عظمت او شوید و فرمانش را اطاعت کنید و نعمت‌ها را در طاعت مالک و بخشنده‌اش به کار گیرید؛ زیرا فراوانی نعمت‌ها، انگیزه‌ای برای سپاس‌گزاری بیشتر و ستایش الله تعالی است، اما ستمکاران در برابر این امر فقط سرکشی و دشمنی کردند. سعدی: ۴۴۶.

پرسش: وقتی نعمت‌های زیادی به انسان می‌رسد باید چه موضعی اتخاذ کند؟

۵ ﴿يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾
﴿يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ﴾ به نعمت‌های مذکور از ابتدای سوره تا این‌جا اشاره دارد. ضمیر فعل ﴿يَعۡرِفُونَ﴾ برای کافران است. انکار نعمت‌های الله توسط آنان به معنای شرک‌ورزیدن و عبادت غیر او تعالی است. ابن جزی: ۱/ ۴۷۱.

پرسش: کافران چگونه منکر نعمت الله به شمار می‌روند در حالی که اقرار دارند بر این‌که آفریدگار و روزی‌دهنده فقط الله است؟

۶ ﴿ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾
اجازهٔ عذرخواهی به کافران داده نمی‌شود؛ زیرا عذرخواهی آنان پس از این‌که بطلان اعمال‌شان به صورت یقینی دانسته شد، عذرخواهی دروغینی است که هیچ سودی به آنان نمی‌رساند. سعدی: ۴۴۶.

پرسش: چرا اجازهٔ عذرخواهی به کافران داده نمی‌شود؟

۷ ﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ﴾
یعنی معبودهای کافران برای تکذیب عبادتگزاران‌شان به سخن می‌آیند و می‌گویند معبود نبوده‌اند و کافران را به عبادت خویش فرمان نداده‌اند. الله تعالی معبودها را به سخن‌گفتن در می‌آورد تا عیب و بدی کافران آشکار گردد. قرطبی: ۱۲/ ۴۰۹.

پرسش: معبودان کافران در روز قیامت چگونه باعث رسوایی عبادتگزاران خویش می‌شوند؟

ترجمه آیات

کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راهِ الله بازداشتند، به [کیفر] آنکه فساد می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم. (۸۸) و روزی [را یاد کن] که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان می‌گماریم [تا به کفر و ایمانشان گواهی دهد] و تو را [نیز ای محمد،] بر اینان گواه می‌گیریم؛ و ما این کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کردیم که روشنگرِ همه چیز است و برای مسلمانان، رهنمود و رحمت و بشارت است. (۸۹) در حقیقت، الله [شما را] به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از فحشا و زشت‌کاری و سرکشی نهی می‌کند. او شما را پند می‌دهد؛ باشد که پند گیرید. (۹۰) و چون با الله [یا با مردم] پیمان بستید، به آن وفا کنید؛ و سوگندها[ی خود] را پس از محکم ساختنشان نشکنید، در حالی که الله را بر [وفاداریِ] خویش گواه قرار داده‌اید. بی‌تردید، الله می‌داند که چه می‌کنید. (۹۱) و مانند آن زن [نادانی] نباشید که رشتهٔ [پشمی تابیدهٔ] خویش را پس از محکم‌بودن از هم بازگشود [و گسست؛ پس مبادا] سوگندهای خود را وسیلهٔ فریب یکدیگر قرار دهید [آن هم تنها] به سبب این که [ثروت و] جمعیت گروهی افزون‌تر از دیگری است. جز این نیست که الله شما را با این [کار] می‌آزماید و یقیناً روز قیامت، آنچه را که در آن اختلاف می‌کردید، برایتان روشن می‌سازد. (۹۲) و اگر الله می‌خواست، همهٔ شما را یک امت قرار می‌داد؛ ولی [با عدالت خویش] هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند و [با فضل خویش] هر کس را که بخواهد هدایت می‌نماید؛ و شما [روز قیامت] قطعاً از آنچه می‌کردید، بازخواست خواهید شد. (۹۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ﴾

یعنی عذابی به سبب کفرشان و عذابی دیگر به این سبب که مردم را از پیروی حق بازداشتند... این مطلب بر تفاوت عذاب کافران دلالت دارد آن‌گونه که مومنان منازل و درجات متفاوتی در بهشت دارند. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۲.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که کافران در طبقات مختلفی از جهنم قرار دارند.

۲ ﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ﴾

این مورد یکی از مظاهر عدالت کامل الله تعالی است که هر رسولی برای امت خودش گواهی دهد؛ زیرا نسبت به دیگران بیشترین اطلاع را از اعمال امتش دارد و عادل‌تر و دلسوزتر است از این‌که به آن‌چه که مستحق نیستند علیه آنان گواهی دهد. سعدی: ۴۴۷.

پرسش: آیه چگونه بر عدالت و رحمت کامل الله تعالی دلالت دارد؟

۳ ﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ﴾

قید ﴿مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ﴾ را به این سبب افزود که تاکید بیشتری داشته باشد بر این‌که گواهی‌دادن رسولان بر امت‌های‌شان فقط شهادت است و هیچ ایرادی بر آنان وارد نیست؛ زیرا برای قوم خودشان گواهی می‌دهند و اقوام‌شان هیچ راهی برای اعتراض و ایراد بر آنان پیدا نمی‌کنند. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۵۰.

پرسش: توصیف گواه در آیه کریمه با عبارت ﴿مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۴ ﴿وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ﴾

﴿لِّكُلِّ شَيۡءٖ﴾ مفید عموم است؛ البته عموم عرفی منظور است و شامل مواردی می‌شود که ادیان و شرایع می‌آوردند؛ مانند: اصلاح نفس، کامل‌گردانیدن اخلاق، ایجاد جامعه‌ای متمدن، تعیین حقوق و آن‌چه که دعوت بر آن متوقف است شامل استدلال بر یگانگی الله و راستی رسول. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۵۳.

پرسش: قرآن کریم چگونه تمام عقاید و احکام و اخلاق مورد نیاز بشر را بیان کرده است؟

۵ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ﴾

تمام خویشاوندان دور و نزدیک مصداق این آیه هستند؛ اما هر خویشاوندی که نزدیک‌تر قرار دارد به نیکی‌کردن نیز سزاوارتر است. سعدی: ۴۴۷.

پرسش: خویشاوندان مورد نظر در آیه چه کسانی هستند؟ کدام یک سزاوارتر است که به او نیکی شود؟

۶ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ﴾

از میان تمام انواع عدالت و احسان، یک نوع مهم را که مردم، اغلب در آن غفلت و کوتاهی می‌کنند به صورت خاص بیان کرد؛ یعنی بخشش به خویشاوندان. این امر تبدیل به یک خصلت برای مردم شده که به جذب دورتر و پرهیز از شرش توجه می‌کنند و در مقابل، از نزدیک غفلت می‌ورزند و نسبت به او نگرانی ندارند و کوتاهی در حقوقش تبدیل به عادت می‌شود. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۵۶.

پرسش: چرا الله بخشش به خویشاوندان را بعد از عدالت و احسان با وجود این‌که در مفهوم آن داخل بود به صورت خاص بیان کرد؟

۷ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ﴾

یعنی به عدل که به معنای انجام واجبات و به احسان که مستحبات هستند فرمان می‌دهد. هم حقوق الله و هم حقوق مخلوقات مصداق این حکم هستند. ابن مسعود ﵁ می‌گوید: «این آیه جامع‌ترین آیه در کتاب الله تعالی است». ابن جزی: ۱/ ۴۷۲.

پرسش: چرا آیهٔ فوق جامع‌ترین آیهٔ قرآن است؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٧)

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا
فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ ٨٨ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي
كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ
شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ
شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ٨٩ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ
يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ
ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ
٩٠ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ
بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ
ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٩١ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ
غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا
بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ
بِهِۦۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ
٩٢ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن
يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَلَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡفَحۡشَآءِ	دروغ‌های ناپسند.
وَٱلۡبَغۡيِ	ستم و تعدّی.
كَفِيلًا	ضامن و گواه.
أَنكَٰثٗا	گسیخته، بعد از این‌که بافته شد.
دَخَلَۢا	فریب و مکر. خدیعه: چیزی است که برای ایجاد فساد، وارد شیء می‌شود.
أَرۡبَىٰ	صاحب مال و منفعت بیشتر.

عمل به آیات

۱. یک سوره از قرآن بخوان و سه برنامه برای اصلاح نفست از آن استخراج کن، ﴿وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ﴾

۲. با تقدیم هدیه یا با سخنی نیکو، به یکی از همسایگانت نیکی کن، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ﴾

۳. به دیدار یکی از خویشاوندانت برو، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ﴾

رهنمودها

۱. از کسانی باش که وقتی الله تعالی به آنان یادآوری می‌شود و با نام او اندرز داده می‌شوند، پند می‌گیرند و فایده می‌برند، ﴿يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ﴾

۲. مومنان به عهد و پیمان‌های‌شان وفا می‌کنند، ﴿وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا﴾

۳. بر انجام اعمال صالح پایدار باش و از باطل‌کردن عمل و نابودیِ پاداشِ آن بپرهیز، ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٨)

وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ فَتَزِلَّ قَدَمُۢ بَعۡدَ
ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَكُمۡ
عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ إِنَّمَا
عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِندَكُمۡ
يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖۗ وَلَنَجۡزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجۡرَهُم
بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا
مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ
وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٧﴾
فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ
﴿٩٨﴾ إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ
هُم بِهِۦ مُشۡرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَّلۡنَآ ءَايَةٗ مَّكَانَ ءَايَةٖ
وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مُفۡتَرِۭۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ
لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ
لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَنفَدُ	از بین می‌رود و محو می‌گردد.
ٱلرَّجِيمِ	رانده‌شده از رحمت الله.
سُلۡطَٰنٌ	تسلط.
يَتَوَلَّوۡنَهُۥ	او را کارساز خویش می‌گیرند و از او فرمان می‌برند.
مُفۡتَرِۭ	دروغگو، افترازننده بر الله.
رُوحُ ٱلۡقُدُسِ	روح مطهَّر: جبریل ﷺ.

عمل به آیات

۱. صدقه‌ای بده به این امید که فایده و برکت آن را در دنیا و روز قیامت بگیری، ﴿مَا عِندَكُمۡ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖ﴾

۲. هنگام قرائت قرآن، به‌خصوص هنگام قرائت سورهٔ فاتحه در نماز، از شیطان رانده‌شده به الله پناه ببر، ﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾

۳. از الله تعالی تقاضا کن تو را جزء بندگانی قرار دهد که شیطان هیچ قدرت و تسلطی بر آنان ندارد، ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از بخشش‌های الله تعالی بر انسان صبور این است که روز قیامت به بهترین عمل او نظر می‌کند و او را از اهل آن عمل قرار می‌دهد، حتی اگر آن عمل را فقط یک بار در طول عمرش انجام داده باشد، ﴿وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

۲. ایمان و توکل بر الله سبحانه و تعالی، اسباب حفاظت از شرارت‌ها و وسوسه‌های ابلیس هستند، ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

۳. قرائت مستمر قرآن، یکی از اسباب پایداری بر دین الله است، ﴿قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ﴾

ترجمه آیات

و سوگندهایتان را وسیلهٔ نیرنگ [و فریبکاری] میان خویش قرار ندهید، تا مبادا [ایمانتان به خطر بیفتد و] گامی پس از استواری‌اش بلغزد و به سزای آنکه [مردم را] از راه الله بازداشته‌اید، [کیفرِ] ناگواری بچشید و عذابی بزرگ برایتان [در پیش] باشد. (۹۴) و پیمان الله را به بهای اندک نفروشید. اگر بدانید، یقیناً آنچه نزد الله است، برایتان بهتر است. (۹۵) آنچه نزد شماست، پایان می‌پذیرد و[لی] آنچه نزد الله است، باقی [و جاوید] است؛ و قطعاً به کسانی که شکیبایی کرده‌اند، اجرشان را بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می‌کردند خواهیم داد. (۹۶) هر کس ـ مرد یا زن ـ که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده می‌داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می‌کردند، به آنان پاداش می‌دهیم. (۹۷) پس [ای مؤمن،] هنگامی که قرآن می‌خوانی، از [شرّ] شیطانِ رانده‌شده [از رحمت الهی]، به الله پناه ببر. (۹۸) بی‌تردید، او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند [هیچ] تسلطی ندارد. (۹۹) تسلط او تنها بر کسانی است که او را [دوست و] کارساز خود گرفته‌اند و [همچنین بر] کسانی که به سبب [اغوای] شیطان، [به الله] شرک می‌ورزند. (۱۰۰) و هنگامی که [حکمِ] آیه‌ای را جایگزین آیه‌ای [دیگر] می‌کنیم ـ حال آنکه الله به آنچه نازل می‌کند داناتر است ـ [کافران] می‌گویند: «[ای محمد،] جز این نیست که تو دروغبافی». [چنین نیست؛] بلکه بیشتر آنان [از احکام شرع و حکمت الهی چیزی] نمی‌دانند. (۱۰۱) بگو: «روح القُدُس [= جبرئیل] آن را از جانب پروردگارت به‌حق نازل کرده است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم گرداند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان باشد». (۱۰۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَا عِندَكُمۡ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖ﴾

آن‌چه را که جاویدان است بر چیزی که فانی است ترجیح ندهید؛ زیرا آن‌چه که نزد شماست- حتی اگر بسیار زیاد باشد- قطعا از بین می‌رود و نابود می‌شود، اما آن‌چه نزد الله است با محافظت او تعالی باقی می‌ماند و هرگز از بین نمی‌رود. بنابراین خردمند کسی نیست که کالای فانی و پست را بر کالای جاویدان و گرانبها ترجیح دهد... این آیه تشویق و تحریکی است بر زهد و پرهیزگاری در دنیا، به‌خصوص ترک چیزی که به بنده زیان می‌رساند. سعدی: ۴۴۸- ۴۴۹.

پرسش: مسلمان خردمند چه فایده‌ای از این آیه می‌برد؟

۲ ﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗ﴾

ایمان شرط صحت و پذیرش اعمال صالح است؛ یا بهتر است بگوییم هیچ عملی بدون ایمان، صالح نامیده نمی‌شود و ایمان، انگیزه و سبب انجام عمل صالح است؛ زیرا ایمان، تصدیق قاطعی است که انجام اعمال واجب و مستحبی توسط جوارح را در پی دارد. سعدی: ۴۴۹.

پرسش: چرا الله تعالی اعمال صالح را به ایمان مقید ساخت؟

۳ ﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

سعادت را به اصلاح عمل پیوند زد. ابن تیمیه: ۴/ ۱۷۶.

پرسش: در این آیه، زندگی پاکیزه به دو امر مرتبط شده است، این دو امر چیست؟

۴ ﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾

دلیل پناه‌بردن به الله در آغاز قرائت قرآن این است که قرائت قاری بر او مشتبه نشود و او را از تدبر و تفکر بازندارد. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۶.

پرسش: در این آیه یکی از روش‌های موفق در تدبر قرآن کریم بیان شده است، این روش چیست؟

۵ ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

یعنی هیچ راه نفوذی بر آنان ندارد و نمی‌تواند آنان را گمراه کند. ابن جزی: ۱/ ۴۷۳.

پرسش: انسان باید دارای چه صفاتی باشد که شیطان راهی برای تسلط بر او پیدا نکند؟

۶ ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

ثوری می‌گوید: تسلطی بر آنان ندارد که آنان را در گناهی بیفکند که از آن توبه نمی‌کنند. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۶.

پرسش: چه تسلطی از شیطان بر مومنان نفی شده است؟

۷ ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

منتفی‌بودن تسلط شیطان به دو امر مشروط است: ایمان و توکل. ابن عاشور: ۱۴/ ۲۷۸.

پرسش: چه چیزی مانع تسلط شیطان بر انسان می‌شود؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٧٩)

وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ
ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ
﴿١٠٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفۡتَرِي ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ
لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ﴿١٠٥﴾
مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ
مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ
صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ
﴿١٠٦﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى
ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ
﴿١٠٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ
وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَا جَرَمَ
أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ
لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ
وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٠﴾

ترجمه آیات

و یقیناً می‌دانیم که آنان می‌گویند: «حتماً بشری [این آیات را] به او آموزش می‌دهد». [نه، چنین نیست؛ زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می‌دهند غیرعربی است؛ حال آنکه این [قرآن،] به زبان عربیِ روشن [و با بلاغت و فصاحت عالی نازل شده] است. (۱۰۳) یقیناً کسانی که به آیات الله ایمان نمی‌آورند، الله آنان را هدایت نمی‌کند و عذاب دردناکی برای آنان [در پیش] است. (۱۰۴) [محمدﷺ دروغگو نیست؛ بلکه] کسانی دروغ می‌بافند که به آیات الله ایمان ندارند و اینان دروغگویان [واقعی] هستند. (۱۰۵) هر کس بعد از ایمانش به الله کفر بورزد، [گرفتار عذاب الهی خواهد شد]؛ مگر کسی که [به این کار،] وادار شده باشد و[لی] دلش به ایمان، آرام [و استوار] باشد؛ اما هر کس سینه‌اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین [در پیش] دارند. (۱۰۶) این [مجازات،] از آن روست که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند؛ و [نیز] اینکه الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۱۰۷) اینان کسانی هستند که [بر اثر گناهانشان] الله بر دل‌ها و گوش‌ها و چشمانشان مُهر نهاده است؛ و اینان غافلان [واقعی] هستند. (۱۰۸) یقیناً آنان در آخرت زیانکارند. (۱۰۹) سپس پروردگارت نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن [از آزار مشرکان] هجرت کردند سپس به جهاد برخاستند و شکیبایی نمودند، پس از آن [همه سختی‌ها] قطعاً آمرزندۀ مهربان است. (۱۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّمَا يَفۡتَرِي ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ﴾

این آیه پاسخی است بر این سخن‌شان که گفتند: ﴿إِنَّمَآ أَنتَ مُفۡتَرِۭ﴾ «بی‌گمان تو [بر الله] دروغ می‌بندی!» یعنی: دروغ سزاوار کسی است که ایمان نمی‌آورد؛ زیرا از الله نمی‌ترسد، اما کسی که بر الله ایمان می‌آورد به او دروغ نمی‌بندد. ابن جزی: ۱/ ۴۷۴.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که ایمان با دروغ منافات دارد.

۲ ﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾

کسی که بر کفر، مُکرَه و مجبور شود اما قلبش به ایمان مطمئن و راغب باشد، گناه و ایرادی بر او نیست. سعدی: ۴۵۰.

پرسش: در صورت وجود شروط اکراه، رحمت الله گسترده‌تر از این است که بر بندگان سخت بگیرد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾

الله تعالی در مورد کسی که بعد از ایمان و آگاهی، به او تعالی کفر ورزد و سینه‌اش را در برابر کفر بگشاید و به آن آرام گیرد، بر او خشم می‌گیرد؛ زیرا نسبت به ایمان علم پیدا کرده سپس از آن بازگشته است. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۸.

پرسش: چرا گناهِ کسی که از اسلام بازگشته، از گناه کافر اصلی بزرگ‌تر است؟

۴ ﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾

علما اجماع دارند بر این‌که اگر کسی بر کفر مجبور شود اما کشته‌شدن را برگزیند، پاداش بیشتری نزد الله دارد نسبت به کسی که به رخصت عمل کرده است. قرطبی: ۱۲/ ۴۴۴.

پرسش: مراتب جایز برای مکرَه را بر اساس فضیلت بیان کنید؟

۵ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

به خاطر دنیا مرتد شدند. ابن کثیر: ۲/ ۵۶۸.

پرسش: آیه یکی از اسباب بزرگ ارتداد بسیاری از مرتدان را بیان کرده است. این سبب چیست؟

۶ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

الله سبحانه و تعالی ترجیح دنیا بر آخرت را اساس و سبب زیان دانست. ابن تیمیه: ۴/ ۱۸۵.

پرسش: اصل و اساس گمراهی‌های کافران چیست؟

۷ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ﴾

در ادامه برای توصیف آنان فرمود: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ﴾ یعنی: اینان کسانی هستند که الله مهر نهاده است بر دل‌هایشان در برابر فهم اندرزها، ﴿وَسَمۡعِهِمۡ﴾ و بر گوش‌هایشان در برابر شنیدن کلام الله تعالی، ﴿وَأَبۡصَٰرِهِمۡ﴾ و بر چشمان‌شان از نگریستن در آیات، ﴿وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ﴾ و اینان غافلان (واقعی) هستند از آن‌چه که از آنان خواسته می‌شود. قرطبی: ۱۲/ ۴۴۹.

پرسش: خوردن مُهر بر دل و چشم و گوش چه تاثیری دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ	این امر را به او نسبت می‌دهند که به پیامبرﷺ آموزش داده است.
طَبَعَ	مهر زده است.
لَا جَرَمَ	قطعاً.
فُتِنُواْ	شکنجه و مبتلا شدند.

عمل به آیات

۱. در یکی از سایت‌های اینترنتی یا نرم‌افزارهایی که از دین و پیروانش دفاع می‌کند مشارکت کن، ﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ﴾

۲. به زیارت قبرستان برو و اولین شب خودت در قبر را تصور کن، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ﴾

۳. سه فایده از این آیه استخراج کن، ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. آموختن زبان عربی عبادت است؛ زیرا سبب فهمیدن قرآن کریم می‌شود، ﴿لِّسَانُ ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ﴾

۲. تسلیم‌شدن در برابر نفس در جستجوی لذت‌های دنیوی، سبب انحراف است، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۳. یکی از نشانه‌های غفلت انسان، عدم پیگیری اندرزها و ذکر و عدم تلاش در بهره‌بردن از آن‌هاست، ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ﴾

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٨٠)

۞ يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ
نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١١١ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا
قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن
كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ
ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢ وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ
رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ
١١٣ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ
نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤ إِنَّمَا حَرَّمَ
عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ
ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ١١٥ وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ
هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ
ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ١١٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١٧ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ
مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
رَغَدًا	گوارا و آسوده.
غَيْرَ بَاغٍ	بدون این‌که خواهان حرام باشد.
وَلَا عَادٍ	از حد ضرورت که سد رمق می‌کند نگذرد.

عمل به آیات

۱. امروز در عیوب خودت و شناخت راه‌های اصلاح آن‌ها تفکر کن، ﴿يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا﴾

۲. با ارسال پیامی از کفران نعمت‌هایی که در جامعه وجود دارد برحذر دار، ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴾

۳. قبل از خوردن غذا نام الله را به زبان بیاور و پس از غذا، سپاس او تعالی را بگو و اگر غذایی مناسب به جا ماند آن را به یکی از نیازمندان برسان، ﴿فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ﴾

رهنمودها

۱. بیندیش در این‌که چه اسبابی باعث شد الله تعالی امت‌ها و حکومت‌های قدیم و جدید را نابود کند، ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴾

۲. از خوردن آن‌چه که (هنگام ذبحش) نام الله تعالی بر آن برده نشده، و نیز از دروغگوییِ کشتارگاه‌ها در این امر، برحذر باش؛ زیرا این کار سبب می‌شود دعایت پذیرفتن نشود و از پروردگارت دور شوی، ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ﴾

۳. هر گاه دعوتگر یا پنددهنده‌ای نزدت آمد، حق را از او بپذیر؛ زیرا الله تعالی به این امر فرمان داده است، ﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر، یاد کن از] روزی که هر کس در حالی [به پیشگاه عدل الهی] می‌آید که [تنها] از خود دفاع می‌کند؛ و هر کس در برابر آنچه کرده است، بی‌کم‌وکاست پاداش می‌گیرد و بر آنان ستم نمی‌رود. (۱۱۱) و الله شهری [همچون مکه] را مثال می‌زند که امن و آرام بود [و] روزی‌اش از هر سو به آسانی و فراوانی می‌رسید؛ ولی [مردمانش] نسبت به نعمت‌های الهی ناسپاسی نمودند و آنگاه الله [نیز] به سزای آنچه مرتکب می‌شدند، طعم گرسنگی و ترس را به [اهالی] آن چشانید. (۱۱۲) و پیامبری از خودشان به سوی آنان آمد، اما او را دروغگو انگاشتند؛ و در حالی که ستمکار [و مشرک] بودند، عذاب [الهی] آنان را فروگرفت. (۱۱۳) پس، از آنچه الله روزی‌تان کرده است حلال [و] پاکیزه بخورید و اگر فقط او را عبادت می‌کنید [و شرک نمی‌ورزید]، بر نعمت الهی شکر گزارید. (۱۱۴) جز این نیست که [الله] فقط مُردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام ذبح،] نامِ غیر الله بر آن برده شده است بر شما حرام کرده است؛ اما هر کس [برای حفظ جانش به خوردن آنها] ناچار شود [و] سرکش و زیاده‌خواه نباشد، [بر او گناهی نیست؛ چرا که] بی‌تردید، الله آمرزندۀ مهربان است. (۱۱۵) و [ای مشرکان،] با دروغی که بر زبانتان جاری می‌شود نگویید: «این حلال است و آن حرام» تا بر الله دروغ بندید. کسانی که بر الله دروغ می‌بندند، هرگز رستگار نمی‌شوند. (۱۱۶) [نتیجۀ دنیادوستی‌شان] بهره‌ای اندک است و [در آخرت] عذابی دردناک [در پیش] دارند. (۱۱۷) و بر یهود آنچه را پیش‌تر بر تو حکایت کردیم حرام نمودیم و ما به آنان ستم نکردیم؛ بلکه آنها خود [بودند که در نتیجۀ نافرمانی،] به خویشتن ستم می‌کردند. (۱۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ﴾

﴿يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا﴾: با کارهای خیر و شری که قبلاً انجام داده است برای دفاع از خودش مجادله و استدلال می‌کند؛ در حالی که به خودش سرگرم است و کاری به دیگران ندارد. بغوی: ۲/ ۶۴۱.

پرسش: بنده چه زمانی سرگرم کار خودش است و به عیوب دیگران نمی‌پردازد؟

۲ ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴾

امنیت بر آرامش مقدم شد چون دومی بدون اولی حاصل نمی‌شود؛ چنان‌که ترس، سبب بی‌قراری و نگرانی است. ابن عاشور: ۱۴/ ۳۰۵.

پرسش: چرا امنیت بر آرامش مقدم شد؟

۳ ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴾

الله تعالی گرسنگی و ترس را به این سبب لباس نامید که لاغری و نزاری و دگرگونی چهره و حال بد را که مانند لباس است بر آنان آشکار می‌گرداند. قرطبی: ۱۲/ ۴۵۲.

پرسش: چرا الله تعالی گرسنگی و ترس نازل‌شده بر امت‌های نابودشده را لباس نامید؟

۴ ﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴾

آنان را ضرب المثل و اندرزی قرار داد برای کسانی که همانند آنان مرتکب انکار نعمت الله شوند. ابن عاشور: ۱۴/ ۳۰۳.

پرسش: آبادی‌های نابودشده چگونه ضرب المثل و اندرزی برای دیگران قرار گرفتند؟

۵ ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ﴾

الله تعالی بر اساس لطف و بخششی که بر ما دارد و برای محافظت ما از تمام پلیدی‌ها، فقط موارد ناپاک و نجس را بر ما حرام گردانیده است. سعدی: ۴۵۱.

پرسش: علت تحریم خوراکی‌های حرام چیست؟

۶ ﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ﴾

هر کس بدعتی ایجاد کند که هیچ سند شرعی بر آن وجود ندارد مصداق این آیه است. ابن کثیر: ۲/ ۵۷۰.

پرسش: نحوۀ دلالت آیه بر تحریم بدعت در دین را بیان کنید.

۷ ﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ﴾

این آیه عرب‌هایی را مورد خطاب قرار می‌دهد که مواردی را حلال و مواردی را حرام کردند؛ مانند بحیره و سایر مواردی که در سورۀ مائده و انعام آمده است. به‌علاوه، هر کسی که بدون علم چیزی را حلال یا حرام بنامد مصداق آیه است. ابن جزی: ۱/ ۴۷۶.

پرسش: چه اصنافی موضوع این آیه هستند؟

سورة (النحل) الجزء (١٤) صفحة (٢٨١)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ
ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ (١١٩) إِنَّ
إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ
(١٢٠) شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِۚ ٱجۡتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ
(١٢١) وَءَاتَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
(١٢٢) ثُمَّ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ
مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ (١٢٣) إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبۡتُ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ
فِيهِۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا
كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ (١٢٤) ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ
وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ
رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ
(١٢٥) وَإِنۡ عَاقَبۡتُمۡ فَعَاقِبُواْ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبۡتُم بِهِۦۖ وَلَئِن
صَبَرۡتُمۡ لَهُوَ خَيۡرٞ لِّلصَّٰبِرِينَ (١٢٦) وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ
إِلَّا بِٱللَّهِۚ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ
(١٢٧) إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ (١٢٨)

ترجمه آیات

با وجود این، پروردگارت نسبت به کسانی که از روی نادانی گناه کردند و سپس از آن [اشتباهات] توبه نمودند و درستکاری کردند، قطعاً پس از آن، آمرزندهٔ مهربان است. (۱۱۹) بی‌گمان، ابراهیم پیشوایی فروتن در برابر الله [و] حقگرا بود و [هرگز] در زمرهٔ مشرکان نبود. (۱۲۰) [او] شکرگزارِ نعمت‌های الله بود. [الله] وی را برگزید و به راه راست هدایت نمود. (۱۲۱) [ما] در دنیا به او نیکی عطا کردیم و قطعاً او در آخرت [نیز] از شایستگان است. (۱۲۲) سپس [ای پیامبر،] به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن که حقگرا بود و [هرگز] در زمرهٔ مشرکان نبود. (۱۲۳) [وجوبِ بزرگداشتِ روزهای] شنبه، تنها بر کسانی قرار داده شد که در آن اختلاف کردند؛ و قطعاً پروردگارت روز قیامت، در مورد آنچه اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری خواهد کرد. (۱۲۴) [ای پیامبر، مردم را] با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است با آنان [بحث و] مناظره کن. بی‌تردید، پروردگارت به [حال] کسی که از راه او گمراه می‌شود داناتر است و او به [حال] هدایت‌یافتگان [نیز] داناتر است. (۱۲۵) و اگر [شما مؤمنان] خواستید [دشمنانتان را] مجازات کنید، چنان مجازات کنید که [آنان] شما را مجازات کرده‌اند؛ و اگر [خویشتنداری و] شکیبایی کنید، [بدانید که] قطعاً این [کار] برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶) و [ای پیامبر،] صبر پیشه کن و صبر تو جز به [یاری و] توفیق الله نیست؛ و بر آنان [= کافران] اندوه مخور و از نیرنگی که می‌ورزند دلتنگ مباش. (۱۲۷) بی‌تردید، الله با کسانی است که پرهیزگاری کردند و کسانی که نیکوکارند. (۱۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

الله تعالی به منظور لطف و بخشش در حق مومنان گناهکار خبر داد از این‌که هر یک از آنان به سوی او تعالی توبه کند توبه‌اش را می‌پذیرد؛ بنابراین فرمود: ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ﴾. یکی از سلف گفته است: هر کس از الله نافرمانی کند جاهل است. ابن کثیر: ۲/ ۵۷۱.

پرسش: چرا گناهکار، جاهل نامیده شد؟

۲ ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

اصلاح به معنای پایداری بر توبه است. بغوی: ۲/ ۶۴۳.

پرسش: هدف ﴿ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ﴾ چیست؟

۳ ﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

عبارت ﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ﴾ دو وجه دارد: وجه اول این‌که: ابراهیم عليه السلام به سبب کمال و دارابودن تمام صفات نیکو، به تنهایی یکی از امت‌ها بود... وجه دیگر این‌که: یک امت به معنای امام (پیشوا) بود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗا﴾ [البقرة: ۱۲۴] «من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم»؛ ابن مسعود رضي الله عنه می‌گوید: امت یعنی معلم مردم در آموزش نیکی. ابن جزی: ۱/ ۴۷۷.

پرسش: واژهٔ ﴿أُمَّةٗ﴾ چند مورد از صفات ابراهیم عليه السلام را در بر دارد؟ این صفات را نام ببرید.

۴ ﴿وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

برای پاسخ دادن به مشرکان عرب که خود را به ابراهیم عليه السلام نسبت می‌دادند، شرک از او نفی شد. ابن جزی: ۱/ ۴۷۷.

پرسش: اگر مشرکی خود را به پیامبر ﷺ یا خاندان او نسبت دهد، آیا این کارش فایده‌ای به او می‌رساند؟

۵ ﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ﴾

منظور از سبیل در این‌جا اسلام است. ﴿بِٱلۡحِكۡمَةِ﴾ یعنی سخنی که درستی‌اش آشکار است. ﴿وَٱلۡمَوۡعِظَةِ﴾ یعنی ترغیب و ترهیب. جدال به معنای پاسخ‌دادن به مخالف است. علمای علوم عقلی این سه مورد را برهان و خطابه و جدال می‌نامند. ابن جزی: ۱/ ۴۷۸.

پرسش: عناصر دعوتِ موفق را از طریق آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾

مجادله به بهترین روش، طرقی عقلی و شرعی است که تاثیر بیشتری بر پذیرش دارد؛ از جمله: استدلال به دلایلی که طرف مقابل به آن‌ها اعتقاد دارد؛ زیرا این کار برای رسیدن به مقصود بهتر است. مجادله به نزاع و دشنام کشانده نشود که هدف مجادله را از بین می‌برد و هیچ فایده‌ای از آن حاصل نمی‌شود؛ زیرا هدف مجادله، هدایت مردم به سوی حق است نه چیره‌شدن و... . سعدی: ۴۵۲.

پرسش: مجادله به بهترین روش چگونه انجام می‌شود؟

۷ ﴿وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ﴾

یعنی: صبر کن و صبرِ تو جز به یاری و توفیق الله نیست. بغوی: ۲/ ۶۴۷.

پرسش: آیا بنده به تنهایی می‌تواند صبر را محقق کند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِجَهَٰلَةٖ	از روی نادانی، و جهل به سرانجام گناه. هر کس از الله نافرمانی کند، جاهل است.
أُمَّةٗ	پیشوا، دارای تمام صفات نیکو.
قَانِتٗا	فروتن و همیشه عبادتگزار.
حَنِيفٗا	رویگردانیِ آگاهانه از شرک به سوی توحید.
ٱجۡتَبَىٰهُ	او را برگزید.
سَبِيلِ رَبِّكَ	دین و راه مستقیم پروردگارت.

عمل به آیات

۱. اسلوب‌های دعوت را که در این آیه بیان شده استخراج کن و امروز در عمل دعوی خویش پیاده کن، ﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾

۲. امروز جدال با بهترین روش را با دوستت تمرین کن، ﴿وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾

۳. گناهی را که در حالت نادانی مرتکب شده‌ای به یاد آور، سپس از الله تعالی بخواه آن را ببخشد، ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسلوب‌های دعوت، به‌کارگیری حکمت و اندرز نیکو و مجادله با بهترین روش است، ﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾

۲. الله هر گاه ارادهٔ خیر به بنده داشته باشد، صبر را به او روزی می‌دهد، ﴿وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ﴾

۳. تقوا و احسان، اسباب همراهی الله با بنده است، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ﴾.

سورة (الإسراء) الجزء (۱۵) صفحة (۲۸۲)

سُورَةُ الإِسۡرَاءِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ
هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ۱ وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ
هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ۲
ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ۳
وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا
بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ
ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ۵ ثُمَّ رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ
عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا
۶ إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا
جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُـُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ۷

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَكِيلٗا	معبودی که امورتان را به او واگذار می‌کنید.
فَجَاسُواْ	جستجو کنند.
ٱلۡكَرَّةَ	چیرگی و پیروزی.
وَلِيُتَبِّرُواْ	تا نابود کند.
تَتۡبِيرًا	نابودی کامل.

عمل به آیات

۱. «سُبۡحَانَ اللهِ» را زیاد تکرار کن که الله با آن تعظیم می‌شود و آن را زیاد می‌پسندد و تقدیس و تنزیهی مخصوص او تعالی است، ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ﴾

۲. با یکی از برادران یا دوستانت بنشین و حادثهٔ اسراء و معراج را از صحیح بخاری یا تفسیر ابن کثیر بخوانید، ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ﴾

۳. پنج مورد از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی را که الله تعالی به تو بخشیده است به یاد آور و به پیروی از پیامبران، شکر الله تعالی در قبال این نعمت‌ها را ادا کن، ﴿ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی را در تمام امور وکیل خویش قرار بده، ﴿أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا﴾

۲. هر آن‌چه که الله تعالی حکم کند به وجود می‌آید، و هر آن‌چه که وعده دهد محقق می‌گردد. ایمان به این مطالب واجب است، ﴿فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا﴾

۳. سپاس‌گزاری یکی از صفات رسولان است، پس به هدایت آنان اقتدا کن، ﴿ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا﴾

سورۀ اسراء

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

پاک و منزّه است آن [پروردگاری] که بنده‌اش [محمد] را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی ـ که پیرامونش را برکت داده‌ایم ـ سیر داد تا برخی از نشانه‌های [قدرت] خویش را به او بنمایانیم. بی‌تردید، او همان شنوای بیناست. (۱) و ما به موسی کتاب [تورات] دادیم و آن را [مایهٔ] هدایتِ بنی‌اسرائیل ساختیم [و فرمودیم] که: «کارگزاری جز من [برای خود] برنگزینید». (۲) ای فرزندانِ کسانی که آنان را با نوح [در کشتی] سوار کردیم، به راستی او [= نوح] بنده‌ای شکرگزار بود. (۳) و در کتاب [تورات] به بنی‌اسرائیل وحی کردیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً سرکشی [و طغیان] بزرگی خواهید نمود. (۴) پس هر گاه وعدهٔ نخستین از آن دو [بار] فرارسید، گروهی از بندگانِ بسیار نیرومند [و پیکارجوی] خود را بر شما برمی‌انگیزیم تا میان خانه‌ها[یتان برای قتل و غارتِ شما] به جستجو درآیند؛ و این وعده‌ای انجام‌شدنی [و قطعی] بود. (۵) آنگاه [پس از مدتی] شما را بر آنان مسلط می‌گردانیم و با اموال و فرزندان یاری‌تان می‌کنیم، و [تعداد] نفرات شما را بیشتر [از دشمن] می‌گردانیم. (۶) اگر [در گفتار و رفتار] نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید؛ و اگر بدی کنید، [باز هم به] خود کرده‌اید. پس هنگامی که وعدهٔ دیگر فرارسید، [دشمن آنچنان شما را خوار می‌سازد] که آثار غم و اندوه در چهره‌هایتان ظاهر می‌شود و همان گونه که بارِ نخست وارد شدند، [این بار نیز حمله می‌آورند] تا به مسجد[الاقصی] داخل شوند و تا بر هر چه دست یابند [آن را] یکسره نابود کنند. (۷)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾

آغازکردن سوره با واژهٔ تسبیح بدون بیان مقدمه، حکایت از این دارد که شنوندگان خبر شگفت‌آوری را خواهند شنید که بر قدرت بزرگ گوینده و جایگاه بالای موضوع مورد بحث دلالت می‌کند. ابن عاشور: ۱۵/ ۹.

پرسش: آغازنمودن سوره با تسبیح چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا﴾

در حقیقت، پیامبر ﷺ در بیداری و نه در خواب شبانه سیر داده شد... زیرا تسبیح در قبال کارهای بزرگ صورت می‌گیرد و اگر این سیر در خواب صورت گرفته بود اهمیت زیادی نداشت و بزرگ شمرده نمی‌شد و نیز کافران قریش به سرعت آن را تکذیب نمی‌کردند و گروهی از کسانی که قبلاً اسلام آورده بودند مرتد نمی‌شدند. به‌علاوه، بنده عبارت است از مجموع روح و بدن و الله تعالی فرموده است: ﴿أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ﴾. ابن کثیر: ۳/ ۲۳.

پرسش: آیا فقط روح پیامبر ﷺ شبانه سیر داده شد یا روح و بدن با هم؟ این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ﴾

توصیف پیامبر ﷺ در این‌جا با صفت بندگی به این دلیل است که او با کامل‌کردن بندگی برای پروردگارش به این مقام‌های بزرگ دست یافت. سعدی: ۴۵۳.

پرسش: چرا در این‌جا صفت بندگی پیامبر ﷺ بیان شد؟

۴ ﴿وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا﴾

الله از گرفتن وکیلی غیر از خود او تعالی نهی کرد؛ زیرا مخلوق به تنهایی نمی‌تواند تمام نیازهای بنده را برآورده کند. وکالت در صورتی جایز است که انسان در کاری که توانایی انجام آن را دارد وکیل شود تا برخی از خواسته‌های موکل حاصل گردد؛ اما برآوردن تمام مقاصد و خواسته‌های انسان امری است که فقط الله بر آن توانایی دارد. ابن تیمیه: ۴/ ۲۰۲.

پرسش: چرا نهی شدیم از این‌که وکیلی غیر از الله بگیریم؟

۵ ﴿ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا﴾

یعنی: به راستی نوح بنده‌ای بسیار سپاس‌گزار بود؛ الله را در تمامی حالات ستایش می‌کرد. این عبارت برای بیان علت عبارت قبلی آمد؛ یعنی همانند پدرتان نوح ﷺ سپاس‌گزار باشید. ابن جزی: ۱/ ۴۸۱.

پرسش: چرا از میان تمام صفات نوح ﷺ، فقط صفت سپاس‌گزاری بیان شد؟

۶ ﴿فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ۞ ثُمَّ رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا﴾

بنی‌اسرائیل گاهی بر دشمن‌شان پیروز می‌شدند و گاهی دشمن بر آنان پیروز می‌گشت و این امر یکی از دلایل نبوت موسی ﷺ بود. همچنین پیروزی امت محمد ﷺ بر دشمن‌شان در گاهی اوقات و پیروزی دشمن بر آنان در بعضی اوقات، یکی از دلایل رسالت و نشانه‌های نبوت محمد ﷺ است. ابن تیمیه: ۴/ ۲۰۳.

پرسش: آیات بیان می‌دارد که گاهی اوقات بنی‌اسرائیل بر دشمن پیروز می‌شدند و بعضی اوقات دشمن بر آنان پیروز می‌شد. این امر بر چه موضوعی دلالت دارد؟

۷ ﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ﴾

عبارت ﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡ﴾ به این معناست که ما به سبب توبه و نو شدن نسل و در حالی که در نعمت قرار دارید، دوباره به شما مهلت می‌دهیم؛ پس اگر نیکی کردید که جزای نیکو دریافت می‌کنید و اگر بدی کردید بر خودتان بد کرده‌اید. یعنی همان‌گونه که مردمان قبل از شما را به سبب گناهان‌شان نابود کردیم، به شما نیز به سبب توبه‌تان نیکی کرده‌ایم، بنابراین از بدی دوری کنید تا به سرانجام کسانی که قبل از شما بودند گرفتار نشوید. ابن عاشور: ۱۵/ ۲۸.

پرسش: هم بشارت و هم انذار در آیه وجود دارد. از چه چیزی انذار داده شده است؟

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٣)

عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يَرۡحَمَكُمۡۚ وَإِنۡ عُدتُّمۡ عُدۡنَاۚ وَجَعَلۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ
حَصِيرًا ٨ إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩
وَأَنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٠
وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا ١١
وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ
ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ
ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا ١٢ وَكُلَّ
إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا
يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا ١٣ ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا
١٤ مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ
رَسُولٗا ١٥ وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا
فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا ١٦ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ
مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ١٧

مفاهيم واژگان

واژه	معنا
حَصِيرًا	زندانی که هرگز راه خروجی ندارد.
أَقۡوَمُ	عادلانه‌تر و درست‌تر.
فَمَحَوۡنَآ	ناپدید کردیم.
مُبۡصِرَةٗ	روشنایی‌بخش.
طَٰٓئِرَهُۥ	خیر و شری که انجام داده است.
وَلَا تَزِرُ	برنمی‌دارد.
وَازِرَةٞ	نفس گناهکاری.

عمل به آیات

۱. کاری را که بر تو دشوار آمده است مشخص کن، سپس در جستجوی آیاتی باش که در این مورد سخن گفته‌اند و تعالیم این آیات را عملی کن تا الله تعالی کار مورد نظر را بر تو آسان گرداند، ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. برای خود و خانواده‌ات به اصلاح و خیر دعا کن، ﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا﴾

۳. با ارسال پیامی خطر رفاه و آثار بد آن را بیان کن، ﴿وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. مبادا هنگام عصبانیت و خشم، علیه خودت یا فرزندانت یا اموالت، دعای بد کنی، از عجله در این امور بپرهیز و با حوصله و صبور باش، ﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا﴾

۲. با فطرت سالمی که الله تعالی تو را بر آن آفریده است مخالفت نکن، یعنی شب را زمان کار و روز را زمان خواب قرار نده، ﴿وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ﴾

۳. گاهی اگر گناهکاران امر به معروف و نهی از منکر نشوند، گناه‌شان سبب نابودی دیگران نیز خواهد شد، ﴿وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا﴾

ترجمه آیات

[ای بنی‌اسرائیل، اگر توبه کنید] امید است که پروردگارتان بر شما رحمت آورد و اگر [به تباهی] بازگشتید، ما نیز [به عذاب‌کردن شما] بازمی‌گردیم و دوزخ را زندان [ابدیِ] کافران کرده‌ایم. (۸) به راستی که این قرآن به استوارترین راه هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان [در پیش] است. (۹) و برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، عذابی دردناک مهیّا کرده‌ایم. (۱۰) انسان [در هنگام خشم، از روی نادانی و شتاب، نفرین می‌کند و] بدی را می‌طلبد، همان گونه که نیکی را درخواست می‌کند؛ و انسان همواره شتابزده است. (۱۱) شب و روز را دو نشانه[ی قدرت و یگانگی خویش] قرار دادیم؛ و نشانهٔ شب را محو [و تیره] کردیم و نشانهٔ روز را روشنی‌بخش قرار دادیم تا از پروردگارتان روزی بجویید و شمار سال‌ها و حساب [وقایع] را بدانید؛ و هر چیزی را به تفصیل بیان کردیم. (۱۲) و [سرنوشتِ] رفتار هر انسانی را [تا لحظهٔ حسابرسی] در گردنش بسته‌ایم و روز قیامت نوشته‌ای برایش بیرون می‌آوریم که آن را گشوده می‌بیند. (۱۳) [به او می‌گوییم:] «نامه‌ات را بخوان. کافی است که امروز خود حسابگرِ خویش باشی». (۱۴) هر کس راه [راست] یافت، جز این نیست که به سود خویش راه یافته است و هر کس گمراه شد، یقیناً به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ گناهکاری، بارِ گناه دیگری را برنمی‌دارد؛ و ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه [میانشان] پیامبری مبعوث کرده باشیم [تا وظایفشان را بیان کند]. (۱۵) و هر گاه بخواهیم [مردم] شهری را نابود کنیم، [نخست] به ثروتمندانِ سرکشِ آنجا فرمان [اطاعت از الله و پیروی از پیامبران را] می‌دهیم، سپس وقتی در آنجا به فساد [و مخالفت] برخاستند، وعده[ی عذاب الهی بر] آنجا محقق می‌گردد؛ آنگاه آنجا را به شدت در هم می‌کوبیم [و ساکنانش را از بین می‌بریم]. (۱۶) و چه بسیار نسل‌هایی را که پس از نوح [زندگی می‌کردند] هلاک کردیم و [همین] کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه [و نسبت به آنان] بیناست. (۱۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يَرۡحَمَكُمۡۚ وَإِنۡ عُدتُّمۡ عُدۡنَاۚ وَجَعَلۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ حَصِيرًا﴾

در این آیات، مسلمانان از انجام گناهان برحذر داشته شده‌اند تا مبادا عذابی که به بنی‌اسرائیل رسید آنان را نیز فرا گیرد؛ زیرا سنت الله واحد است و هرگز تبدیل و تغییر نمی‌پذیرد. هر کس بر تسلط کافران و ستمکاران بر مسلمانان بنگرد خواهد دانست که سبب این حالت، گناهان مسلمانان است تا کیفری برای‌شان باشد و این‌که اگر کتاب الله و سنت رسولش را برپا دارند در زمین به آنان قدرت می‌دهد و آنان را بر دشمنان‌شان پیروز می‌گرداند. سعدی: ۴۵۴.

پرسش: از آیات مربوط به امت‌های پیشین، چگونه در دعوت استفاده می‌کنی؟

۲ ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا﴾

یعنی: قرآن به راهی استوارتر از هدایت کتاب بنی‌اسرائیل که در مورد آن می‌فرماید ﴿وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾ هدایت می‌کند. بنابراین، بر تضمین نجات امت قرآن از انحراف از استوارترین راه اشاره دارد. ابن عاشور: ۱۵/ ۴۰.

پرسش: آیه چگونه دلالت دارد بر این‌که قرآن کریم محافظی در برابر نابودی است؟

۳ ﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا﴾

ابن عباس رضی الله عنهما و دیگران گفته‌اند: دعایی منظور است که انسان در آن - هنگام بی‌قراری و اندوه- علیه خود و فرزندانش مواردی می‌خواهد که دوست ندارد اجابت شود. قرطبی: ۱۳/ ۳۴.

پرسش: یکی از انواع عجلهٔ انسان را بیان کنید؟

۴ ﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا﴾

سرزنش و عتابی است بر این کار مردم که هنگام خشم و عصبانیت، علیه خود و اموال و فرزندان‌شان دعا می‌کنند و بدی می‌خواهند، چنان‌که در هنگام آرامش خیر را می‌خواهند. ابن جزی: ۱/ ۴۸۳.

پرسش: برخی مردم گاهی بدی‌ها را برای خودشان فرا می‌خوانند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا﴾

یعنی: دو نشانه بر یگانگی و وجود ما و علم و قدرت کامل ما هستند. نشانه‌بودن شب و روز به این دلیل است که: هر یک از این دو از جایی که مشخص نیست می‌آید و به جایی که مشخص نیست می‌رود، با افزودن هر یک از دیگری کاسته می‌شود و بالعکس، همچنین است روشنایی روز و تاریکی شب. قرطبی: ۱۳/ ۳۷.

پرسش: به چه دلیل شب و روز نشانه به شمار می‌روند؟

۶ ﴿ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا﴾

این بزرگ‌ترین عدالت و انصاف است که به بنده گفته می‌شود: خودت را مورد محاسبه قرار بده؛ تا آنچه را که سبب مجازات او می‌شود بداند. سعدی: ۴۵۵.

پرسش: در پرتو این آیه، عدالت الله سبحانه و تعالی را توضیح بده.

۷ ﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖ﴾

یعنی: ای تکذیب‌کنندگان! شما نزد الله از این امت‌ها گرامی‌تر نیستید؛ بلکه چون برترین رسول و گرامی‌ترین مخلوق را تکذیب کرده‌اید سزاوارتر به چشیدن کیفر هستید. ابن کثیر: ۳/ ۳۳.

پرسش: این خبر که الله تعالی امت‌های زیادی را پس از قوم نوح علیه السلام نابود کرده است چه پیامی دارد؟

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٤)

مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ
جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ
ٱلْءَاخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ
سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ﴿١٩﴾ كُلًّا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنْ
عَطَآءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾ ٱنظُرْ كَيْفَ
فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَلَلْءَاخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَٰتٍ وَأَكْبَرُ
تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ لَّا تَجْعَلْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا
﴿٢٢﴾ ۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا
يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ
أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَٱخْفِضْ لَهُمَا
جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى
صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ ۚ إِن تَكُونُوا۟ صَٰلِحِينَ
فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ
وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ
كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلْعَاجِلَةَ	دنیا.
مَّدْحُورًا	رانده‌شده از رحمت الله.
مَحْظُورًا	بازداشته‌شده.
مَّخْذُولًا	یاری‌نشده، و بدون جایگاه نزد الله.
لِلْأَوَّٰبِينَ	برای بازگشت‌کنندگان به سوی او در هر زمانی.

عمل به آیات

۱. امروز هدیه‌ای به والدینت بده و به نرمی و نیکی با آنان سخن بگو: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾

۲. امروز به صورت حضوری یا تلفنی حال یکی از خویشاوندانت را بپرس یا به یکی از نیازمندان انفاق کن، ﴿وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾

۳. با نوشتن پیامی، خطر اسراف و ولخرجی را توضیح بده، ﴿إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا﴾

رهنمودها

۱. تمایل و آرزو به تنهایی، در آخرت کافی نیست، بلکه ایمان و عمل صالح نیز باید در کنار آن وجود داشته باشد، ﴿وَمَنْ أَرَادَ ٱلْءَاخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا﴾

۲. الله تعالی دنیا را، هم به دوستانش می‌دهد و هم به دیگران، و عطای او تعالی یا به منظور گرامی داشتن است و یا برای آزمایش و استدراج. ﴿كُلًّا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾

۳. هرگز فراموش نکن که در مورد مال مورد محاسبه قرار می‌گیری، ﴿وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾

ترجمه آیات

هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، هر چه بخواهیم [و] به هر که بخواهیم [بهره‌ای] از آن می‌دهیم؛ آنگاه دوزخ را نصیبش می‌کنیم که در آنجا خوار و رانده‌شده [از رحمت الله،] وارد می‌گردد. (۱۸) و هر کس [زندگی] آخرت را بخواهد و برای [رسیدن به] آن با جدیّت بکوشد و مؤمن باشد، اینان کسانی هستند که از تلاششان قدردانی خواهد شد. (۱۹) همه را ـ [خواه] این گروه [بدکار] و [یا] آن گروه [نیکوکار]ـ از بخشش [و نعمت‌های دنیویِ] پروردگارت بهره‌مند می‌سازیم و بخششِ پروردگارت [از کسی] منع نشده است. (۲۰) بنگر که چگونه برخی از آنان را [از لحاظ مال و مقام] بر برخی دیگر برتری داده‌ایم؛ و قطعاً آخرت [در مقایسه با دنیا] از نظرِ درجات، بزرگ‌تر و از لحاظ فضیلت، برتر است [پس مومن باید به آن اشتیاق ورزد]. (۲۱) [ای انسان، هرگز هیچ] معبود دیگری را با الله [شریک] قرار نده که نکوهیده و بی‌یاور خواهی ماند. (۲۲) و پروردگارت چنین فرمان داده است که: «جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید. هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها در کنارِ تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی به ایشان نکن و بر سرشان فریاد نزن و به نیکی [و مهربانی] با آنان سخن بگو. (۲۳) و از روی مهربانی، در برابرشان فروتن باش و بگو: «پروردگارا، همان گونه که [بر من رحمت آوردند و] مرا در کودکی پرورش دادند، [تو نیز] به آنان رحمت آور». (۲۴) پروردگارِ شما، به آنچه در دل‌هایتان است آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، یقیناً او در حقِ توبه‌کاران آمرزنده است. (۲۵) و حق خویشاوند را به او بده [= صلهٔ رحِم به جای آور] و نیازمند و درراه‌مانده [را یاری کن] و ولخرجی و اسراف نکن. (۲۶) در حقیقت، اسرافکاران برادرانِ شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگارش همواره ناسپاس بوده است. (۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا﴾

یعنی: با خواری و ذلت و سرزنش‌شدن از جانب الله و مخلوقاتش و دوری از رحمت الله. بنابراین‌چنین کسی هم عذاب می‌بیند و هم خوار و رسوا می‌شود. سعدی: ۴۵۵.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که در جهنم هم عذاب روحی وجود دارد و هم عذاب حسّی؟

۲ ﴿وَمَنْ أَرَادَ ٱلْءَاخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا﴾

آیه هشدار می‌دهد که خواستن خیر آخرت بدون تلاش، فریب است و این‌که هر کس چیزی می‌خواهد برای دستیابی به خواسته‌اش ناگزیر باید اسباب رسیدن به آن را به‌کار گیرد و تلاش کند. ابن عاشور: ۱۵/ ۶۰.

پرسش: خواستن خیر و عدم تلاش برای کسب آن، نوعی فریب و غفلت است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾

حالت کهنسالی به صورت خاص بیان شد به این دلیل که پدر و مادر در این هنگام به سبب ضعف و سستی، بیش از هر زمان دیگری به نیکی و انجام حقوق‌شان نیاز دارند. ابن جزی: ۱/ ۴۸۵.

پرسش: چرا با وجود این‌که نیکی به پدر و مادر در همه‌حال واجب است الله تعالی فقط حالت کهنسالی را بیان فرمود؟

۴ ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾

واژهٔ ﴿أُفٍّ﴾ به معنای سخن ناگواری است که هنگام بی‌قراری و مانند آن گفته می‌شود و منظور از آن کوچک‌ترین واژهٔ ناپسندی است که از انسان صادر می‌شود. الله تعالی از گفتن چنین سخنی به پدر و مادر نهی فرمود پس به طریق اولی نباید فراتر از آن به والدین گفته شود. ابن جزی: ۱/ ۴۸۵.

پرسش: نهی از گفتن ﴿أُفٍّ﴾ تحذیر سخت و شدیدی برای فرزند به همراه دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا﴾

از این آیه چنین فهمیده می‌شود که هر اندازه پدر و مادر در امر تربیت و پرورش فرزندان بیشتر بکوشند حقشان بیشتر است، و نیز هر کس غیر از پدر و مادر که تربیت دینی و دنیایی انسان را بر عهده داشته باشد و مسئولیتش را به خوبی انجام دهد، بر کسی که تحت تربیت او قرار داشته، این حق را دارد. سعدی: ۴۵۶.

پرسش: زیاد می‌شنویم که معلم پدر دوم است، معلم چه حقی بر عهدهٔ دانش‌آموز دارد؟

۶ ﴿وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا﴾

تربیت به صورت خاص بیان شد تا شخص، دلسوزی و مهربانی والدین و رنج‌کشیدن آنان در تربیت خویش را به یاد آورَد، در نتیجه بیش از قبل با پدر و مادر مهربان باشد. قرطبی: ۱۳/ ۶۰.

پرسش: بیان تربیت فرزند در خردسالی توسط پدر و مادر چه رازی در بر دارد؟

۷ ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا﴾

هر کس مال خویش را بیش از مقدار نیاز در شهوات مصرف کند و با این کار مال را در معرض نابودی قرار دهد؛ اسرافکار است. قرطبی: ۱۳/ ۶۵.

پرسش: انسان چه زمانی اسرافکار و ولخرج به شمار می‌رود؟

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٥)

وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا
مَّيۡسُورٗا ﴿۲۸﴾ وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا
كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ﴿۲۹﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ
لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ﴿۳۰﴾ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ
أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ وَإِيَّاكُمۡۚ إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ
خِطۡـٔٗا كَبِيرٗا ﴿۳۱﴾ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ
سَبِيلٗا ﴿۳۲﴾ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ
وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي
ٱلۡقَتۡلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا ﴿۳۳﴾ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي
هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ
مَسۡـُٔولٗا ﴿۳۴﴾ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ
ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا ﴿۳۵﴾ وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ
ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا ﴿۳۶﴾
وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ
ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ﴿۳۷﴾ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ﴿۳۸﴾

ترجمه آیات

و اگر به امید رحمت و [گشایش روزی] از جانب پروردگارت [به ناچار] از آنان روی می‌گردانی، سخنی نرم به آنان بگو. (۲۸) و [هرگز] دست از انفاق نبند و [نیز] گشاده‌دستیِ بسیار نکن که ملامت‌شده و حسرت‌زده می‌گردی. (۲۹) بی‌گمان، پروردگارت، [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گرداند. بی‌تردید، او همواره به [احوالِ] بندگانش آگاه و بیناست. (۳۰) و فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید. ما به آنان و شما روزی می‌بخشیم. یقیناً کشتنِ آنها همواره خطایی بزرگ است. (۳۱) و نزدیک زنا نشوید. بی‌تردید، آن [کار،] بسیار زشت و راهی ناپسند است. (۳۲) و کسی را که الله [کشتنش را] حرام کرده است جز به‌حق نکشید؛ و هر کس به ستم کشته شود، به قیّمِ او قدرت [و حق قصاص] داده‌ایم؛ او نیز نباید در [کیفرِ] قتل زیاده‌روی کند. بی‌تردید، او [= ولیّ دَم] تحت حمایت [الله و شریعت او تعالی] قرار دارد. (۳۳) و به مال یتیم ـ جز به شیوه‌ای که نیکوتر است ـ نزدیک نشوید تا آنگاه که به حدِ [رشد و] بلوغش برسد و به پیمان [خویش] وفا کنید؛ چرا که [از شما] دربارۀ پیمان پرسیده خواهد شد. (۳۴) و هنگامی که [در خرید و فروش، اجناس را] پیمانه می‌کنید، پیمانه را کامل [و تمام] بدهید و [آنها را] با ترازوی درست وزن کنید. این [کار] برای شما بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد. (۳۵) و از آنچه دانشی دربارۀ آن نداری پیروی نکن. بی‌تردید [در قیامت،] گوش و چشم و دل، از همۀ اینها بازخواست خواهد شد. (۳۶) و در زمین با تکبر راه نرو. تو هرگز نمی‌توانی [با راه رفتنِ غرورآمیزت] زمین را بشکافی و در بلندی [و گردن‌فرازی نیز] به کوه‌ها نمی‌رسی. (۳۷) همۀ این [کارها]، گناهش نزد پروردگارت ناپسند است. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا﴾

﴿وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ﴾: استعاره‌ای است به معنای نهایت بخل؛ گویی بخیل دستش را از بخشش بازداشته و به گردنش بسته است. ﴿وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ﴾: استعاره‌ای به معنای نهایت بخشش است. الله تعالی از این دو روش نهی فرمود و به رعایت حد وسط میان این دو فرمان داد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ﴿۶۷﴾﴾ [الفرقان: ۶۷]؛ «و کسانی‌که چون انفاق کنند، اسراف نمی‌نمایند و سختگیری نمی‌کنند، و بین این دو (روش) اعتدال دارند». ابن جزی: ۱/ ۴۸۶.

پرسش: الله تعالی اسلام را شریعت میانه قرار داده است. مثالی برای این مطلب بیان کنید.

۲ ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا﴾

یعنی: الله به بندگانش دانا و بیناست به این‌که چه کسی سزاوار ثروت و چه کسی سزاوار فقر است؛ زیرا برخی از بندگان فقط شایستگی فقر را دارند و اگر ثروتمند شوند دین‌شان فاسد می‌گردد؛ در مقابل، برخی فقط شایستگی ثروت را دارند و اگر نیازمند و فقیر شوند دین‌شان فاسد خواهد گشت. گاهی نیز ثروت برای بعضی از مردم سبب نزدیکی به سوی عذاب، و فقر نیز برای کیفر و مجازات است. از دو مورد اخیر به الله پناه می‌بریم. ابن کثیر: ۳/ ۳۷.

پرسش: چرا آیه با دو صفت خبیر و بصیر به پایان رسید؟

۳ ﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که الله تعالی نسبت به بندگانش از پدر و مادر نیز مهربان‌تر است. ابن کثیر: ۳/ ۳۷.

پرسش: چه کسی نسبت به تو مهربان‌تر است؟ پروردگارت یا پدر و مادرت؟ چرا؟

۴ ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ﴾

نهی از نزدیک‌شدن به زنا، رساتر و شدیدتر از نهی از انجام آن به تنهایی است؛ زیرا اولی نهی از تمام مقدمات و انگیزه‌های زنا را شامل می‌شود. کسی که پیرامون منطقه ممنوع می‌چرخد نزدیک است که در آن قرار گیرد؛ به‌خصوص در مورد زنا که قوی‌ترین انگیزۀ انجام آن در بسیاری از مردم وجود دارد. سعدی: ۴۵۷.

پرسش: چه تفاوتی میان ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ﴾ و «ولا تفعلوا الزنا» وجود دارد؟ نهی در کدام یک رساتر و شدیدتر است؟

۵ ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ﴾

الله تعالی زشتی زنا را این‌گونه بیان کرد که فاحشه است؛ یعنی: از نظر شرعی و عقلی و فطری، گناهی زشت و ناپسند است؛ زیرا شامل گستاخی بر انجام حرام در حق الله، حق زن، حق خانواده یا شوهر و فاسدکردن فراش و اختلاط نسب‌ها و سایر مفاسد است. سعدی: ۴۵۷.

پرسش: چه اسبابی باعث شده که صفت فاحشه بر زنا اطلاق شود؟

۶ ﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا﴾

این آیه یک نکتۀ تربیتی بزرگ و نیز اصلاح ارزشمند عقلی را در بر دارد که جدایی میان مراتب نظرات عقلی را به امت می‌آموزاند؛ به‌گونه‌ای که معلوم و مظنون و موهوم از یکدیگر متمایز می‌شوند. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۰۱.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه به تربیت اخلاقی و اصلاح عقلی راهنمایی می‌کند.

۷ ﴿إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا﴾

یعنی: توانایی تو به این حد نمی‌رسد، بلکه بنده‌ای ذلیل هستی و از زیر پا و بالای سر در احاطه قرار داری و کسی که در احاطه قرار داشته باشد محصور و ضعیف است؛ پس تکبر، زیبندۀ تو نیست. قرطبی: ۱۳/ ۸۳.

پرسش: چرا سزاوار بندۀ ضعیف نیست که تکبر ورزد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَلُومٗا	مردم تو را سرزنش و ملامت می‌کنند.
مَّحۡسُورًا	درمانده و پشیمان، به سبب زیاده‌روی.
يَقۡدِرُ	محدود می‌گرداند.
إِمۡلَٰقٖ	فقر.
وَلَا تَقۡفُ	پیروی نکن.
مَرَحًا	مغرور و متکبر.

عمل به آیات

۱. سبب انجام گناه را مشخص کن و از آن دوری گزین، ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا﴾

۲. کفالت یتیمی را بر عهده بگیر، یا در کفالت او از طریق یکی از موسسات خیریه مشارکت کن، ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥ﴾

۳. عادت کن در مورد آن‌چه که نمی‌دانی بگویی: نمی‌دانم، بلد نیستم، ﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا﴾

رهنمودها

۱. از گام‌هایی که تو را به سوی انجام فواحش و معاصی می‌رساند دوری کن؛ زیرا هر کس که پیرامون منطقۀ ممنوع بچرخد نزدیک است که در آن قرار گیرد، ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ﴾

۲. روز قیامت در مورد عهد و پیمان‌هایی که با الله یا مخلوقاتش بسته‌ای مسئول هستی، پس حریص باش تا به آن‌ها وفا کنی، ﴿وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡـُٔولٗا﴾

۳. نسبت به اعضای بدنت در برابر الله تعالی مسئول هستی و فقط کسی ارزش این اعضا را می‌داند که از آن‌ها محروم است، پس آن‌ها را در طاعت به کار بگیر، ﴿إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا﴾

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٦)

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا
ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا ٣٩ أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم
بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا ٤٠
وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ٤١
قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا
٤٢ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤٣ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ
ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن
لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤٤ وَإِذَا قَرَأۡتَ
ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا
مَّسۡتُورٗا ٤٥ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ
وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ٤٦
نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ
إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٤٧ ٱنظُرۡ
كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٤٨
وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ٤٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَلُومًا	مردم و نفست تو را سرزنش می‌کنند.
مَدۡحُورًا	رانده و دورشده از رحمت الله.
أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ	آیا به شما اختصاص داده است؟!
صَرَّفۡنَا	روش‌های گوناگون و روشنی به‌کار گرفتیم.
أَكِنَّةً	پوشش.
وَقۡرًا	سنگینی گوش.
وَرُفَٰتًا	بخش‌هایی جدا و پراکنده.

عمل به آیات

۱. یک سوره از قرآن که آخرت را به یادت می‌آورد بخوان، ﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ﴾

۲. الله تعالی را با دو نام ﴿حَلِيم﴾ و ﴿غَفُور﴾ بخوان تا با بردباری خویش با تو رفتار کند و تو را ببخشد و از گناهانت درگذرد، ﴿إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا﴾

۳. از شر غفلت به الله پناه ببر، ﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا﴾

رهنمودها

۱. بدترین و ناپسندترین سخن، آن است که عیبی بر ذات الله تعالی نسبت داده شود، ﴿أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا﴾

۲. نفهمیدن و درک‌نکردن قرآن، گاهی به سبب گناهان است، پس فوری توبه و بسیار استغفار کن، ﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ﴾

۳. ذکر الله تعالی - به‌خصوص کلمهٔ توحید و قرائت قرآن - سبب محافظت بنده از شیاطین است، ﴿وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا﴾

ترجمه آیات

این [سفارش‌ها] از آن حکمت[هایی] است که از جانب پروردگارت به تو وحی شده است؛ و معبودِ دیگری با الله قرار نده که نکوهیده و رانده‌شده [از رحمت الله] به دوزخ خواهی افتاد. (۳۹) آیا [شما مشرکان گمان می‌کنید که] پروردگارتان [داشتن] پسران را به شما اختصاص داده است و خود از [میانِ] فرشتگان، دخترانی برگرفته است؟ به راستی که سخنی بسیار بزرگ [و ناروا] می‌گویید. (۴۰) و بی‌تردید، ما در این قرآن [احکام و اندرزها را با شیوه‌های روشن و] گوناگون بیان کردیم تا [مردم] پند بگیرند؛ و[لی این سخنان،] جز دوری [از حق] بر آنان نمی‌افزاید. (۴۱) [ای پیامبر،] بگو: «اگر [بر فرضِ محال،] چنان که [مشرکان] می‌گویند، با او [= الله] معبودانی [دیگر] بود، در این صورت، آنان [برای تقرّب و کسبِ خشنودی پروردگار] به سوی [اللهِ] صاحب‌عرش راهی می‌جستند». (۴۲) او تعالی پاک و منزّه است و از آنچه آنان می‌گویند، بسی برتر است. (۴۳) آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس در آنهاست او را به پاکی می‌ستایند؛ و هیچ چیز نیست مگر آنکه او را به پاکی یاد می‌کند؛ ولی شما تسبیح آنان را درنمی‌یابید. بی‌تردید، او همواره بردبار [و] آمرزنده است. (۴۴) و [ای پیامبر،] هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم. (۴۵) و پوششی بر دل‌هایشان قرار دادیم تا [پیام] آن را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهادیم تا حق را نشنوند]؛ و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، با نفرت پشت می‌کنند [و می‌گریزند]. (۴۶) و آنگاه که [کافران] به تو گوش می‌سپارند، ما بهتر می‌دانیم که به چه [منظور و چگونه] گوش می‌دهند و [نیز] آنگاه که نجوا می‌کنند [ما از سخنانشان آگاهیم]؛ آنگاه که ستمکاران [مشرک به مردم] می‌گویند: «شما جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید». (۴۷) بنگر که چگونه برایت مثال‌ها زدند، پس گمراه شدند و در نتیجه، نمی‌توانند راهی [به سوی حق] بیابند. (۴۸) و [مشرکان] گفتند: «آیا هنگامی که استخوان‌هایی [پوسیده و] پراکنده شدیم، دوباره با آفرینشی جدید برانگیخته می‌شویم؟» (۴۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا﴾

الله تعالی این باورشان را قول محض برشمرد؛ زیرا فقط سخنی است که بدون تأمل صادر شده است و اگر گویندهٔ آن اندکی می‌اندیشید حتماً می‌دانست که آن سخنش از دایرهٔ عقل سالم به دور است. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۰۸.

پرسش: مشرکان فرشتگان را دختران الله معرفی می‌کردند. چرا الله تعالی این دیدگاه را سخن محض نامید؟

۲ ﴿تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا﴾

شاید ترجیح فعل ﴿لَّا تَفۡقَهُونَ﴾ بر فعل «لاتعلمون» شاید بر این علت برگزیده شد تا اشاره نماید به این‌که علم دقیق [از درک تسبیح کائنات، از انسان] نفی شده است. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۱۵.

پرسش: چرا فرمود ﴿لَّا تَفۡقَهُونَ﴾ نه «لا تعلمون»؟

۳ ﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا﴾

آن پرده به مستور و پوشیده بودن توصیف شد تا به حقیقتِ جنسِ آن پرده مبالغه شود؛ یعنی پرده‌ای که در پوشاندن به اوج خود رسیده؛ گویی با پوششی دیگر پوشانده شده است... یا این‌که پرده‌ای غیر از جنس پرده‌های شناخته‌شده است؛ یعنی پرده‌ای نامرئی است. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۱۷.

پرسش: توصیف حجاب به مستور در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۴ ﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ﴾

یعنی: بر دل‌های آنان پرده و پوشش‌هایی قرار می‌دهیم که با وجود آن قرآن را نمی‌فهمند، بلکه فقط به‌گونه‌ای که حجت بر آنان اقامه شود آن را می‌شنوند. سعدی: ۴۵۹.

پرسش: وجود پرده یا پوشش بر قلب چه نشانه‌ای دارد؟

۵ ﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗا﴾

﴿وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗا﴾ یعنی: الله تعالی در گوش این مشرکان متخاصم سنگینی قرار داده است که در نتیجه قرآن را که بر آنان تلاوت می‌شود نمی‌شنوند. تمام این پوشش و مهر و سنگینی که در گوش‌های‌شان قرار دارد کیفری از جانب الله تعالی به سزای سابقهٔ بدشان است که آنان را از هدایت با قرآن محروم می‌کند. الله به آنان ستم نکرده است بلکه خودشان به سبب دشمنی با رسول و رسالتش و جنگ با توحید و دین بر حقی که آورده است، بر خویشتن ستم روا داشتند. جزائری: ۳/ ۱۹۹.

پرسش: کیفر مذکور در آیه برای کسی که با رسالت رسول دشمنی کند چیست؟

۶ ﴿وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا﴾

ابوجوزاء اوس بن عبدالله گفت: هیچ‌چیز بهتر از گفتن «لا إله إلا الله» شیطان را از قلب نمی‌راند، سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا﴾. قرطبی: ۱۳/ ۹۵.

پرسش: چگونه شیطان از قلب رانده می‌شود؟

۷ ﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ﴾

یعنی: ما آنان را از فایده‌بردن از قرآن به هنگام شنیدن قرآن محروم کرده‌ایم؛ زیرا می‌دانیم که اهداف بدی دارند و به دنبالِ کوچک‌ترین دستاویز و بهانه‌ای برای طعنه‌زدن به آن هستند، و گوش فرا دادن آن‌ها به خاطر این نیست که راهیاب شوند و حق را بپذیرند، بلکه تصمیم قاطع گرفته‌اند که از قرآن پیروی نکنند. هر کس چنین حالتی داشته باشد شنیدن قرآن، هیچ سودی به او نمی‌رساند. سعدی: ۴۵۹.

پرسش: بهترین روش برای فایده‌بردن از قرآن هنگام شنیدن آیاتش چیست؟

ترجمه آیات

بگو: «[حتی اگر] سنگ باشید یا آهن (۵۰) یا [هر] آفریده‌ای که در خاطرتان بزرگ می‌نماید، [باز هم الله می‌تواند شما را زنده کند]. پس خواهند گفت: «چه کسی ما را بازمی‌گرداند؟» بگو: «[همان پروردگاری] که نخستین بار شما را آفرید». آنگاه سرهایشان را [به نشانهٔ ناباوری و تمسخر] در برابر تو تکان می‌دهند و می‌گویند: «آن [حادثه] کی خواهد بود؟» بگو: «چه بسا نزدیک باشد. (۵۱) روزی که [الله] شما را [به صحرای محشر] فرامی‌خوانَد و شما با سپاس و ستایش اجابتش می‌کنید و می‌پندارید که جز اندکی [در دنیا] به سر نبرده‌اید». (۵۲) و [ای پیامبر،] به بندگانم بگو با بهترین [الفاظ با یکدیگر] صحبت کنند [و از بددهانی بپرهیزند؛ چرا که] بی‌تردید، شیطان میان آنان دشمنی می‌افکنَد. به راستی که شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است. (۵۳) [ای مردم،] پروردگارتان به [احوال] شما داناتر است؛ اگر بخواهد، بر شما رحمت می‌آورد یا اگر بخواهد، عذابتان می‌کند؛ و [ای پیامبر،] ما تو را [برای آنان، نگهبان و] کارگزار نفرستاده‌ایم. (۵۴) پروردگارت به [هر چه و] هر کس در آسمان‌ها و زمین است داناتر است؛ و به راستی [ما] برخی پیامبران را [با افزونیِ پیروان و اعطای کتاب،] بر برخی [دیگر] برتری بخشیدیم و به داوود زَبور دادیم. (۵۵) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کسانی را که به جای او [معبود و کارسازِ خویش] پنداشته‌اید فرابخوانید؛ [خواهید دید که آنها] نه می‌توانند گزندی را از شما دور کنند و نه قادرند آن را [به سوی دیگری] بگردانند». (۵۶) کسانی را که آنان [به یاری و دعا] می‌خوانند، خود [با عبادت و عمل صالح] وسیله‌ای [برای تقرّب] به پروردگارشان می‌جویند [و در رقابتند تا بدانند کدام‌یک از آنان [به عبادت الله] نزدیک‌ترند و به رحمتش امیدوارند و از عذابش می‌ترسند؛ [چرا که] بی‌تردید، عذاب پروردگارت همواره شایستهٔ پرهیز است. (۵۷) و هیچ شهری نیست مگر اینکه [به سبب کفر و نافرمانی، مردمِ] آن را پیش از روز قیامت نابود می‌کنیم یا به عذابی سخت گرفتار می‌سازیم. این [کیفر] در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است. (۵۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبًا﴾

تعیین وقت روز قیامت فایده‌ای در بر ندارد؛ بلکه فایده فقط در پذیرش و اقرار به آن و اثباتش است وگرنه هر چیزی که آمدنی باشد در واقع نزدیک است. سعدی: ۴۶۰.

پرسش: چرا سؤال مشرکان در مورد وقت روز قیامت سؤال نامناسبی است؟

۲ ﴿يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾

زیرا بنده اگر هزاران سال در دنیا و قبر بماند آن را در مدت قیامت و جاودانگی، اندک برمی‌شمارد. قتاده می‌گوید: مدت دنیا را در مقایسه با قیامت ناچیز می‌شمارند. بغوی: ۲/ ۶۸۷.

پرسش: چرا بنده در روز قیامت گمان می‌کند مدت اندکی در دنیا مانده است؟

۳ ﴿وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ﴾

وقتی امر بین دو عمل نیکو دایر باشد دستور این است که اگر انجام هر دو ممکن نبود عمل نیکوتر انجام شود. سخن نیکو سبب تمام اخلاق نیک و اعمال صالح است؛ زیرا هر کس مالک زبانش باشد مالک تمام امورش است. سعدی: ۴۶۰.

پرسش: چه تفاوتی میان سخن حسن و سخن أحسن وجود دارد؟ و به کدام یک فرمان یافته‌ایم؟

۴ ﴿وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ﴾

یعنی: شیطان اسباب فساد دین و دنیای بندگان را میان آنان می‌اندازد. داروی این امر آن است که بندگان در سخنان ناپسندی که شیطان آنان را به آن فرا می‌خواند از او فرمان نبرند و به نرمی و مهربانی با یکدیگر رفتار کنند؛ تا شیطان که میان آنان را بر هم می‌زند شکست بخورد و تنها شود؛ زیرا او دشمن واقعی آنان است که باید با او بجنگند. سعدی: ۴۶۰.

پرسش: شیطان در گفتگوی میان انسان‌ها با یکدیگر وارد می‌شود. راه درمان این امر چیست؟

۵ ﴿وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾

مهم‌ترین هدف این تعلیم، تربیت امت بر به‌کارگیری رفتار نیکو و سخن نرم در برابر یکدیگر است؛ زیرا گفتار از اهداف سرچشمه می‌گیرد... نکتهٔ تربیتی بعدی این است که در مجادله با مشرکان، از اموری که باعث سرسختی و دشمنی بیشتر مشرکان می‌شود خودداری کنند؛ زیرا این امر یکی از مصادیق فسادکاری شیطان میان آن‌ها و دشمن‌شان است. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۳۲.

پرسش: مهم‌ترین هدف آیه چیست؟

۶ ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ﴾

عبادت بدون بیم و امید کامل نمی‌شود؛ زیرا ترس باعث ترک مناهی و امید باعث افزایش طاعات می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۴۶.

پرسش: بیم و امید چه اهمیتی در زندگی مومن دارد؟

۷ ﴿وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا﴾

ابن مسعود ﷺ می‌گوید: هر گاه زنا و ربا در میان ساکنان یک آبادی آشکار گردد الله تعالی اذن به هلاکت آنان می‌دهد. قرطبی: ۱۳/ ۱۰۷.

پرسش: الله چه زمانی آبادی‌ها را نابود می‌کند؟

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٧)

۞ قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى
صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۖ قُلِ ٱلَّذِى فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ
فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰٓ أَن
يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ
إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ
إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا
مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ
يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
بِمَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ ٱلنَّبِيِّۦنَ عَلَىٰ
بَعْضٍ ۖ وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن
دُونِهِۦ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ
ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ
مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ
أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَسَيُنْغِضُونَ	برای تمسخر تکان خواهند داد.
يَنزَغُ	فاسد می‌کند.
يَبْتَغُونَ	می‌جویند.
ٱلْوَسِيلَةَ	تقرّب با انجام طاعت.
ٱلْكِتَٰبِ	لوح محفوظ.
مَسْطُورًا	مکتوب.

عمل به آیات

۱. با برادر مسلمان یا با دوست خویش به نیکویی سخن بگو تا انس و الفت میان شما بیشتر شود، ﴿وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ﴾

۲. از وسوسه‌های شیطان به الله پناه ببر، ﴿إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾

۳. همین امروز برای اجرای فرمان رسول الله ﷺ، وصیت‌نامه‌ات را بنویس، ﴿يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾

رهنمودها

۱. زبانت را به گفتن سخن نیکو عادت بده، ﴿وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ﴾

۲. محبت الله سبحانه، امید به او و ترس از او، سه عمل قلبی و اساس تمام اعمال نیکو هستند؛ از این رو، الله مقربان خود را با آن‌ها توصیف فرموده است، ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ﴾

۳. هر گاه بدی زیاد شود، نابودی نزدیک می‌گردد، ﴿وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا﴾

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٨)

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ
وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ
إِلَّا تَخۡوِيفٗا ٥٩ وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا
ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ
فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ٦٠
وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ
قَالَ ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ٦١ قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي
كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ
ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٢ قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ
جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ٦٣ وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ
مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ
فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا
غُرُورًا ٦٤ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ٦٥ رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ فِي
ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٦٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَرَءَيۡتَكَ	به من خبر بده.
لَأَحۡتَنِكَنَّ	بر آنان مسلط خواهم شد.
مَّوۡفُورٗا	فراوان.
وَٱسۡتَفۡزِزۡ	تحریک و به شتاب وادار کن.
وَأَجۡلِبۡ	جمع کن و بر آن‌ها فریاد بزن.
بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ	با لشکریان سواره و پیاده‌ای که در معصیت الله داری.

عمل به آیات

۱. پیامی در مورد خطر غنا و موسیقی و این‌که از برنامه‌های شیطان هستند بنویس، ﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ﴾

۲. امروز بر گفتن اذکار صبحگاه و شامگاه و اذکار خوردنِ غذا و ورود و خروج از منزل بکوش، ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلٗا﴾

۳. از الله تعالی بخواه تو را جزء بندگانی قرار دهد که شیطان هیچ تسلطی بر آنان ندارد، ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی در برابر بندگانش چه بردبار است! از او نافرمانی می‌کنند در حالی که بر آنان احاطه دارد!، ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِ﴾

۲. هر کس بر رعایت احکام شریعت در اموال و فرزندان و غذایش متوجه نباشد، شیطان در این موارد با او شریک شده است، ﴿وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ﴾

۳. در جستجوی صفات کسانی باش که شیطان هیچ تسلطی بر آنان ندارد و بکوش یکی از آنان شوی، ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلٗا﴾

ترجمه آیات

[چیزی] ما را از فرستادن معجزات [درخواستی مشرکان] بازنداشت، مگر اینکه پیشینیان آن را دروغ پنداشتند؛ و ما به ثمود [قوم صالح] آن ماده‌شتر را به عنوان نشانه‌ای روشن دادیم؛ اما به آن ستم کردند و ما نشانه‌ها [و معجزات] را جز برای بیم‌دادن [مردم] نمی‌فرستیم. (۵۹) و [به یاد آور] هنگامی که به تو گفتیم: «یقیناً پروردگارت بر مردم احاطه دارد [و در قبضه قدرت او هستند]»؛ و آن رؤیایی را که [در شب معراج] به تو نمایاندیم؛ و [همچنین] آن درختِ لعنت‌شده [زَقّوم] در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را بیم می‌دهیم، ولی جز بر سرکشیِ بیشتر آنان نمی‌افزاید. (۶۰) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند، جز ابلیس که [از روی تکبر سر باز زد و] گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که [او را] از گِل آفریده‌ای؟» (۶۱) [و] گفت: «به من خبر بده آیا این همان کسی است که او را بر من [برتری دادی و] گرامی داشتی؟ اگر تا روز قیامت به من مهلت دهی، فرزندانش را ـ جز عدهٔ کمی ـ [مهار زده و] ریشه‌کن خواهم کرد». (۶۲) [الله] فرمود: «برو که هر یک از آنان که از تو پیروی کند، یقیناً دوزخ پاداشتان خواهد بود که پاداشی کامل است. (۶۳) و هر کس از آنان را توانستی به آوای خود برانگیز [و به سوی گناه بکشان] و با سواران و پیادگانت بر آنان بانگ بزن [تا آلودهٔ گناه گردند] و در اموال و فرزندان، شریکشان شو و به آنان وعده[های واهی] بده؛ و[لی] شیطان به آنان وعده نمی‌دهد مگر به فریب. (۶۴) [ای شیطان،] تو هرگز تسلطی بر بندگان من نخواهی داشت»؛ و [ای پیامبر،] همین بس که پروردگارت [کارگزار و] نگهبانِ آنان [= مؤمنان] باشد. (۶۵) [ای مردم،] پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برایتان به حرکت درمی‌آورد تا از فضلش بهره‌مند گردید. بی‌تردید، او همواره نسبت به شما مهربان است. (۶۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا﴾

به این سبب ثمود و معجزه‌اش به صورت خاص بیان شد که خبر آنان میان عرب مشهور است و آثار نابودی‌شان در سرزمین عرب و نزدیک ساکنان مکه قرار دارد به‌گونه‌ای که در مسیر رفت و بازگشت سفرهای میان مکه و شام این آثار را می‌بینند. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۴۴.

پرسش: چرا در این آیه فقط ثمود ذکر شد؟

۲ ﴿وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا﴾

وقتی پیامبر ﷺ آنان را از اسراء و درخت زقوم باخبر ساخت گروهی این امر را انکار کردند و مدعی شدند که این امور با عقل سازگار نیست. الله تعالی نیز این آیه را نازل فرمود: ﴿وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ﴾ یعنی آزمایش و امتحانی برای مردم؛ تا مومن و کافر از یکدیگر متمایز شوند. یکی دیگر از چیزهای که پیامبر ﷺ به آنان خبر داد این بود که بهشت و جهنم را دیده است. این مورد یکی از مواردی است که برای ترسانیدن بیان شد؛ چنان‌که الله تعالی فرمود: ﴿وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا﴾. ابن تیمیه: ۴/ ۲۳۵.

پرسش: بر اساس بند فوق توضیح دهید که چگونه آن‌چه پیامبر ﷺ دیده بود و از آن خبر داد آزمایشی برای مردم است؟

۳ ﴿وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا﴾

فعل مضارع در ﴿نُخَوِّفُهُمۡ﴾ و ﴿يَزِيدُهُمۡ﴾ به این دلیل برگزیده شد که مقتضی تکرار و نوشدن تهدید است، و هر بار که این تهدید تازه شود سرکشی آنان نیز تازه و بزرگ می‌گردد. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۴۹.

پرسش: چرا در آیه فعل مضارع ﴿نُخَوِّفُهُمۡ﴾ و ﴿نُخَوِّفُهُمۡ﴾ انتخاب شد؟

۴ ﴿قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

﴿لَأَحۡتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ﴾ «فرزندانش را (گمراه و) ریشه‌کن خواهم کرد»؛ یعنی: بر آنان مسلط خواهم شد و آنان را رام خواهم کرد. از «تحنیک الدابة» گرفته شده است؛ یعنی این‌که زنخدان حیوان با ریسمانی بسته شود تا رام گردد. ابن جزی: ۱/ ۴۹۱.

پرسش: منظور از تسلط شیطان بر انسان چیست؟ و چه نشانه‌ای دارد؟

۵ ﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ﴾

صدای شیطان: عبارت است از هر نعره‌ای که به نافرمانی الله تعالی فرا می‌خواند. از ابن عباس رضی الله عنهما و مجاهد روایت شده که منظور از صدای شیطان: موسیقی و نی و طبل است. قرطبی: ۱۳/ ۱۱۸.

پرسش: شیطان چگونه انسان‌ها را با صدایش تحریک می‌کند؟

۶ ﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ﴾

هر کس که به غیر طاعت الله سخن بگوید، و هر کس با نی یا فلوت یا دایرهٔ حرام یا طبل بانگ بلند کند، صدای شیطان است. هر کس در معصیت الله بر روی دو پایش راه برود در گروه پیاده‌نظام شیطان قرار دارد و هر سواره‌ای که در معصیت الله حرکت کند یکی از افراد سواره‌نظام شیطان است. ابن قیم: ۲/ ۱۴۲ - ۱۴۳.

پرسش: توضیح دهید که منظور از صدا و سوارگان و پیادگان شیطان چیست؟

۷ ﴿وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا﴾

مشارکت شیطان در اموال با کسب مال از طریق ربا و مصرف آن در معاصی و چنین مواردی است. مشارکت او در فرزندان نیز با حاملگی از طریق زنا و نامگذاری فرزند با عبد شمس و عبدالحارث و شبیه این اسامی است. ابن جزی: ۱/ ۴۹۲.

پرسش: چند نمونه از مشارکت شیطان با انسان‌ها در مال و فرزند را نام ببرید.

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٨٩)

وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُۖ فَلَمَّا
نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ كَفُورًا ٦٧ أَفَأَمِنتُمۡ
أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ ٱلۡبَرِّ أَوۡ يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗا ثُمَّ
لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ وَكِيلًا ٦٨ أَمۡ أَمِنتُمۡ أَن يُعِيدَكُمۡ فِيهِ تَارَةً
أُخۡرَىٰ فَيُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ قَاصِفٗا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغۡرِقَكُم بِمَا كَفَرۡتُمۡ
ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ عَلَيۡنَا بِهِۦ تَبِيعٗا ٦٩ ۞ وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ
ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ
وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا ٧٠ يَوۡمَ نَدۡعُواْ
كُلَّ أُنَاسِۭ بِإِمَٰمِهِمۡۖ فَمَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ
يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا ٧١ وَمَن كَانَ
فِي هَٰذِهِۦٓ أَعۡمَىٰ فَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ٧٢ وَإِن
كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ
عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا ٧٣ وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ
لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا ٧٤ إِذٗا لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ
ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا ٧٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَاصِبٗا	باد شدیدی که سنگریزه‌ها را به شما می‌کوبد.
قَاصِفٗا مِّنَ ٱلرِّيحِ	باد شدیدی که بر هر چه بوزد آن را خرد می‌کند و در هم می‌شکند.
بِإِمَٰمِهِمۡ	به کسی که در دنیا به او اقتدا می‌کردند.
كَادُواْ	نزدیک بودند.
لَيَفۡتِنُونَكَ	تا تو را منحرف کنند و در فتنه اندازند.

عمل به آیات

۱. موضعی که الله تعالی تو را نجات داد به یاد آور، سپس از او تعالی در قبال این نعمت سپاس‌گزاری کن، ﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ كَفُورًا﴾

۲. از الله تعالی تقاضا کن نامهٔ اعمال تو را به دست راستت دهد، ﴿فَمَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا﴾

۳. رسول الله ﷺ نیاز داشت که الله تعالی او را ثابت‌قدم بدارد، پس ما به طریق اولی باید این دعا را بخوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ» [ضعیف؛ سنن نسایی: ۱۳۰۴] «یا الله! ثبات در کار و پایداری بر هدایت را از تو می‌خواهم»، ﴿وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا﴾

رهنمودها

۱. یکی از ضعف‌های بنده این است که پس از این‌که الله تعالی او را نجات داد و غم و اندوهش را برطرف ساخت، به سرعت به غفلت و اعراض و فساد بازمی‌گردد، ﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ كَفُورًا﴾

۲. هیچ‌کس را به خاطر رنگ یا نسب یا وطن سرزنش نکن، ﴿وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ﴾

۳. گناهکاران هیچ گاه با تو دوست نمی‌شوند مگر این که در گناهان‌شان با آنان شریک شوی، ﴿وَإِن كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا﴾

ترجمه آیات

و آنگاه که در دریا گزندی به شما می‌رسد، هر کس را [به حاجت‌خواهی] می‌خوانید، ناپدید [و فراموش] می‌گردد مگر [ذات پاکِ] او؛ اما وقتی شما را [از خطر مرگ] رهاند و به خشکی رساند، [از عبادت الله به یگانگی] رویگردان می‌شوید؛ و انسان همواره ناسپاس است. (۶۷) آیا [می‌پندارید] از اینکه [الله] شما را در کنارهٔ خشکی [در زمین] فرو بَرد یا طوفان شن به سوی شما بفرستد [و سنگبارانتان کند] ایمن شده‌اید؟ آنگاه برای خود هیچ [کارگزار و] نگهبانی نمی‌یابید. (۶۸) یا ایمن شده‌اید از اینکه بار دیگر شما را به دریا بازگردانَد و تُندبادی کوبنده به سویتان بفرستد و به سزای کفرتان شما را غرق کند؟ آنگاه در برابر ما هیچ بازپرسی برای خود نمی‌یابید [که دلیل کارمان را جویا شود]. (۶۹) و به راستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر وسایل سفر] سوار کردیم و از انواع [نعمت‌های] پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم، برتری بسیار بخشیدیم. (۷۰) [یاد کن از] روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرامی‌خوانیم؛ آنگاه کسانی که نامه[ی اعمال]شان به [دست] راستشان داده می‌شود، اینان نامهٔ خود را [با شادمانی] می‌خوانند و [کوچکترین] ستمی[حتی] به اندازهٔ رشتهٔ میان هستهٔ خرما نمی‌بینند. (۷۱) و[لی] کسی که در این [دنیا از دیدن حق] نابینا بوده است، در آخرت [نیز] نابینا و گمراه‌تر است. (۷۲) [ای پیامبر،] نزدیک بود آنها تو را [با وسوسه‌های خود] از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند تا [الفاظی] غیر از آن را [که وحی کرده‌ایم] به دروغ به ما نسبت دهی و آنگاه تو را به دوستی بگیرند. (۷۳) و اگر [ما] تو را ثابت‌قدم نمی‌کردیم، به راستی نزدیک بود اندکی به آنان متمایل شوی [و در آن‌چه که بر تو پیشنهاد داده‌اند و بخاطر اشتیاق زیاد بر ایمان آوردنشان با آن‌ها موافقت کنی]. (۷۴) در آن صورت، قطعاً چند برابر [عذاب در این] زندگی و چند برابر [پس از] مرگ به تو می‌چشاندیم و آنگاه در برابر ما یاوری برای خویش نمی‌یافتی. (۷۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَفَأَمِنتُمۡ أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ ٱلۡبَرِّ أَوۡ يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗا ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ وَكِيلًا﴾
آیه خبر می‌دهد که امنیت در خشکی نعمت بزرگی است که آن را فراموش می‌کنید واگر الله شما را در زمین فرو بَرد قطعا هلاک خواهید شد و راه نجاتی نخواهید یافت، بر خلاف ترس و وحشت موجود در دریا. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۶۲.
پرسش: امنیت در خشکی نعمت بزرگی است که بسیاری از ما آن را فراموش می‌کنیم.. آیه چگونه به این امر راهنمایی کرده است؟

۲ ﴿وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا﴾
قول صحیح و قابل اعتماد چنین است: این برتری بر اساس عقل است. عقل اساس تکلیف است و انسان از طریق عقل، الله را می‌شناسد، کلامش را می‌فهمد و به نعمت‌ها و تصدیق رسولش دست می‌یابد، اما از آن‌جا که عقل قادر بر انجام تمام اهدافی نیست که از بنده انتظار می‌رود، رسولان فرستاده شدند و کتاب‌ها نازل گردید؛ در نتیجه شریعت مانند خورشید و عقل مانند چشم است که اگر باز و سالم باشد خورشید را می‌بیند و جزئیات اشیا را درمی‌یابد. قرطبی: ۱۳/ ۱۲۶.
پرسش: الله تعالی با چه نعمتی انسان‌ها را بر سایر مخلوقات برتری داده است؟

۳ ﴿يَوۡمَ نَدۡعُواْ كُلَّ أُنَاسِۭ بِإِمَٰمِهِمۡۖ فَمَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا﴾
فتیل، نخی است که در شکاف هستهٔ خرما وجود دارد؛ یعنی هیچ عمل ریز و درشتی از آنان ضایع نمی‌گردد و مورد ستم قرار نمی‌گیرند. کوچک‌ترین مورد را بیان کرد تا به بزرگ‌ترین مورد اشاره نماید. ابن جزی: ۱/ ۴۹۳.
پرسش: بیان فتیل در آیه چه دلالتی دارد؟

۴ ﴿وَمَن كَانَ فِي هَٰذِهِۦٓ أَعۡمَىٰ فَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلٗا﴾
﴿هَٰذِهِۦٓ﴾ به دنیا اشاره دارد و منظور از کوری، کوری قلب است؛ یعنی هر کس در دنیا در برابر هدایت و درستی کور باشد، در آخرت نیز کور، یعنی سرگشته و نومید از خیر است. ابن جزی: ۱/ ۴۹۳.
پرسش: منظور از کوری دنیا و کوری آخرت چیست؟

۵ ﴿وَإِن كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا﴾
اما باید بدانی که آنان فقط به سبب حقی که آورده‌ای با تو دشمنی و مخالفت می‌کنند نه به خاطر خودت. سعدی: ۴۶۴.
پرسش: سبب دشمنی مشرکان با پیامبر ﷺ چه بود و دعوتگر چه فایده‌ای از این امر می‌برد؟

۶ ﴿وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا﴾
این آیات دلالت دارد بر نیاز شدید بنده به این‌که الله او را ثابت‌قدم دارد و این‌که باید همیشه از پروردگارش تقاضا کند او را بر ایمان پایدار بدارد و در انجام تمام اسباب این امر بکوشد؛ زیرا الله در مورد پیامبر ﷺ- که کامل‌ترین مخلوق است- می‌فرماید: ﴿وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا﴾. پس دیگران چه حالتی دارند؟! سعدی: ۴۶۴.
پرسش: توضیح دهید که این آیات بر نیاز شدید بنده به این‌که الله او را استوار و ثابت‌قدم نگه دارد دلالت دارد.

۷ ﴿إِذٗا لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا﴾
بر اساس مرتبهٔ بالای بنده و نعمت‌های زیادی که به او بخشیده شده است گناهش نیز بزرگ می‌شود و اگر کار قابل سرزنشی مرتکب شود مجازاتش چندین برابر می‌گردد؛ زیرا الله در مورد رسولش- که از این امور به دور است- فرمود اگر چنین کاری انجام دهد چندین عذاب می‌بیند: ﴿إِذٗا لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا﴾. سعدی: ۴۶۴.
پرسش: چرا اشتباه پیامبر یا عالم یا دعوتگر- به فرض اگر انجام شود- بزرگ‌تر از اشتباه دیگران است؟

سورة (الإسراء) الجزء (۱۵) صفحة (۲۹۰)

وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ
وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿۷۶﴾ سُنَّةَ مَن قَدۡ أَرۡسَلۡنَا
قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ﴿۷۷﴾ أَقِمِ
ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ
إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ﴿۷۸﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ
بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا ﴿۷۹﴾
وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ
وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ﴿۸۰﴾ وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ
ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ﴿۸۱﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ
شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ﴿۸۲﴾
وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ
ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسٗا ﴿۸۳﴾ قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ
بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا ﴿۸۴﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ
أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿۸۵﴾ وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ
بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا ﴿۸۶﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَادُواْ	نزدیک بودند.
تَحۡوِيلًا	تغییری.
لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ	از وقت زوال خورشید در نیمروز.
غَسَقِ ٱلَّيۡلِ	تاریکی شب.
وَزَهَقَ	باطل و ریشه‌کن شد.
زَهُوقًا	هیچ بقا و ثباتی ندارد.
وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ	از روی تکبر و عناد، از طاعت پروردگارش دور می‌شود.
شَاكِلَتِهِۦ	راه او و آن‌چه که سزاوارش است.

عمل به آیات

۱. بر ادای نمازهای پنج‌گانه در مسجد، به‌خصوص نماز صبح، مراقبت کن، ﴿أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا﴾

۲. امشب به اندازه‌ای که می‌توانی برخیز و نماز وتر بگزار، ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا﴾

۳. بر خودت یا افراد پیرامونت با قرآن رقیه بخوان و بدم، ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. قرآن شفا و رحمت است به‌خصوص برای مومنان؛ پس آن را برای درمان بیماری‌های حسی و معنوی به‌کار بگیر، ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. هر گاه پیروان حق آن را منتشر کنند، قطعا باطل هر اندازه که اوج گرفته باشد نابود می‌شود، ﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا﴾

۳. از ستم بپرهیز که ستمگر به اندازهٔ ستمش، از بهره‌بردن از قرآن محروم می‌گردد، ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا﴾

ترجمه آیات

و نزدیک بود [که کافران با نیرنگ و دشمنی،] تو را از سرزمین [مکه] برکَنند تا از آنجا بیرونت کنند و [اگر چنین می‌کردند] در آن صورت، آنان [نیز] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی‌ماندند [و گرفتار عذاب می‌شدند]. (۷۶) این [شیوهٔ برخورد با ملت‌های ناسپاس،] سنتِ [ما دربارهٔ] پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و [هرگز] در سنت ما [دگرگونی و] تغییری نمی‌یابی. (۷۷) نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار و [به ویژه] نماز صبح را. به راستی که نماز صبح [و تلاوت قرآن در این وقت،] مورد مشاهده [و در حضورِ فرشتگانِ روز و شب] است. (۷۸) و [ای پیامبر،] پاسی از شب را [از خواب] برخیز و نماز بگزار. قطعاً [این نماز شب،] برای افزونی مقام و مرتبهٔ توست [تا درجاتت را برتری بخشد]. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایشِ [همگان] برانگیزد! [= مقام شفاعت کبری را به تو عطا فرماید]. (۷۹) و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر کاری] به درستی داخل نما و به درستی خارج ساز [چنان که موردِ رضای توست]؛ و از جانب خویش حجتی یاری‌کننده برای من [در برابر دشمنانم] قرار بده». (۸۰) و بگو: «حق [= اسلام] آمد و باطل [= شرک] نابود شد. به راستی که باطل نابودشدنی است». (۸۱) و از قرآن، آنچه درمان [شرک و کفر] و رحمتی برای مؤمنان است نازل می‌کنیم و [این کتاب،] بر ستمکاران [مشرک] جز زیان نمی‌افزاید. (۸۲) و چون به انسان نعمت [ثروت و سلامتی] می‌دهیم، روی می‌گردانَد و [از شکرگزاری و عبادت] دوری می‌کند و چون بدی [و گزندی] به او می‌رسد، [از رحمت الهی] ناامید می‌گردد. (۸۳) [ای پیامبر،] بگو: «هر کس طبق روش خویش [و متناسب با هدایت یا گمراهی‌اش] رفتار می‌کند؛ و پروردگارتان بهتر می‌داند که چه کسی هدایت‌یافته‌تر است». (۸۴) و [ای پیامبر، کافران] از تو دربارهٔ روح می‌پرسند؛ بگو: «روح از [جمله امور غیبی و ناشی از] فرمانِ پروردگارِ من است و جز اندکی از دانش به شما نداده‌اند». (۸۵) و اگر می‌خواستیم، قطعاً آنچه را به تو وحی کرده‌ایم [از یادت] می‌بردیم؛ آنگاه هیچ [کارگزار و] نگهبانی در برابر ما برای خود نمی‌یافتی [که مانع فراموشی‌ات گردد]. (۸۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾
یعنی اگر تو را بیرون می‌راندند، پس از خروج تو از مکه جز مدت اندکی در آن نمی‌ماندند. آنان پس از این‌که پیامبر ﷺ بر اثر آزار و اذیت قریش به او و اصحابش، برای هجرت به سوی مدینه از مکه خارج شد، جز مدت اندکی نماندند و در روز بدر کشته شدند. ابن جزی: ۱/ ۴۹۴.

پرسش: سنت الله را در مورد کسانی که به دعوتگران و مصلحان آزار می‌رسانند توضیح دهید.

۲ ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا﴾
در صحیح بخاری از ابن عمر رضی الله عنهما چنین روایت شده است: روز قیامت مردم گروه گروه می‌شوند و هر گروه پیامبرش را جستجو می‌کند و می‌گویند: ای فلانی شفاعت کن. تا این‌که شفاعت به پیامبر ﷺ می‌رسد. این همان روزی است که الله او را به مقام محمود برمی‌انگیزاند. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۸۵.

پرسش: منظور از مقام محمود چیست؟

۳ ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا﴾
نماز شب، خلوت با آفریدگار و مناجات بدون مردم را به همراه دارد. قرطبی: ۱۳/ ۱۵۱.

پرسش: چرا نماز شب از سایر عبادات متمایز شده است؟

۴ ﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا﴾
﴿إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا﴾ یعنی باطل نابود است، اما گاهی اگر حق در برابر آن قرار نگیرد آشکار می‌شود و رواج می‌یابد. پس با آمدن حق باطل از بین می‌رود و هیچ حرکتی ندارد؛ به همین علت، باطل فقط در زمان‌ها و مکان‌هایی رواج می‌یابد که از علم به نشانه‌ها و دلایل الله خالی هستند. سعدی: ۴۶۵.

پرسش: باطل چه زمانی قدرت و جایگاه کسب می‌کند؟

۵ ﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا﴾
فعل ﴿كَانَ﴾ دلالت دارد بر این‌که نابودشدن، خوی و عادت باطل است و طبیعت او در هر زمانی این است که آشکار می‌گردد سپس از بین می‌رود. ابن عاشور: ۱۵/ ۱۸۸.

پرسش: فعل ﴿كَانَ﴾ در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۶ ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
شفای موجود در قرآن، شامل شفای دل‌ها از شبهات و جهالت و انحراف بد و اهداف زشت است؛ زیرا قرآن مشتمل است بر علم یقینی که هر شبهه و جهالتی با آن برطرف می‌شود، و مشتمل است بر موعظه و اندرزی که تمام خواسته‌های مخالف با فرمان الله را می‌زداید، و قطعاً مایهٔ شفای جسم از دردها و بیماری‌هاست. سعدی: ۴۶۵.

پرسش: قرآن از چه جهت شفای دل‌هاست؟

۷ ﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا﴾
آیه دلالت دارد بر این‌که اگر در مورد امری سوال شود که سوال‌کننده بیشتر از آن به امر دیگری نیاز داشته باشد، سوال‌شونده باید از پاسخ خودداری ورزد و او را به چیزی که به آن نیاز دارد راهنمایی و به آن‌چه که برایش سودمند است هدایت کند. سعدی: ۴۶۶.

پرسش: بسیار مشاهده می‌شود که مردم در مورد اموری سوال می‌کنند که هیچ فایدهٔ دینی و دنیوی برای‌شان ندارد، دعوتگر و جویندهٔ علم باید چه واکنشی در برابر چنین سوالاتی داشته باشد؟

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٩١)

إِلَّا رَحۡمَةً مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا ٨٧ قُل
لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ
لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨
وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ
ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ٨٩ وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ
لَنَا مِنَ ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا ٩٠ أَوۡ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ
وَعِنَبٖ فَتُفَجِّرَ ٱلۡأَنۡهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفۡجِيرًا ٩١ أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ
كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا أَوۡ تَأۡتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ
قَبِيلًا ٩٢ أَوۡ يَكُونَ لَكَ بَيۡتٞ مِّن زُخۡرُفٍ أَوۡ تَرۡقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ
وَلَن نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥۗ قُلۡ
سُبۡحَانَ رَبِّي هَلۡ كُنتُ إِلَّا بَشَرٗا رَّسُولٗا ٩٣ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ
أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا
رَّسُولٗا ٩٤ قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ
لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ٩٥ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ
شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ٩٦

ترجمه آیات

ولی [چنین نکردیم و این لطف، به خاطرِ] رحمتی از جانب پروردگارِ توست. بی‌تردید، همواره بخشش او بر تو بسیار است. (۸۷) [ای پیامبر،] بگو: «اگر انس و جن [همگی] جمع شوند تا همانند این قرآن را بیاورند، [هرگز] همانندش را نخواهند آورد؛ هر چند آنان پشتیبان یکدیگر باشند». (۸۸) و به راستی ما در این قرآن از هر گونه مثال [و اندرز و داستان] برای مردم آوردیم؛ ولی بیشتر مردم [از پذیرشِ آن] خودداری کردند [و] جز سرِ انکار نداشتند. (۸۹) و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر اینکه از زمین [مکه] چشمه‌هایی برایمان جاری کنی (۹۰) یا باغی از نخل و انگور داشته باشی و میان [درختان] آن، جوی‌ها روان گردانی. (۹۱) یا چنان که ادعا کردی، یا آسمان را پاره پاره بر [سر] ما بیفکنی یا الله و فرشتگان را در برابرمان حاضر کنی [تا به راستگویی‌ات گواهی دهند] (۹۲) یا خانه‌ای [آراسته] از طلا داشته باشی یا در آسمان بالا روی؛ و [البته] هرگز بالا رفتنت را باور نمی‌کنیم مگر آنکه نوشته‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم». بگو: «پروردگارم منزّه است. آیا من جز بشری فرستاده‌شده هستم؟» (۹۳) و [چیزی] مانع ایمان‌آوردنِ مردم نشد ـ آنگاه که هدایت برایشان آمد ـ جز اینکه گفتند: «آیا الله یک انسان را به پیامبری برانگیخته است؟» (۹۴) [ای پیامبر،] بگو: «اگر در زمین [به جای انسان،] فرشتگانی بودند که [همچون شما] با آرامش راه می‌رفتند، قطعاً از آسمان فرشته‌ای را [از جنس خودشان به عنوان] پیامبر بر آنان نازل می‌کردیم». (۹۵) بگو: «کافی است که الله میان من و شما گواه باشد. بی‌تردید، او همواره [نسبت] به بندگانش آگاه [و] بیناست. (۹۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِلَّا رَحۡمَةً مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا﴾
زیرا تو را سرور فرزندان آدم قرار داد و مقام محمود و این کتاب عزیز را به تو عطا کرد. قرطبی: ۱۳/ ۱۶۹.
پرسش: الله تعالی چه فضایل ارزشمندی به پیامبرش محمد ﷺ بخشیده است؟

۲ ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا﴾
مخلوقات قادر به ارائۀ کتابی شبیه قرآن نیستند که همانند آن دربردارندۀ علوم الهی، دلایل واضح و معانی حیرت‌آور باشد؛ زیرا مردم هرگز آن‌ها را ندانسته‌اند و به آن‌ها دست نخواهند یافت، حال آن‌که قرآن در این موارد به کمال رسیده است. بیشتر مردم می‌گویند که به سبب شیوایی و شیرینی کلام موزونش، مخلوقات قادر به ارائۀ چنین کتابی نیستند و این در حالی است که قرآن از جهات متعدد و فراوانی اعجازانگیز است. ابن جزی: ۱/ ۴۹۶.
پرسش: یکی از وجوه اعجاز قرآن را از خلال این آیه بیان کنید.

۳ ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا﴾
این قرآن، دلیلی قاطع و برهانی روشن بر صحت و راستی رسالت محمد ﷺ است؛ زیرا الله انسان‌ها و جن‌ها را به مبارزه طلبیده که مانند آن را بیاورند، و آگاه کرد که بر این کار موفق نخواهند شد و حتی اگر همگی بر این کار به یکدیگر یاری رسانند قادر نخواهند بود؛ و همان شد که الله تعالی خبر داد. سعدی: ۴۶۶.
پرسش: آیه چگونه بر راستی رسالت محمد ﷺ دلالت می‌کند؟

۴ ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا﴾
قرآن در نظم و نوشتن و خبردادن از امور غیبی اعجازانگیز است و در بالاترین سطح بلاغت قرار دارد، شباهتی به کلام مخلوقات ندارد؛ زیرا مخلوق نیست و اگر مخلوق بود مانند آن را می‌آوردند. بغوی: ۲/ ۷۱۴.
پرسش: قرآن کریم از چه جهاتی اعجازانگیز است؟

۵ ﴿وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا﴾
این کار بر الله بسیار سهل و آسان است و اگر می‌خواست آن را انجام می‌داد و تمام خواسته‌های‌شان را برآورده می‌ساخت، اما می‌دانست که آنان هدایت نمی‌شوند. ابن کثیر: ۳/ ۶۳.
پرسش: چرا الله تعالی خواسته‌های مشرکان را اجابت نکرد؟

۶ ﴿أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا﴾
یعنی: به ما وعده دادی که روز قیامت آسمان پاره پاره و سست می‌شود و کرانه‌هایش آویزان می‌گردد، پس این کار را در همین دنیا انجام بده و آن را پاره پاره فرو ریز... اما پیامبرِ رحمت و پیامبرِ توبه ﷺ که به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث شده است اعطای مهلت به آنان را خواست؛ به این امید که الله از میان آنان کسانی را که الله را عبادت می‌کنند و به او شرک نمی‌ورزند بیرون آورد؛ این امر واقع شد و برخی از آنان در ادامه اسلام آوردند و اسلام نیکویی داشتند. ابن کثیر: ۳/ ۶۳.
پرسش: چرا پیامبر ﷺ از پروردگارش نخواست که طبق خواستۀ خود دشمنان، آسمان را پاره پاره بر سرشان فرو ریزد؟

۷ ﴿قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا﴾
﴿قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ﴾: بگو: اگر در زمین فرشتگانی. ﴿لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا﴾ مسلماً از آسمان فرشته‌ای از جنس خودشان را (به‌عنوان) پیامبر بر آن‌ها نازل می‌کردیم؛ زیرا قلب به جنس خودش بیشتر متمایل می‌شود تا به جنسی دیگر. بغوی: ۲/ ۷۱۷.
پرسش: چرا الله تعالی پیامبرانی از جنس خود انسان‌ها به سوی‌شان فرستاد نه از میان فرشتگان؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ظَهِيرٗا	یاور.
صَرَّفۡنَا	گوناگون و واضح بیان کردیم.
يَنۢبُوعًا	چشمه‌ای جاری.
كِسَفًا	پاره پاره.
قَبِيلًا	آن‌ها را رو در رو و آشکارا ببینیم.
زُخۡرُفٍ	طلا.

عمل به آیات

۱. پنج مورد از بزرگ‌ترین بخشش‌هایی را که الله به تو عطا فرموده برشمار، سپس تا می‌توانی شکر الله تعالی را در قبال آن‌ها به جای آور، ﴿إِلَّا رَحۡمَةً مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا﴾
۲. ضرب المثلی قرآنی بخوان و نکته‌ای از آن استخراج کن، ﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا﴾
۳. ترجمه‌ای از معانی قرآن پیدا کن و آن را به یک کافر بده، امید است که به دست تو اسلام آورد، ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی اندرزها و مثال‌های متنوعی در قرآن بیان فرموده تا هدف آن محقق گردد، ﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا﴾
۲. فن گفتگو و مباحثه را بیاموز و تمرین کن، ﴿قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا﴾
۳. هر گاه امور بر تو دشوار شد، سیرۀ نبوی را بخوان تا به صبر و شکیبایی او اقتدا کنی، ﴿وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا﴾

سورة (الإسراء) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٢)

وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ أَوۡلِيَآءَ
مِن دُونِهِۦۖ وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا
وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا خَبَتۡ زِدۡنَٰهُمۡ سَعِيرٗا ٩٧
ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا
وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدًا ٩٨ ۞ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۡ
وَجَعَلَ لَهُمۡ أَجَلٗا لَّا رَيۡبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورٗا ٩٩
قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ
ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا ١٠٠ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ
ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ فَسۡـَٔلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ
إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا ١٠١ قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ
هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ
يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا ١٠٢ فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ١٠٣ وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا ١٠٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خَبَتۡ	زبانه‌اش فرو نشیند.
قَتُورٗا	بسیار بخیل.
بَصَآئِرَ	دلایلی که صاحبان بصیرت را به یگانگی الله و راستی من راهنمایی می‌کنند.
مَثۡبُورٗا	نابودشده و شکست‌خورده و مغلوب.
لَفِيفٗا	همگی.

عمل به آیات

۱. اعضای بدنتان را که در وضو باید شسته شوند درست و کامل بشویید؛ امید است که این کار، سبب پاک شدن گناهانی شود که توسط آن اعضا، انجام شده است، ﴿وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗا﴾

۲. از الله تعالی بخواه که به فضل خویش، تو را از دیگران بی‌نیاز سازد، ﴿قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا﴾

۳. در یکی از راه‌های خیر انفاق کن تا نفست بر سخاوت و بخشندگی عادت کند، ﴿قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا﴾

رهنمودها

۱. انسان هر اندازه که بخشنده و سخاوتمند باشد اساس او بر امساک و دریغ‌داشتن بنا شده، و تنها بخشاینده و نعمت‌دهنده و عطاکنندۀ بدون حساب، الله تعالی است، ﴿قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا﴾

۲. هر چه مقام پروردگار در قلب بنده بزرگ‌تر باشد، مقام مردم در نظرش کوچک می‌گردد، ﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا﴾

۳. هر اندازه آسیب و آزار دیدی باز هم شکیبایی کن؛ زیرا سرانجامِ نیکو از آنِ پرهیزگاران است، ﴿فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ١٠٣ وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ﴾

ترجمه آیات

و هر کس که الله او را هدایت کند، هدایت‌یافته[ی واقعی] است و هر کس را که گمراه سازد، هرگز جز او [= الله] دوستانی برایشان نخواهی یافت؛ و آنان را در قیامت، نابینا و گنگ و ناشنوا محشور می‌گردانیم [در حالی که] بر صورت‌هایشان [کشیده می‌شوند]؛ جایگاهشان دوزخ است [که] هر گاه شعله‌اش فرونشیند، شراره‌ای [تازه] بر آنان می‌افزاییم. (۹۷) این جزای آنان است؛ چرا که آیات ما را انکار کردند و گفتند: «آیا هنگامی که استخوان‌هایی [پوسیده و] پراکنده شدیم، دوباره با آفرینشی جدید برانگیخته می‌شویم؟» (۹۸) آیا ندانستند الله که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، می‌تواند همانند آنان را بیافریند و اَجَلی برایشان تعیین کرده است که هیچ تردیدی در آن نیست؟ و[لی] ستمکاران جز انکار [چیزی را] نپذیرفتند. (۹۹) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر شما مالک گنجینه‌های [بخشش و] رحمتِ پروردگارم بودید، [باز هم] از بیم خرج کردن [و تنگدستی] از انفاق خوداری می‌کردید؛ و انسان همواره بخیل [و تنگ‌نظر] است». (۱۰۰) و به راستی، ما نُه معجزۀ روشن [را به عنوان نشانه‌های پیامبری] به موسی دادیم؛ پس از بنی‌اسرائیل بپرس آنگاه که [موسی] نزدشان آمد و فرعون به او گفت: «ای موسی، یقیناً تو را افسون‌شده می‌پندارم». (۱۰۱) [موسی] گفت: «تو قطعاً می‌دانی که اینها [= معجزات] را [کسی] جز پروردگار آسمان‌ها و زمین نفرستاده است. [این معجزات،] دلایلی روشن [دربارۀ قدرت و یگانگی الله و راستگوییِ پیامبرش هستند]؛ و ای فرعون، به راستی که تو را هلاک‌شده [و زیان‌دیده] می‌پندارم». (۱۰۲) [فرعون] خواست که آنان [= بنی‌اسرائیل] را از آن سرزمین [مصر] بیرون کند؛ و[لی ما] او و تمام کسانی را که همراهش بودند غرق کردیم. (۱۰۳) و پس از [نابودیِ] او به بنی‌اسرائیل گفتیم: «در سرزمین [شام] ساکن شوید و هنگامی که وعدۀ آخرت فرارسید، همۀ شما را با هم [به صحرای محشر] می‌آوریم». (۱۰۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ﴾

یعنی: اگر الله آنان را هدایت کند قطعاً هدایت می‌شوند. ﴿وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ﴾ یعنی: هیچ‌کس آنان را هدایت نمی‌کند. قرطبی: ۱۳/ ۱۷۸.

پرسش: آیا کسی می‌تواند بدون ارادۀ الله تعالی هدایت شود؟

۲ ﴿وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ﴾

روز قیامت بر روی صورت‌های‌شان به سوی جهنم کشانده می‌شوند؛ چنان‌که این کار در دنیا برای شدّت تحقیر و شکنجه انجام می‌گیرد. این دیدگاه صحیح است؛ زیرا در حدیثی از انس رضی الله عنه آمده که شخصی دربارۀ ﴿ٱلَّذِينَ يُحۡشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ﴾ پرسید: ای رسول الله! آیا کافر بر روی صورتش محشور می‌شود؟! رسول الله ﷺ فرمود: «أَلَيْسَ الَّذِي أَمْشَاهُ عَلَى الرِّجْلَيْنِ فِي الدُّنْيَا قَادِرًا عَلَى أَنْ يُمْشِيَهُ عَلَى وَجْهِهِ يَوْمَ القِيَامَةِ؟!» [صحیح بخاری: ۴۷۰۶ و ۶۵۲۳؛ صحیح مسلم: ۲۸۰۶] «آیا ذاتی که در دنیا او را بر روی دو پا راه می‌برد نمی‌تواند در روز قیامت او را بر روی صورتش راه ببرد؟!». وقتی این حدیث به قتاده رسید گفت: سوگند به عزّت پروردگارم که حقیقت دارد. بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند. قرطبی: ۱۳/ ۱۷۸.

پرسش: کافران در روز قیامت چگونه بر روی صورت‌های‌شان محشور می‌شوند؟ این امر چه دلالتی دارد؟

۳ ﴿وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا خَبَتۡ زِدۡنَٰهُمۡ سَعِيرٗا﴾

این مجازات متناسب با جرم آنان است؛ زیرا گمراهی را در صورت حق رواج دادند و حق را برچسپ گمراهی زدند؛ پس جزای‌شان این است که صورت‌های‌شان به جای پا وسیلۀ راه‌رفتن شود. به‌علاوه به جزای سخنان باطلی که بر رسول و قرآن بستند کور و لال شده و به سزای خودداری از شنیدن حق کر می‌شوند. ابن عاشور: ۱۵/ ۲۱۷.

پرسش: توضیح دهید که مجازات کافران در روز قیامت متناسب با جرم ارتکابی آنان است؟

۴ ﴿وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ﴾

اگر سوال شود که چرا جهنمیان را کور و گنگ و کر توصیف کرد اما در جایی دیگر این صفات را برای‌شان ثابت می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٱلنَّارَ﴾ [الکهف: ۵۳]؛ «و گناهکاران آتش (دوزخ) را می‌بینند». پاسخ این است که آن‌گونه که الله آنان را توصیف کرد محشور می‌شوند سپس صفات مذکور به آنان بازگردانده می‌شود. پاسخ دیگر این است که ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ﴿عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا﴾ یعنی چیزی که آنان را شاد کند نمی‌بینند، چنان‌که دلیلی به زبان نمی‌آورند و ﴿صُمّٗا﴾ یعنی سخنی که آنان را شاد کند نمی‌شنوند. حسن گفته است: این حالت در زمانی است که به محشر رانده می‌شوند تا این‌که وارد جهنم شوند. بغوی: ۲/ ۷۱۸.

پرسش: جهنمیان چگونه (کور و گنگ و کر) محشور می‌شوند؟

۵ ﴿وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا﴾

یعنی: بخیل و خودداری‌کننده از انفاق. بغوی: ۲/ ۷۱۹.

پرسش: صفت فطری انسان در مال چیست؟ و چگونه از این صفت نجات می‌یابد؟

۶ ﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا﴾

موسی علیه السلام که صادق و مصدوق است می‌گوید: ﴿لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ﴾ بنابراین فرعون می‌دانست که الله نشانه‌ها را نازل کرده است، و او به سبب اراده و قصد فاسدش دشمن‌ترین و سرکش‌ترین مخلوق الله بود نه به سبب عدم علم. ابن تیمیه: ۴/ ۲۴۸.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که برخی انسان‌ها با وجود این‌که می‌دانند گمراه می‌شوند.

۷ ﴿فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا﴾

مشرکان اخراج پیامبر ﷺ و مسلمانان از مکه را در دل داشتند؛ از این رو ارادۀ آنان مانند ارادۀ فرعون بر اخراج موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل از مصر است. ابن عاشور: ۱۵/ ۲۲۸.

پرسش: شباهت میان مشرکان قریش و قوم فرعون را توضیح دهید.

ترجمه آیات

و این [قرآن] را به‌حق نازل کردیم و به‌حق [و بدون هیچ تحریف و تغییری] نازل شد؛ و [ای محمد،] تو را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نفرستادیم. (۱۰۵) و قرآنی [گرانقدر] را با بیان استوار [و به مرور زمان] نازل کردیم تا آن را با درنگ [و آهستگی] برای مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج [و بر حسبِ رویدادهای مختلف] نازل کردیم. (۱۰۶) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید [فرقی به حالتان ندارد]. بی‌تردید، کسانی که قبل از [نزول] آن، دانش [کتاب‌های آسمانیِ پیشین را] یافته‌اند، چون [آیات قرآن] بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان بر [زمین] می‌افتند». (۱۰۷) و می‌گویند: «پروردگارمان پاک و منزّه است. یقیناً وعدۀ پروردگارمان انجام‌شدنی است». (۱۰۸) و [آنگاه] گریه‌کنان بر [زمین] می‌افتند و [تلاوتِ قرآن و تدبر در آیاتش] بر فروتنی‌شان می‌افزاید. (۱۰۹) بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان» را بخوانید؛ هر کدام را که بخوانید، نیکوترین نام‌ها برای اوست». و [ای پیامبر،] نمازت را [آنچنان] به صدای بلند نخوان [که مشرکان بشنوند] و آن را [آنقدر نیز] آهسته نخوان [که حتی اصحابت نشوند]؛ و میان این [دو حالت،] راهی [میانه] بجوی. (۱۱۰) و بگو: «ستایش مخصوص الله است که فرزندی [برای خویش] برنگزیده است و در فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و هرگز خوار و ناتوان نمی‌گردد که [نیاز به دوست و] کارساز داشته باشد» و او را بزرگ بدار؛ بزرگداشتی شایسته. (۱۱۱)

سورۀ کهف

به نام الله بخشندۀ مهربان

حمد و سپاس مخصوص الله است که این کتاب [= قرآن] را بر بنده‌اش [محمد] نازل کرد و هیچ گونه انحرافی در آن قرار نداد. (۱) [کتابی] استوار تا [الله، کافران را] از عذابی سخت از جانبِ خود بیم دهد و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده دهد که پاداش نیکویی برایشان [در پیش] است. (۲) [همان بهشتی] که جاودانه در آن خواهند ماند. (۳) و [نیز] کسانی را که گفتند: «الله فرزندی [برای خود] برگزیده است» بیم دهد. (۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكۡثٖ﴾
یعنی: «این قرآن را بخش بخش فرستادیم تا آن را آهسته و با درنگ بر مردم بخوانی»؛ تا در آن تدبر کنند و در معانی‌اش بیندیشند و علومش را استخراج نماید. سعدی: ۴۶۸.
پرسش: بهترین روش برای خواندن قرآن برای کسی که می‌خواهد در آن تدبر کند چیست؟

۲ ﴿قُلۡ ءَامِنُواْ بِهِۦٓ أَوۡ لَا تُؤۡمِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ إِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ يَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ سُجَّدٗا﴾
﴿قُلۡ ءَامِنُواْ بِهِۦٓ أَوۡ لَا تُؤۡمِنُوٓاْ﴾: فرمانی برای تحقیر آنان و پروا نداشتن از آنان است؛ گویی می‌فرماید: تفاوتی نمی‌کند ایمان بیاورید یا نه؛ زیرا شما حجت نیستید و فقط علمای قبل از او حجت هستند. منظور از این علما، مومنان اهل کتاب هستند. ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ﴾ یعنی مومنان اهل کتاب. بنابر قولی: کسانی منظور هستند که قبل از بعثت، حقگرا بودند. ابن جزی: ۱/ ۴۹۹.
پرسش: توضیح دهید که در این آیه منزلت علما بالا برده شده است.

۳ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ إِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ يَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ سُجَّدٗا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعۡدُ رَبِّنَا لَمَفۡعُولٗا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩﴾
﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ﴾ این عبارت، برای مبالغه در صفت آنان و مدح و ستایش آنان است. هر کس که به علم یا به بخشی از آن دست یابد سزاوار است که به این مرتبه برسد؛ یعنی هنگام شنیدن قرآن فروتن و متواضع و خوار شود. در مسندِ ابومحمدِ دارمی از تَیمی چنین روایت می‌کند: «مَنْ أُوتِيَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لاَ يُبْكِيهِ، لَخَلِيقٌ أَنْ لاَ يَكُونَ أُوتِيَ عِلْماً يَنْفَعُهُ، لأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَعَتَ الْعُلَمَاءَ» [جید؛ مسند دارمی: ۲۹۵] «کسی که به او علمی داده شده باشد که او را نمی‌گریاند سزاوار است که علمی نافع به او داده نشود؛ زیرا الله تعالی در توصیف علما می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ إِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ يَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ سُجَّدٗا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعۡدُ رَبِّنَا لَمَفۡعُولٗا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩﴾». قرطبی: ۱۳/ ۱۸۹.
پرسش: علما هنگام شنیدن قرآن باید چه حالی داشته باشند؟

۴ ﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩﴾
الخرور علی الذقن (افتادن بر چانه) عبادت مطلوبی است که الله آن را دوست دارد. چسباندن چانه به زمین منظور نیست آن‌گونه که پیشانی به زمین می‌چسبد، بلکه منظور، رفتن از رکوع به سجده است. ابن تیمیه: ۴/ ۲۴۹.
پرسش: الله تعالی کدام نوع افتادن بر چانه را دوست دارد؟

۵ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ﴾
الله خودش را ستود و به صورت ضمنی به بندگان نیز راهنمایی کرد که او تعالی را به سبب ارسال رسولان و فرستادن کتاب‌ها بستایند. سعدی: ۴۶۹.
پرسش: مسلمان از این امر که الله تعالی خودش را ستایش کرد چه فایدۀ عملی‌ای کسب می‌کند؟

۶ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ وَلَمۡ يَجۡعَل لَّهُۥ عِوَجَا﴾
الله تعالی رسولش را به این سبب به صورت خاص بیان کرد که نزول قرآن بر رسول الله ﷺ، نعمتی بر او به صورت خاص و بر سایر مردم به شکل عام است. بغوی: ۳/ ۵.
پرسش: در این آیه چرا فقط پیامبر ﷺ بیان شد؟

۷ ﴿وَيُبَشِّرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرًا حَسَنٗا ﴿٢﴾ مَّٰكِثِينَ فِيهِ أَبَدٗا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ ٱلَّذِينَ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗا﴾
این قرآن مشتمل بر هر عمل صالحی است که نتیجۀ آن، افراد را خوشحال و جان‌ها را شاد می‌کند. سعدی: ۴۷۰.
پرسش: منشأ شادمانی مومن چیست؟

سورتا (الإسراء، الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٣)

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾
وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ﴿١٠٦﴾
قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۚ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ
عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ
وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ
خُشُوعًا ۩ ﴿١٠٩﴾ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ ۖ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ
بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن
لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ ۖ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

سُورَةُ الْكَهْفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا ۜ
﴿١﴾ قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾
مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَرَقۡنَٰهُ	آن را واضح و روشن ساختیم تا تا جداکنندۀ میان هدایت و گمراهی باشد.
مُكۡثٖ	درنگ و تأنی.
يَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ	بر صورت‌های‌شان سجده می‌کنند.
وَلَا تُخَافِتۡ	آن را پنهانی نخوان.
عِوَجَا	میل از حق.
مِّن لَّدُنۡهُ	از جانب خودش.

عمل به آیات

۱. ده آیۀ نخستین سورۀ کهف را حفظ کن؛ زیرا رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَّالِ» [صحیح مسلم: ۸۰۹] «هر کس ده آیۀ ابتدایی سورۀ کهف را حفظ کند از دجال محافظت شده است»، ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ﴾

۲. با برخی از دوستانت بنشین و به نوبت آیاتی از قرآن را بخوانید، ﴿وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكۡثٖ وَنَزَّلۡنَٰهُ تَنزِيلٗا﴾

۳. در معانی بعضی از نام‌های نیکوی الله تعالی بیندیش، سپس آن‌ها را در دعای خویش به زبان آور، ﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾

رهنمودها

۱. قرآن حقیقتی از جانب الله تعالی است و هر آن‌چه را که نازل کرده است حق است، ﴿وَبِٱلۡحَقِّ أَنزَلۡنَٰهُ وَبِٱلۡحَقِّ نَزَلَۗ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا﴾

۲. قرائتِ آرام و شمرده شمرده، به تدبر در قرآن کمک می‌کند، ﴿وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكۡثٖ﴾

۳. مراحل ترقی و تعالی با قرآن کریم به این ترتیب است: تلاوت آرام و آهسته، تدبر، سجده و دعا، خشیت و گریه، ﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا﴾

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٤)

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٖ وَلَا لِأٓبَآئِهِمۡۚ كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ مِنۡ
أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ٥ فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ
عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا ٦ إِنَّا
جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا
٧ وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيۡهَا صَعِيدٗا جُرُزًا ٨ أَمۡ حَسِبۡتَ
أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ٩
إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ
رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠ فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ
فِي ٱلۡكَهۡفِ سِنِينَ عَدَدٗا ١١ ثُمَّ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِنَعۡلَمَ أَيُّ
ٱلۡحِزۡبَيۡنِ أَحۡصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدٗا ١٢ نَّحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ نَبَأَهُم
بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى ١٣
وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ لَّقَدۡ قُلۡنَآ إِذٗا شَطَطًا ١٤
هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ عَلَيۡهِم
بِسُلۡطَٰنِۭ بَيِّنٖۖ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بَٰخِعٞ	نابودکننده.
أَسَفًا	از غم و اندوه.
وَٱلرَّقِيمِ	لوحی که نام اصحاب کهف در آن نوشته شده است.
أَمَدٗا	مدت و نهایت.
شَطَطًا	ستمکار و دور از حق.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گرداننده دل‌ها، دلم را بر دین خویش پایدار بدار»، ﴿وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ﴾

۲. امروز تا می‌توانی این دعا را تکرار کن: ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾

۳. امروز برای گرفتن دوستانی صالح که تو را بر انجام عبادت و پایداری در دین یاری می‌رسانند برنامه‌ریزی کن، ﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾

رهنمودها

۱. پیامبر ﷺ دلسوزی شدیدی نسبت به مردم داشت تا ایمان آورند؛ تا جایی که نزدیک بود جان مبارک‌شان را به این سبب از بین ببرند، ﴿فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا﴾

۲. به‌هوش باش که نعمت‌ها و خوشی‌های دنیایی فقط آزمایشی از جانب الله سبحانه و تعالی است؛ زیرا هم می‌توانی آن‌ها را در راه طاعت به‌کار گیری و هم در راه معصیت، ﴿إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾

۳. دوستان نیکو و صالح، یکی از اسباب هدایت و پایداری در دین هستند، ﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾

ترجمه آیات

نه خودشان به این [ادعای باطل،] علم [و یقین] دارند نه پدرانشان. سخن بسیار ناپسندی است که از دهانشان بیرون می‌آید [و] جز دروغ نمی‌گویند. (۵) پس [ای پیامبر،] نزدیک است اگر [قومت] به این سخن [= قرآن] ایمان نیاورند، در پی [بی‌ایمانی] آنان، خود را [از تأسف و اندوه] هلاک کنی. (۶) در حقیقت، ما آنچه را که روی زمین است، زیور برای آن قرار داده‌ایم تا آنان را بیازماییم که کدامشان نیکوکارترند. (۷) و ما [پس از پایان حیات،] آنچه را که روی زمین است، به بیابانی خشک و بی‌گیاه تبدیل خواهیم کرد. (۸) آیا پنداشته‌ای که [ماجرای] اصحاب کهف و آن سنگ‌نوشته [که نامشان بر آن حک شده بود]، از جمله نشانه‌های شگفت‌انگیز [و غیرممکن] ما بوده است؟ (۹) هنگامی که آن جوانمردان به غار پناه بردند و گفتند: «پروردگارا، رحمتی از جانب خویش بر ما ارزانی دار و در کارمان برای ما هدایت و تعالی فراهم ساز». (۱۰) در آن غار، تا سالیان دراز [پرده‌ای از سکوت و آرامش] بر گوش‌هایشان زدیم [تا به خواب روند]. (۱۱) سپس بیدارشان کردیم تا معلوم بداریم کدام یک از آن دو گروه مدتی را که [در خواب] مانده‌اند درست‌تر حساب کرده است. (۱۲) [ای پیامبر،] ما داستان آنان را به درستی برایت بازگو می‌کنیم. آنان جوانانی [شایسته] بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما [نیز] بر هدایتشان افزودیم. (۱۳) و دل‌هایشان را [بر ایمان] استوار ساختیم، آنگاه که [در برابر پادشاه کافر] قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ و ما هرگز جز او معبودی را عبادت نمی‌کنیم که آنگاه [اگر چنین کنیم،] سخنی گزاف و ناروا گفته‌ایم». (۱۴) [سپس به همفکرانشان گفتند:] «این قوم ما [که] به جای او [= الله] معبودانی [دیگر] برگزیده‌اند، چرا دلیل آشکاری بر [حقانیتِ] آنان نمی‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر الله دروغ بندد [و برایش شریک قائل شود]؟ (۱۵)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا﴾
این آیه و آیات مشابه پند بزرگی دارد؛ یعنی کسی که مأمور تبلیغ و دعوت مردم به سوی الله است باید تمام اسبابی را که باعث رسیدن به هدایت می‌شوند به‌کار گیرد و تمام راه‌های گمراهی و فریب را تا حد ممکن ببندد و در کنار آن، به الله توکل کند، یعنی اگر مردم هدایت یافتند که چه بهتر، در غیر این صورت نباید اندوهگین شود و افسوس بخورد؛ زیرا این کار نفس را ضعیف می‌کند، نیرو را از بین می‌برد و هیچ فایده‌ای به همراه ندارد. بلکه مبلغ باید به تکلیف خود عمل کند و آن را ادامه دهد و هدایت، از قدرت او خارج است. سعدی: ۴۷۰.
پرسش: فایدهٔ بزرگی در این آیه وجود دارد. آن را توضیح دهید.

۲ ﴿إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾
﴿إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا﴾ «در حقیقت، ما آن‌چه را که روی زمین است، زیوری برای آن قرار داده‌ایم»؛ یعنی: آن‌چه که برای تزیین به‌کار می‌رود؛ مانند پوشیدنی‌ها، خوراکی‌ها، درختان، رودها و سایر موارد، ﴿لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾ یعنی: تا آنان را بیازماییم که کدام یک در زینت دنیا پارساتر است. ابن جزی: ۱/ ۵۰۲.
پرسش: الله تعالی زمین را با انواع زینت‌ها برای حکمت بزرگی آراسته است. این حکمت چیست؟

۳ ﴿أَمۡ حَسِبۡتَ أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ٩ إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾
توجه پرسشگران از قصص شگفت را به این امر جلب می‌کند که سزاوار است از اندرزها و اسباب و آثار این امور شگفت پند بگیرند؛ از این رو در ابتدای بیانِ سرگذشتِ اصحاب کهف فرمود: ﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾. ابن عاشور: ۱۵/ ۲۵۹.
پرسش: سزاوار است که انسان از امور شگفتی که در قصه‌های قرآنی وجود دارد پند و اندرز بگیرد. از خلال قصهٔ اصحاب کهف دلیلی بر این مطلب بیان کنید.

۴ ﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾
این آیه دلالت دارد بر این‌که هرگاه مسلمانی از فتنه و گرفتار شدن به آزمایشی [از جانب دشمنان اسلام] ترس داشت، باید بخاطر حفظ دینش فرار کند و خانواده، فرزندان، خویشاوندان، دوستان، زادگاه و اموالش را ترک نماید؛ چنانچه پیامبر ﷺ برای حفظ دینش هجرت کرد، و اصحابش نیز... زادگاه‌شان را ترک کردند و زمین، خانه، خانواده، فرزندان، خویشاوندان و برادران‌شان را به امید حفظ دین و نجات از فتنهٔ کافران به جا گذاشتند. قرطبی: ۱۳/ ۲۱۶.
پرسش: آیا مؤمن وقتی که در مورد دینش بیم داشته باشد زادگاهش را ترک می‌کند؟ یا دینش را رها می‌کند تا در زادگاهش بماند؟

۵ ﴿إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى﴾
الله تعالی بیان فرمود که آنان فتیه، یعنی جوانان بودند. جوانان بهتر حق را می‌پذیرند و هدایت می‌شوند بر خلاف پیران که در دین باطل از حد گذشته و غرق شده‌اند. به همین سبب اکثر کسانی که دعوت الله تعالی و رسولش ﷺ را پذیرفتند جوان بودند، اما عموم پیران قریش بر دین خویش باقی ماندند و فقط شمار اندکی از آنان مسلمان شدند. ابن کثیر: ۳/ ۷۲.
پرسش: کدام گروه سنی سریع‌تر دعوت حق را می‌پذیرد؟

۶ ﴿وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ﴾
با صبر و استوارسازی دل‌های‌شان را محکم کردیم. آنان را با نور ایمان تقویت کردیم تا در برابر ترک سرزمین قوم‌شان و جدایی از نیرومندی و زندگی مرفهی که در آن بودند صبر پیشه کردند، و به خاطر دین‌شان به سوی غار گریختند. بغوی: ۳/ ۱۷.
پرسش: الله چگونه دل‌های اصحاب کهف را قوی و شکیبا کرد؟

۷ ﴿وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ﴾
محکم کردن قلب، عکس خذلان است؛ زیرا خذلان عبارت است از این‌که قلب از رشتهٔ توفیق جدا شود؛ در نتیجه از ذکر پروردگارش غافل می‌شود و از هوای نفسش پیروی و از حق تجاوز می‌کند. اما محکم‌کردن قلب عبارت است از بستن آن به رشتهٔ توفیق، که در نتیجه به یاد پروردگارش متصل می‌شود و خوشنودی الله را جستجو می‌کند و کارش سامان می‌یابد. ابن قیم: ۲/ ۱۵۷.
پرسش: بر اساس بند فوق، تفاوت میان محکم‌کردن قلب و خذلان را توضیح دهید؟

ترجمه آیات

و چون از آنان و از آنچه به جای الله عبادت می‌کنند کناره‌گیری کردید، به غار پناه ببرید تا پروردگارتان از [سایهٔ] رحمت خویش بر شما بگستراند و در کارتان [آسایش و] گشایشی پدید آورد. (۱۶) و [ای محمد، اگر آنجا بودی،] خورشید را می‌دیدی که وقتی طلوع می‌کند به سمت راست [غار] متمایل می‌گردد و وقتی غروب می‌کند، از سمت چپ آنان دور می‌شد [و گرما آزارشان نمی‌داد]؛ و آنان در محلی گسترده [و گشاده] از آن [غار] بودند. این، از نشانه‌های [قدرتِ] الله است. هر کس که الله او را هدایت کند، او هدایت‌یافته[ی واقعی] است و هر کس را که گمراه کند، هرگز دوست [و] راهنمایی برایش نمی‌یابی. (۱۷) و [اگر به آنها نگاه می‌کردی،] می‌پنداشتی بیدارند؛ در حالی که [با چشمانِ باز] خفته بودند؛ و ما آنان را به پهلوی راست و چپ می‌گرداندیم [تا بدنشان آسیب نبیند]؛ و سگشان بر آستانهٔ غار [نشسته و به حالت پاسبانی] دست‌هایش را گشوده بود. اگر [به آنان نگاه می‌کردی و] از حالشان آگاه می‌شدی، قطعاً [از وحشت] فرار می‌کردی و دلت از ترس آنان آکنده می‌شد. (۱۸) و همان گونه [که آنان را در خواب فرو بردیم] آنان را [از خواب] بیدار نمودیم تا بین خود از یکدیگر سوال کنند. یکی از آنان گفت: «چه مدت [در خواب] ماندید؟» [بقیه] گفتند: «یک روز یا بخشی از یک روز». [سرانجام] گفتند: «پروردگارتان داناتر است که چقدر [در این حالت] مانده‌اید. [اکنون] یک نفر از خودتان را با این سکه[های]تان به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از [فروشندگانِ آنجا، کاسبی و] غذایش پاکیزه‌تر است و از [نزد] او غذایی برایتان بیاورد؛ و باید [در رفت‌وآمد و خرید، پنهان‌کاری و] زیرکی نماید و هیچ کس را از [حالِ] شما آگاه نسازد. (۱۹) بی‌تردید، اگر آنان [از مکان شما آگاه شوند و] بر شما دست یابند، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به آیین خویش بازمی‌گردانند و در آن صورت، هرگز رستگار نخواهید شد». (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ﴾

گفته شده: وقتی این جوانان پادشاهشان را به ایمان به الله دعوت دادند آنان را از این کار بازداشت و تهدید کرد... به آنان مهلت داد تا بیندیشند شاید از دین‌شان بازگردند... در طول این مدت برای نجات دین‌شان از فتنه فرار کردند... کناره‌گیری از مردم در چنین حالتی جایز است نه در حالات دیگر که سبب ترک نمازهای جماعت و جمعه می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۷۳.

پرسش: مسلمان در چه صورتی می‌تواند از مردم کناره گیرد و به خاطر دینش فرار کند؟

۲ ﴿وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ﴾

یعنی: نور خورشید نه هنگام طلوع و نه هنگام غروب به آنان نمی‌رسید تا گرمایش آنان را نسوزاند؛ از این رو گفته شده این امر، نوعی کرامت و کاری خارق‌العاده برای آنان بود. ابن جزی: ۱/ ۵۰۴.

پرسش: الله تعالی چگونه از اصحاب کهف محافظت کرد؟

۳ ﴿مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِ﴾

یعنی: هیچ راهی برای رسیدن به هدایت جز از جانب الله وجود ندارد؛ زیرا او تعالی هدایتگر است و به سوی مصالح دنیا و آخرت راهنمایی می‌کند. سعدی: ۴۷۲.

پرسش: هدایت را از چه کسی می‌خواهیم؟

۴ ﴿وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ﴾

این کار نیز برای محافظت بدن‌های‌شان صورت گرفت؛ زیرا زمین اجسامی را که متصل به آن باشد می‌خورد. قضا و قدر الله بر این بود که آنان را تا این اندازه به پهلوی راست و چپ جابه‌جا کند که زمین بدن‌های‌شان را فاسد نکند. الله بدون انجام این کار نیز می‌توانست آنان را حفظ کند اما او تعالی حکیم نیز هست و می‌خواهد سنت او در هستی جاری بماند و ارتباط میان اسباب و مسببات برقرار باشد. سعدی: ۴۷۲.

پرسش: الله تعالی می‌توانست اصحاب کهف را بدون این‌که آنان را پهلو به پهلو کند در برابر زمین حفظ کند؛ پس چرا این کار را انجام داد؟

۵ ﴿وَكَلۡبُهُم بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِ﴾

ابن عطیه می‌گوید: گفتم: حال که سگی به سبب همنشینی و همراهی با صالحان و اولیا به این درجهٔ بالا رسیده که الله تعالی در کتاب خویش از او یاد می‌کند، پس در مورد مومنان موحدی که با اولیا و صالحان معاشرت می‌کنند و آنان را دوست دارند چه گمانی داری. قرطبی: ۱۳/ ۲۳۲.

پرسش: از ذکر سگ در این قصه چه نکته‌ای می‌آموزیم؟

۶ ﴿قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ﴾

کسی که علم بر او مشتبه شده، ادب تقاضا می‌کند که آن را به عالم باز‌گرداند و از حد خویش فراتر نرود. سعدی: ۴۷۳.

پرسش: اگر در مورد امری که نمی‌دانی از تو سوال شد، ادب شرعی چه موضعی را اقتضا می‌کند؟

۷ ﴿فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ﴾

آیه جواز خوردن غذاهای پاکیزه و لذیذ را می‌رساند به شرط این‌که به حد اسراف نهی‌شده نرسد، به‌خصوص زمانی که فقط چنین غذایی برای انسان سازگار باشد. سعدی: ۴۷۳.

پرسش: آیا انسان مأمور است که از خوراکی‌های پاکیزه دوری کند؟

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٥)

وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ
يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا
١٦ ۞وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ
ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ
مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن
يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا ١٧ وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا
وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم
بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ
فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ١٨ وَكَذَٰلِكَ بَعَثۡنَٰهُمۡ
لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا
يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ
أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ
طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ
بِكُمۡ أَحَدًا ١٩ إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ
أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٢٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مِّرۡفَقٗا	اسباب آسایش که در زندگی از آن فایده می‌برید.
تَّزَٰوَرُ	مایل می‌شود.
تَّقۡرِضُهُمۡ	آنان را رها کرده و از کنارشان می‌گذرد.
فَجۡوَةٖ	محل وسیع و فراخ.

عمل به آیات

۱. یک برنامهٔ غذایی مبتنی بر پاکیزه‌ترین و تمیزترین غذاها برای خودت تهیه کن، و موارد حرام و مشتبه را در آن نگنجان؛ زیرا این کار قلبت را نیکوتر، عقلت را قوی‌تر و دعایت را مستجاب‌تر قرار می‌دهد، ﴿فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ﴾

۲. هیچ راهی برای رسیدن به هدایت وجود ندارد مگر از جانب الله؛ پس هدایت را از مالکش بخواه و از گمراه‌شدن و بیراهه‌رفتن، به او پناه ببر، ﴿مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا﴾

۳. آرزوی روبه‌روشدن با دشمن را نداشته باش، و سلامتی در دین و دنیا را از الله تعالی بخواه، ﴿إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی دوستان خویش را در خواب‌شان نیز حفظ می‌کند، پس آیا وقتی که بیدار هستند آنان را محافظت نمی‌کند؟! ﴿وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ﴾

۲. غذای پاکیزه فواید زیادی دارد؛ به عنوان نمونه، سبب هدایت، اجابت دعا و دوری از بیماری‌هاست، ﴿فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ﴾

۳. مومن هر اندازه که از دشمنی کافران برحذر و به‌دور باشد، به همان اندازه از شر آنان در امان می‌ماند، ﴿إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا﴾

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٦)

وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ
ٱلسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَآ إِذْ يَتَنَٰزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ ۖ فَقَالُوا۟
ٱبْنُوا۟ عَلَيْهِم بُنْيَٰنًا ۖ رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَىٰٓ
أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٌ
رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ
رَجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ ۖ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ قُل رَّبِّىٓ
أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً
ظَٰهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَا۟ىْءٍ
إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ وَٱذْكُر رَّبَّكَ
إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا
﴿٢٤﴾ وَلَبِثُوا۟ فِى كَهْفِهِمْ ثَلَٰثَ مِا۟ئَةٍ سِنِينَ وَٱزْدَادُوا۟ تِسْعًا
﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا۟ ۖ لَهُۥ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ
أَبْصِرْ بِهِۦ وَأَسْمِعْ ۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا يُشْرِكُ
فِى حُكْمِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ وَٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ
رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ	مردمِ آن زمان را از آنان آگاه کردیم.
لَا رَيْبَ	هیچ شکی نیست.
ٱلَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ	صاحبان نفوذ در میان آنان.
رَجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ	سخن از روی گمان و بدون دلیل.
فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ	در مورد تعداد آنان مجادله نکن.
إِلَّا مِرَآءً ظَٰهِرًا	مگر جدالی روشن و بدون عمق، به این نحو که از آن‌چه بر تو وحی شده است پیروی کنی.
مُلْتَحَدًا	پناهگاهی که به آن پناه ببری.

عمل به آیات

۱. امروز تا می‌توانی ذکر الله تعالی را بگو، ﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾
۲. امروز بر این امر بکوش که هر سخنی مربوط به امور آینده را به زبان آوردی با عبارت (إن شاء الله) بگویی، ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَا۟ىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾
۳. یک سوره از قرآن کریم بخوان، ﴿وَٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا﴾

رهنمودها

۱. احساس و هیجان در انجام کار خیر کافی نیستند؛ بلکه باید به احکام شرعی پایبند بود؛ پس ساختن مساجد بر قبرستان‌ها حرام است، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾
۲. در باره مسأله‌ای که به آن آگاهی نداری، با کسی مجادله نکن. ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً ظَٰهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا﴾
۳. هر گاه سؤالی در مورد امور دینی داشتی، در جستجوی کسی باش که در عبادت و علم اَصلح است، ﴿وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا﴾

ترجمه آیات

و این‌گونه، [مردم آن سرزمین] را از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند وعدهٔ الله [دربارهٔ یاریِ مؤمنان و برانگیختنِ مردگان] راست و درست است و اینکه در [فرارسیدنِ] قیامت تردیدی نیست. هنگامی که [مردم شهر] بین خود [دربارهٔ آن جوانمردان متوفی] دچار اختلاف شدند، گروهی گفتند: «دیواری بر [ورودیِ] آن [غار] بسازید. پروردگارشان به حال آنان آگاه‌تر است». برخی دیگر که [ناآگاه بودند و نفوذ و] قدرت داشتند گفتند: «[به نشانهٔ بزرگداشت،] بر [غارِ] آنان عبادتگاهی می‌سازیم». (۲۱) [دربارهٔ تعدادشان] خواهند گفت: «سه نفر بودند [و] چهارمینِ آنان سگشان بود» و [گروهی] می‌گویند: «پنج نفر بودند [و] ششمینِ آنان سگشان بود» ـ [که البته] همه از روی حدس و گمان است ـ و [گروهی] می‌گویند: «هفت نفر بودند و هشتمینِ آنان سگشان بود». بگو: «پروردگارم از [تعداد] آنان آگاه‌تر است [و] جز گروهی اندک، کسی از تعدادشان آگاه نیست. پس دربارهٔ آنان گفتگویی مختصر [و بحثی آرام و گذرا] داشته باش و دربارهٔ آنان از هیچ کس سؤال نکن. (۲۲) و هرگز در مورد کاری نگو: «فردا آن را انجام می‌دهم»، (۲۳) مگر اینکه [بگویی:] «ان شاء الله»؛ و هر گاه فراموش کردی، [با گفتن این لفظ] پروردگارت را یاد کن و بگو: «امیدوارم پروردگارم مرا به راهی رهنمون گردد که از این [راه]، به هدایت [و صلاح] نزدیک‌تر باشد». (۲۴) و آنان [= اصحاب کهف] سیصد سال در غارشان [در حالت خواب] ماندند و نُه سال [نیز] بر آن افزودند. (۲۵) [ای پیامبر،] بگو: «الله از [مدت] ماندنشان [در غار] آگاه‌تر است؛ غیب آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. [به راستی که] او تعالی چه بینا و چه شنواست! آنان [= جهانیان] هیچ [دوست و] کارسازی جز او ندارند و او هیچ کس را در حکم [و فرمان] خویش شریک نمی‌سازد». (۲۶) و [ای پیامبر،] از کتاب پروردگارت آنچه را به تو وحی شده است تلاوت کن. هیچ کس تغییردهندهٔ سخنان او [= الله] نیست و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی. (۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَآ﴾
قصه دلالت دارد بر این‌که هر کس به خاطر حفظ دینش از فتنه‌ها فرار کند، الله او را از فتنه‌ها نجات می‌دهد، هر کس برای سلامتی بکوشد الله او را سلامتی می‌بخشد، هر کس به سوی الله پناه برد الله به او پناه می‌دهد و او را مایهٔ هدایت دیگران قرار می‌دهد و هر کس در راه الله و در جستجوی خوشنودی او تعالی خواری را تحمل کند، سرانجام از جایی که به ذهنش هم خطور نمی‌کند عزّت بزرگی به او می‌رسد. سعدی: ۴۷۳.
پرسش: سه فایدهٔ مختصر از قصهٔ اصحاب کهف بیان کنید.

۲ ﴿فَقَالُوا۟ ٱبْنُوا۟ عَلَيْهِم بُنْيَٰنًا ۖ رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾
از ساختن مسجد بر روی قبرستان و ادای نماز در آن نهی شده است؛ زیرا وسیله‌ای است برای عبادت صاحب قبر یا شبیه کار کسانی است که صالحانِ آیینِ خویش را عبادت می‌کنند. ابن عاشور: ۱۵/ ۲۹۰.
پرسش: چرا از بنای مساجد بر روی قبرستان‌ها نهی شده‌ایم؟

۳ ﴿قُل رَّبِّىٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم﴾
راهنمایی می‌کند به این‌که بهترین کار در چنین حالتی این است که علم به الله تعالی بازگردانده شود؛ زیرا نیازی به فرورفتن بدون علم در چنین مواردی وجود ندارد، پس اگر در مورد امری اطلاع داشتیم آن را بیان می‌کنیم وگرنه پاسخ نمی‌دهیم. ابن کثیر: ۳/ ۷۷.
پرسش: بهترین روش برای جویندهٔ علم در مورد مسایلی که از آن‌ها آگاهی ندارد چیست؟

۴ ﴿وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا﴾
آیه بر منع پرسیدن از کسی که صلاحیت فتوا ندارد دلالت دارد؛ چه این عدم صلاحیت به سبب قصور او در موضوع مورد نظر باشد یا به این سبب که به سخنانش اهمیت نمی‌دهد [= هر چه بخواهد می‌گوید] و تقوایی ندارد که او را از این کار بازدارد ... به‌علاوه دلالت دارد بر این‌که امکان دارد فتوا خواستن از شخص در مورد مسأله‌ای نهی شده باشد اما در مورد مسایل دیگر این نهی وجود نداشته باشد و از آن شخص در مورد مسایلی که آگاهی دارد پاسخ خواسته شود؛ زیرا الله به صورت مطلق از پرسیدن از آنان نهی نفرمود، بلکه فقط از سوال‌کردن از آنان در مورد قصهٔ اصحاب کهف و شبیه آن نهی کرد. سعدی: ۴۷۴.
پرسش: بعضی مسایل مربوط به فتوا را که از آیه استنباط می‌شود بیان کنید.

۵ ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَا۟ىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾
یعنی: اگر تصمیم گرفتی که فردا کاری انجام دهی، نگو: فردا انجام می‌دهم، مگر این‌که ان شاء الله را بر آن بیفزایی. بغوی: ۳/ ۲۳.
پرسش: ادب قرآنی در مورد این‌که بنده وقتی از کاری که قرار است در آینده انجام دهد خبر می‌دهد چیست؟

۶ ﴿وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾
کسی را که بخشی از سخنش را فراموش کرده به ذکر الله تعالی راهنمایی می‌کند؛ زیرا منشأ فراموشی از جانب شیطان است... و ذکر الله تعالی شیطان را می‌راند؛ پس اگر شیطان دور شود فراموشی نیز از بین می‌رود؛ یعنی ذکر الله سبب یادآوری است. ابن کثیر: ۳/ ۷۸.
پرسش: چه ارتباطی میان ذکر الله و برطرف کردن فراموشی وجود دارد؟

۷ ﴿مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِى حُكْمِهِۦٓ أَحَدًا﴾
﴿وَلِىٍّ﴾: کسی است که میان شخص و او سببی برقرار شده که به خاطر آن به یکدیگر دوستی می‌کنند؛ بنابراین، ایمان سببی است که مومنان به خاطر آن، از طریق طاعت به پروردگارشان دوستی و تقرب می‌جویند و الله نیز به این سبب، به آنان پاداش و یاری می‌رساند. شنقیطی: ۳/ ۲۵۷.
پرسش: ولایت الله سبحانه با مومنان و ولایت مومنان با الله را توضیح دهید.

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٧)

وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ
يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ
أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ٢٨ وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن
شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ
وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ
ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ مَنۡ أَحۡسَنَ عَمَلًا ٣٠ أُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ
مِن ذَهَبٖ وَيَلۡبَسُونَ ثِيَابًا خُضۡرٗا مِّن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَّكِـِٔينَ
فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۚ نِعۡمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتۡ مُرۡتَفَقٗا ٣١ ۞ وَٱضۡرِبۡ
لَهُم مَّثَلٗا رَّجُلَيۡنِ جَعَلۡنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيۡنِ مِنۡ أَعۡنَٰبٖ وَحَفَفۡنَٰهُمَا
بِنَخۡلٖ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمَا زَرۡعٗا ٣٢ كِلۡتَا ٱلۡجَنَّتَيۡنِ ءَاتَتۡ أُكُلَهَا وَلَمۡ
تَظۡلِم مِّنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ وَفَجَّرۡنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرٗا ٣٣ وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٞ فَقَالَ
لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكۡثَرُ مِنكَ مَالٗا وَأَعَزُّ نَفَرٗا ٣٤

ترجمه آیات

و خود را [بر همنشینی] با کسانی همراه [و شکیبا] گردان که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند [و با آنکه فقیرند، تنها] رضایتِ او را می‌خواهند؛ و مبادا چشمانت از آنان [به سوی ثروتمندان] برگردد تا زیورهای دنیا [و همنشینی با اشراف و قدرتمندان] را بخواهی و [همچنین] از کسی پیروی نکن که دلش را از یاد خویش غافل ساخته‌ایم و از هوای نفس خود پیروی کرده و کارش تباه است. (۲۸) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «[این قرآن، سخنِ] حق از جانب پروردگارتان است؛ پس هر کس می‌خواهد، ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد، کافر شود». ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را از هر سو فرامی‌گیرد؛ و اگر [در طلبِ آب،] فریادرسی بجویند، با آبی همچون مسِ گداخته به فریادشان می‌رسند؛ [آبی که حرارتش] چهره‌ها را بریان می‌کند. چه بد نوشیدنی و چه بد جایگاهی است! (۲۹) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، [به یقین بدانند که] ما پاداش کسی را که کار نیکو کرده باشد هرگز تباه نمی‌کنیم. (۳۰) آنان کسانی هستند که باغ‌های جاودانی [در بهشت] دارند که که از زیر [قصرها] شان جویبارها جاری است. در آنجا با دستبندهای زرین آراسته می‌شوند و جامه‌های [فاخر] سبزرنگ از حریر نازک و حریر ضخیم بر تن می‌کنند، در حالی که بر تخت‌ها تکیه زده‌اند. چه پاداش شایسته و چه نیکو جایگاهی است! (۳۱) و [ای پیامبر،] مثالی برای آنان بزن: دو مرد [کافر و مؤمن] که برای یکی از آنان [که کافر است] دو باغ انگور قرار دادیم و پیرامونِ آن دو [باغ] را با درختان نخل پوشاندیم و میان آن، کشتزاری [پُربار] نهادیم. (۳۲) هر دو باغ، میوه خود را [فراوان] می‌داد و چیزی از آن نمی‌کاست؛ و میان آن دو [باغ] نهری بزرگ جاری کردیم. (۳۳) او [= صاحب باغ] میوه‌هایی [بسیار و درآمدی فراوان] داشت؛ پس به دوست خود که با او گفتگو می‌کرد گفت: «ثروتِ من از تو بیشتر است و از لحاظ خانواده [و نفرات] از تو توانمندترم». (۳۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا﴾

﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ﴾ یعنی: خود را صابر و شکیبا نگه دار ﴿مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم﴾ با کسانی که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند؛ اینان مسلمانان فقیر بودند مانند بلال، خباب و صهیب ﷺ. کافران به پیامبر ﷺ گفته بودند: اینان را دور کن تا ما همنشین تو شویم. ابن جزی: ۵۰۷/۱.

پرسش: دعوتگر در طول دعوت خویش با طبقات مختلف جامعه برخورد دارد، منهج قرآنی در نحوۀ تعامل با آن‌ها چیست؟

۲ ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥ﴾

آیه بر مستحب‌بودن ذکر و عبادت و دعا در آغاز و پایان روز دلالت دارد؛ زیرا الله تعالی آنان را به سبب انجام این کار ستایش کرد و هر کاری که الله تعالی فاعل آن را بستاید دلالت دارد بر این‌که الله آن را دوست دارد و هر کاری را که دوست داشته باشد به آن امر و تشویق می‌کند. سعدی: ۴۷۵.

پرسش: نحوۀ استدلال آیه بر مشروعیت اذکار صبحگاه و شامگاه را توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾

﴿تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: این کار زیان‌رسان و بدون فایده است و مصالح دینی را از بین می‌برد؛ زیرا باعث می‌شود قلب به دنیا وابسته شود و فکر و ذهن به سوی دنیا برود و رغبت به آخرت از قلب دور گردد؛ به این سبب که زینت دنیا در برابر چشم بیننده نیکو جلوه می‌کند و عقل را می‌رباید؛ در نتیجه قلب از یاد الله غافل می‌شود و به خوشی‌ها و شهوات روی می‌آورد، آن‌گاه وقتش را تباه می‌سازد و کارش از هم می‌پاشد. سعدی: ۴۷۵.

پرسش: محبت دنیا در برابر آخرت چه آسیبی می‌رساند؟

۴ ﴿وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که کسی شایستگی دارد مردم از او اطاعت کنند و پیشوای آنان باشد که قلبش از محبت الله سرشار شود و این محبت بر زبانش سرازیر گردد؛ آن‌گاه یاد الله را پیوسته بر زبان جاری سازد و خوشنودی پروردگارش را بجوید و آن را بر هوای نفسش ترجیح دهد؛ در نتیجه اوقاتش را حفظ و احوالش را اصلاح کند و افعالش را استوار سازد و مردم را به آن‌چه که الله به او بخشیده است دعوت دهد. چنین کسی شایسته است که دیگران از او پیروی کنند و پیشوای مردم قرار گیرد. سعدی: ۴۷۵.

پرسش: انسان ناگزیر است که در بعضی امور دینی یا امور دنیوی از دیگری تقلید و پیروی کند، باید از چه کسی پیروی کنیم؟ و از چه کسی دوری گزینیم؟

۵ ﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡ﴾

الله حق را به هر کس که بخواهد می‌بخشد حتی اگر ضعیف باشد، و هر کس را که بخواهد از حق محروم می‌کند حتی اگر قوی و ثروتمند باشد، من مومنان را به خاطر خواستۀ شما نمی‌رانم، پس اگر می‌خواهید ایمان بیاورید و اگر می‌خواهید کفر ورزید. قرطبی: ۱۳/ ۲۶۰.

پرسش: آیا بخشش‌های آخرت و محرومیت از آن‌ها به ثروت و فقر انسان بستگی دارد؟

۶ ﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡ﴾

به این دلیل ایمان بر کفر مقدم شد که ایمان از آنان خواسته شده است. ابن عاشور: ۱۵/ ۳۰۷.

پرسش: در این آیه چرا ایمان زودتر از کفر بیان شد؟

۷ ﴿وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٞ فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكۡثَرُ مِنكَ مَالٗا وَأَعَزُّ نَفَرٗا﴾

قتاده می‌گوید: سوگند به الله آرزوی کافر: مال فراوان و افراد نیرومند است. ابن کثیر: ۳/ ۸۱.

پرسش: بالاترین آرزوی کافر چیست؟ و مسلمان چه فایده‌ای از این امر می‌برد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فُرُطًا	نابود و تباه.
سُرَادِقُهَا	دیوارهایش.
كَٱلۡمُهۡلِ	مانند روغن کدر و تیره.
وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا	منزل و جایگاه بدی است.
سُندُسٖ	ابریشم نازک.
وَإِسۡتَبۡرَقٖ	ابریشم ضخیم.

عمل به آیات

۱. با گروهی از صالحان در یک برنامۀ دعوی مشارکت کن، ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥ﴾

۲. با یکی از نیکان همنشین شو، و خودت را بر همنشینی با او عادت بده و این کار را عبادت الله سبحانه و تعالی به شمار آور، ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ﴾

۳. به الله پناه ببر از این‌که به سبب نعمت‌هایی که به تو بخشیده است مغرور شوی و از او تعالی بخواه که این نعمت‌ها را در کمک به تو بر انجام عبادت قرار دهد، ﴿وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٞ فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكۡثَرُ مِنكَ مَالٗا وَأَعَزُّ نَفَرٗا﴾

رهنمودها

۱. وِردی برای خودت مشخص گردان و آن را تا جایی که می‌توانی در اذکار صبح و شام تکرار کن، ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥ﴾

۲. باید که با نیکان همنشین شوی و نفس را بر همنشینی و معاشرت با آنان واداری، حتی اگر فقیر باشند. مبادا دنیا تو را از این کار بازدارد، ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥ﴾

۳. یکی از بزرگ‌ترین کیفرها این است که به سزای برخی گناهان، قلبت از ذکر الله تعالی غافل شود، ﴿وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا﴾

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٨)

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ
أَبَدٗا (٣٥) وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ
خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا (٣٦) قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ
بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا (٣٧)
لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا (٣٨) وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ
جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ
مَالٗا وَوَلَدٗا (٣٩) فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ
عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا (٤٠) أَوۡ يُصۡبِحَ
مَآؤُهَا غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا (٤١) وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ
فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ
عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا (٤٢) وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ
فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (٤٣) هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ
لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا (٤٤) وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ
فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا (٤٥)

مفاهيم واژگان

واژه	معنا
تَبِيدَ	نابود شود.
صَعِيدًا زَلَقًا	زمینی صاف که نه قدمی در آن ثابت بماند و نه گیاهی برویاند.
غَوْرًا	فرورفته در عمق زمین.

عمل به آیات

۱. یکی از دوستانت را که با امر الله و رسولش مخالفت می‌کند نصیحت کن؛ زیرا دوستی به نصیحت‌نکردن وابسته نیست، ﴿قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا﴾

۲. دستاوردهایی را که در طول زندگی داشته‌ای به یاد بیاور و آن‌ها را بخشش الله تعالی بدان، و بگو: «مَا شَاءَ ٱللهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»، ﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا﴾

۳. از این‌که نعمتی را به خودت نسبت داده‌ای و فراموش کردی که الله تعالی آن را به تو بخشیده است، از الله تعالی آمرزش بخواه؛ زیرا کیفر الله به کسی که از او تعالی سپاس‌گزاری نکند نزدیک است، ﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا﴾

رهنمودها

۱. از غرور و در امان دانستن خود از تدبیر الله تعالی برحذر باش، ﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا (٣٥) وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا﴾

۲. هر کس که الله دست از یاری او بردارد، هرگز یاری نخواهد شد، ﴿وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا﴾

۳. در برابر بندگان الله فروتن باش و از تکبر و خودبرتربینی بپرهیز، ﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا﴾

ترجمه آیات

و او در حالی به باغ خویش داخل شد که [به خاطر کفر و غرور،] در حق خویش ستمکار بود؛ [پس رو به دوستش] گفت: «گمان نمی‌کنم که این [باغ] هرگز نابود گردد. (۳۵) و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا گردد؛ و اگر [قیامتی در کار باشد و] به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، قطعاً جایگاهی بهتر از این می‌یابم». (۳۶) دوستش که با وی گفتگو می‌کرد به او گفت: «آیا به آن ذاتی که تو را از خاک [و] سپس از نطفه آفرید و سپس تو را مردی [کامل] سامان داد کافر شده‌ای؟ (۳۷) اما من [می‌گویم:] او الله پروردگارِ من است و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌دانم. (۳۸) وقتی وارد باغت شدی، چرا نگفتی هر چه الله بخواهد [همان می‌شود] و هیچ نیرویی جز به [تأیید] الله نیست؟ اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم، [مهم نیست]. (۳۹) چه بسا پروردگارم [چیزی] بهتر از باغ تو به من بدهد و از آسمان چنان عذابی [آتشبار] بر باغت فروبارد که به زمین صاف و بی‌گیاهِ لغزنده‌ای تبدیل شود. (۴۰) یا آبش در [اعماق زمین چنان] فرو رود که هرگز نتوانی به آن دست بیابی». (۴۱) [سرانجام، عذاب الهی فرارسید] و تمام میوه‌هایش را در بر گرفت [و نابود شد]. و او به خاطر هزینه‌هایی که صرف آنجا کرده بود، پیوسته دست‌هایش را [از پشیمانی و اندوه] بر هم می‌زد و در حالی که داربستهایش فروریخته بود می‌گفت: «ای کاش [در عبادت،] کسی را شریک پروردگارم قرار نداده بودم». (۴۲) و او [که به خاندان خود می‌بالید، اینک] گروهی نداشت که در برابرِ [عذابِ] الله یاری‌اش کنند و خود [نیز] یاری‌کنندهٔ خویش نبود. (۴۳) آنجا [ثابت شد که یاری و] کارسازی از آنِ [پروردگارِ] حق است. او پاداش [عبادتش] بهتر است و سرانجام [بندگان مؤمنش] نیکوتر. (۴۴) و [ای پیامبر، فناپذیریِ] زندگی دنیا را به آبی مَثل بزن که از آسمان فروفرستادیم و به وسیلهٔ آن، گیاه زمین [سرسبز شد و] در هم آمیخت؛ سپس [چنان] خشک و شکسته شد که بادها [به هر سو] پراکنده‌اش می‌گرداند؛ و الله بر هر چیزی تواناست. (۴۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا﴾

﴿وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ﴾ به سبب کفر، یا به سبب گفتگو با برادرش با فخرفروشی و تکبر و تحقیر وی، در حق خویش ستمکار بود. ابن جزی: ۱/ ۵۱۰.

پرسش: ستم صاحب دو باغ به خودش با چهار امر صورت گرفت. این امور را بیان کنید.

۲ ﴿وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا﴾

هیچ ارتباطی میان نعمت‌های دنیوی و نعمت‌های اخروی وجود ندارد و این مشرک به سبب نادانی گمان کرد که هر کس در دنیا نعمت به او داده شده باشد در آخرت نیز از نعمت برخوردار خواهد شد؛ غالباً الله دنیا را از دوستان و برگزیدگانش دور می‌کند و آن را برای دشمنانش که سهمی در آخرت ندارند می‌گشاید. سعدی: ۴۷۷.

پرسش: آیا ارتباطی میان نعمت‌های دنیوی و نعمت‌های اخروی وجود دارد؟

۳ ﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ﴾

یعنی: این ثروت، با قدرت و نیروی الله به تو رسیده است نه با قدرت و توان خودت، و اگر الله بخواهد برکت را از آن برمی‌دارد تا متلاشی شود. قرطبی: ۱۳/ ۲۸۰.

پرسش: آیا انسان بر اساس قدرت و توان خویش مالک چیزی می‌شود؟

۴ ﴿إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا (٣٩) فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ﴾

به دوستش خبر داد نعمت ایمان و اسلام که الله به او بخشیده است- هر چند مال و فرزند کمی دارد- نعمت حقیقی است و سایر نعمت‌ها در معرض نابودی قرار دارند و سبب کیفر و مجازات هستند. سعدی: ۴۷۷.

پرسش: بزرگ‌ترین و کامل‌ترین نعمت بر مسلمان چیست؟

۵ ﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾

این کیفر به سبب کفر محض به او نرسید؛ زیرا الله تعالی کافران زیادی را در طول زندگی‌شان بهره‌مند می‌سازد و به آنان مهلت می‌دهد و آن‌ها را به تدریج در گناهان غرق می‌کند. این عذاب به سزای سرکشی او و این‌که مومن فقیر را با ثروت و مالش تحقیر کرد او را فرا گرفت. ابن عاشور: ۱۵/ ۳۲۸.

پرسش: الله تعالی به چه سبب کیفر این کافر را به تعجیل انداخت در حالی که کافران زیادی را در طول زندگی‌شان از نعمت‌ها برخوردار می‌کند؟

۶ ﴿وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا﴾

از رحمت و لطف الله بعید نیست که صاحب این باغِ نابودشده، نیکوکار شده باشد و الله توبه و هدایت را به او ارزانی داشته و سرکشی و طغیانش را از بین برده باشد؛ زیرا پشیمانی از شرک به پروردگارش را اظهار کرد و الله طغیانش را از بین برد و او را در دنیا مجازات کرد. الله هر گاه برای بنده‌ای ارادهٔ خیر داشته باشد کیفر او را در دنیا قرار می‌دهد. سعدی: ۴۷۸.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که شاید کیفرِ رسیده به صاحب دو باغ سبب خیر برایش شد.

۷ ﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُ﴾

حکما گفته‌اند: الله تعالی دنیا را به آب تشبیه کرد... زیرا آب همانند دنیا همیشه در یک حالت قرار ندارد، باقی نیست و از بین می‌رود، دنیا نیز چنین خاصیتی دارد و فانی است. هیچ‌کس نمی‌تواند وارد آب شود اما خیس نشود، همچنین است دنیا که هر کس در آن وارد شود از فتنه و آسیب‌هایش در امان نمی‌ماند. آب اگر به اندازه باشد سودمند و سبب رشد است اما اگر از حد بگذرد آسیب می‌زند و نابود می‌کند؛ دنیا نیز به مقدار کافی سودمند است و بیشتر از آن زیان می‌رساند. قرطبی: ۱۳/ ۲۸۹.

پرسش: بزرگ‌ترین وجوه تشابه میان دنیا و آب را بیان کنید؟

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٢٩٩)

ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ
خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا ﴿٤٦﴾ وَيَوۡمَ نُسَيِّرُ ٱلۡجِبَالَ وَتَرَى
ٱلۡأَرۡضَ بَارِزَةٗ وَحَشَرۡنَٰهُمۡ فَلَمۡ نُغَادِرۡ مِنۡهُمۡ أَحَدٗا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُواْ
عَلَىٰ رَبِّكَ صَفّٗا لَّقَدۡ جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۭۚ بَلۡ زَعَمۡتُمۡ
أَلَّن نَّجۡعَلَ لَكُم مَّوۡعِدٗا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ
مُشۡفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ
لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ
حَاضِرٗاۗ وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ أَحَدٗا ﴿٤٩﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ
لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ
أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُّۢۚ
بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا ﴿٥٠﴾ ۞مَّآ أَشۡهَدتُّهُمۡ خَلۡقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ أَنفُسِهِمۡ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلۡمُضِلِّينَ عَضُدٗا
﴿٥١﴾ وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ
فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا ﴿٥٢﴾ وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ
ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمۡ يَجِدُواْ عَنۡهَا مَصۡرِفٗا ﴿٥٣﴾

ترجمه آیات

مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و نیکی‌های پایدار [= رفتار و گفتار شایسته] نزد پروردگارت، پاداشش بهتر است و امیدداشتن [به ثوابش] نیکوتر. (۴۶) و [یاد کن از] روزی که کوه‌ها را به حرکت درمی‌آوریم و زمین را آشکار [و هموار] می‌بینی و همه [مخلوقات] را جمع می‌کنیم و هیچ‌یک از آنان را [به حال خود] رها نمی‌کنیم. (۴۷) و [همگی] صف‌کشیده بر پروردگارت عرضه می‌شوند [و به آنان می‌گوید:] «بی‌تردید، چنان که نخستین بار شما را آفریدیم، [امروز نیز تنها و پابرهنه] نزد ما آمدید؛ بلکه می‌پنداشتید که ما هرگز وعده‌گاهی برایتان قرار نمی‌دهیم». (۴۸) و نامه[ی اعمال در میان] نهاده می‌شود؛ آنگاه گناهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن [نامه] است ترسان و نگرانند و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ [گفتار و رفتارِ] کوچک و بزرگی را رها نکرده است، مگر اینکه آن را در شمار آورده است؟» و هر چه کرده‌اند حاضر می‌یابند و پروردگارت به هیچ کسی ستم نمی‌کند. (۴۹) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ آنگاه [همه] سجده کردند، مگر ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. پس [ای مردم،] آیا به جای من، او و فرزندانش را دوستان [خود] می‌گیرید، حال آنکه آنان دشمنتان هستند؟ [اطاعت از ابلیس و نسلش به جای اطاعت الله] چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (۵۰) من آنان را [که مشرکانه به عبادت می‌گیرید] نه هنگام آفرینش آسمان و زمین به گواهی گرفتم و نه هنگام آفرینش خودشان؛ و من هرگز گمراه‌کنندگان را یار و مددکار [خویش] نگرفته‌ام. (۵۱) و [یاد کن از] روزی که الله [به مشرکان] می‌فرماید: «شریکانی را که برای من می‌پنداشتید، فرابخوانید [تا شما را از عذاب برهانند]؛ آنها را می‌خوانند، ولی پاسخشان را نمی‌دهند؛ و ما در میان این دو گروه، مهلکه‌ای [از آتشِ دوزخ] قرار داده‌ایم. (۵۲) و گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و به یقین درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد و هیچ راه بازگشتی از آنجا ندارند. (۵۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾

﴿ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ﴾ عتبه و دوستان ثروتمندش به مال و فرزندان افتخار می‌کردند ﴿زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: توشهٔ آخرت نیست. علی بن ابی طالب ﷺ می‌گفت: «مال و فرزندان، کشتزار دنیا و اعمال صالح، کشتزار آخرت هستند، و گاهی الله هر دو مورد را برای برخی عطا می‌کند». بغوی: ۳/ ۳۴.

پرسش: کشتزار دنیا و کشتزار آخرت چیست؟

۲ ﴿وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا﴾

آن‌چه که برای انسان می‌ماند و به او سود می‌رساند و او را شاد می‌کند: نیکی‌های ماندگار است که تمام طاعات واجب و مستحبی مربوط به حقوق الله و حقوق بندگانش را در برمی‌گیرد؛ از جمله: نماز، زکات، صدقه، حج، عمره، تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر، قرائت، جستجوی علم سودمند، امر به معروف، نهی از منکر، صلهٔ رحم، نیکی به پدر و مادر، ادای حق همسران و بردگان و حیوانات، و تمام وجوه نیکی به مخلوقات. سعدی: ۴۷۹.

پرسش: برخی از نیکی‌های ماندگار را بیان کنید.

۳ ﴿وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ بَارِزَةٗ﴾

یعنی: صحرایی صاف و آشکار که در آن نه هیچ نشانه‌ای برای کسی است و نه مکانی است که کسی به آن پناه برد، بلکه تمام مخلوقات در برابر پروردگارشان آشکار هستند و هیچ یک از آنان بر او پنهان نیست. ابن کثیر: ۳/ ۸۵- ۸۶.

پرسش: چه تهدیدی در ﴿وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ بَارِزَةٗ﴾ نهفته است؟

۴ ﴿لَّقَدۡ جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۭ﴾

یعنی بدون مال و خانواده و قبیله؛ فقط اعمال و منافع خیر و شری که در دنیا کسب کرده‌اند همراه آنان است. سعدی: ۴۷۹.

پرسش: منظور از عبارت ﴿لَّقَدۡ جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۭ﴾ چیست؟

۵ ﴿وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗا﴾

قتاده می‌گوید: مردم از شمردن شکایت دارند و هیچ‌کس از ستم شکایت نمی‌کند؛ پس از گناهان صغیره دوری کنید که بر صاحبش جمع می‌شوند تا این‌که او را نابود می‌کنند. قرطبی: ۱۵/ ۴۵۹.

پرسش: بنده در چه صورتی بر اثر گناهان صغیره نابود می‌شود؟

۶ ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ﴾

سجدهٔ تشریف و تکریم و تعظیم منظور است [نه سجدهٔ عبادت]. ابن کثیر: ۳/ ۸۷.

پرسش: آیا سجدهٔ فرشتگان در برابر آدم برای عبادت بود؟ یا امر دیگری؟

۷ ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُّۢۚ بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا﴾

الله تعالی بنی‌آدم را از دشمنی ابلیس با آنان و قبل از آنان دشمنی او با پدرشان آگاه می‌کند و انسان‌هایی را سرزنش می‌کند که از ابلیس پیروی و با آفریدگار و مولای‌شان مخالفت می‌ورزند، همان آفریدگاری که آنان را پدید آورد و الطافش را بر آنان سرازیر کرد و آنان را روزی و غذا داد، اما اینان با وجود تمام این موارد، ابلیس را به دوستی می‌گیرند و با الله دشمنی می‌کنند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُّۢۚ بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا﴾. ابن کثیر: ۳/ ۸۷.

پرسش: جهل و دشمنی برخی انسان‌ها را بر اساس آیه توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَخَيۡرٌ أَمَلٗا	بهترین چیزی که از نزد الله امید می‌رود.
فَفَسَقَ	خارج شد.
عَضُدٗا	مددکاران.
مَّوۡبِقٗا	هلاکتگاهی در جهنم که همگی در آن نابود می‌شوند.

عمل به آیات

۱. سلامتی قلب را از الله تعالی تقاضا کن، و از حسد و تکبر به الله پناه ببر؛ زیرا بیماری حسادت و تکبر، شیطان را نابود کرد، ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓ﴾

۲. گناهان کبیره‌ای را که مرتکب شده‌ای مشخص و بسیار استغفار کن؛ امید است که از نامهٔ بدی‌هایت پاک شوند، ﴿وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗا﴾

۳. عمل صالح بزرگی را به عنوان برنامهٔ زندگی‌ات مشخص کن، سپس گام‌هایی جدی در تحقق آن بردار، و از الله تعالی یاری بخواه تا غافل زندگی نکنی، ﴿وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا﴾

رهنمودها

۱. مبادا مال و فرزندان باعث شوند از انجام اعمال صالح بازمانی، بلکه آن‌ها را در انجام اعمال صالح به‌کار بگیر، ﴿ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا﴾

۲. هر کس نیکی‌ها و بدی‌هایش را در دنیا مورد محاسبه قرار دهد، روز قیامت با دیدن نامهٔ اعمالش غافلگیر نمی‌شود، ﴿وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗا﴾

۳. سخت‌ترین پشیمانی، پشیمانی مشرک در روز قیامت است که می‌فهمد هیچ‌کس در گشایش اندوه و اجابت دعا، با الله تعالی شریک نیست، ﴿وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا﴾

سورة (الكهف) الجزء (۱۵) صفحة (۳۰۰)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍۚ وَكَانَ
ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ
إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ
ٱلْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ قُبُلٗا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ
إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَٰطِلِ
لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا ﴿٥٦﴾
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ
مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ
وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٗاۖ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ فَلَن يَهْتَدُوٓاْ إِذًا
أَبَدٗا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِۖ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ
لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلْعَذَابَۚ بَل لَّهُم مَّوْعِدٞ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ
مَوْئِلٗا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلْنَا
لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ
أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبٗا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلْبَحْرِ سَرَبٗا ﴿٦١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لِيُدْحِضُواْ	تا از بین ببرند.
أَكِنَّةً	پوشش.
وَقْرٗا	کری و سنگینی گوش.
مَوْئِلٗا	پناهگاه و گریزگاه.
حُقُبٗا	زمانی طولانی.

عمل به آیات

۱. یکی از قصص سورهٔ کهف را بخوان و در پند و اندرزهایش بیندیش، ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾

۲. یکی از اسباب غفلت خویش را مشخص کن و گام‌هایی جدی در ترک آن بردار، و از الله تعالی بخواه بهتر از آن را به تو ببخشاید، ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ﴾

۳. به دیدار عالمی برو و از او علم بشنو، یا کتابی بر او بخوان، یا از ادب و اخلاقش درس بگیر که این امور مصادیقی از نیکی‌های ماندگار هستند، ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبٗا﴾

رهنمودها

۱. جدل و ستیزه‌جویی غریزه‌ای در انسان است؛ پس بکوش آن را تهذیب کنی و در راه خیر به‌کار گیری، ﴿وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾

۲. در دعوت به سوی الله تعالی از تشویق و تهدید کار بگیر، ﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾

۳. گاهی الله پرده و مُهری بر قلب گناهکار می‌افکند که در نتیجهٔ آن نمی‌تواند در قرآن تدبر کند و امثال و قصص آن را بفهمد مگر این‌که توبه کند، ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ﴾

ترجمه آیات

و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم؛ و[لی] انسان بیش از هر چیزی به ستیز [و چون‌وچرا] می‌پردازد. (۵۴) و چیزی مردم را بازنداشت که هدایت [= پیامبر و قرآن] به سویشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، مگر اینکه [از روی لجاجت می‌خواستند] سنت [الله در مورد عذابِ] پیشینیان، بر [سرِ] آنان [نیز] بیاید یا عذاب رو در رو به آنان برسد. (۵۵) و ما پیامبران را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم و کسانی که کفر ورزیدند، به [سخنان بیهوده و] باطل ستیز می‌کنند تا به وسیلهٔ آن، حق [= قرآن] را پایمال کنند و [معجزات و] آیات من و آنچه را که به آن بیم داده شده‌اند، به تمسخر گرفتند. (۵۶) کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود ولی از آن روی بگرداند و کارهای [زشت] گذشته‌اش را فراموش کند؟ ما بر دل‌هایشان پرده‌هایی افکنده‌ایم تا [پیام حق] را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهاده‌ایم تا سخن حق را نشنوند]؛ و اگر آنان را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند. (۵۷) [ای پیامبر،] پروردگارت آمرزنده و دارای رحمت [فراوان] است. اگر آنان [= کافران] را به [سزای] آنچه کرده‌اند بازخواست می‌کرد، قطعاً در عذابشان شتاب می‌نمود؛ [اما چنین نمی‌کند؛] بلکه آنان موعدی دارند که هرگز از آن گریزی نخواهند داشت. (۵۸) ما [ساکنانِ] آن شهرها را هنگامی هلاک نمودیم که [به خاطر کفر و گناه، به خود] ستم کردند و برای هلاکتشان موعدی تعیین کردیم. (۵۹) [یاد کن از] هنگامی که موسی به [خدمتکار] جوان خود [یوشَع بن نون] گفت: «همچنان خواهم رفت تا به محل برخورد دو دریا برسم یا برای مدت طولانی راه بپیمایم [تا بندهٔ درستکاری بیابم و نادانسته‌هایم را از او بیاموزم]». (۶۰) وقتی به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را [که برای خوردن همراه داشتند] فراموش کردند [و الله آن را زنده کرد و به آب انداخت] و ماهی، راهِ خود را در دریا [مانند تونلی] در پیش گرفت [و رفت]. (۶۱)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾
از علی ؓ روایت شده که شبی پیامبر ﷺ بدون اطلاع قبلی به منزل من و فاطمه آمد و از ما پرسید: «أَلَا تُصَلِّيَانِ؟!»؛ «آیا نماز نمی‌گزارید؟!» من گفتم: ما در اختیار الله هستیم، اگر بخواهد ما را از خواب بیدار می‌کند. وقتی این سخن را به رسول الله ﷺ گفتم، او بدون این‌که پاسخی بدهد بازگشت. سپس شنیدم که به رانش می‌زد و می‌فرمود: ﴿وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾ [صحیح بخاری: ۱۱۲۷]. ابن عاشور: ۱۵/ ۳۴۸.
پرسش: این مطلب را توضیح دهید که نصیحت‌کننده به کار نیک، تا حد توان مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۲ ﴿وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾
بسیاری از مردم پس از این‌که حق برای‌شان مشخص شد در آن مجادله می‌کنند، و به باطل جدل می‌کنند تا حق را با آن از بین ببرند؛ از این رو فرمود: ﴿وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٖ جَدَلٗا﴾ یعنی: انسان‌ها بیش از هر چیز به مجادله و نزاع می‌پردازند، در حالی که این کار زیبندهٔ آنان نیست و غیر منصفانه است. آن‌چه که انسان را به این کار و عدم ایمان به الله می‌کشاند، فقط ستم و دشمنی است، نه کوتاهی‌کردن در بیان و دلیل و برهان حق. سعدی: ۴۸۰.
پرسش: مجادلهٔ زیاد با علما و جویندگان علم آیا خیری به همراه دارد؟ چه چیزی باعث می‌شود که انسان در برابر پیروان حق بسیار جدال کند؟

۳ ﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا﴾
با این بیان، جدایی قائل شد میان آیات دلالت‌کننده بر علم که با عقل دانسته می‌شود آن‌ها دلایل پروردگار هستند و میان انذارها که از امور ترسناک خبر می‌دهند؛ مانند خبردادن پیامبران از عذاب گردنکشان، که شامل خبر و انذار است. ابن تیمیه: ۴/ ۲۶۰.
پرسش: چه تفاوتی میان آیات و انذارها وجود دارد؟

۴ ﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾
﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ﴾ یعنی: بشارت‌دهنده به بهشت برای کسانی که ایمان آورند، ﴿وَمُنذِرِينَ﴾ یعنی: ترساننده از عذاب برای کسانی که کفر ورزند. قرطبی: ۱۳/ ۳۱۱.
پرسش: دو مورد از روش‌های دعوت به سوی الله را که در آیه آمده نام ببرید.

۵ ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٗاۖ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ فَلَن يَهْتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا﴾
در آیه برای کسانی که حق را پس از این‌که شناختند رها می‌کنند این تهدید وجود دارد که میان آنان و حق حایل ایجاد می‌شود و در آینده توانایی دست‌یافتن به آن را نخواهند داشت. این بزرگ‌ترین ترساننده و بازدارنده از ترک حق است. سعدی: ۴۸۱.
پرسش: تفاوت وجود دارد میان کسی که دانسته از حق روی می‌گرداند و کسی که ندانسته مرتکب این امر می‌شود. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ﴾
یعنی: هیچ‌کس ستمکارتر از خودش نیست از کسی که به نشانه‌های پروردگارش پند داده شود اما آن‌ها را سبک بشمارد و از پذیرش آن‌ها خودداری کند. قرطبی: ۱۳/ ۳۱۲.
پرسش: ستمکارترین مردم بر خودش کیست؟

۷ ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبٗا﴾
مسایل فقهی ذیل در این آیه وجود دارد: سفر عالم به هدف افزودن بر علم خویش، یاری‌گرفتن در این کار از خدمتکار و همراه، غنیمت‌شمردن دیدار با فضلا و علما- حتی اگر در سرزمین دوری باشند-. سلف صالح بر این کار عادت داشتند و بیشترین بهره و موفقیت را از این طریق کسب می‌کردند؛ بنابراین گام‌های استواری در علوم برداشتند و به بهترین یاد و مزد و فضیلت دست یافتند. بخاری می‌گوید: جابر ابن عبدالله برای دریافت یک حدیث مسافت یک ماه را تا نزد عبدالله بن انیس ؓ پیمود. قرطبی: ۱۳/ ۳۱۸.
پرسش: جویندهٔ علم چه درسی از سفر موسی ؑ می‌آموزد؟

سورة (الكهف) الجزء (١٥) صفحة (٣٠١)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا
هَٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ
ٱلْحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ ۚ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ
فِى ٱلْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ ۚ فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا
قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا
وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن
تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ
صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ
سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا وَلَآ أَعْصِى لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ
فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِى فَلَا تَسْـَٔلْنِى عَن شَىْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
﴿٧٠﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا
لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِمَا نَسِيتُ وَلَا
تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ
قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ﴿٧٤﴾

ترجمه آیات

هنگامی که [به راه افتادند و از آنجا] گذشتند، [موسی] به [خدمتکار] جوان خود گفت: «غذایمان را بیاور که از این سفر بسیار خسته شده‌ایم». (۶۲) [یوشع] گفت: «به یاد داری هنگامی که [برای استراحت] به کنار آن تخته‌سنگ جای گرفتیم، من [در آنجا داستان زنده شدن] ماهی را فراموش کردم [که به تو بگویم] و جز شیطان، [کسی] مرا از یادآوریِ آن [داستان] به فراموشی نینداخت و ماهی به طرزی شگفت‌آور راهش را در دریا پیش گرفت». (۶۳) [موسی] گفت: «آن همان چیزی است که می‌خواستیم [و جایگاهِ آن بندهٔ نیکوکار، همان‌جاست]». پس جستجوکنان ردّ پای خود را گرفتند [و از همان راه] بازگشتند. (۶۴) [در آنجا] بنده‌ای از بندگان ما [= خَضِر] را یافتند که از جانب خویش به او رحمتی داده بودیم و از نزد خود به وی دانشی [که این قصه آن را در بر دارد] آموخته بودیم. (۶۵) موسی به او گفت: «آیا [اجازه می‌دهی] همراهت بیایم تا از آنچه به تو آموخته شده و مایهٔ هدایت و ارشاد است به من بیاموزی؟» (۶۶) [خَضِر] گفت: «تو هرگز نمی‌توانی [در اطاعت و همراهی] با من شکیبایی کنی. (۶۷) و چگونه بر [انجام] کاری که به [راز] آن آگاه نیستی شکیبایی می‌کنی؟» (۶۸) [موسی] گفت: «ان شاء الله شکیبا خواهم بود و در هیچ کاری از تو نافرمانی نمی‌کنم». (۶۹) [خَضِر] گفت: «پس اگر با من همراه شدی، دربارهٔ هیچ چیز از من سؤال نکن تا خود دربارهٔ آن سخنی با تو بگویم». (۷۰) آن دو به راه افتادند تا آنکه سوار کشتی شدند. [خَضِر] کشتی را سوراخ کرد. [موسی] گفت: «آن را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ راستی چه کار ناروایی کردی!» (۷۱) [خَضِر] گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟» (۷۲) [موسی] گفت: «به خاطر آنچه فراموش کردم سرزنشم نکن و در کارم بر من سخت نگیر». (۷۳) پس به راه افتادند تا هنگامی که به نوجوانی رسیدند و [خَضِر] او را کشت. [موسی] گفت: «شخص [بی‌گناه و] پاکی را کُشتی [آن هم] بدون اینکه کسی را کشته باشد؟ واقعاً کار ناپسندی کردی!» (۷۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ءَاتِنَا غَدَآءَنَا﴾

مستحب است انسان از غذای خود به خادمش بدهد و با او غذا بخورد؛ زیرا ظاهر عبارت ﴿ءَاتِنَا غَدَآءَنَا﴾ به همه نسبت داده شده، یعنی هر دو با هم غذا خوردند. سعدی: ۴۸۳.

پرسش: در آیه یک نکتهٔ تربیتی در نحوهٔ رفتار با خدمتکاران وجود دارد. این نکته را بیان کنید.

۲ ﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که انسان می‌تواند دیگران را از درد و بیماری خویش باخبر سازد و این امر خدشه‌ای بر خوشنودی به قضا و قدر و تسلیم‌شدن در برابر آن وارد نمی‌کند، اما به شرط این‌که از سر بی‌قراری و اندوه و خشم نباشد. قرطبی: ۱۳/ ۳۲۲.

پرسش: آیا خبردادن شخص از حالتش، اعتراض به قضا و قدر به شمار می‌رود؟

۳ ﴿وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ﴾

نسبت‌دادن شر و اسبابش به شیطان به صورت آراستن و تزیین جهت گمراه‌کردن است، وگرنه هر کاری به قضا و قدر الله انجام می‌گیرد. سعدی: ۴۸۳.

پرسش: چرا فراموشی به شیطان نسبت داده شد، در حالی که به تقدیر الله سبحانه و تعالی انجام گرفت؟

۴ ﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾

موسی عليه السلام از خضر درخواست کرد که به او لطف و مهربانی کند و با اجبار و الزام چیزی از او نخواست. جویندهٔ علم باید این‌گونه از عالم سوال کند. ابن کثیر: ۳/ ۹۴.

پرسش: آیه یک نکتهٔ تربیتی دارد که جویندهٔ علم باید در برابر عالم آن را رعایت کند، این نکته چیست؟

۵ ﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾

علم نافع علمی است که به سوی خیر راهنمایی می‌کند؛ یعنی هر علمی که به راه‌های خیر راهنمایی و هدایت کند و از راه شر یا اسباب آن باز دارد، سودمند است و غیر از این هر چه باشد یا مضر است و یا (حداقل) فایده‌ای در آن نیست؛ زیرا می‌فرماید: ﴿تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾. سعدی: ۴۸۴.

پرسش: چرا موسی عليه السلام از خضر خواست که به او راه راست و مسیر درست بیاموزاند و نوع علم را مشخص نکرد؟

۶ ﴿قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا﴾

این آیه در بردارندهٔ یکی از اصول آموزشی است و آن این‌که: معلم شاگرد را از عوارض موضوعات آموزشی آگاه سازد؛ به‌خصوص اگر فراگیری آن‌ها با مشقت همراه باشد. ابن عاشور: ۱۵/ ۳۷۲.

پرسش: کدام اصل آموزشی در آیه وجود دارد؟

۷ ﴿قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا﴾

یعنی: تو نمی‌توانی با من همراهی کنی؛ زیرا کارهایی از من خواهی دید که مخالف شریعت تو هستند. ابن کثیر: ۳/ ۹۴.

پرسش: چرا موسی عليه السلام در برابر اعمال خضر صبر نکرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَوَيْنَآ	پناه بردیم.
نَبْغِ	می‌جوییم.
فَٱرْتَدَّا	بازگشتند.
خَرَقَهَا	یکی از تخته‌های کشتی را از جا کند.
إِمْرًا	کاری ناشایست.
نُّكْرًا	منکری بزرگ.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه مهربانی به مردم و علم به آفریدگار را به تو روزی دهد؛ زیرا کسی که عالم‌تر به پروردگارش باشد، با مخلوقات او مهربان‌تر است، ﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا﴾

۲. دوستی الله با چند امر از جمله همنشینی با دوستان او تعالی به دست می‌آید که این کار به اخلاق نیکو نیاز دارد، ﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾

۳. کتابی در مورد ادب جویندهٔ علم بخوان و در آن بیندیش و آموزه‌هایش را پیاده کن، ﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾

رهنمودها

۱. شنیدن و خواندن و تأمل، فقط اسباب هستند و عطاکنندهٔ علم، فقط الله است، ﴿وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا﴾

۲. استاد گاهی درشتی می‌کند تا مقدار تحمل و همت دانشجو را دریابد، ﴿قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا﴾

۳. در این قصه که مشتمل بر سفر در جستجوی علم است بیندیش که پند و اندرزهای زیادی دارد، ﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا﴾

سورة (الكهف) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٢)

۞ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِن
سَأَلْتُكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا
﴿٧٦﴾ فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا
أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي
وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا
السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ
أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا
الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا
وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ
رُحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ
وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن
يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾
وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا	غذایی به عنوان مهمانی طلب کردند.
يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ	نزدیک بود که بیفتد.
بِتَأْوِيلِ	به سرانجام و عاقبت.
يُرْهِقَهُمَا	آنان را مجبور کند و وادارد.
زَكَاةً	صالح‌تر و پاک‌تر.
وَأَقْرَبَ رُحْمًا	نیکوکارتر و مهربان‌تر به آنان.
ذِي الْقَرْنَيْنِ	پادشاهی صالح و عادل که از مشرق تا مغرب فرمانروایی می‌کرد.

عمل به آیات

۱. امروز عمل صالحی که فایده‌اش به دیگران می‌رسد انجام بده، ﴿فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ﴾

۲. امروز در دفع ظلم از انسانی مظلوم یا ضعیف تلاش کن، ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا﴾

۳. صلاح فرزندانت را از الله تعالی بخواه، ﴿وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾

رهنمودها

۱. صبر و شکیبایی یکی از شروط طلب علم است، ﴿قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾

۲. الله تعالی با آن‌چه که ظاهری دردناک دارد اما در باطن آن رحمت قرار گرفته است، تدبیر نیکو برای دوستانش به‌کار می‌گیرد، ﴿وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾

۳. صلاح پدر، سبب صلاح و روزی فرزندانش است، ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ﴾

ترجمه آیات

[خَضِر] گفت: «به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟» (۷۵) [موسی] گفت: «اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی نکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود». (۷۶) پس به راه افتادند تا به اهالی شهری رسیدند [و] از آنان غذا خواستند؛ [اما آنان] از مهمان‌کردنشان خودداری کردند. سپس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو بریزد و [خضر] آن را راست و استوار کرد. [موسی] گفت: «اگر می‌خواستی، [می‌توانستی] برای آن [کار، از آنان] مزدی بگیری». (۷۷) [خَضِر] گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرارسیده است. به زودی تو را از توضیح [و دلیل] آنچه که نتوانستی در برابرش شکیبایی کنی آگاه خواهم ساخت. (۷۸) اما آن کشتی، از آنِ بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند؛ خواستم معیوبش کنم؛ [زیرا] پیش راهشان [در دریا] پادشاهی [ستمکار] بود که هر کشتی [سالمی] را به زور می‌گرفت. (۷۹) و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند؛ پس ترسیدیم که آن دو را به سرکشی و کفر وادارد. (۸۰) از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او [فرزند] پاک‌تر و مهربان‌تری به آنها عطا فرماید. (۸۱) و اما آن دیوار، از دو پسربچهٔ یتیم در آن شهر بود و گنجی زیر آن بود که به آن دو تعلق داشت و پدرشان [نیز] مردی درستکار بود؛ پس پروردگارت خواست که [آن دو یتیم] به حد بلوغ برسند و گنج خویش را [از زیر آن دیوار] بیرون آورند. این رحمتی از جانب پروردگار تو بود و من این [کارها] را خودسرانه نکردم. این بود توضیح [و دلیل] کارهایی که نتوانستی در برابرش شکیبایی کنی». (۸۲) و [ای پیامبر، مشرکان و یهود] دربارهٔ «ذوالقَرنین» از تو می‌پرسند؛ بگو: «به زودی چیزی از سرگذشت او برایتان خواهم خواند». (۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا﴾

موسی علیه السلام در این‌جا فراموشی را به عنوان عذر بیان نکرد: یا به این دلیل که فراموش نکرده بود و تغییر منکر بزرگ - یعنی قتل نفس به‌ناحق- را بر وجوب وفای به عهد ترجیح داد؛ یا به این سبب که فراموشی کرد اما فراموشی را به عنوان عذر بیان نکرد، چون تکرار عذرخواهی از فراموشی، وجههٔ خوبی ندارد. ابن عاشور: ۱۶/ ۶.

پرسش: چرا موسی علیه السلام دوباره فراموشی را به عنوان عذر ارائه نکرد؟

۲ ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا﴾

یکی از قواعد مهم چنین است: (عمل انسان در مال دیگری اگر بنابر مصلحت و دفع مفسده باشد، جایز است هر چند بدون اذن انجام گیرد و حتی اگر به تلف‌شدن بخشی از مال غیر منجر شود)؛ چنان‌که خضر کشتی را سوراخ کرد تا معیوب شود و پادشاه ستمگر آن را غصب نکند. بنابراین، اگر خانه یا مال انسانی در معرض آتش‌سوزی یا غرق یا آسیبی از این قبیل قرار گرفت و تلف‌کردن بخشی از مال یا تخریب بخشی از خانه، سبب نجات مقدار باقی‌مانده بود، این کار برای انسان جایز است بلکه باید این کار را انجام دهد. سعدی: ۴۸۵.

پرسش: علما قاعدهٔ بسیار مهمی از آیه استنباط کرده‌اند. این قاعده را توضیح دهید.

۳ ﴿وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾

قتاده می‌گوید: پدر و مادر این فرزند هنگام تولدش شادمان شدند و هنگامی که کشته شد غمگین گشتند، در حالی که اگر زنده می‌ماند سبب نابودی پدر و مادرش می‌شد؛ بنابراین انسان باید به قضا و قدر الله خوشنود باشد؛ زیرا حکم الله برای مومن در آن‌چه که خودش نمی‌پسندد برایش بهتر است از حکم او در آن‌چه که می‌پسندد. ابن کثیر: ۳/ ۹۶.

پرسش: مسلمان باید چه واکنشی در برابر اندوه و مصیبت داشته باشد؟

۴ ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا﴾

دلالت دارد بر این‌که انسان صالح در دنیا میان فرزندانش حفظ می‌شود [و برکت عبادت او به آنان می‌رسد] و در آخرت شفاعت او به فرزندانش می‌رسد و آنان به بالاترین درجه در بهشت می‌رسند تا چشمش با دیدن آن‌ها روشن شود. ابن کثیر: ۳/ ۹۷.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که عمل صالح انسان گاهی به فرزندانش فایده می‌رساند.

۵ ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا﴾

یکی دیگر از دلالت‌های آیه این است که الله تعالی [برکت عبادت] انسان صالح را برای خودش و فرزندانش هر چند [در سال‌های] دور و بعد از وی متولد شوند حفظ می‌کند. روایت شده است که الله تعالی [برکت عبادت] انسان صالح را در هفت نسل از فرزندانش حفظ می‌کند. قرطبی: ۱۳/ ۳۵۶.

پرسش: ثمرهٔ دنیایی صلاح و استقامت انسان چیست؟

۶ ﴿فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ﴾

﴿فَأَرَادَ رَبُّكَ﴾ خضر در این‌جا اراده را به الله نسبت داد زیرا امری غیبی و مربوط به آینده است که فقط الله آن را می‌داند؛ اما در عبارت ﴿فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا﴾ چون واژهٔ عیب آمده است اراده را به خودش نسبت داد و بر اساس ادب، سوراخ‌کردن کشتی را به الله نسبت نداد. چنان‌که ابراهیم علیه السلام گفت: ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ [الشعراء: ۸۰] «و هنگامی که بیمار می‌شوم، اوست که شفایم می‌دهد». ابن جزی: ۱/ ۵۱۸.

پرسش: چرا خضر در مورد سوراخ‌کردن کشتی، اراده را به خودش نسبت داد اما در مورد تعمیر دیوار، اراده را به الله تعالی نسبت داد؟

۷ ﴿وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا﴾

﴿وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي﴾ یعنی به اختیار و نظر خودم این کار را انجام ندادم بلکه به فرمان الله بود. بغوی: ۳/ ۵۵.

پرسش: آیا عالم و رهبر هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد یا پیرو و مجری فرمان الله تعالی است؟

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾ فَأَتۡبَعَ سَبَبًا
﴿٨٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ
وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۖ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ
فِيهِمۡ حُسۡنٗا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ
فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً
ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰٓ
إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن
دُونِهَا سِتۡرٗا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَۖ وَقَدۡ أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ﴿٩١﴾ ثُمَّ
أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا
لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ﴿٩٣﴾ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ
وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن
تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي
بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ
بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ
قِطۡرٗا ﴿٩٦﴾ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ﴿٩٧﴾

ترجمه آیات

ما در زمین به او قدرت و حکومت دادیم و وسیلهٔ [رسیدن به] هر چیزی را در اختیارش نهادیم. (۸۴) او [از این] وسایل [برای رسیدن به اهدافش] استفاده کرد. (۸۵) [روزی در زمین به راه افتاد] تا به محل غروب خورشید رسید. [چنین به نظرش رسید] که خورشید در چشمه‌ای گرم و گِل‌آلود غروب می‌کند و در [نزدیکیِ] آنجا قومی [کافر] یافت. [به او] گفتیم: «ای ذوالقرنین، یا [آنان را] مجازات می‌کنی یا در میانشان [رفتار] نیکویی پیش می‌گیری». (۸۶) [ذوالقرنین] گفت: «اما کسی را که ستم کرده [و شرک ورزیده] است مجازات خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش بازگردانده می‌شود، آنگاه او را به عذابی بسیار سخت مجازات خواهد کرد. (۸۷) و اما کسی که ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، [در آخرت،] نیکوترین پاداش [= بهشت] را خواهد داشت و با ملایمت [و مهربانی] با وی سخن خواهیم گفت». (۸۸) سپس [ذوالقرنین] از وسایل [خود] استفاده کرد [و به سوی مشرق رفت]. (۸۹) تا آنکه به جایگاه برآمدن خورشید رسید. [در آنجا خورشید را] دید که بر مردمانی طلوع می‌کند که در برابر [نور و گرمای آفتاب] پوششی برایشان قرار نداده بودیم [نه سرپناهی، نه سایهٔ درختی]. (۹۰) [کار ذوالقرنین] اینچنین بود و ما به آنچه او در اختیار داشت [و انجام می‌داد] کاملاً آگاه بودیم. (۹۱) سپس [ذوالقرنین] از امکانات [خود] استفاده کرد [و به جایی بین شرق و غرب رفت]. (۹۲) [او همچنان رفت] تا به [دره‌ای] میان دو کوه رسید و در کنار آن دو [کوه،] مردمی را یافت که سخنی [جز زبان خود را] نمی‌فهمیدند. (۹۳) [آنان] گفتند: «ای ذوالقرنین، یأجوج و مأجوج در این سرزمین [تبهکاری و] فساد می‌کنند. آیا [ممکن است] هزینه‌ای در اختیارت قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی بسازی؟» (۹۴) او گفت: «آنچه [از قدرت و ثروت] که پروردگارم در آن به من توانایی داده است [از پیشنهاد مالی شما] بهتر است؛ پس مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنان سدّی محکم استوار سازم. (۹۵) قطعات آهن برایم بیاورید [و روی هم بچینید]» تا وقتی کاملاً میان دو کوه را برابر ساخت [و پوشاند. سپس] گفت: «[در اطراف دیوارهٔ آهنین آتش بیفروزید و] در آن بدمید». [آنان چنین کردند] تا وقتی آن [قطعات آهن] را گداخته کرد؛ [سپس] گفت: «[اکنون] مسِ مُذاب برایم بیاورید تا روی آن [دیوار] بریزم». (۹۶) [یأجوج و مأجوج] دیگر نتوانستند از آن [سد] بالا روند و [حتی] نتوانستند سوراخی در آن ایجاد کنند. (۹۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا﴾

این قصهٔ قرآنی صفاتی غیر قابل انکار ارائه می‌کند: صفت اول: ذوالقرنین پادشاهی صالح و عادل بود. صفت دوم: از جانب الله به او الهام می‌شد. صفت سوم: فرمانروایی او سرزمین‌های وسیعی را در بر داشت. صفت چهارم: در یکی از کشورگشایی‌هایش در سمت مغرب به مکانی مجهول یعنی چشمه‌ای گِل‌آلود رسید. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۰.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که الله تعالی گاهی بنده را از نعمت‌های دنیا و آخرت برخوردار می‌کند.

۲ ﴿وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا﴾

در مورد این اسباب که الله به ذوالقرنین بخشیده بود نه الله و نه رسولش ما را از آن‌ها باخبر نساخته‌اند و اخباری که مفید علم باشد نیز به ما نرسیده است؛ پس راهی جز سکوت در این مورد نداریم. سعدی: ۴۸۵.

پرسش: در برابر آن‌چه که الله و رسولش بیان نکرده‌اند چه موضعی اتخاذ می‌کنیم؟

۳ ﴿وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾ فَأَتۡبَعَ سَبَبًا﴾

یعنی: آن‌ها را به صورت مناسب به‌کار گرفت؛ زیرا چنین نیست که هر کس سببی داشت آن را به کار می‌گیرد و همه به سبب دست می‌یابند، پس اگر هم قدرت بر سبب حقیقی و هم علم به آن وجود داشت مقصود حاصل شده است اما اگر این دو یا یکی از آن‌ها نبود مقصود حاصل نمی‌شود. سعدی: ۴۸۵.

پرسش: انسان چه زمانی می‌تواند از اسباب استفاده کند؟

۴ ﴿قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمۡ حُسۡنٗا﴾

یعنی: الله تعالی او را بر آنان قدرت و پیروزی بخشید و به داوری میان آنان برگزید و مخیر گذاشت که اگر می‌خواهد بکشد و اسیر بگیرد یا این‌که منت نهد یا فدیه بگیرد. آن‌گاه عدالت و ایمانش در کاری که از خود نشان داد شناخته شد. ابن کثیر: ۵/ ۱۹۳.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که مومنان مهربان‌ترین مخلوقات نسبت به مخلوقات هستند.

۵ ﴿وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا﴾

یعنی: روز قیامت بهشت و حال نیکو را به عنوان پاداش نزد الله دارد. ﴿وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا﴾ یعنی: به او نیکی خواهیم کرد و به ملایمت سخن خواهیم گفت و رفتار نرمی با او خواهیم داشت. این عبارت دلالت دارد بر این‌که ذوالقرنین یکی از پادشاهان صالح و اولیای عادل و عالم بود؛ چون در نحوهٔ رفتار با هر کس فراخور حالش، در پی خوشنودی الله بود. سعدی: ۴۸۵.

پرسش: نشانهٔ کامروایی امیر صالح چیست؟

۶ ﴿قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که بر پادشاه فرض است با استفاده از اموال عمومی و بیت المال، اتحاد و همبستگی مردم را حفظ کند، اختلاف میان آن‌ها را برطرف سازد و مرزهای‌شان را مستحکم سازد. اگر بیت المال برای این امر کافی نبود مردم باید این کمبود را از اموال خود جبران کنند. یکی دیگر از وظایف پادشاه این است که به مردم خوش‌بین باشد. این امور مهم با وجود سه شرط انجام می‌گیرد: شرط اول این‌که پادشاه چیزی را به خود اختصاص ندهد، شرط دوم این‌که ابتدا به نیازمندان کمک کند و شرط سوم این‌که در بخشیدن به مردم بر اساس جایگاه‌شان برابری را رعایت کند. قرطبی: ۳۱/ ۳۸۴- ۳۸۵.

پرسش: کسی که الله سرپرستی یا امارتی را به او سپرده است چه مسئولیتی در برابر زیردستانش دارد؟

۷ ﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا﴾

یعنی: ذوالقرنین به آنان گفت: قدرت و پادشاهی‌ای که الله برای من گسترانده است از مزد و اموال شما بهتر است. قرطبی: ۱۳/ ۳۸۴.

پرسش: آیا ذوالقرنین با پادشاهی خویش به فتنه افتاد، این‌گونه که به زورش بنازد و نعمت‌دهنده را فراموش کند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَبَبٗا	اسباب و طرقی که با آن‌ها به فتح شهرها و پیروزی بر دشمنانِ مورد نظرش می‌رسید.
فَأَتۡبَعَ سَبَبًا	با کوشش، اسباب و راه‌های رسیدن به هدفش را به‌کار گرفت.
حَمِئَةٖ	سوزان و دارای گِلی سیاه.
نُّكۡرٗا	بزرگی.
خَرۡجًا	مزدی.
رَدۡمًا	سدی.

عمل به آیات

۱. با خواندن قصهٔ ذوالقرنین، سه فایده و عبرت از آن استخراج کن، ﴿قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. از فتنهٔ یأجوج و مأجوج به الله پناه ببر، ﴿قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا﴾

۳. امروز به یکی از ضعفا و نیازمندان کمک کن، ﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا﴾

رهنمودها

۱. هر گاه شر یا باطل یا فسادی را دیدی، فریضهٔ نصیحت را ادا کن، ﴿قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. به هر ثروت و عزت و مقامی که رسیدی، همیشه به فضل الله تعالی بر خودت اعتراف کن، ﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ﴾

۳. امور بزرگ با همکاری میان مردم انجام می‌شود: یکی با ایده و فکر، یکی با مال و دیگری با کارش، ﴿فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْ﴾

سورة (الكهف) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٤)

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّيۖ فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي
حَقًّا ﴿٩٨﴾ ۞وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ
فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾
ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا
﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن يَتَّخِذُوا۟ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوْلِيَآءَۚ إِنَّآ
أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا
﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ
أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ
بِمَا كَفَرُوا۟ وَٱتَّخَذُوٓا۟ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا
لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي لَنَفِدَ
ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَآ
أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا۟
لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا ﴿١١٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
دَكَّآءَ	منهدم و همسطح زمین.
فَحَبِطَتْ	باطل شده است.
حِوَلًا	جابه‌جایی.
لَنَفِدَ	قطعاً به پایان می‌رسد.
مَدَدًا	جوهر.

عمل به آیات

۱. امروز هر عبادتی را که انجام دادی از الله تعالی بخواه آن را از تو بپذیرد، ﴿ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾

۲. از شرک و بدعت و ریا که اعمال را فاسد می‌کنند به الله پناه ببر، ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾

۳. اعمال صالح مذکور در سورهٔ کهف را برشمار و یکی از آن‌ها را انجام بده، امید است که به جنت الفردوس برسی، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾

رهنمودها

۱. هر گاه به دیگری کمک کردی الله تعالی را ستایش کن که تو را بر این عمل توفیق داد، ﴿قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي﴾

۲. عملی که موافق خوشنودی و پذیرش الله تعالی نباشد هیچ ارزش و بهایی ندارد، ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾

۳. عمل صالح آن است که هم خالصانه و هم بر اساس سنت رسول الله ﷺ با دلیل صحیح انجام شود، و هر عملی غیر از این مردود است هر چند صالح به نظر رسد، ﴿فَمَن كَانَ يَرْجُوا۟ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا﴾.

ترجمه آیات

[آنگاه ذوالقرنین] گفت: «این [سد،] از رحمت پروردگار من است [و تا الله بخواهد باقی می‌مانَد]؛ اما هنگامی که وعدهٔ پروردگارم فرارسد، آن را در هم می‌کوبد و وعدهٔ پروردگارم حق است». (۹۸) و در آن روز [که جهان پایان می‌پذیرد] آنان را [چنان] رها می‌کنیم که [از فراوانیِ جمعیت،] در هم می‌آمیزند و [همین که] در صور دمیده شد، همه را [در یک جا] جمع می‌کنیم. (۹۹) و آن روز، دوزخ را آشکارا بر کافران عرضه می‌داریم. (۱۰۰) [همان] کسانی که چشمانشان از یاد من در پرده[ی غفلت] بود و توان شنیدن [آیات الهی را] نداشتند. (۱۰۱) آیا کسانی که کفر ورزیدند، پنداشته‌اند که [می‌توانند] به جای من، بندگانم را کارساز [و دوستِ خود] بگیرند؟ بی‌تردید، ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده‌ایم. (۱۰۲) [ای پیامبر،] بگو: «[می‌خواهید] شما را از زیانکارترین [مردم] در کارها آگاه سازم؟ (۱۰۳) [آنان] کسانی هستند که تلاششان در زندگی دنیا تباه گشته است و خود می‌پندارند که کار نیکو می‌کنند». (۱۰۴) آنان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و دیدارِ او [در آخرت] کافر شدند؛ پس کارهایشان تباه گشت و روز قیامت [هیچ قدر و] ارزشی برایشان قائل نمی‌شویم. (۱۰۵) اینچنین است که به خاطر کفری که ورزیده‌اند و آیات و پیامبرانِ مرا به تمسخر گرفته‌اند مجازات‌شان دوزخ است. (۱۰۶) بی‌تردید، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های [بهشت] برین، جای پذیرایی آنها خواهد بود. (۱۰۷) جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز از آنجا به جای دیگری گرایش ندارند. (۱۰۸) [ای پیامبر،] بگو: «اگر دریا برای [نگارش] کلمات پروردگارم جوهر شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، قطعاً دریا به پایان می‌رسد؛ هر چند [دریاهایی دیگر] همانند آن [دریا را نیز] به کمک [آن] بیاوریم». (۱۰۹) [ای پیامبر،] بگو: «من فقط بشری [عادی] همچون شما هستم. به من وحی می‌شود که تنها معبودتان، اللهِ یکتاست؛ پس هر کس به دیدارِ پروردگارش [در آخرت] امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادتِ پروردگارش شریک نسازد». (۱۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا﴾

الله تعالی جهنم را بر آنان عرضه می‌کند، یعنی جهنم را بر آنان آشکارا نشان می‌دهد تا عذاب و کیفرهایش را قبل از ورود در آن مشاهده کنند و زودتر به غم و اندوه گرفتار آیند. ابن کثیر: ۳/ ۱۰۴.

پرسش: چرا جهنم در صحرای محشر روز قیامت و قبل از این‌که کافران وارد آن شوند به آنان عرضه می‌شود؟

۲ ﴿ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا﴾

یعنی: به سبب کینه‌ای که نسبت به قرآن و رسول دارند نمی‌توانند آیات الله را که سبب رسیدن به ایمان هستند بشنوند؛ زیرا کینه‌توز نمی‌تواند گوش خود را به سخن کسی که نسبت به او کینه دارد بسپارد؛ پس چون راه‌های علم و خیر بر آنان بسته شد، گوش و چشم و عقل هیچ فایده‌ای نرساند. سعدی: ۴۸۷.

پرسش: به چه سبب دشمنان و کینه‌توزان دین نمی‌توانند آیات قرآن را به‌گونه‌ای که فایده ببرند بشنوند؟

۳ ﴿أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن يَتَّخِذُوا۟ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوْلِيَآءَۚ إِنَّآ أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ نُزُلًا﴾

اطلاق واژهٔ نُزُل بر عذاب، استعاره‌ای است که تمسخر و استهزا قرینهٔ آن است. ابن عاشور: ۱۶/ ۴۵.

پرسش: چرا واژهٔ «نزل» بر عذاب اطلاق شد؟

۴ ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که برخی از مردم گاهی کاری انجام می‌دهند و گمان می‌کنند که عمل صالحی از آنان سر زده، در حالی که تلاش آنان تباه شده است. سبب تباهی و بطلان عمل یا اعتقاد فاسد است یا ریاکاری. قرطبی: ۱۳/ ۳۹۲.

پرسش: به چه سبب گاهی بدون این‌که خود بنده احساس کند عملش باطل می‌شود؟

۵ ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا﴾

برپانکردن میزان، فرع بر بطلان اعمال‌شان قرار گرفت؛ زیرا بر اثر بطلان و تباهی اعمال‌شان خوار و ذلیل می‌شوند و هیچ عمل صالحی برای‌شان باقی نمی‌ماند. ابن عاشور: ۱۶/ ۴۸.

پرسش: چرا کافران در روز قیامت هیچ میزانی ندارند؟

۶ ﴿لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾

یعنی هیچ تغییر و انتقالی را نمی‌خواهند؛ زیرا فقط چیزهایی می‌بینند که باعث شگفتی و سرور و شادی و خوشحالی‌شان است و به نظر آنان نعمتی فراتر از آن‌چه که در آن قرار دارند وجود ندارد. سعدی: ۴۸۸.

پرسش: چرا بهشتیان جابه‌جایی از آن‌جا به جایی دیگر را نمی‌خواهند؟

۷ ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: الله تواضع را به رسولش آموخت تا بر مخلوقاتش برتری نجوید؛ یعنی به او فرمان داد که اذعان دارد و بگوید: قطعاً من نیز آدمی مثل شما هستم، با این تفاوت که الله وحی را به من اختصاص داده و مرا با آن گرامی داشته است. بغوی: ۳/ ۷۰.

پرسش: آیه چگونه بر اهمیت تواضع دلالت می‌کند؟

سورۀ مریم

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

کهیعص [= کاف. ها. یا. عین. صاد]. (۱) [این] بیان رحمت پروردگارت [نسبت] به بنده‌اش زکریاست. (۲) آنگاه که پروردگارش را به ندایی پنهان [به دعا] خواند. (۳) گفت: «پروردگارا، به راستی که استخوانم سست شده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگارم، [هرگز] در دعای تو [از اجابت] بی‌بهره نبوده‌ام. (۴) و من پس از [مرگ] خود از خویشاوندانم [نسبت به حفظِ دین تو] بیمناکم و همسرم [نیز] نازاست؛ پس به لطف خویش [فرزندی به عنوان وارث و] یاور به من عطا فرما. (۵) [پسری که] وارث من و وارث خاندان یعقوب باشد؛ و پروردگارا، او را [در علم و دین، انسانی] پسندیده گردان». (۶) [الله دعایش را اجابت کرد و فرمود:] «ای زکریا، ما تو را به [تولدِ] پسری بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است [و] پیش از این، همنامی برایش قرار نداده‌ایم». (۷) [زکریا] گفت: «پروردگارا، چگونه پسری خواهم داشت در حالی که همسرم نازاست و من [نیز] از شدت پیری، به ناتوانی رسیده‌ام؟» (۸) [فرشته] گفت: «این گونه است [که تو می‌گویی؛ ولی] پروردگارت فرموده است: "این [امر،] برای من آسان است و به راستی پیش از این [نیز] تو را آفریدم، در حالی که چیزی نبودی"». (۹) [زکریا] گفت: «پروردگارا، نشانه‌ای [بر تحققِ این بشارت] برایم قرار بده». [الله] فرمود: «نشانۀ تو این است که سه شبانه [روز] در حالی که سالم [و تندرست] هستی، با مردم سخن نمی‌گویی». (۱۰) او از محراب [= جایگاه عبادتش] به سوی قومش رفت و به آنان اشاره کرد که: «بامداد و شامگاه، [پروردگار را] به پاکی یاد کنید». (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ﴾

الله زکریا عليه‌السلام را با صفت بندگی توصیف کرد تا او را بزرگ دارد و دوستی و نزدیکی او به خود را اعلام کند. ابن جزی: ۲/ ۳.

پرسش: الله تعالی چرا زکریا عليه‌السلام را با صفت بندگی توصیف فرمود؟

۲ ﴿إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا﴾

﴿إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ﴾ یعنی: پروردگارش او را با دعا خواند. ﴿نِدَآءً خَفِيّٗا﴾ الله را آهسته خواند چون او تعالی صدای پنهانی و آهسته را همانند صدای بلند می‌شنود؛ به‌علاوه آهسته‌بودن صدا به اخلاص نزدیک‌تر و از ریا دورتر است، و نیز به این هدف که مردم او را به خاطر درخواست فرزند سرزنش نکنند. ابن جزی: ۲/ ۳.

پرسش: توصیف ندا به آهسته و پنهان‌بودن، نکتۀ ظریفی شامل چند امر است. این امور را بیان کنید.

۳ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا﴾

زکریا عليه‌السلام از ضعف و ناتوانی خویش به الله متوسل شد. این امر یکی از پسندیده‌ترین وسایل نزد الله است؛ زیرا اظهار ضعف و متوسل شدن به ناتوانی بر این دلالت می‌نماید که بنده از توان و قدرت خود تبری می‌جوید و به قدرت و توان الله دل بسته است. سعدی: ۴۸۹.

پرسش: کدام یک از وسایل موثر دعا در قصۀ زکریا عليه‌السلام بیان شده است؟

۴ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا﴾

علما گفته‌اند: مستحب است که شخص هنگام دعا، نعمت‌هایی را که الله به او بخشیده و مواردی را که بر فروتنی دلالت می‌کنند بر زبان آورَد؛ زیرا زکریا عليه‌السلام عبارت ﴿وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي﴾ را برای اظهار خضوع و فروتنی و ﴿وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا﴾ را برای اظهار عادت و لطف همیشگی الله تعالی در اجابت دعاهایش به زبان آورد. منظور زکریا عليه‌السلام این بود که هرگز در آن‌چه که از تو خواستم نومید نبوده‌ام؛ یعنی تاکنون تمام دعاهایم را اجابت کرده‌ای. قرطبی: ۱۳/ ۴۰۹.

پرسش: دعاکننده به سوی الله باید چه اموری را هنگام دعا رعایت کند؟

۵ ﴿وَإِنِّي خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا ۝٥ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنۡ ءَالِ يَعۡقُوبَۖ﴾

زکریا عليه‌السلام از این امر می‌ترسید که خویشاوندانش پس از مرگش با مردم رفتار ناشایستی انجام دهند؛ بنابراین فرزندی از الله خواست که پس از او به پیامبری برگزیده شود و با نبوت خویش آنان را رهبری کند. دعای زکریا عليه‌السلام در این مورد اجابت شد، نه به این دلیل که می‌ترسید آنان از او ارث ببرند؛ زیرا پیامبر جایگاهی بالاتر و منزلتی بزرگ‌تر از این دارد که تا این حد در مورد مالش نگران باشد. ابن کثیر: ۳/ ۱۰۹.

پرسش: آیا پیامبر الله زکریا عليه‌السلام از این امر می‌ترسید که پس از مرگش وارثانی که فرزندانش نبودند مالش را به ارث ببرند؛ چنان‌که دنیادوستان امروزی چنین احساسی دارند؟ و آیا اساساً پیامبران ارث به جای می‌گذارند؟

۶ ﴿يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا﴾

این بشارت سه بخش دارد: اجابت دعای زکریا عليه‌السلام که یک بخشش است، اعطای فرزند به او که نیرو به شمار می‌رود و این‌که این فرزند نامی بی‌همتا دارد. قرطبی: ۱۳/ ۴۱۷.

پرسش: پس از این‌که زکریا عليه‌السلام با فروتنی و تواضع دعا کرد الله تعالی چه بشارت‌هایی به او داد؟

۷ ﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا﴾

زکریا عليه‌السلام از این‌که با وجود کهنسالی خودش و نازایی همسرش فرزندی داشته باشد متعجب و شگفت‌زده شد؛ یعنی از آن‌جا که به قدرت الله بر این کار علم داشت خودش ابتدا چنین درخواستی مطرح کرد اما چون این امر به صورت نادر اتفاق می‌افتد متعجب شد. بنابر قولی: زکریا عليه‌السلام در سنی که امید فرزنددارشدن می‌رود این درخواست را مطرح کرد و پس از چند سال که کهنسال شده بود اجابت شد. ابن جزی: ۲/ ۴.

پرسش: چرا زکریا عليه‌السلام از این‌که الله بشارت فرزند به او داد تعجب کرد در حالی که در دعایش همین امر را خواسته بود؟

سُورَةُ مَرۡيَمَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

كٓهيعٓصٓ ﴿١﴾ ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾ إِذۡ
نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي
وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا
﴿٤﴾ وَإِنِّي خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي
عَاقِرٗا فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا ﴿٥﴾ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنۡ
ءَالِ يَعۡقُوبَۖ وَٱجۡعَلۡهُ رَبِّ رَضِيّٗا ﴿٦﴾ يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا
نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا
﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا
وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا ﴿٨﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ
رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞ وَقَدۡ خَلَقۡتُكَ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ تَكُ
شَيۡـٔٗا ﴿٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۚ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا
تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٖ سَوِيّٗا ﴿١٠﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنَ
ٱلۡمِحۡرَابِ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ أَن سَبِّحُواْ بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿١١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَادَىٰ	دعا کرد.
وَهَنَ	سست شده است.
ٱلۡمَوَٰلِيَ	نزدیکان و خویشاوندانم.
عَاقِرٗا	نازا.
عِتِيّٗا	نهایت پیری و خشکی.
بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا	صبحگاه و شامگاه.

عمل به آیات

۱. هر گاه امری بر تو دشوار شد، پروردگارت را پنهانی بخوان و به او گمان نیک داشته باش، ﴿ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ ۝٢ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا﴾

۲. از الله تعالی بخواه فرزندانی صالح به تو روزی دهد و آنان را در زمرۀ دوستان خویش بگنجاند، ﴿فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا﴾

۳. صبحگاه و شامگاه بسیار ذکر الله تعالی را به جای آور، ﴿فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ أَن سَبِّحُواْ بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا﴾

رهنمودها

۱. گمان نیکو به الله تعالی داشته باش؛ زیرا او سبحانه آن‌گونه است که بنده‌اش به او گمان دارد، ﴿وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا﴾

۲. در اجابت دعای دعاکننده از سوی الله بیندیش که این کار، تو را به تضرع و التماس زیاد به درگاه او می‌کشاند، ﴿يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا﴾

۳. خواسته‌های خویش را با توانت مقایسه نکن و نسنج، بلکه آن‌ها را با قدرت الله تعالی مقایسه کن، ﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا ۝٨ قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞ وَقَدۡ خَلَقۡتُكَ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ تَكُ شَيۡـٔٗا﴾

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٦)

يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا ١٢
وَحَنَانٗا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةٗۖ وَكَانَ تَقِيّٗا ١٣ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ
يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا ١٤ وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ وَيَوۡمَ يَمُوتُ
وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا ١٥ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ
مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ١٦ فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا
فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ١٧ قَالَتۡ إِنِّيٓ
أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ١٨ قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ
رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمٗا زَكِيّٗا ١٩ قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي
غُلَٰمٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ وَلَمۡ أَكُ بَغِيّٗا ٢٠ قَالَ كَذَٰلِكِ
قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞۖ وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ وَرَحۡمَةٗ
مِّنَّاۚ وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا ٢١ ۞ فَحَمَلَتۡهُ فَٱنتَبَذَتۡ بِهِۦ
مَكَانٗا قَصِيّٗا ٢٢ فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ إِلَىٰ جِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ
قَالَتۡ يَٰلَيۡتَنِي مِتُّ قَبۡلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسۡيٗا مَّنسِيّٗا ٢٣
فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ٢٤
وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ٢٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ	تورات را بگیر.
بِقُوَّةٖ	با جدّ و جهد؛ از نظر حفظ و فهم و عمل.
ٱلۡحُكۡمَ	حکمت و فهم و عمل نیکو.
وَحَنَانٗا	رحمت و محبتی.
فَٱنتَبَذَتۡ	کناره گرفت و دور شد.
فَأَجَآءَهَا	او را کشاند.
ٱلۡمَخَاضُ	درد زایمان.
سَرِيّٗا	جوی آب.
جَنِيّٗا	خرمای تازه‌چیده شده.

عمل به آیات

۱. با قدرت به دینت پایبند باش، و از بازی در پایبندی به احکامش بپرهیز، ﴿يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا﴾

۲. مریم هنگامی که با مشاهدهٔ جبریل ترسید، فقط از الله سبحانه یاری خواست و از هیچ‌کس دیگر تقاضای کمک نکرد، ﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ﴾

۳. باید اسباب را به‌کار گیری و آن‌ها را ترک نکنی، ﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا﴾

رهنمودها

۱. آن‌چه را که پدر و مادرت می‌پسندند به آنان تقدیم کن، ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا﴾

۲. از هر آن‌چه که از آزارش می‌ترسی به الله پناه ببر، ﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا﴾

۳. صبحانه هفت خرما بخور، ﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا﴾

ترجمه آیات

[الله فرمود:] «ای یحیی، کتاب [تورات] را با قوّت [و جدیت] بگیر» و در کودکی به او دانش [و حکمت] دادیم. (۱۲) و از جانب خویش [به او] محبت و پاکی [از گناهان عطا کردیم] و او پرهیزگار بود. (۱۳) و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش [و] نافرمان نبود. (۱۴) و سلام [و امنیتِ الله] بر او باد، روزی که متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود. (۱۵) و در [این] کتاب [= قرآن] از مریم یاد کن، آنگاه که از خانواده‌اش کناره گرفت [و در] ناحیهٔ شرقی [از آنان] مستقر شد. (۱۶) و میان خود و آنها پرده‌ای افکند [تا خلوتگاهِ عبادتش باشد]. آنگاه [ما] روح خود [= جبرئیل] را به سویش فرستادیم و به [شکل] انسانی خوش‌اندام بر وی نمایان گشت. (۱۷) [مریم] گفت: «من از [شرّ] تو، به [الله] رحمان پناه می‌برم. اگر پرهیزگاری [به من آسیب نرسان]». (۱۸) [جبرئیل] گفت: «یقیناً من فرستادهٔ پروردگارت هستم تا پسر پاکیزه‌ای به تو بخشم». (۱۹) [مریم] گفت: «چگونه ممکن است پسری داشته باشم؛ حال آنکه دست هیچ انسانی به من نرسیده است و بدکار [نیز] نبوده‌ام؟» (۲۰) [جبرئیل] گفت: «[دستور] چنین است. پروردگارت فرمود: "این [کار] بر من آسان است و او را برای مردم نشانه‌ای [از قدرتِ خویش] قرار می‌دهیم و [نیز] رحمتی از سوی ماست؛ و این [شیوهٔ تولد،] امری انجام‌یافته [و حتمی] است"». (۲۱) پس [مریم] او [= عیسی] را باردار شد. و با او به جایی دوردست [رفت و از مردم] کناره گرفت. (۲۲) درد زایمان او را به سمت یک تنهٔ نخل کشاند [و او در حالی که درد می‌کشید] گفت: «ای کاش پیش از این می‌مُردم و به کلی از یادها می‌رفتم [تا کسی درباره‌ام خیال باطل نکند]». (۲۳) ناگهان از زیر [پای] او، [جبرئیل] ندایش داد که: «غمگین مباش. پروردگارت زیر [پای] تو چشمهٔ آبی روان ساخته است. (۲۴) و تنهٔ نخل را به طرف خود تکان بده [تا] خرمای تازه بر تو فروریزد. (۲۵)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا﴾

الله تعالی در مورد یحیی ﷺ می‌فرماید: نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود، در طاعت و محبت آن دو می‌شتافت و از آن‌ها نافرمانی نمی‌کرد. ﴿وَلَمۡ يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا﴾: در برابر اطاعت از پروردگارش و پدر و مادر تکبر نمی‌ورزید، بلکه در برابر آن‌ها فروتن و متواضع بود و از آن‌چه که نهی می‌شد دست می‌کشید و از پروردگار و پدر و مادرش نافرمانی نمی‌کرد. طبری: ۱۸/ ۱۶۰.

پرسش: دو حق در این آیه بیان شده است. این حقوق را نام ببرید.

۲ ﴿وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ وَيَوۡمَ يَمُوتُ وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا﴾

سفیان بن عیینه می‌گوید: وحشتناک‌ترین روزهای هر انسانی سه روز به این قرار است: روز تولد که خود را خارج از مکانی که قبلاً بوده است می‌بیند، روز مرگ که گروهی را می‌بیند که هرگز آنان را ندیده بود و روزی که برانگیخته می‌شود و خودش را در محشر بزرگی می‌بیند. آیه می‌گوید الله یحیی بن زکریا ﷺ را در این روزها گرامی داشت و بر او سلام فرستاد. ابن کثیر: ۳/ ۱۱۱.

پرسش: چرا فقط سه روز مذکور بیان شدند که در آن‌ها بر پیامبر یحیی ﷺ سلام فرستاده شد؟

۳ ﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا﴾

مریم ابتدا الله را به یاد جبریل آورد. روش مشروع در دفع متجاوز این است که دفاع مرحله به مرحله و به ترتیب آسانی انجام شود؛ بنابراین مریم ابتدا جبریل را از الله ترساند. ابن کثیر: ۳/ ۱۱۳.

پرسش: بهترین روش برای دفع متجاوز چیست؟

۴ ﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا﴾

مریم از میان صفات الله به این دلیل صفت (رحمان) را بیان کرد که می‌خواست الله با دفع کسی که گمان می‌کرد قصد تجاوز به او را دارد بر او مهربانی کند. ابن عاشور: ۱۶/ ۸۱.

پرسش: چرا مریم از میان صفات الله، فقط صفت رحمان را برگزید؟

۵ ﴿وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ﴾

این قصه بر قدرت کامل الله تعالی دلالت دارد و این‌که هیچ سببی به طور مستقل موثر نیست بلکه تاثیر آن به تقدیر الهی وابسته است؛ بنابراین برخی امور خلاف عادت در بعضی اسباب عادی را به بندگانش می‌نمایاند تا به اسباب بسنده نکنند و از مقدّر و مسبّب آن‌ها غافل نشوند. سعدی: ۴۹۱.

پرسش: قصهٔ مریم و پسرش باعث می‌شود که دل‌ها فقط به الله وابسته باشد نه اسباب دنیوی. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا﴾

برخی با استدلال به این آیه گفته‌اند که انسان باید اسباب جستجوی روزی را به‌کار گیرد؛ زیرا الله تعالی به مریم فرمان داد درخت خرما را بتکاند. ابن جزی: ۲/ ۶.

پرسش: این نکته از آیه به دست می‌آید که بنده باید برای طلب روزی اسباب را به‌کار گیرد. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ٢٥ فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗا﴾

برخی این نکته را از آیه استنباط کرده‌اند که خرما بهترین غذا برای زن زائو است؛ زیرا اگر غذایی بهتر از خرما برای زائو بود الله تعالی آن را هنگام تولد عیسی ﷺ به مریم اطعام می‌کرد. ربیع بن خثیم و دیگران این سخن را گفته‌اند. شنقیطی: ۳/ ۳۹۹.

پرسش: توصیهٔ پزشکی مذکور در آیه را بیان کنید.

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٧)

فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا فَقُولِيٓ
إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا ٢٦ فَأَتَتۡ
بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا ٢٧
يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ
أُمُّكِ بَغِيّٗا ٢٨ فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِۖ قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي
ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا ٢٩ قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي
نَبِيّٗا ٣٠ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ
وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ٣١ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي
جَبَّارٗا شَقِيّٗا ٣٢ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ
وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا ٣٣ ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ
ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ ٣٤ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٖۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓۚ
إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٣٥ وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ
فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٣٦ فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ
بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ٣٧ أَسۡمِعۡ بِهِمۡ
وَأَبۡصِرۡ يَوۡمَ يَأۡتُونَنَا لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلۡيَوۡمَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٣٨

ترجمه آیات

آنگاه [از آن خرما] بخور و [از آب نهر] بنوش و دیدگان را [به این فرزند] روشن دار [و شاد باش]؛ و اگر هر یک از مردم را دیدی [با اشاره] بگو: "من برای [الله] رحمان روزه[ی سکوت] نذر کرده‌ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت"». (۲۶) [مریم] در حالی که او [= عیسی] را برداشته بود نزد قومش آمد. آنان گفتند: «ای مریم، به راستی دروغ بزرگی می‌گویی [که این نوزاد بدون پدر متولد شده است]. (۲۷) ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدکاری بود و نه مادرت [زن] بدکاره‌ای». (۲۸) آنگاه مریم به او [= عیسی] اشاره کرد. آنان گفتند: «چگونه با کودکی در گهواره سخن بگوییم؟» (۲۹) [عیسی به سخن آمد و] گفت: «من بندهٔ الله هستم. او به من کتاب داده و مرا پیامبر ساخته است. (۳۰) و مرا ـ هر جا که باشم ـ پربرکت نموده و تا زنده هستم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. (۳۱) و نسبت به مادرم نیکوکار [گردانده] و مرا [در برابر پروردگارم] سرکش [و] نافرمان قرار نداده است. (۳۲) و سلام بر من، روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم». (۳۳) این است [حکایت] عیسی پسر مریم؛ [همان] گفتار راستی که [گمراهان] درباره‌اش تردید [و اختلاف] می‌کنند. (۳۴) [هرگز] سزاوار نیست که الله [برای خویش] فرزندی بگیرد. او [پاک و] منزّه است. [الله] هر گاه کاری را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: «موجود شو»؛ آنگاه [بی‌درنگ] موجود می‌شود. (۳۵) و [عیسی به قومش گفت:] «بی‌تردید، الله پروردگار من و شماست؛ پس او را عبادت کنید [که] راهِ راست همین است». (۳۶) آنگاه گروه‌ها[ی مختلفِ قومش] در میان خود دچار اختلاف شدند؛ پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از مشاهدهٔ روز بزرگ [قیامت]! (۳۷) آن روز که نزد ما می‌آیند، چه [خوب] شنوا و بینا هستند! اما امروز [در زندگی دنیا] ستمکاران در گمراهیِ آشکارند. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا﴾

الله متعال به مریم دستور نداد که با قومش صحبت کند و تهمت را از خود دور کند؛ زیرا مردم سخن او را [در مورد نفی فاحشه] تصدیق نمی‌کردند و فایده‌ای هم در این کار وجود نداشت، به علاوه تبرئهٔ مریم از طریق سخن‌گفتن عیسی عليه السلام در گهواره، بزرگ‌ترین گواه بر برائتش بود؛ زیرا فرزند آوردن زن بدون اینکه شوهری داشته باشد و ادعا کند که بدون پدر این فرزند را به دنیا آورده است ادعای بسیار بزرگی است که حتی اگر چندین گواه بر آن گواهی دهند باز هم تصدیق نمی‌شود؛ بنابراین حجت این امر خارق‌العاده، شاهدی از جنس خودش، یعنی سخن‌گفتن عیسی عليه السلام در دوران نوزادی، تعیین گردید. سعدی: ۴۹۲.

پرسش: چرا مریم فرمان یافت در مورد عیسی عليه السلام با هیچ‌کس سخن نگوید؟

۲ ﴿فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥ﴾

مریم چون از برائت و پاکی خویش مطمئن بود در حالی به سوی قومش آمد که عیسی عليه السلام را در آغوش داشت. سعدی: ۴۹۲.

پرسش: به چه دلیل مریم جرأت کرد در حالی که عیسی عليه السلام را در آغوش دارد نزد قومش بیاید در حالی که ازدواج نکرده بود؟

۳ ﴿قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيّٗا﴾

الله تعالی در این آیه بیان فرمود نخستین سخنی که عیسی عليه السلام در سن نوزادی و گهواره به زبان آورد این بود که گفت: بندهٔ الله هستم. این سخن بزرگ‌ترین زجر و تنبیه برای نصارا است که ادعا می‌کنند عیسی عليه السلام الله یا پسر الله یا معبودی همراه او تعالی است. شنقیطی: ۳/ ۴۱۶.

پرسش: از نخستین سخنی که عیسی عليه السلام بر زبان آورد چه نکته‌ای به دست می‌آید؟

۴ ﴿قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ﴾

عیسی عليه السلام به قومش گفت که او بنده [الله است] و صفت دیگری ندارد که مستحق باشد الله یا پسر الله قرار گیرد. الله تعالی از سخن نصارا که مخالف سخن عیسی عليه السلام است پاک و منزه است. سعدی: ۴۹۲.

پرسش: چرا اولین سخن عیسی عليه السلام این بود که گفت: ﴿إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ﴾؟

۵ ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ﴾

یعنی: سودمند هر جا که روی آورم. مجاهد می‌گوید: معلمِ خیر. عطاء می‌گوید: به سوی الله و توحید و عبادت او دعوت می‌دهم. بغوی: ۳/ ۸۵.

پرسش: بنده چگونه هر جا که باشد بابرکت است؟

۶ ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي جَبَّارٗا شَقِيّٗا﴾

الله تعالی به این دلیل نیکی به والدین را بیان کرد که بنی‌اسرائیل در آن زمان به این امر اهمیت نمی‌دادند؛ به‌خصوص مادر که ضعیف شمرده می‌شد. همچنین مهربانی و رنج زیاد مادر گاهی باعث می‌شود که فرزند در نیکی به او کوتاهی کند. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۰۰.

پرسش: چرا فقط نیکی عیسی عليه السلام به مادرش بیان شد؟

۷ ﴿وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا﴾

اوقات مذکور به این سبب به صورت خاص بیان شد که انسان در آن به رحمت الله نیاز دارد. ابن عطیه: ۴/ ۱۵.

پرسش: چرا عیسی عليه السلام فقط اوقات مذکور در آیه را بیان کرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَقَرِّي عَيۡنٗا	شاد باش.
فَرِيّٗا	امری بزرگ و دروغین.
بَغِيّٗا	زانیه.
مُبَارَكًا	بسیار سودمند و پرخیر.
يَمۡتَرُونَ	تردید می‌کنند.
ٱلۡأَحۡزَابُ	فرقه‌هایی از اهل کتاب.
فَوَيۡلٞ	هلاکت باد.
مَّشۡهَدِ	شهود.
أَسۡمِعۡ بِهِمۡ وَأَبۡصِرۡ	چه شنوایی و بینایی قوی‌ای دارند.

عمل به آیات

۱. با هر وسیله‌ای که می‌توانی امروز از یک مظلوم دفاع کن، ﴿فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا﴾

۲. نمازها را با جماعت ادا کن و سنن رواتب را برپا دار، ﴿وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ﴾

۳. قصهٔ عیسی عليه السلام را از یک منبع صحیح بخوان، ﴿ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ﴾

رهنمودها

۱. زود نسبت به صالحان قضاوت بد نکن؛ شاید دلیلی پشت امور قرار دارد که از آن آگاه نیستی، ﴿فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا﴾

۲. تا زمانی که نفس داری به نماز و زکات پایبند باش؛ زیرا این امر شعار تمام پیامبران و صالحان بوده است، ﴿وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا﴾

۳. نیکی به پدر و مادر یکی از صفات پیامبران و صالحان است، ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي﴾

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٨)

وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
٣٩ إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٤٠ وَٱذۡكُرۡ
فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ٤١ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ
لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا ٤٢ يَٰٓأَبَتِ
إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا
سَوِيّٗا ٤٣ يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ
عَصِيّٗا ٤٤ يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ
فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ٤٥ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي
يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ٤٦ قَالَ
سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا ٤٧
وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ
أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ٤٨ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ٤٩
وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ٥٠
وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥١

ترجمه آیات

و [ای پیامبر،] به آنان دربارهٔ روز [پشیمانی و] حسرت هشدار بده؛ آنگاه که کار [داوری] انجام می‌گیرد؛ و [امروز] آنان در غفلتند و ایمان نمی‌آورند. (۳۹) یقیناً ما زمین و هر کس را بر آن است به ارث می‌بریم و [همه] به سوی ما بازگردانده می‌شوند. (۴۰) و [ای پیامبر،] در این کتاب از ابراهیم یاد کن. بی‌تردید، او پیامبری بسیار راستگو بود. (۴۱) هنگامی که به پدرش [آزر] گفت: «پدر جان، چرا چیزی را عبادت می‌کنی که نه [دعایت را] می‌شنود و نه [عبادتت را] می‌بیند و نه گزندی را از تو دور می‌سازد؟ (۴۲) پدر جان، یقیناً از دانش [وحی] چیزی به من رسیده است که [هرگز] به تو نرسیده است؛ پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت کنم. (۴۳) پدر جان، از شیطان پیروی نکن [چرا که] بی‌تردید، شیطان نسبت به [الله] رحمان نافرمان بود. (۴۴) پدر جان، من می‌ترسم که از [جانب الله] رحمان عذابی به تو رسد و [در دوزخ] از دوستان [و همنشینانِ] شیطان باشی». (۴۵) [آزر] گفت: «ای ابراهیم، آیا از معبودهای من رویگردانی؟ اگر [از عقیده‌ات] دست برنداری، قطعاً سنگسارت می‌کنم؛ [برو] و مدت زیادی از من دور شو». (۴۶) [ابراهیم] گفت: «سلام [و امنیت از جانب من] بر تو. به زودی از پروردگارم برایت آمرزش خواهم خواست. بی‌تردید، او نسبت به من بسیار مهربان است. (۴۷) و از شما [کافران] و آنچه به جای الله می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم. امید است که در خواندنِ پروردگارم [از اجابت] بی‌بهره نباشم». (۴۸) هنگامی که از آنان و آنچه به جای الله عبادت می‌کردند کناره‌گیری کرد، [پسرش] اسحاق و [نوه‌اش] یعقوب را به او بخشیدیم و همه [آنان] را پیامبر نمودیم. (۴۹) و ایشان را از رحمت خویش بهره‌مند ساختیم و [در میان مردم آوازهٔ بلند و] نام نیکو برایشان نهادیم. (۵۰) و در این کتاب، از موسی یاد کن. بی‌تردید، او [برگزیده‌ای] مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود. (۵۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ﴾

حسرت: شدیدترین پشیمانی و اندوه به خاطر چیزی است که از دست رفته و جبران آن غیر ممکن است. انذار: اعلام همراه با تهدید است؛ یعنی مردم را از روز قیامت بترسان. روز قیامت به این سبب روز حسرت نامیده می‌شود که کافران در آن روز به تباه‌کردن اوقات‌شان پشیمان هستند و مومنان نیز به سبب کوتاهی‌هایی که از آنان سر زده است ابراز پشیمانی می‌کنند. شنقیطی: ۳/ ۴۲۲.

پرسش: چرا روز قیامت روز حسرت نامیده شد؟ و آیا این حسرت به کافران اختصاص دارد؟

۲ ﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا﴾

صِدّیق: بسیار راستگو و پایدار در راستی. بنابر قولی: کسی که الله را در یگانگی‌اش، و پیامبران و رسولانش و رستاخیز را تصدیق و به اوامر عمل کند، صِدّیق است. بغوی: ۳/ ۸۸.

پرسش: بنده چگونه صِدّیق می‌شود؟

۳ ﴿يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا سَوِيّٗا ٤٣ يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ٤٤ يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا﴾

ابراهیم خلیل ﷺ پدرش را به تدریج و به ترتیبِ آسانیِ روش‌ها دعوت داد؛ ابتدا پدرش را از علم خویش آگاه کرد و اظهار داشت که این امر باعثِ وجوبِ پیروی تو از من است، و اگر از من اطاعت کنی به راه راست هدایت می‌شوی. سپس او را از عبادت شیطان نهی و از زیان‌های این کار آگاه کرد؛ در ادامه پدرش را ترساند که اگر بر همین حالت باقی بماند عذاب و کیفر الله او را فرا گیرد، آن‌گاه یکی از دوستان شیطان می‌شود. سعدی: ۴۹۵.

پرسش: تدریج در دعوت یکی از مهم‌ترین اموری است که دعوتگر باید به آن اهتمام ورزد. این نکته چگونه از قصهٔ ابراهیم ﷺ به دست می‌آید؟

۴ ﴿يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ﴾

این عبارت نوعی خطاب نرم و ملایم را به همراه دارد که بر کسی پوشیده نیست. ابراهیم ﷺ نگفت: «ای پدر، من عالم هستم و تو جاهل هستی» یا نگفت: «تو هیچ علمی نداری»، بلکه مقتضای کلام او در برابر پدرش این است که هم من و هم تو علم داریم، اما علمی که به من رسیده به تو نرسیده است. سعدی: ۴۹۴.

پرسش: دعوتگر از این آیه چه نکته‌ای برای به‌کارگیری در سخن‌گفتن با مردم هنگام دعوت برداشت می‌کند؟

۵ ﴿يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا﴾

بیان صفت ﴿عَصِيّٗا﴾ که یکی از صیغه‌های مبالغه در نافرمانی است، با افزودن فعل ﴿كَانَ﴾ به این سبب آمد تا دلالت کند شیطان هرگز از نافرمانی پروردگارش جدا نمی‌شود و این صفت در او نهادینه شده است. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۱۷.

پرسش: چرا صفت ﴿عَصِيّٗا﴾ برای شیطان بیان شد؟

۶ ﴿قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓ﴾

ابراهیم خلیل ﷺ همانند روش بندگان رحمان در برابر سخن جاهلان، به پدرش پاسخ داد و او را سرزنش نکرد، صبر پیشه داشت و در برابر سخنان ناپسند پدرش مقابله به مثل نکرد بلکه گفت: ﴿سَلَٰمٌ عَلَيۡكَ﴾. سعدی: ۴۹۵.

پرسش: دعوتگر به سوی الله در برابر آزارها و سخنان ناروا، چه واکنشی از خود نشان می‌دهد؟

۷ ﴿وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا﴾

دعوتگر اگر از پذیرش دعوت از سوی مَدعُوین نومید شود وظیفه دارد به اصلاح خودش بپردازد و امید پذیرش از جانب پروردگارش را داشته باشد و از شر و شروران دوری گزیند. سعدی: ۴۹۵.

پرسش: دعوتگر در صورتی که مَدعُوین دعوتش را نپذیرفتند باید چه کاری انجام دهد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡحَسۡرَةِ	پشیمانی.
صِدِّيقٗا	بسیار راستگویی که دروغ نمی‌گوید.
صِرَٰطٗا سَوِيّٗا	راهی که هیچ کژی و انحرافی ندارد.
مَلِيّٗا	زمانی طولانی.
حَفِيّٗا	به حالم بسیار مهربان است که مرا گرامی می‌دارد و هر گاه او را بخوانم دعایم را اجابت می‌کند.
مُخۡلَصٗا	برگزیده و منتخب.

عمل به آیات

۱. در برابر مصیبتی که به تو رسیده است امید اجر داشته باش؛ چنان‌که ابراهیم ﷺ در برابر کفر پدرش، بر قضا و قدر الله تعالی صبر کرد و الله نبوت در میان فرزندانش را به او بخشید، ﴿فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا﴾.

۲. قصهٔ ابراهیم ﷺ در دعوت او با پدرش سرشار از فواید است، این فواید را در چندین نکته تدوین کن و به افراد پیرامونت بفرست، ﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا﴾.

۳. از الله تعالی بخواه که پدر و مادرت را بیامرزد و از آنان خوشنود باشد، ﴿قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا﴾.

رهنمودها

۱. عبادت معبودها و قبور و مقبره‌ها، عبادت شیطان به شمار می‌رود؛ زیرا شیطان است که به این کار امر می‌کند و فرا می‌خواند، ﴿يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا﴾.

۲. از دریافت علم از کسی که از تو خردسال‌تر است یا در درجه‌ای پایین‌تر از تو قرار دارد ننگ نداشته باش، ﴿يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ﴾.

۳. به شدت از اماکن شر و فساد دوری گزین، ﴿وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾.

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣٠٩)

وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ﴿٥٢﴾ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ مِن
رَّحۡمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيّٗا ﴿٥٣﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ
صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ
وَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ﴿٥٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِدۡرِيسَۚ إِنَّهُۥ
كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ
ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن
ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا۩ ﴿٥٨﴾ ۞فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ
خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا
﴿٥٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ
وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا ﴿٦٠﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ
بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ﴿٦١﴾ لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا
سَلَٰمٗاۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿٦٢﴾ تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي
نُورِثُ مِنۡ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ﴿٦٣﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ لَهُۥ
مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا ﴿٦٤﴾

ترجمه آیات

و [ما] او [=موسی] را از کناره [کوه] طور و سمت راست [خودش] ندا دادیم و او را مناجات‌کنان [به خویش] نزدیک ساختیم. (۵۲) و از رحمت خود، برادرش هارون را به عنوان پیامبر به وی عطا کردیم. (۵۳) و در این کتاب، از اسماعیل یاد کن. بی‌تردید، او راست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. (۵۴) و [همواره] خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود. (۵۵) و در این کتاب، از ادریس یاد کن. بی‌تردید، او راست‌گفتار پیامبری بود. (۵۶) و [ما] او را به مقامی بلند برکشیدیم. (۵۷) اینان کسانی از پیامبران هستند که الله نعمت [هدایت] به آنان داد؛ [افرادی] از فرزندان آدم و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و یعقوب و از [جمله] افرادی که هدایت کردیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [پروردگار] رحمان بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند. (۵۸) پس از آنان، جانشینانی گمراه و ناشایست آمدند که نماز را تباه ساختند [و در آن سهل‌انگاری نمودند] و از هوس‌ها [و شهوات] پیروی کردند؛ و به زودی [کیفرِ] گمراهی [خویش] را خواهند دید. (۵۹) مگر کسی که توبه نمود و ایمان آورد و کاری شایسته کرد، اینان به بهشت داخل می‌شوند و هیچ ستمی بر آنان نمی‌رود. (۶۰) باغ‌هایی جاودان که [الله] رحمان از [عالم] غیب [و نادیده] به بندگانش وعده داده است. یقیناً وعدهٔ او آمدنی است. (۶۱) در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند [و گفتارشان] جز سلام [و تحیت نیست]؛ و در آنجا برایشان [هر] صبح و شام روزی [بی‌حساب فراهم] است. (۶۲) این همان بهشتی است که به هر کس از بندگانمان که [در دنیا] پرهیزگار باشد به میراث می‌دهیم. (۶۳) و [ای جبرئیل، به محمد بگو:] «[ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم. او حاکم بر آینده و گذشته و حالِ ماست؛ و پروردگارت فراموشکار نیست. (۶۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا﴾

مجاهد می‌گوید: به تمام وعده‌هایش عمل کرده است. مقاتل می‌گوید: اسماعیل عليه السلام به شخصی وعده داد که تا زمان بازگشت او، در جایی که هست بماند. اسماعیل عليه السلام سه روز در میعادگاه ایستاد تا این‌که آن شخص نزد او بازگشت. بغوی: ۳/ ۹۱.

پرسش: پیامبران چه ارزشی برای وفای به عهد قائل بودند؟

۲ ﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ﴾

هم خودش و هم دیگران را کامل کرد، به‌خصوص نزدیک‌ترین افرادش که خانوادهٔ او و نسبت به دیگران سزاوارتر به دعوتش بودند. سعدی: ۴۹۶.

پرسش: چرا در این‌جا فقط اهل (خانواده) بیان شده است؟

۳ ﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا۩﴾

اضافه‌شدن آیات به نام نیکوی (رحمان) دلالت دارد بر این‌که آیات الله یکی از مظاهر رحمت و احسان او تعالی به بندگانش است؛ زیرا آنان را به وسیله آیات به سوی حق هدایت کرد، از کوری بینا نمود، از گمراهی نجات داد و از جهالت به دانایی درآورد. سعدی: ۴۹۶.

پرسش: افزوده‌شدن آیات به نام نیکوی الله (رحمان) چه نکته‌ای در بر دارد؟

۴ ﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا﴾

وقتی در مورد معنای اضاعهٔ نماز از ابن مسعود رضي الله عنه سوال شد گفت: یعنی به تأخیرانداختن آن تا این‌که وقتش خارج شود. گفتند: ما گمان می‌کردیم که به معنای ترک نماز است، گفت: اگر نماز را ترک می‌کردند قطعاً کافر بودند. ابن تیمیه: ۴/ ۲۸۵.

پرسش: به تأخیرانداختن ادای نماز از وقتش چه خطری به همراه دارد؟

۵ ﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

از آن‌جا که نماز را تباه کردند، سایر واجبات را به طریق اولی تباه کرده‌اند؛ زیرا نماز اساس و ستون دین و بهترین عمل بندگان است. ابن کثیر: ۳/ ۱۲۵.

پرسش: بیان نماز به صورت ویژه در آیه به امر مهمی هشدار می‌دهد. این امر مهم چیست؟

۶ ﴿جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ﴾

الله تعالی جنات را به نام نیکویش (رحمان) اضافه کرد؛ چون رحمت و احسانی در آن‌ها وجود دارد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلبِ هیچ انسانی خطور نکرده است. به‌علاوه این اضافه‌شدن، به استمرار شادی و سُرور در بهشت و بقای آن به سبب بقای رحمت الله که بهشت بر اثر و به موجب آن است دلالت دارد. سعدی: ۴۹۷.

پرسش: بیان جنات در کنار نام نیکوی (رحمان) در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۷ ﴿وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا﴾

﴿بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا﴾ یعنی: به اندازهٔ این دو وقت؛ زیرا هیچ بامداد و شامگاهی در آن‌جا وجود ندارد... علما گفته‌اند: شب و روز در بهشت نیست؛ بلکه بهشتیان همیشه در نور قرار دارند. قرطبی: ۱۳/ ۴۷۹.

پرسش: منظور از این‌که روزی بهشتیان صبح و شام آماده است چیست؟ آیا روز و شب در بهشت وجود دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلطُّورِ	کوهی در سینا.
نَجِيّٗا	مناجات‌کنندهٔ ما.
وَإِسۡرَٰٓءِيلَ	یعقوب عليه السلام.
وَٱجۡتَبَيۡنَآ	برگزیدیم.
خَلۡفٌ	پیروانی بد.
غَيًّا	بدی و ناکامی در جهنم.
مَأۡتِيّٗا	قطعاً آمدنی است.
لَغۡوًا	باطل.

عمل به آیات

۱. برادران و اعضای خانواده‌ات را به نماز و صدقه فرمان بده و به آنان یادآوری کن که آن را در وقتش ادا کنند. ﴿وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا﴾

۲. هنگام قرائت قرآن، به‌خصوص هنگامی که تنها هستی، گریه کن یا حالت گریستن به خود بگیر. ﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا۩﴾

۳. گناهی را که مرتکب شده‌ای به یاد آور و با اصرار به درگاه الله استغفار و توبه کن. ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا﴾

رهنمودها

۱. بکوش که در اقوال و افعال و عهد و پیمان‌هایت صادق باشی که این امر یکی از اخلاق پیامبران است. ﴿إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ﴾

۲. یکی از صفات پیامبران و صالحان این بود که ادای نماز و پرداخت زکات توسط افراد خانواده و نزدیکان‌شان را مورد بررسی قرار می‌دادند. ﴿وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ﴾

۳. گمگاهی جویای نماز شو که چه رابطه‌ای با آن داری؛ زیرا تباه‌کردن نماز، تباه‌کردن تمام دین به شمار می‌رود. ﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا﴾

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣١٠)

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ
هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ٦٥ وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ
أُخۡرَجُ حَيًّا ٦٦ أَوَلَا يَذۡكُرُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ
وَلَمۡ يَكُ شَيۡـٔٗا ٦٧ فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ
لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ٦٨ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ
شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ٦٩ ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ
هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ٧٠ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ٧١ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ
فِيهَا جِثِيّٗا ٧٢ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا ٧٣
وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا ٧٤
قُلۡ مَن كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ
مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ
مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا ٧٥ وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ
وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ٧٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
جِثِيًّا	افتاده بر زانوهای‌شان بر اثر ترس.
عِتِيًّا	سرکش‌تر و نافرمان‌تر.
صِلِيًّا	برای ورود به جهنم و رویارویی با گرمایش.
وَارِدُهَا	عبورکننده از صراط که بر روی جهنم نصب شده است.
نَدِيًّا	از نظر مجلس.
أَثَٰثًا	از نظر متاع.
وَرِءۡيًا	از نظر منظر و قیافه.
مَّرَدًّا	از نظر محل بازگشت و سرانجام.

عمل به آیات

۱. از عذاب جهنم به الله پناه ببر؛ زیرا ورود تو به آن ثابت شده اما نجات تو از آن ثابت نشده است، ﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا﴾

۲. از الله تعالی بخواه تو را در زمرهٔ کسانی قرار دهد که بر هدایت‌شان می‌افزاید، ﴿وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗى﴾

۳. بگو «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ» که گفتن این عبارت، یکی از نیکی‌های ماندگار است، ﴿وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا﴾

رهنمودها

۱. عبادت به صبر و مجاهدت نیاز دارد، پس خودت را بر این کار عادت بده، ﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦ﴾

۲. جزا از جنس عمل است؛ زیرا سران گمراهی و ائمهٔ کفر زودتر از پیروان‌شان وارد جهنم می‌شوند، ﴿ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا﴾

۳. هر کس با تلاش و صدق نیت به دنبال کسب علم یا عملی صالح باشد، الله او را به علم و عمل صالح دیگری هدایت می‌کند، ﴿وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗى﴾

ترجمه آیات

[همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست؛ پس او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا [و پایدار] باش. آیا [همانند و] همنامی برایش می‌شناسی؟» (۶۵) و انسان [کافر] می‌گوید: «آیا هنگامی که بمیرم، به راستی مرا زنده [از گور] بیرون خواهند آورد؟» (۶۶) آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم، در حالی که هیچ نبود؟ (۶۷) پس سوگند به پروردگارت که یقیناً آنان [= منکران قیامت] را با شیاطین محشور خواهیم کرد؛ سپس همه را به‌زانودرآمده گرداگرد دوزخ حاضر می‌کنیم. (۶۸) سپس از هر گروهی، کسانی را که در برابر [فرمان الله] رحمان سرکش‌تر بوده‌اند بیرون می‌کشیم. (۶۹) آنگاه یقیناً ما به [حال] کسانی که برای [درافتادن به] آن [آتش مهیب] سزاوارترند، داناتریم. (۷۰) و هیچ یک از شما [مردم] نیست، مگر آنکه وارد آن می‌گردد؛ [مؤمنان برای عبور و دیدن، کافران برای ورود و ماندن]. این [امر،] همواره بر پروردگارت حکمی حتمی است. (۷۱) سپس کسانی را که پرهیزگاری کرده‌اند [از آتش] نجات می‌دهیم و ظالمان را به‌زانودرآمده در آن رها می‌کنیم. (۷۲) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان تلاوت می‌شود، کسانی که کفر ورزیده‌اند به افرادی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه، جایگاهی بهتر و مجلسی نیکوتر دارد؟» (۷۳) چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم که ثروتی بیشتر و ظاهری آراسته‌تر داشتند. (۷۴) [ای پیامبر،] بگو: «هر کس که در گمراهی است، [الله] رحمان به او مهلت می‌دهد [تا گمراهی‌اش بیشتر شود] تا زمانی که وعدهٔ الهی را [به چشم خود] ببینند: یا عذاب [دنیا] یا [کیفرِ] قیامت. پس به زودی خواهند دانست که چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است». (۷۵) و [اما] کسانی که راه‌یافته‌اند، الله بر هدایتشان می‌افزاید؛ و نیکی‌های پایدار [= رفتار و گفتار شایسته] در پیشگاه پروردگارت، پاداشی بهتر و سرانجامی نیکوتر دارد. (۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا﴾

﴿ٱلشَّيَٰطِينَ﴾ به ضمیر مشرکان عطف شد تا تحقیر شوند به این‌که همراه خوارترین و فاسدترین جنس حشر می‌شوند و تا اشاره‌ای باشد به این‌که شیاطین باعث شدند که مشرکان گمراه شوند و به این حالت بیفتند. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۴۷.

پرسش: عطف (شیاطین) به ضمیر مشرکان چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا﴾

﴿أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا﴾ عتواً: ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یعنی گستاخ‌تر. مجاهد می‌گوید: تبهکارتر؛ منظور این است که به ترتیب سرکشی و گستاخی وارد جهنم می‌شوند. کلبی می‌گوید: رهبر و بزرگ آنان در شرّ؛ یعنی کسی که جرم بزرگ‌تر و کفر سخت‌تری دارد زودتر وارد جهنم می‌شود. در برخی روایات آمده است که همگی در بند و زنجیر پیرامون جهنم محشور می‌شوند سپس به ترتیب سرسختی در کفر وارد جهنم می‌شوند. بغوی: ۳/ ۹۹.

پرسش: کیفر کسی که در شر و طغیان پیشوا باشد چیست؟

۳ ﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا﴾

عبدالله بن رواحه رضی الله عنه سر در آغوش همسر گذاشت و گریست. همسرش نیز با او گریه کرد. عبدالله رضی الله عنه از او پرسید: چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفت: دیدم تو گریه می‌کنی من هم به گریه افتادم. عبدالله رضی الله عنه گفت: آیهٔ ﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَا﴾ را به یاد آوردم اما نمی‌دانم از جهنم نجات می‌یابم یا نه. ابومسیره هر گاه به بستر می‌رفت می‌گفت: کاش مادرم مرا نزاده بود، سپس می‌گریست. به او گفتند: ای ابومیسره چرا گریه می‌کنی؟ گفت: به ما خبر داده شده که وارد جهنم می‌شویم اما این خبر به ما نرسیده که از آن عبور می‌کنیم. ابن کثیر: ۳/ ۱۲۹.

پرسش: چرا کسی که در قرآن تدبر کند از ورود در جهنم می‌ترسد؟

۴ ﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا﴾

﴿خَيۡرٞ مَّقَامٗا﴾ یعنی: در دنیا شامل: مال و فرزند فراوان و تأمین خواسته‌ها... از این آیه دانسته شد این استدلال که دستیابی به خیر دنیا دلیل دستیابی به خیر آخرت است، استدلالی کاملاً باطل و یکی از روش‌های کافران است. سعدی: ۴۹۹.

پرسش: بسیار مشاهده می‌شود که مردم وجود نعمت‌های دنیوی را دلیلی بر محبت الله به خودشان می‌پندارند. در این مورد چه دیدگاهی داری؟

۵ ﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا﴾

اثاث: لباس و سایر اموال شبیه آن. رئی: منظر. خبر می‌دهد کسانی که الله آنان را قبل از اینان نابود کرد، ظاهری نیکوتر داشتند و ثروتمندتر بودند، تا روشن شود این امور نزد الله فایده‌ای نمی‌رساند و او تعالی به آن‌ها اهمیت نمی‌دهد. ابن تیمیه: ۴/ ۲۹۲.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که اموال و صورت‌ها هیچ نفعی نزد الله نمی‌رسانند.

۶ ﴿قُلۡ مَن كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا﴾

معیار تشخیص و جداسازی میان نعمتی که ناشی از خوشنودی الله بر بنده است و بین نعمتی که کافر را به تدریج به سوی عذاب می‌کشاند، این است که بنگریم صاحب نعمت آیا بر هدایت قرار دارد یا در گمراهی به سر می‌برد. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۵۵.

پرسش: چگونه می‌توان تشخیص داد که نعمت به سبب خوشنودی الله به بنده رسیده یا این‌که نعمت به این منظور به بنده داده شده تا او را به تدریج به سوی عذاب بکشاند؟

۷ ﴿وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا﴾

﴿وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ﴾: اذکار و اعمال صالح که برای صاحبش باقی می‌ماند. بغوی: ۳/ ۱۰۵.

پرسش: ﴿ٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ﴾ چیست؟ و چرا به این عنوان نامیده شده است؟

ترجمه آیات

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کافر شد و گفت: «قطعاً مال و فرزند [فراوانی در آخرت] به من داده خواهد شد»؟ (۷۷) آیا او بر غیب آگاهی یافته یا از [الله] رحمان پیمانی گرفته است؟ (۷۸) [هرگز] چنین نیست؛ گفته‌اش را می‌نویسیم و بر عذابش می‌افزاییم. (۷۹) و آنچه [از اموال و فرزندان] که می‌گوید از او به ارث می‌بریم و [روز قیامت، نیازمند و] تنها نزد ما می‌آید. (۸۰) و [مشرکان] به جای الله معبودانی برگزیده‌اند تا [یاور و] پشتیبانشان باشند. (۸۱) چنین نیست؛ [بلکه آن معبودها در قیامت] عبادت آنان را انکار خواهند کرد و دشمنشان خواهند بود. (۸۲) [ای پیامبر،] آیا ندیدی که ما شیاطین را بر کافران فرستادیم تا آنان را [با وسوسه‌های خود] تحریک کنند [و از راهِ الله بازدارند]؟ (۸۳) پس دربارهٔ [نابودیِ] آنان شتاب نکن. جز این نیست که ما [روزهای مرگ و فرارسیدنِ عذاب را] به دقت برایشان می‌شماریم. (۸۴) [یاد کن از] روزی که پرهیزگاران را [با عزت و احترام] به مهمانی [الله] رحمان گِرد می‌آوریم. (۸۵) و مجرمان را تشنه‌کام به سوی جهنم می‌رانیم. (۸۶) آنان هرگز [توان] شفاعت ندارند؛ مگر کسی که [با ایمان و عمل شایسته‌اش،] از [الله] رحمان پیمانی گرفته باشد. (۸۷) و [مشرکان] گفتند: «[الله] رحمان، فرزندی [برای خویش] برگزیده است». (۸۸) به راستی [با این ادعا] چیزی بسیار زشت [به میان] آوردید! (۸۹) از این [سخن کفرآمیز،] نزدیک است آسمان‌ها از هم بپاشد و زمین بشکافد و کوه‌ها در هم بشکنند و فروریزند. (۹۰) [چرا] که برای [الله] رحمان فرزندی ادعا کرده‌اند. (۹۱) و هرگز سزاوار [الله] رحمان نیست که فرزندی برگزیند. (۹۲) در آسمان‌ها و زمین هیچ کسی نیست، مگر آنکه [در روز قیامت، خاکسار و] بنده‌وار نزد الله رحمان می‌آید. (۹۳) یقیناً [الله همهٔ] آنان را در شمار آورده و درست برشمرده است. (۹۴) و همگی‌شان روز قیامت، تنها [و تهیدست] نزد او حاضر می‌شوند. (۹۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا﴾

یعنی: اموال و فرزندانی را که در دنیا به او داده بودیم از او می‌ستانیم. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «یعنی پس از این‌که او را هلاک کردیم مال و فرزندش را به ارث می‌بریم». بنابر قولی: او را از اموال و فرزندانی که در آخرت آرزو داشت محروم می‌کنیم و آن را برای سایر مسلمانان قرار می‌دهیم. ﴿وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا﴾ یعنی تک و تنها و بدون مال و فرزند و قبیله‌ای که به او یاری رسانَد. قرطبی: ۱۳/ ۵۰۹.

پرسش: اگر کسی را ببینی که به مال و مقام و فرزندانش مغرور شده و گمان می‌کند پاینده است، چگونه با این آیات او را نصیحت می‌کنی؟

۲ ﴿وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا﴾

معنای ارث‌بردن فرزندان عاص این است که آنان مسلمان شدند و به حزب الله پیوستند؛ عمرو صحابی شامخ و عالیقدری بود و هشام نیز صحابی‌ای است که در روز اَجنادین شهید شد. پس این عبارت بشارتی است برای پیامبر ﷺ و جراحت و اندوه جانکاهی است بر عاص بن وائل. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۶۳.

پرسش: به ارث‌بردن فرزندانِ «عاص بن وائلِ سَهمی» که در آیه بیان شده به چه معناست؟

۳ ﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ۝٨١ كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا﴾

بنده هر گاه به غیر الله امید و توکل کند قطعاً از همان جهت زیان می‌بیند و اگر از غیر الله یاری بخواهد قطعاً خوار و بی‌یاور می‌ماند. ابن تیمیه: ۴/ ۲۹۲.

پرسش: آیه چگونه بر این مطلب دلالت دارد که اگر بنده امید و توکلش را به غیر الله معلق کند از همان ناحیه زیان می‌بیند؟

۴ ﴿يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا﴾

مهمان باید به نسبت به میزبان گمان نیک داشته باشد و به [کرامت و پذیرایی او] امیدوار باشد، و این یک امری طبیعی است؛ بنابراین پرهیزگاران به سوی الله می‌روند در حالی‌که به رحمت و احسان فراگیر الله رحمان و دستیابی به بخشش‌هایش در بهشت، امیدوار هستند. سعدی: ۵۰۰.

پرسش: پرهیزگاران در روز قیامت وقتی به سوی پروردگارشان حشر می‌شوند چه گمانی به او تعالی دارند؟

۵ ﴿وَنَسُوقُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا﴾

مجرمان تشنه‌کام به سوی جهنم رانده می‌شوند. این بدترین حالتی است که در آن قرار می‌گیرند؛ یعنی با خواری و ذلت به سوی بزرگ‌ترین زندان و سخت‌ترین عذاب- یعنی جهنم- در حالی که تشنه و رنجور هستند کشانده می‌شوند. سعدی: ۵۰۰.

پرسش: آیه حالت وحشتناک مشرکان در روز قیامت را به تصویر می‌کشد. این حالت را توضیح دهید.

۶ ﴿لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا﴾

الله تعالی ایمان به خودش و پیروی از رسولانش را به این سبب عهد نامید که در کتاب‌ها و بر زبان رسولانش به کسانی که از رسولان پیروی کنند پاداش وعده داده است. سعدی: ۵۰۱.

پرسش: چرا ایمان به الله و رسولانش عهد نامیده شد؟

۷ ﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ۝٩٠ أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و تمام مخلوقات جز انسان‌ها و جن‌ها، بر اثر شرک بی‌قرار و وحشت‌زده می‌شوند. ابن کثیر: ۳/ ۱۳۵.

پرسش: کوه‌ها و درختان از بعضی انسان‌ها عاقل‌تر هستند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

سورة (مريم) الجزء (١٦) صفحة (٣١١)

أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي كَفَرَ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالٗا وَوَلَدًا
٧٧ أَطَّلَعَ ٱلۡغَيۡبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ٧٨ كَلَّاۚ
سَنَكۡتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلۡعَذَابِ مَدّٗا ٧٩ وَنَرِثُهُۥ
مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا ٨٠ وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ
لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ٨١ كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ
عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا ٨٢ أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ
تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا ٨٣ فَلَا تَعۡجَلۡ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمۡ عَدّٗا ٨٤
يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا ٨٥ وَنَسُوقُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ
إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا ٨٦ لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ
ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ٨٧ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا ٨٨ لَّقَدۡ
جِئۡتُمۡ شَيۡـًٔا إِدّٗا ٨٩ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ
وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ٩٠ أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا
٩١ وَمَا يَنۢبَغِي لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ٩٢ إِن كُلُّ مَن فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا ٩٣ لَّقَدۡ أَحۡصَىٰهُمۡ
وَعَدَّهُمۡ عَدّٗا ٩٤ وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا ٩٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَفَرَءَيۡتَ	آیا آگاه شده‌ای؟!
وَنَمُدُّ لَهُۥ	برایش می‌افزاییم.
تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا	آنان را از طاعت بازدارند و بر معصیت مشتاق کنند.
وِرۡدٗا	پیاده و تشنه.
يَتَفَطَّرۡنَ	شکافته شود.
وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا	به شدت سقوط می‌کند.

عمل به آیات

۱. امروز با خودت عهد ببند فقط سخنانی که باعث خوشنودی الله است به زبان آوری، ﴿كَلَّاۚ سَنَكۡتُبُ مَا يَقُولُ﴾

۲. بگو: «أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ زیرا شیطان بر انجام باطل تحریک می‌کند و هر کس که از او به الله تعالی پناه برد، الله پناهش می‌دهد، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا﴾

۳. از الله تعالی بخواه تو را در زمرهٔ پرهیزگاران محشور کند، ﴿يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا﴾

رهنمودها

۱. معبودانی که به جای الله عبادت می‌شوند، روز قیامت دشمن عبادتگزاران خود هستند، ﴿كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا﴾

۲. کافران و منافقان بر انجام شر و فساد و شهوات می‌شتابند؛ چون شیاطین آنان را بر انجام این کار تحریک می‌کنند و می‌رانند، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا﴾

۳. با هیچ شخصِ نزدیک یا دوری در مورد عبادت مصالحه نکن؛ زیرا روز قیامت به تنهایی نزد الله خواهی رفت، ﴿وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا﴾.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ
ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ٩٦ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ٩٧ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم
مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا ٩٨

سُورَةُ طه

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طه ١ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ٢ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ
لِّمَن يَخۡشَىٰ ٣ تَنزِيلٗا مِّمَّنۡ خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلۡعُلَى ٤
ٱلرَّحۡمَٰنُ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ ٥ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ ٦ وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ
فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ٧ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ
ٱلۡحُسۡنَىٰ ٨ وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ٩ إِذۡ رَءَا نَارٗا
فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ
أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ١٠ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ١١ إِنِّيٓ
أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ١٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وُدًّا	محبتی در دل‌های بندگانش.
لُدًّا	بسیار ستیزه‌جو به باطل.
قَرۡنٍ	امت.
رِكۡزًا	صدایی آرام.
ٱلثَّرَىٰ	خاک نمناک. زمین‌های هفتگانه منظور هستند؛ زیرا زیر خاک قرار دارند.
بِقَبَسٍ	شعله‌ای تا خودتان را با آن گرم کنید.

عمل به آیات

۱. سورهٔ مریم را بخوان و دو بشارت و دو انذار از آن استخراج کن، ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا﴾

۲. با ارسال پیامی، نزدیک‌ترین و آسانترین راه برای رسیدن به دوستی مردم را که در آیه بیان شده است بیان کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا﴾

۳. با صفات الله تعالی که در سورهٔ طه آمده است آشنا شو و مقتضای آن‌ها را از الله تعالی بخواه، و بگو: «يَا رَحْمَنُ ارْحَمْنِي، يَا غَنِيُّ ارْزُقْنِي»، ﴿لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ﴾

رهنمودها

۱. در مورد امت‌های نابودشده‌ای که الله تعالی آنان را به هلاکت رسانده است بیندیش، آیا صدایی از آنان می‌شنوی؟! آیا اثری از آنان می‌بینی؟! ﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا﴾

۲. آموختن زبان عربی عبادت به شمار می‌رود؛ زیرا سبب فهمیدن قرآن کریم است، ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ﴾

۳. به یاد داشته باش که الله تعالی از امور نهان و مخفی آگاه است، پس سخن یا رفتاری که خشم الله تعالی را در پی دارد نگو و انجام نده، ﴿وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى﴾

ترجمه آیات

کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند یقیناً [الله] رحمان [در دل‌های بندگانش] محبتی برایشان خواهد نهاد. (۹۶) [ای پیامبر،] بی‌تردید، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان نمودیم تا پرهیزگاران را با آن بشارت دهی و ستیزه‌گران [سرسخت] را بیم دهی. (۹۷) و چه بسیار نسل‌های گذشته را پیش از آنان نابود کردیم. آیا [وجود] هیچ‌یک از آنان را احساس می‌کنی یا کمترین صدایی از آنان می‌شنوی؟ (۹۸)

سورهٔ طه

به نام الله بخشندهٔ مهربان

طه [= طا. ها]. (۱) [ای پیامبر، ما] قرآن را بر تو نازل نکردیم تا در رنج بیفتی. (۲) [آن را نفرستادیم] مگر آنکه پندی باشد برای هر کس که [از عذاب الهی] می‌ترسد. (۳) [این قرآن،] فروفرستاده‌ای است از جانب آن ذاتی که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است. (۴) [پروردگار] رحمان [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. (۵) آنچه در آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست و آنچه زیر خاک [پنهان] است [همگی] از آنِ اوست. (۶) و اگر سخن آشکار بگویی [یا آن را پنهان داری،] یقیناً او [راز] نهان و [حتی] نهان‌تر [از آن] را نیز می‌داند. (۷) الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست [و] نیکوترین نام‌ها از آنِ اوست. (۸) [ای پیامبر،] آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (۹) آنگاه که آتشی را [از دور] دید و به خانواده‌اش گفت: «[لحظه‌ای] درنگ کنید [که] من آتشی دیده‌ام. شاید شعله‌ای از آن برایتان بیاورم یا کنار آن آتش راهنمایی بیابم». (۱۰) وقتی نزد آن [آتش] آمد، نِدا داده شد که: «ای موسی، (۱۱) به راستی، من پروردگارت هستم؛ پس [برای مناجات با پروردگار] کفش‌هایت را درآور [که] در حقیقت، تو در سرزمین مقدس «طُوی» هستی. (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا﴾

مجاهد می‌گوید: الله تعالی آنان را دوست دارد و محبوبِ بندگان مؤمنش می‌گرداند. هرم بن حیان می‌گوید: هر بنده‌ای که از ته دل به الله روی آورد، الله تعالی دل‌های مؤمنان را به سوی او متوجّه می‌سازد و او را محبوب آنان قرار می‌دهد. بغوی: ۳/ ۱۱۰.

پرسش: انسان چگونه محبوبِ الله تعالی و بندگانش قرار می‌گیرد؟

۲ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا﴾

الله محبّت آنان را در دل اولیای خود و ساکنان آسمان و زمین قرار می‌دهد و زمانی که محبّت‌شان در دل‌ها قرار گیرد، بسیاری از کارها بر آن‌ها آسان می‌گردد و به خوبی‌ها، دعاها، هدایت، اعتماد و جایگاه و منزلت بزرگی دست می‌یابند. سعدی: ۵۰۱.

پرسش: انسان مسلمان بر اثر محبّت صالحان، به چه فوایدی دست می‌یابد؟

۳ ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا﴾

یعنی: [ای پیامبر] قرآن را با زبان عربی تو بیان نمودیم و برای کسی که در آن تدبّر و تفکّر کند، آسان گردانیدیم. قرطبی: ۱۳/ ۵۲۸.

پرسش: تدبر در قرآن کریم، سخت است یا آسان؟

۴ ﴿مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ٢ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ﴾

﴿تَذۡكِرَةٗ﴾: یعنی موعظه و پندی که دل‌ها بر اثر آن نرم و آرام می‌شوند و در نتیجه، دستورات الهی را اجرا می‌کنند و از حرام‌ها دور می‌شوند. قرآن کریم این مورد را به افراد خاشع و خاضع نسبت داد؛ زیرا فقط آنان از پند و موعظه فایده می‌برند. شنقیطی: ۴/ ۵.

پرسش: کدام صفت باعث می‌شود که انسان از پند و نصیحت فایده ببرد؟

۵ ﴿إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ﴾

﴿تَذۡكِرَةٗ﴾: یعنی یادآوری آن‌چه فراموش شده است؛ زیرا توحید در فطرت انسان نهادینه شده و شرک با آن منافات دارد؛ بنابراین، دعوت به اسلام، یادآوری آن‌چه در فطرت وجود دارد یا یادآوری دین و آیین ابراهیم عليه السلام است. ابن عاشور: ۱۶/ ۱۸۵.

پرسش: چرا الله تعالی اصطلاح ﴿تَذۡكِرَةٗ﴾ و نه «تعلیم» را بیان فرمود؟

۶ ﴿وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى﴾

از ابن عبّاس و سعید بن جبیر رضي الله عنه روایت شده است که: ﴿ٱلسِّرَّ﴾ یعنی آن‌چه در دلت پنهان می‌کنی، و مخفی‌تر از «سِر»، آن چیزی است که در دلت وجود دارد و خودت نمی‌دانی که دربارهٔ آن با خودت سخن خواهی گفت، ولی الله تعالی از آن باخبر است، چون تو از امور پنهانی امروزت خبر داری، امّا از آن‌چه فردا در دلت خطور خواهد کرد بی‌خبری، در حالی که الله از آن‌چه اکنون و در آینده، مخفی کنی، باخبر است. علیّ بن ابی‌طلحه از ابن عبّاس رضي الله عنهما چنین نقل می‌کند: «سِر» یعنی آن‌چه انسان در دلش پنهان می‌کند، و مخفی‌تر از «سِر»، چیزی است که خود انسان پیش از این‌که آن را انجام دهد، از آن بی‌خبر است.

پرسش: قدرت بزرگ الله تعالی را از این لحاظ که از راز و مخفی‌تر از آن آگاه است توضیح بده.

۷ ﴿وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ﴾

بیان قصّهٔ موسی عليه السلام در این سوره، سبب تسلّی و دلداری پیامبر ﷺ در برابر مشکلات موجود در تبلیغ دین اسلام و نیز در برابر ناسپاسی مردم است؛ که این موضوع به عنوان نمونه در مورد رسول الله ﷺ بیان شده است. ابن عطیه: ۴/ ۳۸.

پرسش: قصه موسی عليه السلام باعث آرامش و اطمینان انسان می‌شود، در این قصه تدبر کن سپس دو فایده از آن را بنویس؟

ترجمه آیات

و من تو را [به پیامبری] برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود گوش فرا دار: (۱۳) بی‌تردید، منم «الله» که هیچ معبودی [به‌حق] جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز برپا دار. (۱۴) یقیناً قیامت آمدنی است؛ [ولی] می‌خواهم [وقت] آن را پنهان دارم تا به هر کسی در برابر [کار و] تلاشی که می‌کند پاداش داده شود. (۱۵) پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس‌هایش پیروی می‌کند، تو را از [نیکوکاری و آمادگی برای] آن بازدارد که هلاک می‌شوی. (۱۶) و ای موسی، آن چیست به [دست] راستت؟» (۱۷) او گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم و با آن برای گوسفندانم [برگ درختان را] فرومی‌ریزم و کارهای دیگری [نیز] با آن دارم [که برآورده می‌کنم]. (۱۸) [الله] فرمود: «ای موسی، آن را بیفکن». (۱۹) [موسی] آن را [بر زمین] افکند و ناگهان [تبدیل به] ماری شد که به سرعت می‌خزید. (۲۰) [الله] فرمود: «آن را بگیر و نترس. به زودی آن را به شکل اولش بازمی‌گردانیم. (۲۱) و دستت را در بغل کن تا بدون هیچ گزندی [به عنوان] معجزه‌ای دیگر، سفید [و درخشان] بیرون آید. (۲۲) [هدف از ارایه این دو معجزه، این بود] که برخی از نشانه‌های بزرگ خویش را به تو نشان دهیم. (۲۳) [اینک] به سوی فرعون برو [که] بی‌تردید، [کفر ورزیده و] سرکشی کرده است». (۲۴) [موسی] گفت: «پروردگارا، بر [حوصله و] شکیبایی‌ام بیفزای (۲۵) و کارم را برایم آسان گردان (۲۶) و گره از زبانم باز کن (۲۷) تا سخنم را دریابند. (۲۸) و یاوری از [افراد] خاندانم برای من قرار بده؛ (۲۹) هارون، برادرم را. (۳۰) پشتم را با او محکم کن؛ (۳۱) و او را در کار [رسالت] من شریک کن (۳۲) تا تو را بسیار به پاکی بستاییم (۳۳) و بسیار یادت کنیم. (۳۴) بی‌تردید، تو به [حال] ما بینایی». (۳۵) [الله] فرمود: «ای موسی، خواسته‌ات به تو داده شد. (۳۶) در حقیقت، ما [پیشتر] یک بار دیگر [نیز] بر تو منت نهاده بودیم. (۳۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ﴾

﴿فَٱعۡبُدۡنِي﴾ مرا با تمام اصول و فروع عبادات ظاهری و باطنی عبادت کن. الله تعالی در ادامه از نماز- هر چند یکی از مصادیق عبادت است- نام برد؛ چون دارای فضیلت و برتری و مشتمل بر عبادت قلبی، زبانی و جوارحی است. سعدی: ۵۰۳.

پرسش: چرا از نماز به صورت جداگانه نام برده شد در حالی که یکی از مصادیق عبادت است؟

۲ ﴿فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ﴾

بنابر قولی: نماز را برپا دار تا مرا در آن یاد کنی. بنابر قولی دیگر: تا به سبب آن، من تو را یاد کنم. ابن جزی: ۲/ ۱۶.

پرسش: آیهٔ فوق بیانگر یکی از اهداف مهم نماز است، آن هدف چیست؟

۳ ﴿وَمَا تِلۡكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ﴾

الله تعالی این سؤال را از موسی عليه السلام پرسید تا معجزهٔ بزرگ تبدیل‌شدن عصا به مار را به او نشان دهد. بنابراین هدف سؤال این است که الله تعالی می‌خواهد تفاوت حالت عصا قبل و بعد از تبدیل‌شدن به مار را برای موسی عليه السلام نشان دهد. ابن جزی: ۲/ ۱۷.

پرسش: چرا الله سوال مذکور را از موسی عليه السلام پرسید حال آن‌که او تعالی از راز و مخفی‌تر از آن آگاه است؟

۴ ﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي﴾

وقتی موسی عليه السلام از این موضوع آگاه شد، مراجعه‌اش به الله، به سبب ترس از فرعون نبود، بلکه فرمان الهی را دریافت کرد و از الله خواست اضطراب و نگرانی‌اش را برطرف کند و اسبابی فراهم آورد که در تبلیغ رسالت به او یاری رساند و فصاحت در سخن را به وی عطا کند تا بتواند با حجّت و دلیل، فرعون را قانع گرداند. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۱۰.

پرسش: آمادگی و شتاب پیامبران علیهم السلام را در تسلیم‌شدن و پذیرش فرمان الهی توضیح دهید.

۵ ﴿رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي﴾

یعنی سینه‌ام را فراخ گردان تا بتوانم اذیت و آزارهای زبانی و رفتاری را تحمل کنم و دلم بر اثر آن‌ها بی‌قرار و آشفته نگردد و سینه‌ام تنگ نشود؛ زیرا اگر سینه تنگ گردد، انسان شایستگی راهنمایی و دعوت مردم را از دست می‌دهد. سعدی: ۵۰۴.

پرسش: این آیه دعوتگران را تشویق می‌کند از الله بخواهند پیش از انجام دعوت، غم‌های سنگین را از آنان دور کند، این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي﴾

موسی عليه السلام از الله تعالی تقاضا کرد دلش را برای پذیرش حقیقت، فراخ و باز گرداند، تا این یقین برایش حاصل شود که هیچ‌کس بدون اجازهٔ الله نمی‌تواند به او زیان برساند. زمانی که به این یقین رسید، از قدرت بزرگ و لشکریان فراوان فرعون نترسید. بغوی: ۱۱۹/۳.

پرسش: پیامبران در بررسی غم و اندوه‌های بزرگ و موانع اساسی در دعوت به سوی الله چگونه برخورد می‌کردند؟

۷ ﴿وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي﴾

لکنت زبان موسی عليه السلام بدین سبب بود که وقتی خرما و پاره آتشی را پیش او گذاشتند، آتش را برداشت و روی زبانش گذاشت... وی درخواست نکرد که این لکنت زبان به کلّی از بین برود، بلکه خواست به اندازه‌ای اصلاح شود که درماندگی و ناتوانی زبانی او را برطرف سازد و به اندازهٔ نیاز، مردم سخنش را بشنوند. اگر درخواست می‌کرد که لکنت زبانش به کلّی از بین برود، قطعا الله تعالی اجابت می‌کرد، ولی پیامبران به اندازهٔ نیاز از الله تعالی تقاضا می‌کنند. ابن کثیر: ۳/ ۱۴۳.

پرسش: در آیه یکی از آداب دعای پیامبران هنگام درخواست نیازهای دنیوی‌شان بیان شده است، این ادب را نام ببرید.

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٣)

وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ ﴿١٣﴾ إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠
فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ ﴿١٤﴾ إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ
أَكَادُ أُخۡفِيهَا لِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا تَسۡعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدَّنَّكَ
عَنۡهَا مَن لَّا يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا تِلۡكَ
بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا
وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخۡرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلۡقِهَا
يَٰمُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلۡقَىٰهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٞ تَسۡعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذۡهَا
وَلَا تَخَفۡۖ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلۡأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَٱضۡمُمۡ يَدَكَ
إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخۡرَىٰ ﴿٢٢﴾ لِنُرِيَكَ
مِنۡ ءَايَٰتِنَا ٱلۡكُبۡرَى ﴿٢٣﴾ ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ
رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ﴿٢٦﴾ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن
لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ﴿٢٨﴾ وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا مِّنۡ أَهۡلِي ﴿٢٩﴾ هَٰرُونَ
أَخِي ﴿٣٠﴾ ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ﴿٣١﴾ وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي ﴿٣٢﴾ كَيۡ نُسَبِّحَكَ
كَثِيرٗا ﴿٣٣﴾ وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرٗا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدۡ
أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَيۡكَ مَرَّةً أُخۡرَىٰٓ ﴿٣٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَتَرۡدَىٰ	هلاک خواهی شد.
أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا	هنگام راه‌رفتن بر آن تکیه می‌کنم.
وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي	درخت را با آن می‌تکانم تا برای گوسفندانم برگ بریزد.
مَـَٔارِبُ	منافع و نیازها.
سُوٓءٍ	پیس.
وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ	زبانم را فصیح و بلیغ بگردان.
ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي	با او، مرا قوی گردان و پشتم را محکم کن.

عمل به آیات

۱. مهم‌ترین نکات قصهٔ موسی عليه السلام که دعوتگر را در دعوت یاری می‌رساند بر روی یک برگه بنویس، ﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي﴾

۲. به دنبال دوستی صالح و مناسب باش و در عملی دعوی با او مشارکت کن، ﴿وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا مِّنۡ أَهۡلِي﴾

۳. امروز با خودت عهد ببند اذکار صبحگاه و شامگاه و اذکار پس از نمازها و هنگام خواب را بگویی، ﴿كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ﴿٣٣﴾ وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا﴾

رهنمودها

۱. برحذر باش، برحذر باش و بترس از کسی که راه میان تو و الله سبحانه را قطع می‌کند، ﴿فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنۡهَا مَن لَّا يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ﴾

۲. کار برای کسب نیازهای زندگی و به‌کارگیری اسباب، یکی از سنت‌های پیامبران است، ﴿قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخۡرَىٰ﴾

۳. بنده باید قبل از انجام هر عملی، یاری و توفیق الله تعالی را بخواهد، ﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي﴾

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٤)

إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ٣٨ أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ
فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ
عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ٣٩ إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ فَتَقُولُ
هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥۖ فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا
وَلَا تَحۡزَنَۚ وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗاۚ
فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ٤٠
وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ٤١ ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا
تَنِيَا فِي ذِكۡرِي ٤٢ ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٤٣ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا
لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ٤٤ قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفۡرُطَ
عَلَيۡنَآ أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ ٤٥ قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ
٤٦ فَأۡتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ جِئۡنَٰكَ بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ
ٱلۡهُدَىٰٓ ٤٧ إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ
وَتَوَلَّىٰ ٤٨ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ٤٩ قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ
كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ٥٠ قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ٥١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡيَمِّ	رود نیل.
يَكۡفُلُهُۥ	او را پرورش و شیر می‌دهد.
تَقَرَّ عَيۡنُهَا	دلش شاد و آسوده شود.
وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗا	تو را به شدت آزمودیم.
عَلَىٰ قَدَرٖ	بر اساس وقتی که برای ارسال تو مشخص شده است.
وَلَا تَنِيَا	سستی و کوتاهی نکنید.
يَفۡرُطَ	در مجازات ما عجله کند.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه محبتی از جانب خویش بر تو افکند و تو را همانند دوستانش، محبوب ساکنان زمین قرار دهد، ﴿وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ﴾

۲. با حکمت و علم و بدون ترس، به معروف امر و از منکر نهی کن، ﴿ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٤٣ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ﴾

۳. به نیت آموختن نحوۀ مباحثه در دعوت به سوی الله در مجلسی حاضر شو و به مزد و پاداش الهی امید داشته باش، ﴿قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ﴾

رهنمودها

۱. موسی و هارون هنگام دعوت فرعون فرمان یافتند در ذکر الله سستی نکنند؛ زیرا ذکر و یاد الله، کارها را بر انسان آسان می‌سازد، ﴿وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي﴾

۲. سخن نرم و ملایم هنگام دعوت به سوی الله، بهتر پذیرفته می‌شود و از نظر استدلال نیز قوی‌تر است، ﴿فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ﴾

۳. الله تعالی همراه دوستان و فرمانبردارانش است و از آنان محافظت می‌کند، ﴿قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ﴾

ترجمه آیات

آنگاه که آنچه را که [باید دربارۀ حفاظت از تو] الهام می‌شد به مادرت الهام کردیم: (۳۸) که: «او را در صندوقی بگذار و آن [صندوق] را به دریا [= رود نیل] بینداز تا دریا او را به ساحل بیفکند [و] دشمن من و دشمن او، آن را [از آب] بگیرد»؛ و از جانب خویش مهری [در دل‌ها] بر تو افکندم و [تو را حمایت کردم] تا تحت نظرم پرورش یابی. (۳۹) آنگاه که خواهرت [در پی صندوق تو] راه می‌رفت و [به کسانی که تو را از آب گرفتند] گفت: «می‌خواهید شخصی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟» پس تو را به مادرت بازگرداندیم تا چشمش [به دیدارت] روشن گردد و اندوهگین نباشد؛ و [بعدها] تو شخصی [قبطی] را کُشتی و ما از اندوه [و مجازاتِ قتل] نجاتت دادیم و تو را بارها آزمودیم. پس [از آن،] چند سال بین مردم مَدیَن به سر بردی؛ آنگاه ای موسی، بر [طبق] تقدیر [الهی و در زمان مقرر به اینجا] آمدی. (۴۰) و تو را برای خودم برگزیدم [تا پیامم را به مردم برسانی]. (۴۱) [اینک] تو و برادرت با نشانه‌های [قدرت و یگانگیِ] من روانه شوید و در [دعوت حق و] یاد کردنِ من سستی نورزید. (۴۲) به سوی فرعون بروید که او [کفر ورزیده و] سرکشی کرده است. (۴۳) پس به نرمی با او سخن بگویید؛ باشد که پند گیرد یا [از عذاب الهی] بترسد [و توبه کند]. (۴۴) [موسی و هارون] گفتند: «پروردگارا، ما بیمناکیم که بر ما پیشدستی نماید [و پیش از پایان دعوت، مجازاتمان کند] یا [در برابر سخن حق] سرکشی کند». (۴۵) [الله] فرمود: «نترسید [که] یقیناً من همراهتان هستم [و همه چیز را] می‌شنوم و می‌بینم. (۴۶) پس به سوی او بروید و بگویید: «ما رسولان پروردگارت هستیم. بنی‌اسرائیل را همراه ما بفرست و آنان را [تحقیر و] آزار نکن. به راستی که ما نشانه‌های روشنی از جانب پروردگارت برای تو آورده‌ایم؛ و سلامتی [از عذاب الهی] بر کسی است که از هدایت پیروی کند. (۴۷) در حقیقت، به ما وحی شده است که عذاب [دوزخ] بر کسی است که [آیات و معجزات را] تکذیب کند و [از دعوت پیامبرش] روی گرداند». (۴۸) [فرعون] گفت: «ای موسی، پروردگار شما کیست؟» (۴۹) [موسی] گفت: «پروردگار ما [همان] ذاتی است که به هر چیزی آفرینشِ [= ظاهر و ویژگی‌های مناسب] او را بخشیده و سپس [آن را] هدایت نموده است». (۵۰) [فرعون] گفت: «پس حال [و سرنوشت] نسل‌های گذشته [که کافر بوده‌اند] چیست؟» (۵۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «الله او را دوست داشت و محبوبِ مردم قرار داد.» ابن زید می‌آورد: «کاری کردم که هر کس تو را می‌دید، دوست می‌داشت، حتّی فرعون که از شرّ او جان سالم به در بردی و نیز آسیه دختر مزاحم تو را دوست داشت و به فرزندی برگزید.» قرطبی: ۱۴/ ۵۸.

پرسش: چه کسی بنده را محبوبِ دل‌های مردم می‌گرداند؟

۲ ﴿وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي﴾

اگر کسی بخواهد از میان مردم دوستی برای خود برگزیند و بخواهد آن دوست به کمال مطلوب برسد، تمام تلاش خویش را در این راه به کار می‌گیرد و از تمامی امکانات بهره می‌برد تا به آن‌چه دوست دارد برسد، پس به نظر تو اگر پروردگار توانا و کریم چنین اراده‌ای کند و فردی را برای خودش برگزیند، چه کار خواهد کرد؟ سعدی: ۵۰۶.

پرسش: آیۀ فوق چگونه بیانگر فضیلت موسی علیه السلام است؟

۳ ﴿ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي﴾

الله می‌فرماید: ضعیف و سست نشوید در این‌که مرا در اوامر و نواهی‌ام یاد کنید؛ این کار، اراده و تصمیم‌تان را قوی می‌گرداند و شما را ثابت‌قدم می‌سازد؛ چون هر گاه مرا به یاد آورید، نعمت‌های بی‌شماری را که به شما ارزانی داشتم، به یاد می‌آورید. طبری: ۱۸/ ۳۱۲.

پرسش: انسان دعوتگر چه فوایدی از یاد الله تعالی به دست می‌آورد؟

۴ ﴿ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٤٣ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ﴾

یحیی بن معاذ در تفسیر این آیه می‌گوید: «[پروردگارا!] در برابر کسی که ادّعای عبودیت دارد، این‌گونه نرمی و مدارا می‌کنی، پس برای کسی که تو را معبود یگانه می‌داند، چقدر مهربان هستی؟!.» قرطبی: ۱۴/ ۶۶.

پرسش: با توجه به آیه یکی از نشانه‌ها و مصادیق رحمت پروردگار به بندگان را بیان کنید.

۵ ﴿فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ﴾

هدف از دعوت پیامبران، حصول هدایت و راهنمایی و نه اظهار بزرگی و سرسختی بدون فایده است، اما در صورتی که نرمی در مخاطب اثر نبخشد و او اعراض کند و تکبّر ورزد، خشونت در برابر وی جایز است. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۲۵.

پرسش: مراد از حکمت در دعوت مردم چیست؟

۶ ﴿قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ﴾

فرعون نخواست بپرسد: پروردگار من کیست؟ بلکه گفت: پروردگار شما کیست؟ وی از این‌که اعتراف به ربوبیت الله کند هر چند با نقل سخن موسی و هارون باشد، اعراض نمود؛ تا مبادا پیروان و قومش چنین سخنی را از او بشنوند و گمان کنند وی در شناخت پروردگارش مردد است یا اعتراف کرده که پروردگاری دارد. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۳۲.

پرسش: چرا فرعون نپرسید پروردگار من کیست؟ بلکه گفت: پروردگار شما کیست؟

۷ ﴿قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ﴾

حسن و قتاده می‌گویند: الله خیر و منفعت هر چیزی را داد و آن را به آن‌چه خیر و صلاحش در آن بود، راهنمایی کرد. بغوی: ۳/ ۱۲۴.

پرسش: نعمت بخشش و هدایت الله بر مخلوقات را توضیح دهید.

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٥)

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَٰبٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿٥٢﴾ ٱلَّذِي
جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٥٣﴾ كُلُوا۟
وَٱرْعَوْا۟ أَنْعَٰمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ ﴿٥٤﴾ ۞ مِنْهَا
خَلَقْنَٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ
أَرَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا
مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ
فَٱجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا
سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى
﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم
مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ
وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ ﴿٦١﴾ فَتَنَٰزَعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا۟
ٱلنَّجْوَىٰ ﴿٦٢﴾ قَالُوٓا۟ إِنْ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم
مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ ﴿٦٣﴾
فَأَجْمِعُوا۟ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ٱئْتُوا۟ صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ ٱلْيَوْمَ مَنِ ٱسْتَعْلَىٰ ﴿٦٤﴾

ترجمه آیات

[موسی] گفت: «دانشِ آن در کتابی [=لوح محفوظ] نزد پروردگار من [ثبت] است. پروردگارم نه اشتباه می‌کند و نه فراموش می‌نماید. (۵۲) آن [معبودی] که زمین را برایتان [همچون] گهواره‌ای [محل آسایش] قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فروفرستاد و به وسیلهٔ آن، انواع گوناگون گیاهان را [از زمین] بیرون آوردیم. (۵۳) [هم خود از آن] بخورید و [هم] چهارپایانتان را [در آن] بچرانید. بی‌تردید، در این [امور،] نشانه‌هایی [از قدرت الهی] برای خردمندان است. (۵۴) شما را از آن [خاک] آفریدیم و به آن بازمی‌گردانیم و بار دیگر [در قیامت] از آن بیرون می‌آوریم. (۵۵) و به راستی [ما] همهٔ نشانه‌های [قدرت] خود [و صداقت رسالت موسی] را به او نشان دادیم؛ ولی [همه را] دروغ پنداشت و [دعوت حق را] نپذیرفت. (۵۶) [آنگاه] گفت: «ای موسی، آیا نزد ما آمده‌ای که با جادویَت ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟ (۵۷) یقیناً ما نیز جادویی مانند آن برایت می‌آوریم؛ پس در مکانی که [فاصله‌اش از هر دو طرف] یکسان باشد، وعده‌گاهی میان ما و خود تعیین کن که نه ما از آن خلاف کنیم و نه تو. (۵۸) [موسی] گفت: «وعده‌گاه شما روز عید باشد که [همهٔ] مردم پیش از ظهر جمع می‌شوند». (۵۹) آنگاه فرعون بازگشت و [تمام] نیرنگ و حیلهٔ خویش را جمع کرد و [همراه جادوگرانش به محل مورد نظر] آمد. (۶۰) موسی به آنان گفت: «وای بر شما! بر الله دروغ نبندید که با عذابی [سخت] نابودتان می‌سازد؛ و یقیناً هر کس [با فریب‌دادنِ مردم بر الله] دروغ بست، زیانکار گشت». (۶۱) [جادوگران پس از هشدار موسی] در کارشان میان خود اختلاف ورزیدند و پنهانی گفتگو کردند. (۶۲) [برخی از آنان] گفتند: «این دو [نفر] قطعاً جادوگرند [و] با جادوی خویش می‌خواهند شما را از سرزمینتان بیرون کنند و آیین [و راه و رسمِ] برتر شما را از میان بردارند. (۶۳) پس [همهٔ] نیرنگ خویش را فراهم کنید [و به کار بندید]؛ سپس در یک صف [برای مبارزه] به پیش آیید. بی‌تردید، هرکس امروز [بر دشمن] چیره شود، پیروز [و کامیاب] گشته است. (۶۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ﴾

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا﴾ یعنی: ذاتی که زمین را برای شما گستراند و به عنوان فرش قرار داد. موسی پروردگارش را با اوصافی توصیف می‌کند که امکان ندارد فرعون به صورت حقیقی یا مجازی، به آن‌ها متصف گردد. اگر می‌گفت الله قادر و رازق و امثال آن است، امکان داشت فرعون به مغالطه روی آورَد و چنین اوصافی را برای خودش ادعا نماید. ابن جزی: ۲۰/۲.

پرسش: دعوتگر موفق کسی است که دلیل و حجتی قانع‌کننده داشته باشد، این موضوع چگونه از لابه‌لای گفتگوی موسی ﷵ و فرعون برداشت می‌شود؟

۲ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ﴾

﴿لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ﴾ یعنی: نشانه‌هایی برای خردمندان است. مفرد ﴿ٱلنُّهَىٰ﴾، «نُهْيَة» است، و چون صاحبش را از زشتی‌ها و گناهان باز می‌دارد، به این اسم نامیده شده است. بغوی: ۳/ ۱۲۶.

پرسش: چرا الله خردمندان را ﴿أُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ﴾ نامیده است؟

۳ ﴿كُلُوا۟ وَٱرْعَوْا۟ أَنْعَٰمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ﴾

الله تعالی فقط از خردمندان نام برد، زیرا آنان از این نشانه‌ها فایده می‌برند و با دیدهٔ عبرت به آن‌ها می‌نگرند؛ دیگران همچون چهارپایان چرنده و علف‌خوارند که با دیدهٔ عبرت به این نشانه‌ها نگاه نمی‌کنند و به اهداف و مقاصد آن‌ها توجه ندارند؛ بلکه تمام بهره آنان همان بهره و فایده چهارپایان است که می‌خورند و می‌نوشند و دل‌های‌شان غافل و اعضای‌شان رویگردان است. سعدی: ۵۰۷.

پرسش: چه کسانی از نتایج و نشانه‌های نعمت و قدرت الهی فایده می‌برند و مقاصد آن‌ها را درک می‌کنند؟

۴ ﴿قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَٰمُوسَىٰ﴾

فرعون ادعا کرد آن‌چه موسی ﷵ به او نشان داده است، سحر و تزویر است و هدفش، اخراج قوم و پیروان فرعون از سرزمین‌شان و تسلّط بر آنان است. فرعون می‌خواست سخنش در دل قومش تاثیر بگذارد؛ چرا که سرشت آدمی به وطن متمایل است و خروج و جدایی از آن، برایش سخت و مشکل است. سعدی: ۵۰۸.

پرسش: چرا فرعون این مورد را برگزید که موسی ﷵ را متهم کند به این‌که قصد دارد فرعون و قومش را از سرزمین‌شان براند؟

۵ ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى﴾

موسی این روز را تعیین کرد تا برتری کلمهٔ توحید، غلبه و ظهور دین الهی، رسوایی فرعون کافر و شکست باطل، در ملأ عام و در جمع انبوه مردم صورت گیرد؛ به این هدف که میل و گرایش کسانی که متمایل به حقیقت هستند، قوی گردد و قدرت افراد باطل و لشکریان‌شان سست و ضعیف شود و این امور در هر شهر و روستایی انتشار یابد. قرطبی: ۱۴/ ۸۶.

پرسش: چرا موسی ﷵ با بنی‌اسرائیل وعده گذاشت در روز جشن و اجتماع مردم، با جادوگران مبارزه کند؟

۶ ﴿فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ﴾

جمع کردنِ مکر و کید به معنای تدبیر و بررسی روش مناظره با موسی ﷵ، آماده‌کردن تمامی ترفندها برای اظهار برتری ساحران علیه او و قانع‌کردن حاضران به این‌که موسی ﷵ هیچ دلیل و برهانی ندارد است. این روش از قدیم در مناظره‌ها مرسوم بوده است؛ به گونه‌ای که فرد مناظره‌کننده تمامی تلاشش را برای آشکارکردن بطلان دلیل و برهان طرف مقابل به کار می‌گیرد و از تمامی امکانات و وسایل نیرنگ و رسوایی استفاده می‌کند و مواردی را به کار می‌برد که قدرت و فکر طرف مقابل را سست و ضعیف و تدبیرش را نابود گرداند. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۴۷.

پرسش: در آیه یکی از شیوه‌های فرعونی برای مناظره با طرف مقابل بیان شده است، این شیوه کدام است؟

۷ ﴿فَأَجْمِعُوا۟ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ٱئْتُوا۟ صَفًّا﴾

در یک صف قرار بگیرید تا کارتان بهتر انجام شود و تاثیر بیشتری بر دل‌ها گذارَد و همگی نهایت تلاش را در این زمینه به کار بگیرید. سعدی: ۵۰۸.

پرسش: چرا ساحران از یکدیگر خواستند در صف حاضر شوند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَهْدًا	آمادهٔ بهره‌برداری.
سُبُلًا	راه‌هایی.
لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ	برای صاحبان عقل سلیم.
سُوًى	مسطح و صاف.
يَوْمُ ٱلزِّينَةِ	روز عید.
فَيُسْحِتَكُم	شما را از میان برمی‌دارد.
بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ	راه و رسم بزرگ جادو.

عمل به آیات

۱. از طریق ایراد سخنرانی یا ارسال پیام، خطر سحر را برای دیگران بیان کن، ﴿فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ فَٱجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى﴾

۲. به همراه یک یا چند نفر از دوستانت، ساحر یا شعبده‌باز یا فال‌بین یا کسی را که آشکارا مرتکب گناه می‌شود نصیحت و به توبه دعوت بده، و گناه بزرگش و مغفرت و رحمت زیاد و فراوان الله را به او یادآوری کن، ﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ﴾

۳. بر منکری که میان دوستانت می‌بینی اعتراض کن، ﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ﴾

رهنمودها

۱. مناظره برای پیروزگردانیدن حق و باطل‌کردن باطل جایز است، ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى﴾

۲. فقط بر اساس علم و بصیرت و دلیل مناظره کن، ﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى﴾

۳. دعوتگران و طالبان علم، در همکاری برای رساندن دعوت به دیگران و تبلیغ دین، سزاوارتر از دیگران هستند، ﴿فَأَجْمِعُوا۟ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ٱئْتُوا۟ صَفًّا﴾

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٦)

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلۡ
أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا
تَسۡعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ
أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ
كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدٗا
قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ
لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ
أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ
ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ ﴿٧٢﴾ إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغۡفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكۡرَهۡتَنَا
عَلَيۡهِ مِنَ ٱلسِّحۡرِۗ وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا
فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ﴿٧٤﴾ وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ
عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ ﴿٧٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَأَوۡجَسَ	دانست و در نفسش احساس کرد.
تَلۡقَفۡ	می‌بلعد.
مِّنۡ خِلَٰفٖ	دست و پا بر خلاف یکدیگر، یعنی دست یک سمت و پای سمت دیگر قطع می‌شود.
نُّؤۡثِرَكَ	تو را ترجیح می‌دهیم.
فَطَرَنَا	ما را آفرید و پدید آورد.
فَٱقۡضِ	انجام بده و حکم کن.

عمل به آیات

۱. با ارسال پیامی، از سحر و ساحران برحذر دار، ﴿وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دینت پایدار گردان»، ﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَا﴾

۳. با ارسال پیامی، بشارت بده که تهدیدهای سرکشان و طاغوتیان واقع نمی‌شود؛ زیرا حکم اول و آخر از آنِ الله است، ﴿فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ﴾

رهنمودها

۱. یکی از نشانه‌های کم‌خِرَدی طاغوتیان این است که پیروان حق را با زور و شکنجه تهدید می‌کنند، ﴿فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ﴾

۲. دعوتگر هنگام رویارویی با تهدید یا شکنجه، اگر آن را با عذاب آخرت مقایسه کند، تهدید و شکنجه بر او آسان می‌گردد و بر صبرش افزوده می‌شود، ﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ﴾

۳. هنگام سختی و دشواریِ آزمایش، گشایش نزدیک می‌شود، ﴿فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ﴾

ترجمه آیات

[جادوگران] گفتند: «ای موسی، آیا تو [آنچه را با خود داری] می‌افکنی یا [ما] نخستین کسی باشیم که می‌افکنَد؟» (۶۵) [موسی] گفت: «[نه،] بلکه، شما بیفکنید». ناگاه ریسمان‌ها و چوبدستی‌های آنان از جادویشان چنان به نظرش رسید که گویی به شتاب می‌خزند. (۶۶) پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷) گفتیم: «نترس [که] تو قطعاً [پیروز و] برتری. (۶۸) و آنچه را که در دست راست خود داری بیفکن تا [تمام] آنچه را که ساخته‌اند ببلعد. بی‌تردید، آنچه آنان ساخته‌اند، فقط نیرنگِ جادوگر است و جادوگر هر جا که باشد [و هر چه کند]، پیروز نمی‌گردد». (۶۹) [هنگامی‌که موسی عصایش را بر زمین انداخت، به مار بزرگی تبدیل شد و ساخته‌های آنان را بلعید] آنگاه جادوگران به سجده افتادند [و] گفتند: «به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم». (۷۰) [فرعون] گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگِ شماست که به شما جادوگری آموخته است. پس قطعاً دست و پای شما را بر عکس یکدیگر [از چپ و راست] قطع می‌کنم و همگی‌تان را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم و آنگاه خوب خواهید دانست که عذاب [و شکنجهٔ] کدام یک از ما سخت‌تر و پاینده‌تر است؛ [من یا پروردگارِ موسی]». (۷۱) [جادوگران] گفتند: «هرگز [پیروی از] تو را بر این دلایل روشنی که برایمان آمده است و [همچنین] بر آن که ما را آفریده است ترجیح نمی‌دهیم؛ پس به هر حکمی که می‌خواهی، حکم کن. تو فقط می‌توانی در زندگیِ این دنیا حکم کنی. (۷۲) بی‌تردید، ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از جادوگری بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و الله بهتر و پاینده‌تر است». (۷۳) هرکس در پیشگاهِ پروردگارش، گناهکار حاضر شود، یقیناً آتش دوزخ برای اوست؛ در آنجا نه می‌میرد [که رهایی یابد] و نه [به خوشی] زندگی کند. (۷۴) و هرکس مؤمن نزد او تعالی بیاید در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، اینان درجات عالی دارند. (۷۵) باغ‌های جاودان [بهشت] که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است. همیشه در آن خواهند بود؛ و این است پاداش کسی که خود را [از آلودگی‌های شرک و گناه] پاک کرده است. (۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ﴾

ساحران به موسی علیه‌السلام حق انتخاب دادند، زیرا گمان می‌کردند در هر صورت بر وی غلبه خواهند کرد. سعدی: ۸۰۵.

پرسش: اعتماد پیروان باطل به خودشان، اعتماد انسان مؤمن به پروردگارش را ضعیف نمی‌گرداند، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۲ ﴿فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ﴾

اقتضای سرشت بشر همین است وگرنه موسی علیه‌السلام به وعده و کمک الله تعالی یقین داشت. سعدی: ۵۰۸.

پرسش: چرا ترس در دل موسی علیه‌السلام افتاد؟ آیا به وعدهٔ الهی شک و تردید داشت؟

۳ ﴿وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ﴾

آیهٔ فوق هر نوع رستگاری و خیری را از فرد ساحر نفی می‌کند و با آوردن عبارت ﴿حَيۡثُ أَتَىٰ﴾، این مورد را به تمامی مکان‌ها تعمیم داد، که این امر دلیل و نشانهٔ کفر ساحر است؛ چون کافر که هیچ خیری در او وجود ندارد از هر نوع رستگاری و توفیق محروم می‌شود. شنقیطی: ۴/ ۳۹.

پرسش: چرا انسان ساحر، از هر نوع رستگاری و توفیق محروم است؟

۴ ﴿قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ﴾

وقتی فرعون دید که ساحران ایمان آوردند، خشم گرفت و خواست آنان را مجازات کند، ولی دانست که مجازات آنان به سبب ایمان‌آوردن به موسی پس از انجام مناظره، به معنای زیر پا گذاشتن اصول مناظره است؛ بنابراین - برای گرفتن انتقام از کسانی که ایمان آوردند و برای این‌که خودش را آسوده کند- ایمان‌آوردن آنان را پیش از این‌که او اجازه دهد، جرأت و جسارت علیه خود معرفی کرد. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۶۳.

پرسش: یکی از ویژگی‌های افراد شکست‌خورده، ایجاد و بیان بهانه‌های بی‌اساس است. این مورد را با توجه به آیه توضیح دهید.

۵ ﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ﴾

ساحران به صراحت اظهار کردند که تهدید و مجازات فرعون را ناچیز و بی‌ارزش می‌دانند؛ چون اکنون به ایمان و یقین رسیده‌اند. حال و رفتار ایمان‌آورندگان به پیامبران زمانی که انوار رسالت بر آنان بتابد، این‌گونه است که به سرعت از نادانی و قساوت کفر به حکمت و پایداری ایمان می‌رسند. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۶۶.

پرسش: وقتی انوار رسالت بر دل مومنان بتابد به چه حالی دست می‌یابند؟

۶ ﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ﴾

این سخن ساحران نشان می‌دهد که انسان خردمند باید خوشی‌های دنیوی و لذت‌های اخروی و نیز مجازات دنیوی و اخروی را با هم مقایسه کند. سعدی: ۵۰۹.

پرسش: وقتی با یکی از لذت‌های حرام دنیوی روبه‌رو شوی، این آیه تو را به شیوه و روشی راهنمایی می‌کند که از آن شهوت رهایی یابی، این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ﴾

به گونه‌ای که از زندگی خود فایده‌ای نمی‌برد و با مرگ، آسوده نمی‌شود. بنابر قولی: روح کافر معلّق به حلقوم اوست، چنان‌که الله تعالی خبر داده است. بنابراین از وی جدا نمی‌شود که بمیرد و نیز آن‌گونه در وجودش قرار نمی‌گیرد که زنده بماند. قرطبی: ۱۴/ ۱۰۷.

پرسش: سختی عذاب الهی بر انسان کافر را در این‌که او را میان مرگ و زندگی قرار می‌دهد توضیح دهید.

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٧)

وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا
فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ ﴿٧٧﴾ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ
بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ
وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ
جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُواْ مِن
طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ
وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ
وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ ۞وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن
قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ
رَبِّ لِتَرۡضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗاۚ قَالَ
يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًاۚ أَفَطَالَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡعَهۡدُ
أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُم
مَّوۡعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ
أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَسۡرِ	شبانه خارج کن.
دَرَكٗا	دستیابی.
ٱلۡمَنَّ	غذایی مانند عسل.
وَٱلسَّلۡوَىٰ	پرنده‌ای مانند مرغ بلدرچین.
عَلَىٰٓ أَثَرِي	پشت سرم هستند و به‌زودی به من ملحق می‌شوند.
بِمَلۡكِنَا	به اختیار و قدرت خودمان.
مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ	از زیورآلات قوم فرعون.

عمل به آیات

۱. بگو: «پروردگارا تمام ستایش‌ها از آنِ توست، مرا از فلان مصیبت نجات دادی، مرا از فلان فتنه حفظ کردی، مرا از فلان و فلان اندوه رهانیدی»، ﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ﴾

۲. از اسباب خشم الله به او تعالی پناه ببر، ﴿وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ﴾

۳. هنگام خوردن غذا و بعد از آن نام الله تعالی را بر زبان آور و از اسراف و فخرفروشی بپرهیز، ﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِي﴾

رهنمودها

۱. به وعدۀ الله تعالی یقین داشته باش و از باطل و پیروانش نترس، ﴿وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ﴾

۲. اسراف و ستم و ناسپاسی نعمت‌ها، حرام است، ﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِي﴾

۳. پیامبران از انجام معصیت یا ترک طاعت غمگین و اندوه‌زده می‌شدند، ﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا﴾

ترجمه آیات

و به راستی [ما] به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه [از مصر بیرون] ببر، سپس در دریا راهی خشک برایشان بگشا، که نه از تعقیب [دشمنان] خواهی ترسید و نه [از غرق شدن در دریا] بیم داری. (۷۷) آنگاه فرعون با سپاهیانش آنان را دنبال کرد و آب دریا آنان را فروپوشاند؛ چنان پوشاندنی [که حقیقتش را کسی جز الله نمی‌داند]. (۷۸) و [بدین‌سان] فرعون قوم خود را گمراه نمود و هدایت نکرد. (۷۹) ای بنی‌اسرائیل، به راستی [ما] شما را از [چنگ] دشمنانتان نجات دادیم و در سمت راست [کوه] طور با شما وعده گذاشتیم [تا تورات را نازل کنیم] و بر شما تَرَنجَبین و بلدرچین فروفرستادیم. (۸۰) از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود می‌آید؛ و هرکس که خشم من بر او فرود آید، قطعاً هلاک می‌گردد. (۸۱) و یقیناً من آمرزندۀ کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته کند و آنگاه بر هدایت [خود باقی] بماند. (۸۲) ای موسی، چه چیز موجب شد که جلوتر از قومت [به سوی وعده‌گاهِ طور] بشتابی؟ (۸۳) [موسی] گفت: «پروردگارا، آنان به دنبالم می‌آیند و من به سویت شتافتم تا [از من] راضی گردی». (۸۴) [الله] فرمود: «پس [بدان که] ما قومت را پس از [رفتنِ] تو آزمودیم و سامری گمراهشان کرد». (۸۵) آنگاه موسی خشمگین [و] اندوهناک به سوی قومش بازگشت [و] گفت: «ای قوم من، مگر پروردگارتان [دربارۀ نزول تورات] وعدۀ نیکو به شما نداده بود؟ آیا بر پیمان شما [با الله] زمانی طولانی گذشت [و همه را از یاد بردید] یا خواستید خشمی از [سوی] پروردگارتان بر شما فرود آید که وعدۀ مرا خلاف کردید؟» (۸۶) آنان گفتند: «[ما] به اختیار خود پیمان تو را نشکستیم؛ ولی بارهای سنگینی از زر و زیورهای قوم [فرعون] را که بر ما نهاده بودند [در آتش] انداختیم و سامری نیز [آنچه را که ادعا می‌کرد خاکِ سُمِ اسب جبرئیل است، در آتش] انداخت». (۸۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ﴾

الله تعالی از وعده‌اش به موسی عليه السلام نام برد و نامی از قومش نیاورد؛ چرا که او اسوه و پیشوای‌شان بود و نترسیدن وی باعث شجاعت و یقین بیشتر قومش می‌شد. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۷۰.

پرسش: چرا در این آیه، وعدۀ نترسیدن از افتادن به دست فرعونیان، فقط به موسی عليه السلام نسبت داده شد و نامی از قومش نیامد؟

۲ ﴿وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: ستم نکنید. کلبی می‌آورد: از نعمت ناسپاسی نکنید که ستمکار و متجاوز می‌گردید. بنابر قولی: نعمت‌هایم را در نافرمانی من به کار نبرید. بنابر قولی دیگر: نعمت‌هایم شما را بر انجام گناهان قوی نگرداند. بغوی: ۳/ ۱۳۴.

پرسش: چه زمانی بنده به مرحلۀ طغیان و تجاوز می‌رسد و بدین سبب، مجازات الهی نازل می‌گردد؟

۳ ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ﴾

تمام اسباب مغفرت منحصر در این موارد است: توبه، گناهان گذشته را از بین می‌برد؛ ایمان و اسلام گناهانی را که قبل از اسلام انجام شده است نابود می‌گردانند؛ اعمال نیک، بدی‌ها را از بین می‌برد و نیز پیمودن راه هدایت با تمامی انواعش؛ همچون فراگیری دانش، تدبر در یک آیه یا حدیث به گونه‌ای که باعث هدایت انسان شود، دعوت به دین حق، رد بدعت و کفر و گمراهی، جهاد، هجرت و سایر موارد هدایت، سبب آمرزش گناهان می‌شوند و انسان را به هدف مطلوب می‌رسانند. سعدی: ۵۱۱.

پرسش: سه مورد از اسباب مغفرت در آیه بیان شده است، آن‌ها را نام ببرید.

۴ ﴿وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ﴾

وقتی الله به موسی عليه السلام فرمان داد همراه بنی‌اسرائیل به کوه طور برود، خود موسی به تنهایی برای اجابت فرمان الهی و کسب رضایت او پیشقدم شد و به بنی‌اسرائیل دستور داد در پی او بیایند و برادرش هارون را به عنوان جانشین خود میان آنان تعیین کرد، اما سامری آنان را به عبادت گوساله فرا خواند. ابن جزی: ۲/ ۲۳.

پرسش: چه چیزی باعث شد که موسی عليه السلام در رفتن به کوه طور عجله کند؟

۵ ﴿وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضَىٰ﴾

یعنی: برای آمدن به محلی که مرا برای رفتن به آن‌جا فرمان دادی، شتاب گرفتم تا از من خشنود شوی. قرطبی: ۱۴/ ۱۱۷.

پرسش: چه صفتی بر رضایت الله تعالی از انسان عبادتگزار می‌افزاید؟

۶ ﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا﴾

یعنی: پس از این‌که الله تعالی وی را از این موضوع باخبر کرد، با خشم و غضب کامل بر قومش بازگشت؛ زیرا عنایت زیادی به آنان داشت و توراتی را که مشتمل بر شریعت‌شان بود، گرفت. این امر، مایۀ برتری و فضیلت آنان بود، ولی غیر الله را عبادت کردند. ابن کثیر: ۳/ ۱۵۷.

پرسش: پیامبران و دعوتگران، مهربان‌ترین مردم نسبت به امت هستند، این مطلب را با توجه به آیه، توضیح دهید.

۷ ﴿قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ﴾

تمام عذر و بهانه این افراد جاهل همین بود که: از زینت قوم فرعون چشم‌پوشی کردند و آن‌ها را در آتش افکندند و گوساله را عبادت کردند؛ یعنی در نتیجه، گناه کوچکتری را ترک کردند و گناه بزرگتری انجام دادند. شنقیطی: ۴/ ۸۷.

پرسش: با توجه به آیه، ضرر تقوا و پرهیزگاری را در صورتی که از روی نادانی باشد توضیح دهید.

فَأَخۡرَجَ لَهُمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٞ فَقَالُواْ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمۡ
وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا
وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ
مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي ﴿٩٠﴾ قَالُواْ لَن نَّبۡرَحَ عَلَيۡهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرۡجِعَ
إِلَيۡنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾
أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي
وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطۡبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ
بَصُرۡتُ بِمَا لَمۡ يَبۡصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضۡتُ قَبۡضَةٗ مِّنۡ أَثَرِ
ٱلرَّسُولِ فَنَبَذۡتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ
فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ
مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ
عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَآ
إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمٗا ﴿٩٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
جَسَدٗا	مجسمه‌ای از طلا.
لَّهُۥ خُوَارٞ	صدایی مانند صدای گاو داشت.
لَن نَّبۡرَحَ	پیوسته خواهیم بود.
وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي	سفارشم را در مورد توجه نیکو به آنان رعایت نکردی.
بَصُرۡتُ	دیدم یا با بصیرت دانستم.
لَا مِسَاسَ	یعنی مطرود باشی و به همه بگویی: تو را لمس نمی‌کنم و تو هم مرا لمس نکن.

عمل به آیات

۱. منکری را که نمی‌توانی با دست تغییر دهی، با زبان و قلب ناپسند بدار، ﴿وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي﴾

۲. محاسن را نگهدار و نتراش، زیرا نگهداشتن محاسن سنت پیامبران است، ﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓ﴾

۳. از نفس امرکننده به بدی که گناه را می‌آراید به الله پناه ببر، ﴿وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي﴾

رهنمودها

۱. نکوهش و سرزنش، برادریِ ایمانی را از بین نمی‌برد، ﴿قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي﴾

۲. پاسخ نیکو و خطاب نرم به انسان خشمگین، یکی از راه‌های آرام‌کردن اوست، ﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓ﴾

۳. زدودن باطل از دل مردم باید با مستحکم‌ترین روش باشد تا آنان را به بطلانِ باطل قانع سازد، ﴿وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا﴾

ترجمه آیات

سپس مجسمهٔ گوساله‌ای برایشان ساخت که صدایی [همچون صدای گوساله] داشت. [سامری و پیروانش به مردم] گفتند: «این معبود شما و معبود موسی است که آن را فراموش [و اینجا رها] کرده است». (۸۸) آیا نمی‌دیدند که [این گوساله] هیچ پاسخی به آنها نمی‌دهد و هیچ زیان و سودی برایشان ندارد؟ (۸۹) و در حقیقت، پیش از آن [که موسی بازگردد،] هارون نیز به آنها گفته بود: «ای قوم من، جز این نیست که شما با این [گوساله] امتحان شده‌اید و بی‌تردید، پروردگار [حقیقیِ] شما [الله] رحمان است؛ پس پیرو من باشید و از فرمانم اطاعت کنید». (۹۰) [آنان] گفتند: «ما پیوسته بر این [عبادت گوساله] می‌مانیم تا موسی نزدمان بازگردد». (۹۱) [وقتی موسی بازآمد] گفت: «ای هارون، هنگامی که دیدی آنان گمراه شده‌اند، چه چیزی تو را از پیرویِ من بازداشت [و چرا آنان را ترک نکردی]؟ آیا از فرمانم سرپیچی کردی؟» (۹۲ و ۹۳) [هارون] گفت: «ای پسر مادرم، ریش و [موی] سرم را نگیر. در حقیقت، ترسیدم که بگویی میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سخن [و سفارش] مرا به کار نبستی». (۹۴) [موسی] گفت: «ای سامری، این چه کاری است که کردی؟» (۹۵) او گفت: «من چیزی را دیدم که آنان ندیدند و مُشتی از خاک پای [اسبِ] فرستاده [= جبرئیل] را برداشتم و [در پیکر گوساله] انداختم و [هوای] نفسم [این کار را] اینچنین برایم آراست». (۹۶) [موسی] گفت: «پس برو. بی‌تردید، بهرهٔ تو در زندگی این است که [چنان مطرود شوی که به مردم] بگویی: "[به من] دست نزنید"؛ و وعده‌گاهی [برای عذاب] خواهی داشت که هرگز از آن تخلف نخواهد شد؛ و [اکنون] به آن معبودی که پیوسته در عبادتش بودی بنگر؛ آن را می‌سوزانیم، آنگاه [که کاملاً خاکستر شد،] در دریا پراکنده‌اش می‌سازیم». (۹۷) [ای مردم،] معبود شما الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست و علمش همه چیز را فراگرفته است. (۹۸)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا﴾
الله تعالی ضرر را بر منفعت مقدم کرد تا عذر و بهانه‌ای برای آنان در عبادت گوساله باقی نماند؛ زیرا عذر و بهانه کسی که از ضرر می‌ترسد قوی‌تر از عذر و بهانه کسی است که به منفعت میل دارد. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۸۹.
پرسش: چرا در آیه، ضرر بر منفعت مقدم شد؟

❷ ﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا﴾
همین که این گوساله از ویژگی‌های موجودی عاقل، برخوردار نیست باعث پند و عبرت است؛ زیرا آن را می‌خوانند و ثنا و تمجید می‌گویند، ولی گوساله ساکت است و به آنان پاسخ نمی‌دهد، در حالی که اگر خِرَد داشته باشد، باید به ستایش و تمجید یا درخواست آنان پاسخ گوید و عکس العمل نشان دهد. ابن عاشور: ۱۶/ ۲۸۸.
پرسش: یکی از دلایل بطلان عبادت معبودان و نمادهای‌شان و ضریح‌ها و بارگاه‌ها و قبرها این است که پاسخ پیروان و عبادتگزاران‌شان را نمی‌دهند. نحوهٔ دلالت آیه بر این مطلب را بیان کنید.

❸ ﴿قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي﴾
دلیلی است بر امر به معروف و نهی از منکر و تغییر آن و دوری از گنهکاران و این‌که هر کس در میان گناهکاران بماند- به‌ویژه اگر به گناه راضی باشد- حکم انسان‌های گناهکار را دارد. قرطبی: ۱۴/ ۱۲۴.
پرسش: مؤمنان چه اصل مهمی از لابه‌لای این آیه به دست می‌آورند؟

❹ ﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓ﴾
با وجود این‌که هر دو از یک پدر و مادر بودند موسی هارون را برادرِ مادریِ خویش خطاب کرد؛ چون بیان نام مادر در این مواقع، باعث ایجاد عطوفت و مهربانی بیشتری می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۱۵۹.
پرسش: چرا هارون، موسی ؈ را با عبارت ﴿يَبۡنَؤُمَّ﴾ صدا زد، با وجود این‌که هر دو از یک پدر و مادر بودند؟

❺ ﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓ﴾
آیهٔ فوق به انضمام آیه سورهٔ «انعام»، بر لزوم انبوه و بلندگردانیدن ریش دلالت می‌کند و دلیلی قرآنی مبنی بر گذاشتن و نتراشیدن ریش به شمار می‌رود. منظور از آیهٔ سوره «انعام»، این آیه است: ﴿وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ﴾ [الأنعام: ۸۴]؛ «و از فرزندان او داود، و سلیمان، و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم).» الله تعالی پس از بیان نام چند پیامبر می‌فرماید: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡۗ﴾ [الأنعام: ۹۰]؛ «آنان کسانی هستند که الله هدایت‌شان کرده است؛ پس به روش آنان اقتدا کن.» بنابراین هارون از پیامبرانی است که رسول الله ﷺ دستور یافت از آنان پیروی کند و ما نیز مورد خطاب این فرمان هستیم؛ زیرا صدور فرمان بر رهبر و الگو به معنای صدور فرمان بر پیروانش نیز است. شنقیطی: ۴/ ۹۲.
پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر وجوب بلند و انبوه‌گردانیدنِ ریش را بیان کنید.

❻ ﴿قَالَ فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥ﴾
آیه دلیلی بر طرد بدعتگذاران و گناهکاران است. پیامبر ﷺ با کعب بن مالک ؓ و سه نفری که از رفتن به غزوه تبوک سر باز زدند، همین برخورد را انجام داد. قرطبی: ۱۴/ ۱۳۰.
پرسش: در عصر حاضر دعوتگران به بدعت و گمراهی زیاد شده‌اند، در پرتو این آیه، چگونه با آنان رفتار کنیم؟

❼ ﴿وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا﴾
موسی ؈ گوساله را سوزاند و خاکسترش را در دریا افکند. اگر گوساله، معبود برحق می‌بود، قطعاً نمی‌گذاشت کسی زیان و آسیبی به او برساند و از خودش دفاع می‌کرد. محبت گوساله در دل‌های بنی‌اسرائیل نهادینه شده بود و از این رو، موسی ؈ خواست - در برابر چشم آنان- گوساله را به صورتی از بین ببرد که امکان بازگشت آن وجود نداشته باشد؛ یعنی آن را بسوزاند و خاکسترش را به دریا بریزد تا همان‌گونه که اعضایش از بین می‌رود، محبتش در دل‌ها نیز از بین برود. سعدی: ۵۱۲.
پرسش: چرا موسی ؈ گوساله را به روش مذکور نابود کرد؟

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] این گونه از اخبار [و داستان‌های پیامبران] گذشته بر تو حکایت می‌کنیم؛ و به راستی که [ما] از جانب خویش به تو قرآنی [پندآموز] داده‌ایم. (۹۹) هرکس از آن رویگردان شود، یقیناً روز قیامت بارِ سنگینی [از گناه] بر دوش خواهد کشید. (۱۰۰) جاودانه در آن [عذاب] خواهند ماند؛ و چه بد است باری که [کافران] در قیامت خواهند کشید! (۱۰۱) روزی که در «صور» دمیده می‌شود و در آن روز، مجرمان را [که بسیار ترسیده‌اند، با چشم و بدنِ] کبود جمع می‌کنیم. (۱۰۲) بین خود آهسته سخن می‌گویند: «[شما] بیش از ده روز [در دنیا] به سر نبرده‌اید». (۱۰۳) ما به آنچه آنان می‌گویند داناتریم؛ آنگاه که خردمندترینشان می‌گوید: «[شما] تنها یک روز به سر برده‌اید». (۱۰۴) و [ای پیامبر،] از تو دربارهٔ کوه‌ها [در قیامت] می‌پرسند؛ بگو: «پروردگارم آنان را سخت متلاشی [و پراکنده] می‌کند؛ (۱۰۵) و آنها را صاف و هموار خواهد نمود؛ (۱۰۶) [همچون زمینی] که در آن هیچ پستی و بلندی‌ای نمی‌بینی». (۱۰۷) در آن روز، [همهٔ مردم] بدون هیچ مخالفتی از دعوت‌کنندهٔ [الهی] پیروی می‌کنند و صداها در مقابل [الله] رحمان به خاموشی می‌گراید و جز صدایی آهسته [و زیر لب، چیزی] نمی‌شنوی. (۱۰۸) در آن روز، شفاعت [هیچ کس] سودی ندارد، مگر کسی که [الله] رحمان به او اجازه دهد و سخنش را بپسندد. (۱۰۹) [الله] آنچه را که انسان‌ها [در آخرت] در پیش دارند و آنچه را که [در دنیا] پشت سر گذاشته‌اند [همه را] می‌داند؛ ولی دانش آنان او را فرانمی‌گیرد. (۱۱۰) و چهره‌ها در برابر [پروردگارِ] زندهٔ پایدار، خوار می‌گردد و هرکس [بارِ] ستم برداشت، زیان دید. (۱۱۱) و کسی که از کارهای شایسته انجام دهد، و مؤمن باشد، نه از هیچ ستمی می‌هراسد و نه از کاستن [پاداش اعمال نیکش]. (۱۱۲) و اینچنین آن را قرآنی [به زبان] عربی نازل کردیم و هشدارهای گوناگون در آن بیان نمودیم؛ باشد که [از عذاب الهی] بپرهیزند یا [این کتاب] برایشان پندی پدید آوَرد. (۱۱۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَۚ وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا﴾

هدف از بیان قصه‌ها و اخبار امت‌ها گذراندن وقت یا سرگرمی شنوندگان نیست، بلکه به هدف عبرت و موعظه و هشدار به مشرکان عرب حکایت شده‌اند تا از این قصه‌ها پند گیرند. ابن عاشور: ۱۶/ ۳۰۲.

پرسش: هدف از بیان قصه‌ها در قرآن کریم چیست؟

۲ ﴿وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا﴾

﴿ذِكْرًا﴾ قرآن کریم است که اخبار گذشته و آینده را بیان می‌کند تا اسما و صفات کامل الهی، احکام مربوط به امر و نهی و جزا و پاداش را یادآوری و تبیین کند. سعدی: ۵۱۲.

پرسش: چرا قرآن کریم، «ذکر» نامیده شده است؟

۳ ﴿يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا﴾

یعنی: مخفیانه به یکدیگر می‌گویند: در دنیا فقط به مدت ده شب درنگ کردید؛ زیرا مدت زمان ماندن در دنیا را اندک می‌دانند. بنابر قولی: مدت زمانِ ماندن در قبرها منظور آنان است. ﴿يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا﴾: یعنی: داناترین‌شان به امور می‌گوید فقط یک روز مانده‌اید. و او این مدت را بسیار کمتر از دیگران دانست. ابن جزی: ۲/ ۲۴.

پرسش: آیه فوق چگونه بیانگر بی‌ارزشی دنیاست؟

۴ ﴿يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا﴾

پشیمانی بزرگ منظور است، که این اوقاتِ کوتاه را تباه کردند و با غفلت گذراندند، از آن‌چه به نفع‌شان بود روی گرداندند و به دنبال ضرر و زیان خود برآمدند؛ اما اکنون مجازات و عذاب، حاضر شده و تهدید محقق گشته و چیزی جز پشیمانی و حسرت و افسوس باقی نمانده است!. سعدی: ۵۱۳.

پرسش: این خبر در مورد عذاب گناهکاران، چه فایده‌ای در بر دارد؟

۵ ﴿وَعَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِلْحَيِّ ٱلْقَيُّومِۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾

واژهٔ «وجوه» کنایه از مردم است؛ چون آثار و نشانه‌های خواری در صورت نمایان می‌شود. قرطبی: ۱۴/ ۱۴۲.

پرسش: چرا در آیه، کلمهٔ «وجوه» بیان شد؟

۶ ﴿وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾

زیرا عمل بدون ایمان پذیرفته نمی‌شود. قرطبی: ۱۴/ ۱۴۳.

پرسش: جایگاه و تاثیر ایمان را در پذیرش اعمال نیکو بیان کنید.

۷ ﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ ٱلْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾

این صفت مفیدِ مدح است؛ زیرا زبان عربی از بلیغ‌ترین، فصیح‌ترین و منسجم‌ترین زبان‌هاست. ابن عاشور: ۱۶/ ۳۱۴.

پرسش: توصیف قرآن به عربی، چه نتیجه و فایده‌ای دارد؟

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣١٩)

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ مَا قَدۡ سَبَقَۚ وَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ مِن لَّدُنَّا
ذِكۡرٗا ﴿٩٩﴾ مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا
﴿١٠٠﴾ خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ﴿١٠١﴾ يَوۡمَ يُنفَخُ
فِي ٱلصُّورِۚ وَنَحۡشُرُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ زُرۡقٗا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَٰفَتُونَ
بَيۡنَهُمۡ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا عَشۡرٗا ﴿١٠٣﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذۡ يَقُولُ
أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا يَوۡمٗا ﴿١٠٤﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡجِبَالِ
فَقُلۡ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسۡفٗا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعٗا صَفۡصَفٗا ﴿١٠٦﴾
لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجٗا وَلَآ أَمۡتٗا ﴿١٠٧﴾ يَوۡمَئِذٖ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ
لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا
﴿١٠٨﴾ يَوۡمَئِذٖ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ
قَوۡلٗا ﴿١٠٩﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ
عِلۡمٗا ﴿١١٠﴾ ۞وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ
ظُلۡمٗا ﴿١١١﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ
ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ﴿١١٢﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا وَصَرَّفۡنَا
فِيهِ مِنَ ٱلۡوَعِيدِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ أَوۡ يُحۡدِثُ لَهُمۡ ذِكۡرٗا ﴿١١٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
زُرْقًا	علاوه بر سیاهی چهره‌های‌شان، چشم‌های‌شان کبود می‌شود.
يَتَخَٰفَتُونَ	با یکدیگر پنهانی و سرّی سخن می‌گویند.
أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً	داناترین و عاقل‌ترین آنان.
قَاعًا	زمینی صاف و بدون گیاه.
صَفْصَفًا	مسطح.
أَمْتًا	مکانی بلند و برآمده.
وَعَنَتِ	خوار و فروتن می‌شود.
هَضْمًا	کاستن از نیکی‌هایش.

عمل به آیات

۱. یکی از قصص امت‌های پیشین را بخوان تا پند و اندرزهایش را دریابی، ﴿كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَۚ وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا﴾

۲. یکی از سوره‌های قرآن را بخوان و در موضوع کلی آن بیندیش، ﴿وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾ مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا﴾

۳. بگو: پروردگارا شفاعت پیامبرت در روز قیامت را می‌خواهم، ﴿يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ قَوْلًا﴾

رهنمودها

۱. قرآن را بیاموز و به دیگران بیاموزان و به آن عمل کن که این کار، سبب نجات است، ﴿وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾ مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا﴾

۲. روزی را به یاد آور که بر اثر هول و هراس فراوانش، تمام صداها در برابر الله خاموش می‌شوند و فقط پچ پچ کردن را می‌شنوی، ﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾

۳. شفاعت نزد الله فقط با اذن الله به شفاعتگر و خشنودی او تعالی از شفاعت‌شده، فایده می‌رساند، ﴿يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ قَوْلًا﴾

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣٢٠)

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن
يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ١١٤ وَلَقَدۡ عَهِدۡنَآ
إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبۡلُ فَنَسِيَ وَلَمۡ نَجِدۡ لَهُۥ عَزۡمٗا ١١٥ وَإِذۡ قُلۡنَا
لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ ١١٦
فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا
مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ ١١٧ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ
١١٨ وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ ١١٩ فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ
ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ
لَّا يَبۡلَىٰ ١٢٠ فَأَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ
١٢١ ثُمَّ ٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيۡهِ وَهَدَىٰ ١٢٢ قَالَ ٱهۡبِطَا مِنۡهَا
جَمِيعَۢاۖ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى
فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ ١٢٣ وَمَنۡ أَعۡرَضَ
عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
أَعۡمَىٰ ١٢٤ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ١٢٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَتَعَٰلَى	منزه و برتر، و از هر نقصی پاک است.
عَزۡمٗا	حفاظت از آن‌چه به آن فرمان یافته بود.
وَطَفِقَا	شروع کردند.
يَخۡصِفَانِ	می‌چسبانند.
ٱجۡتَبَٰهُ	او را برگزید.
ضَنكٗا	تنگ و دشوار.

عمل به آیات

۱. برای افزایش علمت دعا کن، ﴿رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾

۲. خود و خانواده و فرزندانت را از شر شیطان رانده شده در پناه الله قرار بده، ﴿فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ﴾

۳. گناه کبیره‌ای را که مرتکب شده‌ای به یاد آور، و با اصرار و به تکرار استغفار کن، امید است که سبب شود الله تو را برگزیند، ﴿وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ ١٢١ ثُمَّ ٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيۡهِ وَهَدَىٰ﴾

رهنمودها

۱. یکی از راه‌های نفوذ ابلیس بر انسان، قانع‌نبودن به روزی و آرزوی زندگی طولانی است، ﴿قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ لَّا يَبۡلَىٰ﴾

۲. بکوش قبل از این‌که نصیحت کسی را بپذیری، سیره‌اش را بشناسی، ﴿فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ لَّا يَبۡلَىٰ﴾

۳. زندگی در کنار قرآن سبب سعادت دنیا و آخرت است، و رویگردانی از قرآن، سبب بدبختی در دنیا و آخرت است، ﴿فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ ١٢٣ وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ﴾

ترجمه آیات

پس بلندمرتبه است الله که فرمانروای حق است. و در [خواندنِ] قرآن ـ پیش از آنکه وحیِ آن بر تو پایان یابد ـ شتاب مکن؛ و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای». (۱۱۴) به راستی، پیش از این با آدم پیمان بستیم [که از میوهٔ درخت ممنوعه نخورَد]؛ ولی [پیمانش را] فراموش کرد و عزمی [استوار] در او نیافتیم. (۱۱۵) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند، مگر ابلیس که سرپیچی نمود. (۱۱۶) گفتیم: «ای آدم، این [ابلیس] دشمنی برای تو و همسرت است؛ مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به سختی می‌افتی. (۱۱۷) در حقیقت، تو این [نعمت را در بهشت] داری که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی. (۱۱۸) و اینکه در آنجا نه تشنه می‌شوی و نه آفتاب‌زده. (۱۱۹) اما شیطان او را وسوسه کرد [و] گفت: «ای آدم، آیا [می‌خواهی] درخت جاودانگی و فرمانرواییِ فناناپذیر را به تو نشان دهم؟» (۱۲۰) آنگاه از آن [درخت ممنوعه] خوردند و شرمگاهشان بر آنان نمایان شد و به قراردادن برگ [درختان] بهشت بر خود شروع کردند [تا عورتشان را بپوشانند]؛ و [اینچنین بود که] آدم از پروردگارش سرپیچی کرد و به بیراهه رفت. (۱۲۱) سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و هدایتش کرد. (۱۲۲) فرمود: «[شما دو تن همراه ابلیس] همگی از بهشت فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگرید. اگر از [جانب] من رهنمودی برایتان رسید، [بدانید] هرکس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه [از عذابِ دوزخ] به رنج می‌افتد. (۱۲۳) و کسی که از یاد من رویگردان شود، یقیناً زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برمی‌انگیزیم. (۱۲۴) وی می‌گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا برانگیختی؛ حال آنکه [در دنیا] بینا بودم؟» (۱۲۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ﴾

توصیف فرمانروایی الله به حق، اشاره دارد به این‌که پادشاهیِ دیگران، خالی از نقص و ایراد نیست. ابن عاشور: ۱۶/ ۳۱۵.

پرسش: به طور خلاصه، سه مورد از تفاوت‌های پادشاهیِ الله و فرمانروایی پادشاهانِ دنیا را بیان کنید.

۲ ﴿وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾

بر اساس آیهٔ فوق، رعایت ادب هنگام تحصیل علم لازم است و این‌که شنونده باید صبر کند تا سخن کسی که به وی تعلیم می‌دهد تمام شود و پس از آن، اگر سؤالی دارد بپرسد و هرگز سخن استاد را قطع نکند؛ چرا که باعث می‌شود از علم محروم گردد. سعدی: ۵۱۴.

پرسش: جویندهٔ علم چه نکته‌ای از آیه برداشت می‌کند؟

۳ ﴿وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾

چون عجلهٔ پیامبر ﷺ برای فراگیری وحی بیانگر محبت و علاقه فراوان او به آموختن دانش بود، الله دستور داد که از او تعالی بخواهد بر علمش بیفزاید. سعدی: ۵۱۴.

پرسش: یکی از اسباب مهم دستیابی به علم نافع در آیه بیان شده است، این سبب را نام ببرید.

۴ ﴿وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾

ابن مسعود رضي الله عنه هر گاه این آیه را تلاوت می‌کرد، می‌گفت: پروردگارا! بر دانش، ایمان و یقینم بیفزای. بغوی: ۳/ ۱۴۲.

پرسش: چگونه در آیهٔ مذکور تدبر و به آن عمل می‌کنیم؟

۵ ﴿إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ ١١٨ وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ﴾

در عبارت ﴿إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ﴾ گرسنگی و برهنگی و در عبارت ﴿وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ﴾ تشنگی و درد جسمی نفی شده است. گرسنگی و برهنگی از این جهت با هم تناسب دارند که اولی به معنای خالی‌بودن باطن جسم از غذا است که درد شکم را از بین می‌برد و دومی به معنای خالی‌بودن ظاهر جسم از چیزی است که در برابر گرما و سرما از آن محافظت می‌کند. تشنگی و گرمای خورشید نیز از این جهت با هم تناسب دارند که تشنگی به معنای درد ناشی از حرارت باطنی و گرمای خورشید به معنای درد ناشی از حرارت ظاهری است. ابن عاشور: ۱۶/ ۳۲۲.

پرسش: چرا در آیات فوق، گرسنگی در کنار برهنگی و تشنگی در کنار سوزش گرما بیان شد؟

۶ ﴿فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما گفت: «الله تعالی برای کسی که قرآن را تلاوت و به آن عمل کند، ضمانت کرده که در دنیا گمراه نشود و در آخرت بدبخت نگردد.» سپس این آیه را تلاوت کرد. قرطبی: ۱۴/ ۱۵۶.

پرسش: آیا فقط حفظ قرآن برای هدایت در دنیا و نجات در آخرت کافی است؟

۷ ﴿وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا﴾

چنین فردی هیچ آرامشی ندارد و به سبب گمراهی، در تنگنای شدیدی قرار دارد؛ هر چند به ظاهر در ناز و نعمت باشد و هر آن‌چه بخواهد بپوشد و بخورد و در هر جا که بخواهد سکونت گزیند؛ زیرا تا زمانی که دلش به یقین و هدایت نرسد، همواره در نگرانی و حیرت و تردید به سر می‌برد که این امر، نشانهٔ زندگی سخت و دشوار است. ابن کثیر: ۳/ ۱۶۴.

پرسش: آیا نعمت‌های ظاهری نشانهٔ سعادت و آرامش باطنی است؟ این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

سورة (طه) الجزء (١٦) صفحة (٣٢١)

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ ﴿١٢٦﴾
وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَنۡ أَسۡرَفَ وَلَمۡ يُؤۡمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦۚ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ
أَشَدُّ وَأَبۡقَىٰٓ ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ﴿١٢٨﴾
وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامٗا وَأَجَلٞ مُّسَمّٗى ﴿١٢٩﴾
فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ
وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ
تَرۡضَىٰ ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ
ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ ﴿١٣١﴾ وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ
بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ
لِلتَّقۡوَىٰ ﴿١٣٢﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَا يَأۡتِينَا بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّهِۦٓۚ أَوَلَمۡ تَأۡتِهِم
بَيِّنَةُ مَا فِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوۡ أَنَّآ أَهۡلَكۡنَٰهُم بِعَذَابٖ
مِّن قَبۡلِهِۦ لَقَالُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ
ءَايَٰتِكَ مِن قَبۡلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخۡزَىٰ ﴿١٣٤﴾ قُلۡ كُلّٞ مُّتَرَبِّصٞ فَتَرَبَّصُواْۖ
فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ أَصۡحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ وَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

ترجمه آیات

[الله] می‌فرماید: «همان طور که آیات ما بر تو آمد و آنها را به فراموشی سپردی، امروز تو [نیز] به همان صورت فراموش می‌شوی». (۱۲۶) و کسی را که [در گمراهی و گناه] زیاده‌روی کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد، این گونه کیفر می‌دهیم؛ و قطعاً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. (۱۲۷) آیا برای هدایتشان کافی نیست که [بدانند] چه نسل‌هایی را پیش از آنان نابود کردیم که [اکنون این مشرکان] در خانه‌های آنان [= نسل‌های گذشته] راه می‌روند؟ به راستی در این [نکته،] نشانه‌هایی [عبرت‌انگیز] برای خردمندان است. (۱۲۸) و اگر از سوی پروردگارت سخنی [دربارهٔ اتمام حجت با مردم] نگذشته بود و سررسیدی معین در کار نبود، قطعاً [عذاب الهی در همین دنیا بر آنان] لازم می‌شد. (۱۲۹) پس [ای پیامبر،] بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و پروردگارت را پیش از طلوع آفتاب [در نماز صبح] و پیش از غروب [در نماز عصر] به پاکی ستایش کن و ساعاتی از شب [در نماز عشاء] و کناره‌های روز [در نماز ظهر و مغرب نیز به نیایش بپرداز]؛ باشد که [از پاداش الهی] راضی شوی. (۱۳۰) و هرگز به [نعمت‌های دنیوی و] آنچه که گروه‌هایی از آنان [= مشرکان] را از آنها بهره‌مند ساخته‌ایم چشم ندوز. اینها [فقط] زینتِ زندگی دنیاست تا آنان را به آن بیازماییم؛ و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۱) و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و [خود] بر [انجام] آن شکیبا باش. [ما] از تو روزی نمی‌خواهیم، [بلکه] خود به تو روزی می‌دهیم؛ و سرانجامِ نیک، برای [اهل] پرهیز است. (۱۳۲) [مشرکان] گفتند: «چرا [محمد] معجزه‌ای از جانبِ پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟» بگو: «آیا [قرآن به عنوان] دلیل روشن [و تصدیق‌کننده] آنچه در کتاب‌های پیشین است برایشان نیامده است؟» (۱۳۳) اگر ما آنان را پیش از آن [که پیامبر و کتاب آسمانی بیاید] با عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً [روز قیامت مشرکان] می‌گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سویمان نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟» (۱۳۴) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «همه منتظرند؛ پس شما [نیز] منتظر باشید. به زودی خواهید دانست که رهروانِ راه راست چه کسانی هستند و هدایت‌یافته کیست». (۱۳۵)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡقُرُونِ	امت‌های تکذیب‌کننده.
لَكَانَ لِزَامٗا	قطعاً عذاب فوری و لازم می‌بود.
ءَانَآيِٕ	ساعات.
مُّتَرَبِّصٞ	منتظر.
ٱلسَّوِيِّ	مستقیم.

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ﴾
«نِسْیان» در این آیه، به معنای «تَرک» است و هرگز به معنای غفلت نیست. ﴿تُنسَىٰ﴾: یعنی در عذاب رها می‌شود. ابن عطیه: ۴/ ۶۹.
پرسش: منظور از «نسیان» در آیه چیست؟

❷ ﴿وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبۡقَىٰٓ﴾
زیرا عذاب آخرت تمام نمی‌شود، بر خلاف عذاب دنیوی که موقتی است. بنابراین باید از عذاب آخرت بترسیم و برحذر باشیم. سعدی: ۵۱۶.
پرسش: گاهی اوقات انسان مسلمان در زندگی خود دچار سختی‌ها و مشکلاتی می‌شود، آیه چگونه باعث آسان‌شدن مشکلات و سختی‌ها می‌شود؟

❸ ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ﴾
الله تعالی به انسان فرمان می‌دهد که خود و خانواده‌اش را با نماز تزکیه کند و به رفاهی که به کافران بخشیده است، توجه نکند. همچنین وعده می‌دهد که عاقبت نیکو از آنِ پرهیزگاران است. ابن عاشور: ۱۶/ ۳۳۷.
پرسش: انسان مؤمن باید هنگام انتشار اذیت و آزار مشرکان، با انجام عبادات به تزکیه و تقویت خود روی آورد تا در برابر اذیت و آزار آنان پایداری کند. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

❹ ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ﴾
اشاره دارد به این‌که هر گاه بنده احساس کند نفسش به زرق و برق دنیا متمایل شده است، باید روزی و نعمتی را که پروردگارش به وی بخشیده است به یاد آورَد و آن‌ها را با زینت دنیایی مقایسه کند. سعدی: ۵۱۷.
پرسش: گاهی اوقات انسان مسلمان آرزو می‌کند که کاش در زندگی دنیا از ناز و نعمت برخوردار می‌بود، در این لحظات چه کاری باید انجام داد؟

❺ ﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَا﴾
امر به یک موضوع، شامل امر به تمام لوازم آن موضوع نیز به شمار می‌رود. بنابراین امر به نماز به معنای امر به آموزش احکام، مصالح، منافع و مکملات آن است... اگر بنده نمازش را به صورت صحیح انجام دهد، سایر احکام دینی را بهتر و کامل‌تر انجام خواهد داد، ولی اگر نماز را به نحو شایسته انجام ندهد، سایر احکام را نیز بیشتر تباه خواهد کرد. سعدی: ۵۱۷.
پرسش: روش فرمان‌دادن خانواده و دیگران به نماز چگونه است؟ چرا الله تعالی از میان عبادات، نماز را خاص گردانید و به پایداری در انجام آن فرمان داد؟

❻ ﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ﴾
﴿لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗا﴾ یعنی: ما از تو نمی‌خواهیم که به خود و خانواده‌ات روزی دهی؛ پس خود و خانواده‌ات را برای انجام نماز فارغ کن، که ما به تو روزی می‌دهیم. یکی از علمای سلف وقتی نیازی برای خانواده‌اش پیش می‌آمد، می‌گفت: برخیزید و نماز بخوانید که الله تعالی شما را به این کار فرمان داده است. سپس این آیه را تلاوت می‌کرد. ابن جزی: ۲/ ۲۹.
پرسش: آیه کدام یک از منافع و آثار مهم نماز را در بر دارد؟

❼ ﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ﴾
یعنی ما از تو نمی‌خواهیم که خود و خانواده‌ات را روزی دهی و بدین سبب، از نماز غافل شوی، بلکه ما ضامن روزی تو و خانواده‌ات هستیم. هر گاه خانوادهٔ پیامبر ﷺ دچار تنگدستی و سختی می‌شدند، رسول الله ﷺ آنان را به ادای نماز فرمان می‌داد. قرطبی: ۱۴/ ۱۶۵.
پرسش: آیا اشتغال به کسب روزی، عذری برای تاخیر نماز به شمار می‌رود؟ به کسی که هنگام نماز مشغول کار است، چه می‌گویی؟

عمل به آیات

۱. برای خودت زمانی خاص از شب و روز قرار بده که آن‌چه از قرآن حفظ کرده‌ای را تکرار کنی تا فراموش نشود، ﴿قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ﴾

۲. اذکار صبح را قبل از طلوع خورشید و اذکار شام را قبل از غروب خورشید بگو، و تسبیح الله در سایر لحظاتِ روز و شب را فراموش نکن، ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ﴾

۳. به برادران و خواهران و اعضای خانواده‌ات فرمان بده نماز را در وقتش ادا کنند، ﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ﴾

رهنمودها

۱. دعوتگر باید همانند پیامبر ﷺ در برابر آزار مَدعُوین صبر کند، ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾

۲. هر گاه آزار دیدی بسیار تسبیح بگو، به‌خصوص بعد از فجر و قبل از مغرب؛ زیرا دل را آرام می‌کند، ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ﴾

۳. هر گاه کسی را دیدی که الله ثروت دنیایی زیادی به او بخشیده است به دارایی دنیوی او چشم ندوز بلکه به ثروت دینی خودت نظر داشته باش، ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ﴾.

سُورَةُ الأَنبِيَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾
مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ
يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ
تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ
افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ
﴿٥﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ ۖ فَاسْأَلُوا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا
لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ
الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾
لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُّحۡدَثٍ	وحی جدید که یادآوری را برای‌شان تازه و تکرار می‌کند.
وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَى	در پنهان‌کردن آن‌چه با یکدیگر نجوا می‌کردند، مبالغه کردند.
أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمِۭ	خواب‌هایی آشفته که هیچ حقیقتی ندارد.
جَسَدٗا	پیکرهایی مخالف سرشت و طبیعت بشری.
فِيهِ ذِكۡرُكُمۡ	مایه عزّت و شرافت شماست اگر با آن پند گیرید.

عمل به آیات

۱. بر خواندنِ اذکار صبح قبل از طلوعِ خورشید و اذکار شامگاه قبل از غروبِ خورشید کوشا باش، تا غافل نباشی، ﴿لَاهِيَةٗ قُلُوبُهُمۡ﴾

۲. مسأله‌ای را که نمی‌دانی از یک عالم بپرس، ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۳. در یکی از آیاتی که امروز می‌خوانی تدبر کن، ﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

رهنمودها

۱. حسابرسی‌ات نزدیک شده است، آیا آن را احساس می‌کنی؟! ﴿ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ﴾

۲. طالب حقیقت، به این هدف در جستجوی دلیل است که از آن پیروی کند نه این‌که بر دشمنش غالب آید، ﴿فَلۡيَأۡتِنَا بِـَٔايَةٖ كَمَآ أُرۡسِلَ ٱلۡأَوَّلُونَ﴾

۳. علم بیاموز که طالب علم جایگاه والایی در دنیا و آخرت دارد، ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

سورۀ انبیاء

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

[زمان] حساب مردم نزدیک شده است و آنان در ناآگاهی [از بازخواستِ آخرت] رویگردانند. (۱) هیچ پند تازه‌ای از جانب پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر آنکه بازی‌کنان به آن گوش می‌دهند. (۲) [پیام الهی را در حالی می‌شنوند که] دل‌هایشان غافل است؛ و کسانی که [کافر و] ستمکار بودند، نجواهایشان را پنهان کردند [و گفتند:] «آیا این [مدعی پیامبری،] جز بشری همچون شماست؟ آیا در حالی که [حقیقت را] می‌بینید، به جادو روی می‌آورید؟» (۳) [پیامبر] گفت: «پروردگارم هر سخنی را که در آسمان و زمین باشد می‌داند و او شنوای داناست». (۴) بلکه [کافران در ستیز با قرآن] گفتند: «[آنچه محمد می‌گوید] خواب‌هایی آشفته است؛ بلکه آن را به دروغ [به الله] نسبت می‌دهد؛ [نه،] بلکه او شاعر است. پس [اگر راست می‌گوید،] معجزه‌ای برایمان بیاورد، چنان که پیامبران پیشین [نیز با معجزات] فرستاده شدند». (۵) پیش از آنان [نیز ساکنان هر] شهری که نابودش می‌کردیم [به آیات و معجزاتِ ما] ایمان نیاورده بودند. پس آیا [اینها] ایمان می‌آورند؟ (۶) و [ای پیامبر،] پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم [برای هدایت مردم] نفرستادیم؛ پس [ای کافران،] اگر نمی‌دانید، از اهل کتاب بپرسید. (۷) و [ما] آنان را پیکرهایی [مخالف سرشت و طبیعت بشری] که غذا نخورند قرار ندادیم و [در دنیا نیز] جاودان نبودند. (۸) سپس وعده‌ای را که [دربارۀ پیروزی و نجات] به آنان داده بودیم تحقق بخشیدیم و آنان را به همراه هرکس که خواستیم نجات دادیم و اسرافکاران [کافر] را نابود کردیم. (۹) بی‌تردید، کتابی به سویتان نازل کردیم که عزت [و شرف دنیا و آخرتِ] شما در آن است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۱۰)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ﴾
کسی که بداند قیامت نزدیک است، آرزوهایش کوتاه می‌شود، به توبه متمایل می‌گردد و به دنیا اعتماد و تکیه نمی‌کند؛ زیرا هر آن‌چه آمده باشد، قطعا از بین می‌رود، هر چیزی که آمدنی باشد، نزدیک است و مرگ قطعاً فرا می‌رسد و اجل هر انسانی برپایی قیامت اوست. اگر مدتی را که از ابتدای خلقت سپری شده محاسبه شود زمان باقی‌مانده تا قیامت، نزدیک به نظر می‌رسد و باقی‌ماندۀ عمر دنیا، کمتر از مدتی است که گذشته است. قرطبی: ۱۴/ ۱۷۱.
پرسش: چرا الله تعالی نزدیکی قیامت را به ما یادآوری می‌کند؟ این یادآوری چه تاثیری بر فرد مؤمن دارد؟

۲ ﴿لَاهِيَةٗ قُلُوبُهُمۡ﴾
یعنی دل‌های‌شان غافل است. می‌فرماید: این قوم قرآن را نمی‌شنوند مگر این‌که در حال بازی هستند، دل‌های‌شان از آن غافل است، به حکمت‌هایش نمی‌اندیشند و در دلایل و براهینی که الله تعالی در این قرآن بر آنان بیان کرده است، تفکر نمی‌کنند. طبری: ۴۱۰/۱۸.
پرسش: کسی که در آیات قرآن تدبر نکند، با چه صفتی توصیف می‌شود؟

۳ ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾
چون آموزش و یاددهی و پاسخ بر اساس آن‌چه آموختند، بر آنان واجب است، فرمان داده شد که از این افراد سؤال شود. سعدی: ۵۱۹.
پرسش: حقوق جامعه بر عالمان و فراگیران دانش چیست؟

۴ ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾
این‌که الله تعالی فرمود از اهل ذکر و علم بپرسید، نشان می‌دهد که نباید از کسی که به جهل و بی‌علمی مشهور است، سؤال شود و نیز جایز نیست که چنین فردی مسئولیت پاسخ به سؤالات مردم را بر عهده بگیرد. سعدی: ۵۱۹.
پرسش: دلیل و حجت زمانی صورت می‌گیرد که از فردی دارای صفتی معین سؤال شود، این صفت و ویژگی مشخص را نام ببرید.

۵ ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾
علما اجماع دارند که مردم عادی باید از عالمان[دین]شان پیروی کنند. همچنین مخاطب الله تعالی در این‌که می‌فرماید: ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ﴾ مردم عوام هستند. قرطبی: ۱۷۹/۱۴.
پرسش: انسان عامّی و غیر عالم چه تکلیفی دارد؟

۶ ﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾
﴿ذِكۡرُكُمۡ﴾ یعنی: مایۀ برتری، فخر و ارزش شماست؛ که اگر اخبار راستین آن را به یاد آورید و به آن معتقد باشید و دستوراتش را اجرا کنید و از حرام‌هایش دوری گزینید، بر قدر و منزلت شما می‌افزاید. سعدی: ۵۱۹.
پرسش: قرآن در چه صورتی مایۀ برتری، عزت و ارزش مسلمانان می‌گردد؟

۷ ﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾
نکره‌آوردن ﴿كِتَٰبٗا﴾ به قصد تعظیم است تا اشاره کند [که قرآن] دارای دو ویژگی مهم است: یعنی مایۀ هدایت و نیز نشانه و معجزه پیامبر ﷺ است و هیچ‌کس نمی‌تواند مانند یا کمی شبیه آن را بیاورد. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۲.
پرسش: چرا واژۀ ﴿كِتَٰبٗا﴾ در آیه به صورت نکره بیان شد؟

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٣)

وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا
ءَاخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأۡسَنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَرۡكُضُونَ ﴿١٢﴾
لَا تَرۡكُضُواْ وَٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتۡرِفۡتُمۡ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ
تُسۡـَٔلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَت تِّلۡكَ
دَعۡوَىٰهُمۡ حَتَّىٰ جَعَلۡنَٰهُمۡ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقۡنَا
ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوۡ أَرَدۡنَآ أَن نَّتَّخِذَ
لَهۡوٗا لَّٱتَّخَذۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ
عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ
﴿١٨﴾ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ
عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ
لَا يَفۡتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ هُمۡ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾
لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ
عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسۡـَٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡۖ هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ وَذِكۡرُ
مَن قَبۡلِيۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٢٤﴾

ترجمه آیات

چه بسیار شهرهایی را که [ساکنانش] ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنان گروهی دیگر پدید آوردیم. (١١) هنگامی‌که عذاب ما را احساس می‌کردند [و به چشم می‌دیدند،] ناگاه از آنجا می‌گریختند. (١٢) [به تمسخر گفتیم:] «فرار نکنید. به سوی خانه‌هایتان و نعمت‌هایی که در آن آسوده بودید بازگردید؛ باشد که [فقط دربارهٔ امور دنیوی] بازخواست شوید». (١٣) گفتند: «وای بر ما [که] قطعاً ستمکار بوده‌ایم!» (١۴) پس گفتارشان پیوسته همین بود تا آنکه آنان را [چون گیاهی] درو شده [و] بی‌جان ساختیم. (١۵) و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست به بازیچه نیافریده‌ایم. (١۶) اگر [به فرض] می‌خواستیم که سرگرمی‌ای [مانند فرزند یا هم‌صحبت برای خود] برگزینیم، آن را [نه از معبودهای شما بلکه] از نزد خویش برمی‌گزیدیم. (١٧) بلکه ما حق را بر باطل می‌افکنیم؛ که آن را در هم می‌شکند و ناگاه آن [باطل] نابود می‌شود؛ و [ای کافران،] وای بر شما از آنچه توصیف می‌کنید! (١٨) هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست و کسانی که نزد او هستند [= فرشتگان] از عبادتش سرکشی نمی‌کنند و خسته نمی‌شوند. (١٩) آنان شب و روز [الله را] به پاکی می‌ستایند و سستی نمی‌ورزند. (٢٠) آیا [این مشرکان] معبودانی از زمین برگزیده‌اند که [مردگان را] زنده می‌کنند؟ (٢١) اگر در آنها [= آسمان و زمین] معبودانی جز الله وجود داشت، [در اثر ناسازگاریِ آنها] قطعاً هر دو تباه می‌شدند؛ پس الله ـ پروردگار عرش ـ از توصیفی که [مشرکان] می‌کنند پاک و منزه است. (٢٢) [الله] به خاطر آنچه می‌کند بازخواست نمی‌شود؛ [ولی] آنان [در برابر رفتارشان] مسئولند. (٢٣) آیا [مشرکان] معبودانی جز او برگزیده‌اند؟ [به آنان] بگو: «دلیلتان را بیاورید. این [قرآن] کتابی است که همراه من است و [اینها نیز] کتاب‌هایی است [متعلق به پیامبرانی] که پیش از من بودند؛ [و در هیچ کدام دلیلی بر حقانیتِ شما وجود ندارد]»؛ بلکه بیشتر آنان [به جهل و تقلید استناد می‌کنند و] حق را نمی‌دانند و [از آن] رویگردانند. (٢۴)

نکته‌های قابل تدبّر

١ ﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ﴾

این حکم در تمامی مسایل دینی جاری است؛ یعنی اگر شبهه‌ای عقلی یا نقلی برای حق‌جلوه‌دادن باطل یا رد حقیقت وجود داشته باشد، قطعاً الله تعالی دلیلی قاطع ـ عقلی یا نقلی ـ می‌آورد که آن شبهه و سخن باطل را از بین ببرد و چنان در هم شکند که بطلانش برای همه آشکار گردد. سعدی: ۵٢.

پرسش: بهترین روش برای ابطال شبهات افراد مشرک و نادان چیست؟

٢ ﴿وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾

وای بر شما ای گروه کافران! که آن‌چه شایسته الله نیست، به او نسبت می‌دهید؛ یعنی داشتن همسر و فرزند. بغوی: ٣/ ١۵۴.

پرسش: در عصر حاضر مشاهده می‌شود که برخی، صفات بسیار ناپسندی به الله تعالی، پیامبر ﷺ و دین نسبت می‌دهند، با توجه به آیات، جزای چنین کسانی چیست؟

٣ ﴿وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ﴾

﴿وَمَنۡ عِندَهُۥ﴾؛ یعنی فرشتگان ﴿لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ﴾؛ از عبادت پروردگار سر باز نمی‌زنند و در این کار خسته نمی‌شوند؛ چون زیاد به آن میل و محبت دارند و بدن‌های‌شان قوی است. سعدی: ۵٢٠- ۵٢١.

پرسش: چه زمانی بنده به پروردگارش نزدیک‌تر است؟

۴ ﴿أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ هُمۡ يُنشِرُونَ﴾

توصیف معبودان به این‌که از زمین هستند، نوعی تمسخر و سرزنش بر مشرکان و آشکارکردن بی‌خردی آنان است؛ یعنی آنان برای خود معبودانی از زمین یا از اجزای آن مانند سنگ و چوب انتخاب کردند. قرآن کریم می‌خواهد گوشزد کند که دارندهٔ چنین صفاتی، شایستگی معبودشدن را ندارد. ابن عاشور: ١٧/ ٣٧.

پرسش: آیه چگونه مشرکان را تمسخر و نکوهش می‌کند؟

۵ ﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

این سخن، دو مطلب را می‌رساند: یکی نفی فراوانی معبودان و وجوب یگانگی معبود و دوم این‌که آن معبود یگانه، قطعا الله تعالی است. ابن جزی: ٢/ ٣۴.

پرسش: آیه مذکور بیانگر دو موضوع در اثبات الوهیت الله یگانه است. این دو موضوع را بیان کنید.

۶ ﴿لَا يُسۡـَٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ﴾

مخلوقات از الله درباره احکام و اموری که میان مخلوقات اجرا می‌کند نمی‌پرسند، اما او تعالی از مخلوقات به سبب اعمالی که انجام می‌دهند سؤال می‌کند؛ چون آن‌ها بندگان او هستند. قرطبی: ١۴/ ١٨٩.

پرسش: آیه چگونه بر وجوب تسلیم در برابر شریعت دلالت دارد؟

٧ ﴿بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ﴾

دلیل این‌که آنان حقیقت را نمی‌دانند، مخفی‌بودن و پیچیدگی حق نیست، بلکه بدین سبب است که از آن اعراض می‌کنند و اگر کمترین توجهی به آن داشته باشند، حق از باطل، به روشنی برای‌شان آشکار می‌گردد. سعدی: ۵٢١.

پرسش: دلیل گمراهی بسیاری از مردم چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَحَسُّواْ	دیدند.
حَصِيدًا	مانند کشتزار دروشده.
خَٰمِدِينَ	مرده.
فَيَدۡمَغُهُۥ	آن را محو و نابود می‌کند و در هم می‌شکند.
وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ	خسته نمی‌شوند.
يَفۡتُرُونَ	ضعیف و سست نمی‌گردند.

عمل به آیات

١. از الله بخواه مسکن و تمام دارایی‌ات را وسیلهٔ کمک به تو در طاعت خویش قرار دهد، ﴿لَا تَرۡكُضُواْ وَٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتۡرِفۡتُمۡ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡـَٔلُونَ﴾

٢. امروز یکی از بندگان صالح را در نظر بگیر و بکوش در بعضی از امور عبادی به او اقتدا کنی، ﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ﴾

٣. ده مرتبه صبحگاه و ده مرتبه شامگاه بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، ﴿يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفۡتُرُونَ﴾

رهنمودها

١. محکوم کردن ظلم و ستم؛ و بزرگ‌ترین ستم، شرک به الله است، ﴿وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ﴾

٢. نابودی امت‌ها و حکومت‌های پیشین و معاصر از جانب الله تعالی را به یاد آور، ﴿وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ﴾

٣. تمام شبهات دینی توسط آیات یا روایات رد می‌شوند، پس علم شرعی را بیاموز، ﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ﴾

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٤)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ
بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم
بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ
وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ
﴿٢٨﴾ ۞ وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ
جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوَلَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ
أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا
مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ
يَهۡتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗاۖ وَهُمۡ عَنۡ
ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ
وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ
ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ
ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ﴿٣٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
رَتۡقٗا	به هم پیوسته و چسبیده.
فَفَتَقۡنَٰهُمَا	پس آن دو را با قدرت خود، از هم جدا کردیم.
رَوَٰسِيَ	کوه‌هایی که آن‌ها را ثابت نگه می‌دارد.
أَن تَمِيدَ	تا نلرزد و تکان نخورد.
فِجَاجٗا سُبُلٗا	راه‌هایی پهناور و پیموده‌شده.
مَّحۡفُوظٗا	نمی‌افتد و شیاطین از آن نمی‌گذرند.
فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ	در یک مدار جریان دارد و از آن منحرف نمی‌شود.

عمل به آیات

۱. همین امروز وصیت‌نامه‌ات را بنویس، ﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾

۲. از الله تعالی تقاضا کن خشیت خویش در نهان و آشکارا را برایت ببخشاید، ﴿وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ﴾

۳. تصور کن اگر یک هفته آب آشامیدنی قطع شود مردم چه وضعیتی خواهند داشت؟! آن‌گاه شکر الله تعالی در قبال آب را به جای آور، ﴿وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ﴾

رهنمودها

۱. با پیروی از روش پیامبران، دعوت خویش را با معرفی الله تعالی به مردم و محبوب‌گردانیدن او تعالی در دل‌های‌شان آغاز کن، ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ﴾

۲. انسان مومن زمانی از دستورات دیگران پیروی می‌کند که مخالف اوامر الله سبحانه نباشد، ﴿وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ﴾

۳. مومن در دنیا همیشه در معرض آزمایش است؛ یا با خیر و نعمت آزموده می‌شود تا سپاس‌گزاری کند یا با شر و محنت آزموده می‌شود تا صبر پیشه دارد، ﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾

ترجمه آیات

و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [به‌حق] جز من [= الله] نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید». (۲۵) [مشرکان با این تصور که فرشتگان دخترانِ الله هستند] گفتند: «[الله] رحمان فرزندی [برای خویش] برگزیده است». او منزّه است؛ [چنین نیست که می‌پندارند؛] بلکه [فرشتگان] بندگان گرامی[اش] هستند. (۲۶) آنان هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و [پیوسته] به فرمانش عمل می‌کنند. (۲۷) [الله] گذشته و آیندهٔ آنان را می‌داند و آنان جز برای کسی که [الله] بپسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند. (۲۸) و هر یک از آنان بگوید: «جز او، من [نیز] معبود هستم»، وی را به دوزخ کیفر می‌دهیم. [آری،] ستمکاران را اینچنین کیفر می‌دهیم. (۲۹) آیا کسانی که کفر ورزیدند، ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده بودند؛ [نه بارانی می‌بارید و نه گیاهی می‌رویید؛] سپس [ما] آن دو را [به قدرت خویش] از هم جدا کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ پس آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟ (۳۰) و کوه‌هایی استوار در زمین نهادیم تا مبادا آنان را بلرزاند و راه‌هایی [وسیع] در آن پدید آوردیم؛ باشد که [در سفرهایشان، به مقصد] راه یابند. (۳۱) و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و[لی] آنان [= مشرکان] از [تفکر در] نشانه‌هایش رویگردانند. (۳۲) اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید [و چنان منظم ساخت که] هر یک [از اینها] در مداری [معیّن] شناورند. (۳۳) [ای پیامبر،] ما پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم. آیا اگر تو بمیری، آنان جاودانند؟ (۳۴) هر کسی چشندهٔ [طعم] مرگ است؛ و [ای مردم،] شما را با بدی و نیکی می‌آزماییم و [سرانجام] به سوی ما بازگردانده می‌شوید. (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ﴾

از آن‌جا که داشتن فرزند برای الله، نوعی نقص و عیب به شمار می‌رود، او تعالی پس از بیان سخن مشرکان، فرمود: ﴿سُبۡحَٰنَهُۥ﴾ تا خودش را از این مورد منزه بداند؛ زیرا انتخاب فرزند، از نیاز به رفع نقصانی ناشی می‌شود که بر اثر نداشتن فرزند به وجود می‌آید. ابن عاشور: ۱۷/ ۵۰.

پرسش: فلسفه و دلیلِ آوردنِ کلمهٔ ﴿سُبۡحَٰنَهُۥ﴾ پس از بیان سخن مشرکان، چیست؟

۲ ﴿لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ﴾

یعنی چون بسیار با ادب هستند و از کمال حکمت و علم الهی باخبرند، سخنی دربارهٔ آن‌چه مربوط به تدبیر و اداره مخلوقات باشد، نمی‌گویند تا این‌که الله تعالی سخن بگوید. سعدی: ۵۲۲.

پرسش: چرا فرشتگان، پیش از الله سخن نمی‌گویند؟

۳ ﴿وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

چه ستمی بزرگ‌تر از این‌که مخلوق - ناقص و محتاج به الله از هر لحاظ - ادعا کند که در ویژگی‌های الوهیت و ربوبیت الهی، شریک او تعالی است؟! سعدی: ۵۲۲.

پرسش: چرا کسی که ادعای الوهیت کند، ستمکار معرفی شده است؟

۴ ﴿وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ﴾

چون کافران بر پیامبر ﷺ طعنه زدند که او بشر است و می‌میرد. بنابر قولی: آنان آرزوی وفات پیامبر ﷺ را کردند تا بدین سبب شادمانی کنند. این قول با عبارت بعدی مناسب‌تر است. ابن جزی: ۲/ ۳۶.

پرسش: قرآن کریم به کسی که از وفات پیامبر ﷺ، بر او ایراد گرفت، چگونه پاسخ داد؟

۵ ﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِ﴾

آیه بر بطلان سخن کسی دلالت دارد که می‌گوید خضر زنده و در دنیا ماندگار است. این ادعا، هیچ دلیلی ندارد و با دلایل شرعی مخالف است. سعدی: ۵۲۳.

پرسش: چه پاسخی ارائه می‌شود به کسانی که می‌گویند: خضر در دنیا جاوید و ماندگار است؟

۶ ﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾

﴿وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ﴾ یعنی: شما را با فقر و ثروت، سلامتی و بیماری و سایر حالات دنیایی می‌آزماییم تا صبر در برابر زیان و شکر در برابر خیر یا عکس آن ظاهر و آشکار شود. ابن جزی: ۲/ ۳۶.

پرسش: فلسفه تنوع آزمایش انسان با شر و خیر چیست؟

۷ ﴿وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾

ابن زید می‌گوید: یعنی آنان را با آن‌چه دوست دارند و با آن‌چه نمی‌پسندند، مورد آزمایش قرار می‌دهیم و می‌سنجیم؛ تا مشخص کنیم شکرشان در آن‌چه دوست دارند و صبرشان در آن‌چه نمی‌پسندند، چگونه است. طبری: ۱۸/ ۴۴۰.

پرسش: آزمایش با خیر و شر چگونه انجام می‌شود؟

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٥)

وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا
ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ
كَٰفِرُونَ ٣٦ خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ
ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ٣٧ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ
إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٨ لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ
لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا
هُمۡ يُنصَرُونَ ٣٩ بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا
يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٤٠ وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ
بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ
بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٤١ قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ
مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ ٤٢
أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَ
أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا يُصۡحَبُونَ ٤٣ بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ
وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي
ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤

ترجمه آیات

کسانی که کفر ورزیدند، هر گاه که تو را می‌بینند، فقط به مسخره‌ات می‌گیرند [و می‌گویند:] «آیا این همان کسی است که از معبودانتان [به بدی] یاد می‌کند؟» و حال آنکه آنان خود یاد [الله] رحمان را انکار می‌کنند. (۳۶) انسان [ذاتاً] عجول آفریده شده است [و همه چیز را پیش از زمان مقررش می‌خواهد]. به زودی نشانه‌های [عذابِ] خویش را به شما نشان خواهیم داد؛ پس [نزولِ عذاب را] به شتاب نخواهید. (۳۷) [کافران] می‌گویند: «اگر راستگویید، این وعده[ی قیامت] کی خواهد بود؟» (۳۸) کسانی که کفر ورزیدند اگر می‌دانستند زمانی که [به دوزخ می‌افتند] نمی‌توانند [شعله‌های] آتش را از چهره‌ها و پشت‌هایشان بازدارند و [از سوی هیچ کس] یاری نمی‌شوند، [هرگز این گونه شتابان عذاب را نمی‌خواستند]. (۳۹) بلکه [آتش، چنان] ناگهانی به آنان می‌رسد و آنان را [چنان سرگشته و] بهت‌زده می‌کند که نه می‌توانند آن را [از خود] دفع کنند و نه مهلت [توبه] به آنان داده می‌شود. (۴۰) یقیناً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد تمسخر قرار گرفتند؛ آنگاه بر سرِ کسانی که آنها [= عذاب‌های الهی] را به ریشخند می‌گرفتند، همان چیزی آمد که آن را مسخره می‌کردند. (۴۱) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب الله] رحمان محافظت می‌کند؟ بلکه [حق این است که] آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند. (۴۲) آیا آنان معبودانی دارند که [می‌توانند] در برابر ما از آنان دفاع کنند؟ [هرگز!] آنان نه می‌توانند خود را یاری دهند و نه از [عذاب] ما در امانند. (۴۳) بلکه [ما] آنان و پدرانشان را [از نعمت‌های دنیوی] بهره‌مند ساختیم تا عمرشان به درازا کشید [و مغرور شدند]. آیا نمی‌بینند که ما [همواره] به سراغ زمین می‌آییم و آن را از هر طرف می‌کاهیم [و مردمش را نابود می‌کنیم]؟ پس آیا آنان [بر قدرتِ الله] پیروزند؟ (۴۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٣٦ خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ﴾
دلیل بیان عجله در آیه این است که: وقتی نامی از کسانی که پیامبر ﷺ را مورد تمسخر قرار می‌دادند بیان شد، برخی تصمیم گرفتند فوراً از آنان انتقام بگیرند و خواستند این کار را با عجله انجام دهند. پس الله فرمود: انسان از شتاب آفریده شده است. او تعالی به فرد ستمکار مهلت می‌دهد، ولی زمانی که او را مورد خشم و غضب خویش قرار دهد، دیگر رهایش نمی‌کند. ابن کثیر: ۳/ ۱۷۵.
پرسش: چرا پس از بیان تمسخرکنندگان رسول الله ﷺ، عجله ذکر شد؟

۲ ﴿خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ﴾
عبارت ﴿خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖ﴾ منافاتی با ﴿فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ﴾ ندارد. بنابراین اعتراض نشود که چرا قرآن کریم می‌گوید: انسان بر عجله آفریده شده و این ویژگی در سرشت او نهادینه شده است، سپس وی را از آن‌چه در سرشت او قرار دارد، نهی می‌کند؟! این دستور، تکلیف به محال است. در پاسخ می‌گوییم: بله، عجله در طبیعت انسان وجود دارد، ولی می‌تواند خودش را به صبر پایبند سازد؛ چنان‌که بر میل به شهوات آفریده شده و می‌تواند خودش را از آن‌ها باز دارد. شنقیطی: ۴/ ۱۵۲.
پرسش: چرا با این‌که عجله در سرشت انسان وجود دارد، از آن نهی می‌شود؟

۳ ﴿لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ﴾
دلیل بیان «وجوه؛ چهره‌ها» این است که مایهٔ شرافت و محل حواس [پنج‌گانهٔ] انسان است و بر دفاع از آن، تلاش و علاقهٔ بیشتری نشان می‌دهد. سپس «ظهور؛ پشت و کمرها» بیان شد تا نشان دهد آتش تمام بخش‌های بدن کافران را فرا می‌گیرد. ابن عطیه: ۴/ ۸۳.
پرسش: چرا از میان اعضای انسان، چهره و پشت وی در این آیه بیان شد؟

۴ ﴿قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ﴾
﴿مَن يَكۡلَؤُكُم﴾ یعنی: از شما محافظت می‌کند... تقدیر عبارت چنین است: بگو: در شب که می‌خوابید و در روز که برمی‌خیزید و کارهای‌تان را انجام می‌دهید هیچ نگهبانی [مگر الله تعالی] ندارید. قرطبی: ۱۴/ ۲۰۷- ۲۰۸.
پرسش: آیا روزی احساس کرده‌ای که الله تعالی در شب و روز از تو محافظت می‌کند؟

۵ ﴿قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ﴾
شب بر روز مقدم شد؛ زیرا موقع ترس است و تاریکی به عوامل ضرر و زیان کمک می‌کند که آسانتر به انسان و حیوان برسد و به اجسام آسیب برساند. ابن عاشور: ۱۷/ ۷۴.
پرسش: چرا در آیه شب بر روز مقدم شد؟

۶ ﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُ﴾
یعنی برای آنان و پدران‌شان، نعمت‌های فراوانی بخشیدیم و عمرشان را در نعمت گذراندند؛ در نتیجه گمان کردند که این نعمت‌های‌شان هرگز از بین نمی‌رود و از این رو، مغرور شدند و از تدبر در دلایل الهی سر باز زدند. قرطبی: ۱۴/ ۲۰۹.
پرسش: بنده چه زمانی فریب نعمت‌های الهی را می‌خورد؟

۷ ﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾
﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ﴾؛ یعنی آنان را از نعمت‌ها و سلامتی در دنیا برخوردار کردیم؛ پس سرکشی کردند و عذاب الهی را از یاد بردند. ابن جزی: ۲/ ۳۷.
پرسش: در چه حالتی نعمت‌ها و آسایش، مایهٔ عذاب و مصیبت بنده است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَتَبۡهَتُهُمۡ	پس آنان را به حیرت می‌اندازد.
فَحَاقَ	واقع شود و در بر گیرد.
يَكۡلَؤُكُم	از شما محافظت و پاسداری می‌کند.
يُصۡحَبُونَ	این‌که پناه داده و حفاظت شوند.

عمل به آیات

۱. به درس یکی از علما گوش فرا بده؛ زیرا مرگ علما یکی از اسباب نقصان زمین است؛ پس جانشین علما پس از مرگ‌شان باش، ﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

۲. از طریق سخنرانی یا پیام، توضیح بده که سرانجام نیکو برای دینداران است و زیان و تباهی برای کسانی است که آنان را مسخره کنند، ﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾

۳. اگر می‌خواهی از جانب الله تعالی محافظت شوی، نماز صبح را با جماعت ادا کن و اذکار صبح و شام را با اشتیاق بگو، ﴿قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ﴾

رهنمودها

۱. انسان اساساً عجول است؛ هر کس در برابر این صفت تسلیم شود زیان می‌بیند، و هر کس طبعش را از طریق تربیت، به بردباری و نرمی و تحمل و وقار تغییر دهد، فایده می‌برد و الگوی دیگران قرار می‌گیرد، ﴿خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ﴾

۲. کالا و زیور ناپایدار دنیا، انسان‌های زیادی را گمراه می‌کند، ﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآ﴾

۳. تفکر در احوال امت‌های نابودشده، سبب دوری از گناهان و معاصی، و روی‌آوردن به الله سبحانه و تعالی می‌شود، ﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآ﴾

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٦)

قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا
مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ
لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ
ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ
مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ
مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ
مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾ ۞ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا
بِهِۦ عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ
أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا۟ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ
لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا
بِٱلْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ٱلَّذِى فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٦﴾
وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أُنذِرُكُم	شما را برحذر می‌دارم.
نَفْحَةٌ	بخش اندکی.
مِثْقَالَ حَبَّةٍ	به اندازه وزن اندک چیزی.
فَطَرَهُنَّ	آن‌ها را آفرید.
لَأَكِيدَنَّ	قطعاً تدبیری می‌اندیشم و آن‌ها را می‌شکنم.
مُدْبِرِينَ	روندگان.

عمل به آیات

۱. یک آیه یا یک حدیث برای یکی از دوستان یا نزدیکانت بخوان، ﴿قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ﴾

۲. امروز کسی را که در مال یا آبرو یا حقش ستمی بر او کرده‌ای به یاد آور، و از او حلالیت بخواه قبل از این‌که قادر بر انجام این کار نباشی، ﴿وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ﴾

۳. در قصهٔ ابراهیم ﷺ بیندیش و دو مورد از روش‌های موفق و موثر گفتگو یا نهی از منکر را از آن استخراج کن، ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ﴾

رهنمودها

۱. محبت بیش از حد به چیزی، انسان را کور می‌سازد تا جایی که فقط محبوبش را می‌بیند، ﴿قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ﴾

۲. کسی دلایل قوی دارد و دیگران را قانع می‌کند که دلایل وحی از قرآن و سنت را در دعوت و سخنانش به کار می‌گیرد، ﴿قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ﴾

۳. رنج و مصیبت‌های دنیا، عذاب الله را به یاد انسان می‌آورد و او را به توبه و استغفار برمی‌انگیزاند، ﴿وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ﴾

ترجمه آیات

بگو: «من فقط شما را به وسیلهٔ وحی [از عذاب الهی] بیم می‌دهم» و[لی] چون به کران بیم داده شود، دعوت [حق] را نمی‌شنوند. (۴۵) اگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، قطعاً می‌گویند: «ای وای بر ما [که] یقیناً ستمکار بوده‌ایم!». (۴۶) روز قیامت، ما ترازوهای عدل را [برای حسابرسی در میان] می‌نهیم؛ آنگاه به هیچ کس [کمترین] ستمی نمی‌شود؛ و اگر [کردارشان] همسنگِ دانهٔ خَردَلی باشد، آن را [به حساب] می‌آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم. (۴۷) به راستی، ما به موسی و هارون فُرقان [= تورات] دادیم و [این کتاب] برای پرهیزگاران، روشنایی و اندرزی است. (۴۸) [همان] کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و از قیامت بیمناکند. (۴۹) و این [قرآن،] پند مبارکی است که آن را نازل کردیم. آیا [باز هم] انکارش می‌کنید؟ (۵۰) و بی‌تردید، پیش از آن، ما به ابراهیم [رشد فکری و] هدایتش را عطا کردیم و به [شایستگی‌های] او دانا بودیم؛ (۵۱) آنگاه که به پدر خود و قومش گفت: «این مجسمه‌ها چیست که به عبادت آنها ایستاده‌اید؟» (۵۲) آنان گفتند: «ما پدرانمان را دیدیم که آنها را عبادت می‌کردند». (۵۳) [ابراهیم] گفت: «قطعاً شما و پدرانتان در گمراهیِ آشکار بوده‌اید». (۵۴) آنان گفتند: «آیا [سخن] حق برایمان آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟» (۵۵) [ابراهیم] گفت: «[نه،] بلکه [سخنم حق است:] پروردگارتان، پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ همان ذاتی که آنها را پدید آورده است و من بر این [سخن] گواهم». (۵۶) و [با خود گفت:] «به الله سوگند، پس از آنکه پشت کردید و [به جشن] رفتید، برای [نابودی] بُت‌هایتان تدبیری می‌اندیشم». (۵۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ﴾

قتاده می‌گوید: کافر بر خلاف مؤمن، در برابر قرآن کریم ناشنواست؛ آیاتش را نمی‌شنود، از آن‌ها فایده نمی‌برد و در آن‌ها تدبر نمی‌کند. طبری: ۱۸/ ۴۵۰.

پرسش: تفاوت مؤمن و کافر در برابر قرآن کریم چیست؟

۲ ﴿وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ﴾

انسان ناشنوا هیچ صدایی نمی‌شنود؛ زیرا قدرت شنوایی او از بین رفته و برای شنیدن صدا شرط است که عضو مناسبی برای این کار وجود داشته باشد. وحی نیز باعث زنده‌شدن دل‌ها و جان‌ها و شناخت الله تعالی است، ولی در صورتی که قلب، شایستگی شنیدن و درک هدایت را نداشته باشد، در برابر هدایت و ایمان همچون انسان ناشنوا در برابر صداهاست. سعدی: ۵۲۴.

پرسش: کافران چه شباهتی با انسان ناشنوا دارند؟ و انسان در چه صورتی از قرآن کریم فایده می‌برد؟

۳ ﴿وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ﴾

اگر کمترین عذابی به آنان برسد، می‌گویند: ﴿يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ﴾: وای که ما تجاوزکار بودیم! یعنی زمانی اعتراف می‌کنند که دیگر هیچ سودی ندارد. قرطبی: ۱۴/ ۲۱۱.

پرسش: وقتی کمترین عذابی به انسان برسد چه حالتی پیدا می‌کند؟

۴ ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾

الله تعالی از پرهیزگاران نام برد؛ چون آنان با علم و عمل، از کتاب الهی فایده می‌برند. سعدی: ۵۲۵.

پرسش: چرا پندگرفتن از آن‌چه الله به موسی و هارون ﷺ داد، فقط به پرهیزگاران نسبت داده شد؟

۵ ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ﴾

یعنی زمانی که از دید مردم پنهان هستند از الله می‌ترسند، پس در حضور مردم، به طریق اولی تقوای الهی را رعایت می‌کنند و از محرمات دوری می‌گزینند و دستورات را اجرا می‌کنند. سعدی: ۵۲۵.

پرسش: چرا گفته شد پرهیزگاران در نبودِ دیگران، از الله تعالی می‌ترسند؟

۶ ﴿وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ﴾

توصیف قرآن به مبارک، شامل تمامی جنبه‌های خیر می‌شود؛ زیرا برکت به معنای افزایش و فراوانی خیر بوده و قرآن کریم از تمامی جنبه‌ها خیر است؛ یعنی از لحاظ بلاغت و زیبایی الفاظ، حفظ سریع، تلاوت آسان و نیز از این جهت که مشتمل بر انواع سخن، حکمت، شریعت و نکات ظریف بلاغی است... که افراد بسیاری در تمامی دوران‌ها، بر اثر این ویژگی‌ها هدایت شدند و کسانی که ایمان آوردند، از آن فایده بردند. ابن عاشور: ۱۷/ ۹۰.

پرسش: چند مورد از وجوه برکت قرآن را بیان کنید.

۷ ﴿وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ﴾

الله تعالی خبر داد که ابراهیم به مناظره زبانی با آنان اکتفا نکرد، بلکه بت‌های‌شان را شکست در حالی که کاملا به الله اعتماد داشت و برای دفاع از دین، خودش را در معرض سختی‌ها و مشکلات قرار داد. قرطبی: ۱۴/ ۲۱۶- ۲۱۷.

پرسش: اعتماد ابراهیم ﷺ به پروردگارش، به چه حدّی رسید؟

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٧)

فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
﴿٥٨﴾ قَالُوا مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٩﴾
قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَأْتُوا
بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوٓا ءَأَنتَ
فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ
هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ
أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُوا
عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ
أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا
يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ
فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ
﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ
وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا
لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ﴿٧٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
جُذَٰذًا	تکه‌هایی کوچک.
عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ	در برابر دید مردم.
نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ	به دشمنی و لجاجت خویش بازگشتند.
أُفٍّ لَّكُمْ	ننگ بر شما باد!
نَافِلَةً	بیشتر از آن‌چه درخواست کرد.

عمل به آیات

۱. کتابی در مورد روش گفتگو و استدلال و قانع‌کردن دیگران بخوان و این امر را با تفکر در گفتگوهای مذکور در قرآن و احادیث بیاموز، ﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه فرزندانی صالح به تو روزی دهد، ﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ﴾

۳. با انجام یکی از طاعات به سوی الله نزدیکی بجوی، تا الله تو را هنگام سختی نجات دهد، ﴿قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ﴾

رهنمودها

۱. محکوم‌کردن دشمن از زبان خودش، یکی از برترین انواع پیروزی در مناظره است، ﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

۲. هدایت با عقل یا جایگاه به تنهایی حاصل نمی‌شود، بلکه احسانی از جانب الله تعالی است، ﴿فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ﴾

۳. دشمنی و ستیزه‌جویی، انسان را از خیر دنیا و آخرت محروم می‌گرداند، ﴿ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ﴾

ترجمه آیات

و [در غیابِ بت‌پرستان،] همهٔ آنها جز [بُت] بزرگشان را خُرد کرد؛ شاید به سراغ آن بروند [تا حقایق را برایشان بازگو کند]. (۵۸) [وقتی آنان معبودان خویش را چنین دیدند] گفتند: «چه کسی با معبودان ما چنین کرده است؟ قطعاً او ستمکار است». (۵۹) [برخی] گفتند: «ما شنیدیم جوانی که او را ابراهیم می‌نامند از آنها [به بدی] یاد می‌کند». (۶۰) گفتند: «پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید؛ باشد که [بر اعترافش به گناه] گواه باشند». (۶۱) [وقتی ابراهیم را آوردند] گفتند: «ای ابراهیم، آیا تو این [کار] را با معبودان ما کرده‌ای؟» (۶۲) [او] گفت: «بلکه بزرگشان چنین کرده است. اگر سخن می‌گویند، از آنها بپرسید». (۶۳) آنگاه [آنان] به خود آمدند و [به یکدیگر] گفتند: «واقعاً شما [مشرک و] ستمکارید». (۶۴) سپس [باز هم] سر به دشمنی و انکار برداشتند [و گفتند:] «تو خوب می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند». (۶۵) [ابراهیم] گفت: «آیا به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنید که نه سودی برایتان دارد و نه زیانی به شما می‌رساند؟ (۶۶) اُف بر شما و بر آنچه به جای الله عبادت می‌کنید! آیا نمی‌اندیشید؟» (۶۷) آنان گفتند: «اگر می‌خواهید [برای مجازاتش] کاری کنید، او را بسوزانید و معبودانتان را یاری دهید». (۶۸) [سرانجام او را در آتش انداختند؛ ولی ما] گفتیم: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش». (۶۹) و خواستند برای [نابودی] او نیرنگی به کار برند؛ ولی ما آنان را زیانکارترین [مردم] ساختیم؛ (۷۰) و او و لوط را [با هجرت] به سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده‌ایم [= شام] نجات دادیم؛ (۷۱) و اسحاق و [نوه‌اش] یعقوب را [نیز به عنوان بخشش] افزونی به او بخشیدیم و همگی‌شان را [افرادی] شایسته گرداندیم؛ (۷۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ﴾

به این نکته عجیب دقّت کن، که هر کس مورد خشم و غضب الله باشد، الفاظ تعظیم بر او اطلاق نمی‌گردد مگر به صورتی که به یارانش منسوب شود؛ چنان‌که وقتی پیامبر ﷺ به پادشاهان مشرک زمین نامه می‌نوشت، می‌فرمود: «به بزرگ قوم فارس»، «به بزرگ رومیان» و از این قبیل اصطلاحات، اما هرگز نمی‌فرمود: «به بزرگ یا به رئیس». الله تعالی نیز فرمود: ﴿إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ﴾ و نفرمود: «بزرگی از معبودان‌شان». پس شایسته است که به این مطلب دقت کنیم و بپرهیزیم از این‌که کسی را که نزد الله، حقیر و بی‌ارزش است بزرگ و محترم بشماریم مگر این‌که بزرگی را به کسانی که او را بزرگ می‌پندارند، نسبت دهیم. سعدی: ۵۲۶.

پرسش: چرا الله سبحانه در توصیف بت مذکور ﴿كَبِيرًا لَّهُمْ﴾ آورد؟

۲ ﴿فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ﴾

هدف ابراهیم عليه السلام این بود که خودشان اعتراف کنند معبودان‌شان سخن نمی‌گویند و نمی‌توانند که سخن بگویند، زیرا بی‌جان هستند. ابن کثیر: ۳/ ۱۷۸.

پرسش: منظور ابراهیم عليه السلام از این سؤال چه بود؟

۳ ﴿ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ﴾

﴿ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ﴾؛ این مطلب به صورت استعاره بیان شده است؛ زیرا به جای این‌که به حق اعتراف کنند، به باطل و دشمنی روی آوردند و گفتند: ﴿لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ﴾ یعنی: چگونه به ما دستور می‌دهی از آن‌ها سؤال کنیم؟ خودشان اعتراف کردند که معبودان‌شان سخن نمی‌گویند و با وجود این، آن‌ها را عبادت می‌کنند که این کار، نهایت گمراهی در عمل و اوج لجاجت و دشمنی در جدال بود. ابن جزی: ۲/ ۳۹.

پرسش: پیروان باطل زمانی که حقیقت برای‌شان روشن می‌شود، به چه امری روی می‌آورند؟

۴ ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ﴾

وقتی دلیل و حجت‌شان شکست خورد و ناتوانی آنان آشکار گشت و حق روشن شد و باطل از بین رفت، به زور و قدرت خود پناه بردند و گفتند: ﴿حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ﴾؛ «او را بسوزانید و معبودان‌تان را یاری رسانید». ابن کثیر: ۳/ ۱۷۹.

پرسش: کسانی که نمی‌توانند برای سخن و ادعای‌شان دلیل بیاورند، چه روشی در پیش می‌گیرند؟

۵ ﴿قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ﴾

ابو العالیه می‌گوید: اگر الله نمی‌فرمود: ﴿وَسَلَٰمًا﴾ سرمای آتش از گرمایش سخت‌تر می‌شد و اگر نمی‌فرمود: ﴿عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ﴾ سردی آتش تا ابد باقی می‌ماند. شنقیطی: ۴/ ۱۶۳.

پرسش: چرا فرمان داده شد که آتش، سالم و سلامت باشد؟ و چرا الله تعالی این مورد را به ابراهیم عليه السلام اختصاص داد؟

۶ ﴿وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ﴾

سرزمین شام منظور است که از عراق به آن‌جا رفت. برکت آن به سرسبزی و فراوانی پیامبرانی است که در آن‌جا مبعوث شدند. ابن جزی: ۲/ ۴۰.

پرسش: سرزمین شام چه برکاتی دارد؟

۷ ﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ﴾

﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً﴾ یعنی: افزون بر اسحاق عليه السلام؛ زیرا ابراهیم عليه السلام برای وجود اسحاق دعا کرد و یعقوب عليه السلام بدون دعا به او بخشیده شد، بنابراین یعقوب افزون بر خواسته‌اش در دعا بود؛ ابراهیم عليه السلام فرمود: ﴿رَبِّ هَبْ لِى مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۰]؛ «پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما.» به نوه نیز نافله گفته می‌شود؛ چون افزون بر فرزند است. قرطبی: ۱۴/ ۲۳۰.

پرسش: علما می‌گویند: هر گاه بنده رابطهٔ میان خود و الله را اصلاح کند، الله به وی بیشتر از آن‌چه او آرزو و امید دارد، می‌بخشد. با توجه به آیه، این مطلب را توضیح دهید.

سورة (الأنبياء) الجزء (۱۷) صفحة (۳۲۸)

وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ
ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا
عَٰبِدِينَ ۝٧٣ وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ
ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ
فَٰسِقِينَ ۝٧٤ وَأَدۡخَلۡنَٰهُ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
۝٧٥ وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ
وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ۝٧٦ وَنَصَرۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ
ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ۝٧٧ وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ
إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ۝٧٨
فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَسَخَّرۡنَا
مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ ۝٧٩
وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡۖ
فَهَلۡ أَنتُمۡ شَٰكِرُونَ ۝٨٠ وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةٗ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦٓ
إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيۡءٍ عَٰلِمِينَ ۝٨١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَوۡمَ سَوۡءٖ	اهل فساد و زشتی.
نَفَشَتۡ	بدون چوپان، شبانه در آن پراکنده شد.
صَنۡعَةَ لَبُوسٖ	ساخت زره‌ها که آن‌ها را به صورت حلقه‌هایی در هم فرورفته می‌ساخت.
لِتُحۡصِنَكُم	تا از شما حمایت و محافظت کند.
بَأۡسِكُمۡ	جنگ شما.
عَاصِفَةٗ	توفان و باد بسیار تند.

عمل به آیات

۱. از رنج انسانی مصیبت‌زده بکاه، یا مقداری از مالت را در راه الله صدقه بده یا روزه‌ای نافله برای الله بگیر، ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ يا مُعَلِّمَ إِبْرَاهِيمَ عَلِّمْنِي، وَ يَا مُفَهِّمَ سُلَيْمَانَ فَهِّمْنِي»؛ «یا الله! ای معلم ابراهیم به من بیاموزان و ای فهماننده سلیمان به من بفهمان»، ﴿فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا﴾

۳. با شرکت در یک دورهٔ مهارت‌آموزی، حرفه‌ای مفید بیاموز، ﴿وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. دعوت به سوی الله تعالی بافضیلت است و دعوتگران به سوی الله شرف و جایگاه بالایی دارند، ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ﴾

۲. هر گاه پلیدی در میان امت فراوان شود، نابودی و ویرانی به ارمغان می‌آورد، ﴿وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ﴾

۳. هنگام رنج و اندوه به الله تعالی پناه ببر؛ زیرا تمام گشایش‌ها از جانب اوست، ﴿وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ﴾

ترجمه آیات

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم؛ و آنان [همه] عبادت‌کننده ما بودند. (۷۳) ما به لوط، [اجازهٔ] قضاوت و علم [دین] دادیم و او را از شهری که [ساکنانش] اعمال زشت [و پلید] مرتکب می‌شدند نجات بخشیدیم. به راستی که آنان گروهی پلید و نافرمان بودند. (۷۴) و او را در رحمت خود وارد کردیم. بی‌گمان، او از شایستگان بود. (۷۵) و نوح را [یاد کن] هنگامی که پیشتر [از سایر پیامبران، ما را] ندا داد؛ ما [نیز دعای] وی را اجابت کردیم آنگاه او و خاندانش را از اندوهِ بزرگ نجات دادیم. (۷۶) و در برابر قومی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری‌اش کردیم. بی‌تردید، آنان گروه بدکاری بودند؛ پس همگی‌شان را غرق کردیم. (۷۷) و [یاد کن از] داود و سلیمان، آنگاه که دربارهٔ کشتزاری داوری می‌کردند که گوسفندان قوم، شبانه در آن چریده بودند و ما بر داوری آنان گواه بودیم. (۷۸) آن [حقیقت] را به سلیمان فهماندیم و به هر یک از آنان پیامبری و دانش [عمل به احکام دین] عطا کردیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را در خدمت داود گماشتیم که [همراه با او، پروردگار را] تسبیح می‌گفتند و ما بودیم که این [همه] را انجام دادیم. (۷۹) و ساختن زره را به او [= داود] آموختیم تا شما را از [آسیب] جنگ‌هایتان حفظ کند؛ پس آیا شکر می‌گزارید؟ (۸۰) و تندباد را برای سلیمان [به خدمت گماشتیم] که به فرمانِ او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده‌ایم [= شام] روان بود؛ و ما همه چیز را می‌دانستیم. (۸۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا﴾

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الله برای بنده‌اش این است که پیشوا و راهنمای هدایت‌شدگان باشد و مؤمنان از او پیروی کنند. سعدی: ۵۲۷.

پرسش: چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت از این‌که الله تعالی بر ابراهیم ﷷ و فرزندانش احسان کرد و آنان را پیشوایان هدایت‌یافتگان قرار داد؟ حافظ قرآن و جویندهٔ علم هنگام تلاوت این آیه به چه نعمتی دست می‌یابد؟

۲ ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِ﴾

عبارت ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾ شامل تمامی خوبی‌ها در رعایت حقوق الله و حقوق مردم می‌شود و عبارت ﴿وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِ﴾ عطف خاص بر عام است. امور مذکور در این دو عبارت، فضیلت و ارزش بسیاری دارند و هر کس آن‌ها را به نحو مطلوب انجام دهد، سایر امور دینی را رعایت خواهد کرد؛ ولی کسی که آن‌ها را نادیده بگیرد، سایر احکام را بیشتر تباه می‌کند. به‌علاوه، نماز بهترین عملی است که مشتمل بر حق الله بوده و زکات بهترین عملی به شمار می‌رود که نتیجهٔ آن، نیکی به مخلوقات است. سعدی: ۵۲۷.

پرسش: چرا نماز و زکات به صورت جداگانه بیان شد با وجود این‌که مصداقی از مفهوم خوبی‌ها هستند؟

۳ ﴿وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ۝٧٨ فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا﴾

﴿فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَ﴾ یعنی: این مسأله را به سلیمان ﷷ فهماندیم. عبارت مذکور بیانگر این مطلب نیست که الله تعالی سایر احکام و مسایل را به داود نفهمانده است؛ چون در ادامه می‌فرماید: ﴿وَكُلًّا﴾ به هر یک از داود و سلیمان ﷺ ﴿ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا﴾ حکمت و علمی دادیم. آیه نشان می‌دهد که حاکم گاهی به حقیقت می‌رسد و در برخی موارد اشتباه می‌کند، پس اگر تمام تلاش خود را برای یافتن حقیقت به کار ببرد، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد. سعدی: ۵۲۸.

پرسش: در چه صورتی حاکم، قاضی، معلم یا پدر در خطایی که از آنان سر می‌زند معذورند؟

۴ ﴿وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ۝٧٨ فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا﴾

حسن می‌گوید: اگر این آیه نمی‌بود قطعاً قضات هلاک می‌شدند، ولی الله تعالی سلیمان ﷷ را که به حقیقت رسید، تمجید می‌کند و داود ﷷ را که اجتهاد و تلاش کرد، معذور می‌داند. قرطبی: ۱۴/ ۲۳۷.

پرسش: بر اساس آیه فوق، رحمت و مهربانی الله به علما و قضات را توضیح دهید.

۵ ﴿وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَ﴾

زیرا داود ﷷ یکی از بهترین بندگان الله و از کسانی بود که بیشتر از همه، ذکر و تسبیح و تمجید الهی را به جای می‌آورند. سعدی: ۵۲۸.

پرسش: چرا الله تعالی این ویژگی را به داود ﷷ بخشید که کوه‌ها و پرندگان با او تسبیح می‌گفتند؟

۶ ﴿وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ﴾

به نظر می‌رسد عبارت ﴿وَكُنَّا فَٰعِلِينَ﴾ تاکیدی بر عبارت ﴿وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَ﴾ است. سبب تاکید این است که رام‌کردن کوه‌ها و تسبیح آن‌ها امری عجیب و خارق العاده است و گمان می‌رود که کافران جاهل آن را دروغ بپندارند. شنقیطی: ۴/ ۲۳۲.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿وَكُنَّا فَٰعِلِينَ﴾ به پایان رسید؟

۷ ﴿وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡۖ فَهَلۡ أَنتُمۡ شَٰكِرُونَ﴾

سپاس‌گزاری بنده از پروردگارش این است که به‌وسیلهٔ نعمت‌هایش، از او تعالی اطاعت کند. سپاس‌گزاری پروردگار از بنده نیز این است که به سبب عمل اندک او، پاداش فراوانی به وی عطا می‌کند. شنقیطی: ۴/ ۲۳۴.

پرسش: در چه صورتی بنده، سپاسگزار به شمار می‌رود؟ و الله تعالی چگونه پاسخ شکرگزاری بنده‌اش را می‌دهد؟

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٢٩)

وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا دُونَ
ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ﴿٨٢﴾ ۞ وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾
فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ
وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ
﴿٨٤﴾ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ
﴿٨٥﴾ وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٦﴾
وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ
فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي
كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ
مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّآ
إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ
﴿٨٩﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا
لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ
وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ﴿٩٠﴾

ترجمه آیات

و [نیز] از شیاطین کسانی را [گماشتیم] که برایش غواصی می‌کردند [و جواهر استخراج می‌نمودند] و کارهایی غیر از این [نیز] انجام می‌دادند؛ و ما مراقب [رفتار و تعداد] آنان بودیم. (۸۲) و ایوب را [یاد کن] آنگاه که پروردگارش را [چنین] ندا داد: «رنج [و بیماری] به من رسیده است و تو مهربان‌ترینِ مهربانانی». (۸۳) ما [دعای] او را اجابت کردیم و رنجی را که به او رسیده بود برطرف ساختیم و خانواده‌اش و [نیز تعدادی] همانندشان را به همراه آنان به وی بازگرداندیم [تا] رحمتی از جانب ما و پندی برای عبادت‌کنندگان باشد. (۸۴) و [یاد کن از] اسماعیل و ادریس و ذوالکِفل که همگی از شکیبایان بودند. (۸۵) و [ما] آنان را در رحمت خویش وارد کردیم. بی‌تردید، آنان از شایستگان بودند. (۸۶) و [یاد کن از] ذوالنون [= یونس] آنگاه که خشمگین [از میان قومش] رفت و چنین پنداشت که ما هرگز بر او سخت نمی‌گیریم [و به خاطر این کار مجازاتش نمی‌کنیم]؛ [وقتی ماهی او را بلعید] در تاریکی‌ها ندا داد که: «[پروردگارا،] هیچ معبودی [به‌حق] جز تو نیست. تو منزّهی. بی‌تردید، من از ستمکاران بوده‌ام». (۸۷) دعایش را اجابت کردیم و او را از اندوه نجات دادیم و مؤمنان را [نیز] اینچنین نجات می‌دهیم. (۸۸) و [یاد کن از] زکریا، آنگاه که پروردگارش را [این گونه] ندا داد: «پروردگارا، مرا تنها [و بی‌فرزند] مگذار و تو بهترین وارثانی». (۸۹) دعایش را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را [که نازا بود] برایش شایسته [و آمادهٔ بارداری] نمودیم. آنان همواره در کارهای خیر می‌شتافتند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و پیوسته برای ما [فرمانبردار و] فروتن بودند. (۹۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾

﴿وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾ یعنی: او را در این زمینه، الگو و اسوه قرار دادیم؛ تا مصیبت‌زدگان گمان نکنند به سبب این‌که نزد ما خوار و بی‌ارزش هستند آنان را به مصیبت گرفتار می‌کنیم و نیز به این هدف که در صبر بر تقدیرهای الهی و مصیبت‌هایی که بر اساس ارادهٔ الله به بندگان می‌رسد، به ایوب علیه السلام اقتدا کنند. ابن کثیر: ۳/ ۱۸۵.

پرسش: قصهٔ ایوب علیه السلام چگونه مایه پند و عبرت عبادتگزاران است؟

۲ ﴿رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾

او را آزمودیم تا پاداشش در سرای آخرت، افزایش یابد. ﴿وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾ یعنی: سبب پند و عبرت عابدان است؛ زیرا هر گاه مصیبت و صبر و رنج ایوب علیه السلام را به یاد آورند - در حالی که بهترین فرد زمانش بود- همانند او خودشان را برای صبر بر سختی‌های دنیوی آماده می‌کنند. در نتیجه، این امر هشدار و انگیزه‌ای برای آنان می‌شود که به عبادتشان ادامه دهند و مصیبت را تحمل کنند. قرطبی: ۱۴/ ۲۶۳.

پرسش: حکمت و دلیلی را که الله تعالی برای مصیبت ایوب علیه السلام بیان فرمود بنویسید.

۳ ﴿وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

الله تعالی آنان را به اصلاح و نیکوکاری توصیف کرد که شامل اصلاح دل‌ها بر اثر شناخت الله، محبت و رجوع به او در هر زمانی و نیز شامل اصلاح زبان به این‌که همواره با ذکر الهی تر و تازه باشد و اصلاح جوارح به این‌که مشغول طاعت و عبادت باشد و از گناهان پرهیز کند، می‌شود. سعدی: ۵۲۹.

پرسش: انسان در چه صورتی نیکوکار به شمار می‌رود؟

۴ ﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

﴿فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ﴾؛ یعنی در تاریکی شب، دریا و شکم ماهی. ابن جزی: ۲/ ۴۳.

پرسش: تاریکی‌هایی که یونس علیه السلام در آن‌ها قرار داشت، چه بود؟ با توجه به آیه، تاثیر ذکر را در دفع مصیبت به صورت مختصر بیان کنید.

۵ ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

یونس علیه السلام به کمال الوهیت الله اقرار کرد: ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ﴾ و به این‌که از هر نقص و عیب و آفتی منزه است: ﴿سُبۡحَٰنَكَ﴾. نیز به ستم و جرم خود اعتراف کرد: ﴿إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾. سعدی: ۵۲۹.

پرسش: دعای مذکور مشتمل بر سه مطلب است که یونس علیه السلام به سبب آن‌ها شایستگی نجات را پیدا کرد. آن سه مورد را نام ببرید.

۶ ﴿وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

یعنی هنگامی که در سختی‌ها قرار گیرند و ما را خالصانه بخوانند؛ به‌ویژه اگر هنگام مصیبت، این دعا را بر زبان آورند. ابن کثیر: ۳/ ۱۸۷.

پرسش: بهترین روش برای نجات از سختی‌ها که در آیه آمده چیست؟

۷ ﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓ﴾

﴿وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓ﴾: پس از این‌که همسرش نازا بود و رَحِمش برای بارداری مهیا نبود، الله تعالی آن را به‌خاطر پیامبرش زکریا علیه السلام برای این کار آماده کرد. این امر یکی از فواید همنشین نیک است که باعث برکت برای همنشین می‌گردد. بنابراین یحیی علیه السلام به پدر و مادرش بخشیده شد. سعدی: ۵۳۰.

پرسش: با استدلال به آیه، بیان کنید رفیق صالح چگونه سبب خیر و برکت همنشین می‌شود؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَغُوصُونَ لَهُۥ	برای خارج‌کردن مرواریدها، خود را به دریا می‌افکندند.
نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ	این‌که در شکم ماهی، بر او فشار نیاوریم و وی را مؤاخذه نکنیم.
خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ	بهترین وارث و کسی که پس از من، جانشین خوبی باشد.
رَغَبٗا وَرَهَبٗا	به امید پاداش و ترس از عذاب.

عمل به آیات

۱. یکی از قصص قرآنی در مورد سیرهٔ پیامبران را برای برادران و خواهران یا فرزندانت بخوان، و مهم‌ترین فواید و پندهایش را بیان کن، ﴿رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾

۲. گناهی را به یاد آور که مرتکب شده‌ای و پس از آن، مصیبتی واقع شده است، سپس بگو: ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۳. بلافاصله پس از شنیدن اذان برای ادای نمازهای پنج‌گانه برخیز، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه آسیبی به تو وارد شد، بدون تردید دست‌هایت را برای دعا به سوی الله دراز کن، ﴿أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾

۲. هر گاه سختی‌ها و مصیبت‌ها بر تو دشوار آمد، به قصهٔ ایوب یا یوسف علیهما السلام یا محمد صلی الله علیه وسلم رجوع کن که مایهٔ تسلی و آرامش هستند، ﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ﴾

۳. صبر در برابر سختی و سپاس‌گزاری نعمت‌ها، جایگاه بسیار والایی دارند، ﴿وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

سورة (الأنبياء) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٠)

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا
وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦٓ
أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾
فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ
أَهْلَكْنَاهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتْ
يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾
وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ
هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾
لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ
سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰٓ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم	در مورد پیامبران‌شان اختلاف کردند و متفرق شدند.
فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ	هیچ انکاری برای عملش نیست.
حَدَبٍ	زمینی مرتفع.
يَنسِلُونَ	با شتاب می‌روند.
شَٰخِصَةٌ	باز و خیره، به گونه‌ای که پلک نزنند.
حَصَبُ جَهَنَّمَ	آتشگیره و هیزم آن.

عمل به آیات

۱. از فتنهٔ یأجوج و مأجوج به الله پناه ببر، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ﴾

۲. به زیارت قبرستان برو تا از آخرت خویش غافل نباشی، ﴿وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٍ مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا ظَٰلِمِينَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه در زمرهٔ کسانی باشی که قبلاً از جانب الله تعالی نیکی برای‌شان مقرر گشته و از جهنم دور نگه داشته شده‌اند، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ﴾

رهنمودها

۱. عفت و حیا و پاکدامنی، فضیلت زیادی دارد، ﴿وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةً لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

۲. توحید خالص، رکن اصلی و اساس وحدت امت اسلامی است، ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ﴾

۳. ایمان، شرط پذیرش اعمالِ صالح است، ﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٌ فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ﴾

ترجمه آیات

و [یاد کن از مریم،] زنی که دامانِ خود را پاک نگاه داشت و [ما] از روح[ی از جانب] خویش در [وجودِ] او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان نشانه‌ای [از قدرت الهی] قرار دادیم. (۹۱) [ای مردم،] به راستی، این آیین شما، آیینی یگانه [و مبتنی بر یکتاپرستی] است و من پروردگارتان هستم؛ پس مرا عبادت کنید. (۹۲) و[لی مردم] میان خود در امر [دین]شان فرقه‌فرقه شدند؛ [ولی سرانجام،] همگی به سوی ما بازمی‌گردند. (۹۳) هر کس کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، در برابر کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و ما کارهایش را می‌نویسیم. (۹۴) و [مردم] هر شهری را که [بر اثر کفر و گناه] نابودش کردیم، محال است که [بتوانند به قصدِ توبه به دنیا] بازگردند. (۹۵) تا زمانی که [سدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر بلندی [و تپه‌ای] شتابان سرازیر گردند. (۹۶) و وعدهٔ حق [= قیامت] نزدیک گردد؛ در آن هنگام، چشم‌های کسانی که کفر ورزیدند [از شدت وحشت] خیره می‌مانَد [و می‌گویند:] «ای وای بر ما! قطعاً ما از این [حادثه] در غفلت بودیم! بلکه [کافر و] ستمکار بودیم». (۹۷) [به آنان گفته می‌شود:] «[قطعاً شما و آنچه که به جای الله عبادت می‌کنید، هیزم دوزخید [و همگی] در آن وارد خواهید شد». (۹۸) اگر اینها معبودانی [به‌حق] بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند؛ و حال آنکه همگی در آن [عذاب سوزان] جاودانند. (۹۹) در آنجا ناله‌هایی [دردناک] دارند و [از شدت درد و ترس] چیزی نمی‌شنوند. (۱۰۰) [امّا] کسانی که پیشتر، وعدهٔ نیکو [= بهشت] از جانب ما به آنان داده شده است، یقیناً از آن [آتش جهنم] دور نگه داشته می‌شوند. (۱۰۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةً لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

الله تعالی قصهٔ مریم و پسرش عیسی را پس از قصهٔ زکریا و پسرش یحیی عليهما السلام حکایت کرد. وجه تشابه و ارتباط دو قصه در این است که یحیی عليه السلام از مردی سالخورده و زنی نازا که حتی در دوران جوانی بچه‌ای به دنیا نیاورده بود، متولد شد و ماجرای تولد عیسی عليه السلام از آن عجیب‌تر بود؛ چرا که بدون پدر به دنیا آمد. این دو مورد در سوره «آل‌عمران»، «مریم» و در این‌جا با هم بیان شده است. ابن کثیر: ۳/ ۱۸۹.

پرسش: چرا در موارد بسیاری، قصه مریم و عیسی پس از قصه یحیی و زکریا عليهما السلام بیان شده است؟

۲ ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ﴾

یعنی پیامبرانی که سرگذشت آنان بیان شد، از خود شما و نیز پیشوایانی برای‌تان هستند که به آنان اقتدا می‌کنید و به راهنمایی‌شان چنگ می‌زنید. همگی بر یک دین و یک روش بودند و پروردگارشان یکی بود و به همین سبب، الله فرمود: ﴿وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ﴾؛ فقط من پروردگار شما هستم. سعدی: ۵۳۰.

پرسش: چگونه تمامی پیامبران و پیروان‌شان یک امت هستند؟

۳ ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ۝ وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡۖ كُلٌّ إِلَيۡنَا رَٰجِعُونَ﴾

یعنی تا زمانی که امتی یکپارچه و بر محور توحید باشید، این امت شماست، ولی هنگامی که متفرق شوید و مخالفت کنید، هر کس با حقیقت مخالفت ورزد، پیرو دین حق به شمار نمی‌رود. قرطبی: ۱۴/ ۲۸۳.

پرسش: ارزش و جایگاه وحدت و اتحاد بر حق و ترک تفرقه و اختلاف را بیان کنید.

۴ ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ﴾

یکپارچگی امت به این معناست که آنان الله را یگانه می‌دانند و در نتیجه، معبود دیگری غیر از الله نیست. وضعیت شرایع توحیدی این‌گونه است، بر خلاف آیین‌های شرکی؛ زیرا آن‌ها بر اثر تعدد معبودان‌شان، به چندین دین و آیین تقسیم شدند؛ چون هر معبودی، بردگان و پیروانی دارد و هر چند همگی مشرک نامیده می‌شوند. ابن عاشور: ۱۷/ ۱۴۱.

پرسش: توحید باعث یکپارچگی امت و شرک سبب تفرقه می‌شود، این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾

در آن روز، چشم‌های کافران را از شدت ترس و وحشت و مشقت، و به سبب جرم و گناهانی که از خودشان سراغ دارند، برآمده و خیره می‌بینی و بر اثر آن‌چه از دست داده‌اند، پشیمانند و حسرت و اندوه می‌خورند و آه و ناله سر می‌دهند. سعدی: ۵۳۱.

پرسش: دلیل برآمدگی و خیره‌شدن چشم‌های کافران در روز قیامت چیست؟

۶ ﴿إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ۝ لَوۡ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَاۖ وَكُلٌّ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمۡ فِيهَا لَا يَسۡمَعُونَ ۝ إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ﴾

کسانی که در جایی که نافرمانی الله می‌شود، دوست نداشتند مورد عبادت و اطاعت قرار گیرند، وارد جهنم نمی‌شوند؛ مانند مسیح، عزیر عليهما السلام و دیگران که از جهنم دور نگه داشته می‌شوند. ابن تیمیه: ۴/ ۳۹۳.

پرسش: مسیح عليه السلام، حسین رضي الله عنه و [عبد القادر] گیلانی رحمه الله مورد عبادت برخی قرار گرفتند، آیا این معبودها مصداق حکم آیه هستند؟ چرا؟

۷ ﴿إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ﴾

دلیل ورود نمادها و بت‌ها به جهنم - با وجود این‌که بی‌جان و بی‌خردند و گناهی ندارند- بیان دروغ و بطلان کار کسانی است که آن‌ها را به عنوان معبود انتخاب کردند و نیز به این هدف که بر عذاب پیروان‌شان افزوده شود. سعدی: ۵۳۱.

پرسش: چرا نمادها و بت‌ها وارد جهنم می‌شوند؟

ترجمه آیات

آنان صدای آن [آتش هولناک و فریادهای دوزخیان] را نمی‌شنوند و در آنچه میل داشته باشند، جاودانه [در آسایش] هستند. (۱۰۲) وحشت بزرگ [قیامت] آنان را اندوهگین نمی‌سازد و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند [و به آنان می‌گویند:] «این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد». (۱۰۳) روزی که آسمان را در هم می‌پیچیم همانگونه که طومار نوشته‌ها را درهم می‌پیچد، [و] همان گونه که نخستین [بار] آفرینش را آغاز کردیم، [بار دیگر] آن را بازمی‌گردانیم. [این] وعده‌ای است بر عهدهٔ ما که قطعاً انجامش خواهیم داد. (۱۰۴) و به راستی پس [از اینکه در] لوح محفوظ [ثبت شده بود]، در [تمام] کتاب‌های [آسمانی] نوشتیم که: «زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند». (۱۰۵) بی‌گمان، در این [سخن، عبرت و] پیام روشنی برای عبادت‌کنندگان است. (۱۰۶) و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷) بگو: «در حقیقت به من وحی می‌شود که: "بی‌تردید، معبود شما معبودی یگانه است؛ پس آیا تسلیم [دعوتِ حق] می‌شوید؟"» (۱۰۸) اگر رویگردان شدند، بگو: «من [همهٔ] شما را به طور یکسان آگاه کردم [و دربارهٔ عذاب الهی هشدار دادم] و نمی‌دانم آنچه که به شما وعده داده می‌شود نزدیک است یا دور. (۱۰۹) یقیناً او تعالی سخن آشکار را می‌داند و [نیز] آنچه را [در دل خویش] پنهان می‌کنید می‌داند. (۱۱۰) و نمی‌دانم؛ شاید این [تأخیر عذاب، مایهٔ] آزمایش و بهره‌مندیِ شما تا مدتی [معیّن] باشد». (۱۱۱) [پیامبر] گفت: «پروردگارا، [بین ما و کافران] به حق داوری کن؛ و پروردگار ما، [الله] رحمان است که در برابر آنچه [از کفر و شرک] می‌گویید از او یاری می‌خواهیم». (۱۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَا يَحۡزُنُهُمُ ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ﴾

﴿ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ﴾ یعنی: وحشت و سختی‌های روز قیامت و رستاخیز... حسن می‌گوید: زمانی منظور است که بندگان به سوی آتش فراخوانده می‌شوند. ابن جریج، سعید بن جبیر و ضحاک می‌گویند: یعنی هنگامی که آتش، جهنمیان را فرا گیرد و مرگ میان بهشت و جهنم، ذبح شود. قرطبی: ۱۴/ ۲۹۵.

پرسش: چرا مؤمنان در روز قیامت، از وحشت و سختی‌هایش ترس و اندوهی ندارند؟

۲ ﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ﴾

مسلم از ابن عباس رضي الله عنهما روایت می‌کند که: پیامبر ﷺ میان ما برخاست، موعظه کرد و فرمود: ای مردم! شما پابرهنه، عریان و ختنه‌نشده، به سوی الله محشور می‌شوید، ﴿كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ﴾ [صحیح مسلم: ۲۸۶۰]. ابن عاشور: ۱۷/ ۱۶۱.

پرسش: بر اساس آیه، بیان کنید که چگونه رسول الله ﷺ به‌وسیلهٔ قرآن کریم، برای مردم موعظه می‌کرد؟

۳ ﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ﴾

منظور از زمین در این آیه، تمامی آن از مشرق تا مغرب است. بنابر قولی: سرزمین مقدس و بنابر قولی: زمین بهشت منظور است. قول اخیر بهتر به نظر می‌رسد. منظور از بندگان صالح، امت محمد مصطفی ﷺ هستند که در این آیه، مورد تحسین قرار گرفته‌اند و از فتح دنیا توسط آن‌ها در آینده خبر داده شده است؛ زیرا الله تعالی تمامی زمین را از مشرق تا مغرب، به تصرف آنان درآورد. ابن جزی: ۲/ ۴۶.

پرسش: کسانی که الله تعالی به آنان وعده داده است زمین را به ارث می‌برند، چه صفاتی دارند؟

۴ ﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ﴾

ابن عباس می‌گوید: منظور این است که مسلمانان سرزمین‌های کافران را فتح کردند، که این حکم از جانب الله بیانگر پیروزی و غلبه دین و نیرو گرفتن مسلمانان است. بغوی: ۳/ ۱۹۶.

پرسش: در آیه چه مژده‌ای به نیکوکاران داده شده است؟

۵ ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

به طور کلی به این معناست که: الله تعالی با بعثت محمد ﷺ به جهانیان رحم کرد؛ چون سعادتی بزرگ و نجات از بدترین بدبختی را برای‌شان به ارمغان آورد و به سبب او به خوبی‌های بسیاری در دنیا و آخرت دست یافتند و نیز رسول الله ﷺ آنان را پس از این‌که نادان و گمراه بودند، آگاه و راهنمایی کرد. ابن جزی: ۲/ ۴۶.

پرسش: چگونه پیامبر ﷺ مایهٔ رحمت و هدایت است؟

۶ ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

اگر سوال شود: رحمت برای جهانیان، عام است، ولی کافران به سبب پیامبر ﷺ، مورد رحمت قرار نگرفتند، این مطلب را چگونه توجیه می‌کنید؟ با دو روش، پاسخ می‌دهیم: ۱. خود کافران پس از این‌که رحمت به آنان ارائه شد، سر باز زدند و ایمان نیاوردند؛ بنابراین خودشان این رحمت را ترک کردند. ۲. آنان در واقع به سبب پیامبر ﷺ مورد رحمت قرار گرفتند؛ چون مانند کافران پیشین، به‌وسیلهٔ طوفان، بانگ و فریاد و امثال آن عذاب نشدند. ابن جزی: ۲/ ۴۶.

پرسش: به کسی که می‌گوید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾ عام است ولی کافران مصداق رحمت رسول الله ﷺ قرار نگرفتند، چه پاسخی بدهیم؟

۷ ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

ابن عباس رضي الله عنهما در تفسیر آیهٔ ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾ می‌گوید: کسانی که به پیامبر ﷺ ایمان آوردند، در دنیا و آخرت مورد رحمت کامل الهی قرار می‌گیرند، ولی کسانی که به او ایمان نیاورند، در دنیا، از عذاب‌هایی که به امت‌های پیشین رسید، نجات می‌یابند. طبری: ۱۸/ ۵۵۲.

پرسش: چگونه پیامبر اسلام ﷺ برای مؤمن و کافر، مایهٔ رحمت است؟

سورة (الأنبياء) الجزء (۱۷) صفحة (۳۳۱)

لَا يَسۡمَعُونَ حَسِيسَهَاۖ وَهُمۡ فِي مَا ٱشۡتَهَتۡ أَنفُسُهُمۡ
خَٰلِدُونَ ۱۰۲ لَا يَحۡزُنُهُمُ ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ وَتَتَلَقَّىٰهُمُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوۡمُكُمُ ٱلَّذِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ۱۰۳
يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ
أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ۱۰۴ وَلَقَدۡ
كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا
عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ ۱۰۵ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغٗا لِّقَوۡمٍ
عَٰبِدِينَ ۱۰۶ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ
۱۰۷ قُلۡ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ
أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ۱۰۸ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖۖ
وَإِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٞ مَّا تُوعَدُونَ ۱۰۹ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ
ٱلۡجَهۡرَ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُونَ ۱۱۰ وَإِنۡ أَدۡرِي
لَعَلَّهُۥ فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ۱۱۱ قَٰلَ رَبِّ ٱحۡكُم
بِٱلۡحَقِّۗ وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۱۱۲

سُورَةُ الحَجِّ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَسِيسَهَا	صدای شرارهٔ آتش و سوختن افراد در آن.
ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ	ترس و وحشت بزرگ در روز قیامت.
كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِ	همان‌گونه که کتاب بر مطالبش پیچیده می‌شود.
ٱلزَّبُورِ	کتاب‌هایی که بر پیامبران نازل شد.
ٱلذِّكۡرِ	لوح محفوظ.
ءَاذَنتُكُمۡ	شما را از آن‌چه به آن فرمان داده شدم، آگاه کردم.
عَلَىٰ سَوَآءٖ	علم من و شما در این باره یکسان است.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه قدرت بر روی زمین را به بندگان صالح خویش عطا کند، ﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ﴾

۲. با انتشار پیامی، مظاهر مهربانی پیامبر نسبت به مردم را بیان کن، ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه در تمام کارها به تو یاری رساند، ﴿وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾

رهنمودها

۱. عبادت و صلاح، اسباب ارث‌بردن زمین هستند، ﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ﴾

۲. به قرآن چنگ بزن، آن را حفظ کن و مفاهیمش را بیاموز؛ زیرا پیامی درست و راست و کافی برای کسانی است که به آن چنگ می‌زنند، ﴿إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغٗا لِّقَوۡمٍ عَٰبِدِينَ﴾

۳. پایبندی به انواع عبادات، انسان را بر فهمیدن قرآن کریم موفق می‌گرداند، ﴿إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغٗا لِّقَوۡمٍ عَٰبِدِينَ﴾.

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٢)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ
(١) يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ
كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم
بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ (٢) وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن
يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ (٣)
كُتِبَ عَلَيۡهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهۡدِيهِ
إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ (٤) يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ
مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ
ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ
لَكُمۡۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ
نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ
وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ
بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡـٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا
ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ (٥)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَذۡهَلُ	غافل و مشغول می‌شود.
مَّرِيدٖ	سرکش.
عَلَقَةٖ	خون قرمز و غلیظی که در رحم قرار دارد.
مُّضۡغَةٖ	تکه گوشتی کوچک به اندازه‌ای که جویده شود.
مُّخَلَّقَةٖ	دارای خلقت کامل.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه در روز وحشت و بی‌قراری، به تو امنیت و آرامش عطا کند و بگو: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى» [صحیح مسلم: ۲۷۲۱] «یا الله! هدایت و پرهیزگاری و خویشتن‌داری و بی‌نیازی را از تو تقاضا دارم»، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ﴾

۲. خطر جدال بدون علم در امور دینی را از طریق سخنرانی یا پیام بیان کن، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ﴾

۳. به الله پناه ببر از این‌که به پست‌ترین دوران زندگی بازگردانده شوی، ﴿وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡـٔٗا﴾

رهنمودها

۱. عقیدهٔ رستاخیز و جزا با احوال و صحنه‌های هولناکش به روشنی بیان شده است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ﴾

۲. سخن‌گفتن بدون علم در مورد شریعت الله، چه وحی الهی باشد یا کلام صحیح نبوی، حرام است، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ﴾

۳. دوستی با شیاطین و پیروان‌شان، انسان را به گمراهی و ورود به جهنم و عذاب آتشی سوزان می‌کشاند، ﴿كُتِبَ عَلَيۡهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهۡدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ﴾

سورهٔ حج

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید. بی‌تردید، زلزلهٔ قیامت امر بزرگی است. (۱) روزی که آن را می‌بینید، [آنچنان وحشتناک است که] هر مادرِ شیرده‌ای [فرزندِ] شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر [موجودِ] بارداری جنین خود را [بر زمین] می‌نهد و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند؛ بلکه عذاب الله شدید است. (۲) و از [میان] مردم کسی هست که بدون [هیچ] دانشی، دربارهٔ الله مجادله می‌کند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نماید. (۳) [در قضای الهی بر شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی بگیرد، قطعاً گمراهش می‌سازد و به عذاب آتش می‌کشاند. (۴) ای مردم، اگر دربارهٔ برانگیخته شدن [در قیامت] تردید دارید، [بدانید که] بی‌تردید، ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و آنگاه از خون بسته‌شده، سپس از پاره‌گوشتی دارای خلقت کامل و [بعضاً] خلقت ناقص؛ [چنین کردیم] تا [قدرت خویش را] برایتان آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم، تا مدتی معیّن در رَحِم [مادران] نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت نوزادی بیرون می‌آوریم، سپس [پرورش می‌یابید] تا به حد رشد [و بلوغ] خود برسید؛ و از شما کسی هست که [در دوران جوانی] می‌میرد و کسی نیز هست [که آنقدر عمر می‌کند تا] به نهایت فرتوتی [و کهنسالی] می‌رسد، چنان که پس از [آن همه] دانش، [همه را فراموش می‌کند و] چیزی نمی‌داند؛ و [اما مثالی دیگر:] زمین را خشکیده می‌بینی؛ ولی چون آب [باران] بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش درمی‌آید و رشد می‌کند و از هر نوع [گیاه] زیبایی می‌رویاند. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡ﴾

الله تعالی خطاب به تمامی مردم می‌فرماید از پروردگارشان بترسند؛ ذاتی که آنان را با نعمت‌های آشکار و پنهان پرورش می‌دهد، پس سزاوار است با ترک شرک، فساد و نافرمانی، و انجام دستورات او تا جایی که می‌توانند، تقوای الهی را رعایت کنند. سعدی: ۵۳۲.

پرسش: چرا در این آیه، از میان اسماء و صفات الله، نام «رب» آورده شد؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ (١) يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ﴾

فایده و نتیجه بیان ترس و وحشت آن روز، تشویق به آمادگی برای آن روز و انجام عمل صالح است. قرطبی: ۱۴/ ۳۱۱.

پرسش: بیان ترس و وحشت روز قیامت، چه فایده‌ای دارد؟

۳ ﴿يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ﴾

با وجود این‌که در سرشت مادر، محبت زیادی نسبت به فرزند نهادینه شده است؛ به‌ویژه در حالت شیرخوارگی طفل که بدون مادر زنده نمی‌ماند. سعدی: ۵۳۳.

پرسش: چرا در آیه، زنی که در حالت شیردادن است بیان شد؟

۴ ﴿يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ﴾

در این آیه، «مُرضِع: زن شیرده، که شاید آن زمان در حال شیردادن به فرزندش نباشد» بیان نشد، بلکه «مرضعة: زنی که در حالت شیردادن است و فرزند سینه‌اش را می‌مکد» آورده شد؛ تا مفهوم غفلت را بیشتر برساند، به گونه‌ای که در چنین حالتی، سینه‌اش را از دهان کودک، بیرون می‌کشد. ابن جزی: ۲/ ۴۸.

پرسش: دلیل بلاغی آوردن «مرضعة» و نه «مرضع» چیست؟

۵ ﴿وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ﴾

چون بسیار غم و اندوه دارند، آنان را به انسان‌های مست و حیران تشبیه کرد. ابن جزی: ۲/ ۴۹.

پرسش: چرا این افراد را به افراد مست تشبیه کرد در حالی که مست نیستند؟

۶ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ﴾

فخر رازی در تفسیر خود چنین می‌آورد: با توجه به مفهوم آیهٔ مذکور، نزاع و جدالی که بر حق باشد، جایز است، چون در آیه، جدال به نبود علم به دلایل مقید شد و در نتیجه، نزاع از روی علم و آگاهی جایز به شمار می‌رود. پس منظور آیهٔ ﴿مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢا﴾ [الزخرف: ۵۸] «آنان این سخن را تنها برای جدال با تو عنوان کردند»، جدال و نزاع باطل است، ولی در آیهٔ ﴿وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ﴾ [النحل: ۱۲۵] «و با روشی که نیکوتر است با آنان (بحث و) مناظره کن»، جدال صحیح و بر حق مورد نظر است. شنقیطی: ۴/ ۲۶۳.

پرسش: جدال بر دو نوع است، آن‌ها را نام ببرید و جدال جایز را مشخص کنید؟

۷ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ﴾

این صفت انسان گمراهی است که بدون دلیل از گمراه‌کننده پیروی می‌کند. واضح است که چنین فردی بدون علم و آگاهی نزاع می‌کند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نماید؛ مقدّر شده که هر کس آن شیطان را به دوستی بگیرد، قطعا وی را گمراه می‌کند و به سوی عذاب جهنم می‌کشاند. پیروان پیشوایان گمراهِ اهلِ کتاب و بدعتگذاران چنین وضعیتی دارند؛ آنان بدون هیچ دانشی، درباره الله به جدال می‌پردازند و از شیطان‌های انسی و جنی پیروی می‌کنند. ابن تیمیه: ۴/ ۴۰۱.

پرسش: پیروی و تقلید از پیشوایان گمراه‌کننده چه زیانی به همراه دارد؟

ترجمه آیات

این [شگفتی‌های خلقت،] از آن روست که [بدانید] الله حق است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و او بر هر کاری تواناست. (۶) و اینکه قیامت آمدنی است [و] تردیدی در آن نیست و اینکه الله [همهٔ] کسانی را که در گورها هستند، برمی‌انگیزد. (۷) و از مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی‌بخشی، دربارهٔ الله مجادله می‌کند. (۸) [از روی تکبر] سر خویش را برمی‌گرداند تا [مردم را] از راه الله گمراه سازد. برای او در این دنیا رسوایی و خواری است و روز قیامت [نیز] عذاب آتش سوزان را به او می‌چشانیم. (۹) این [کیفر،] به سزای کارهایی است که از پیش فرستاده است و الله هرگز نسبت به بندگان [خود] ستمکار نیست. (۱۰) و از [میان] مردم کسی هست که الله را با تردید عبادت می‌کند [و ایمانش ضعیف است]؛ پس اگر خیری به او برسد، [دلش] به آن آرام می‌گیرد [و بر ایمانش باقی می‌ماند] و اگر بلایی [برای آزمایش] به او برسد، روی می‌گرداند [و به کفر بازمی‌گردد]. او در دنیا و آخرت زیان کرده است. این همان زیان آشکار است. (۱۱) [انسان کافر،] به جای الله چیزی را می‌خوانَد که نه به او زیانی می‌رساند و نه سودی می‌بخشد. این همان گمراهی دور و دراز است. (۱۲) او کسی را می‌خوانَد که قطعاً زیانش نزدیک‌تر از سودش می‌باشد؛ و چه بد دوست و چه بد همدمی است! (۱۳) بی‌تردید، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است. به راستی، الله آنچه را که می‌خواهد، انجام می‌دهد. (۱۴) کسی که گمان می‌کند الله او [= پیامبر] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [و اکنون حمایت الله را می‌بیند و خشمگین است]، باید ریسمانی به سقف [خانه‌اش] بیاویزد و [خود را دار بزند تا راه نفَس] را قطع کند [و تا سر حد مرگ پیش رود]؛ آنگاه بنگرد که آیا [این ترفند و] نیرنگ او، خشمش را از میان می‌بَرد. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

چنین فردی علم ضروری و بدیهی و علم اکتسابی برای انتخاب شیوه صحیح و منطقی و نیز علم وحیانی ندارد؛ یعنی از تمامی جنبه‌ها، به کلی نادان است. شنقیطی: ۴/ ۲۸۰.

پرسش: در چه صورتی، انسان توانایی جدال و گفتگو دارد؟

۲ ﴿ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ﴾

﴿لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ﴾؛ یعنی خواری و حقارت؛ او از آیات الهی روی گرداند، الله تعالی در دنیا و پیش از آخرت، وی را خوار و ذلیل کرد؛ چون تمام تلاش و آرزو و دانش خود را برای همین دنیا به کار گرفت. ابن کثیر: ۳/ ۲۰۳.

پرسش: چرا جزای کسی که هنگام شنیدن آیات قرآن، روی می‌گرداند، این است که در دنیا و پیش از فرا رسیدن آخرت، خوار شود؟

۳ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ﴾

این آیه در مورد قومی از اعراب نازل شد که هر گاه کسی از آنان مسلمان می‌شد و به ثروت و فرزند مورد نظرش دست می‌یافت، می‌گفت: این بهترین دین است، ولی اگر به سختی و مصیبتی بر می‌خورد، فال بد می‌زد و از اسلام بازمی‌گشت. ابن جزی: ۲/ ۵۰.

پرسش: دربارهٔ کسی که فقط برای رسیدن به ثروت دنیوی، دین اسلام را می‌پذیرد، چه دیدگاه داری؟

۴ ﴿خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَ﴾

در دنیا، به ثروتی که آرزو دارد با ارتداد به آن برسد، هرگز نخواهد رسید و فقر و مصیبتش جبران نخواهد شد؛ بنابراین تلاشش بی‌نتیجه است و فقط به آن‌چه برایش مقدر شده دست می‌یابد. سعدی: ۵۳۵.

پرسش: کسی که از دین اسلام بازگردد، چگونه در دنیا زیان می‌بیند؟

۵ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ﴾

یعنی برخی از مردم دارای ایمان ضعیفی هستند و هنوز ایمان در دل‌شان وارد نشده و از روی میل آن را نپذیرفته‌اند، بلکه از روی ترس یا عادت ایمان آورده‌اند و هنگام سختی‌ها از ایمان دست می‌کشند. سعدی: ۵۳۴.

پرسش: چه عاملی، ایمان انسان را بر لبهٔ پرتگاه و در معرض نابودی قرار می‌دهد؟

۶ ﴿يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ﴾

﴿يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦ﴾ این اشکال از نظر معنایی مطرح می‌شود که الله تعالی در مورد معبودها ابتدا فرمود هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند، ولی در ادامه می‌فرماید زیان آن‌ها نزدیک‌تر و محتمل‌تر از منفعت‌شان است؛ یعنی این‌که در ابتدا ضرر و زیان نفی و در ادامه اثبات می‌گردد. پاسخ این اشکال بدین قرار است: منظور از عدم زیان در ابتدا، این است که آن‌ها نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند و ضرر برسانند، اما منظور از زیانی که در ادامه بیان شد، عذاب و مجازاتی است که به سبب معبودها دامنگیر انسان مشرک می‌گردد. ابن جزی: ۲/ ۵۱.

پرسش: چرا ابتدا حصول سود و زیان از جانب معبودها نفی گردید، ولی در ادامه بیان شد که زیان آن‌ها نزدیک‌تر و محتمل‌تر از منفعت‌شان است؟

۷ ﴿يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ﴾

وظیفهٔ ارباب و رئیس، جلب و رساندن منفعت به زیردستان و مسئولیت پدر، جلب خیر برای خانواده است و در صورتی که تخلف از این وظیفه به صورت نادر انجام شود باعث عیب و نقص است، اما اگر رئیس و بزرگ یک قوم هرگز به زیردستانش خیر نرساند، بدترین رئیس به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۱۶.

پرسش: چرا معبودها بدترین ارباب و دوست به شمار می‌روند؟

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٣)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
قَدِيرٞ ﴿٦﴾ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي
ٱلۡقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى
وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ﴿٨﴾ ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي
ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَٰلِكَ
بِمَا قَدَّمَتۡ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ
أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ
هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ
وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدۡعُواْ لَمَن
ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ ﴿١٣﴾
إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَن كَانَ
يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى
ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ	گردنش را از روی تکبر می‌چرخاند.
عَلَىٰ حَرۡفٖ	با سستی و شک و تردید.
خَيۡرٌ	سلامتی و روزی فراوان.
فِتۡنَةٌ	آزمایش با مصیبت و غم.
ٱلۡمَوۡلَىٰ	یاری‌رسان.
ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ	یعنی باید آن ریسمان را پاره کند.

عمل به آیات

۱. در یک دورهٔ علمی شرکت کن یا درس‌هایش را از طریق شنیداری فرا بگیر تا بر هدایت و علم قرار بگیری، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

۲. بگو: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ «پروردگارا بر دانشم بیفزا»، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دینت پایدار گردان»، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ﴾

رهنمودها

۱. یکی از مظاهر جهل، جدال بدون علم در امور دینی است، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

۲. یکی از سخت‌ترین محرومیت‌ها و کیفرها این است که جنگ با دین اسلام و تلاش در این راه، بر انسان آراسته شود، ﴿ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ﴾

۳. از عبادتِ هنگامِ آسایش و ترک عبادتِ هنگامِ سختی که نشانهٔ منافق است بپرهیز، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ﴾

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٤)

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ
١٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ
وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١٧ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ
يَسۡجُدُۤ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ
وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ
ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن
مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩ ١٨ ۞هَٰذَانِ خَصۡمَانِ
ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ
مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩ يُصۡهَرُ بِهِۦ
مَا فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠ وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ ٢١ كُلَّمَآ
أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ
ٱلۡحَرِيقِ ٢٢ إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ
أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٢٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلصَّٰبِـِٔينَ	کسانی که فرشتگان یا ستارگان را عبادت می‌کنند.
وَٱلۡمَجُوسَ	عبادت کنندگان آتش.
ٱلۡحَمِيمُ	آبی که بی‌نهایت داغ است.
يُصۡهَرُ بِهِۦ	با آن ذوب و گداخته می‌شود.
مَّقَٰمِعُ	پُتک.

عمل به آیات

۱. هنگام قرائتِ این آیه، سجدهٔ تلاوت بگزار و این احساس را داشته باش که تمام مردم این سجده را به جای نمی‌آورند، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

۲. این حقیقت را که قرآن بیان فرموده است به افراد پیرامونت بگو: هر کس الله بر او خواری مقرر کرده باشد هیچ‌کس نمی‌تواند به او عزت ببخشد، و هر کس خواهان عزت است باید آن را از الله سبحانه بخواهد، ﴿وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ﴾

۳. از عذاب غیر قابل تحمل جهنم به الله پناه ببر، ﴿فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩ يُصۡهَرُ بِهِۦ مَا فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠ وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ﴾

رهنمودها

۱. به یاد داشته باش که هدایت فقط در دست الله است، بنابراین برای انسان‌های نافرمان و تکذیب‌کننده افسوس نخور و بزرگی نعمت هدایت را که الله به تو بخشیده است در نظر داشته باش، ﴿وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ﴾

۲. تدبر در قرآن، سبب هدایت است، ﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ﴾

۳. اراده و مشیت الله، مطلق است؛ یعنی او تعالی هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد و هر کسی را که بخواهد هدایت می‌کند، ﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ﴾

ترجمه آیات

و این‌گونه، ما این [قرآن] را [به صورت] آیاتی روشن نازل کردیم و الله هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند. (۱۶) کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که یهودی شدند و صابئان [= پیروان برخی پیامبران] و نصاری و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، یقیناً روز قیامت الله میانشان داوری می‌کند. بی‌گمان، الله بر هر چیزی گواه است. (۱۷) آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای الله سجده می‌کنند؟ و بسیاری نیز هستند که [در نتیجهٔ سرپیچی از عبادت، فرمانِ] عذاب بر آنان تحقق یافته است؛ و هر کس که الله او را خوار سازد، کسی گرامی‌اش نمی‌دارد. بی‌تردید، الله هر چه بخواهد انجام می‌دهد. (۱۸) این دو [گروه مؤمن و کافر،] دشمنان یکدیگرند و دربارهٔ پروردگارشان ستیز می‌کنند. پس کسانی که کفر ورزیدند، برایشان جامه‌هایی از آتش بریده‌اند [و] از بالای سرشان [بر آنان] آب جوشان می‌ریزند. (۱۹) آنچه در درونشان هست و [نیز] پوست‌هایشان با آن گداخته می‌شود. (۲۰) و گرزهای آهنین برایشان [مهیّا] است. (۲۱) هرگاه بخواهند از [شدت] اندوه از آنجا [= دوزخ] خارج شوند، به آن بازگردانده می‌شوند و [به آنان گفته می‌شود:] «عذاب سوزان را بچشید». (۲۲) بی‌تردید، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است. در آنجا به دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آنجا ابریشم است. (۲۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ﴾
﴿وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ﴾: بدین سبب از خورشید و ماه و ستارگان نام برده شد که مورد عبادت برخی قرار گرفتند. الله تعالی بیان فرمود این‌ها برای آفریدگارشان سجده می‌کنند و تحت فرمان او سبحانه قرار دارند. ابن کثیر: ۳/ ۲۰۵.

پرسش: چرا نشانه‌های هستی در آیهٔ فوق بیان شد؟

❷ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ﴾
تمام جمادات در برابر الله فرمانبردار و فروتن هستند و او را می‌ستایند، چنان‌که الله تعالی درباره آسمان‌ها و زمین چنین خبر داده است. بغوی: ۳/ ۲۰۶.

پرسش: آیا مخلوقات، الله را عبادت می‌کنند؟ از این موضوع، چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

❸ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِ﴾
هر چیزی از روی اختیار یا به اجبار، در برابر عظمت پروردگار سجده می‌کند و سجده هر یک از آن‌ها، ویژه و متناسب با ساختار خود اوست. ابن کثیر: ۳/ ۲۰۵.

پرسش: مخلوقات چگونه برای الله سجده می‌کنند؟

❹ ﴿وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ﴾
می‌فرماید: الله هر یک از مخلوقاتش را خوار گرداند ﴿فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍ﴾ هیچ‌کس نمی‌تواند او را گرامی دارد و خوشبخت کند؛ چون تمامی امور به دست الله است، هر کس را که بخواهد، برای عبادتش موفق می‌گرداند و هر کس را که بخواهد خوار می‌کند و هر کس را که بخواهد شقی و بدبخت و هر کس را که دوست داشته باشد، سعادتمند می‌گرداند. ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ﴾ می‌فرماید: همانا او سبحانه در میان مخلوقاتش هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد؛ از جمله خوارگردانیدن کسی که بخواهد یا گرامی‌داشتن کسی را که او اراده کند؛ زیرا تمامی آن‌ها مخلوقات الله هستند و فقط امر او در میان آنان اجرا می‌شود. طبری: ۱۸/ ۵۸۷.

پرسش: چه کسی می‌تواند مخلوقات را گرامی بدارد یا خوار گرداند؟ چرا؟

❺ ﴿فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ﴾
سعید بن جبیر می‌گوید: یعنی پوششی از مس گداخته، که هیچ ظرفی، مانند ظرف مسی داغ نمی‌گردد. از آن‌جا که همچون لباس آنان را در بر می‌گیرد، نام پوشش بر آن گذاشته شد. بنابر قولی: جهنمیان تکه‌هایی از آتش بر تن می‌کنند. قرطبی: ۱۵/ ۴۶۲.

پرسش: آتش چگونه لباس جهنمیان می‌شود؟ [پناه بر الله]

❻ ﴿كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ﴾
﴿وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ﴾: یعنی با عذاب قولی و عملی خوار و ذلیل می‌شوند. ابن کثیر: ۳/ ۲۰۷.

پرسش: چرا به جهنمیان وقتی در حال عذاب هستند گفته می‌شود: ﴿ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ﴾؟

❼ ﴿وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ﴾
﴿وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ﴾: بر خلاف لباس جهنمیان. ابن کثیر: ۳/ ۲۰۷.

پرسش: چرا لباس بهشتیان بیان شد؟

ترجمه آیات

و [در دنیا] به سوی گفتار پاک [توحید و تکبیر و تحمید] هدایت می‌شوند و به راهِ ستوده [اسلام] راهنمایی می‌گردند. (۲۴) بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند و [مانند ماجرای حدیبیه، مردم را] از راه الله بازمی‌دارند [عذابی دردناک در پیش دارند]؛ و مسجد الحرام که آن را برای مردم [قبله و عبادتگاه] قرار دادیم، مقیم و مسافر در آن یکسانند؛ و هر کس در آنجا با ستمکاری [و گناه،] انحراف بخواهد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم. (۲۵) و [یاد کن از] آنگاه که محلِ خانه [کعبه] را برای ابراهیم تعیین کردیم [و به او گفتیم] که: «چیزی را شریک من قرار نده و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان [و] سجده‌کنندگان پاک گردان. (۲۶) و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیلهٔ سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند. (۲۷) تا شاهد منافع [گوناگون] خویش باشند و در روزهایی معیّن، [به هنگام قربانی] نام الله را بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم، یاد کنند؛ پس [خودتان] از [گوشتِ] آن بخورید و به درماندهٔ فقیر [نیز] غذا بدهید. (۲۸) سپس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خویش وفا کنند و [گرداگردِ] این خانهٔ کهن [= کعبه] طواف کنند. (۲۹) این است [حکمِ الله]؛ و هر کس [مُحرّمات و] مقررات الهی را بزرگ بدارد، این [کار] نزد پروردگارش برای او بهتر است؛ و [ای مردم،] چهارپایانی برای [مصرف] شما حلال شده است، مگر آنچه [حُکمش] بر شما خوانده می‌شود؛ پس از پلیدیِ بُت‌ها [و معبودان باطل] دوری کنید و از گفتار باطل [و دروغ] اجتناب نمایید. (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿إن الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم﴾

اِلحاد یعنی انحراف از حقیقت و روش صحیح. منظور از «ظلم» در این آیه، تمامی گناهان؛ یعنی کفر و حتی کوچک‌ترین گناه است؛ زیرا انجام گناه در مکه، شدیدتر از انجام آن در سایر مکان‌هاست. بنابر قولی: به معنای حلال‌دانستن کار یا شیء حرام است. ابن جزی: ۲/ ۵۴.

پرسش: آیه فوق، چگونه بیانگر این مطلب است که الله تعالی خانه‌اش را گرامی داشته است؟

❷ ﴿وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع السجود﴾

پاک‌کردن بیت الله به معنای خالی‌کردن آن از کفر، بدعت، تمامی نجاست‌ها و خون‌ریزی‌ها است. قرطبی: ۱۴/ ۳۵۹.

پرسش: پاک‌گردانیدن بیت الله چگونه انجام می‌شود؟

❸ ﴿وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق﴾

وعدهٔ الله تعالی به ابراهیم ﷺ محقق شد؛ مردم سواره و پیاده، از تمامی مناطق زمین به سوی کعبه آمدند. سعدی: ۵۳۷.

پرسش: در این آیه، کدام یک از موارد اعجاز قرآن که مربوط به خبردادن از امور غیبی است، بیان شده است؟

❹ ﴿وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق﴾

یکی از دلایل و حکمت‌های مشروعیت حج، کسب اعتقاد توحیدی با مشاهدهٔ عبادتگاهی است که بدین منظور بنا شد تا مفهوم توحید در دل‌ها نفوذ کند؛ چون دل‌ها به امور حسی تمایل دارند و ادراک عقلی با مشاهدهٔ محسوس تقویت می‌شود. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۴۳.

پرسش: یکی از حکمت‌های مشروعیت حج را بیان کنید.

❺ ﴿وليطوفوا بالبيت العتيق﴾

قتاده می‌گوید: بدین سبب عتیق نامیده شد که الله تعالی آن را از دستان ستمکاران محافظت کرد تا نتوانند آن را تخریب کنند و تاکنون هیچ ستمگری نتوانسته است بر آن مسلط شود. سفیان بن عیینه می‌گوید: چون هرگز به مالکیت کسی در نیامده است، عتیق نام دارد. بغوی: ۳/ ۲۱۶.

پرسش: چرا مسجد الحرام، «بیت العتیق» نام گرفت؟

❻ ﴿ذلك ومن يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه﴾

یعنی کسی که از گناهان و محرمات دوری کند و انجام آن‌ها را بسیار ناپسند برشمارد ﴿فهو خير له عند ربه﴾ قطعا این کار برای او نزد پروردگارش بهتر است. همان‌گونه که انجام عبادات و دستورات الهی، پاداش و اجر بسیاری دارد، ترک امور حرام و ممنوع نیز اجر و مزد فراوانی دارد. ابن کثیر: ۳/ ۲۱۲.

پرسش: چگونه امکان دارد فرد مسلمان بدون این‌که عبادتی را با اعضای خود انجام دهد، به پاداش فراوانی دست یابد؟

❼ ﴿فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور﴾

توصیف نمادها و بت‌ها به پلیدی بدین معناست که آن‌ها از لحاظ معنوی پلید و ناپاکند؛ چون اعتقاد به الوهیت آن‌ها در دل‌ها، به مانند این است که پلیدی و نجاستی بر بدن‌ها وجود داشته باشد. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۵۳.

پرسش: چرا نمادها و بت‌ها پلید نامیده شدند؟

سورة (الحج) الجزء (۱۷) صفحة (۳۳۵)

وهدوا إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد
﴿۲۴﴾ إن الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد
الحرام الذي جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد
ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم
﴿۲۵﴾ وإذ بوأنا لإبراهيم مكان البيت أن لا تشرك
بي شيئا وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع
السجود ﴿۲۶﴾ وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى
كل ضامر يأتين من كل فج عميق ﴿۲۷﴾ ليشهدوا
منافع لهم ويذكروا اسم الله في أيام معلومات
على ما رزقهم من بهيمة الأنعام فكلوا منها
وأطعموا البائس الفقير ﴿۲۸﴾ ثم ليقضوا تفثهم
وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق ﴿۲۹﴾
ذلك ومن يعظم حرمات الله فهو خير له عند
ربه وأحلت لكم الأنعام إلا ما يتلى عليكم
فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور ﴿۳۰﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
العاكف فيه	مقیم در آن.
والباد	کسی که به سویش می‌آید.
بإلحاد بظلم	با انحراف از حقیقت، به سبب ظلم.
بوأنا	آماده و بیان کردیم.
ضامر	شتری که بر اثر کار بسیار و نه پیری، بسیار لاغر باشد.

عمل به آیات

۱. امروز تلاش کن فقط سخن پاکیزه و نیکو بر زبان آوری، ﴿وهدوا إلى الطيب من القول﴾

۲. امروز عبارت «لا إله إلا الله» را زیاد تکرار کن؛ زیرا سخن پاکیزه‌ای است که هر کس آن را زیاد تکرار و بر مفاد آن عمل کند، هنگام جان‌کندن، آن را بر زبان می‌آورد، ﴿وهدوا إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد﴾

۳. یکی از مساجد را به امید کسب مزد از جانب الله تمیز کن، ﴿وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع السجود﴾

رهنمودها

۱. شأن حرم را بزرگ دار و بپرهیز از این‌که در آن‌جا به گناهان فکر کنی؛ زیرا انسان با ارادهٔ انجام گناه در آن‌جا [حتی اگر گناه را انجام ندهد] مورد بازخواست قرار می‌گیرد، ﴿ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم﴾

۲. بازداشتن از راه الله، عذابی دردناک به همراه دارد، ﴿إن الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم﴾

۳. مساجد فقط برای عبادت الله ساخته می‌شوند، نه این‌که بر روی قبرها و به هدف شرک به الله ساخته شوند، ﴿وإذ بوأنا لإبراهيم مكان البيت أن لا تشرك بي شيئا وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع السجود﴾

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٦)

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ
(٣١) ذَٰلِكَ ۖ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ (٣٢)
لَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ
(٣٣) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ
مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۗ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَلَهُۥٓ
أَسْلِمُوا۟ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ (٣٤) ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ
قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ
وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (٣٥) وَٱلْبُدْنَ جَعَلْنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ
ٱللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ
جُنُوبُهَا فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٣٦) لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا
وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقْوَىٰ مِنكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا۟
ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُحْسِنِينَ (٣٧) ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ
عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (٣٨)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَحِيقٍ	دور و نابودگر.
مَحِلُّهَآ	وقت ذبح آن.
مَنسَكًا	طاعت و عبادت؛ با ذبح چهارپایان برای تقرب به الله.
وَجِلَتْ	ترسید.
صَوَآفَّ	به صورت ایستاده بر روی سه دست و پا در حالی که چهارمی بسته است.
وَجَبَتْ	پس از ذبح، بر زمین می‌افتد.
ٱلْقَانِعَ	فقیری که به سبب خویشتنداری، دست نیاز دراز نمی‌کند.
وَٱلْمُعْتَرَّ	کسی که از سر نیاز، درخواست کمک می‌کند.

عمل به آیات

۱. مردم را از شرک به الله بازدارد و خطر زیاد این امر را برای‌شان توضیح بده، ﴿وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾

۲. نماز را همراه جماعت ادا کن، ﴿وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ﴾

۳. امروز به یک فقیر غذا بده، ﴿فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ﴾

رهنمودها

۱. شعایر الهی را در ظاهر و باطن بزرگ و محترم دار، و هرگز آن‌ها را کوچک مشمار، ﴿ذَٰلِكَ ۖ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ﴾

۲. ذکر الله تعالی یکی از بزرگ‌ترین مقاصد عبادات است؛ بنابراین بنده همیشه باید این مقصد بزرگ را به یاد داشته باشد، ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ﴾

۳. در برابر مصیبت‌ها خشمگین نشو، بلکه برای جستجوی خشنودی پروردگارت و با امید و انتظار کسب ثواب و اجرش، شکیبایی کن، ﴿وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ﴾

ترجمه آیات

در حالی که [بندهٔ مخلص الله و] حقگرا باشید و به او شرک نورزید؛ و هر کس به الله شرک ورزد، چنان است که گویی از آسمان افتاده و مرغان [شکاری] وی را بربایند یا باد او را به جایی دورافتاده بیندازد. (۳۱) این است [فرمان الله]، و هر کس دستورهای دینی و الهی را بزرگ بشمارد، یقیناً این [بزرگداشت، نشانه‌ای] از پرهیزگاری دل‌هاست. (۳۲) در آن [چهارپایانِ ویژهٔ قربانی،] تا زمان معیّن [= هنگام ذبح] برای شما منافع [و بهره‌هایی] است. سپس قربانگاه آنها خانهٔ قدیمی و گرامی [کعبه] است. (۳۳) و برای هر امتی آیینی [در قربانی کردن] قرار دادیم تا نام الله را [وقت ذبح] بر چهارپایانی که روزی‌شان کرده است ذکر کنند. معبود شما، معبود یگانه است. [همه] در برابر او تسلیم باشید؛ و [ای پیامبر، خیر دنیا و آخرت را] به فروتنان بشارت بده. (۳۴) [همان] کسانی که چون نام الله برده شود، دل‌هایشان می‌ترسد و [کسانی که] در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد شکیبا هستند و کسانی که نمازگزارند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم انفاق می‌کنند. (۳۵) [قربانی کردنِ] شتر [و گاو در موسمِ حج] را برای شما از شعایر دین [و نشانه‌های عبادت الله] قرار دادیم. در این [کار،] خیر [و برکت] برایتان است. [هنگام قربانی،] در حالی که [شتران] بر پا ایستاده‌اند، نام الله را بر آنها ببرید [و نحرشان کنید]. آنگاه چون بر خاک افتادند، از [گوشت] آنها بخورید و نیازمندان آبرومند و گدایان را نیز اطعام کنید. آنها [=چهارپایان] را اینچنین به خدمت شما گماشتیم؛ باشد که به شکر به جای آورید. (۳۶) گوشت و خون این [قربانی‌ها] هرگز به الله نمی‌رسد؛ بلکه پرهیزگاری شماست که به او می‌رسد. او تعالی آنها را اینچنین به خدمت شما گماشت تا الله را به [شکرانهٔ] آنکه شما را هدایت کرده است، به بزرگی یاد کنید؛ و نیکوکاران را [به خیر و رستگاری] بشارت بده. (۳۷) الله از کسانی که ایمان آورده‌اند قطعاً [در برابر دشمنانشان] دفاع می‌کند. بی‌تردید، الله هیچ خیانتکارِ ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾

بنابر قولی: مشرک به کسی که از آسمان می‌افتد تشبیه شده است؛ از این نظر که نمی‌تواند هیچ کاری برای نجات خود انجام دهد و باد او را بر زمین می‌اندازد و قطعاً نابود خواهد شد؛ یا پرندگان، اعضای بدنش را می‌ربایند یا این‌که به مکان بسیار دوری خواهد افتاد. حسن می‌گوید: اعمال کافران به این حالت تشبیه شده است چون از بین می‌روند و باطل می‌شوند و بر هیچ یک از آن‌ها دست نمی‌یابند. بغوی: ۳/ ۲۱۸.

پرسش: مشرک در دنیا و آخرت چه وضعیتی دارد؟

۲ ﴿ذَٰلِكَ ۖ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ﴾

تعظیم شعایر الهی عبارت است از بزرگ و محترم شمردن و قصد انجام آن‌ها. بنابر قولی: تمام امور دینی را شعایر گویند و تعظیم شعایر به معنای اجرا و بزرگ‌شمردن آن‌هاست. ابن جزی: ۲/ ۵۶.

پرسش: بنده چگونه شعایر الهی را گرامی می‌دارد؟

۳ ﴿ذَٰلِكَ ۖ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ﴾

تقوای دل‌ها برای الله منظور است؛ یعنی عبادت الله یگانه به قصد بندگی؛ بندگی یعنی نهایت محبت و تواضع و اخلاص و این، آیین ابراهیم ﷺ است. پس عبادت دل‌ها اصل و اساس است. ابن تیمیه: ۴/ ۴۲۷.

پرسش: اصل و اساس، عبادت دل است، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۴ ﴿فَلَهُۥٓ أَسْلِمُوا۟ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ (٣٤) ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ﴾

پس از صفت ﴿ٱلْمُخْبِتِينَ﴾ چهار ویژگی بیان شد: ترس و بیم دل‌ها هنگام یاد الله، صبر بر مصیبت‌ها در راه الله، برپاداشتن نماز و انفاق. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۶۱.

پرسش: تواضع و فروتنی برای الله مقتضی چهار صفت است. این صفات را نام ببرید.

۵ ﴿فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

یعنی به کسانی که درخواست کردند و به افرادی که درخواست نکردند ولی زبان حال‌شان گویای آن بود، غذا دادند و نیز به کسانی که هرگز گدایی نکردند و به کسانی که دست نیاز دراز نمودند. ابن جزی: ۲/ ۵۸.

پرسش: با توجه به آیه بیان کنید اسلام درباره همبستگی اجتماعی چه دیدگاهی دارد؟

۶ ﴿كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

الله تعالی با رام‌کردن حیوانات برای ما در حالی که بدن و اعضای بزرگ‌تری از ما دارند، منت نهاد تا بنده بداند امور آن‌گونه که خودش می‌اندیشد نیست، بلکه بر اساس اراده و خواست پروردگار توانا و غالب انجام می‌گیرد، چنان‌که موجود کوچک بر حیوان بزرگ مسلط می‌شود؛ در نتیجه مردم بدانند چیره و پیروز، ذات یگانه‌ای است که بر بندگانش مسلط است. قرطبی: ۱۴/ ۴۰۳.

پرسش: نعمت و احسان الله به بندگان بر اثر رام‌کردن حیوانات بزرگ را توضیح دهید.

۷ ﴿لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقْوَىٰ مِنكُمْ﴾

یعنی با گوشت‌ها و خون‌ها، رضایت الهی را به دست نمی‌آورید، بلکه وسیله رسیدن به آن، تقواست که عبارت است از اخلاص برای الله و کسب خشنودی او تعالی با قربانی‌هایی که ذبح می‌کنید. با عبارت: ﴿لَن يَنَالَ﴾ این مطلب را تاکید کرده است؛ زیرا فرمود: هرگز گوشت و خون آن‌ها به الله نمی‌رسد، بلکه تقوای شما به او می‌رسد؛ چون همین را از شما می‌طلبد و به سبب آن، به شما پاداش می‌دهد. ابن جزی: ۲/ ۵۸.

پرسش: هدف اصلی و مهم اجرای شعایر حج چیست؟

ترجمه آیات

به کسانی که [مشرکان] با آنان جنگیده‌اند اجازۀ [جهاد] داده شده است؛ چرا که ستم دیده‌اند؛ و یقیناً الله بر یاری‌شان تواناست. (۳۹) [همان] کسانی که به ناحق از دیارشان رانده شدند [و گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگارِ ما الله است». و اگر الله [ظلم و کفرِ] برخی از مردم را به وسیلۀ برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها[ی راهبان] و کلیساهای [نصاری] و عبادتگاه‌ها[ی یهود] و مساجدی که نام الله در آنان بسیار برده می‌شود حتماً ویران می‌گردید؛ و الله کسی را که [دین] او را یاری دهد، یقیناً یاری می‌کند. بی‌تردید، الله قدرتمندِ شکست‌ناپذیر است. (۴۰) [همان] کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت [و حکومت] ببخشیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و [مردم را] به نیکی فرمان می‌دهند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند؛ و سرانجامِ کارها از آنِ الله است. (۴۱) [ای پیامبر،] اگر [کافران،] تو را دروغگو می‌انگارند، [شکیبا باش.] قطعاً پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود [نیز پیامبرانشان را] دروغگو می‌انگاشتند. (۴۲) و [همچنین] قوم ابراهیم و قوم لوط. (۴۳) و [نیز] اهل مَدیَن [شعیب را دروغگو می‌دانستند] و موسی [نیز توسط فرعونیان] دروغگو خوانده شد. به کافران مهلت دادم؛ آنگاه آنان را [به عذاب] فروگرفتم. پس [بنگر که نتیجۀ] انکار [آیات و مجازات] من چگونه بود. (۴۴) چه بسیار شهرهایی را که [چون مردمش کافر و] ستمکار بودند نابودشان کردیم و [اینک] سقف‌هایش فروریخته است؛ و چه بسیار چاه[های] متروک و قصر[های] استوار [و باشکوه که ساکنانش را از عذاب الهی نجات نداد]. (۴۵) آیا آنان در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که [حقیقت را] با آن دریابند یا گوش‌هایی که [اخبار گذشتگان را] با آن بشنوند؟ به راستی، تنها چشم‌ها نیست که نابینا می‌گردد؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست [بی‌بصیرت گشته و برای دیدنِ حق،] نابینا می‌شود. (۴۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ﴾

این آیه بیانگر حکمت جهاد است؛ یعنی اجرای احکام اسلام و دورکردن کافرانی که باعث آزار و اذیت علیه مسلمانان می‌شوند. سعدی: ۵۳۹.

پرسش: آیه به کدام یک از حکمت‌های جهاد اشاره دارد؟

۲ ﴿وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗا﴾

این آیه اجازه جهاد و مبارزه را تاکید و تقویت می‌کند و بیانگر مصلحت موجود در آن است؛ گویی می‌فرماید: اگر مبارزه و جهاد نبود، کافران بر مسلمانان مسلط می‌شدند و دین از بین می‌رفت. ابن جزی: ۲/ ۵۹.

پرسش: جهاد تاثیر فراوانی در بقای دین دارد، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ﴾

بر اساس این آیه، شهرهایی که بر اثر عبادت الله، به امنیت و آرامش رسیدند و مساجدشان آباد شد و احکام دینی در آن‌ها اجرا می‌شود، به فضل و برتری مجاهدان بوده و الله تعالی به برکت آنان، کافران را از آن شهرها رانده و دور کرده است. سعدی: ۵۳۹.

پرسش: مجاهدان چه امتیازات و فضایلی دارند؟

۴ ﴿وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗا﴾

موارد مذکور در میان امت‌های پیشین که دارای کتاب بودند، یافت می‌شد، ولی نامی از مجوس و مشرکان برده نشده است؛ زیرا عملی نداشتند که باعث حمایت از آنان شود و ذکر و یاد الله، فقط در بین پیروان شرایع آسمانی وجود داشت. ابن عطیه: ۴/ ۱۲۵.

پرسش: چرا معابد مجوس و مشرکان در این آیه بیان نشد؟

۵ ﴿وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓ﴾

یعنی: الله تعالی کسی را که به دین و دوستانش کمک کند، یاری می‌رساند. این وعده، متضمن تشویق به جهاد است. ابن جزی: ۲/ ۵۹.

پرسش: شرط رسیدن یاری پروردگار چیست؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ﴾

هر کس امور مذکور را انجام دهد، الله تعالی او را بر دشمنش پیروز می‌گرداند. ابن تیمیه: ۴/ ۴۳۴.

پرسش: مجاهدان پس از این‌که در سرزمینی جای گرفتند، چه تکلیفی بر عهده دارند؟

۷ ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ﴾

نابیناییِ مضر همان کوری دل است، اما کوری چشم ضرری در امور دینی ندارد. بغوی: ۱۴/ ۲۲۴.

پرسش: نابینایی زیانباری که باعث هلاکت انسان می‌شود، کدام است؟

سورة (الحج) الجزء (۱۷) صفحة (۳۳۷)

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ
۳۹ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ
رَبُّنَا ٱللَّهُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ
صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ
كَثِيرٗاۗ وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ
عَزِيزٌ ۴۰ ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ
وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ۴۱ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَتۡ
قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ ۴۲ وَقَوۡمُ إِبۡرَٰهِيمَ وَقَوۡمُ
لُوطٖ ۴۳ وَأَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰۖ فَأَمۡلَيۡتُ لِلۡكَٰفِرِينَ
ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ۴۴ فَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ
أَهۡلَكۡنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئۡرٖ
مُّعَطَّلَةٖ وَقَصۡرٖ مَّشِيدٍ ۴۵ أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَتَكُونَ
لَهُمۡ قُلُوبٞ يَعۡقِلُونَ بِهَآ أَوۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۖ فَإِنَّهَا
لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ ۴۶

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
صَوَٰمِعُ	معابد راهبان مسیحی.
وَبِيَعٞ	کلیساهای نصارا.
وَصَلَوَٰتٞ	معابد یهودیان.
فَأَمۡلَيۡتُ	پس مهلت دادم و در عقوبت [آنان] عجله نکردم.
خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا	به گونه‌ای خراب شدند که دیوارهای‌شان بر روی سقف‌های‌شان افتاده بود.
وَقَصۡرٖ مَّشِيدٍ	برافراشته و آراسته که خالی از سکنه شده است.

عمل به آیات

۱. برای برادران مستضعف مسلمان خویش در تمام جهان دعای خیر کن، ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ﴾

۲. بر ادای نماز مراقب باش و دیگران را نیز بر این کار تشویق کن، ﴿ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

۳. منکراتی را که میان دوستان و در محله می‌بینی حکیمانه مورد اعتراض قرار بده، ﴿وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾

رهنمودها

۱. الله سبحانه وعده داده که یاری او بر کسی نازل می‌شود که دینش را یاری دهد و احکامش را بزرگ و محترم شمارد، ﴿وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓ﴾

۲. الله تعالی به ستمکاران مهلت می‌دهد اما وقتی آنان را بگیرد دیگر رها نمی‌کند، ﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾

۳. عبرت با بصیرت قلبی حاصل می‌شود نه با چشم؛ چه بسا افراد نابینایی که حقایق را بهتر از بینایان می‌بینند، ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ﴾

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٨)

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥۚ وَإِنَّ يَوۡمًا
عِندَ رَبِّكَ كَأَلۡفِ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن
قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ ثُمَّ أَخَذۡتُهَا وَإِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ
﴿٤٨﴾ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿٤٩﴾ فَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ﴿٥٠﴾
وَٱلَّذِينَ سَعَوۡاْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ
إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي
ٱلشَّيۡطَٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٥٢﴾ لِّيَجۡعَلَ
مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ
قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعۡلَمَ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ
فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ
تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَمۡلَيۡتُ لَهَا	به آن‌ها مهلت دادم و برای عذاب‌شان عجله نکردم.
تَمَنَّىٰٓ	آیات نازل‌شده بر آنان را تلاوت کرد.
فَتُخۡبِتَ	فروتن و آرام می‌شود.
مِرۡيَةٖ	تردید.
بَغۡتَةً	ناگهانی.
يَوۡمٍ عَقِيمٍ	روزی که هیچ خیری ندارد و پس از آن، روز دیگری نیست؛ یعنی روز قیامت.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ» [صحيح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات، از کیفر تو به عفوت و از تو به خودت پناه می‌برم، پروردگارا هر اندازه که تو را ستایش کنم نمی‌توانم حق ستایش تو را به جای آورم، تو چنان هستی که خودت خویشتن را توصیف کرده‌ای»، ﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ﴾

۲. به یاد آور که در طول هفتهٔ گذشته چه واجبات شرعی‌ای را ترک و چه گناهانی را مرتکب شده‌ای، سپس بسیار استغفار کن تا در غلفت نمانی و قلبت سخت نشود، ﴿لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡ﴾

۳. سه مورد از اسبابی را که احساس می‌کنی قلبت را نرم و لطیف می‌گرداند مشخص و به آن‌ها عمل کن، ﴿لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡ﴾

رهنمودها

۱. برای پرهیز از کیفر الله و بیان دین مردم به آنان، به سوی الله تعالی دعوت بده، ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾

۲. بکوش با ذکر و طلب علم، قلبت را از شهوات و شبهات خالی کنی؛ زیرا ماندن در شهوات و شبهات، انسان را از دین الله بازمی‌گرداند، ﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ﴾

۳. توجه به اعمال قلبی مانند محبت، خشیت و تعظیم بسیار مهم است، ﴿لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر، کافران] به شتاب از تو درخواستِ عذاب می‌کنند و الله هرگز وعده‌اش را خلاف نمی‌کند؛ و در واقع، یک روز [از عذاب آخرت] نزد پروردگارت، با هزار سال که شما می‌شمارید یکسان است. (۴۷) و چه بسیار [اهالی] شهرهایی که به آنان مهلت دادم، در حالی که ستمکار بودند [اما باز هم سرپیچی کردند]؛ پس آنان را [به عذاب] فروگرفتم و بازگشت [همه] به سوی من است. (۴۸) بگو: «ای مردم، جز این نیست که من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم». (۴۹) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و روزیِ نیک [در پیش] دارند. (۵۰) و کسانی که در [راهِ انکار و تکذیب] آیات ما می‌کوشند تا [به پندار خویش] ما را درمانده کنند، آنان اهل دوزخند. (۵۱) و [ما] هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه چون [آیات الهی را] تلاوت می‌کرد، شیطان در تلاوتش [کلمات اشتباه] القا می‌کرد؛ آنگاه الله آنچه را که شیطان القا نموده بود از میان می‌بُرد و سپس آیات خویش را استوار می‌ساخت؛ و الله دانای حکیم است. (۵۲) تا [بدین وسیله، الله] آنچه را که شیطان القا می‌کند، برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری [شک و نفاق] است و [همچنین برای] سنگدلان، وسیلهٔ آزمایش قرار دهد؛ و یقیناً ستمکاران [مشرک] در دشمنیِ دور و درازی [با الله و پیامبرش] هستند. (۵۳) و تا کسانی که دانش یافته‌اند، بدانند که اینَ [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توست و به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان برایش [نرم و] فروتن گردد؛ و بی‌تردید، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند، به راهی راست هدایت می‌کند. (۵۴) کسانی که کفر ورزیدند همواره در مورد آن[چه در قرآن نازل کرده‌ایم] تردید دارند تا آنگاه که ناگهان قیامت فرارسد یا عذاب روزی بی‌خیر و رحمت بر آنان [فرود] آید. (۵۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ﴾
شتاب آنان در انجام ظلم باعث نشد که در عذاب آنان عجله کنیم. سعدی: ۵۴۱.
پرسش: آیا برخورداری و امنیت و آرامش ستمکار، بر صحت اعمالش دلالت دارد؟

۲ ﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾
توصیف روزی به کرامت و شرافت، به معنای فراوانی و خالی‌بودن آن از آشفتگی‌ها و حوادث است. ابن عاشور: ۱۷/ ۲۹۴.
پرسش: توصیف روزی به کرامت، بیانگر چه مطلبی است؟

۳ ﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ﴾
﴿فِتۡنَةٗ﴾ یعنی: رنج، مصیبت، شک و تردید. ﴿وَٱلۡقَاسِيَةِ﴾ یعنی: دل‌های‌شان در برابر پذیرش حقیقت سخت و خشن است؛ این افراد مشرکان هستند؛ چون وقتی آن را شنیدند به فتنه افتادند. بغوی: ۳/ ۲۲۸.
پرسش: شیطان در چه نوع دل‌هایی وسوسه می‌افکند و آن‌ها را به فتنه می‌اندازد؟

۴ ﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡ﴾
﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ﴾: برای دو گروه از مردم که الله هیچ اهمیتی به آنان نمی‌دهد: گروه اول: ﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ﴾ کسانی که ایمان‌شان ضعیف است و به یقین کامل نرسیده‌اند. کوچک‌ترین شبهه‌ای بر دل این افراد تاثیر می‌گذارد و بر اثر القای شیطان دچار شک و تردید می‌شوند و در نتیجه، به فتنه می‌افتند. گروه دوم: ﴿وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡ﴾ یعنی کسانی که دل‌های‌شان بسته و خشن است و هیچ یادآوری و تهدیدی در آن‌ها اثر نمی‌گذارد و بر اثر سنگدلی، سخن الله و رسولش را نمی‌فهمند... القائات شیطان این دو گروه را به فتنه می‌اندازد و پلیدی پنهان دل‌های‌شان را آشکار می‌کند. ولی گروه سوم کسانی هستند که آیات قرآن مایهٔ رحمت برای‌شان است و الله تعالی دربارهٔ آنان می‌فرماید: ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ﴾: چون الله علم و دانشی به این افراد بخشیده است که به‌وسیلهٔ آن، حق را از باطل و هدایت را از گمراهی تشخیص می‌دهند و میان آن‌ها جدایی می‌اندازند. سعدی: ۵۴۲.
پرسش: مردم در برابر شبهه‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند. این گروه‌ها را نام ببرید.

۵ ﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾
الله سبحانه دل‌ها را به سه نوع تقسیم کرد: سنگدل و بی‌رحم، بیمار و مومن و متواضع. ابن تیمیه: ۴/ ۴۴۱.
پرسش: انواع دل‌هایی را که در این آیات از آن‌ها سخن گفته شده است نام ببر؟ قلب خودت را چگونه توصیف می‌کنی؟

۶ ﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾
هر گاه با پیروان حق جدال و نزاع شود، حقیقت، دلایل و واقعیتش را آشکار می‌کند و به خروش می‌افتد، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗا﴾ [البقرة: ۲۶]؛ «الله بسیاری را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند.» ﴿فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ﴾ زیرا صحت حق و ضعف و نادرستی شبهه برای‌شان روشن می‌شود. ﴿فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡ﴾ یعنی: دل‌های‌شان در برابر حقیقت آرام و متواضع می‌شود؛ زیرا الله تعالی به آن‌ها آرامش الهام می‌کند. بقاعی: ۱۳/ ۷۳.
پرسش: نزاع و اختلاف پیروان حق با دیگران، چه خیر و منفعتی برای بشر دارد؟

۷ ﴿وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ﴾
یعنی روز بدر. الله تعالی آن را عقیم و نازا توصیف کرد؛ زیرا پس از آن، شب و روز دیگری نداشتند و در همان روز کشته شدند. ابن جزی: ۲/ ۶۲.
پرسش: در توصیف روز بدر به عقیم، چه تهدید و هشداری علیه کافران وجود داشت؟

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٣٩)

ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٥٦ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ٥٧ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ
أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ
خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٥٨ لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥۚ
وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ ٥٩ ۞ ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ
مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٦٠ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي
ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ
بَصِيرٞ ٦١ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ
مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٦٢
أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ
مُخۡضَرَّةًۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ٦٣ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٦٤

ترجمه آیات

در آن روز، فرمانروایی از آنِ الله است [و] میان آنان داوری می‌کند. کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغ‌های پرنعمت [بهشت] هستند. (۵۶) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده‌ای [در پیش] دارند. (۵۷) و کسانی که در راه الله هجرت کردند، سپس کشته شدند یا وفات کردند، یقیناً الله به آنان روزیِ نیکویی می‌دهد. به راستی که الله بهترین روزی‌دهنده است. (۵۸) بی‌تردید، آنان را به جایگاهی وارد می‌کند که از آن راضی باشند؛ و به راستی که الله دانای بردبار است. (۵۹) این است [حکم الهی دربارهٔ کافر و مؤمن]؛ و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده است مجازات کند، سپس [باز] مورد ستم قرار گیرد، الله یاری‌اش خواهد کرد. بی‌تردید، الله بخشندهٔ آمرزنده است. (۶۰) این [یاریِ مظلومان] از آن روست که الله [بر هر کاری تواناست؛ چنان که] شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند؛ [و از یکی می‌کاهد و بر دیگری می‌افزاید]؛ و بی‌تردید، الله شنوای بیناست. (۶۱) این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که [مشرکان] جز او می‌خوانند [همه] باطل است و الله بلندمرتبهٔ بزرگ است. (۶۲) آیا ندیدی که الله آبی از آسمان فروفرستاد و زمین [بر اثر آن، خرم و] سرسبز می‌گردد؟ بی‌تردید، الله باریک‌بینِ آگاه است. (۶۳) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست؛ و بی‌تردید، الله بی‌نیازِ ستوده است. (۶۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

این عذاب بر اثر شدّت و دردی که دارد و نیز بدین سبب که به دل‌ها رسوخ می‌کند، آنان را بسیار خوار و ذلیل می‌گرداند. به سزای این‌که پیامبران و آیات الهی را به تمسخر گرفتند، الله تعالی آنان را با عذاب خوار و رسوا می‌کند. سعدی: ۵۴۳.

پرسش: مجرمان چگونه به جزایی از جنس اعمال‌شان می‌رسند؟

۲ ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗا﴾

از کسانی که در راه الله هجرت می‌کنند، سپس کشته می‌شوند یا می‌میرند، نام برده شد تا ارزش و جایگاه هجرت را اعلام کند. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۰۹.

پرسش: چرا سخن از مهاجران در راه الله شد با وجود این‌که آنان در زمره مؤمنانی هستند که در آیات قبلی توصیف شدند؟

۳ ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

الله تعالی می‌فرماید: کسانی که از سرزمین و خویشاوندان‌شان جدا شدند و آن‌ها را به منظور کسب رضایت الهی و عبادت او و جهاد علیه دشمنانش رها کردند، سپس در همان حالت کشته شدند یا مردند، قطعا الله روز قیامت، در باغ‌های بهشت، روزی با شرافتی به آنان می‌بخشد. طبری: ۱۸/ ۶۷۳.

پرسش: در چه صورتی ترک وطن، کار نیکی به شمار می‌رود؟

۴ ﴿ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ﴾

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ﴾: اگر گفته شود: این دو صفت چه تناسبی با عقوبت دارند؟ به دو صورت پاسخ می‌دهیم: ۱. بیان دو صفت مذکور نشان می‌دهد که بخشش بهتر از مجازات است؛ گویی به عفو و بخشش تشویق شده است. ۲. اگر کسی به اندازه‌ای که بر او ستم شده است، جنایتکار را مجازات کند، الله تعالی او را می‌بخشد. ابن جزی: ۲/ ۶۲.

پرسش: چرا آیه فوق، با دو صفت «عفو» و «غفور» ختم شد؟

۵ ﴿ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ﴾

این صفت ذاتی و همیشگی الله است که در تمامی اوقات، بندگانش را می‌بخشد و عفو می‌کند؛ پس برای شما از ستمدیدگانی که مورد جنایت قرار گرفته‌اید! شایسته است که ببخشید و درگذرید؛ تا الله تعالی همان‌گونه که با بندگانش رفتار می‌کنید، با شما معامله کند: ﴿فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ﴾ [الشوری: ۴۰]؛ «پس هر کس که درگذرد، و اصلاح (و آشتی) کند، پاداش او بر الله است.» سعدی: ۵۴۳.

پرسش: توصیف الله به دو صفت ﴿عَفُوٌّ﴾ و ﴿غَفُورٌ﴾ چه نتیجه‌ای دارد؟

۶ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ﴾

نصرت و یاری باعث می‌شود که دشمن بر طرف مقابل خود مسلط گردد یا در میدان کارزار یکی از دو لشکر بر دیگری چیره شود. الله تعالی برای این مورد، چیره‌ساختن مدت روز بر مدت شب در برخی از فصول سال و چیره‌ساختن مدت شب بر مدت روز در فصول دیگر سال را مثال زده است. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۱۴.

پرسش: حالت مردم همواره تغییر می‌کند؛ برخی پیروز می‌شوند و برخی شکست می‌خورند. آیه این موضوع را چگونه به تصویر کشیده است؟

۷ ﴿وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾

یکی از نشانه‌های عظمت و بزرگی الله این است که هدف از تمامی عبادات انجام‌شده توسط ساکنان آسمان‌ها و زمین، تکبیر، تعظیم، شکوه و گرامی‌داشتِ او تعالی است و به همین سبب، تکبیر، شعار و نشانهٔ عبادت‌های مهم و بزرگ؛ مانند نماز و ... قرار گرفته است. سعدی: ۵۴۴.

پرسش: چرا تکبیر نشانهٔ عبادت‌های مهم است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُّدۡخَلٗا	یعنی بهشت.
بُغِيَ عَلَيۡهِ	به او ستم شود.
يُولِجُ	داخل می‌گرداند.

عمل به آیات

۱. دوستان بد و اماکن گناه را رها کن، و این کار را یکی از ابواب هجرت به سوی الله تعالی برشمار، ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

۲. بعد از نماز صبح به قدرت الله تعالی در داخل‌گردانیدن روز در شب بیندیش، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ﴾

۳. الله تعالی را با اسمای نیکویش بدین ترتیب [که در این صفحه آمده است،] عبادت کن: ﴿وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ﴾ ﴿وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾

رهنمودها

۱. ستایش الله بر کسی که در راه او تعالی هجرت و سرزمین و خانه‌اش را رها می‌کند، بر خطر بالایِ اقامت در دار الکفر دلالت دارد، ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗا﴾

۲. الله تعالی بنده‌اش را وقتی که در راه او ستم و آزار ببیند یاری می‌کند، ﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

۳. هر دعوتی که برای ایجاد اتحاد اما بر غیر منهج الله انجام شود، باطل است، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ﴾

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٤٠)

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي
فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا
بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٦٥ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ
أَحۡيَاكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ ٦٦
لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ
فِي ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ ٦٧
وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ٦٨ ٱللَّهُ يَحۡكُمُ
بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٦٩
أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ
ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧٠ وَيَعۡبُدُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ
عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ ٧١ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا
بَيِّنَٰتٖ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمُنكَرَۖ يَكَادُونَ
يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن
ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡفُلۡكَ	کشتی‌ها.
مَنسَكًا	شریعت و عبادت.
فِي كِتَٰبٍ	یعنی لوح محفوظ.
سُلۡطَٰنٗا	دلیل و برهان.
ٱلۡمُنكَرَ	نفرت آشکار بر چهره‌های‌شان.
يَسۡطُونَ	حمله می‌کنند.
ٱلۡمَصِيرُ	مکانی که به آن بازمی‌گردند.

عمل به آیات

۱. الله تعالی را با دو نام ﴿رَءُوفٞ﴾ و ﴿رَّحِيمٞ﴾ بخوان، امید است که بر تو رحم کند و از گناهانت در گذرد، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾

۲. هر وقت از خواب بیدار شدی بگو: «الْحَمْدُ للهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» [صحیح بخاری: ۶۳۱۲؛ صحیح مسلم: ۲۷۱۱] «تمام ستایش‌ها از آنِ الله است که پس از این‌که مرا میراند زنده گردانیده و زنده‌شدن مُردگان در روز قیامت به سوی اوست»، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ﴾

۳. به هر روشی که می‌توانی مردم را به سوی الله تعالی دعوت بده، ﴿وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ﴾

رهنمودها

۱. بالیدن به دین، سبب پایداری در آن و دعوت به سویش است، ﴿فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۲. آداب گفتگو را بیاموز و به آن عمل کن؛ چون جویندهٔ حقیقت را متقاعد و عیب‌جو را دفع می‌کند، ﴿وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾

۳. به هر روشی که می‌توانی دیگران را به سوی الله تعالی دعوت بده، ﴿وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ﴾

ترجمه آیات

آیا ندیدی که الله آنچه را در زمین است به خدمت شما گماشته است و کشتی‌ها به فرمانش در دریا در حرکتند و آسمان را نگه می‌دارد که جز به اجازهٔ او بر زمین نیفتد؟ بی‌تردید، الله [نسبت] به مردم، دلسوزِ مهربان است. (۶۵) و او تعالی ذاتی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میرانَد، و آنگاه [بارِ دیگر] زنده می‌کند. به راستی که انسان [نسبت به نعمت‌های الهی] بسیار ناسپاس است. (۶۶) برای هر امتی آیینی مقرر کرده‌ایم که به آن عمل کنند؛ پس [ای پیامبر، پیروان سایر ادیان] نباید با تو در این امر ستیز کنند. به راه پروردگارت دعوت کن؛ [چرا که] تو یقیناً بر [آیینی درست و] راهی راست قرار داری. (۶۷) و اگر [دربارهٔ حقانیت دین] با تو مجادله کردند، بگو: «الله به آنچه انجام می‌دهید داناتر است. (۶۸) الله روز قیامت در مورد آنچه درباره‌اش اختلاف می‌کردید، میان شما داوری می‌کند». (۶۹) آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ بی‌گمان [همهٔ] اینها در کتابی= [لوح محفوظ، ثبت] است. مسلماً این [کار،] بر الله آسان است. (۷۰) و [مشرکان] به جای الله چیزی را عبادت می‌کنند که هیچ دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است و به آن آگاهی [و شناختی نیز] ندارند؛ و ستمکاران [در برابر عذاب الهی] هیچ یاریگری ندارند. (۷۱) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهرهٔ کسانی که کفر ورزیده‌اند [آثار کراهت و] ناخوشایندی می‌بینی. نزدیک است به کسانی که آیات ما را برایشان می‌خوانند حمله‌ور شوند. [ای پیامبر، به کافران] بگو: «آیا شما را به بدتر از این [که در انتظارتان است] خبر دهم؟ آتش [دوزخ] است که الله آن را به کسانی که کفر ورزیدند وعده داده است؛ و چه بد سرانجامی است!» (۷۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ﴾

حرکت کشتی‌ها در دریا نشانهٔ تسخیر و رام‌کردن آن‌ها است و اگر ساخت آن با این ساختار و شرایط الهام نمی‌شد، قطعا در دریا غرق می‌گشت. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۲۲.

پرسش: چرا از میان تمامی حالات کشتی‌ها، حرکت آن‌ها در دریا بیان شد؟

۲ ﴿وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾

﴿وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ﴾: نگهداشتن آسمان احسان و منتی از جانب الله برای مردم است تا زندگی‌شان نابود نشود. عبارت ﴿إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓ﴾ از نظر بلاغی، احتراس به شمار می‌رود؛ یعنی علاوه بر بیان احسان، به نوعی به آنان هشدار می‌دهد. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۲۳.

پرسش: امید و ترس چگونه در آیه جمع شده است؟

۳ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾

﴿إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾: الله بیشتر از پدر و مادر و خود مردم، نسبت به آنان مهربان است و به همین سبب، خیر و خوبی برای‌شان می‌خواهد؛ ولی آنان گاهی بدی و زیان برای انسان می‌خواهند. یکی از مصادیق رحمت و مهربانی الله بر مردم این است که مخلوقات را برای آنان رام کرده است. سعدی: ۵۴۵.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿رَءُوفٞ﴾ و ﴿رَّحِيمٞ﴾ به پایان رسید؟

۴ ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ﴾

یعنی به سبب انکار آیاتی که بر قدرت و یگانگی الله دلالت می‌کند. بنابر قولی: چون بیشتر انسان‌ها در برابر نعمت‌های الهی ناسپاس هستند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾ [سبأ: ۱۳]؛ «و اندکی از بندگان من سپاسگزارند.» قرطبی: ۱۴/ ۴۴۲.

پرسش: چرا گفته شد انسان در برابر نعمت‌ها ناسپاس است؟

۵ ﴿لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾

یعنی کسانی که تو را تکذیب می‌کنند، با تو به نزاع نپردازند و با عقل‌های فاسد خود، بر احکامی که نزدشان آوردی اعتراض نکنند؛ چنان‌که با قیاس فاسد خود، حیوان خودمرده را حلال دانستند... یا این‌که گفتند: ﴿إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ﴾ [البقرة: ۲۷۵]؛ «همانا داد و ستد نیز مثل رباست.» و سایر اعتراضاتی که لزومی به ارائهٔ پاسخ آن‌ها وجود ندارد، در حالی که آنان اصل رسالت را نمی‌پذیرند... بنابراین چنین معترضانی، در حقیقت منکر رسالت پیامبر هستند هر چند ادعا کنند که برای رسیدن به حقیقت جدال می‌کنند. در پاسخ به چنین کسانی باید گفت: موضوع اصلی جدال با تو دربارهٔ اثبات یا عدم اثبات رسالت است. اما اگر فقط به اعتراضش بپردازد، مشخص می‌شود که هدفی جز عیبجویی و لجاجت ندارد. سعدی: ۵۴۵.

پرسش: شیوهٔ رویارویی با کسانی که در برخی احکام شرعی ایراد وارد می‌کنند در آیه بیان شده است. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾

در این آیه نحوهٔ رفتار نیکو با کسی که از روی لجاجت و تردید جدال می‌کند بیان شده است؛ به این نحو که به او پاسخ داده نشود و جدال و نزاع انجام نگیرد و فقط این سخن که الله تعالی به پیامبرش تعلیم داد، به او گفته شود. قرطبی: ۱۴/ ۴۴۵.

پرسش: آداب گفتگو با کسی که از روی لجاجت و دشمنی جدال می‌کند، چیست؟

۷ ﴿يَكَادُونَ يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

ای محمد! به این افراد بگو: ﴿أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾ یعنی: آتش و عذاب و سختی‌اش بدتر و بزرگ‌تر از آن چیزی است که دوستان الله و مؤمنان را در دنیا با آن می‌ترسانید و عذاب آخرت که جزای اعمال شماست، بدتر و شدیدتر از آن چیزی است که شما در دنیا علیه مؤمنان انجام می‌دهید. ابن کثیر: ۵/ ۳۹۶.

پرسش: این آیه نوعی تسلی و دلداری برای مؤمنانی است که مورد ستم قرار گرفته‌اند و نیز تهدیدی علیه ستمکاران است. این مطلب را توضیح دهید.

سورة (الحج) الجزء (١٧) صفحة (٣٤١)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٞ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ
تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخۡلُقُواْ ذُبَابٗا وَلَوِ ٱجۡتَمَعُواْ لَهُۥۖ
وَإِن يَسۡلُبۡهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيۡـٔٗا لَّا يَسۡتَنقِذُوهُ مِنۡهُۚ ضَعُفَ
ٱلطَّالِبُ وَٱلۡمَطۡلُوبُ ٧٣ مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٧٤ ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا
وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ٧٥ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ
أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٧٦ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ
وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩ ٧٧ وَجَٰهِدُواْ فِي
ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ
فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ
وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ
وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٧٨

سُورَةُ المُؤْمِنُونَ

ترجمه آیات

ای مردم، [دربارۀ ناتوانیِ معبودان باطل] مَثَلی زده شده است؛ پس به آن گوش دهید: کسانی را که به جای الله [به عبادت و یاری] می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند [حتی] مگسی را بیافرینند، حتی اگر [همگی] برای این [کار] جمع شوند؛ و اگر آن مگس چیزی از آنان برُباید، نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. [آری،] طالب و مطلوب [= معبود باطل و مگس یا عابد و معبود باطل] هر دو ناتوانند. (۷۳) [آنان] الله را چنان که سزاوارِ [بزرگداشتِ] اوست نشناخته‌اند. بی‌تردید، الله نیرومندِ شکست‌ناپذیر است. (۷۴) الله از میان فرشتگان، فرستادگانی [برای ابلاغ وحی به پیامبران] برمی‌گزیند و از میان انسان‌ها نیز [پیامبرانی برای رساندنِ پیام الهی به مردم انتخاب می‌کند]. بی‌تردید، الله شنوای بیناست. (۷۵) او تعالی آینده و گذشتۀ آنان را می‌داند و [همۀ] کارها به الله بازگردانده می‌شود. (۷۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید و سجده گزارید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید؛ باشد که رستگار شوید. (۷۷) و در راه الله ـ چنان که سزاوارِ جهاد [در راه] اوست ـ جهاد کنید. او شما را برگزید و هیچ سختی [و تنگنایی] در دین برایتان قرار نداد. [این آیین سهل و آسان،] آیین پدرتان ابراهیم [است]. او [= الله] پیش از این [در کتاب‌های آسمانیِ گذشته] و در این [قرآن] شما را مسلمان نامید تا پیامبر بر [ابلاغِ پیامش به] شما گواه باشد و شما [نیز] بر مردم گواه باشید [که همۀ پیامبران، پیام الهی را به قومِ خود رسانده‌اند]. پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید و به الله پناه ببرید [و بر او توکل کنید] که او [دوست و] کارسازِ شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یاوری است! (۷۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ﴾: می‌فرماید: کسانی که معبودها را شریک الله در عبادت قرار دادند، الله تعالی را آن‌گونه که باید، گرامی نداشتند؛ زیرا دیگران را با او شریک گردانیدند و در نتیجه، عبادت‌شان را خالص برای او انجام ندادند و آن‌گونه که باید، او تعالی را نشناختند. عرب‌زبانان به فردی که حق کسی را ضایع کرده، ولی فکر می‌کند که وی را گرامی داشته است، می‌گویند: قدر و منزلت او را نشناختی. طبری: ۱۸/ ۶۸۶.

پرسش: طواف کنندگان قبور و کسانی که برای قبور قربانی می‌کنند یا به سوی آن‌ها نماز می‌گزارند، الله را آن‌گونه که باید، گرامی نداشته‌اند، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۲ ﴿ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ﴾

الله جبرئیل را از میان فرشتگان و محمد ﷺ را از بین انسان‌ها برگزید. ابن تیمیه: ۴/ ۴۴۴.

پرسش: بر اساس آیه فوق، فضیلت پیامبر ﷺ را بیان کنید.

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩﴾

چون دلایل و هشدارها و نداهایی متناسب با اعمال مشرکان، برای آنان بیان شد، در پایان سوره مؤمنان با آن‌چه سبب اصلاح اعمال‌شان می‌شود و مقام و منزلت‌شان را روشن می‌سازد، مورد خطاب قرار گرفتند. این ترتیب نشان می‌دهد که پرداختن به اصلاح اعتقاد بر اصلاح اعمال مقدم است. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۴۵.

پرسش: با توجه به آیات مذکور، بیان کنید که چرا اصلاح اعتقاد بر اصلاح عمل مقدم است؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩﴾

منظور از رکوع و سجود، نمازها است. از میان ارکان نماز، بدین سبب رکوع و سجده بیان شد که بزرگ‌ترین ارکان نماز به شمار می‌روند و خضوع و بندگی با آن‌ها آشکار می‌گردد. ابن عاشور: ۱۷/ ۳۴۶.

پرسش: چرا از میان ارکان نماز، فقط رکوع و سجده بیان شد؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩﴾

عبارت ﴿وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ﴾ شامل تمام عبادات می‌شود که پس از بیان نماز با لفظ رکوع و سجود آمد. نماز چون مهم‌ترین عبادت است زودتر بیان شد. ابن جزی: ۲/ ۶۵.

پرسش: چرا نماز با وجود این‌که یکی از عبادت‌هاست زودتر و به صورت جداگانه بیان شد؟

۶ ﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ﴾

جهاد یعنی به کارگرفتن تمام تلاش برای رسیدن به هدف مطلوب؛ بنابراین جهاد واقعی در راه الله یعنی انجام دستورات او تعالی به طور کامل و دعوت مخلوقات به راه الهی با هر روش ممکن؛ مانند نصیحت، آموزش، مبارزه، ادب، هشدار، موعظه و ... . سعدی: ۵۴۷.

پرسش: آیا جهاد در به‌کارگیری سلاح برای دفاع در برابر دشمنان منحصر است؟

۷ ﴿هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖ﴾

الله تعالی به طور کل و با تاکید، خبر داد که هیچ حرج و مشقتی در دین بر ما نیست. بنابراین اگر کسی معتقد باشد در آن‌چه الله دستور داده است، کوچکترین حرج و مشقتی وجود دارد، قطعاً الله و رسولش را تکذیب کرده است، حال اگر کسی معتقد باشد که آن‌چه الله فرمان داده است، مایۀ فساد و زیان و بی‌فایده و بدون مصلحت است، چه حکمی دارد؟ ابن تیمیه: ۴/ ۴۴۸.

پرسش: با توجه به آیه بیان کنید که چرا دستورات الهی بدون حرج و ضرر است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلطَّالِبُ	معبودی که به جای الله قرار داده شده و چیزی از او درخواست می‌گردد.
وَٱلۡمَطۡلُوبُ	مگس.
مَا قَدَرُواْ	بزرگ نداشتند.
يَصۡطَفِي	برمی‌گزیند.
ٱجۡتَبَىٰكُمۡ	شما را برگزید.
مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ	این آیین آسان، آیین پدرتان است.
مَوۡلَىٰكُمۡ	مالک و یاور و متولی امورتان.

عمل به آیات

۱. امروز رکوع و سجده را طولانی گردان که الله تعالی این کار را می‌پسندد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ﴾

۲. برای اجرای فرمان الله، امروز بر ادای نمازهای سنت رواتب در کنار ادای نماز فرض کوشا باش، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ﴾

۳. از طریق مال یا کار یا برآوردن نیاز، به یکی از نیازمندان کمک کن، ﴿وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. الله سبحانه را با محبت و خشیت در قلبت بزرگ دار تا اعضایت او تعالی را بزرگ دارد، ﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

۲. همیشه تنها به الله، مولای خویش، متوسل شو؛ زیرا هر کس به غیر او متوسل شود، نابود و زیانکار می‌گردد، ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ﴾

۳. بدان که عمل صالح به تلاش، صبر، بخشش و مشقت نیاز دارد، پس بر آن شکیبا باش، ﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ﴾.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ
فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ
أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ
ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ
يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ
الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ
سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾
ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا
الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا
آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ
لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ
خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَفْلَحَ	رستگار شد.
اللَّغْوِ	گفتار و رفتاری که هیچ خیری در آن نباشد.
رَاعُونَ	حافظان.
نُطْفَةً	منی مردان که از کمرهای‌شان خارج می‌شود.
قَرَارٍ مَكِينٍ	رحم که نطفه در آن جای می‌گیرد.
عَلَقَةً	خون قرمزی که به رحم چسبیده است.
مُضْغَةً	تکه‌گوشتی به اندازه‌ای که جویده می‌شود.
سَبْعَ طَرَائِقَ	آسمان‌هایی که بر روی یکدیگر قرار دارند.

عمل به آیات

۱. سه مورد از اسباب خشوع در نماز را مشخص و آن‌ها را همین امروز در نماز عملی گردان، ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

۲. امروز تلاش کن به جای سخن لغو و بیهوده، سخنان مفید به زبان آوری، ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾

۳. در حفظ چشم کوشا باش که سبب حفظ عورت است، ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾

رهنمودها

۱. وعدهٔ رستگاری از جانب الله برای کسی که دارای صفات مذکور باشد، شامل رستگاری در دنیا و آخرت می‌گردد، ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾

۲. امانت، اخلاق والایی است، پس امانتدار باش، ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾

۳. برای رسیدن به رستگاری، نمازها را در وقتش ادا کن، ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾

سورهٔ مومنون

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ (۱) همان کسانی که در نمازشان فروتن هستند؛ (۲) و آنان که از [گفتار و رفتار] بیهوده رویگردانند؛ (۳) و آنان که زکات می‌پردازند؛ (۴) و آنان که شرمگاهشان را حفظ می‌کنند؛ (۵) مگر در مورد همسران یا کنیزانشان که [در بهره‌گیری جنسی از آنها] نکوهشی بر آنان نیست. (۶) اما کسانی که فراتر از این بخواهند، آنان کسانی هستند که از حد درگذشته‌اند. (۷) و [در زمرهٔ مؤمنانند] کسانی که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند، (۸) و کسانی که بر [ادای] نمازهایشان مراقبت می‌کنند. (۹) اینانند که وارثان هستند. (۱۰) [همان] کسانی که بهشت برین را به ارث می‌برند [و] در آن جاودانند. (۱۱) و در حقیقت، انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم. (۱۲) سپس او را [به شکل] نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [= رحِم] نهادیم. (۱۳) سپس نطفه را [به شکل] خونِ بسته ساختیم و آنگاه خونِ بسته را [به صورت] پاره‌گوشتی ساختیم؛ سپس پاره‌گوشت را [به شکل] استخوان درآوردیم و آنگاه بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن [جنین] را آفرینشی دیگر بخشیدیم. [پربرکت و] بزرگوار است الله که نیکوترین آفریننده است. (۱۴) سپس شما [پس از طی مراحل زندگی] قطعاً خواهید مُرد. (۱۵) آنگاه بی‌تردید، در روز قیامت برانگیخته می‌شوید. (۱۶) و به یقین، ما بر فرازتان هفت آسمان آفریدیم و [هرگز] از آفرینش غافل نبوده‌ایم. (۱۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۝ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

الله تعالی خبر داد که مومنان فردوس برین را به ارث می‌برند؛ از این مطلب لازم می‌آید که دیگران آن را به ارث نبرند و صفات مذکور واجب باشد؛ زیرا اگر ویژگی مستحبی در آن‌ها وجود می‌داشت، بهشت برین بدون آن نیز به دست می‌آمد. به عبارتی، دستیابی به بهشت با انجام واجبات و نه مستحبات ممکن است و به همین سبب، صفات واجب بیان گردید و خشوع از آن‌جا که در نماز، واجب است، هم به معنای آرامش است و هم به معنای تواضع. ابن تیمیه: ۴/ ۴۵۴.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر وجوب خشوع را توضیح دهید.

۲ ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

خشوع روح و مقصد نماز است و با وجود آن، برای بنده پاداش نوشته می‌شود. بنابراین نمازی که بدون خشوع و حضور قلب ادا شود، هر چند موجب پاداش است، ولی پاداش به اندازه‌ای است که نمازگزار حضور قلبی داشته باشد. سعدی: ۵۴۷- ۵۴۸.

پرسش: چرا از میان ارکان و واجبات نماز، فقط خشوع بیان گردید؟

۳ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾

در آیه بیان شده که یکی از صفات مؤمنان سعادتمند، این است که از لغو و بیهودگی دوری می‌کنند. لغو در لغت به معنای سخنان و افعالی است که هیچ فایده‌ای ندارند و از این رو، شامل بازی، بیهودگی، هرزگی و تمام امور منافی با انسانیت است. شنقیطی: ۵/ ۳۰۶.

پرسش: با توجه به آیه، توضیح دهید که چرا تخصیصِ وقتِ کمتر به برنامه‌های بی‌فایدهٔ گوشیِ همراه و رایانه، نشانهٔ رستگاری انسان است؟

۴ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾

الله تعالی از بندگان مؤمن خود و رستگاری و سعادت آنان و اسبابی که به‌وسیلهٔ آن‌ها به سعادت رسیدند، یاد می‌کند. به‌علاوه، انسان را تشویق می‌کند تا خودش را به صفات مومنان آراسته کند. پس بنده باید ایمان و یقین خود و دیگران را بر اساس این آیات بسنجد. سعدی: ۵۴۷.

پرسش: انسان چگونه می‌تواند به نقص و ایرادش پی ببرد و آن را اصلاح کند؟

۵ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾

امانت و عهد یعنی هر سخن و کاری که انسان در امور دینی و دنیوی بر عهده گرفته است، که شامل رفتار با مردم، وعده‌ها و ... می‌شود و هدف آن، حفظ و اجرای عهد و پیمان است. قرطبی: ۱۵/ ۱۵.

پرسش: رعایتِ چه امانت‌هایی بر بنده واجب است؟

۶ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾

محافظت بر نمازها یعنی انجام آن‌ها در اوقات‌شان افزون بر رعایت شروط و ارکان آن‌ها. اگر سؤال شود: چرا در ابتدا و پایان، سخن از نمازها تکرار شد؟ در پاسخ می‌گوییم: تکرار صورت نگرفته است؛ زیرا ابتدا خشوع در نماز سپس محافظت از آن بیان گردید و این دو موضوع با هم متفاوت هستند. ابن جزی: ۲/ ۶۸.

پرسش: چرا در ابتدای سوره و در این آیه، موضوع نماز تکرار شد؟

۷ ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾

بیشتر مفسران می‌گویند: یعنی از هیچ یک از مخلوقات غافل نبودیم و مواظب بودیم که آسمان‌ها بر روی‌شان نیفتد و آن‌ها را نابود نکند. قرطبی: ۱۵/ ۲۲.

پرسش: یکی از موارد و نشانه‌های حفاظت بنده از جانب الله تعالی را بیان کنید.

سورة (المؤمنون) الجزء (۱۸) صفحة (۳۴۳)

وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ
ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ (۱۸) فَأَنشَأۡنَا لَكُم بِهِۦ جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ
وَأَعۡنَٰبٖ لَّكُمۡ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ (۱۹) وَشَجَرَةٗ
تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ (۲۰)
وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا
مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ (۲۱) وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ
(۲۲) وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳) فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ
وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا
ٱلۡأَوَّلِينَ (۲۴) إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ فَتَرَبَّصُواْ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٖ
(۲۵) قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۲۶) فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ أَنِ ٱصۡنَعِ
ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ
فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ
ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡۖ وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ (۲۷)

ترجمه آیات

و از آسمان به اندازه‌ای معیّن [برای نیاز مخلوقات] آبی فرستادیم و آن را در زمین جای دادیم؛ و قطعاً برای از بین بردنش [نیز] کاملاً توانابیم. (۱۸) سپس توسط آن [آب] باغ‌هایی از درختان خرما و انگور برایتان پدید آوردیم که در آن [باغ‌ها،] میوه‌های بسیاری برای شماست و از آن [محصولات] می‌خورید. (۱۹) و درختی [آفریدیم] که از طور سینا برمی‌آید و روغن [زیتون] می‌دهد و خورشی برای خورندگان است. (۲۰) و بی‌تردید، در [وجود] چهارپایان عبرتی [از قدرت الله] برایتان است: از آنچه در شکم آنهاست به شما [شیر] می‌نوشانیم و در [وجود] آنها سودهای بسیاری برایتان وجود دارد و از [گوشت] آنها می‌خورید. (۲۱) [در خشکی] بر آنها و [در آب] بر کشتی‌ها سوار می‌شوید. (۲۲) و بی‌تردید، ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ [به آنان] گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید [که] جز او معبودی [به‌حق] ندارید. آیا پروا نمی‌کنید؟» (۲۳) اما اشراف و بزرگان قومش که کفر ورزیده بودند گفتند: «این [مرد کسی] نیست مگر بشری همچون شما [که] می‌خواهد بر شما برتری جوید. اگر الله می‌خواست [رسولی بفرستد]، فرشتگانی [به سویتان] نازل می‌کرد. ما این [سخن] را [که نوح می‌گوید] در میان نیاکان خود نشنیده‌ایم. (۲۴) او مرد دیوانه‌ای بیش نیست؛ پس تا مدتی منتظر باشید [که یا دروغش آشکار گردد و دست از دعوتش بردارد یا مرگش فرارسد]». (۲۵) [نوح] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن». (۲۶) به او وحی کردیم: «کشتی را تحت نظرِ ما و به وحی ما بساز و هنگامی که فرمان [عذاب] ما فرارسید و [به نشانهٔ رسیدنِ طوفان، آب از] تنور جوشید، از هر نوع [حیوان،] یک جفت [نر و ماده] در کشتی سوار کن و خانواده‌ات را [نیز همراه خود ببر] مگر کسانی که پیشتر وعده[ی هلاکت] بر آنان مقرر شده است و دربارهٔ [نجاتِ] کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن نگو؛ [چرا که] آنان حتماً غرق خواهند شد. (۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ﴾

الله می‌فرماید: همانا ما می‌توانیم آبی را که در زمین قرار دادیم، از بین ببریم و آن‌گاه شما ای مردم! از شدت تشنگی، هلاک شوید، زمین‌های‌تان تباه شود، هیچ گیاه و درختی نروید و چهارپایان‌تان از بین برود. الله تعالی می‌فرماید: یکی از نعمت‌های من بر شما این است که آب را در زمین برای‌تان جاری و روان گذاشتم. طبری: ۱۹/ ۲۰.

پرسش: منبع و سرچشمهٔ آبی که از زمین می‌جوشد چیست؟

۲ ﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ﴾

یعنی به اندازهٔ نیاز؛ نه بسیار که زمین و آبادی را خراب کند، و نه کم که برای کشتزارها و میوه‌ها کافی نباشد، بلکه به اندازه نیاز برای آبیاری، نوشیدن و سایر مصارف است. ابن کثیر: ۳/ ۲۳۵.

پرسش: چرا الله آب را به اندازه فرستاده است؟ چه نعمت و بخششی در این مورد وجود دارد؟

۳ ﴿وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ﴾

الله تعالی به بندگانش هشدار می‌دهد به شکرانهٔ نعمت‌هایش از او سپاس‌گزاری کنند و بیندیشند که اگر آب نباشد، چه آسیب‌هایی دامنگیر آنان می‌شود! سعدی: ۵۴۹.

پرسش: در آیه به یکی از شیوه‌هایی که مردم بتوانند به‌وسیله آن، حقیقت نعمت را بشناسند، اشاره شده است، آن روش را توضیح دهید.

۴ ﴿وَشَجَرَةٗ تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ (۲۰) وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ﴾

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗ﴾: الله تعالی پس از بیان نعمت‌هایی که به‌وسیله آب و گیاه به انسان می‌رسد، از نعمت‌هایی که از طرف حیوانات به آدمی می‌رسد، نام برد. آلوسی: ۹/ ۲۲۵.

پرسش: چرا قرآن کریم پیش از نعمت چهارپایان، از نعمت آب و گیاهان سخن گفت؟

۵ ﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ (۲۴) إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ﴾

شبهات کافران... با هم متضاد و متناقض است؛ زیرا وقتی گفتند: ﴿مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ﴾ عقل و خرد برای پیامبر الهی قائل شدند و گفتند او می‌خواهد از طریق رسالت، بر شما برتری جوید و ریاست کند، پس باید از وی برحذر باشید تا فریب نخورید. اما با این سخن‌شان کاملاً منافات دارد که گفتند: ﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ﴾؛ او دیوانه‌ای بیش نیست!!! سعدی: ۵۵۰.

پرسش: تناقض و تعارض موجود در سخن کافران را بیان کنید.

۶ ﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

آنان این امر را بعید و عجیب پنداشتند که یک انسان به پیامبری مبعوث شود، اما عجیب آن است که ربوبیت را برای سنگی قرار دادند!!! ابن جزی: ۲/ ۷۰.

پرسش: تعجب کافران از این‌که یک انسان به پیامبری برسد، کاملاً متناقض و عجیب است، این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

اشراف قوم ادعا کردند هدف پیامبر الهی از آوردن رسالت این است که می‌خواهد خودش را سرور و رئیس آنان گرداند و از این رو، ترسیدند که سروری و بزرگی‌شان از بین برود. آنان بر اثر جهلی که داشتند، در احوال و مصالح مردم تفکر و نظر نمی‌کردند، بلکه دیگران را با معیار خودشان می‌سنجیدند. ابن عاشور: ۱۸/ ۴۲.

پرسش: میل به ریاست و سروری خطری علیه انسان و دین او به شمار می‌رود، با توجه به آیه این مطلب را توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلدُّهۡنِ	روغن.
وَصِبۡغٖ	خورشی که نان را در آن می‌زنند.
بِأَعۡيُنِنَا	با حفظ و نگهبانی ما. این واژه بر اثبات صفت چشم برای الله تعالی آنگونه که سزاوار ذاتش است دلالت دارد.
وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ	آب از تنور معروف جوشید.
فَٱسۡلُكۡ فِيهَا	در آن قرار بده.
سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ	مستحق عذاب شده است.

عمل به آیات

۱. امروز هر گاه آب نوشیدی یا چیزی را با آن شستی، به یاد آور که آب شیرین، از بزرگ‌ترین نعمت‌های دنیوی است که الله به ما بخشیده است، پس تا می‌توانی شکر این نعمت الله تعالی را به جای آور، ﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ﴾

۲. امروز روغن زیتون در غذا استفاده کن؛ زیرا درختی بابرکت است و منافع زیادی دارد، ﴿وَشَجَرَةٗ تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ﴾

۳. هنگام سوارشدن بر سواری این دعا را بخوان: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» «پاک و منزه است کسی که این (وسیله) را در خدمت ما گماشت و(گرنه) ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاهِ پروردگارمان بازمی‌گردیم». ﴿وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ﴾

رهنمودها

۱. تا می‌توانی عبادت خالص برای الله تعالی انجام بده، ﴿ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ﴾

۲. بزرگان جامعه، پیشوایانی موثر در انجام خیر یا شر هستند؛ پس بر اصلاح آنان بکوش، ﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ﴾

۳. به نسب خویش اعتماد نکن؛ زیرا نسب، انسان را از عذاب الله نجات نمی‌دهد، ﴿فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡ﴾

سورة (المؤمنون) الجزء (١٨) صفحة (٣٤٤)

فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى
نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ
خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا
مِنۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ ٱعْبُدُوا۟
ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا
مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ
﴿٣٤﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ
﴿٣٥﴾ ۞ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا
ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا
رَجُلٌ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُۥ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ ﴿٤٠﴾
فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ بِٱلْحَقِّ فَجَعَلْنَٰهُمْ غُثَآءً ۚ فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ﴿٤٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَمُبْتَلِينَ	آزمایش‌کننده.
قَرْنًا	نسلی.
ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ	اشراف و بزرگان قوم هود.
هَيْهَاتَ	حقیقتاً دور است.
غُثَآءً	کف سیل که بر روی آب قرار می‌گیرد.
فَبُعْدًا	هلاکت و دوری از رحمت.

عمل به آیات

۱. موضعی را که الله تو را از سختی یا خطر رهانیده است به یاد آور و به این سبب، از او تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۲. به الله پناه ببر از این‌که نعمت‌ها تو را از طاعتش و نزدیکی به او غافل کند، ﴿وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾

۳. موضوعی را که بر تو دشوار آمده است مشخص کن، سپس با تضرع و زاری به الله متوسل شو تا آن کار را برایت آسان گرداند، ﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه از مصیبت یا ستم ستمگری نجات یافتی، فراموش نکن که سپاس و ستایش الله تعالی را به جای آوری، ﴿فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۲. در قصص پیامبران تدبر و تأمل کن؛ زیرا الله تعالی آن‌ها را به سبب پند و عبرت‌هایی که دارند حکایت فرموده است، ﴿إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ﴾

۳. سرانجام ستمکاران نزدیک است هر چند طولانی شده باشد، ﴿قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید بگو: "سپاس مخصوص الله است که ما را از [چنگ] گروه ستمکار نجات داد"». (۲۸) و [نیز] بگو: «پروردگارا، ما را در منزل‌گاهی پربرکت فرود آور که تو بهترین فرودآورنده‌ای». (۲۹) بی‌تردید در این [ماجرا] نشانه‌هایی [از قدرت الله در نجات مؤمنان و عذاب کافران] است و یقیناً ما آزمایشگر [ایمان و کفرِ مردم] بوده‌ایم؛ (۳۰) آنگاه گروه دیگری را پس از آنان پدید آوردیم؛ (۳۱) و پیامبری از خودشان در [میان] آنان فرستادیم [تا بگوید]: «الله را عبادت کنید [که] جز او معبودی [به‌حق] ندارید. آیا پروا نمی‌کنید؟» (۳۲) گروهی از اشراف و بزرگان قومش که کفر ورزیده بودند و دیدار آخرت را دروغ می‌انگاشتند و در زندگی دنیا نعمت و آسایش به آنان داده بودیم، گفتند: «این [مرد کسی] نیست مگر بشری همچون شما؛ از آنچه [شما] می‌خورید [او نیز] می‌خورد و از آنچه که شما می‌نوشید [او نیز] می‌نوشد [پس مزیّتی ندارد که پیامبر باشد]. (۳۳) و اگر از بشری همچون خود اطاعت کنید، در آن صورت، یقیناً زیانکارید. (۳۴) آیا او به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید، [در قیامت از گور] بیرون آورده می‌شوید؟ (۳۵) آنچه به شما وعده می‌دهد، چه دور است، چه دور! (۳۶) [زندگانی] جز همین زندگی دنیای ما نیست؛ و [گروهی] می‌میریم و [و گروهی به جای آنها] زنده می‌شویم و هرگز [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. (۳۷) او [کسی] نیست مگر مردی که بر الله دروغ می‌بندد و ما به او ایمان نمی‌آوریم». (۳۸) [پیامبرشان] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن». (۳۹) [الله] فرمود: «پس از اندک زمانی، [از کار خود] سخت پشیمان می‌شوند». (۴۰) پس بانگی [مرگبار] آنان را به‌حق فروگرفت و آنان را [همچون] خس و خاشاک [روی سیل] نمودیم؛ پس قوم ستمکار [از رحمت الله] دور باد! (۴۱) سپس بعد از آنان نسل‌هایی دیگر پدید آوردیم. (۴۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ﴾

الله سبحانه به نوح عليه‌السلام فرمان داد که وقتی در کشتی آرام و قرار گرفت، به سبب نجات از ستمگران، پروردگارش را سپاس گوید، و دعا کند الله تعالی در محل فرود آمدنش برکت قرار دهد. ابن عطیه/ ۴/ ۱۴۲.

پرسش: انواع دعاهای مذکور در آیه را بنویسید.

۲ ﴿فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

خفاجی می‌گوید: آیه اشاره دارد که انسان نباید از مصیبت دیگران خوشحال شود، هر چند فرد مصیبت‌زده، دشمن او باشد، بلکه می‌توان از این امر خوشحال بود که آن مصیبت باعث شده شرّ و زیان فرد از بین برود یا این‌که زمین از پلیدی شرک و گمراهی او پاک شده است. آلوسی: ۹/ ۲۳۰.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه میان دفاع انسان از خودش و دفاع او از دین تفاوت قائل شده است.

۳ ﴿وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ﴾

به طور خلاصه، الله به بندگانش آموزش می‌دهد که هنگام سوارشدن و پیاده‌شدن، این دعا را بخوانند و حتی زمانی که وارد خانه‌های‌شان می‌شوند و سلام می‌کنند. قرطبی: ۱۵/ ۳۷.

پرسش: ثمرهٔ عملی آیه چیست؟

۴ ﴿وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ﴾

بیان دو صفت مذکور نشان می‌دهد که علت تکذیب رسولان از جانب کافران، همین دو ویژگی بود؛ زیرا تکذیب روز آخرت باعث می‌شد که آنان بازخواست پس از مرگ را انتظار نکشند و ثروت و نعمت‌های‌شان سبب تکبر و خودستایی می‌شد؛ چون عادت کرده بودند که آقا و سرور باشند نه پیرو. ابن عاشور: ۱۸/ ۵۲.

پرسش: نترسیدن از آخرت و رفاه، از مهم‌ترین دلایل انکار حقیقت و تکذیب پیامبران به شمار می‌رود. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ﴾

یکی از روش‌ها و رسوم انسان‌ها چنین بیان شد که اشراف کافر نخستین افرادی هستند که دعوت حق را انکار و رد می‌کنند. جزائری: ۳/ ۵۱۳.

پرسش: خطر رفاه و فراخی زندگی را با توجه به آیه بیان کنید.

۶ ﴿أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ ۞ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ﴾

یعنی این وعده که به شما می‌گوید پس از این‌که ریزه ریزه و خاک و استخوان گشتید، محشور می‌شوید، بسیار بعید و ناممکن است. آنان کوته‌فکر بودند و به قدرت ناچیز خویش نگریستند که این کار برای‌شان غیر ممکن بود و قدرت خالق را با توان خودشان مقایسه کردند. سعدی: ۵۵۱.

پرسش: تکذیب‌کنندگان بر اثر چه اشتباهی، رستاخیز را انکار کردند؟

۷ ﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ﴾

الله به این پیامبر دعوتگر فرمود: به‌زودی قوم تو به سبب کفر و انکاری که کردند، پشیمان خواهند شد و آن‌گاه پشیمانی هیچ سودی برای‌شان ندارد. المحرر الوجیز: ۴/ ۱۴۴.

پرسش: دعای افراد صالح و مظلوم سریع اجابت می‌شود، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

سورة (المؤمنون) الجزء (١٨) صفحة (٣٤٥)

مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ٤٣ ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا
تَتۡرَاۖ كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُۖ فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضٗا
وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَۚ فَبُعۡدٗا لِّقَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ ٤٤ ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ
وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٤٥ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ ٤٦ فَقَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لِبَشَرَيۡنِ مِثۡلِنَا
وَقَوۡمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ ٤٧ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡلَكِينَ
٤٨ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٤٩ وَجَعَلۡنَا
ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ
٥٠ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا
تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٥١ وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ
فَٱتَّقُونِ ٥٢ فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ
فَرِحُونَ ٥٣ فَذَرۡهُمۡ فِي غَمۡرَتِهِمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ٥٤ أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم
بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ٥٥ نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ
٥٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٥٧ وَٱلَّذِينَ هُم
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ٥٨ وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا يُشۡرِكُونَ ٥٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَجَلَهَا	موعد مشخص نابودی آن.
تَتۡرَا	پیاپی.
رَبۡوَةٖ	زمینی مرتفع.
ذَاتِ قَرَارٖ	هموار و آماده برای سکونت.
وَمَعِينٖ	آبی جاری و نمایان.
فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم	در پیروی از دین پراکنده شدند.
زُبُرٗا	گروه گروه و حزب حزب.
غَمۡرَتِهِمۡ	گمراهی و جهل‌شان.

عمل به آیات

۱. از تکبر به الله پناه ببر که تکبر، از حق بازمی‌دارد، ﴿فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ﴾

۲. اگر غذای حرامی در برنامهٔ غذایی‌ات وجود دارد، از آن دست بکش تا دعایت مستجاب شود، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ﴾

۳. با ارسال پیامی دیگران را از اسباب پراکندگی و اختلاف در دین برحذر دار، ﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ ٥٢ فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗا﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسباب سعادت، اکتفا به خوردن غذاهای پاکیزه و انجام اعمال صالح است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًا﴾

۲. از خواب غفلت برخیز؛ زیرا احتمال دارد نعمت‌هایی که به تو رسیده است به تدریج تو را به سوی عذاب بکشاند، ﴿أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ٥٥ نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ﴾

۳. به اعمال صالح خویش مغرور نشو، بلکه همیشه ترس الله را در دل داشته باش، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ﴾

ترجمه آیات

هیچ امتی نه از اجل [معینِ] خود پیشی می‌گیرد و نه تأخیر می‌کند. (۴۳) سپس پیامبران خود را پیاپی فرستادیم. هر گاه پیامبری برای [هدایت] امتی می‌آمد، او را دروغگو می‌انگاشتند؛ [ما نیز] آنان را یکی پس از دیگری هلاک کردیم و آنان را داستان‌ها[ی عبرت‌آموزی برای آیندگان] قرار دادیم. پس نابود باد قومی که ایمان نمی‌آورند! (۴۴) سپس موسی و برادرش هارون را با آیات [نُه‌گانهٔ] خویش و دلایل آشکار فرستادیم (۴۵) به سوی فرعون و اشراف [قوم] او؛ و[لی] آنان گردنکشی کردند و گروهی برتری‌خواه بودند. (۴۶) و گفتند: «آیا به دو انسان مانند خود ایمان بیاوریم، حال آنکه قومشان بردگان ما هستند؟» (۴۷) پس آن دو را دروغگو انگاشتند [و] سرانجام هلاک شدند. (۴۸) و بی‌تردید، به موسی کتاب [تورات] دادیم؛ باشد که [بنی‌اسرائیل] هدایت شوند. (۴۹) و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای [از قدرت الهی] قرار دادیم و آنان را در مکان بلند و همواری که دارای امنیت و آبی [زلال و] جاری بود جای دادیم. (۵۰) ای پیامبران، از [غذاهای] پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید. یقیناً من از آنچه انجام می‌دهید آگاهم. (۵۱) و در حقیقت، این دین شما، دینی واحد [به نام اسلام] است و من پروردگارتان هستم؛ پس از من پروا کنید. (۵۲) اما [پیروانشان اختلاف کردند و] در امر [دین]شان میان خود پراکنده و گروه‌گروه شدند [و] هر گروهی به آنچه نزدشان است دلخوشند [چرا که خود را بر حق و دیگران را بر باطل می‌دانند]. (۵۳) [ای پیامبر،] آنان را تا وقتی [که عذاب فرامی‌رسد] در جهل و نادانی‌شان رها کن. (۵۴) آیا گمان می‌کنند اموال و فرزندانی که به آنان می‌دهیم [به این هدف است که،] (۵۵) شتابان نیکی‌ها را به آنان برسانیم؟ [نه، هرگز چنین نیست؛] بلکه آنان نمی‌فهمند [که این وسیله امتحانشان است]. (۵۶) کسانی که از بیم پروردگارشان ترسانند (۵۷) و کسانی که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند (۵۸) و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند (۵۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ﴾

تکبر و انکار آنان در برابر دعوت و معجزات و دلایل موسی، از خوی متکبرانه و ناپسندشان ناشی می‌شد. ابن عاشور: ۱۸/ ۶۴.

پرسش: دلیل گمراهی قوم فرعون چه بود؟

۲ ﴿وَجَعَلۡنَا ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ﴾

الله تعالی می‌فرماید بنده و رسولش؛ عیسی و مادرش عليهما السلام را نشانه‌ای برای مردم قرار داده است؛ یعنی حجت و دلیلی قاطع بر این‌که می‌تواند هرچه بخواهد انجام دهد؛ آدم را بدون پدر و مادر، از خاک آفرید، حواء را از یک مرد و بدون وجود زن خلق کرد، عیسی را از مادر و بدون پدر و سایر مردم را از پدر و مادر می‌آفریند. ابن کثیر: ۳/ ۲۳۸.

پرسش: چرا عیسی و مادرش عليهما السلام نشانه‌ای برای مردم هستند؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ﴾

ابتدا به خوردن مال حلال فرمان داده شد؛ زیرا خوردن مال حلال انسان را برای انجام اعمال صالح کمک می‌کند. در حدیث صحیحی چنین آمده است: «أَيُّمَا لَحْمٍ نَبَتَ مِنْ سُحْتٍ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ» [صحیح؛ با الفاظی مشابه در سنن ترمذی: ۶۱۴] «هر گوشتی که از حرام برآید آتش جهنم به آن سزاوارتر است.» آلوسی: ۹/ ۲۴۱.

پرسش: چرا امر به خوردن مال حلال بر امر به انجام عمل صالح مقدم شد؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ﴾

در حدیث صحیحی از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «ای مردم! الله پاکیزه است و فقط پاکیزه را می‌پذیرد. او تعالی مؤمنان را مانند رسولانش مأمور کرده و می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًا﴾ همچنین فرمود: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ﴾ [البقرة: ۱۷۲]؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید.» سپس در مورد مردی گفت که سفرش را طولانی کرده و غبارآلوده و پراکنده‌موی است و دست‌هایش را به آسمان بالا می‌آورد و می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا! اما خوراک و آشامیدنی و پوشاکش حرام بوده و با حرام تغذیه شده است. چگونه دعای چنین شخصی پذیرفته می‌شود؟!» [صحیح مسلم: ۱۰۱۵]. قرطبی: ۱۲/ ۱۷۲.

پرسش: منظور از خوردن مال پاک در آیه چیست؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًا﴾

الله سبحانه به تمام پیامبرانش فرمان می‌دهد که مال حلال بخورند و اعمال صالح انجام دهند. بنابراین خوردن مال حلال آدمی را برای انجام عمل صالح یاری می‌رساند. ابن کثیر: ۳/ ۲۳۹.

پرسش: چه رابطه‌ای میان غذای پاک و حلال و عمل صالح وجود دارد؟

۶ ﴿فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ﴾

پس از این‌که دستور یافتند با یکدیگر متحد و یکپارچه باشند، متفرق شدند و آیین‌های متفاوتی به وجود آوردند. الله تعالی در ادامه می‌فرماید هر یک از آن‌ها دیدگاه و گمراهی خود را می‌پسندد و این نهایت گمراهی است. قرطبی: ۱۵/ ۵۲.

پرسش: بر اساس آیه خطر تفرقه و خودپسندی و خودرأیی را بیان کنید.

۷ ﴿أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ٥٥ نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ﴾

یعنی آیا این فریب‌خوردگان گمان می‌کنند اموال و فرزندانی را که به آنان داده‌ایم، بدین سبب است که نزد ما بزرگ و محترم هستند؟! هرگز آن‌گونه که این افراد گمان می‌کنند، نیست... قطعا در این زمینه اشتباه کرده‌اند و امیدشان از دست رفته است، بلکه ما به آنان مهلت می‌دهیم [تا بر گناهان‌شان بیفزایند و به یکباره آنان را هلاک خواهیم کرد]. ابن کثیر: ۳/ ۲۴۰.

پرسش: چرا الله تعالی مال و فرزند به گناهکاران می‌بخشد؟

سورة (المؤمنون) الجزء (١٨) صفحة (٣٤٦)

وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ ٦٠
أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ٦١ وَلَا نُكَلِّفُ
نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ وَلَدَيۡنَا كِتَٰبٞ يَنطِقُ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ
٦٢ بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ
هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ ٦٣ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذۡنَا مُتۡرَفِيهِم بِٱلۡعَذَابِ إِذَا هُمۡ
يَجۡـَٔرُونَ ٦٤ لَا تَجۡـَٔرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ٦٥ قَدۡ كَانَتۡ
ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ ٦٦
مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ ٦٧ أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ ٱلۡقَوۡلَ أَمۡ
جَآءَهُم مَّا لَمۡ يَأۡتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٦٨ أَمۡ لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ
فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٦٩ أَمۡ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلۡ جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ
وَأَكۡثَرُهُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٠ وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ فَهُمۡ
عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ ٧١ أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ خَرۡجٗا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيۡرٞۖ
وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٧٢ وَإِنَّكَ لَتَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٧٣
وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ٧٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَجِلَةٌ	ترسان از عدم پذیرش.
غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا	گمراهی از این قرآن.
يَجۡـَٔرُونَ	با زاری، صداهای‌شان را بلند می‌کنند.
عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ	از شنیدن آیات فرار می‌کنید مانند کسی که به پشت سر بازمی‌گردد.
سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ	شبانه در اطراف کعبه، سخنان بدی با یکدیگر می‌گفتند.

عمل به آیات

۱. طاعتی را مشخص کن و قبل از دیگران آن را انجام بده، ﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ﴾

۲. چنان‌که طبق عادت، زمانی خاص برای قرائت یا حفظ قرآن داری، زمانی خاص نیز برای تدبر در آیاتی از قرآن برای خودت تعیین کن، ﴿أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ ٱلۡقَوۡلَ أَمۡ جَآءَهُم مَّا لَمۡ يَأۡتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

۳. کتابی در مورد سیرهٔ پیامبر مطالعه کن، ﴿أَمۡ لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ﴾

رهنمودها

۱. همیشه به یاد داشته باش که روز قیامت در برابر الله نگاه داشته می‌شوی، ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ﴾

۲. گناهان، سبب سختی و اضطراب قلب، و ترک گناهان، سبب صحت و سلامتی قلب است، ﴿بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ﴾

۳. یکی از اسباب رویگردانی مردم از حق، جهل و تعصب و تقلید کورکورانه است، ﴿بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ﴾

ترجمه آیات

و کسانی که در انجام کارهای خیر می‌کوشند و از اینکه به سوی پروردگار خویش بازمی‌گردند دل‌هایشان هراسان است [از اینکه مبادا کارهای نیکشان قبول نشود]. (۶۰) اینان در نیکی‌ها شتاب می‌کنند و در انجام آن [از یکدیگر] پیشی می‌گیرند. (۶۱) و [ما] به هیچ کس جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که [دربارهٔ اعمال بندگان] به‌حق سخن می‌گوید و به آنان ستم نمی‌شود. (۶۲) [نه،] بلکه دل‌هایشان از این [کتاب] در غفلت است و آنان جز این [گناه کفر،] کارهایی [دیگر نیز] انجام می‌دهند. (۶۳) تا هنگامی که ثروتمندانشان را به عذاب گرفتار کنیم، ناگهان فریادِ زاری سر می‌دهند. (۶۴) [به آنان گفته می‌شود:] «امروز ناله و زاری نکنید [که] هرگز از سوی ما یاری نخواهید شد. (۶۵) بی‌تردید، آیات من پیوسته بر شما خوانده می‌شد؛ ولی [از حق] روی می‌گرداندید. (۶۶) در حالی که در برابرش تکبر می‌کردید [و در مجالس شبانهٔ خود] به بدگویی می‌پرداختید. (۶۷) آیا آنان در این گفتار [= قرآن] نیندیشیده‌اند یا [مگر] چیزی برایشان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ (۶۸) یا پیامبرشان را [به خوبی] نشناخته‌اند و [از این روست که] او را انکار می‌کنند؟ (۶۹) یا می‌گویند او جنون دارد؟ [نه، چنین نیست؛] بلکه [او دین] حق را برایشان آورده است؛ [ولی] بیشتر آنان [از روی حسادت و تعصبی که به باطل خویش دارند] حق را نمی‌پسندند [و از آن به خشم می‌آیند]. (۷۰) اگر الله از هوس‌های آنان پیروی کند [و امورِ هستی به میلِ کافران اداره شود]، آسمان‌ها و زمین و هر کس [و هر چه] در آنهاست تباه می‌گردد؛ بلکه پندشان [= قرآن] را برای آنان آورده‌ایم [که مایهٔ عزت و شرفشان است]؛ ولی آنان از پندشان رویگردانند. (۷۱) [ای پیامبر،] آیا تو از آنان [برای تبلیغ دین] پاداشی می‌طلبی؟ و حال آنکه پاداش پروردگارت [بسی] بهتر است و او بهترین روزی‌دهنده است. (۷۲) و بی‌تردید، تو آنان را به راهی راست دعوت می‌کنی. (۷۳) کسانی که به آخرت ایمان ندارند قطعاً از این راه [راست،] منحرف شده‌اند. (۷۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ﴾
اعمال ظاهری بر اساس نیت قلبی سنجیده می‌شوند که این مورد کم و زیاد می‌شود و فقط الله از مقدار آن‌چه در دل‌ها وجود دارد، آگاه است. ابن تیمیه: ۴/ ۴۶۱.
پرسش: دو مورد از فواید آیه را بیان کنید.

۲ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ٦١ وَلَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَا﴾
پس از این‌که شتاب و سبقت آنان به سوی خوبی‌ها بیان شد، شاید این گمان ایجاد شود که آنان و دیگران مکلف شده‌اند کار غیر ممکن یا سختی را انجام دهند. الله تعالی برای دفع این تصور فرمود هر کس را به اندازهٔ توانش مکلف می‌کند. سعدی: ۵۵۴.
پرسش: کسی که به سوی خوبی‌ها سبقت و شتاب می‌گیرد، گاهی اوقات دچار سختی می‌شود، آیه این موضوع را چگونه حل و فصل نمود؟

۳ ﴿قَدۡ كَانَتۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ﴾
﴿فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ﴾ یعنی: به پشت سر بازگشتید؛ زیرا انسان‌ها با پیروی از قرآن، رو به جلو پیشرفت می‌کنند، ولی با اعراض از آن، به عقب بازمی‌گردند و به پایین‌ترین مراحل و درجات می‌رسند. سعدی: ۵۵۵.
پرسش: با توجه به آیه، بیان کنید که چرا تحکیم و اجرای شریعت، بهترین وسیله برای پیشرفت است؟

۴ ﴿أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ ٱلۡقَوۡلَ﴾
سوگند به الله، اگر این قوم در آیات قرآن بیندیشند و تفکر کنند، مانع و هشداری در برابر نافرمانی الله می‌یابند، ولی با گرفتارشدن در شبهات، نابود شدند. ابن کثیر: ۳/ ۲۴۲.
پرسش: تشویق به تدبر چه فایده‌ای دارد؟

۵ ﴿أَمۡ لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ﴾
ابن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌گوید: «مگر محمد را در خردسالی و بزرگسالی‌اش نشناخته‌اند؟ و مگر از نسب، راستگویی، امانتداری و وفاداری او به عهد و پیمان‌ها آگاه نشده‌اند؟» این سخن به قصد توبیخ و سرزنش آنان بیان شده است؛ چون با آگاهی از راستگویی و امانتداری پیامبر ﷺ، از او روی گرداندند. بغوی: ۳/ ۲۵۲.
پرسش: بررسی سیره پیامبر ﷺ و آگاهی از اخلاق و رفتار او، چه اهمیتی دارد؟

۶ ﴿أَمۡ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلۡ جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ وَأَكۡثَرُهُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ﴾
ناپسنددانستن حقیقت، به بیشتر آنان و نه همگی نسبت داده شد؛ تا انصاف در مورد خردمندانی از آنان که به بطلان شرک پی بردند و به حقیقت تمایل داشتند رعایت شود، ولی این افراد به قصد سازش با اشراف و متجاوزان قومشان و برای حمایت از خودشان، با آنان همراهی می‌کردند. ابن عاشور: ۱۸/ ۹۱.
پرسش: چرا ناپسنددانستن حقیقت، به بیشتر کافران و نه همگی آنان نسبت داده شد؟

۷ ﴿وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ فَهُمۡ عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ﴾
﴿وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ﴾: یعنی اگر حقیقت از آن‌چه مردم می‌پسندند و دوست دارند پیروی کند، قطعاً نظام هستی به هم می‌ریزد؛ چون تمایلات مردم متفاوت و متضاد است؛ پس همگی باید پیرو حقیقت باشند. قرطبی: ۱۵/ ۷۲.
پرسش: آزادی حد و مرزی دارد، اگر این حد و مرز شکسته شود، چه اتفاقی روی می‌دهد؟

ترجمه آیات

اگر به آنان رحم کنیم و بلا و رنجی را که [از قحطی و گرسنگی] دیده‌اند از آنان برطرف سازیم، بر سرکشی [و گمراهیِ] خویش پافشاری می‌کنند [و همچنان] به بیراهه می‌روند. (۷۵) در حقیقت، [ما] آنان را به عذاب [و بلا] گرفتار ساختیم [تا بیدار شوند]؛ اما در برابر پروردگارشان فروتنی ننمودند و [به درگاهش تضرع و] زاری نکردند. (۷۶) [آنان پیوسته چنین هستند] تا آنگاه که دری از عذابِ سخت بر آنان می‌گشاییم [و چنان گرفتار شوند] که [از همه جا] مأیوس گردند. (۷۷) [ای منکرانِ قیامت،] الله ذاتی است که گوش و چشم و دل برایتان پدید آورد. چه اندک سپاس می‌گزارید! (۷۸) و او تعالی است که شما را در زمین [آفرید و] پراکنده کرد و [روز قیامت] به سوی او جمع می‌شوید. (۷۹) و اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و گردشِ شب و روز از [تدبیرِ] اوست. آیا نمی‌اندیشید؟ (۸۰) [چنین نکردند؛] بلکه آنان نیز همان [سخنانی را] گفتند که پیشینیان می‌گفتند. (۸۱) گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟ (۸۲) بی‌تردید، این وعده را پیش از این نیز به ما و نیاکانمان داده‌اند. این [سخن، چیزی] نیست مگر [دروغ‌ها و] افسانه‌های [خیالیِ] پیشینیان». (۸۳) [ای پیامبر، به منکرانِ معاد] بگو: «اگر می‌دانید، [بگویید] زمین و هر کس در آن است از آنِ کیست؟» (۸۴) خواهند گفت: «[همه] از آنِ الله است». بگو: «پس آیا پند نمی‌گیرید؟» (۸۵) بگو: «پروردگارِ هفت آسمان و پروردگار عرش بزرگ کیست؟» (۸۶) خواهند گفت: «[همه] از آنِ الله است». بگو: «پس آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟» (۸۷) بگو: «اگر می‌دانید، [بگویید] فرمانروایی همه چیز به دست کیست؟ و [کیست که] پناه می‌دهد و کسی در برابر [عذابِ] او پناه‌داده نمی‌شود؟ (۸۸) خواهند گفت: «[فرمانروایی همه چیز،] از آنِ الله است». بگو: «پس چگونه افسون می‌شوید [و نمی‌اندیشید]؟» (۸۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ﴾
الله می‌فرماید: اگر به این افراد که به آخرت ایمان نمی‌آورند، رحم کنیم و قحطی، خشکسالی، گرسنگی و لاغری را از آنان دور نماییم، ﴿لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ﴾ قطعا در سرکشی و جسارت‌شان بر الله تعالی، پافشاری می‌کنند و ﴿يَعۡمَهُونَ﴾ و حیران و سرگردان می‌مانند. طبری: ۱۹/ ۵۹.
پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که چرا آسیب و عذاب دنیوی، از کافران برداشته نمی‌شود؟

۲ ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾
الله تعالی می‌فرماید: قطعاً این مشرکان را به عذابمان گرفتار کردیم، خشم و قهر خویش را بر آنان فرستادیم، رزق و روزی‌شان را تنگ و محدود کردیم، سرزمین‌شان را خشک و بی‌آب و علف گردانیدیم و بزرگان‌شان را با شمشیر کُشتیم، ﴿فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ﴾ اما در برابر پروردگارشان خاضع و فروتن نشدند، تا امر و نهی او را بپذیرند و از او تعالی اطاعت کنند، ﴿وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ و برای الله، اظهار خواری و فروتنی نمی‌کردند. طبری: ۱۹/ ۶۰.
پرسش: الله تعالی عذاب را بر گنهکاران نازل می‌کند تا آنان اصلاح شوند، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦ حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ﴾
﴿وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾: به درگاه الله دعا و زاری نمی‌کردند و خودشان را محتاج نمی‌دانستند، بلکه شرایط سخت و عذاب‌شان ادامه یافت سپس برطرف شد، گویی هرگز به آنان نرسیده است و همواره به گمراهی و کفرشان ادامه دادند، ولی پس از آن، عذابی است که هرگز از بین نمی‌رود، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ﴾؛ تا زمانی که دری از عذابی سخت، بر آنان گشودیم. سعدی: ۵۵۶.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که غفلت از هشدار، به عذاب دیگری منجر می‌شود.

۴ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾
بیان گوش، چشم و دل‌ها بدین سبب است که منافع فراوانی دارند، پس باید از آفرینندهٔ آن‌ها سپاس‌گزاری کرد و یکی از مصادیق این سپاس‌گزاری، توحید و یگانه‌دانستن الله و پیروی از رسولش است. بنابراین بیان موارد مذکور باعث شمارش نعمت و اقامهٔ دلیل و حجت گردید. ابن جزی: ۲/ ۷۶.
پرسش: چرا الله تعالی از میان اعضای بدن، فقط گوش و چشم و دل را نام برد؟

۵ ﴿قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾
آیات فوق اشاره دارند به این‌که جدال با کافران و بیان دلیل و حجت علیه آنان جایز است. قرطبی: ۱۵/ ۸۰.
پرسش: آیا با وجود علم و آگاهی، برای انسان جایز است که به قصد راهنمایی و هدایت کافران، با آنان جدال و مناظره کند؟

۶ ﴿وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾
﴿وَهُوَ يُجِيرُ﴾: الله سبحانه از هر کس که بخواهد حمایت و محافظت می‌کند و در این صورت، هیچ‌کس نمی‌تواند زیان و آسیبی به او برساند. ﴿وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾: یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند از کسی که الله زیان و آسیب را برایش اراده کرده است، محافظت و حمایت کند. جزائری: ۳/ ۵۳۵.
پرسش: آیه چگونه به مومنان اطمینان خاطر می‌بخشد.

۷ ﴿وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾
یعنی الله محافظت می‌کند، ولی هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر عذاب الله، از کسی حمایت کند. بنابر قولی: ﴿يُجِيرُ﴾: امنیت می‌دهد، ﴿وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾: هیچ‌کس نمی‌تواند دیگری را در برابر ترس و عذاب الهی، امان دهد... یعنی اگر الله بخواهد کسی را هلاک کند و بترساند، هیچ‌چیز نمی‌تواند مانع شود، و اگر بخواهد کسی را یاری و امنیت دهد، هیچ دفع‌کننده‌ای در برابر یاری و امنیت او وجود ندارد. قرطبی: ۱۵/ ۷۹.
پرسش: چه فایده‌ای از معنای ﴿وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾ به دست می‌آید؟

سورة (المؤمنون) الجزء (۱۸) صفحة (۳۴۷)

۞ وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ
يَعۡمَهُونَ ٧٥ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ
وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦ حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ
إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٧ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ
وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٧٨ وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٧٩ وَهُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ
ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٨٠ بَلۡ قَالُواْ مِثۡلَ مَا قَالَ
ٱلۡأَوَّلُونَ ٨١ قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا
لَمَبۡعُوثُونَ ٨٢ لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبۡلُ
إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨٣ قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن
فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ٨٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ
ٱلۡعَظِيمِ ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧ قُلۡ مَنۢ
بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن
كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَّلَجُّواْ	پافشاری و مداومت می‌کنند.
يَعۡمَهُونَ	حیران و سرگردانند.
ٱسۡتَكَانُواْ	فروتن و خاضع گشتند.
مُبۡلِسُونَ	از هر خیری ناامید، و حیرانند.
ذَرَأَكُمۡ	شما را آفرید و پراکنده کرد.
يُجِيرُ	از هر کسی که بخواهد محافظت می‌کند و به او پناه می‌دهد.
وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ	هیچ‌کس در برابر عذاب و ارادهٔ الله، مورد حمایت و حفاظت دیگری قرار نمی‌گیرد.

عمل به آیات

۱. مصیبتی را که الله از تو دفع کرده به یاد آور و از او تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾
۲. به درگاه الله تعالی تضرع و زاری کن که اندوه و آسیب مسلمانان را بردارد، ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾
۳. در نعمت گوش یا چشم یا عقل بیندیش و شکر الله تعالی را در قبال این نعمت‌ها به جای آور، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾

رهنمودها

۱. هر چند مصیبت‌های زیادی بر تو وارد شود، با فروتنی و تضرع در برابر الله، بر انجام عبادت بیفزا، ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾
۲. برحذر باش از این‌که بر انجام گناه ادامه دهی و عذاب الله تعالی بر تو بیشتر شود، ﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦ حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ﴾

سورة (المؤمنون) الجزء (١٨) صفحة (٣٤٨)

بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٩٠ مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن
وَلَدٖ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ إِذٗا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۢ بِمَا خَلَقَ
وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ٩١
عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٩٢ قُل رَّبِّ
إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ٩٣ رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ
٩٤ وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقَٰدِرُونَ ٩٥ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي
هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦ وَقُل رَّبِّ
أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن
يَحۡضُرُونِ ٩٨ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ
ٱرۡجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا
كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٠٠
فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ
١٠١ فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٢ وَمَنۡ
خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فِي جَهَنَّمَ
خَٰلِدُونَ ١٠٣ تَلۡفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمۡ فِيهَا كَٰلِحُونَ ١٠٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَمَّا يَصِفُونَ	از این‌که الله را به داشتن شریک و فرزند توصیف می‌کنند.
هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ	وسوسه‌ها و تحریک‌های شیاطین.
بَرۡزَخٌ	مانعی در برابر بازگشت به دنیا.
تَلۡفَحُ	می‌سوزاند.
كَٰلِحُونَ	ترش‌رو، به گونه‌ای که لب‌های‌شان بالا آمده و دندان‌های‌شان آشکار است.

عمل به آیات

۱. به کسی که به تو بدی کرده است، با گذشت و اعطای هدیه، نیکی کن، ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَ﴾

۲. هنگام سجده، از وسوسه‌های شیطان به الله پناه ببر، ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ﴾

۳. عمل صالحی را که انجام نداده‌ای به یاد بیاور و به سرعت برای انجام آن اقدام کن، و اعمالی را که سبب نزدیکی به الله می‌شوند تا می‌توانی انجام بده، قبل از این‌که مرگ میان تو و انجام اعمال فاصله اندازد، و سرانجامِ نیکو را از الله تعالی بخواه، ﴿لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ﴾

رهنمودها

۱. دفع گفتار و رفتار بد با عفو و گذشت، مستحب و پسندیده است، ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾

۲. از آن لحظهٔ بزرگی که کافر آرزو می‌کند به دنیا بازگردد و اعمالی را که سبب خشنودی الله است انجام دهد، غافل نباش، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ﴾

۳. کسی که می‌داند در روز قیامت تمام پیوندهای نسبی قطع می‌گردد و هیچ ارزش و اعتباری ندارد، به نسب و رنگش افتخار نمی‌کند، ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ﴾

ترجمه آیات

[چنین نیست که کافران گمان می‌کنند] بلکه ما حق را برایشان آوردیم و یقیناً آنان دروغگو هستند. (۹۰) الله هرگز فرزندی برنگزیده است و هیچ معبودی با او نیست. [اگر چنین بود،] آنگاه هر معبودی آنچه را آفریده بود [با خود] می‌بُرد و مسلماً برخی بر برخی دیگر برتری می‌جستند [و نظامِ هستی تباه می‌گشت]. الله از آنچه [مشرکان] توصیف می‌کنند، منزّه است. (۹۱) او دانای نهان و آشکار است و از چیزهایی که با [وی] شریک می‌سازند برتر است. (۹۲) بگو: «پروردگارا، اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده داده می‌شود به من نشان می‌دهی [که شاهدش باشم]، (۹۳) مرا در این [عذاب‌ها، در کنارِ این] گروه ستمکار قرار نده». (۹۴) و قطعاً ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده می‌دهیم، به تو نشان دهیم. (۹۵) [ای پیامبر،] بدی را به شیوه‌ای که بهتر است، دفع کن [و ببخش و شکیبا باش]. ما به آنچه [مشرکان دربارهٔ تو] توصیف می‌کنند، داناتریم. (۹۶) و بگو: «پروردگارا، من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. (۹۷) و پروردگارا، از اینکه آنها نزد من حاضر شوند [نیز] به تو پناه می‌برم». (۹۸) [کافران پیوسته بر عقیدهٔ باطلشان هستند] تا هنگامی که مرگ یکی از آنان فرارسد [آنگاه در حالی که] نزد پروردگار [خود ناله و زاری می‌کند، به فرشتگان] می‌گوید: «مرا [به دنیا] بازگردانید. (۹۹) شاید در آنچه [کوتاهی نموده و] ترک کرده‌ام، کار شایسته‌ای انجام دهم». هرگز چنین نیست. بی‌تردید، این فقط سخنی است که او به زبان می‌گوید [و هرگز رفتارش تغییر نمی‌کند]؛ و تا روزی که برانگیخته شوند، پشت سرشان برزخی است. (۱۰۰) روزی که در صور دمیده می‌شود، هیچ یک از [افتخارات خانوادگی و] پیوندهای خویشاوندی میانشان [برقرار] نخواهد بود و [از وحشتِ عذاب] از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. (۱۰۱) و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سنگین باشد، آنان رستگارانند. (۱۰۲) و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سبک باشد، آنانند که به خویش زیان زده‌اند [و] در دوزخ جاودانند. (۱۰۳) آتش چهره‌هایشان را می‌سوزانَد و در آنجا عبوس و زشت‌منظرند. (۱۰۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٖ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ إِذٗا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

بر یگانگی الله دلالت دارد؛ یعنی اگر معبود دیگری غیر از الله وجود می‌داشت، مانند پادشاهان دنیوی، هر یک با مخلوقاتش جدا می‌شد و در فرمانروایی و قدرت، مستقل و خودرای می‌گشت و می‌خواست بر دیگری غلبه کند، اما وقتی می‌بینیم که تمامی مخلوقات به هم مرتبط هستند - گویی تمام جهان یک کره است- یقین پیدا می‌کنیم که مالک و مدیر تمام مخلوقات، یکی است و معبود دیگری غیر از الله وجود ندارد. ابن جزی: ۲/ ۷۷.

پرسش: دلیل عقلی بر اثبات الوهیت الله را که در آیه آمده است توضیح دهید.

۲ ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾

مومن باید برای عمل به این آیه، نتیجه و عاقبت کار کسانی را که بر او ستم می‌کنند به الله بسپارد؛ زیرا او تعالی به هر کس که بر او توکل کند، یاری می‌رساند. ابن عاشور: ۱۸/ ۱۲۰.

پرسش: انسان مؤمن چگونه می‌تواند بر مفاد آیهٔ فوق عمل کند؟

۳ ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾

﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَ﴾... این مسئولیت انسان در برابر بدی‌های دیگران است، اما در برابر بدی شیاطین، احسان و نیکی فایده ندارد و شیطان لشکرش را فرا می‌خواند تا از جهنمیان باشند، بنابراین انسان برای مقابله با او باید به آن‌چه الله تعالی برای رسولش بیان کرده است چنگ بزند، چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾؛ «بگو: پروردگارا! از وسوسه‌های شیطان، به تو پناه می‌برم.» سعدی: ۵۵۹.

پرسش: بنده باید چه عکس العملی در برابر بدی‌های انسان‌ها و شیطان داشته باشد؟

۴ ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾

الله تعالی به پیامبر ﷺ و مؤمنان فرمان می‌دهد که از شر وسوسه‌های شیطان؛ یعنی در مواقع خشم که انسان نمی‌تواند خودش را کنترل کند، به او پناه ببرند. قرطبی: ۱۵/ ۸۳.

پرسش: منظور از وسوسه‌های شیطان که بنده فرمان یافته از شر آن‌ها به الله پناه ببرد چیست؟ چرا این دستور صادر شد؟

۵ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُ﴾

بر اساس آیه مشخص می‌شود که قطعا هر کسی هنگام مرگش می‌داند دوست الله است یا دشمن او تعالی؛ زیرا اگر این‌گونه نمی‌بود، درخواست نمی‌کرد که به دنیا بازگردد. قرطبی: ۱۵/ ۸۶.

پرسش: آیا بنده هنگام مرگ، از جایگاه و ارزش خود نزد الله آگاه می‌شود؟

۶ ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ﴾

﴿فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ﴾: یعنی در آن زمان، محبت و مهربانی میان خویشاوندان از بین می‌رود؛ چون هر یک از آنان به خودش مشغول است، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ٣٤ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ﴾ [عبس: ۳۴-۳۵]؛ «روزی که انسان از برادرش می‌گریزد و از مادرش و از پدرش.» بنابراین نسب‌ها به کلی از بین می‌رود. ﴿وَلَا يَتَسَآءَلُونَ﴾: یعنی از یکدیگر سؤال نمی‌کنند؛ زیرا به خودشان مشغولند. اگر سؤال شود: چگونه این آیه با آیهٔ: ﴿وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ﴾ [الصافات: ۲۷]؛ «آنان سوال‌کنان به یکدیگر رو کنند.» قابل جمع است؟ در پاسخ گفته می‌شود: سؤال‌نکردن در زمان دمیدن در صور برای بار اول است و پس از آن، از یکدیگر می‌پرسند؛ روز قیامت بسیار طولانی و دارای توقفگاه‌های زیادی است. ابن جزی: ۲/ ۷۹.

پرسش: چگونه میان آیاتی که سؤال‌کردن مردم از یکدیگر در آخرت را اثبات می‌کنند و آیاتی که این موضوع را نفی می‌نمایند، جمع صورت می‌گیرد؟

۷ ﴿فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

یعنی کسی که نیکی‌های او از بدی‌هایش بیشتر گردد هر چند یک نیکی بیشتر داشته باشد. این قول از ابن عباس نقل شده است. ابن کثیر: ۳/ ۲۴۹.

پرسش: با توجه به آیه اهمیت نیکی‌های زیاد را توضیح دهید.

أَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥ قَالُوا۟
رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ ١٠٦ رَبَّنَآ
أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ١٠٧ قَالَ ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا
وَلَا تُكَلِّمُونِ ١٠٨ إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا
فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩ فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ
سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ١١٠
إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ١١١ قَٰلَ
كَمْ لَبِثْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢ قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ
يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ ١١٣ قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ لَّوْ أَنَّكُمْ
كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١١٤ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ
إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا
هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا
ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ
ٱلْكَٰفِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨

سُورَةُ النُّورِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱخْسَـُٔوا۟	با خواری و ذلت، بمانید و درنگ کنید.
فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا	آنان را به تمسخر گرفتید.
ٱلْعَآدِّينَ	شمارشگرانی که روزها را می‌شمارند.

عمل به آیات

۱. این دعا را بخوان، ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾

۲. کسی را که دینداران و دعوتگران به سوی الله را به تمسخر می‌گیرد نصیحت کن و این آیه را برایش تلاوت کن، ﴿فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾

۳. اعضای خانواده‌ات و سایر آشنایان را از اقوال و افعال شرک‌آمیز برحذر دار و خطر زیاد این کار را برای‌شان گوشزد کن، ﴿وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ﴾

رهنمودها

۱. مبادا صالحان را مسخره کنی، ﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩ فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾

۲. جایگاه صبر برای ایمان، به منزلهٔ سر برای بدن است، ﴿إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ﴾

۳. زندگی‌ات هر چند طولانی شود باز هم کوتاه و اندک است، پس تمام آزار و اذیت‌های راه الله تعالی را تحمل کن، ﴿قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾.

ترجمه آیات

[به آنان گفته می‌شود:] «مگر نه این بود که آیاتم بر شما خوانده می‌شد و آنها را دروغ می‌انگاشتید؟» (۱۰۵) [در پاسخ] می‌گویند: «پروردگارا، بدبختی بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. (۱۰۶) پروردگارا، ما را از این [دوزخ] بیرون آور. اگر [به کفر و نافرمانی] بازگشتیم، قطعاً ستمکاریم». (۱۰۷) [الله] می‌فرماید: «در آن [آتش] گم شوید و با من سخن نگویید. (۱۰۸) گروهی از بندگانم می‌گفتند: "پروردگارا، ایمان آوردیم؛ پس ما را ببخشای و بر ما رحم کن [که] بی‌تردید، تو بهترین بخشاینده‌ای"؛ (۱۰۹) ولی شما آنان را مسخره می‌کردید تا جایی که [سرگرم‌شدن به تمسخرِ آنان] ذکر [و عبادتِ] مرا از یادتان برد و همچنان به آنان می‌خندیدید. (۱۱۰) امروز من آنان را از آن رو که شکیبایی کردند پاداش می‌دهم. آری، ایشانند که رستگارانند». (۱۱۱) [الله به دوزخیان] می‌فرماید: «چند سال در زمین به سر بردید؟» (۱۱۲) می‌گویند: «یک روز، یا بخشی از یک روز را به سر بردیم. از حسابگران [که حساب روز و سال را نگه می‌دارند] بپرس». (۱۱۳) [الله] می‌فرماید: «[آری،] اگر می‌دانستید، جز اندکی [در دنیا] به سر نبردید. (۱۱۴) آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ (۱۱۵) بلندمرتبه [و بزرگ] است الله [که] فرمانروای حق است. هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست [و] پروردگارِ عرشِ گرانقدر است. (۱۱۶) و هرکس معبود دیگری با الله بخواند، یقیناً هیچ دلیلی بر [حقانیتِ] آن نخواهد داشت؛ و حسابِ او با پروردگارش خواهد بود. بی‌تردید، کافران رستگار نمی‌شوند. (۱۱۷) و [ای پیامبر،] بگو: «پروردگارا، [گناهانم را] ببخشای و رحم کن و تو بهترین بخشنده‌ای». (۱۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا﴾

یعنی دلیل و حجت بر ما آورده شد، ولی بدبخت‌تر از آن بودیم که دلیل را بپذیریم و از آن پیروی کنیم. ابن کثیر: ۳/ ۲۴۹.

پرسش: خطر غلبه بدبختی بر انسان را بیان کنید.

۲ ﴿قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ﴾

بهترین تفسیر در مفهوم آیه چنین است: لذت‌ها و تمایلاتمان بر ما چیره شدند. لذت‌ها و تمایلات را چون به بدبختی منجر می‌شوند، بدبختی نامید؛... بنابر قولی: یعنی خوش‌گمانی به خود و بدگمانی به مردم. بغوی: ۱۵/ ۹۱.

پرسش: چرا لذت و تمایل نفسانی، بدبختی نامیده شد؟

۳ ﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩ فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾

بر اساس آیه باید از تمسخر و تحقیر افراد ضعیف و مسکین و نیز از پرداختن به امور بی‌فایده پرهیز کرد؛ زیرا انسان را از الله دور می‌کند. قرطبی: ۱۵/ ۹۵.

پرسش: تمسخر و تحقیر ضعیفان، چه خطری دارد؟

۴ ﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩ فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾

در عبارت ﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى﴾ واژهٔ ﴿إِنَّ﴾ نشان می‌دهد آن‌چه باعث شده آنان وارد آتش شوند، تمسخر و تحقیر مؤمنانی است که می‌گفتند: ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾. کافران مؤمنان ضعیف و ستمدیده را در دنیا به ریشخند می‌گیرند و این کار آنان را از یاد الله و ایمان به او غافل می‌کند و در نتیجه، وارد آتش جهنم می‌شوند. شنقیطی: ۵/ ۳۶۰.

پرسش: تمسخر و تحقیر صالحان، چه عاقبت بدی دارد؟

۵ ﴿قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢ قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ﴾

هدف این است که آگاه شوند و بیندیشند عمرهای‌شان کوتاه بوده و کفرشان باعث شده عذابی طولانی دامنگیرشان شود. ابن عطیه: ۴/ ۱۵۸.

پرسش: چرا الله تعالی از جهنمیان درباره مدتی که در دنیا ماندند می‌پرسد؟

۶ ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ﴾

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ﴾: یعنی الله از این گمان باطلی که بر حکمتش خدشه وارد می‌کند، منزه و برتر است. سعدی: ۵۶.

پرسش: چرا پس از بیان گمان مردم مبنی بر بیهوده‌بودن آفرینش، عبارت ﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ﴾ آورده شد؟

۷ ﴿وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ﴾

سوره با بیان رستگاری مؤمنان آغاز شد و با بیان عدم رستگاری کافران به پایان رسید تا تفاوت و فاصلهٔ زیاد میان این دو گروه را آشکار کند. ابن جزی: ۲/ ۷۹.

پرسش: چه تناسبی میان ابتدا و پایان سورهٔ «مومنون» وجود دارد؟

سورة (النور) الجزء (۱۸) صفحة (۳۵۰)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنزَلۡنَٰهَا وَفَرَضۡنَٰهَا وَأَنزَلۡنَا فِيهَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ لَّعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ
(١) ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم
بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ
عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ (٢) ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ
وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
(٣) وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ
فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ (٤) إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ (٥) وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ أَزۡوَٰجَهُمۡ وَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ
شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمۡ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمۡ أَرۡبَعُ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ (٦) وَٱلۡخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ
(٧) وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ أَن تَشۡهَدَ أَرۡبَعَ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ
ٱلۡكَٰذِبِينَ (٨) وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ
(٩) وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (١٠)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَفَرَضۡنَٰهَا	عمل به احکام آن را واجب کردیم.
طَآئِفَةٞ	گروه.
يَرۡمُونَ	اتهام زنا می‌زنند.
ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ	زنان پاکدامن. مردان پاکدامن نیز مصداق حکم مذکور هستند.
وَيَدۡرَؤُاْ	مجازات را دفع می‌کند.

عمل به آیات

۱. مقاله یا پیامی در مورد خطر زنا بر فرد و جامعه بنویس، ﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. در مورد آسیب‌های روش منافقانه‌ای که - از طریق رسانه‌ها- به برداشتن حجاب زن، و اختلاط زنان با مردان و انتخاب دوستی‌های حرام به جای ازدواج فرا می‌خواند، مقاله یا پیامی بنویس، ﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۳. یک سخنرانی در مورد خطر تعرض به آبروی مردم ارائه کن، ﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

رهنمودها

۱. بیان مرد و زن زناکار در کنار مرد و زن مشرک در خصوص حکم نکاح، تهدید شدیدی نسبت به زناست، ﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. هرگز در مورد نوامیس و آبروی مردم سخن مگوی، ﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

۳. الله برای اصلاح جامعه و پاکیزگی آن از فرومایگی و برای یاری مظلوم، حدود را تشریع فرمود، ﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ﴾

سورهٔ نور

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

[این] سوره‌ای است که آن را نازل کرده‌ایم و [عمل به احکام] آن را واجب نموده‌ایم و آیات روشنی در آن نازل کرده‌ایم؛ باشد که پند گیرید. (۱) هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، نباید در [اجرای احکام] دین الله نسبت به آن دو [نفر] دلسوزی [و مهربانیِ بی‌دلیل] داشته باشید؛ و باید گروهی از مؤمنان بر مجازاتشان گواه باشند. (۲) مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را [نیز] جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود درنمی‌آورد؛ و این [ازدواج] بر مؤمنان حرام است. (۳) و کسانی که [مردان و] زنان پاکدامن را [به زنا] متهم می‌کنند و چهار شاهد [بر ادعای خود] نمی‌آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید و هرگز شهادتشان را [در هیچ موردی] نپذیرید؛ و اینانند که نافرمانند. (۴) مگر کسانی که بعد از آن [تهمت،] توبه کنند و [رفتار گذشتهٔ خود را] اصلاح [و جبران] نمایند؛ بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۵) و کسانی که همسران خود را [به زنا] متهم می‌کنند و شاهدی جز خویشتن [بر این ادعا] ندارند، هر یک از آنان باید چهار بار به الله سوگند یاد کند که قطعاً راست می‌گوید. (۶) و پنجمین بار [شوهر بگوید] که لعنت الله بر او باد اگر دروغگو باشد. (۷) و کیفرِ زن در صورتی برداشته می‌شود که چهار بار به الله سوگند یاد کند که آن مرد قطعاً دروغگوست. (۸) و پنجمین بار [بگوید] که خشم الله بر او باد اگر [شوهرش] راست گفته باشد. (۹) و [ای مردم،] اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود و اینکه الله توبه‌پذیرِ حکیم است، [قطعاً گرفتار عذاب می‌شدید]. (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

نام زن زناکار بر مرد زناکار مقدم شد تا اهمیت حکم را نشان دهد؛ چون زن باعث می‌شود مرد زنا کند و این کار با موافقت او انجام می‌شود و اگر زن از آن سر باز زند، مرد امکان زنا نمی‌یابد. بنابراین، زن بر مرد مقدم شد تا زن را بیشتر از این عمل زشت برحذر دارد. ابن عاشور: ۱۸/ ۱۴۶.

پرسش: چرا واژه ﴿ٱلزَّانِيَةُ﴾ بر ﴿ٱلزَّانِي﴾ مقدم شد؟

۲ ﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

این موضوع یکی از مصادیق رحمت و مهربانی الله نسبت به بندگانش است؛ زیرا او تعالی محمد مصطفی ﷺ را به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاد و الله نسبت به بندگانش، مهربان‌تر از پدر نسبت به فرزندش است، اما گاهی رحمت مورد نظر با نوعی درد و سختی که به برخی افراد برسد، حاصل می‌شود. ابن تیمیه: ۴/ ۴۸۶.

پرسش: گاهی رحمت الله به مخلوقاتش، با نوعی درد و سختی حاصل می‌شود، با توجه به آیه این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ﴾

از مهربانی و شفقت عادی منع نشده است، بلکه رأفت و شفقتی ممنوع و ناجایز است که باعث شود حاکم حد و مجازات را ترک کند. ابن کثیر: ۳/ ۲۵۳.

پرسش: چه نوع مهربانی و شفقت در آیه ممنوع شده است؟

۴ ﴿وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

تا مشهور شود و گناهکار خوار شود و دیگر مرتکب گناه نگردد. سعدی: ۵۶۱.

پرسش: حضور مردم در زمان اجرای حد، چه فایده‌ای دارد؟

۵ ﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

بیانگر زشتی زناست و این‌که آبروی زناکار و فرد آغشته به زنا را لکه‌دار می‌کند. چنین رسوایی و ننگی در سایر گناهان وجود ندارد. سعدی: ۵۶۱.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که زشتی بزرگ گناه زنا در آیه به تصویر کشیده شده است.

۶ ﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

از آن‌جا که زنان مهم‌تر بوده‌اند و نسبت‌دادن فحشا به آنان، بدتر و ناپسندتر است، الله تعالی در این آیه از آنان نام برد، اما تهمت‌زدن به مردان نیز مصداق حکم آیه است و مسلمانان بر این امر اجماع دارند. قرطبی: ۱۵/ ۱۲۳.

پرسش: چرا فقط حکم تهمت‌زدن به زنان بیان شد در حالی که شامل مردان نیز می‌شود؟

۷ ﴿وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ﴾

خشم الهی را به زن نسبت داد؛ چون در اغلب موارد، مرد به دنبال رسوایی خانواده‌اش نیست و نمی‌خواهد زنش را به زنا متهم کند مگر این‌که صادق و معذور باشد، در حالی که زن می‌داند شوهرش در آن‌چه به او نسبت داده است، راست می‌گوید. بنابراین در مرتبه پنجم، بیان می‌شود که خشم و غضب الله بر زن باشد اگر مرد راست بگوید. کسی مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد که حقیقت را بداند و از آن اعراض کند. ابن کثیر: ۳/ ۲۵۷.

پرسش: چرا در اجرای لعان، خشم و غضب الهی متوجه زن است؟

إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ
هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ
كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١ لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ ١٢ لَّوۡلَا
جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٣ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ
فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ لَمَسَّكُمۡ فِي مَآ أَفَضۡتُمۡ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٤
إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ
وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ ١٥ وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ
قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ
١٦ يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧
وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٨ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ
فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩ وَلَوۡلَا
فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٢٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلۡإِفۡكِ	زشت‌ترین دروغ، یعنی نسبت‌دادن زنا به مادر مومنان عایشه رضي الله عنها.
عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡ	گروهی از خودتان.
أَفَضۡتُمۡ فِيهِ	به خبر افک پرداختید.
بُهۡتَٰنٌ	دروغ.
يَعِظُكُمُ	شما را نهی می‌کند.

عمل به آیات

۱. حادثهٔ افک را از صحیح بخاری بخوان سپس سه فایده از آن استخراج کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

۲. سه مورد از راه‌های پیشگیری از انتشار شایعات ناپسند را بیان کن، ﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ﴾

۳. راه حلی برای منع اشاعهٔ فاحشه در جامعه پیشنهاد بده، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ﴾

رهنمودها

۱. تمام قضا و قدر الله برای مومن خیر است؛ پس از مصیبتی که به تو می‌رسد اندوه مدار، شاید اراده شده که خیری به تو برسد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

۲. به برادران و خواهران مومنت گمان نیک داشته باش، ﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا﴾

۳. بهتان و سخن بدون علم، حرام و ناپسند است و مجازات بزرگی دارد، ﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ﴾

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] بی‌تردید کسانی که آن تهمت بزرگ را [دربارهٔ مادر مؤمنان، عایشه] مطرح کردند، گروهی از خود شما هستند. گمان نکنید که این [ماجرا] برای شما شرّ است؛ بلکه خیری برایتان در آن [نهفته] است. برای هر یک از آنان [که در این شایعه‌پراکنی نقش داشته] کیفر گناهی است که مرتکب شده است؛ و برای آن کسی از آنان که بخش بزرگ آن [تهمت] را به عهده دارد [= عبدالله بن اُبَیّ بن سلول]، عذاب بزرگی [در پیش] است. (۱۱) چرا هنگامی که این [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: «این تهمتی [بزرگ و] آشکار [به همسرِ پیامبر] است»؟ (۱۲) چرا چهار شاهد بر آن نیاوردند؟ پس چون شاهدان را نیاوردند، آنانند که نزد الله دروغگو هستند. (۱۳) و اگر بخشش و رحمت الله در دنیا و آخرت نبود، قطعاً به کیفرِ آنچه به آن پرداختید، به عذابی [سخت و] بزرگ گرفتار می‌شدید. (۱۴) آنگاه که آن [شایعه] را از زبان یکدیگر می‌شنیدید و سخنی را دهان‌به‌دهان نقل می‌کردید که هیچ آگاهی [و یقینی] دربارهٔ آن نداشتید و آن را ساده [و کوچک] می‌پنداشتید؛ در حالی که آن [تهمت،] نزد الله بسیار بزرگ است. (۱۵) چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «سزاوار نیست که این [سخن وقیح] را بر زبان آوریم. [پروردگارا،] تو منزّهی؛ این دروغ بزرگی است؟» (۱۶) الله شما را پند می‌دهد که اگر مؤمن هستید، هرگز این [کار] را تکرار نکنید. (۱۷) و الله آیات [خود] را برای شما بیان می‌کند و الله دانای حکیم است. (۱۸) کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان مؤمنان رایج گردد، قطعاً در دنیا و آخرت عذابی دردناک [در پیش] دارند؛ و الله [حقایق و مصالح را] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۱۹) و اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود و اینکه الله دلسوز مهربان است، [قطعاً مجازات سختی در انتظارتان بود]. (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾

﴿بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾ خطاب به مسلمانان است. این موضوع از پنج جنبه سبب خیر شد: ۱. رفع اتهام از امّ المؤمنین عایشه رضي الله عنها. ۲. الله تعالی با نزول آیه در مورد مادر مومنان، او را گرامی داشت. ۳. به سبب تهمتی که علیه وی زده شد، پاداش فراوانی می‌برد. ۴. موعظه و پندی برای مؤمنان بود. ۵. از تهمت‌زنندگان انتقام گرفته شد. ابن جزی: ۲/ ۸۴.

پرسش: چند مورد از اسباب خیر در ماجرای افک را بیان کنید.

۲ ﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ﴾

یعنی برای زنان و مردان مؤمن شایسته بود که این مورد را درباره خودشان بسنجند؛ زیرا بعید بود آنان مرتکب چنین کاری شوند، چه رسد به عایشه رضي الله عنها که از آنان پاک‌تر و برتر است و هرگز مرتکب چنین عمل زشتی نمی‌شود. روایت شده که ابو ایوب انصاری به همسرش گفت: آیا اگر تو می‌بودی، چنین کاری انجام می‌دادی؟ همسرش پاسخ داد: سوگند به الله، نه. ابو ایوب گفت: عایشه رضي الله عنها که از تو برتر است؟ همسرش پاسخ داد: آری. ابن جزی: ۲/ ۸۵.

پرسش: وقتی انسان مسلمان سخن و کار ناپسند و زشتی را درباره افراد صالح می‌شنود، چه تکلیفی دارد؟

۳ ﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ ١٥ وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ﴾

﴿تَلَقَّوۡنَهُۥ﴾ یعنی: آن را از یکدیگر فرا می‌گیرید. این عبارت و عبارات قبل و بعد آن، سرزنش می‌کند که چرا به ماجرای افک پرداختند، هر چند آن را تصدیق نکردند؛ چون واجب بود به کلی از بیان و انتشار آن صرف‌نظر کنند. بنابراین الله تعالی آنان را به سه دلیل نکوهش کرد: ۱. ماجرای افک را زبان به زبان منتشر و نقل کردند و از یکدیگر در این باره سؤال می‌کردند و پاسخ می‌گرفتند. ۲. خودشان آن را به زبان می‌آوردند. ۳. پنداشتند که سخن و امر آسان و بی‌اهمیتی است، در حالی که نزد الله، بسیار مهم بود. عبارات ﴿بِأَلۡسِنَتِكُمۡ﴾ و ﴿بِأَفۡوَاهِكُم﴾ نشان می‌دهد که این سخنان با زبان و نه قلب بود؛ چون از حقیقت آن آگاه نبودند. ابن جزی: ۲/ ۸۵.

پرسش: با توجه به آیه، بیان کنید که موضع صحیح در برابر شایعاتی که علیه صالحان منتشر می‌شود، چیست؟

۴ ﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ﴾

یکی از آداب اخلاقی این است که انسان فقط آن‌چه را که می‌داند و به حقیقتش پی برده است، بر زبان آورد. ابن عاشور: ۱۸/ ۱۷۸.

پرسش: آیه کدام یک از آداب سخن‌گفتن را بیان کرده است؟

۵ ﴿وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ﴾

شدیداً هشدار می‌دهد که نباید برخی گناهان را کوچک شمرد و با این بهانه آن‌ها را منتشر کرد؛ زیرا گمان بنده هیچ اثر و فایده‌ای ندارد و از مجازات گناه نمی‌کاهد، بلکه بر عذاب می‌افزاید و ارتکاب دوباره را آسان‌تر جلوه می‌دهد. سعدی: ۵۶۴.

پرسش: کوچک‌شمردن برخی گناهان، چه خطری دارد؟

۶ ﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ﴾

علما می‌گویند: این آیه دلالت دارد بر این‌که درجهٔ ایمان انسان و جایگاه خوبی که به دست آورده و عفت و پاکدامنی او، با یک خبر احتمالی - هر چند منتشر و مشهور شود- از بین نمی‌رود، اگر آن خبر در اصل، دروغ یا مبهم باشد. قرطبی: ۱۵/ ۱۷۲.

پرسش: در برابر شایعاتی که علیه صالحان منتشر می‌شود، چه تکلیفی داریم؟

۷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ﴾: به منافقانی اشاره دارد که دوست داشتند ماجرای افک منتشر شود. حکم آیه شامل تمام کسانی است که مرتکب چنین گناهی شوند. ابن جزی: ۲/ ۸۵.

پرسش: کدام صفت منافقان در آیه بیان شده است؟

سورة (النور) الجزء (١٨) صفحة (٣٥٢)

۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا
فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ
ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢١ وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ
مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ
لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ
ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
عَظِيمٞ ٢٣ يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا
كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤ يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ ٢٥ ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ
لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ
أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٢٦ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ
وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَا زَكَىٰ	از گناهان پاک نمی‌شد.
وَلَا يَأۡتَلِ	سوگند نخورد.
أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ	کسانی که در دین و مال برتری دارند.
ٱلۡغَٰفِلَٰتِ	زنان پاکدامنی که فاحشه حتی به قلب‌شان خطور نمی‌کند.
تَسۡتَأۡنِسُواْ	از صاحب خانه اجازه بگیرید. استئذان (اجازه‌گرفتن) به این دلیل استئناس (آرام‌یافتن) نامیده شد که وحشت واردشونده را برطرف می‌کند.

عمل به آیات

١. با اصرار از الله تقاضا کن نفست را پاک گرداند، ﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

٢. به کسی که به تو بدی کرده است نیکی کن، ﴿وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

٣. آداب اجازه‌گرفتن را بیاموز و به آن عمل کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَا﴾

رهنمودها

١. به قطع رحم یا ترک کاری نیک سوگند یاد نکن، و اگر چنین سوگندی یاد کردی از سوگندت بازگرد و کفاره‌اش را بده، ﴿وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾

٢. اتهام به زنان پاکدامن و بی‌خبر از فاحشه و مومن، گناه بسیار بزرگی است، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾

٣. به یاد آور که در روز قیامت جوارح به سخن می‌آیند و به سخن و عمل تو گواهی می‌دهند، ﴿يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در راه‌های شیطان گام نگذارید؛ و هرکس راه‌های شیطان را می‌پوید، [بداند که] او تنها به زشتکاری و اعمال ناپسند فرمان می‌دهد؛ و اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما [از گناهان] پاک نمی‌شد؛ ولی الله هر کس را که بخواهد پاک می‌کند؛ و الله شنوای داناست. (٢١) افرادی از شما که برتری [ایمانی] و وسعت [مالی] دارند، نباید سوگند یاد کنند که به خویشاوندان و نیازمندان و مهاجران در راه الله [که مرتکب گناه شده‌اند] چیزی ندهند. آنان باید عفو کنند و [از گناه دیگران] چشم بپوشند. آیا دوست ندارید که الله [نیز] شما را ببخشد؟ و الله آمرزندهٔ مهربان است. (٢٢) کسانی که زنان پاکدامن بی‌خبر [از فحشا و] مؤمن را [به زنا] متهم می‌کنند، در دنیا و آخرت از رحمت الله دور گشته‌اند؛ و [در آخرت] عذابی بزرگ [در پیش] دارند. (٢٣) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان دربارهٔ آنچه می‌کردند [و می‌گفتند] علیه آنان گواهی می‌دهند. (٢٤) آن روز، الله جزای واقعی آنان را بی‌کم‌وکاست می‌دهد و خواهند دانست که الله همان حق آشکار است. (٢٥) زنان پلید برای مردانِ پلیدند و مردان پلید [نیز] برای زنانِ پلیدند؛ و زنان پاک از آنِ مردان پاکند و مردان پاک [نیز] از آنِ زنان پاکند. اینان از آنچه [ناپاکان درباره‌شان] می‌گویند، مبرّا هستند [و] آمرزش [الهی] و روزیِ ارزشمندی [در پیش] دارند. (٢۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی جز خانه‌های خود وارد نشوید؛ مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن [خانه] سلام کنید. این [کار،] برای شما بهتر است؛ باشد که پند گیرید. (٢٧)

نکته‌های قابل تدبّر

١ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾
به پیروی از شیطان و چنگ‌زدن به وسوسه‌های او اشاره دارد؛ مثل این است که گفته شود: در هیچ یک از کارها، پیرو شیطان نباشید؛ از جمله در انتشار فحشا و علاقه به آن. آلوسی: ٩/ ٣٢٠.
پرسش: چرا الله ما را از پیروی از گام‌های شیطان منع کرد و به طور مستقیم چنین دستوری صادر نفرمود؟

٢ ﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾
از دیدگاه برخی مفسران، این آیه عام است و آنان می‌گویند: الله تعالی خبر داده است که اگر فضل و رحمت الهی در حفاظت از شما نمی‌بود، هیچ یک از شما اصلاح نمی‌شدید. بغوی: ٣/ ٢٨١.
پرسش: آیا کسی می‌تواند [بدون یاری الله] خودش را از مخالفت با دستورات الهی نگه دارد؟

٣ ﴿وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾
این آیه در مورد ابوبکر ﷺ نازل شد، آن‌گاه که سوگند یاد کرد دیگر به مِسطَح که دربارهٔ ماجرای افک سخن گفته بود انفاق نکند. ابوبکر ﷺ به سببِ نداریِ مسطح و خویشاوندی با او، که پسر دختر خاله‌اش بود، کمک مالی می‌کرد. وقتی این آیه نازل شد، دوباره انفاق و نیکی ابوبکر ﷺ به مسطح شروع شد و کفارهٔ سوگندش را پرداخت. بنابر قولی: این امیدوارکننده‌ترین آیهٔ قرآن است؛ زیرا الله تعالی توصیه کرد به تهمت‌زننده هم انفاق شود. لفظ عام آیه دلالت می‌کند که هیچ‌کس نباید برای ترک عمل نیک سوگند یاد کند. ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡ﴾ یعنی: همان‌گونه که دوست دارید الله شما را ببخشد، شما نیز به کسانی که علیه شما بدی کردند، نیکی کنید. با نزول این آیه، ابوبکر ﷺ گفت: «قطعاً دوست دارم که الله مرا ببخشد.» و انفاق به مسطح را دوباره از سر گرفت. ابن جزی: ٢/ ٨٧.
پرسش: آیا اگر دیگران به انسانی بدی روا داشتند، او باید نیکی خویش را از آنان دریغ کند؟

۴ ﴿وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾
جزا از جنس عمل است؛ همان‌گونه که اشتباه دیگران در حق خودت را می‌بخشی، الله تو را می‌بخشد، و همان‌گونه که از خطای دیگران در می‌گذری، اشتباه تو نیز نادیده گرفته می‌شود. ابن کثیر: ٣/ ٢۶٧.
پرسش: با توجه به آیه، قاعدهٔ «جزا از جنس عمل است» را توضیح دهید.

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾
زن غافل از فحشا، یعنی کسی که هرگز عمل فحشا به دلش خطور نکرده است. امّ المؤمنین عایشه ﷺ این‌گونه بود. بغوی: ٣/ ٢٨٢.
پرسش: غفلت از اعمال فحشا و منکر، به چه معناست؟

۶ ﴿يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾
اعضای مذکور در تهمت‌زدن به زنان پاکدامن تاثیر دارند؛ آنان تهمت را با زبان بیان می‌کنند، با دست به افراد مورد اتهام اشاره می‌کنند و با پا نزد مردم می‌روند تا تهمت را به آنان برسانند. ابن عاشور: ١٨/ ١٩١.
پرسش: چرا از میان اعضای بدن، زبان، دست و پا بیان شد؟

٧ ﴿ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾
قاضی ابو سائب می‌گوید: روزی نزد حسن بن زید داعی بودم... شخصی در حضور او به زشتی از عایشه ﷺ یاد کرد. او گفت: ای غلام! گردنش را بزن. علوی‌ها به او گفتند: این یکی از شیعیان ماست. ابو سائب پاسخ داد: پناه بر الله! او بر پیامبر ﷺ طعنه زده است و الله تعالی می‌فرماید: ﴿ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾ اگر عایشه ﷺ ناپاک بوده، پیامبر ﷺ نیز ناپاک بوده است؛ بنابراین این شخص کافر است، گردنش را بزنید. در حالی که من حاضر بودم، گردنش را زدند. لالکائی این ماجرا را روایت کرده است. ابن تیمیه: ۴/ ۵٠۵.
پرسش: چرا طعنه‌زدن بر امّ المؤمنین عایشه ﷺ به معنای طعنه‌زدن بر رسول الله ﷺ است؟

سورة (النور) الجزء (۱۸) صفحة (۳۵۳)

فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡۖ
وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا
تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ۲۸ لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا
غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا
تَكۡتُمُونَ ۲۹ قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ
فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ۳۰
وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ
أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ
أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ
ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ
وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ
إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ۳۱

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَا	مگر لباس‌های آشکاری که بنابر عرف و عادت پوشیده می‌شوند، به شرط این‌که باعث فتنه نشوند.
عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ	بر بالای سینه‌های‌شان، به گونه‌ای که چهره‌های‌شان را بپوشانند.
لِبُعُولَتِهِنَّ	برای شوهران‌شان.
غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ	مردانی که تمایلی به زنان ندارند مانند مردان کم‌عقل.

عمل به آیات

۱. امروز بیش از همیشه بکوش از حرام‌های الهی چشم بپوشی، ﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ﴾

۲. با ارسال پیامی، فواید بستن چشم بر آن‌چه الله حرام قرار داده است، به‌خصوص تجهیزات جدید، بیان کن، ﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ﴾

۳. همین امروز از تمام گناهانت به درگاه الله تعالی توبه کن، ﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. بدان که الله از تمام امور نهان و آشکار تو آگاه است، پس مبادا او تعالی را خشمگین کنی، ﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ﴾

۲. توبه از گناهان، رستگاری دنیا و آخرت را به همراه دارد، ﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

۳. یکی از اسباب سعادت جامعه، گسترش حجاب کامل میان زنان است، ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾

ترجمه آیات

اگر کسی را در آن [خانه] نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد: «برگردید»، پس برگردید؛ [چرا که] این [کسب اجازه،] برای شما شایسته‌تر است؛ و الله به آنچه می‌کنید داناست. (۲۸) بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیرمسکونی [و مکان‌های عمومی] که در آنجا [احتیاج یا] بهره‌ای دارید وارد شوید؛ و الله آنچه آشکار می‌سازید و آنچه پنهان می‌دارید [همه را] می‌داند. (۲۹) [ای پیامبر،] به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی پیشه کنند. این [کار] برای آنان پاکیزه‌تر است. بی‌تردید، الله به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. (۳۰) و به زنان مؤمن [نیز] بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی ورزند و زیور [و آرایشِ] خود را آشکار نکنند؛ مگر آنچه [به صورت طبیعی] نمایان است؛ و باید روسری خود را بر سینه بیفکنند [تا موها و چهره‌ها و سینه‌هایشان پوشیده گردد] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهر یا پدر یا پدرشوهر یا پسرِ خود یا پسر شوهرشان یا برادر یا پسر برادر یا پسر خواهر یا زنان [همکیش] خود یا کنیزان و بردگانشان یا خویشاوندانی که [دیگر،] نیاز و تمایلی به زنان ندارند یا کودکانی که از مسایل جنسیِ زنان آگاهی نیافته‌اند؛ همچنین [هنگام راه رفتن] پاهای خود را [چنان بر زمین] نکوبند که [صدای] زینت‌هایی که [زیر لباس] پنهان کرده‌اند [= خلخال] آشکار شود؛ و ای مؤمنان، همگی به سوی الله توبه کنید؛ باشد که رستگار گردید. (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ﴾
قتاده نقل می‌کند که یکی از مهاجران گفت: تمام عمر در جستجوی عمل به این آیه بودم اما موفق نشدم؛ یعنی برای ورود به خانهٔ یکی از برادران مسلمانم اجازه بگیرم و او در پاسخ بگوید: بازگرد، آن‌گاه با رضایت [و بدون دلتنگی] بازگردم؛ زیرا الله تعالی فرموده است: ﴿وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ﴾؛ «و اگر به شما گفته شد: بازگردید؛ پس بازگردید، که آن برای شما پاکیزه‌تر است». طبری: ۱۹/ ۱۵۰.
پرسش: اگر اجازه خواستی و به تو گفته شد: بازگرد، چه حالی خواهی داشت؟

۲ ﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡ﴾
چشم مهم‌ترین وسیلهٔ تاثیرگذار بر دل و یکی از ماندگارترین حواس است؛ از این رو، لغزش‌های فراوانی بر اثر آن روی می‌دهد که باید از آن برحذر بود و محافظت از آن در برابر تمام محرمات و در تمام اموری که احتمال فتنه در آن‌ها وجود دارد واجب است. قرطبی: ۱۵/ ۲۰۳.
پرسش: اهمیت و خطر چشم و حس بینایی را بیان کنید.

۳ ﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡ﴾
کسی که برای رضای الله، چیزی را ترک کند، الله تعالی بهتر از آن را به وی می‌بخشد و کسی که چشمانش را در برابر حرام ببندد، الله بصیرتش را منور و قوی می‌گرداند. اگر بنده عورت و چشمش را در برابر کار حرام و مقدماتش حفظ کند، در حالی که انگیزه شهوت وجود دارد، قطعا حفاظت و خویشتنداری او در سایر موارد بیشتر و قوی‌تر خواهد بود؛ به همین سبب، الله تعالی این کار را حفاظت نامید؛ زیرا اگر خود انسان برای مراقبت و محافظت از شیء محفوظ تلاش نکند و اسباب لازم را در این زمینه به کار نگیرد، آن شیء حفظ نمی‌شود. چشم و عورت نیز این‌گونه است که اگر بنده برای حفظ آن‌ها تلاش نکند، او را به مصیبت‌ها و سختی‌ها مبتلا می‌کنند. سعدی: ۵۶۶.
پرسش: دو مورد از فواید حفاظت از چشم را بیان کنید.

۴ ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَا﴾
از آشکارکردن زینت به این دلیل نهی شد که مشخص شود وقتی نگاه به زینت به سبب این‌که بخش‌های حرام بدن را پوشانده، حرام است... نگاه به خود این بخش‌ها، به طریق اولی ممنوع است و حرمت بیشتری دارد، با استناد به این‌که زنان باید در پوشاندن آن رعایت احتیاط را بکنند و در آشکارساختن آن از الله تعالی بترسند. آلوسی: ۹/ ۳۳۵.
پرسش: فایده نهی از آشکارکردن زینت چیست؟

۵ ﴿وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾
از این آیه و آیات مشابه، قاعدهٔ «سدّ ذرایع» به دست می‌آید؛ یعنی اگر کار مباح به حرام منجر شود یا احتمال وجود داشته باشد که به حرام کشانده شود، آن کار مباح نیز ممنوع می‌شود؛ مثلاً زدن پا به زمین، در اصل مباح و جایز است، ولی در صورتی که باعث آشکارشدن زینت گردد، ممنوع می‌شود. سعدی: ۵۶۷.
پرسش: کدام قاعدهٔ اصولی از آیه استنباط می‌شود؟

۶ ﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾
بر اساس قرآن، سنت و اجماع، توبه بر هر مؤمن مکلفی واجب است. توبه سه شرط دارد: ۱. پشیمانی به سبب گناهی که انجام شده و نافرمانی الله صورت گرفته است- نه از این لحاظ که آسیب جسمی یا مالی وارد کرده است-. ۲. دست‌کشیدن از گناه در اولین فرصت بدون تأخیر و سستی. ۳. تصمیم قطعی بر این‌که دیگر هرگز به انجام آن گناه باز نگردد... . آداب توبه نیز سه مورد است: ۱. اعتراف به گناه با فروتنی. ۳. تضرع و استغفار فراوان. ۳. انجام نیکی‌های بسیار تا بدی‌های گذشته را از بین ببرد. ابن جزی: ۲/ ۹۰.
پرسش: شروط توبه را نام ببرید. با توجه به دعای یونس ، روش اعتراف به گناه در برابر الله را توضیح دهید.

۷ ﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾
انگیزه‌ها و اسباب توبه هفت مورد هستند: ۱. ترس از عذاب. ۲. امید به پاداش. ۳. شرم از حساب. ۴. محبت الله. ۵. مراقب‌دانستن پروردگاری که همواره مواظب و نزدیک است. ۶. گرامی‌داشتن مقام الهی. ۷. شکر نعمت‌ها. ابن جزی: ۲. ۹۰.
پرسش: چه مواردی باعث می‌شود که انسان گنهکار توبه کند؟

سورة (النور) الجزء (١٨) صفحة (٣٥٤)

وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن
يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ (٣٢)
وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ
وَٱلَّذِينَ يَبۡتَغُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِمَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَكَاتِبُوهُمۡ إِنۡ
عَلِمۡتُمۡ فِيهِمۡ خَيۡرٗاۖ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ ءَاتَىٰكُمۡۚ وَلَا تُكۡرِهُواْ
فَتَيَٰتِكُمۡ عَلَى ٱلۡبِغَآءِ إِنۡ أَرَدۡنَ تَحَصُّنٗا لِّتَبۡتَغُواْ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۚ وَمَن يُكۡرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعۡدِ إِكۡرَٰهِهِنَّ غَفُورٞ رَّحِيمٞ
(٣٣) وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ وَمَثَلٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ
مِن قَبۡلِكُمۡ وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ (٣٤) ۞ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ
مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشۡكَوٰةٖ فِيهَا مِصۡبَاحٌۖ ٱلۡمِصۡبَاحُ فِي زُجَاجَةٍۖ
ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ
لَّا شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوۡ لَمۡ تَمۡسَسۡهُ نَارٞۚ
نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ
لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ (٣٥) فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ
وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ (٣٦)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَيَٰمَىٰ	کسی که شوهر ندارد.
وَإِمَآئِكُمۡ	کنیزکان‌تان.
ٱلۡبِغَآءِ	زنا.
تَحَصُّنٗا	پاکدامنی.
كَمِشۡكَوٰةٖ	دریچۀ بسته‌ای میان دیوار.
دُرِّيّٞ	روشنایی‌بخش.

عمل به آیات

۱. به یکی از موسساتی که به ازدواج جوانان کمک می‌کند کمک کن، ﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾

۲. از الله تعالی بخواه تو را به سوی نورش هدایت کند، ﴿يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ﴾

۳. اذکار صبحگاه و شامگاه را در مسجد بخوان، ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾

رهنمودها

۱. فقر، مانع ازدواج نیست، بلکه گاهی ازدواج سبب ثروت و بی‌نیازی می‌شود، ﴿إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ﴾

۲. بر شناخت قصص قرآنی بکوش که سراسر روشنگری و پند و اندرز هستند، ﴿وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ وَمَثَلٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ﴾

۳. یکی از اسباب فراست، هدایت بنده به سوی نور الله است. الله تعالی اسباب و اماکن و موانع نورش را در این سوره بیان فرموده است، ﴿نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ (٣٥) فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] مردان و زنان مجردِ خود را همسر دهید و غلامان و کنیزانتان را که شایستگی دارند [نیز همسر دهید]. اگر آنان فقیر [و تنگدست] باشند، الله از بخشش [و لطفِ] خویش بی‌نیازشان می‌سازد؛ و الله گشایشگرِ آگاه است. (۳۲) کسانی که [شرایط و امکانات] ازدواج ندارند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا الله آنان را از بخششِ خویش بی‌نیاز نماید؛ و بردگانی که خواستار بازخرید [و آزادی خویش] هستند، اگر [توانایی پرداخت مال و] شایستگی در آنان می‌بینید، [درخواستشان را] بپذیرید و از ثروتی که الله به شما عطا کرده است، [مقداری] به آنان ببخشید [تا به آزادی‌شان کمک کنید]. همچنین کنیزانتان را که می‌خواهند پاکدامن باشند، به زنا وادار نکنید تا بهرۀ [ناچیز] زندگی دنیا را به دست آورید؛ و اگر کسی آنان را [به این کار] وادار نماید، الله پس از مجبورشدنشان قطعاً [نسبت به آنان] آمرزنده [و] مهربان است. (۳۳) و به راستی، آیاتی روشنگر و داستانی از زندگیِ پیشینیانتان و پندی برای پرهیزگاران به سوی شما نازل کرده‌ایم. (۳۴) الله نور آسمان‌ها و زمین است. مَثلِ نور او همانند چراغدانی است که درونش چراغی [افروخته] است [و] آن چراغ در شیشه‌ای قرار دارد [و] آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان [و روشنایی‌بخش] است. این چراغ، با [روغن] درخت پربرکت زیتون افروخته می‌شود که نه شرقی است و نه غربی [و خورشید همواره بر آن می‌تابد]. روغنش [چنان زلال است که] نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور گردد. نوری است افزون بر نور. [قلب مؤمن نیز با نور هدایت این‌گونه روشن می‌شود] و الله هر کس را بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند؛ و الله برای مردم مَثل‌ها می‌زند؛ و الله به همه چیز داناست. (۳۵) [این چراغ هدایت،] در مساجدی است که الله امر کرده است تا [قدر و منزلتشان] گرامی داشته شود و نامش در آنها برده شود [و] در آنجا بامدادان و شامگاهان او را به پاکی بستایند. (۳۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾

پس از بیان دستوراتی که به منظور عفت و پاکدامنی آورده شد، الله تعالی بنده را به کارهایی راهنمایی می‌کند که در این راه به وی کمک می‌نماید و به عفاف و پاکی مردان و زنان مؤمن منجر می‌شود و چشمان‌شان را در برابر محرمات حفظ می‌کند؛ به سرپرستان دستور می‌دهد که بیوه‌زنان را به ازدواج بدهند و آنان را بدون شوهر رها نکنند؛ زیرا این کار بیشتر باعث پاکدامنی بیوه‌زنان و مردانی که آنان را به همسری گرفته‌اند، می‌شود. ابن عاشور: ۱۸/ ۲۱۵.

پرسش: وقتی قرآن به محافظت از چشم‌ها و رعایت عفت فرمان می‌دهد، اسباب این کار را نیز بیان می‌کند، نحوۀ دلالت آیه بر این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾

از آن‌جا که انسان طبعاً اعتماد کمی به رسیدن روزی دارد و حریص است، گویی در پاسخ به این سؤال که اگر فردی ندار و فقیر باشد و توان ازدواج را نداشته باشد، چه کاری کند؟ الله فرمود: ﴿إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ﴾ اگر ازدواج کنند، الله آنان را از فضل خود، بی‌نیاز می‌گرداند. ﴿مِن فَضۡلِهِۦ﴾ چون برای هر کس، روزی‌اش مقدر و تعیین شده است، پس فقرشان باعث نشود که آنان را به ازدواج ندهید... از ابوبکر صدیق ﷺ روایت شده است که می‌گفت: «از الله تعالی در فرمان ازدواج اطاعت کنید تا وعدۀ ثروتی را که به شما داده است، محقق گرداند.» بقاعی: ۱۳/ ۲۶۵.

پرسش: کدام یک از اسباب تحصیل ثروت بیان شده است؟

۳ ﴿وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ﴾

الله سبحانه آرزومندانی را که از تهیۀ مقدمات و اسباب نکاح ناتوان هستند، به کاری که بهتر و شایسته‌تر برای آنان است، راهنمایی می‌کند؛ یعنی برای رعایت عفت و خویشتنداری تلاش کنند. آلوسی: ۹/ ۳۴۴.

پرسش: کسی را که نتوانسته است ازدواج کند، چگونه نصیحت کنیم؟ الله تعالی چه وعده‌ای به او داده است؟

۴ ﴿وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ﴾

به کسی که نتوانسته است ازدواج کند فرمان می‌دهد تمام تلاشش را برای عفت و پاکدامنی به کار گیرد. ﴿لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾ یعنی: بنا به دلایلی، نمی‌توانند ازدواج کنند. ابن جزی: ۲/ ۹۱.

پرسش: کسانی که توانایی ازدواج ندارند چه تکلیفی دارند؟

۵ ﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ ﴿نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ﴾

الله پس از بیان آیات مربوط به حفاظت از چشم در برابر محرمات، آیۀ نور را آورد و فرمود: ﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾. شاه بن شجاع کرمانی بسیار زیرک و فهیم بود، او می‌گفت: «کسی که ظاهرش را با پیروی از سنت و باطنش را با مراقب‌دانستن الله در تمام حالات آباد گرداند و چشمانش را در برابر محرمات نگه دارد و نفسش را از تمایلات نفسانی باز دارد و همچنین اگر مال حلال بخورد، بسیار زیرک و ماهر می‌شود.» الله تعالی پاداشی از جنس عمل بنده به او می‌بخشد؛ بنابراین کسی که چشمانش را از نگاه به محرمات باز دارد، الله تعالی پاداشی بهتر از آن را به وی می‌بخشد و نور بصیرتش را می‌گشاید و زیاد می‌کند. ابن تیمیه: ۴/ ۵۱۳.

پرسش: چرا آیۀ نور پس از بیان آیات مربوط به حفاظت از چشم‌ها آورده شد؟

۶ ﴿نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ﴾

﴿نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖ﴾. یکی از پیشینیان در تفسیر این آیه گفته است: یعنی انسان مؤمن که حکیمانه سخن می‌گوید و اگر حکمتش با یک حدیث یا آیه جمع شود و آن را بیاموزد، نوری بر نورش افزوده می‌شود؛ یعنی نور ایمانی که در دلش وجود دارد که موافق با نور قرآن است. ابن تیمیه: ۴/ ۵۱۳.

پرسش: انسان مؤمن در چه صورتی، دو نور به دست می‌آورد؟

۷ ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾

﴿يُسَبِّحُ﴾ یعنی: نماز می‌خواند و تسبیح می‌گوید، ﴿لَهُۥ﴾ فقط برای او تعالی، ﴿فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ﴾: صبح زود، با ادای نماز صبح، ﴿وَٱلۡأٓصَالِ﴾: شامگاهان با ادای سایر نمازها، که اعمال‌شان را با یاد الله آغاز می‌کنند و به پایان می‌رسانند تا در میان این دو وقت محافظت شوند و الله تعالی در اعمال‌شان برکت نهد. بقاعی: ۱۳/ ۲۷۸.

پرسش: فایده و نتیجه این‌که انسان مسلمان روزش را با نماز و یاد الهی شروع می‌کند و به پایان می‌برد، چیست؟

سورة (النور) الجزء (١٨) صفحة (٣٥٥)

رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ
وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ٣٧
لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ
يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٨ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ
بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا
وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٣٩
أَوۡ كَظُلُمَٰتٖ فِي بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ يَغۡشَىٰهُ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ
سَحَابٞۚ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ
يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ٤٠ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ
ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ
قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٤١ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٤٢ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي
سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ
خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ
وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٣

ترجمه آیات

مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات غافل نمی‌کند [و] از روزی که دل‌ها و چشم‌ها در آن دگرگون می‌شود بیم دارند. (۳۷) تا الله بر اساس نیکوترین کردارشان به آنان پاداش دهد و از فضل خود [نیز] بر پاداششان بیفزاید و الله به هر کس که بخواهد، بی‌حساب روزی می‌دهد. (۳۸) و کسانی که کفر ورزیدند، اعمالشان همچون سرابی در بیابانی هموار است که [از دور، انسانِ] تشنه آن را آب می‌پندارد تا آنکه نزدیکش می‌شود [و] چیزی نمی‌یابد و [اعمال کافر نیز سرابی است که سودی برایش ندارد و در عوض،] الله را نزد خویش می‌یابد که حسابش را به طور کامل می‌دهد؛ و الله در حسابرسی سریع است. (۳۹) یا [اعمالش] همچون تاریکی‌هایی در دریای ژرف است که موجی آن را می‌پوشانَد و بر فرازِ آن، موجی دیگر است [و] بر فرازش ابری [تاریک] قرار دارد. تاریکی‌هایی است یکی بر فراز دیگری؛ [چنان که] اگر [شخصِ گم‌گشته] دست خود را بیرون آورد، ممکن نیست آن را ببیند. و کسی که الله نوری [از هدایت] برایش قرار نداده باشد، [هیچ هدایت و] نوری برایش نیست. (۴۰) آیا ندیدی هر که [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است و [حتی] پرندگانِ پرگشوده [در آسمان، همگی] الله را به پاکی می‌ستایند. هر یک از آنان نیایش و ستایش خویش را می‌داند و الله به آنچه می‌کنند آگاه است. (۴۱) و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است و بازگشت [همه] به سوی الله است. (۴۲) آیا ندیدی که الله ابرهایی را به آرامی می‌رانَد، سپس بین [اجزای] آن پیوند می‌دهد، آنگاه تودۀ انبوهی پدید می‌آورَد، پس قطره‌های باران را می‌بینی که از میانش تراوش می‌کند؛ و از کوه‌هایی [از انبوه ابرها] که در آسمان است دانه‌های تگرگ فرومی‌بارد؛ آنگاه آن را به هر کس که بخواهد فرومی‌ریزد و از هر کس که بخواهد بازمی‌دارد. نزدیک است درخشندگیِ برقش چشم‌ها را [از بین] ببرد. (۴۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾

﴿رِجَالٌ﴾: بیانگر همت‌های والا و نیت‌ها و مقاصد عالی آنان است؛ صفاتی که بر اثر آن‌ها، آبادگران مساجد گشتند؛ مساجدی که خانه‌های الله در زمین او و اماکن عبادت، شکر، توحید و تنزیه او تعالی به شمار می‌روند. ابن کثیر: ۳/ ۲۸۴.

پرسش: توصیف آبادگران مساجد به این‌که آنان ﴿رِجَالٌ﴾ هستند، بیانگر چه مطلبی است؟

۲ ﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ﴾

بسیاری از صحابه گفته‌اند: این آیه درباره بازاریانی نازل شد که وقتی اذان را می‌شنیدند، کارهای‌شان را رها می‌کردند و به سوی نماز می‌شتافتند. سالم بن عبدالله بازاریان را در حالی که به نماز می‌رفتند دید و گفت: منظور الله تعالی همین افراد است آن‌جا که می‌فرماید: ﴿لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾. قرطبی: ۱۵/ ۲۸۶.

پرسش: مردانی که الله در این آیه آنان را تحسین کرده است، چه صفاتی دارند؟

۳ ﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾

از آن‌جا که ترک دنیا بر بسیاری از افراد سخت است و انواع کسب و کارها و تجارت را دوست دارند و در اغلب موارد، ترک این موارد و مقدم‌داشتن حق الله، بر آن‌ها دشوار می‌آید، قرآن کریم موضوعی را بیان کرد تا آنان را به مقدم‌داشتنِ حق الله تشویق کند و از مخالفت با آن برحذر دارد: ﴿يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾. سعدی: ۵۶۹.

پرسش: چرا در پایان آیه، عبارت ﴿يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾ بیان شد؟

۴ ﴿لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾

به دو دلیل، جزا و پاداش به سبب انجام نیکی‌ها و نه بدی‌ها بیان شد: ۱. این مطلب به منظور ترغیب و تشویق آورده شده و به همین اندازه اکتفا گشته است. ۲. این مورد، ویژگی کسانی است که گناه کبیره‌ای انجام نداده‌اند و گناهان صغیره آنان بخشیده می‌شود. قرطبی: ۱۵/ ۳۰۴.

پرسش: چرا فقط جزا و پاداش نیکی‌ها بیان گشت و به جزای بدی‌ها پرداخته نشد؟

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا﴾

کافر گمان می‌کند عمل نیکی انجام داده و به نتیجه‌ای خواهد رسید، اما وقتی الله تعالی در روز قیامت، اعمالش را مورد محاسبه و بررسی قرار می‌دهد، هیچ عملی از او پذیرفته نمی‌شود؛ یا به سبب نبود اخلاص و یا به سبب این‌که بر راه و روش شریعت نبوده است، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]؛ «و ما به سراغ هرگونه عملی که انجام داده‌اند می‌رویم، پس آن را (چون) غبار پراکنده (در هوا) قرار می‌دهیم.» ابن کثیر: ۳/ ۲۸۶.

پرسش: دلیل عدمِ پذیرشِ اعمال در روز قیامت چیست؟

۶ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا﴾

وقتی الله احوال مؤمنان را بیان فرمود، دو نمونه از اعمال کافران را مثال زد: ابتدا، وضعیت اعمال‌شان در آخرت که هیچ فایده‌ای برای‌شان ندارد و به کلی همچون سراب، از بین می‌رود... سراب حالتی است که بر اثر پرتو نور خورشید در هنگام نیمروز بر روی زمین، همچون آب به نظر می‌رسد. ابن جزی: ۲/ ۹۴.

پرسش: مشرکان اعمال فراوانی دارند که آمیخته با شرک است، عاقبت آن‌ها در روز قیامت چیست؟

۷ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥ﴾

از میان حیوانات، از پرنده نام برده شد؛ زیرا میان آسمان و زمین است و در حکم کسانی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارند، نیست. قرطبی: ۳/ ۳۰۶.

پرسش: چرا پس از بیان کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از پرنده نام برده شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَسَرَابِۭ	سراب؛ آن‌چه در گرمای نیمروز بر زمینِ مسطح مانند آب به نظر می‌رسد.
بِقِيعَةٖ	زمینی پست و مسطح.
لُّجِّيّٖ	عمیق.
يَغۡشَىٰهُ	بر آن بالا می‌رود.
صَٰٓفَّٰتٖ	بال‌های‌شان را در هوا می‌گسترانند.
يُزۡجِي	می‌راند.

عمل به آیات

۱. هر گاه صدای مؤذن را شنیدی، کارهایت را رها کن و [به سوی مسجد بشتاب و] تکبیر تحریمه را دریاب، ﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾

۲. نور و هدایت را فقط از الله طلب کن که فقط او تعالی مالک آن است، ﴿وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ﴾

۳. صد مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ»، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسباب امنیت در روز قیامت، ترس از الله تعالی در دنیاست، ﴿يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾

۲. کافران در اعمال دینی خودشان زیان می‌بینند، ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

۳. هنگام نزول باران، به درگاه الله تعالی دعا کن که دعا در این لحظه مستجاب می‌شود، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦ﴾

سورة (النور) الجزء (١٨) صفحة (٣٥٦)

يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٤﴾
وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٖ مِّن مَّآءٖۖ فَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن
يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ يَخۡلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٤٥﴾ لَّقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖۚ
وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ
ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ
ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ
لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ
يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ يَخَافُونَ
أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥۚ بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا
كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن
يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن
يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ
﴿٥٢﴾ ۞ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ لَيَخۡرُجُنَّۖ قُل
لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٥٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُذۡعِنِينَ	تسلیم و فرمانبردار.
مَّرَضٌ	نفاق.
ٱرۡتَابُوٓاْ	در نبوت تردید کردند.
يَحِيفَ	ستم می‌کند.
جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ	در سوگندخوردن به شدیدترین سوگندها می‌کوشند.

عمل به آیات

۱. در مورد مخلوقات متنوع الله بیندیش، سپس الله را به خاطر آفرینش بدیع و نیکویش ستایش کن، ﴿وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٖ مِّن مَّآءٖۖ فَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ يَخۡلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾.

۲. از الله تعالی بخواه تو را به راه راست خویش هدایت کند، ﴿وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾.

۳. پیامی در مورد خطر اعتراض بر حکم الله و این‌که صفت منافقان است بنویس، ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾.

رهنمودها

۱. انسان‌های باهوش و روشنفکر، از آیات الله تعالی در هستی پند می‌گیرند، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾.

۲. فرمانبرداری از شریعت باید در تمام احوال باشد؛ چه حکم موافق هوای نفس باشد یا مخالف آن، ﴿وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ﴾.

۳. اطاعت از الله و رسولش و تقوای الهی، فضیلت بزرگی است و اطاعتگران، به سبب نجات از آتش و ورود به بهشت، رستگارانند، ﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ﴾.

ترجمه آیات

الله شب و روز را می‌گرداند [و پیاپی می‌آورد]. یقیناً در این [گردش،] عبرتی برای اهل بصیرت است. (۴۴) و الله هر موجود زنده‌ای را [ابتدا] از آب آفرید؛ برخی از آنها بر شکم خود می‌روند و برخی بر دو پا راه می‌روند و برخی از آنها بر چهار [پا] راه می‌روند. الله هر چه بخواهد می‌آفریند. بی‌تردید، الله بر همه چیز تواناست. (۴۵) به راستی که [ما] آیات روشنگری نازل کردیم و الله هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۴۶) و [منافقان] می‌گویند: «به الله و پیامبر [او] ایمان آوردیم و [از فرمانشان] اطاعت کردیم»؛ اما پس از این [ادعا]، گروهی از آنان رویگردان می‌شوند و اینان [در حقیقت] مؤمن نیستند. (۴۷) و هنگامی که به سوی الله و پیامبرش فراخوانده می‌شوند تا در میانشان داوری کند، ناگاه گروهی از آنان رویگردان می‌شوند. (۴۸) و اگر حق با آنان باشد، مطیعانه [و فروتنانه] به سوی او می‌آیند. (۴۹) آیا در دل‌هایشان بیماری [نفاق] است یا [دربارهٔ رسالتش] تردید دارند؟ یا می‌ترسند که الله و پیامبرش بر آنان ستم کنند؟ [نه،] بلکه آنان خود ستمکارند. (۵۰) سخن مؤمنان ـ هنگامی که به سوی الله و پیامبرش فراخوانده می‌شوند تا میانشان داوری کند ـ فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»؛ و اینان همان رستگارانند. (۵۱) و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند و از الله بترسد و از [نافرمانیِ] او بپرهیزد، اینان کامیابند. (۵۲) [منافقان] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، [برای جهاد] رهسپار می‌شوند. بگو: «سوگند یاد نکنید. اطاعت [و سخنان دروغتان] شناخته‌شده است. بی‌تردید، الله از آنچه می‌کنید آگاه است». (۵۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾
یعنی برای هر کس که دارای بصیرت است و از آن استفاده می‌کند؛ زیرا واژه «أبصار» در این آیه، جمع «بصر» و به معنای بصیرت است، ولی در آیات قبلی به معنای چشم بود. بنابر قولی: به معنای چشم ظاهری است و معمولا این‌گونه به ذهن می‌رسد. واژه «أبصار» آورده شد و «بصائر» بیان نگردید تا وضوح دلالت را برساند. آلوسی: ۹/ ۳۸۴.
پرسش: چرا واژه «أبصار» و نه «بصائر» بیان گردید؟

❷ ﴿لَّقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖۚ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾
﴿ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ﴾ شامل هر نشانه‌ای است که الله آن را برای پند و عبرت آفریده و نیز آیاتی که در قرآن به منظور هشدار و یادآوری بیان شده است. ابن عطیه: ۴/ ۱۹۱.
پرسش: منظور از نشانه‌هایی که الله تعالی به‌وسیله آن‌ها مؤمنان را راهنمایی و هدایت می‌کند، چیست؟

❸ ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
با توجه به آیات فوق، ایمان فقط قول نیست، بلکه باید با عمل همراه باشد و به همین سبب، ایمان از کسی که اهل طاعت نباشد، نفی شده است. سعدی: ۵۷۲.
پرسش: کدام نکته و درس اعتقادی در آیه وجود دارد؟

❹ ﴿وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ﴾
روایت شده است که میان یکی از منافقان به نام بشر و یک یهودی، خصومت و اختلافی پیش آمد. یهودی از بشر خواست برای داوری نزد رسول الله ﷺ بروند، اما منافق که بر باطل بود، سر باز زد و از یهودی خواست نزد کعب بن أشرف بروند. آیه در این باره نازل شد. زهراوی با سندی، از حسن بن ابی الحسن نقل کرده است که: هر کس طرف دعوایش را برای داوری و حکم یکی از حاکمان مسلمان فرا خواند و او نپذیرد، ستمکار است. ابن عطیه: ۴/ ۱۹۱.
پرسش: مسئولیت انسان مؤمن وقتی که برای داوری، به شریعت الله فرا خوانده شود، چیست؟

❺ ﴿أَمۡ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥ﴾
بدگمانی نسبت به احکام شرعی و این‌که گمان شود بر خلاف عدالت و حکمت است، حرام به شمار می‌رود. سعدی: ۵۷۲.
پرسش: خشنودشدن به شریعت الهی، نعمتی از جانب الله است، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

❻ ﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ﴾
این آیه اسباب رستگاری در آخرت و نیز در دنیا را بیان فرموده است. ابن عاشور: ۱۸/ ۲۷۶.
پرسش: آیه یکی از سخنان جامع به شمار می‌رود. این مطلب را توضیح دهید.

❼ ﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ لَيَخۡرُجُنَّۖ قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ﴾
منافقان به پیامبر ﷺ می‌گفتند: هر جا که باشی، ما همراه تو هستیم؛ اگر خارج شوی، خارج می‌شویم، اگر بمانی، می‌مانیم و اگر ما را به جهاد فرمان دهی، جهاد می‌کنیم. بنابراین الله فرمود: ﴿قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ﴾ سوگند نخورید. سپس فرمود: ﴿طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ﴾ یعنی اطاعتی زبانی است و نه قلبی؛ به‌علاوه مشهور است؛ یعنی زیاد مشاهده شده است که دروغ می‌گویید و سخنی را بر زبان می‌آورید که به آن عمل نمی‌کنید. بغوی: ۳/ ۳۰۹.
پرسش: آیا سخن زبانی بدون داشتن اعتقاد قلبی، کافی است؟

ترجمه آیات

بگو: «از الله و پیامبر اطاعت کنید؛ اگر سرپیچی کردید، پیامبر مسئول چیزی است که بر او تکلیف شده [= ابلاغِ وحی] و شما نیز مسئول چیزی هستید که به آن تکلیف شده‌اید؛ اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت می‌شوید؛ و پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] ندارد». (۵۴) الله به افرادی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین [مشرکان] می‌سازد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند [نیز] جانشین [کافران و ستمگران] نمود؛ و [فرموده است] دینشان را که برای آنان پسندیده است، حتما برایشان استوار [و پیروزمند] می‌سازد و یقینا ترسشان را به آرامش و امنیت تبدیل می‌کند؛ [چرا که] تنها مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند؛ و هر کس از این پس کفر بورزد، ایناند که نافرمانند. (۵۵) و نماز برپا دارید و زکات بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۵۶) [ای پیامبر،] هرگز مپندار کسانی که کفر ورزیدند، ناتوان‌کننده[ی الله] در زمینند [و می‌توانند از مجازات الهی بگریزند]. جایگاه اینان آتش است و چه بد بازگشتگاهی است! (۵۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردگانتان و کسانی از [کودکان] شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند، باید در سه وقت از شما اجازه [ورود] بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز ـ هنگامی که لباس‌هایتان را بیرون می‌آورید ـ و پس از نماز عشاء. [این] سه [وقت،] هنگام خلوتِ شماست. جز این [سه وقت،] بر شما و بر آنان هیچ گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ چرا که] آنان پیرامونتان در رفت و آمدند [و] با یکدیگر [معاشرت می‌کنید]. الله اینچنین آیات [خود] را برایتان بیان می‌کند؛ و الله دانای حکیم است. (۵۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ﴾

﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾ پس از هشداری که در عبارت ﴿وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ﴾، وجود داشت، به اطاعت تشویق شد. ابن عاشور: ۱۸/ ۲۸۱.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر تشویق و هشدار را توضیح دهید؟

۲ ﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾

﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾ یعنی اگر در گفتار و عمل از پیامبر ﷺ پیروی کنید به راه راست هدایت می‌شوید. بنابراین تنها راه هدایت شما اطاعت از اوست و بدون آن، هدایت، محال و غیر ممکن است. سعدی: ۵۷۳.

پرسش: آیا غیر از اطاعت از رسول الله ﷺ، راه دیگری برای هدایت وجود دارد؟

۳ ﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗا﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که الله از خلفای اسلام؛ همچون: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و معاویه رضی الله عنهم راضی بوده است؛ زیرا آنان را به طور کامل خلیفه و جانشین در زمین قرار داد، چنان‌که برخی افراد قبل از آنان را جانشین گردانید؛ نیز فتح کشورهای شرق و غرب را به آنان بخشید و پادشاهان فارس و روم از آنان به وحشت افتادند. ابن عاشور: ۱۸/ ۲۸۶.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر فضیلت صحابهٔ مذکور را بیان کنید؟

۴ ﴿وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

﴿وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ﴾ کسانی که پس از قدرت و سلطنت کامل شما ای مسلمانان! کافر شوند، ﴿فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾ افرادی هستند که از اطاعت الله خارج شده و فاسد گشته‌اند و از این رو، شایسته و لایق هیچ خیری نیستند؛ چون کسی که ایمان را در شرایط عزت، پیروزی و نبود موانع و مشکلات آن، ترک می‌کند، قطعاً نیت فاسد و سرشت پلیدی دارد؛ زیرا تنها عامل و انگیزهٔ ترک دین، همین مورد است. سعدی: ۵۷۳.

پرسش: چرا الله تعالی کسانی را که پس از قدرت‌یافتن و سلطنت در زمین، کافر می‌گردند، فاسق نامید؟

۵ ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾

الله تعالی به ادای نماز و پرداخت زکات فرمان داد... این دو مورد از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عبادات به شمار می‌روند؛ چون جامع حقوق الله و حقوق مردم بوده و مشتمل بر اخلاص برای معبود و نیکی به بندگان اوست. در ادامه، امر عمومی صادر شد و فرمود: ﴿وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ﴾... ﴿لَعَلَّكُمۡ﴾ به امید آن‌که وقتی از پیامبر ﷺ اطاعت می‌کنید، ﴿تُرۡحَمُونَ﴾ مورد رحمت قرار گیرید. پس کسی که به دنبال رحمت الهی است، باید این راه را بپیماید و هر کس امید دارد بدون ادای نماز و پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر ﷺ به آن برسد، قطعاً غافل و دروغگوست و خودش را با آرزوهای دروغین سرگرم کرده است. سعدی: ۵۷۳.

پرسش: چرا از میان دستوراتی که اطاعت از رسول الله ﷺ در آن‌ها واجب است، فقط نماز و زکات بیان شد؟

درباره کسی که به رحمت الهی امید دارد اما در مورد نماز و زکات کوتاهی می‌کند و از پیامبر ﷺ فرمان نمی‌برد، چه دیدگاهی داری؟

۶ ﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

﴿فِي ٱلۡأَرۡضِۚ﴾: ظرف [مکان] برای ﴿مُعۡجِزِينَ﴾ است... چون بیانگر شمولِ عدمِ ناتوان‌کردن الله در تمامی اجزای زمین است؛ یعنی گمان نکن که آنان بتوانند الله را ناتوان کنند از این‌که آن‌ها را دریابد و هلاک کند در هر نقطه‌ای از زمین پهناور که باشد و به هر جایی که فرار کنند. آلوسی: ۹/ ۳۹۸.

پرسش: عبارت ﴿فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ در آیه بیانگر چه مطلبی است؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖ﴾

اوقات مذکور بدین سبب اختصاص یافتند که لحظات خلوت و درآوردن لباس است، و ممکن است بخشی از اعضای انسان که دوست ندارد کسی آن‌ها را ببیند، آشکار باشد. قرطبی: ۱۵/ ۳۱۳.

پرسش: چرا اوقات مذکور به این اختصاص یافت که فرزندان و ... آموزش داده شوند تا در این لحظات برای ورود اجازه بگیرند؟

سورة (النور) الجزء (۱۸) صفحة (۳۵۷)

قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ
وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ
إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ۝٥٤ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ
لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ
بِي شَيۡـٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ۝٥٥
وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ
تُرۡحَمُونَ ۝٥٦ لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ
وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ۝٥٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ
ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ
ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ
وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ
كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝٥٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ	بر عهدهٔ رسول تبلیغ رسالت است که بدان فرمان یافته است.
وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡ	بر عهدهٔ شما امتثال و فرمانبرداری است که بدان فرمان یافته‌اید.
مُعۡجِزِينَ	نجات‌یافته از عذاب الله با فرار.
جُنَاحٌ	گناهی.

عمل به آیات

۱. نمازهای پنج‌گانه را همراه جماعت و با خشوع ادا کن، که خشوع جزئی از اقامهٔ نماز است، ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾

۲. بخشی از مالت را صدقه بده، ﴿وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾

۳. بعضی از آداب اجازه‌خواستن را به همراه اطرافیانت بخوانید و بیاموزید، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖ﴾

رهنمودها

۱. پیروی از آیات قرآن کریم و احادیث صحیح، موجب سعادت دنیا و آخرت، و مخالفت با این دو، موجب گمراهی و زیان است، ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾

۲. وعدهٔ الله مبنی بر اعطای قدرت و جانشینی در زمین، مشروط بر تحقق عبادت و ترک شرک است، ﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡـٔٗا﴾

۳. یک حکومت کافر قوی و امروزی را با امتی کافر و قدیمی که الله آن را نابود کرده است مقایسه کن، و نزدیک‌ترین شباهت‌های میان این دو را بنویس، ﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

سورة (النور) الجزء (۱۸) صفحة (۳۵۸)

وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا
ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ
ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٩ وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ
ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ
ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ
لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠ لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا
عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ
أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ
أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم
مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن
تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗاۚ فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ
عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡقَوَٰعِدُ	پیرزنانی که به سبب کهولت سن، از حیض و فرزند و کامجویی افتاده‌اند.
مُتَبَرِّجَٰتِ	آشکارکنندگان زینت پنهانی.
أَوۡ مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ	خانه‌هایی که در غیاب صاحبان‌شان، محافظت از آن‌ها به شما واگذار شده است.
أَشۡتَاتٗا	جداگانه.

عمل به آیات

۱. هنگام ورود به منزل برادران و خواهرانت اجازه بگیر، ﴿وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ﴾

۲. زنان خویشاوندت را به حجاب و پاکدامنی سفارش کن؛ زیرا الله تعالی در مورد زنان کهنسال می‌فرماید: ﴿وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّ﴾

۳. هنگام ورود به منزل «بسم الله» بگو سپس سلام کن، ﴿فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗ﴾

رهنمودها

۱. بنگر که شریعت چگونه درهای فتنه‌ها را بسته و راه‌های فساد را مسدود کرده است، پس نیاز مبرمی به این علم بزرگ داریم، ﴿غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّ﴾

۲. در آسان‌گیری و تخفیف شریعت بر مردم، به‌خصوص معذوران، بیندیش، ﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ﴾

۳. سعی کن همیشه به روشی که الله تعالی مشروع فرموده است سلام و خوش‌آمدگویی را انجام دهی، یعنی بگویی: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ»، ﴿فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗ﴾

ترجمه آیات

و هنگامی که کودکانتان به [سن] بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خانه‌های دیگران] اجازه بگیرند؛ همانگونه که اشخاصی که پیش از آنان [به سنّ بلوغ رسیده بودند]، اجازه می‌گرفتند. الله اینچنین آیاتش را برایتان بیان می‌کند؛ و الله دانای حکیم است. (۵۹) و بر زنان [یائسه و] از کار افتاده‌ای که [دیگر میل و] امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش [سر و صورتِ] خویش را کنار گذارند، [به شرط آنکه آرایش و] زینتی را آشکار نکنند؛ و اگر عفت بورزند [و خود را بپوشانند] برایشان بهتر است؛ و الله شنوای داناست. (۶۰) بر [افراد] نابینا و لنگ و بیمار [که از تکالیف اجتماعی ـ همچون جهاد ـ معاف شده‌اند] گناهی نیست و [همچنین] بر خود شما گناهی نیست که از خانه‌های خود [یا فرزندان و همسرانتان، غذایی] بخورید یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست یا [از خانه‌های] دوستانتان. [نیز] بر شما گناهی نیست که دسته‌جمعی یا جداگانه [غذا] بخورید؛ و هنگامی که به خانه‌ها وارد می‌شوید، به یکدیگر سلام کنید که درودی مبارک [و] پسندیده از سوی الله است. الله این گونه آیات [خویش] را برایتان به روشنی بیان می‌کند؛ باشد که بیندیشید. (۶۱)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

زنان یائسه و نومید از ازدواج استثنا شدند؛ چون غالبا مردان به آن‌ها توجه و نگاه بد نمی‌کنند و از این رو، برای آنان پوششی که برای سایر زنان جایز نیست، رواست و لازم نیست که برای پوشاندن بدن‌شان، خود را به مشقت اندازند. قرطبی: ۱۵/ ۳۴۰.

پرسش: چرا الله سبحانه این حکم را به زنان یائسه و سالخورده اختصاص داد؟ با توجه به این آیه، حکم پوشش زنان دیگر چیست؟

۲ ﴿وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡ﴾

خوردن بدون اجازه از این خانه‌ها ایرادی ندارد و دلیل آن با توجه به سیاق، مشخص است؛ چون معمولا در چنین خانه‌هایی بر اثر خویشاوندی یا اختیار کامل و یا دوستی، اجازه خوردن به انسان داده می‌شود. بنابراین اگر فرض شود که در یکی از این خانه‌ها، اجازه خوردن چیزی به انسان داده نمی‌شود و صاحب آن بخیل است، هرگز جایز نیست که انسان بدون اجازه چیزی بخورد و حرج و گناه وجود دارد. سعدی: ۵۷۵.

پرسش: اگر یکی از افراد مذکور، اجازه ندهد که کسی از خانه‌اش چیزی بردارد و بخورد، حکم چیست؟

۳ ﴿وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ﴾

خانه‌های خویشاوندان بیان شد، ولی خانه‌های پسران ذکر نگردید؛ برخی از مفسران گفته‌اند: ﴿مِنۢ بُيُوتِكُمۡ﴾ شامل خانه‌های پسران نیز می‌شود؛ چون خانهٔ پسر انسان، خانه خودش به شمار می‌رود. قرطبی: ۱۵/ ۳۴۷.

پرسش: چرا در این آیه، خانهٔ پسر انسان بیان نشد؟

۴ ﴿أَوۡ صَدِيقِكُمۡ﴾

الله تعالی در این آیه، دوست را در کنار خویشاوند بسیار نزدیک بیان فرمود؛ زیرا دوست به انسان بسیار نزدیک است. ابوسعید نقاش از ابن عباس رضی الله عنهما نقل می‌کند که می‌گوید: دوست نزدیک‌تر از خویشاوند است؛ مگر نمی‌بینی که جهنمیان این‌گونه کمک می‌خواهند و می‌گویند: ﴿فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ﴾ [الشعراء: ۱۰۰-۱۰۱]؛ «پس (اکنون) هیچ شفاعت‌کننده‌ای برای ما نیست و نه هیچ دوست (مخلص و) مهربانی.» قرطبی: ۱۵/ ۳۵۱.

پرسش: چرا الله تعالی دوست را در کنار خویشاوند بیان فرمود؟

۵ ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗا﴾

این آیه حرج و گناه را نفی می‌کند و نه فضیلت را؛ وگرنه بهتر آن است که غذا به صورت دسته‌جمعی خورده شود. سعدی: ۵۷۵.

پرسش: بهتر است انسان به تنهایی غذا بخورد یا به صورت دسته‌جمعی؟

۶ ﴿فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ﴾

یعنی باید بر یکدیگر سلام کنید؛ چون مسلمانان از لحاظ دوستی، مهربانی و شفقت میان یکدیگر، همچون تنی واحدند. سعدی: ۵۷۵.

پرسش: در عبارت ﴿أَنفُسِكُمۡ﴾ به همبستگی و ارتباط مستحکم میان مسلمانان اشاره شده است. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗ﴾

سلام، برکت نامیده شد؛ زیرا شامل دعا و جلب محبت و دوستی کسی که بر وی سلام می‌شود است. ابن عطیه: ۴/ ۱۹۷.

پرسش: چرا سلام، برکت نامیده شد؟

ترجمه آیات

مؤمنان [واقعی] کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که برای [اجرای یک] امر اجتماعی با او [= پیامبر] همراه هستند، تا از وی اجازه نگرفته‌اند، [از جمع] خارج نمی‌شوند. بی‌تردید، کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، آنان کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند. پس اگر برای انجام برخی کارهای [مهم] خود از تو اجازه می‌خواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی اجازه بده و از الله برایشان آمرزش بخواه. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است. (۶۲) [ای مؤمنان] آنگونه که یکدیگر را [با نام خودتان یا با نام پدرانتان] صدا می‌زنید، پیامبر را [با نام خودش یا با نام پدرش] صدا نزنید [نگویید: ای محمد، ای پسر عبدالله، بلکه بگویید: ای رسول الله، ای نبی الله]. یقیناً الله افرادی از شما را که پشت دیگران پنهان می‌شوند و مخفیانه [از نزد پیامبر] می‌گریزند [به خوبی] می‌شناسد. پس کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، باید بترسند از اینکه اندوه و بلایی بر سرشان بیاید یا به عذابی دردناک گرفتار شوند. (۶۳) آگاه باشید! بی‌تردید، آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است و یقیناً او می‌داند که شما [بر چه کار و] در چه حالی هستید؛ و روزی که [بندگان] به سویش بازگردانده می‌شوند، آنان را از آنچه [در دنیا] کرده‌اند آگاه می‌سازد؛ و الله به همه چیز داناست. (۶۴)

سورهٔ فرقان

به نام الله بخشندهٔ مهربان

پربرکت [و بزرگوار] است ذاتی که قرآن را [که جداکنندهٔ حق و باطل است] بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهندهٔ جهانیان باشد. (۱) همان ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست و فرزندی [برای خویش] برنگزیده است و در فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده است و اندازهٔ هر چیز را ـ چنان که مناسبش می‌باشد ـ تدبیر نموده است. (۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُواْ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ لَّمۡ يَذۡهَبُواْ حَتَّىٰ يَسۡتَـٔۡذِنُوهُۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَـٔۡذِنُونَكَ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ﴾

﴿عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ﴾: یعنی بر کاری که تمامی آنان را با یکدیگر جمع کند؛ همچون جنگی که آنان را گِرد آورد، نمازی که برای ادایش جمع شوند یا مشورت در کار و رخدادی که به وقوع پیوسته است. ﴿لَّمۡ يَذۡهَبُواْ﴾ تا زمانی که رسول الله ﷺ به آنان فرمان ندهد، از آن‌چه به سبب آن جمع شده‌اند، منصرف نمی‌شوند و نمی‌روند. طبری: ۱۹/ ۲۲۸.

پرسش: با توجه به آیه، بیان کنید که چرا اجازه‌گرفتن، نشانهٔ ایمان و باعث موفقیت کار گروهی است؟

۲ ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ﴾ از الله تعالی درخواست کن که بر آنان منت نهد و لغزش‌های‌شان را ببخشد. ﴿إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ﴾ الله گناهان بندگان توبه‌کارش را می‌بخشد، ﴿رَّحِيمٞ﴾ و نسبت به بندگانش مهربان است و آنان را پس از این‌که توبه کنند، مجازات نمی‌کند. طبری: ۱۹/ ۲۲۹.

پرسش: یکی از نشانه‌های مهربانی و شفقت رهبر و رئیس این است که در نبود زیردستانش، برای آنان دعا کند، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗا﴾

منع شدند از این‌که پیامبر ﷺ را با اقوال و روشی که یکدیگر را صدا می‌زنند، ندا دهند؛ مثلا نگویند: ای محمد! ای پسر عبدالله! ای پسر عبدالمطلب! بلکه باید بگویند: ای رسول الله! ای پیامبر الله! و یا این‌که او را با کنیه صدا زنند و بگویند: یا ابا القاسم! از لحاظ روش یعنی این‌که پیامبر ﷺ را از پشت پرده‌ها صدا نزنند و اگر نزدشان نرفت، در صدازدنِ او، اصرار نکنند. ابن عاشور: ۱۸/ ۳۰۹.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که چرا تعظیم و گرامیداشتِ رسول الله ﷺ، تعظیم الله تعالی به شمار می‌رود؟

۴ ﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗا﴾

در این آیه، رسول الله ﷺ بسیار گرامی داشته شده است. گفته شده که امیر و استادِ یک قوم همچون پیامبر ﷺ در میان امتش است و باید احترام وی رعایت شود و از دیگران متمایز باشد. آلوسی: ۹/ ۴۱۹.

پرسش: دانشجو و فراگیر باید آداب و رفتاری نیکو با استاد و مربی و علما و بزرگان داشته باشد، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۵ ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا﴾

به دو دلیل، قرآن فرقان نامیده شد: ۱. حق و باطل، مؤمن و کافر را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کند. ۲. احکام حلال و حرام در آن بیان شده است. قرطبی: ۱۵/ ۳۶۶.

پرسش: چرا قرآن کریم، فرقان نام گرفته است؟

۶ ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا﴾

منظور از بندهٔ الله در این‌جا، پیامبر اسلام است که به قصد گرامی‌داشتِ او، لقب بنده آورده شده و نیز به این هدف که بفهماند پیامبر ﷺ در بالاترین مراتب بندگی بوده، و در رد و انکار ادعا و سخن نصارا، بیان کند که فرستاده الهی فقط بنده و فرستاده الله است. آلوسی: ۹/ ۴۲۲.

پرسش: الله تعالی زمانی که سخن از نزول قرآن است، بندگی و نه پیامبری و رسالت محمد مصطفی ﷺ را بیان می‌کند. چه نکته‌ای در این مطلب وجود دارد؟

۷ ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا﴾

آن را برابر ساخت و برای آن‌چه به سود و منفعتش است، آماده و مهیا کرد، به گونه‌ای که هیچ خلل و تناقضی در آن وجود ندارد. بنابر قولی: الله برای هر چیزی، اجل و رزقی مقدر کرد و تقدیرها بر اساس آفرینش، در جریان هستند. بغوی: ۳/ ۳۲۱.

پرسش: مطالبی را دربارهٔ عظمت الله تعالی در این‌که مخلوقات را به اندازه و بر اساس تقدیر آفرید، بیان کنید.

إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُواْ مَعَهُۥ
عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ لَّمۡ يَذۡهَبُواْ حَتَّىٰ يَسۡتَـٔۡذِنُوهُۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَـٔۡذِنُونَكَ
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ فَإِذَا ٱسۡتَـٔۡذَنُوكَ
لِبَعۡضِ شَأۡنِهِمۡ فَأۡذَن لِّمَن شِئۡتَ مِنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ
ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٦٢ لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ
بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗاۚ قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمۡ لِوَاذٗاۚ فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ
أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣ أَلَآ إِنَّ
لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قَدۡ يَعۡلَمُ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ وَيَوۡمَ
يُرۡجَعُونَ إِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ٦٤

سُورَةُ الفُرۡقَانِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا
١ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن
لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَمۡرٍ جَامِعٍ	امر مهمی از مصالح مسلمانان که بر آن اجتماع کرده‌اند.
دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ	او را که صدا می‌زنید؛ یعنی نگویید: ای محمد! بلکه بگویید: ای رسول الله!
يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمۡ	پنهانی و بدون اذن خارج می‌شوند.
لِوَاذٗا	هنگام خروج پشت یکدیگر پنهان می‌شوند.
فِتۡنَةٌ	سختی و شرّ و عذاب.
فَقَدَّرَهُۥ	او را با آفرینشی متناسب با خودش، راست و برابر کرد.

عمل به آیات

۱. برای مردان و زنان مسلمان و مومن، چه زنده و چه مرده، طلب آمرزش کن، ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ ٱللَّهَ﴾

۲. هر گاه نام مبارک پیامبر ﷺ را شنیدی بر او صلوات بفرست، ﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗا﴾

۳. با ارسال پیامی، خطر مخالفت با سنت و رهنمود پیامبر ﷺ را بیان کن، ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

رهنمودها

۱. بزرگداشت رسول الله ﷺ واجب است و بی‌ادبی بر او در حال حیات و پس از مرگش، حرام است، ﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗا﴾

۲. کسی که بر سنت رسول الله ﷺ گستاخی می‌کند بیم آن می‌رود که در وضعیت بسیار بدی بمیرد، پناه بر الله، ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

۳. الله تو را از تمام اعمال کوچک و بزرگی که انجام داده‌ای آگاه خواهد کرد، پس بکوش او تعالی از چیزهایی که دوست داری تو را آگاه سازد، ﴿وَيَوۡمَ يُرۡجَعُونَ إِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ﴾

سورة (الفرقان) الجزء (۱۸) صفحة (۳٦۰)

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ
وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا
وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ٣ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ
إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمٗا
وَزُورٗا ٤ وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ
عَلَيۡهِ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٥ قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٦
وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي
ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَلَكٞ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ٧
أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ
ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٨ ٱنظُرۡ
كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ
سَبِيلٗا ٩ تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرٗا مِّن ذَٰلِكَ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا ١٠ بَلۡ
كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نُشُورٗا	رستاخیز پس از مرگ.
إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ	دروغی که خودش ساخته است.
وَزُورٗا	دروغی ناپسند.
أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ	سخن‌های امت‌های قدیمی که در کتاب‌های‌شان نوشته شده است.
سَعِيرًا	آتش سوزانی که بر آن‌ها افروخته می‌شود.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّٰهُمَّ أَحْسِنْ عاقِبَتِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنِي مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»؛ «یا الله! مرا در تمام امور عاقبت به خیر بگردان و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت نجاتم بده»، ﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِ﴾

۲. با ارائۀ سخنرانی یا ارسال پیامی در مورد توحید، به مردم توضیح بده که فقط الله تعالی مالک امور بندگان است و تمام سود و زیان‌ها فقط از جانب اوست، ﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا﴾

۳. مغفرت و رحمت را از الله تعالی تقاضا کن، ﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

رهنمودها

۱. به یاد داشته باش که الله تعالی آن‌چه را پنهان و مخفی کنی می‌داند، چه رسد به آن‌چه را آشکار گردانی، ﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

۲. تکذیب‌کنندگان، به استهزا و ضربه زدن به دعوتگران عادت دارند، ﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ﴾

۳. در برابر آزار و اذیت‌هایی که در راه الله می‌بینی شکیبایی کن؛ زیرا رسول الله ﷺ آزار و اذیت‌های فراوانی از جانب کافران دیده و شنیده است، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمٗا وَزُورٗا﴾

ترجمه آیات

و [مشرکان] به جای او [= الله] معبودانی برگزیده‌اند که چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده می‌شوند و مالک هیچ زیان و سودی برای خود نیستند و [نیز] مالک مرگ و زندگی و [قادر به] برانگیختن [مردگان] نیستند. (۳) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «این [قرآن] جز دروغی نیست که [محمد خودش] بافته است و گروهی دیگر او را بر این [کار] یاری داده‌اند». حقا که آنان [با این سخن،] به ستم و دروغ بزرگی روی آورده‌اند. (۴) و [کافران] گفتند: «[این قرآن، همان] افسانه‌های [خیالی] پیشینیان است که [محمد] آن را رونویسی کرده است و هر بامداد و شامگاه بر او املا می‌شود». (۵) بگو: «ذاتی آن را نازل کرده است که راز آسمان‌ها و زمین را می‌داند. بی‌تردید، او همواره آمرزنده [و] مهربان است. (۶) و [مشرکان] گفتند: «این چگونه پیامبری است که [همچون مردم عادی] غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است تا [یاری‌اش کند و] همراه او هشداردهنده باشد؟ (۷) یا چرا گنجی [از آسمان] بر او فرود نمی‌آید و یا چرا باغی ندارد که از [میوه‌های] آن بخورد؟» ستمکاران [مشرک] گفتند: «شما جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید». (۸) بنگر که چگونه برایت مَثَل‌ها زدند و گمراه شدند! چنان که نمی‌توانند راهی [به سوی حقیقت] بیابند. (۹) پربرکت [و بزرگوار] است ذاتی که اگر بخواهد، برایت بهتر از این قرار می‌دهد: باغ‌هایی که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و [حتی] کاخ‌هایی [باشکوه] برایت پدید می‌آورد. (۱۰) [مشرکان با این سخنان در پی حق نرفتند؛] بلکه قیامت را تکذیب کردند و [ما] برای هر کس که قیامت را دروغ انگارد، آتش سوزان [دوزخ را] مهیّا کرده‌ایم. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا﴾

الله تعالی در این آیه می‌فرماید: معبودانی که مشرکان آن‌ها را به جای الله عبادت می‌کنند، شش صفت دارند که هر یک از این صفات، دلیلی قاطع بر این مطلب است که عبادت‌شان هیچ توجیهی ندارد، بلکه ستمی بزرگ و جهلی عمیق است... ۱. این معبودان نمی‌توانند چیزی را بیافرینند. ۲. تمامی آن‌ها مخلوقند و آفریدگارِ همه‌چیز، این‌ها را نیز آفریده است. ۳. مالک هیچ سود و زیانی برای خود نیستند. ۴ و ۵ و ۶. مالک مرگ، زندگی و زنده‌کردن پس از مرگ نیستند. شنقیطی: ۶/ ۹.

پرسش: هر معبودی که غیر از الله مورد عبادت قرار می‌گیرد، دارای چه نواقص و عیوبی است؟

۲ ﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾

قرآن کریم واژه ﴿ٱلسِّرَّ﴾ را آورد و نه «جهر: آشکار» را؛ زیرا کسی که از راز [نهان] آگاه باشد، امور آشکار را بهتر می‌داند. قرطبی: ۱۵/ ۳۶۹.

پرسش: چرا در این آیه، کلمه ﴿ٱلسِّرَّ﴾ بیان شد و نه «جهر: آشکار»؟

۳ ﴿وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ عَلَيۡهِ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ۝ قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

﴿إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾: الله آنان را به توبه و بازگشت فرا خواند و خبر داد که رحمتش گسترده و بردباری‌اش فراوان است و توبۀ کسی را که به سویش رجوع کند، می‌پذیرد؛ الله تعالی این افراد را به توبه و ترک گناهان و نافرمانی‌ها و به سوی اسلام و هدایت فرا خواند، با وجود دروغگویی‌ها، افترائات، فسق و تهمت‌ها، کفر و عناد و سخنان ناروایی که درباره رسول الله ﷺ و قرآن مرتکب شدند. ابن کثیر: ۳/ ۲۹۹.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾ به پایان رسید؟

۴ ﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

اگر پرسیده شود: جمله ﴿إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾ چه تناسبی با ماقبل خود دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: چون سخنان ناروای کافران بیان شد، بیان این عبارت نشان می‌دهد که الله سبحانه بسیار بخشنده و مهربان است و در عقوبت و مجازات کافران عجله نمی‌کند؛ بلکه به آنان مهلت می‌دهد و اگر اسلام بیاورند، توبۀشان را می‌پذیرد و گناهان‌شان را می‌آمرزد. ابن جزی: ۲/ ۱۰۳.

پرسش: جمله ﴿إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾ با تکذیب و انکار پیامبر ﷺ توسط کافران چه تناسبی دارد؟

۵ ﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ﴾

با توجه به آیه، رفتن به بازار برای علما، دینداران و صالحان جایز است، بر خلاف دیدگاه کسانی که این عمل را ناپسند می‌دانند. آلوسی: ۹/ ۴۲۷.

پرسش: یکی از اسباب تقویت و توفیق فرد دعوتگر، فروتنی و نشست و برخاست با مردم است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ﴾

﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ﴾: منظور آنان محمد مصطفی ﷺ بود [که می‌گفتند:] ﴿يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ﴾: همان‌گونه که ما غذا می‌خوریم، او نیز غذا می‌خورد، ﴿وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ﴾: و مانند ما به دنبال معاش و روزی‌اش راه می‌رود؛ پس روا نیست که او با پیامبر شدن بر ما برتری یابد. آنان می‌گفتند: تو نه فرشته و نه پادشاهی؛ چون غذا می‌خوری، ولی فرشته غذا نمی‌خورد؛ پادشاه نیستی، چون پادشاه در بازار راه نمی‌رود، اما تو به بازار می‌روی و مانند عموم مردم رفتار می‌کنی. سخن و ادعای‌شان باطل بود؛ چون پیامبر ﷺ انسان بود و غذا می‌خورد و از آن‌جا که فروتن بود، به بازار می‌رفت. این ویژگی پیامبر ﷺ بود و هیچ یک از امور مذکور، منافاتی با نبوت ندارد. بغدی: ۳/ ۳۲۲.

پرسش: یکی از نشانه‌های صداقت دعوتگر، تواضع و واقع‌گرایی در کارهایش است، با توجه به آیه، این مطلب را شرح دهید.

۷ ﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِ﴾

یعنی: آنان این سخن را از روی انکار و دشمنی و لجاجت می‌گویند و هدف‌شان رسیدن به حقیقت نیست، بلکه انکارشان به روز قیامت، باعث شده چنین سخنانی بر زبان آورند. ابن کثیر: ۳/ ۳۰۰.

پرسش: دلیل بسیاری از سخنان و موضع‌گیری‌های کافران و منافقان چیست؟

ترجمه آیات

هنگامی که [دوزخ] آنان را از دوردست می‌بیند آوای خشم و خروشی [وحشتناک] از آن می‌شنوند. (۱۲) و چون دست‌وپابسته [با غُل و زنجیر] در جای تنگی از آن [= دوزخ]، انداخته شوند، آنجاست که مرگ [خود] را می‌خواهند. (۱۳) [به آنان گفته می‌شود:] «امروز نه یک بار، بلکه بارها درخواست مرگ کنید». (۱۴) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «این [عذاب دردناک] بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده و پاداش و سرانجام آنان است؟» (۱۵) در آنجا هر چه بخواهند، برایشان [فراهم] است [و] در آن جاودانند. این وعده‌ای است بر [عهدهٔ] پروردگارت که [بندگان پرهیزگار، انجامش را] از او خواسته‌اند. (۱۶) و روزی که [همهٔ] آنان و آنچه را که به جای الله عبادت می‌کردند جمع می‌کند و [به معبودان باطل] می‌فرماید: «آیا شما این بندگانم را گمراه کردید یا خود، راه را گم کردند؟» (۱۷) آنان می‌گویند: «تو منزّهی؛ شایستهٔ ما نبود که به جای تو [دوستان و] کارسازانی برگزینیم؛ ولی تو آنان و پدرانشان را [از نعمت‌ها] بهره‌مند ساختی تا اینکه یاد [تو] را فراموش کردند و [به این خاطر،] گروهی هلاک‌شده گشتند». (۱۸) [الله به مشرکان می‌فرماید:] «بی‌تردید، [معبودانتان] ادعای شما را دروغ شمردند. [اکنون] نه می‌توانید [عذاب را از خود] دور کنید و نه [از کسی] یاری بجویید؛ و هر یک از شما که [شرک بورزد و به خود] ستم کند، عذابی بزرگ به وی می‌چشانیم». (۱۹) [ای پیامبر،] پیش از تو پیامبران را نفرستادیم، مگر اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و [همچون سایر انسان‌ها] در بازارها راه می‌رفتند؛ و ما برخی از شما را وسیلهٔ آزمایش برخی دیگر ساختیم [تا روشن شود] آیا شکیبایی می‌کنید؛ و پروردگارت همواره بیناست. (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا﴾

آتش دوزخ بر آنان خشم می‌گیرد؛ زیرا آفریدگارش بر آنان خشم گرفته است و شعله‌اش را زیاد می‌کند؛ بدین سبب که کفر و شرّشان فراوان بوده است. سعدی: ۵۷۹.

پرسش: چرا آتش جهنم بر جهنمیان خشم می‌گیرد؟

۲ ﴿وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ﴾

در مکانی تنگ و پُر ازدحام انداخته می‌شوند در حالی که با غل و زنجیرها بسته شده‌اند. سعدی: ۵۷۹.

پرسش: در این آیه، انواع مختلفی از عذاب کافران بیان شده است. این موارد را بیان کنید.

۳ ﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾

در صورتی که سؤال شود: اگر نمادها و بت‌هایی که مورد عبادت قرار گرفته‌اند، محشور شوند، چگونه می‌توانند سخن گویند در حالی که بی‌جان هستند؟ در پاسخ گفته می‌شود: پروردگار در روز قیامت آن‌ها را به سخن می‌آورد، همان‌گونه که دستان و پاها را گویا می‌کند. قرطبی: ۱۵/ ۳۷۸.

پرسش: نمادها و بت‌های بی‌جان چگونه در روز قیامت سخن می‌گویند؟

۴ ﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾

یعنی: الله تعالی در روز قیامت، خطاب به معبودان می‌فرماید: ﴿ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾ آیا شما این بندگانم را منحرف کردید یا خودشان به اختیار خود، گمراه شدند؟ واژهٔ ﴿هُمۡ﴾ بیان شد تا گمراهی به عبادت کنندگان آن‌ها نسبت داده شود؛ الله سبحانه با آن‌که آگاه به امور است به منظور توبیخ کافرانی که معبودان باطل را عبادت کردند، این سؤال را از آن‌ها می‌پرسد. ابن جزی: ۲/ ۱۰۴.

پرسش: توضیح دهید که چرا پرسش از معبودان، باعث توبیخ و سرزنش کافران می‌شود؟

۵ ﴿وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا﴾

یعنی: در دنیا به آنان سلامتی، ثروت و عمر طولانی پس از وفات پیامبران دادی، ﴿حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ﴾: تا جایی که تو را از یاد بردند و از روی تکبر و نادانی، به تو شرک ورزیدند. قرطبی: ۱۵/ ۳۷۹.

پرسش: خطر و زیان پرداختن فراوان به امور بی‌فایده و بهره‌وری از زینت دنیا را بیان کنید.

۶ ﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا﴾

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ﴾: الله تعالی را از این‌که همتایانی داشته باشد، منزه دانستند. ﴿مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ﴾ یعنی: برای ما شایسته نیست که با دشمنانت دوستی کنیم، بلکه فقط تو دوست و یاور ما هستی. بنابر قولی: یعنی برای ما سزاوار نبود که به آن‌ها دستور دهیم ما را عبادت کنند در حالی که خودمان تو را عبادت می‌کردیم. بغوی: ۳/ ۳۲۶.

پرسش: با توجه به آیه، پاکی و برائت دوستان الهی را از کارهایی که افراد نادان کنار قبرهای‌شان انجام می‌دهند توضیح دهید.

۷ ﴿وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا﴾

﴿وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً﴾: یعنی برخی را برای برخی دیگر سبب فتنه و آزمایش قرار دادیم؛ ثروتمند را برای فقیر، به گونه‌ای که انسان فقیر می‌گوید: چرا من مانند او نباشم؟! سالم را سبب فتنه و امتحانِ بیمار و انسانِ محترم و شریف را مایهٔ فتنه انسان فرومایه و نامحترم. ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: یعنی شما را اسباب مصیبت یکدیگر قرار دادیم تا در برابر سخن دیگران صبر کنید. بغوی: ۳/ ۳۲۶.

پرسش: چگونه مردم سبب فتنه و آزمایش یکدیگرند؟

سورة (الفرقان) الجزء (۱۸) صفحة (۳٦۱)

إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا ﴿١٢﴾
وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ هُنَالِكَ ثُبُورٗا
﴿١٣﴾ لَّا تَدۡعُواْ ٱلۡيَوۡمَ ثُبُورٗا وَٰحِدٗا وَٱدۡعُواْ ثُبُورٗا كَثِيرٗا ﴿١٤﴾
قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ
لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا ﴿١٥﴾ لَّهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَۚ
كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعۡدٗا مَّسۡـُٔولٗا ﴿١٦﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا
يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي
هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ
يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ
وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا ﴿١٨﴾
فَقَدۡ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسۡتَطِيعُونَ صَرۡفٗا
وَلَا نَصۡرٗاۚ وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا كَبِيرٗا ﴿١٩﴾
وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمۡ لَيَأۡكُلُونَ
ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشُونَ فِي ٱلۡأَسۡوَاقِۗ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ
لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا ﴿٢٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَزَفِيرًا	صدای سهمگینی بر اثر خشم زیاد.
مُقَرَّنِينَ	دست‌های‌شان با زنجیر به گردن‌های‌شان بسته شده است.
ثُبُورًا	نابودی.
بُورًا	نابودشده.
صَرۡفًا	دفع عذاب.
فِتۡنَةً	ابتلا و آزمایش.

عمل به آیات

۱. به درگاه الله استغفار کن از این‌که سبب گمراهی یا فریب کسی باشی؛ که در این مورد از تو سوال خواهد شد، ﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه تو را به بهشت جاودان درآورد و در زمرهٔ بندگان پرهیزگار خویش قرار دهد، ﴿قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دینت استوار و پایدار گردان»، ﴿وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. تقوا فضیلت بالایی دارد؛ چنان‌که هر کس ایمان آورَد و تقوا پیشه کند، سزاوار درجات والا شده است، ﴿قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا﴾

۲. وای از آن دم که از معبودها در مورد کسانی که آنان را عبادت کردند و از مظلومان در مورد کسانی که بر آنان ستم روا داشتند سوال شود، ﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾

۳. عمر طولانی و روزیِ گسترده برای کسی که در غفلت از پروردگارش به سر می‌برد، بسیار خطرناک است، ﴿وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا﴾

سورة (الفرقان) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٢)

۞ وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
أَوۡ نَرَىٰ رَبَّنَاۗ لَقَدِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ وَعَتَوۡ عُتُوّٗا كَبِيرٗا
(٢١) يَوۡمَ يَرَوۡنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشۡرَىٰ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُجۡرِمِينَ وَيَقُولُونَ
حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا (٢٢) وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ
هَبَآءٗ مَّنثُورًا (٢٣) أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ يَوۡمَئِذٍ خَيۡرٞ مُّسۡتَقَرّٗا
وَأَحۡسَنُ مَقِيلٗا (٢٤) وَيَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلۡغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
تَنزِيلًا (٢٥) ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِۚ وَكَانَ يَوۡمًا عَلَى
ٱلۡكَٰفِرِينَ عَسِيرٗا (٢٦) وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ
يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا (٢٧) يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ
أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا (٢٨) لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ
وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا (٢٩) وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ
إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا (٣٠) وَكَذَٰلِكَ
جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا
وَنَصِيرٗا (٣١) وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ
وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا (٣٢)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا	به روز آخرت ایمان ندارند.
وَعَتَوۡ	بیش از حد سرکشی کردند.
هَبَآءٗ	مانند غبار، یعنی گرد و غبار خفیفی که در پرتو خورشید دیده می‌شود.
مَقِيلٗا	منزلی آرامش‌بخش.
بِٱلۡغَمَٰمِ	با ابری سفید و رقیق.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه اعمال صالح تو را بپذیرد، ﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا﴾

۲. اگر دوست بدی داری، او را رها کن قبل از این‌که از دوستی با او پشیمان شوی، و به دنبال دوستی نیکو باش، و از الله تعالی بخواه این امر را برایت آسان گرداند، ﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا (٢٨) لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِي﴾

۳. برای خودت زمانی خاص برای قرائت روزانه قرآن مشخص کن، ﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا﴾

رهنمودها

۱. از شرک و ریا یا منت و آزار، که عمل را نابود می‌کنند بپرهیز، ﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا﴾

۲. الله تعالی برای هر پیامبری، دشمنانی مجرم قرار داده است؛ پس اگر کسی با تو دشمنی کرد اندوه مدار و ناله نکن؛ که این سنت پیامبران است، ﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا وَنَصِيرٗا﴾

۳. هر اندازه که فتنه‌ها بر مؤمن فراوان و سخت باشند، قرآن کریم او را بر حق پایدار می‌دارد، ﴿كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا﴾

ترجمه آیات

کسانی که به دیدار ما [در آخرت] امید ندارند گفتند: «[چرا فرشتگانی بر ما نازل نشده‌اند یا [چرا] پروردگارمان را نمی‌بینیم؟» بی‌تردید، آنان خود را بزرگ پنداشتند و سرکشی بزرگی کردند. (۲۱) روزی که [کافران] فرشتگان را می‌بینند، هیچ بشارتی برای مجرمان نخواهد بود [بلکه روز کیفر و عذاب است]؛ و [فرشتگان] می‌گویند: «[بهشت] بر شما ممنوع [و حرام] است». (۲۲) و به [بررسی] کارهایشان می‌پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می‌سازیم. (۲۳) در آن روز، بهشتیان بهترین جایگاه و نیکوترین استراحتگاه را دارند. (۲۴) و [یاد کن از] روزی که آسمان با ابرهای سپید شکافته می‌شود و فرشتگان [پیاپی به سرزمین محشر] فروفرستاده می‌شوند. (۲۵) در آن روز، فرمانروایی [راستین] از آنِ [الله] رحمان است و برای کافران روزی دشوار است. (۲۶) و [یاد کن از] روزی که ستمکار، دستانش را [از حسرت] می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش من راهی [هماهنگ] با پیامبر برگزیده بودم! (۲۷) ای وای بر من! ای کاش فلان [کافر] را به دوستی نمی‌گرفتم! (۲۸) بی‌تردید، پس از آنکه قرآن [و دعوت پیامبر] به من رسید، او [بود که] مرا به گمراهی کشاند و شیطان همواره انسان را تنها [و خوار] وامی‌گذارد». (۲۹) و پیامبر گفت: «پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کرده‌اند». (۳۰) و اینچنین برای هر پیامبری دشمنی از بدکاران [قومش] قرار دادیم؛ و کافی است که پروردگارت راهنما و یاور باشد. (۳۱) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «چرا قرآن یکباره بر او نازل نشده است؟» ما این‌گونه [کلام الهی را بر مرور نازل] کرده‌ایم تا دلت را با آن [آرام و] استوار گردانیم و آن را به تدریج [بر تو] خوانده‌ایم [تا درک و حفظش آسان باشد]. (۳۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا﴾

ابن مبارک می‌گوید: اعمالی منظور است که برای غیر الله انجام شده است. مجاهد می‌گوید: یعنی اعمالی که پذیرفته نشده است. ابن تیمیه: ۵/ ۱۲.

پرسش: زیان عملی را که برای رضایت الله نباشد، بیان کنید.

۲ ﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِ﴾

این‌که پادشاهی روز قیامت به نام ﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ﴾ که رحمتش هر چیزی را فرا گرفته است و شامل هر موجود زنده‌ای می‌گردد، نسبت داده شود، باعث آرامش قلب، اطمینان خاطر و گشایش سینه می‌شود... الله تعالی این مخلوق ضعیف؛ یعنی انسان را آفرید و او را گرامی داشت تا نعمتش را بر وی کامل گرداند و او را با رحمتش بپوشاند؛ بنابراین هنگام قیامت، با کمال خواری و تواضع در برابرش قرار می‌گیرند و منتظر حکم الهی درباره خودشان هستند. در حالی که او نسبت به آنان، مهربان‌تر از خودشان و از پدران و مادران‌شان است، پس فکر می‌کنی که چگونه با آنان رفتار می‌کند؟ سعدی: ۵۸۲.

پرسش: از نسبت‌دادن پادشاهی روز قیامت به نام ﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ﴾، چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟

۳ ﴿وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا﴾

هر کس بخواهد به قصد کسب رضایت مردم، الله را از خودش ناخشنود گرداند، هرگز مردم نمی‌توانند در برابر الله از وی محافظت کنند؛ همچون ستمکاری که دستش را به دهان می‌گیرد و می‌گوید: ﴿يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا (٢٧) يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا﴾؛ «ای کاش من راهی (هماهنگ) با پیامبر برگزیده بودم! ای وای بر من! ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم!» ابن تیمیه: ۵/ ۱۲.

پرسش: کسی که با ناخشنودی الله، به دنبال رضایت مردم باشد، مردم هرگز نمی‌توانند وی را بی‌نیاز و در برابر الله محافظت نمایند. این مطلب را با ذکر دلیل توضیح دهید.

۴ ﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا (٢٨) لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا﴾

اشاره دارد به این‌که لازمهٔ دوستی، اعتماد به دوست و راهنمایی و خیرخواهی برای اوست؛ بنابراین شایسته است که انسان در جایی و با کسی دوستی کند که مطمئن باشد از اسباب بدی و شر در امان می‌ماند. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۴.

پرسش: بر اساس آیه اهمیت خیرخواهی میان دو دوست را بیان کنید.

۵ ﴿لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا﴾

﴿لَّقَدۡ﴾ یعنی: سوگند به الله که ﴿أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ﴾: راه قرآن را بر من بست - قرآنی که فقط ذکر و باعث پند و یادآوری است- و مرا از آن بازداشت. بقاعی: ۱۳/ ۳۷۵.

پرسش: دوست بد چه صفاتی دارد؟

۶ ﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا وَنَصِيرٗا﴾

الله به پیامبرش محمد ﷺ می‌فرماید: ای محمد! همان‌گونه که برای تو دشمنانی از میان مشرکان قومت قرار دادیم، برای هر یک از پیامبران پیش از تو نیز دشمنانی از میان مشرکان قومش قرار دادیم، پس فقط تو این‌گونه نیستی؛ یعنی همان‌گونه که آن پیامبران اولو العزم در برابر آزار و اذیت مشرکان قومشان صبر کردند، تو نیز در برابر آزار این‌ها بردباری کن. طبری: ۱۹/ ۲۶۵.

پرسش: یکی از نشانه‌های صداقت دعوتگر، ابتلا و امتحان است، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۷ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا﴾

عبارت ﴿كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَ﴾ در پاسخ کافران گفته شده است، که تقدیر آن چنین است: قرآن را این‌گونه بخش بخش نازل کردیم تا قلب محمد ﷺ را با آن استوار و تقویت کنیم... و نیز به دلایل متفاوت دیگری نازل شده است که می‌طلبید هر بخشی از آن هنگام رخ‌دادن سببش نازل شود، به‌علاوه دارای ناسخ و منسوخ است، که رعایت این موارد با نزول یکباره، ممکن نبود. ﴿وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا﴾: یعنی آن را بخش‌بخش نازل کردیم. قرآن در طول ۲۰ سال نازل شده است. ابن جزی: ۲/ ۱۰۷.

پرسش: برخی فواید نزول تدریجی قرآن را بیان کنید.

سورة (الفرقان) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٣)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا
٣٣ ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُو۟لَٰٓئِكَ
شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ٣٤ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
وَجَعَلْنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرًا ٣٥ فَقُلْنَا ٱذْهَبَآ
إِلَى ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا فَدَمَّرْنَٰهُمْ تَدْمِيرًا ٣٦
وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ أَغْرَقْنَٰهُمْ وَجَعَلْنَٰهُمْ لِلنَّاسِ
ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ٣٧ وَعَادًا وَثَمُودَا۟
وَأَصْحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ٣٨ وَكُلًّا
ضَرَبْنَا لَهُ ٱلْأَمْثَٰلَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ٣٩ وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى
ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا ۚ
بَلْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ٤٠ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ
إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِى بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ٤١ إِن كَادَ
لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۚ وَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ٤٢ أَرَءَيْتَ
مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ٤٣

ترجمه آیات

و [کافران] هیچ [اعتراض و] مَثلی برایت نمی‌آورند، مگر آنکه ما [نیز پاسخی] برحق و خوش‌بیان‌تر برایت می‌آوریم. (۳۳) کسانی که به‌رودرافتاده به دوزخ کشانده می‌شوند، اینان بدجایگاه‌تر و گمراه‌ترند. (۳۴) و در حقیقت، ما به موسی کتاب [تورات] دادیم و برادرش هارون را همراهش دستیار ساختیم. (۳۵) و گفتیم: «شما دو نفر به سوی قومی بروید که آیات ما را تکذیب کردند»؛ پس [چون فرعونیان سرپیچی نمودند] آنان را به شدت نابود ساختیم. (۳۶) و قوم نوح را ـ آنگاه که پیامبران را دروغگو انگاشتند ـ غرق کردیم و آنان را [نشانه و] عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و عذابی دردناک برای ستمکاران مهیّا کرده‌ایم. (۳۷) و [همچنین] قوم عاد و ثمود و اهالی «رَسّ» [= چاه] و نسل‌های بسیاری را که بین آنان بودند [نابود ساختیم]. (۳۸) و برای هر یک از آنها مَثَلها زدیم و [چون پند نگرفتند،] همه را به شدت از میان بردیم. (۳۹) و [مشرکان] قطعاً از [سرزمین قوم لوط، همان] شهری که باران بلا بر آن باریده بود گذر کرده‌اند. آیا آن [ویرانه‌های باقی‌مانده از عذاب] را ندیده‌اند؟ [چنین نیست؛] بلکه به زنده شدن [پس از مرگ] امیدی ندارند. (۴۰) و هنگامی که تو را می‌بینند، فقط به تمسخر می‌گیرند [و می‌گویند:] «آیا این همان کسی است که الله او را به پیامبری فرستاده است؟ (۴۱) اگر بر [عبادتِ] معبودانمان [شکیبایی و] پایداری نمی‌کردیم، نزدیک بود [محمد] ما را از [راهِ] آنها گمراه کند؛ و[لی] آنگاه که عذاب [الهی] را ببینند، خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر [بوده] است. (۴۲) آیا کسی را که هوای نفسش را معبود خود کرده است دیده‌ای؟ آیا تو [می‌توانی] نگهبانِ [ایمانِ] او باشی؟ (۴۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾
با توجه به آیه مذکور، برای محدّث، معلم و واعظی که دانشی به مردم می‌آموزد، شایسته است که از پروردگارش پیروی کند؛ یعنی همان‌گونه که الله تعالی احوال پیامبرش را اداره و تدبیر می‌کند، عالمی که امور مردم را بررسی و اداره می‌کند، باید بر اساس اتفاقات، مراسم و موقعیت‌های پیش‌آمده، آیات، احادیث و موعظه‌های مناسبی را برای مردم بیان کند. سعدی: ۵۸۲- ۵۸۳.
پرسش: بر اساس آیه فوق، مطالبی را درباره حکمت دعوتگر و معلم بیان کن.

۲ ﴿ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾
﴿ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ﴾: یعنی کسانی که به عقب و در حالی که بر چهره‌های‌شان افتاده هستند، می‌روند، یا این‌که به سوی جهنم کشانده می‌شوند، چنان‌که در دنیا اعمالی را انجام می‌دادند که گویی هرگز نمی‌دیدند و عقل و فهم نداشتند، شیطان آنان را به شر و فساد تحریک می‌کرد؛ زیرا آخرت آینهٔ دنیاست، هر عملی که انسان در این‌جا انجام دهد، نتیجه‌اش را در آخرت می‌بیند، دنیا مزرعهٔ آخرت است و آدمی عاقبت و نتایج اعمالش را در آن‌جا می‌یابد. بخاری از انس ﷺ روایت می‌کند که شخصی گفت: ای پیامبر! چگونه فرد کافر در روز قیامت، بر چهره‌اش محشور می‌شود؟ رسول الله ﷺ فرمود: «مگر کسی که در دنیا او را بر روی دو پا راه می‌برد، نمی‌تواند در قیامت، وی را بر چهره‌اش براند؟!» قتاده که این روایت را از انس نقل کرده است، می‌گوید: «آری، سوگند به عزت پروردگارمان [می‌تواند].» [صحیح بخاری: ۴۷۶۰ و ۶۵۲۳؛ صحیح مسلم: ۲۸۰۶]. بقاعی: ۱۳/ ۳۸۲.
پرسش: چگونه آیه اشاره دارد به این‌که جزا و پاداش از جنس عمل است؟

۳ ﴿وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ أَغْرَقْنَٰهُمْ وَجَعَلْنَٰهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً﴾
الله واژه ﴿ٱلرُّسُلَ﴾ را بیان فرمود در حالی که آنان فقط نوح عليه السلام را تکذیب کردند؛ زیرا هر امتی که یکی از پیامبران را انکار کند، گویی تمامی آنان را تکذیب کرده است. بنابراین به منظور نکوهش بیشتر و سخت‌تر بر آنان، عبارتی آورده شد که گویای جزئیات و ضمایم کارشان باشد. ابن عطیه: ۴/ ۲۱۰.
پرسش: چرا بیان شد که قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند در حالی که فقط نوح عليه السلام به سوی آنان فرستاده شد؟

۴ ﴿وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ أَغْرَقْنَٰهُمْ وَجَعَلْنَٰهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ٣٧ وَعَادًا وَثَمُودَا۟ وَأَصْحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ٣٨ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ ٱلْأَمْثَٰلَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا﴾
الله سبحانه خبر می‌دهد که برای تمامی کسانی که پیامبران به سوی‌شان فرستاده شدند، مثال‌ها و نمونه‌هایی را بیان فرمود، سپس آنان را هلاک کرد و هرگز پیش از اقامهٔ دلیل و برهان بر این افراد، آنان را مورد عقوبت قرار نداد. ابن تیمیه: ۵/ ۱۴.
پرسش: در چه صورتی نافرمانان مستحق عقوبت و مجازات هستند؟

۵ ﴿وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ٤٠ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِى بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا﴾
﴿وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ﴾: ضمیر در ﴿أَتَوْا۟﴾، به قریش و سایر کافران بازمی‌گردد. منظور از ﴿ٱلْقَرْيَةِ﴾، روستای قوم لوط، و منظور از ﴿مَطَرَ ٱلسَّوْءِ﴾، سنگ است. الله تعالی می‌پرسد مگر آن را ندیده‌اند؟ زیرا بر سر راه‌شان هنگامی که به شام می‌رفتند، قرار داشت. سپس می‌فرماید چون رستاخیز را انکار می‌کردند، از این مورد پند و عبرت نگرفتند. ابن جزی: ۲/ ۱۰۸.
پرسش: با توجه به آیه، دلیل عبرت‌نگرفتن از نشانه‌های و رخدادها را بیان کنید.

۶ ﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾
﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ﴾: یعنی هر گاه چیزی را بپسندد و به گمان و میل خود، زیبا و خوب بپندارد، آن را آیین و مذهبش قرار می‌دهد، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا ۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَٰتٍ﴾ [فاطر: ۸]؛ «آیا کسی که کردار بدش برای او آراسته شده، پس آن را نیک (و زیبا) می‌بیند (همانند کسی است که چنین نیست؟) پس بی‌گمان الله هر کس را که بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند، پس نباید جانت به سبب شدت تأسف (و حسرت) بر آنان از بین برود.» ابن کثیر: ۶/ ۱۱۳.
پرسش: عبادت و اطاعت از تمایلات نفسانی چگونه انجام می‌شود؟

۷ ﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾
یعنی از تمایلات نفسانی‌اش اطاعت کرده و همچون معبودش گشته است. تمایلات نفسانی انسان را به هر فسادی می‌کشاند؛ زیرا نفس به بدی فرمان می‌دهد. ابن عطیه: ۴/ ۲۱۲.
پرسش: در چه صورتی گفته می‌شود که انسان تمایلات نفسانی‌اش را عبادت می‌کند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَأَصْحَٰبَ ٱلرَّسِّ	اصحاب چاه.
وَقُرُونًا	امت‌ها.
ٱلْأَمْثَٰلَ	دلایل.
تَبَّرْنَا	نابود و ویران کردیم.
مَطَرَ ٱلسَّوْءِ	سنگ‌هایی از آسمان که آنان را نابود کرد.
كَادَ لَيُضِلُّنَا	نزدیک بود ما را گمراه کند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عاقِبَتِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنِي مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»؛ «یا الله! مرا در تمام امور عاقبت به خیر بگردان و مرا از رسوایی دنیا و عذاب آخرت نجات بده»، ﴿ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾

۲. به یکی از دعوتگران، در دعوت به سوی الله یاری رسان، ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلْنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرًا﴾

۳. از پیروی از هوای نفس به الله پناه ببر، ﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾

رهنمودها

۱. هر گاه اماکن یا مواضع نابودی ستمکاران را دیدی، پند و عبرت بگیر و غافل از آن‌جا رد نشو، ﴿وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾

۲. دعوتگر باید شرایط و اوضاع محیط دعوت را در نظر داشته باشد، و بر اساس احوال و جایگاه مخاطبان، آنان را دعوت دهد، ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾

۳. مشرکان بر باطل خویش صبر می‌کنند؛ پس تو بیش از صبری که آنان بر باطل خویش دارند، بر حقیقتی که بر آن هستی صبور باش، ﴿إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا﴾

سورة (الفرقان) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٤)

أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا
كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ٤٤ أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ
ٱلظِّلَّ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنٗا ثُمَّ جَعَلۡنَا ٱلشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيلٗا
٤٥ ثُمَّ قَبَضۡنَٰهُ إِلَيۡنَا قَبۡضٗا يَسِيرٗا ٤٦ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا ٤٧ وَهُوَ
ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ طَهُورٗا ٤٨ لِّنُحۡـِۧيَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا وَنُسۡقِيَهُۥ
مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرٗا ٤٩ وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُمۡ
لِيَذَّكَّرُواْ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ٥٠ وَلَوۡ شِئۡنَا
لَبَعَثۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا ٥١ فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدۡهُم
بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا ٥٢ ۞وَهُوَ ٱلَّذِي مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ هَٰذَا
عَذۡبٞ فُرَاتٞ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞ وَجَعَلَ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٗا
وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ٥٣ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ مِنَ ٱلۡمَآءِ بَشَرٗا فَجَعَلَهُۥ
نَسَبٗا وَصِهۡرٗاۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرٗا ٥٤ وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
مَا لَا يَنفَعُهُمۡ وَلَا يَضُرُّهُمۡۗ وَكَانَ ٱلۡكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرٗا ٥٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَرَجَ	در هم آمیخت.
فُرَاتٌ	بسیار گوارا.
أُجَاجٌ	بسیار شور.
بَرۡزَخٗا	حائلی که مانع می‌شود از این‌که یکی از آن دو دیگری را تباه کند.
وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا	پوششی که مانع رسیدن یکی از آن دو به دیگری می‌شود.
ظَهِيرٗا	یاور شیطان در برابر پروردگارش؛ با شرک و حمایت از او در معصیت.

عمل به آیات

۱. در نعمت سایه و خورشید بیندیش و سه مورد از فواید این دو نعمت را بنویس، ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنٗا ثُمَّ جَعَلۡنَا ٱلشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيلٗا﴾

۲. از الله تعالی تقاضا کن باران را بر سر سرزمین‌ها و بندگان بباراند، و هر گاه آب نوشیدی الله تعالی را به خاطر رحمت و فضلش سپاس و ستایش گوی، ﴿لِّنُحۡـِۧيَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا وَنُسۡقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرٗا﴾

۳. به دیدار برخی از خویشاوندانت برو یا از طریق تلفن با آنان تماس برقرار کن، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ مِنَ ٱلۡمَآءِ بَشَرٗا فَجَعَلَهُۥ نَسَبٗا وَصِهۡرٗاۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. انسان کافر در برابر امور آخرت مانند حیوان است بلکه حیوان از او بهتر است، ﴿أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾

۲. بر اساس فطرت زندگی کن؛ یعنی شب بخواب و روز به کار مشغول شو، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا﴾

۳. دعوتگر باید تمام تلاش خویش را در دعوت و جهاد به‌کار گیرد، ﴿وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا﴾

ترجمه آیات

آیا می‌پنداری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آنان جز همانند چهارپایان نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند. (۴۴) آیا [آفرینش] پروردگارت را ندیده‌ای که چگونه سایه را گسترانده است و اگر می‌خواست، آن را ثابت می‌نمود؟ آنگاه [تغییر جایگاه] خورشید [نسبت به زمین] را دلیل [گسترش و حرکت] آن [سایه] قرار دادیم. (۴۵) سپس [با تغییر ارتفاع خورشید، سایه را کوتاه می‌کنیم و] آن را اندک‌اندک به سوی خویش بازمی‌گیریم. (۴۶) و او تعالی است که شب را [با تاریکیِ فراگیرش] پوششی برای شما قرار داد و خواب را مایهٔ آسایش و روز را هنگام برخاستن [و کارِ و تلاش] ساخت. (۴۷) و اوست که پیش از [باران] رحمتش بادها را بشارت‌بخش فرستاد و از آسمان آبی پاک [و پاک‌کننده] فروفرستادیم. (۴۸) تا با آن [آب]، سرزمین [خشک و] مُرده را زنده گردانیم و چهارپایان و انسان‌های بسیاری را که آفریده‌ایم سیراب سازیم. (۴۹) و به راستی، آن [دلایل و نشانه‌های قدرت الهی] را به صورت‌های گوناگون بیان کردیم تا پند گیرند؛ ولی بیشتر مردم جز [انکار و] ناسپاسی نکردند. (۵۰) و اگر می‌خواستیم، در هر دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم. (۵۱) پس [ای پیامبر،] از کافران اطاعت نکن و به وسیلهٔ قرآن به جهادی بزرگ با آنان برخیز [و در این راه شکیبا باش]. (۵۲) و او همان ذاتی است که دو دریا را به هم آمیخت: این یکی خوشگوار و شیرین است و آن یکی بسیار شور و تلخ؛ و در میان آن دو مانعی نفوذناپذیر قرار داد [تا با هم نیامیزند]. (۵۳) و اوست که انسان را از آب [منی] آفرید و او را دارای [پیوند] نسبی و سببی گردانید؛ و پروردگارت همواره تواناست. (۵۴) و [مشرکان] به جای الله چیزی را عبادت می‌کنند که نه به آنان سودی می‌بخشد و نه زیانی می‌رساند؛ و کافر در برابر پروردگارش، پیوسته پشتیبان [شیطان] است. (۵۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾
بیان شد که بیشتر آنان و نه تمامی‌شان، دلایل شنیداری و عقلی را درک نمی‌کنند؛ زیرا افراد نادان و مقلدان‌شان این‌گونه هستند، و عاقلانی نیز دارند که می‌فهمند و به هستی و موجودات استدلال می‌کنند، ولی حبّ و علاقه به ریاست بر آنان چیره گشته و از این‌که پیرو پیامبر ﷺ و هم‌طراز ضعیفان و بردگان مؤمن قریش؛ همچون عمار و بلال رضی الله عنهما باشند، سر باز می‌زنند. ابن عاشور: ۱۹/ ۳۷.
پرسش: چرا فهم دلایل شنیداری و عقلی، از تمامی مشرکان نفی نشد؟

۲ ﴿أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾
زیرا آنان از آن‌چه می‌شنوند، پند نمی‌گیرند و از کفر و عنادشان دست نمی‌کشند، بر خلاف چهارپایان که فریاد و صدا در آن‌ها تاثیر می‌گذارد. به‌علاوه، از کسی که به آنان نیکی کند، تشکر نمی‌کنند در حالی که دوست‌شان است، و از فردی که به آنان بدی نماید، پرهیز نمی‌کنند در حالی که دشمن‌شان است، میل به پاداش ندارند و از عذاب نمی‌ترسند؛ چون ما نور و بصیرت‌شان را با تاریکی گمراهی شدید و فراوان‌شان پوشانده‌ایم، که اگر ایمان آورند، این پرده‌ها و موانع از بین می‌رود و انوار ایمان بر آنان می‌تابد و در نتیجه، به مفاهیم پنهان و ناشناخته پی می‌برند و اسرار نهان بر آنان آشکار می‌گردد: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهۡدِيهِمۡ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمۡ﴾ [یونس: ۹]؛ «بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان به سبب ایمان‌شان آن‌ها را به باغ‌های (بهشت) پر نعمت هدایت می‌کنند.» بقاعی: ۱۳/ ۳۹۵.
پرسش: چرا کافران گمراه‌تر از چهارپایان هستند؟

۳ ﴿إِنۡ هُمۡ إِلَّا كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾
قطعاً آنان از چهارپایان گمراه‌ترند؛ زیرا حیوانات به راهنمایی صاحب‌شان، راه می‌یابند، و راه نابودی‌شان را می‌شناسند و از آن دور می‌شوند و نیز عاقبت بهتری از آنان دارند. سعدی: ۵۸۴.
پرسش: چرا چهارپایان بهتر و راه‌یافته‌تر از کافران هستند؟

۴ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنٗا ثُمَّ جَعَلۡنَا ٱلشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيلٗا﴾
در کشیده‌شدن سایه و رفتن آن، نعمتی وجود دارد که مردم به‌وسیله آن اوقات نماز و کارهای‌شان را می‌شناسند و نیز گروه‌های مختلف حیوانات و سرزمین‌ها، به نوبت، از شعاع و نور خورشید و سایه‌ها فایده می‌برند؛ یعنی افرادی که زیر نور خورشید قرار دارند، با آمدن سایه بهره می‌برند و گروهی که در سایه بوده‌اند، با رفتن آن فایده می‌برند. ابن عاشور: ۱۹/ ۴۳.
پرسش: نعمت فراوان الهی را در آمدن و رفتن سایه بیان کنید.

۵ ﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَبَعَثۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا﴾
تو را هشداردهنده برای همگان قرار دادیم تا درجه و مقامت بالا رود، پس شکر نعمت پروردگارت را به جای آور. قرطبی: ۱۵/ ۴۴۹.
پرسش: چرا پیامبر ﷺ برای بیم و هشدار همگان انتخاب شد؟

۶ ﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا﴾
بر اساس آیه، جهاد و مبارزه عالمان علیه دشمنان دین که دلایلی را علیه آنان بیان می‌کنند، بسیار مهم و بزرگ است و بهره و درجهٔ کسانی که به‌وسیله قرآن، جهاد و مبارزه می‌کنند، از همه بیشتر و بالاتر است. آلوسی: ۱۰/ ۳۳.
پرسش: جهاد به‌وسیلهٔ قرآن چگونه انجام می‌شود؟

۷ ﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمۡ وَلَا يَضُرُّهُمۡۗ وَكَانَ ٱلۡكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرٗا﴾
نفی ضرر پس از نفی منفعت بدین سبب است که شبهه و دلیل واهی عبادت کنندگان نمادها و بت‌ها را ابطال و رد کند؛ چون انگیزهٔ عبادت، یا امید به منفعت است یا پرهیز از ضرر معبود، و کاملاً مشخص است و مشاهده می‌شود که بت‌ها هیچ ضرر و هیچ منفعتی به کافران و مشرکان نمی‌رسانند. ابن عاشور: ۱۹/ ۵۶.
پرسش: چرا از عبادت ضریح‌ها و قبرها نهی شده‌ایم؟

ترجمه آیات

و [ای پیامبر،] ما تو را جز بشارت‌بخش و بیم‌دهنده نفرستادیم. (۵۶) بگو: «من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند [و همین برایم کافی است]». (۵۷) و بر [پروردگارِ] زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن و او را با ستایش به پاکی یاد کن؛ و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است. (۵۸) [همان] ذاتی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، سپس [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. [او الله] رحمان است؛ پس در مورد او از کسی که آگاه است بپرس [و او نیز کسی جز الله نیست]. (۵۹) و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای [الله] رحمان سجده کنید»، می‌گویند: «رحمان کیست؟ آیا [قرار است] بر هر چه تو امر می‌کنی سجده بریم؟» و [این دعوتِ تو، دوری از حق و] نفرتشان را می‌افزاید. (۶۰) پربرکت [و بزرگوار] است آن ذاتی که در آسمان، منزلگاه‌هایی [برای ستارگان] قرار داد و در [میان] آنها خورشیدی [درخشان و روشنایی‌بخش] و ماهی تابان پدید آورد. (۶۱) و او تعالی است که شب و روز را در پی یکدیگر قرار داد، برای هر کس که بخواهد [از تدبیر الهی] پند گیرد یا سپاسگزار باشد. (۶۲) و بندگان [مؤمن و شایستۀ] رحمان، کسانی هستند که با فروتنی [و متانت] بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان [با سخنان ناپسند] آنان را مورد خطاب قرار دهند، [به جای تلافی، به نیکی پاسخ دهند و] گویند: سلام [و با بی‌اعتنایی درگذرند]. (۶۳) و کسانی که برای پروردگارشان، در حال سجده و قیام، شب‌زنده‌داری می‌کنند. (۶۴) و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بازگردان [که] بی‌تردید، عذابش [سخت و] پایدار است. (۶۵) حقا که دوزخ جایگاه و اقامتگاه بدی است». (۶۶) و [مؤمنان] کسانی هستند که چون انفاق می‌نمایند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سختگیری؛ و بین این دو [حالت، راهِ] اعتدال پیش می‌گیرند. (۶۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا﴾

﴿مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ﴾: یعنی بر این‌که شما را بشارت یا هشدار می‌دهم، درخواست اجر و مزد نمی‌کنم؛ تا مبادا مرا متهم کنید که این کار را برای دریافت مزد انجام می‌دهم یا این‌که نگویید: چرا گنجی به سویش انداخته نمی‌شود تا با آن خودش را از این کار بی‌نیاز کند. گویی می‌فرماید: اکتفا و انحصار بر زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی در مال، برای کسی که درخواستی از مردم دارد، ناپسند است و من پیش از نبوت، چنین صفتی نداشتم، پس چگونه امکان دارد که پس از نبوت، این‌گونه باشم؟! بنابراین جز فایدۀ شما، چیز دیگری مد نظر ندارم. بقاعی: ۱۳/ ۴۱۲.

پرسش: نشانۀ دعوتگران صادقی که بر راه و روش پیامبران گام بر می‌دارند، چیست؟

۲ ﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا﴾

در این آیه اشاره شده که انسان کامل، فقط به الله توکل و اعتماد می‌کند؛ زیرا توکل بر زنده‌هایی که مرگ به سراغ‌شان می‌آید، هر چند گاهی اوقات مفید است، ولی دوام ندارد. ابن عاشور: ۱۹/ ۵۹.

پرسش: بیان کنید که چرا فقط باید بر الله توکل کرد؟

۳ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا۩﴾

وقتی خودداری آنان از سجده‌کردن در برابر پروردگار رحمان با تعجب از کارشان بیان شد، با عمل بر خلاف کارشان، این مطلب تایید و تقویت شد، یعنی پیامبر ﷺ به قصد مخالفت با آنان و تاکید بر سجده در برابر ذات رحمان، به سجده افتادند. ابن عاشور: ۱۹/ ۶۳.

پرسش: دلیل سجده هنگام تلاوت آیۀ فوق چیست؟

۴ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا﴾

دل‌ها در طول شبانه‌روز تغییر می‌کنند و حالاتی شامل خوشحالی، تنبلی، یادآوری، غفلت، دلتنگی، گشایش، روی‌آوری و اعراض بر آن‌ها پیش می‌آید. الله سبحانه شب و روز را به گونه‌ای قرار داده است که برای مردم تکرار شوند تا در برخی لحظات، یادآوری، نشاط و شکر الله تعالی برای‌شان حاصل شود. سعدی: ۵۸۶.

پرسش: چگونه اختلاف شب و روز، سبب شکر الله سبحانه است؟

۵ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا﴾

عمر بن خطاب، حسن و ابن عباس ﷺ می‌گویند: یعنی هر کس می‌خواهد نیکی، نماز و سایر اعمالی را که در شب یا روز از دست داده است، به یاد آورد و تکرار کند، در شب یا روزی که دوباره می‌آید، آن را جبران کند. ابن عطیه: ۴/ ۲۱۸.

پرسش: با توجه به آیه، تاثیر پی‌درپی آمدن شب و روز را در عبادت بنده توضیح دهید.

۶ ﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا﴾

«هَون» مصدر «هَیِّن» به معنای آرامش و وقار است. در تفسیر آمده است که: یعنی با بردباری و فروتنانه بر روی زمین راه می‌روند، با میانه‌روی و وقار، آرامش و پیروی از اخلاق پیامبر ﷺ گام بر می‌دارند. قرطبی: ۱۵/ ۴۶۶.

پرسش: اخلاق مؤمن در راه‌رفتن بر روی زمین را بیان کنید.

۷ ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا﴾

می‌فرماید: وقتی کسانی که الله را نمی‌شناسند، آنان را با سخنان ناپسندی مورد خطاب قرار می‌دهند، با سخنان نیک و صحیح پاسخ‌شان را می‌دهند. طبری: ۱۹/ ۲۹۵.

پرسش: روش حکیمانۀ رفتار و پاسخ به جاهلان را بیان کنید.

سورة (الفرقان) الجزء (۱۹) صفحة (۳٦٥)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ﴿٥٦﴾ قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ
مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلۡ
عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ
بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۛ ٱلرَّحۡمَٰنُ
فَسۡـَٔلۡ بِهِۦ خَبِيرٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ
وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا۩ ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ
ٱلَّذِي جَعَلَ فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجٗا وَقَمَرٗا
مُّنِيرٗا ﴿٦١﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ
أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ
عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا
﴿٦٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ﴿٦٤﴾ وَٱلَّذِينَ
يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ
غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ﴿٦٦﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ
أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ﴿٦٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱسۡتَوَىٰ	آن‌گونه که سزاوار شکوه و عظمت اوست، استوا نمود.
نُفُورًا	دوری.
بُرُوجًا	برج‌هایی بزرگ در قرارگاه‌های‌شان.
خِلۡفَةً	پی‌درپی که به دنبال هم می‌آیند.
هَوۡنًا	با آرامش و وقار و فروتنی.
يَقۡتُرُواْ	در انفاق سختگیری می‌کنند (اندکی انفاق می‌کنند).
قَوَامًا	میانه.

عمل به آیات

۱. امروز با اقتدا به پیامبر ﷺ، یکی از گناهکاران یا غافلان را دعوت بده و قبل از این‌که بترسانی، بشارت بده، ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا﴾

۲. چند رکعت نماز شب ادا کن، ﴿وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا﴾

۳. بکوش امروز در مخارج خودت و خانواده‌ات مرتکب هیچ افراط و تفریطی نشوی، ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا﴾

رهنمودها

۱. دعوتگر باید نسبت به اموال مَدعُوین احساس بی‌نیازی کند و هیچ مزدی از آنان نگیرد؛ که این کار یکی از اسباب نزدیکی به الله و نشانۀ راستی و درستی دعوتگر است، ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا﴾

۲. بر غیر الله توکل نکن که خواهد مُرد، و بر الله توکل کن که ذاتی همیشه زنده است، ﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦ﴾

۳. هر کجا بودی از الله سبحانه حیا کن؛ زیرا او تعالی از تمام گناهان تو آگاه است، ﴿وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا﴾

سورة (الفرقان) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٦)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ
فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ
غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ
إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا
بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ
رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا
وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ
حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي
لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَتَابًا	بازگشتی صحیح.
لَمْ يَخِرُّوا	غافلانه به سجده نمی‌افتند، بلکه فرمانبردارانه سجده می‌کنند.
قُرَّةَ أَعْيُنٍ	چشمان‌مان به آنان روشن شود و با آنان انس بگیریم و شاد باشیم.
مَا يَعْبَأُ	اهمیتی به شما نمی‌دهد.
لِزَامًا	عذابی همیشگی و همراه شما.

عمل به آیات

۱. امروز صد مرتبه به درگاه الله استغفار و توبه کن، ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾

۲. در راه الله یک روز روزه بگیر یا در خدمت یک نیازمند باش، ﴿وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا﴾

۳. از الله تعالی بخواه با فرزند صالح و همسری بابرکت، چشمت را روشن بگرداند و همیشه این دعا را بر زبان جاری کن: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾

رهنمودها

۱. همت بلند دار و از الله تعالی بخواه تو را پیشوای پرهیزگاران قرار دهد، ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾

۲. از الله تعالی بترس تا تو را از شرک و گناهان کبیره بازدارد و به یاد داشته باش که گناهان بر دین و دنیا تاثیر می‌گذارند، ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾

۳. در این رحمت و فضل بزرگ الله تعالی بیندیش که بدی‌های بندهٔ توبه‌کارش را به نیکی تبدیل می‌کند، ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾.

ترجمه آیات

و کسانی که معبودی دیگر با الله نمی‌خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به‌حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس این [گناهان] را مرتکب شود، کیفرِ گناه [خویش] را می‌بیند. (۶۸) روز قیامت، عذابش چندین برابر می‌گردد و با خواری در آن [عذاب] جاودان می‌ماند. (۶۹) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد؛ اینانند که الله بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و الله همواره آمرزگاری مهربان است. (۷۰) و کسی که توبه کند و کاری شایسته انجام دهد، یقیناً به درگاه الله ـ چنان که باید و شاید ـ توبه کرده است. (۷۱) و کسانی [مؤمن هستند] که گواهیِ دروغ نمی‌دهند [و در مجالس باطل حضور نمی‌یابند] و چون به [کار ناپسند یا] بیهوده‌ای برخورد می‌کنند، بزرگوارانه [از کنارش] می‌گذرند [و خود را آلوده نمی‌سازند]. (۷۲) و کسانی که چون به آیات پروردگارشان پند داده می‌شوند، [از آن غفلت نمی‌کنند و در برابر قرآن،] چون کران و کوران نیستند. (۷۳) و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، از همسران و فرزندانمان [کسانی را] به ما عطا فرما که [مایهٔ شادیِ دل‌ها و] روشنیِ چشم‌ها باشند و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده». (۷۴) [آری،] اینان به پاس آنکه شکیبایی کرده‌اند، منازل [عالی بهشت] را پاداش می‌گیرند و در آنجا با درود و سلام [فرشتگان] روبرو می‌گردند. (۷۵) در آنجا جاودانند. چه نیکو جایگاه و [چه نیک] اقامتگاهی است! (۷۶) [به کافران] بگو: «اگر عبادت و دعایتان نباشد، پروردگارم اعتنایی به شما ندارد [و ارزشی برایتان قائل نیست]. به راستی، شما [دعوت حق را] تکذیب کردید؛ به زودی [کیفرِ این کار،] گریبان‌گیرتان خواهد شد». (۷۷)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾

بزرگ‌ترین گناهان کبیره، کفر، سپس کشتن انسان به ناحق و پس از آن، زناست؛ چنان‌که الله فرموده است... در صحیح بخاری و صحیح مسلم، از عبدالله بن مسعود روایت شده است که: از رسول الله ﷺ پرسیدم: چه گناهی از همه بدتر و بزرگ‌تر است؟ فرمود: «این‌که به الله که تو را آفریده است، شرک بورزی.» گفتم: سپس چه گناهی؟ فرمود: «این‌که فرزندت را از ترس آن‌که با تو غذا بخورد، بکشی.» پرسیدم: سپس چه گناهی؟ فرمود: «این‌که با زن همسایه‌ات زنا کنی.» [صحیح بخاری: ۴۴۷۷؛ صحیح مسلم: ۸۶] این ترتیب، عاقلانه به نظر می‌رسد؛ زیرا انسان سه نیرو و قدرت دارد؛ نیروی عقل، خشم و شهوت. ابن تیمیه: ۵/ ۲۱- ۲۲.

پرسش: چرا گناهان مذکور در آیه، به ترتیب (شرک، قتل و زنا) بیان شد؟

❷ ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾

گناهان قبلی، بر اثر توبهٔ خالصانه، به نیکی تبدیل می‌شوند؛ زیرا هر گاه انسان گناهان گذشته‌اش را به یاد آورد، پشیمان می‌شود و استغفار می‌کند و از این لحاظ، گناه به اطاعت تبدیل می‌شود و در روز قیامت، هر چند آن گناه در نامهٔ اعمالش ثبت شده است، ولی ضرری به وی نمی‌رساند و به نیکی تبدیل می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۳۱۶.

پرسش: بر اساس آیه، فضیلت و ارزش توبهٔ صادقانه را بیان کنید.

❸ ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾

﴿لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾: یعنی به دروغ گواهی نمی‌دهند. بنابر قولی: به مجالس دروغ و لهو و لعب نمی‌روند و حاضر نمی‌شوند. قول اول بهتر به نظر می‌رسد. ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾: لغو یعنی هر نوع سخن زشت و ناپسند، و ﴿مَرُّوا كِرَامًا﴾: یعنی از آن روی می‌گردانند و شرم و حیا دارند و با افراد تبهکار نشست و برخاست نمی‌کنند؛ تا خودشان را از این عمل ناپسند پاک و مبرا کنند. ابن جزی: ۲/ ۱۱۳.

پرسش: تکلیف مسلمان هنگامی که به مجلس گناه و لهو و لعب می‌رسد، چیست؟

❹ ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾

﴿لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾: یعنی از آیات الهی روی نمی‌گردانند، بلکه با تمام وجود، به آن روی می‌آورند. ابن جزی: ۲/ ۱۱۳.

پرسش: ویژگی‌های انسان مسلمان، هنگام شنیدن آیات قرآن چیست؟

❺ ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾

الله تعالی را با کامل‌ترین و بهترین دعایی که از آن فایده می‌برند، می‌خوانند؛ همچون اصلاح همسران و فرزندان‌شان، که از لوازم و ضروریات آن، تلاش برای آموزش آنان و موعظه و نصیحت‌شان است؛ زیرا هر کس که به چیزی علاقه دارد و از الله کمک می‌خواهد، باید خودش نیز برای رسیدن به آن تلاش کند. سعدی: ۵۸۸.

پرسش: دعا برای اصلاح همسران و فرزندان، انجام چه کاری را می‌طلبد؟

❻ ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾

قرطبی می‌گوید: هیچ‌چیز برای مؤمن خوشحال‌کننده‌تر از این نیست که ببیند همسر و فرزندانش اطاعت الله را به جای می‌آورند. بغوی: ۳/ ۳۴۷.

پرسش: چه کاری انسان مؤمن را بیشتر از هر عمل دیگری، خوشحال می‌کند؟

❼ ﴿أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾

یازده صفتی منظور است که بیان شد: تواضع، بردباری، تهجد، ترس از الله، اسراف‌نکردن، ترک خسّت و فرومایگی، شرک‌نورزیدن، زنانکردن، نکشتن انسان به ناحق، توبه، دروغ‌نگفتن، عفو انسان خطاکار، پذیرش دعوت حق و اظهار نیاز به الله از طریق دعا. ابن عاشور: ۱۹/ ۸۴.

پرسش: صفات نیکوی بندگان پروردگار رحمان را که در آیات پیشین، بیان شد، بنویس و تلاش کن تو هم چنین صفاتی داشته باشی.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ (١) تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ (٢) لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا
يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ (٣) إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ
أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ (٤) وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ
إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ مُعْرِضِينَ (٥) فَقَدْ كَذَّبُوا۟ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟
بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٦) أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ
كَرِيمٍ (٧) إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (٨) وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (٩) وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ (١٠) قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ (١١) قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ
أَن يُكَذِّبُونِ (١٢) وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ
إِلَىٰ هَٰرُونَ (١٣) وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (١٤) قَالَ
كَلَّا ۖ فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ ۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ (١٥) فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ
فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (١٦) أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
(١٧) قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ
(١٨) وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ (١٩)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بَٰخِعٌ	نابودکننده.
مُحْدَثٍ	تازه نازل‌شده.
زَوْجٍ كَرِيمٍ	نوعی نیکو و سودمند.

عمل به آیات

۱. امروز در یکی از مجالس ذکر و علم حاضر شو، ﴿وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ مُعْرِضِينَ﴾

۲. به یک باغ یا میدان تره‌بار برو و در مظاهر عظمت الله در میوه‌های مختلف و گوناگون بیندیش، ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾

۳. با روشی مناسب، به منکری که میان دوستان یا همسایگانت رواج دارد اعتراض کن، ﴿وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

رهنمودها

۱. قرآن کریم اعجازانگیز است؛ چون از حروفی مانند (طاء، سین، و میم) تشکیل شده و هیچ‌کس نتوانسته مانند آن را بنویسد، ﴿طسٓمٓ﴾

۲. رسول الله ﷺ غم و اندوه زیادی برای قومش داشت اما آنان او را تکذیب کردند، ﴿لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ﴾

۳. از عاقبت تکذیب آیات الله و گستاخی در این کار، برحذر داشته شده است، ﴿فَقَدْ كَذَّبُوا۟ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

سورهٔ شعراء

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

طسم [= طا. سین. میم]. (۱) این آیاتِ کتابِ روشنگر است. (۲) گویی می‌خواهی از [اندوهِ] اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، خود را هلاک کنی. (۳) اگر بخواهیم، از آسمان نشانه‌ای بر آنان نازل می‌کنیم که در برابرش با فروتنی سر فرود آورند. (۴) و هیچ پند تازه‌ای از سوی [الله] رحمان برایشان نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردانند. (۵) به راستی آنان [دعوت پیامبران و عذاب قیامت را] تکذیب کردند؛ به زودی اخبار آنچه مسخره می‌کردند به آنان خواهد رسید. (۶) آیا به زمین نمی‌نگرند که چه بسیار از هر گونه [گیاه] زیبا [و سودمندی] در آن رویانده‌ایم؟ (۷) بی‌تردید، در این [آفرینش،] نشانه‌ای [از قدرت الله بر معاد] است؛ و[لی] بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند. (۸) و بی‌تردید، پروردگارت شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۹) و [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت موسی را ندا داد که: «به سوی قوم ستمکار برو (۱۰) ـ قوم فرعون ـ [و به آنان بگو] آیا [از کفر و سرکشی] نمی‌پرهیزند؟» (۱۱) [موسی] گفت: «پروردگارا، به‌راستی می‌ترسم که مرا تکذیب کنند، (۱۲) و دلم [از تکذیب و کفرشان] تنگ می‌گردد و زبانم [به قدر کافی گویا و] روان نیست؛ پس [جبرئیل را] به سوی هارون بفرست [تا مرا یاری کند]. (۱۳) و آنان [به گمان خویش، قصاصِ] گناهی بر [گردن] من دارند؛ می‌ترسم که مرا بکشند». (۱۴) [الله] فرمود: «هرگز! [چنین نیست که بتوانند تو را به قتل برسانند. پس تو و هارون] با آیات [و معجزات] ما بروید. یقیناً [با یاری و تایید] با شماییم و [گفتگویتان را] می‌شنویم. (۱۵) پس نزد فرعون بروید و بگویید: "ما فرستادهٔ پروردگار جهانیان هستیم؛ (۱۶) که بنی‌اسرائیل را همراه ما بفرست"». (۱۷) [فرعون] گفت: «آیا تو را در کودکی میان خویش پرورش ندادیم و سال‌هایی از عمرت را بین ما نبودی؟ (۱۸) و کار خود را ـ چنان که خواستی ـ کردی [و برای یاری مردی از قومت آن مرد قِبطی را کشتی]؛ و تو [نسبت به نعمت‌های من] ناسپاسی». (۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ مُعْرِضِينَ﴾

صفت رحمت بیان شد تا بیانگر شدت و زشتی فراوان بدی و جرم‌شان باشد؛ زیرا رویگردانی از آن‌چه از جانب الله می‌آید، کاملاً زشت و ناپسند است و فراتر از آن، اعراض از آن‌چه الله تعالی بر اثر رحمت و مهربانی خود و برای منفعت خودشان می‌فرستد، بسیار بدتر و ناپسندتر است؛ یعنی اعراض از آن‌چه برای یادآوری و نصیحت آنان می‌آید یا رویگردانی از بخشی از آیات قرآن که به اقتضای رحمت گسترده و فراوان الله نازل می‌شود و او تعالی بر حسب حکمت و مصلحت، نزولش را تکرار می‌کند، ولی آنان به رویگردانی ادامه می‌دهند و روش قبلی خود را در پیش می‌گیرند. آلوسی: ۱۰/ ۶۱.

پرسش: صفت «رحمان» در آیه، بیانگر چه مطلبی است؟

۲ ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾

﴿مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: یعنی از تمامی انواع گیاهان، که شامل غذاها، میوه‌ها، داروها و چراگاه‌ها می‌شود. از آن‌جا که زیبا و دارای منافع است، آن را با صفت ﴿كَرِيمٍ﴾ معرفی کرد. ابن جزی: ۲/ ۱۱۴.

پرسش: چرا الله در توصیف گیاهان فرمود ﴿كَرِيمٍ﴾ گرامی و شریف هستند؟

۳ ﴿وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ﴾

آفریدگار، قصهٔ موسی عليه السلام را دوباره بیان کرد و این ماجرا را بر خلاف قصه‌های دیگر، چندین بار تکرار کرده است؛ چون حکمت‌ها و پندهای مهمی دارد و نیز بیانگر رخدادهای میان موسی عليه السلام و ستمکاران و مؤمنان است، پیامبری که دارای شریعتی بزرگ و صاحب تورات است؛ یعنی بهترین کتاب آسمانی پس از قرآن. سعدی: ۵۸۹.

پرسش: چرا قصهٔ موسی عليه السلام بیشتر از سایر قصه‌ها در قرآن تکرار شده است؟

۴ ﴿وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝١٠ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ﴾

ستم انواعی دارد؛ از جمله: ستم به خودشان که آن‌چه را مستحق عبادت نبود، عبادت کردند، ستم به مردم و نادیده‌گرفتن حقوق‌شان، که بنی‌اسرائیل را به بردگی گرفتند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار دادند. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۰۴.

پرسش: چند نوع از ستم قوم فرعون را بیان کنید.

۵ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ۝١٢ وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ ۝١٣ وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ﴾

این موارد عذرها و مشکلاتی بودند که موسی عليه السلام از الله درخواست کرد آن‌ها را از بین ببرد، چنان‌که در سوره «طه» آمده است: ﴿قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى ۝٢٥ وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى ۝٢٦ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى ۝٢٧ يَفْقَهُوا۟ قَوْلِى ۝٢٨ وَٱجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى ۝٢٩ هَٰرُونَ أَخِى ۝٣٠ ٱشْدُدْ بِهِۦٓ أَزْرِى ۝٣١ وَأَشْرِكْهُ فِىٓ أَمْرِى ۝٣٢ كَىْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ۝٣٣ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ۝٣٤ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ۝٣٥ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ﴾ [طه: ۲۵-۳۶]؛ «(موسی) گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا. و کارم را برایم آسان گردان. و گره از زبانم باز کن. تا سخنانم را بفهمند. و برای من (یاور و) وزیری از خاندانم قرار ده. برادرم هارون را. به (وسیلهٔ) او پشت مرا محکم کن. و او را در کار (رسالت) من شریک ساز. تا تو را بسیار تسبیح گوییم. و بسیار تو را یاد کنیم. بی‌شک تو به (حال) ما خوب بینایی. فرمود: ای موسی! هر چه خواستی به تو داده شد.» ابن کثیر: ۳/ ۳۲۱.

پرسش: هدف موسی عليه السلام از دعای مذکور چه بود؟

۶ ﴿وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ﴾

با توجه به این آیه، کسی که در کارش استقلال ندارد و می‌ترسد دچار کوتاهی و مشکل شود، می‌تواند فردی را انتخاب کند که به وی یاری رساند و این کار هیچ ایرادی ندارد. قرطبی: ۱۶/ ۱۳.

پرسش: از این‌که موسی عليه السلام درخواست کرد الله تعالی هارون عليه السلام را همیار و مددکار وی در کارش قرار دهد، چه نتیجه‌ای به دست می‌آید؟

۷ ﴿وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ۝١٤ قَالَ كَلَّا﴾

یعنی نمی‌توانند تو را بکشند... به همین سبب، فرعون نتوانست موسی عليه السلام را بکشد، با وجود این‌که موسی عليه السلام بسیار علیه او مبارزه کرد، او را بی‌خرد و نادان معرفی کرد و وی و قومش را گمراه دانست. سعدی: ۵۸۹.

پرسش: چرا فرعون نتوانست موسی عليه السلام را بکشد؟

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٨)

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذٗا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمٗا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٞ
تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ
﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ
﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ
ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٞ
﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ
﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ
﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٖ مُّبِينٖ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٞ مُّبِينٞ ﴿٣٢﴾
وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُۥٓ
إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم
بِسِحْرِهِۦ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوٓاْ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِي ٱلْمَدَآئِنِ
حَٰشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ
لِمِيقَٰتِ يَوْمٖ مَّعْلُومٖ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلضَّآلِّينَ	جاهلان؛ این حالت قبل از آن بود که بر من وحی شود.
حُكْمٗا	نبوت.
عَبَّدتَّ	آنان را برده ساخته‌ای.
وَنَزَعَ يَدَهُۥ	دستش را از گریبانش درآورد.
أَرْجِهْ	کارش را به تأخیر بینداز.
حَٰشِرِينَ	لشکریانی که ساحران را گرد می‌آورند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ» [صحیح؛ سنن نسایی: ۱۳۰۵] «یا الله! ترس از تو را در نهان و آشکارا، و سخن حق را در خشنودی و خشم، از تو می‌خواهم»، ﴿قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذٗا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ﴾

۲. انسان ضعیف و مظلومی را بیاب و با دفاع از او، در جستجوی ثواب باش، ﴿وَتِلْكَ نِعْمَةٞ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ﴾

۳. در سه مورد از مظاهر عظمت الله تعالی بیندیش، ﴿قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. ترس طبیعی، منافاتی با ترس از الله تعالی ندارد، ﴿فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمٗا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ﴾

۲. متکبران و دیکتاتورها هر گاه از ارائهٔ دلیل درمانده شوند، به تهدید و استفاده از زور پناه می‌برند، ﴿قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ﴾

۳. کسی که به سوی الله دعوت می‌دهد باید مناظره و ارائهٔ دلایل روشن و قوی را تمرین کند؛ زیرا این کار حق را آشکارتر می‌گرداند، ﴿قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٖ مُّبِينٖ﴾

ترجمه آیات

[موسی] گفت: «من آن [کار] را زمانی انجام دادم که از بی‌خبران بودم [نمی‌دانستم مشتی سبب قتل می‌گردد]. (۲۰) آنگاه چون از شما ترسیدم، فرار کردم. آنگاه پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۱) و این [چه] نعمتی است که تو بر من منت می‌گذاری که بنی‌اسرائیل را بردهٔ خود ساخته‌ای؟» (۲۲) فرعون گفت: «پروردگار جهانیان کیست؟» (۲۳) [موسی] گفت: «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست. اگر اهل یقین هستید [تنها او را عبادت کنید]». (۲۴) [فرعون] به کسانی که در اطرافش بودند [با تمسخر] گفت: «آیا می‌شنوید [چه می‌گوید]؟» (۲۵) [موسی] گفت: «[الله] پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست». (۲۶) [فرعون] گفت: «این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، یقیناً دیوانه است». (۲۷) [موسی] گفت: «اگر بیندیشید، [خواهید دانست که او] پروردگار مشرق و مغرب و همهٔ چیزهایی است که میان آن دو قرار دارد». (۲۸) [فرعون پس از ناتوانی از استدلال با موسی] گفت: «اگر معبودی جز من برگزینی، قطعاً تو را زندانی می‌کنم». (۲۹) [موسی] گفت: «حتی اگر نشانهٔ آشکاری [در مورد رسالتم] برایت آورده باشم؟» (۳۰) [فرعون] گفت: «اگر راست می‌گویی، آن را بیاور». (۳۱) آنگاه [موسی] عصایش را افکند که ناگهان [به] اژدهایی آشکار [تبدیل] شد. (۳۲) و دستش را [از گریبان] بیرون آورد و ناگاه در نظرِ بینندگان سپید [و روشن] بود. (۳۳) [فرعون] به بزرگان پیرامونش گفت: «حقا که این [مرد]، جادوگری داناست. (۳۴) [او] می‌خواهد شما را با جادویش از سرزمینتان بیرون کند؛ نظرتان چیست؟» (۳۵) آنان گفتند: «[تصمیم دربارهٔ مجازاتِ] او و برادرش را به تأخیر انداز و مأمورانِ جمع‌آوری را به [همهٔ] شهرها بفرست (۳۶) تا هر جادوگر ماهر [و] دانایی را نزدت بیاورند». (۳۷) [چنین کردند، و سرانجام] جادوگران برای وعده‌گاه روز معیّن گرد آورده شدند. (۳۸) و به مردم گفته شد: «آیا شما [نیز] جمع می‌شوید تا [ببینیم برنده کیست]؟ (۳۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَتِلْكَ نِعْمَةٞ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ﴾

موسی عليه السلام می‌گوید: «بر من منت می‌گذاری که مرا پرورش دادی، و جرم و جنایت خویش را علیه بنی‌اسرائیل فراموش می‌کنی که آنان را به بردگی گرفتی و رفتارهای ناروایی با این قوم داشتی!» یا می‌خواهد بگوید: «چگونه بر من منت می‌نهی که مرا پرورش دادی در حالی که قومم را به بردگی گرفتی؟! هر کس که قومش مورد اهانت قرار گیرند، خوار و ذلیل می‌شود. پس این که بنی‌اسرائیل را به بردگی گرفتی، نیکیِ تو به من را از بین می‌برد و بی‌نتیجه می‌کند». بغوی: ۳/ ۳۵۶.

پرسش: وقتی فرعون بر موسی عليه السلام منت گذاشت، موسی عليه السلام چه پاسخی به او داد؟

۲ ﴿قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٞ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

﴿إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾: اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که شما دیوانه هستید نه موسی عليه السلام. شما عاقل‌ترین و داناترین فرد را دیوانه دانستید در حالی که خودتان دیوانه‌اید؛ چون عقل‌تان را از دست داده‌اید و آشکارترین موجود؛ یعنی آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین و آن‌چه میان‌شان است را انکار کرده‌اید. سعدی: ۵۹.

پرسش: سخن موسی عليه السلام انکار و ردّ سخن فرعون است که او را متهم به جنون کرد، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

وقتی فرعون را با نرمی مورد خطاب قرار داد و او با بی‌ادبی پاسخ داد، دلیلش را با این عبارت به پایان برد: ﴿إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ یعنی پس شما آن را می‌دانید... بنابراین سخنش خشن و با کنایه بود با وجود این‌که آن را به نرمی گفت و بسیار روشن بود با وجود این‌که پنهان و با کنایه بیان شد. بقاعی: ۱۴/ ۲۷.

پرسش: نشانهٔ حکمت و خرد این است که سخن مناسب در جای مناسب گفته شود، این مطلب را با توجه به آیه بیان کنید.

۴ ﴿قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

اگر سؤال شود: چرا اول گفت: ﴿إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ﴾، سپس گفت: ﴿إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾؟ در پاسخ می‌گوییم: موسی عليه السلام ابتدا که به ایمان‌شان امید داشت، با نرمی سخن گفت، ولی چون سرکشی و ادعاهای باطل آنان را دید، با عبارت ﴿إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾، این افراد را توبیخ و سرزنش کرد. و این سخن را در پاسخ به سخن فرعون که پیامبرتان دیوانه است، بر زبان آورد. ابن جزی: ۲/ ۱۱۷.

پرسش: چرا موسی عليه السلام ابتدا به فرعون گفت: ﴿إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ﴾، سپس گفت: ﴿إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾؟

۵ ﴿قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ﴾

وقتی فرعون شکست خورد و دلایلش بر باد رفت، قصد کرد از جاه و قدرت و پادشاهی‌اش کمک گیرد. ابن کثیر: ۳/ ۳۲۲.

پرسش: شیوهٔ ستمکاران وقتی که هیچ دلیل و برهانی ندارند، چیست؟

۶ ﴿فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٞ مُّبِينٞ﴾

﴿مُّبِينٞ﴾: بر شدت ظهور، دلالت می‌کند؛ زیرا افزایش لفظ بیانگر افزایش معناست؛ یعنی اژدهایی که اژدها بودنش آشکار بود و هیچ ابهام و تخیلی در آن وجود نداشت. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۲۳.

پرسش: چرا در آیه اژدها به ﴿مُّبِينٞ﴾ توصیف شد؟

۷ ﴿قَالُوٓاْ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِي ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوْمٖ مَّعْلُومٖ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ﴾

این یکی از مواردی بود که الله می‌خواست آنان را خوار و رسوا کند؛ تا مردم در یک مکان جمع شوند و آیات و نشانه‌های الهی در روز و آشکارا برای مردم روشن شود. ابن کثیر: ۳/ ۳۲۲.

پرسش: فرعون قصد داشت با گردآوردن ساحران، دلیل موسی عليه السلام را باطل کند، اما خلاف ارادهٔ او اتفاق افتاد، این مطلب را توضیح دهید.

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٦٩)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤٠ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ
قَالُواْ لِفِرۡعَوۡنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤١ قَالَ نَعَمۡ
وَإِنَّكُمۡ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٢ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ
٤٣ فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ
ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤ فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ
٤٥ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ٤٦ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧
رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٤٨ قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ
لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَ فَلَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَۚ لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٤٩ قَالُواْ لَا ضَيۡرَۖ إِنَّآ
إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ٥٠ إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ
أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٥١ ۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِيٓ إِنَّكُم
مُّتَّبَعُونَ ٥٢ فَأَرۡسَلَ فِرۡعَوۡنُ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ٥٣ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ
لَشِرۡذِمَةٞ قَلِيلُونَ ٥٤ وَإِنَّهُمۡ لَنَا لَغَآئِظُونَ ٥٥ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ
٥٦ فَأَخۡرَجۡنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ٥٧ وَكُنُوزٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ ٥٨
كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٥٩ فَأَتۡبَعُوهُم مُّشۡرِقِينَ ٦٠

ترجمه آیات

امید که اگر جادوگران پیروز شدند، [همگی] از آنان پیروی کنیم». (۴۰) وقتی جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: «اگر ما پیروز شویم، آیا پاداشی خواهیم داشت؟» (۴۱) او گفت: «آری؛ در آن صورت، قطعاً از نزدیکانم خواهید بود». (۴۲) موسی به آنان گفت: «هر چه [می‌خواهید] بیفکنید، [اکنون] بیفکنید». (۴۳) آنان ریسمان‌ها و عصاهایشان را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون سوگند که ما حتماً پیروزیم». (۴۴) سپس موسی عصایش را افکند؛ ناگهان [به اژدهایی تبدیل شد و] آنچه را به دروغ ساخته بودند بلعید. (۴۵) آنگاه جادوگران به سجده درافتادند. (۴۶) [و] گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (۴۷) پروردگار موسی و هارون». (۴۸) [فرعون] گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی‌تردید، او همان بزرگِ شماست که به شما جادو آموخته است. به زودی خواهید دانست [که مجازاتتان چیست]. یقیناً دست‌ها و پاهایتان را برعکس [یکدیگر از چپ و راست] قطع می‌کنم و همگی‌تان را به دار می‌آویزم». (۴۹) آنان گفتند: «[در این شکنجه و عذاب] هیچ زیانی نیست. بی‌تردید، ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم. (۵۰) امیدواریم که پروردگارمان گناهان ما را ببخشد که ما نخستین کسانی هستیم که [از این قوم، به پروردگارِ موسی] ایمان آورده‌ایم». (۵۱) و به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه [از مصر] بیرون ببر؛ [زیرا سپاه فرعون] قطعاً در پیِ شما خواهد آمد». (۵۲) فرعون [چون از ماجرا آگاه گردید] مأمورانِ جمع‌آوری [نیرو] را به شهرها فرستاد. (۵۳) [و اعلام کرد:] اینها [= بنی‌اسرائیل] عده‌ای ناچیزند (۵۴) و جداً ما را به خشم آورده‌اند (۵۵) و ما همگی کاملاً [هوشیار و] آمادهٔ پیکاریم». (۵۶) [سرانجام] آنان را از باغ‌ها و چشمه‌ها[ی سرزمین مصر] بیرون آوردیم (۵۷) و از گنج‌ها و خانه‌های مجلّل [دور ساختیم]. (۵۸) اینچنین [کردیم] و بنی‌اسرائیل را وارث آن [ثروت و داراییِ] نمودیم. (۵۹) [سپاه فرعون] هنگام طلوع آفتاب به تعقیب آنان پرداختند. (۶۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ﴾

موسی عليه السلام ابتدا اقدام به انداختن عصایش نکرد؛ زیرا موضوع علمی بود و نه جنگی؛ در جنگ، خوب و مفید است که انسان ابتدا زمام و مهار جنگ را در دست گیرد، ولی در موضوع علمی، بهتر است ابتدا دشمن مقدم شود و زمانی که وی دلایلش را ارائه دهد، با دلیل و برهان علیه او اقدام گردد و شکست داده شود و در نتیجه، حق آشکار گردد و بر باطل چیره شود. موسی عليه السلام این روش را با الهام‌گرفتن از پروردگارش در پیش گرفت. جزائری: ۳/ ۶۴۹.

پرسش: چرا موسی عليه السلام پیش از ساحران، اقدام به انداختن عصایش نکرد؟

۲ ﴿فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

آنان به عزت و شکوه فرعون سوگند یاد کردند. بنابراین هر کس که به غیر الله قسم خورد - مثلا بگوید: سوگند به جان، سر و حق فلانی و امثال آن- پیرو این روش جاهلی است. بقاعی: ۱۴/ ۳۲-۳۳.

پرسش: سوگند یادکردن به غیر الله بر یکسان‌دانستن غیر الله با او تعالی از لحاظ تعظیم و بزرگداشت دلالت می‌کند، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

هدفشان از این کار، ایجاد ترس و وحشت در دل موسی عليه السلام بود؛ تا آن‌چه او می‌اندازد، از روی بی‌اعتمادی و سستی باشد؛ چون می‌دانستند که عزم و اراده یکی از اسباب موفقیت سحر و تاثیر آن بر بینندگان است. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۲۷.

پرسش: چرا ساحران گفتند قطعاً ما پیروزیم؟

۴ ﴿إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَ﴾

همگی از بطلان این دشمنی و عناد آگاه هستند؛ زیرا ساحران پیش از آن روز، هرگز با موسی عليه السلام جمع نشده بودند، پس چگونه امکان دارد که بزرگ و استادشان در سحر باشد؟! هیچ فرد عاقلی چنین سخنی نمی‌گوید. ابن کثیر: ۳/ ۳۲۴.

پرسش: آیهٔ فوق، بیانگر دشمنی و لجاجت فراوان فرعون است، این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿قَالُواْ لَا ضَيۡرَ﴾

ساحران - وقتی که شیرینی ایمان را یافتند و لذتش را چشیدند- گفتند: ما به تهدید تو هیچ اهمیتی نمی‌دهیم. سعدی: ۵۹۲.

پرسش: چرا ساحران از تهدیدهای فرعون تاثیر نپذیرفتند؟

۶ ﴿إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

آوردن مفهوم طمع، اشاره دارد به این‌که تمامی اسباب سعادت، از جانب الله بوده و گویی آنان هیچ تاثیری در این ماجرا نداشته‌اند. بقاعی: ۱۴/ ۳۶.

پرسش: بیان مفهوم طمع هنگام استغفار، بیانگر چه مطلبی است؟

۷ ﴿وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ﴾

یعنی این‌که حذر و احتیاط یکی از صفات و عادات اوست و دیگران نیز باید در این زمینه با او همراه شوند؛ به عبارتی دیگر، ما عادت داریم که در برابر حوادث هوشیار و مواظب نتایج بد باشیم. این اصل و قانونی مهم از اصول سیاست به شمار می‌رود که مانع فساد می‌گردد، هر چند احتمال منجرشدن آن به فساد، بسیار ضعیف باشد. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۳۱.

پرسش: آیه کدام یک از اصول مهم سیاست را بیان می‌کند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ	به عزت و قدرت فرعون سوگند خوردند.
تَلۡقَفُ	به سرعت بلعید.
مَا يَأۡفِكُونَ	دروغ و تزویری را که ساخته بودند.
لَا ضَيۡرَ	ضرری نیست.
مُنقَلِبُونَ	بازگشت‌کننده.
حَٰشِرِينَ	جمع‌کنندگان لشکر در شهرها.
لَشِرۡذِمَةٞ	گروهی کوچک.

عمل به آیات

۱. عملی دعوی انجام بده و در برابر خستگی و آزاری که در راه الله می‌بینی امید کسب ثواب داشته باش، ﴿إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه گناهت را بیامرزد و تو را بر ایمان پایدار بدارد، ﴿إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۳. در این سوره، مواضعی را که الله در آن‌ها پیامبرش موسی عليه السلام را حفظ و تقویت و یاری کرد مشخص گردان، ﴿فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ﴾

رهنمودها

۱. هر کس عزت را در غیر دین الله بجوید، الله او را خوار می‌گرداند، ﴿وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

۲. تهدیداتی که از جانب ستمگران به صالحان می‌رسد، وسیله‌ای برای رسیدن به درجات برتر در دنیا و آخرت است، ﴿قَالُواْ لَا ضَيۡرَ﴾

۳. مردم در برابر الله چه پست و خوار هستند وقتی که از او نافرمانی می‌کنند؛ فرعون که پادشاهی متکبر بود و ادعای ربوبیت داشت در دریا خفه شد، ﴿فَأَخۡرَجۡنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ٥٧ وَكُنُوزٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ﴾

سورة (الشعراء) الجزء (۱۹) صفحة (۳۷۰)

فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ ﴿٦١﴾
قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ
ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ
﴿٦٣﴾ وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ
﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ
أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾
وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ
﴿٧٠﴾ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلۡ
يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُواْ
بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ
تَعۡبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ
إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٧﴾ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِي هُوَ
يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ﴿٨٠﴾ وَٱلَّذِي
يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓـَٔتِي
يَوۡمَ ٱلدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَرَٰٓءَا	هر گروهی دیگری را دید.
فِرۡقٖ	قطعه‌ای از دریا.
كَٱلطَّوۡدِ	مانند کوه.
وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ	فرعون و قومش را به آن‌جا نزدیک کردیم.

عمل به آیات

۱. مطلبی در مورد پدیدهٔ دعا و ذبح برای غیر الله و خطر آن بر فرد و جامعه در فضای اینترنت یا تلفن همراه بنویس و آن را به دیگران برسان، ﴿قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» [حسن؛ ابوداود: ۵۰۹۰] «یا الله! جسم و گوش و چشمم را سالم بدار، که هیچ معبود بر حقی جز تو نیست»، ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾

۳. سه مورد از نعمت‌هایی را که الله بر تو بخشیده است برشمار و در قبال آن‌ها از او تعالی سپاس‌گزاری کن؛ زیرا این کار محبت تو به الله تعالی را بیشتر می‌کند؛ چنان‌که خلیل الله عليه السلام گفت: ﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾

رهنمودها

۱. در این امر بیندیش که الله تعالی در مورد اکثر مردم خبر داد که مومن نیستند و در عین حال، خودت را از گمراهی در امان ندان و بسیار به درگاه الله دعا کن که تو را ثابت‌قدم نگاه دارد، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

۲. از تقلید حرامی که امت‌ها را نابود کرد برحذر باش؛ زیرا کافران به سبب تقلید از آبا و اجدادشان از راه الله گمراه شدند، ﴿قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ﴾

۳. یقین داشته باش که هر گاه بیمار شدی پیامبران و اولیا هرگز توان دفع بیماری از تو را ندارند، و فقط الله سبحانه می‌تواند بیماری‌ات را برطرف کند، ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾

ترجمه آیات

و چون دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «قطعاً [در چنگال فرعونیان] گرفتاریم». (۶۱) [موسی] گفت: «هرگز! بی‌تردید، پروردگارم با من است و مرا [به راه نجات] هدایت خواهد کرد». (۶۲) به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن»؛ [هنگامی که عصایش را زد، نیل] شکافته شد و هر بخشی [از آن،] همچون کوهی بزرگ گشت. (۶۳) و آن گروه دیگر [= فرعون و سپاهش] را به آنجا کشاندیم. (۶۴) و موسی و همهٔ کسانی را که همراهش بودند نجات دادیم. (۶۵) و دیگران را غرق نمودیم. (۶۶) قطعاً در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و[لی] بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۶۷) و بی‌تردید، پرورگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۶۸) [ای پیامبر،] داستان ابراهیم را بر آنان بازگو. (۶۹) هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را عبادت می‌کنید؟» (۷۰) آنان گفتند: «بُت‌هایی را عبادت می‌کنیم و پیوسته سر بر آستانشان داریم». (۷۱) [ابراهیم] گفت: «آیا وقتی آنها را می‌خوانید، [صدای] شما را می‌شنوند؟ (۷۲) یا به شما سود و زیان می‌رسانند؟» (۷۳) آنان گفتند: «[نه،] ولی پدرانمان را یافتیم که چنین می‌کردند [و از آن‌ها تقلید می‌کنیم]». (۷۴) [ابراهیم] گفت: «آیا دیدید [و دانستید] چیزهایی را که همواره عبادت می‌کردید (۷۵) ـ [هم] شما و [هم] پدرانتان‌ـ (۷۶) یقیناً [همهٔ] آنها [= معبودان باطل] دشمنِ [عقیدهٔ توحیدیِ] من هستند؟ مگر پروردگار جهانیان. (۷۷) آن [معبودی] که مرا آفریده و هدایتم می‌کند (۷۸) و همان ذاتی که به من غذا می‌دهد و سیرابم می‌سازد (۷۹) و هنگامی که بیمار می‌شوم، اوست که شفایم می‌دهد (۸۰) و ذاتی که مرا می‌میراند و [دوباره] زنده‌ام می‌کند (۸۱) و ذاتی که امیدوارم روز جزا گناهانم را ببخشد. (۸۲) پروردگارا، به من دانشی [در دین] ببخش و مرا به شایستگان ملحق کن. (۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ﴾
موسی عليه السلام برای این‌که آنان را بازدارد و راهنمایی کند که با وجود تدبیر الله، نیازی به تدبیر و چاره‌جویی او نیست، گفت: ﴿كَلَّآۖ﴾: هرگز آنان شما را در نخواهند یافت، ﴿إِنَّ مَعِيَ رَبِّي﴾: پروردگارم با حفاظت و یاری خود، همراه من است، ﴿سَيَهۡدِينِ﴾: به زودی مرا به آن‌چه باعث نجات شما و یاری‌تان علیه آنان می‌شود، راهنمایی خواهد کرد. آلوسی: ۱۰/ ۸۴.
پرسش: یقین چقدر زیباست، که الله تعالی انسان مؤمن را هنگام مصیبت‌ها، با آن استوار و پابرجا نگه می‌دارد، با توجه به آیات مذکور، این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ﴾
ای محمد! خبر ابراهیم خلیل عليه السلام، به‌ویژه این ماجرای مهم را برای مردم بازگو کن؛ زیرا زندگی ابراهیم عليه السلام رخدادها و قصه‌های فراوانی دارد، ولی این از بهترین و شگفت‌انگیزترین ماجراهایش است، که مشتمل بر رسالت و دعوت قومش و مبارزه با آنان و ابطال دلایل‌شان است؛ بنابراین، آن را به ظرف زمان مقید کرد و فرمود: ﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ﴾. سعدی: ۵۹۲.
پرسش: الله به پیامبر ﷺ فرمان داد یکی از حالات و رخدادهای زندگی ابراهیم عليه السلام را برای مردم بیان کند؛ یعنی ماجرای دعوتش را. چرا این دستور صادر شد؟

۳ ﴿قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ﴾
از این‌که بگویند نمادها (بت‌ها)، از شنیدن، سود یا زیان برخوردار هستند اعراض کردند تا به چیزی اعتراف کنند که نمی‌توانستند آن را انکار نمایند و مجبور شدند به صراحت بگویند دلیلی جز تقلید ندارند؛ گویی گفتند: این بت‌ها نمی‌شنوند و به ما نفع و ضرر هم نمی‌رسانند، ولی پدران‌مان را دیدیم که چنین کاری می‌کردند و همانند ما آن‌ها را عبادت می‌کردند، پس ما هم به آنان اقتدا کردیم. آلوسی: ۱۰/ ۹۲.
پرسش: آیا تقلید آبا و اجداد در راه و عملِ اشتباه، در روز قیامت پذیرفته می‌شود؟

۴ ﴿أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ﴾
توصیف پدران‌شان به قدیمی‌بودن، بیانگر این است که می‌خواستند بگویند هیچ باکی در تقلید از آنان ندارند؛ زیرا عرف و عادت امت‌ها بر این است که هر چه زمان و عصر پدران‌شان قدیمی‌تر باشد، تقلید از آنان مهم‌تر و ضروری‌تر است. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۴۱.
پرسش: چرا آبا و اجداد به ﴿ٱلۡأَقۡدَمُونَ﴾ توصیف شد؟

۵ ﴿فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾
شاید کسی بگوید: چگونه چوب و آهن و مس دشمن انسان می‌گردند؟ منظور این است که اگر این موارد را عبادت کنم، در روز قیامت دشمن من می‌شوند، چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ﴿٨١﴾ كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا﴾ [مریم: ۸۱-۸۲]؛ «و (آن‌ها) به جای الله معبودانی را (برای خود) برگزیدند، تا سبب عزت‌شان باشد. چنین نیست، (بلکه) به زودی (معبودها) عبادت آنان را انکار خواهند کرد، و بر ضد آنان برمی‌خیزند.» طبری: ۱۹/ ۳۶۳.
پرسش: چگونه بت‌ها با این‌که بی‌جان هستند، دشمن انسان می‌گردند؟

۶ ﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ﴿٨٠﴾ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓـَٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ﴾
پروردگارم ذاتی است که سود و زیان من در اختیار اوست، او صاحب قدرت و پادشاهی دنیا و آخرت است، نه آن بتی که وقتی فرا خوانده شود، نمی‌شنود و هیچ نفع و ضرری نمی‌رساند. ابراهیم این سخن را آورد تا بیان کند که بت‌ها شایستگی الوهیت و عبودیت را ندارند و عبادت باید برای ذاتی انجام شود که این امور را انجام می‌دهد، نه برای کسی یا چیزی که هیچ سود و زیانی ندارد. طبری: ۱۹/ ۳۶۳.
پرسش: دلایل عقلی که ابراهیم آن‌ها را برای اثبات ربوبیت الله و بطلان غیر او بیان کرد، چیست؟

۷ ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾
بیماری را به خود و شفا را به الله نسبت داد؛ تا ادب را نسبت به الله رعایت کرده باشد. ابن جزی: ۲/ ۱۱۹.
پرسش: کدام یک از آداب تعامل با الله در آیه بیان شده است؟

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٧١)

وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ
ٱلنَّعِيمِ ٨٥ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٨٦ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ
يُبۡعَثُونَ ٨٧ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ
سَلِيمٖ ٨٩ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٩٠ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ
٩١ وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٩٢ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ
أَوۡ يَنتَصِرُونَ ٩٣ فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ٩٤ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ
أَجۡمَعُونَ ٩٥ قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ٩٦ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي
ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٩٧ إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٨ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا
ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٩٩ فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ١٠١ فَلَوۡ
أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٢ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ
أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٠٣ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤ كَذَّبَتۡ
قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٠٥ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٠٦
إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٠٧ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٠٨ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ
عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٩ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَأَطِيعُونِ ١١٠ ۞قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ ١١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لِسَانَ صِدۡقٖ	ستایشی نیکو.
ٱلۡأٓخِرِينَ	کسانی که بعد از من تا روز قیامت می‌آیند.
سَلِيمٖ	سالم از شرک و نفاق و کینه.
وَأُزۡلِفَتِ	نزدیک می‌شود.
وَبُرِّزَتِ	آشکار می‌گردد.
فَكُبۡكِبُواْ	جمع و افکنده می‌شوند.
حَمِيمٖ	دلسوزی که به کارمان اهمیت دهد.
كَرَّةٗ	بازگشتی به دنیا.
ٱلۡأَرۡذَلُونَ	مردم پست و فرومایه.

عمل به آیات

۱. برای پدر و مادرت دعای مغفرت و رحمت کن، ﴿وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ﴾
۲. با کسی دوست شو که دوستی با او سبب نزدیکی به الله می‌شود، ﴿وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ﴾
۳. یکی از سوره‌های قرآن را به قصد خشنودی الله تعالی به یکی از مسلمانان بیاموز، ﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

رهنمودها

۱. مراقب قلبت باش و آن را اصلاح کن؛ زیرا فقط کسی نجات خواهد یافت که با قلبی پاک و سالم نزد الله حاضر شود، ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾
۲. از راه گمراه‌کنندگانی که مردم را گمراه می‌کنند بپرهیز؛ زیرا الله جهنم سوزان را پناهگاه آنان قرار داده است، ﴿وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ﴾
۳. بر انتخاب دوستانی صالح بکوش؛ زیرا به اذن الله تعالی، از شفاعت آنان در آخرت بهره‌مند می‌شوی، ﴿فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ﴾

ترجمه آیات

و در آیندگان آوازه‌ای نیک برایم قرار بده. (۸۴) و مرا از وارثان بهشتِ پرنعمت بگردان. (۸۵) و پدرم را بیامرز [که] بی‌تردید در زمرهٔ گمراهان بود. (۸۶) و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا [و شرمنده] نساز. (۸۷) همان روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد؛ (۸۸) مگر کسی‌که قلبی پاک [و خالی از شرک و نفاق و کینه و ریا] به پیشگاه الله بیاورد». (۸۹) و [آن روز،] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد (۹۰) و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌شود. (۹۱) و به آنان گفته می‌شود: «آنچه به جای الله عبادت می‌کردید [اکنون] کجا هستند؟ آیا [آنها در برابر عذاب الهی] شما را یاری می‌کنند یا [حتی خود] را یاری می‌دهند؟» (۹۲-۹۳) پس، آنها [= معبودان باطل] همراه گمراهان در آن [آتش مهیب] افکنده می‌شوند. (۹۴) و [همراه] تمام لشکریان ابلیس. (۹۵) در آنجا [مشرکان] در حال ستیز [با معبودان باطل] می‌گویند: (۹۶) «به الله سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم. (۹۷) آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌دانستیم. (۹۸) و ما را کسی جز مجرمان گمراه نکرد. (۹۹) [اکنون] نه هیچ شفاعتگری داریم (۱۰۰) و نه هیچ دوست مهربانی. (۱۰۱) کاش بازگشتی [به دنیا] داشتیم و در زمرهٔ مؤمنان قرار می‌گرفتیم». (۱۰۲) قطعاً در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۰۳) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۱۰۴) قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۱۰۵) آنگاه که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟ (۱۰۶) به راستی، من پیامبری امین برایتان هستم؛ (۱۰۷) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۰۸) و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدهٔ] پروردگار جهانیان است؛ (۱۰۹) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید». (۱۱۰) آنان گفتند: «آیا به تو ایمان بیاوریم در حالی که [فقط] فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟» (۱۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ﴾

﴿لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ﴾: به اجماع مفسران، یعنی تحسین و یادی ماندگار و نیکو. ابن عطیه: ۴/ ۲۳۵.

پرسش: منظور از ﴿لِسَانَ صِدۡقٖ﴾ چیست؟

۲ ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾

یعنی این مال فقط به کسی فایده می‌رساند که آن را در راه اطاعت از الله انفاق کند. ابن جزی: ۲/ ۱۱۹.

پرسش: در چه صورتی، مال در روز قیامت به بنده سود می‌رساند؟

۳ ﴿إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾

قلب به این منظور بیان شد که اگر این عضو اصلاح شود، سایر اعضا اصلاح می‌شوند، ولی اگر فاسد گردد، سایر اعضا نیز فاسد می‌شوند. قرطبی: ۱۶/ ۴۴.

پرسش: چرا الله تعالی از قلب نام برد؟

۴ ﴿وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ﴾

﴿وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ﴾: یعنی نسل و تمامی پیروان او؛ زیرا آن‌ها لشکریان و همیاران وی هستند. ابن عطیه: ۴/ ۲۳۶.

پرسش: در چه صورتی، انسان از لشکریان شیطان می‌گردد؟

۵ ﴿فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ﴾

قتاده می‌گوید: سوگند به الله که می‌دانند اگر دوست، صالح باشد، به انسان فایده می‌رساند و در حق او شفاعت می‌کند. ابن کثیر: ۳/ ۳۲۹.

پرسش: آیه چگونه بر گرفتن دوست صالح تشویق می‌کند؟

۶ ﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ﴾

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ﴾: برادر نَسَبی آنان؛ نوح ﷵ گفت. الله تعالی پیامبران را از نسل کسانی که به سوی‌شان فرستاده می‌شدند، انتخاب می‌کرد تا برای پیروی از پیامبر خود، اظهار بیزاری و اکراه نکنند، و نیز به این هدف که ماهیت و حقیقتش را بشناسند و دربارهٔ او نیاز به تحقیق نداشته باشند. سعدی: ۵۹۴.

پرسش: چرا الله پیامبران را از میان و نسَب قوم خودشان انتخاب می‌کرد؟

۷ ﴿قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ﴾

از این طریق، تکبرشان در برابر حق و نادانی آنان نسبت به حقایق دانسته می‌شود؛ زیرا اگر هدف‌شان حقیقت می‌بود - و شبهه‌ای در دعوت پیامبرشان می‌داشتند- می‌گفتند: درستی آن‌چه را که برای ما آورده‌ای، به‌وسیله دلایل و اسبابی که ما را به حقیقت آن برساند، بیان کن. سعدی: ۵۹۴.

پرسش: آیه چگونه تکبر و سرکشی آنان در برابر حقیقت را بیان می‌کند؟

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٢)

قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ
لَوۡ تَشۡعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ
﴿١١٥﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ
رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن
مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ
﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ
أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتۡ
عَادٌ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمۡ
رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٢٥﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ
مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ
ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ﴿١٢٩﴾
وَإِذَا بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾
وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعۡلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ
﴿١٣٣﴾ وَجَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ
﴿١٣٥﴾ قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡمَرۡجُومِينَ	کشته‌شدگان با سنگسار.
فَٱفۡتَحۡ	قضاوت کن.
ٱلۡمَشۡحُونِ	پر از انسان و حیوان و کالا.
رِيعٍ	مکانی مرتفع.
ءَايَةٗ	بنایی بلند.
تَعۡبَثُونَ	از آن بالا می‌روید و رهگذران را مسخره می‌کنید.
مَصَانِعَ	کاخ‌هایی بلند و پناهگاه‌هایی مستحکم.
أَمَدَّكُم	به شما عطا کرده و نعمت بخشیده است.
سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ	از دیدگاه ما یکسان است.

عمل به آیات

۱. به دیدار مردم صالح ضعیف و فقیر برو و با آنان همنشینی کن و هدایایی برای‌شان بده، ﴿وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾
۲. از الله تعالی بخواه ستمکاران را به دست ستمکاران نابود کند، و مسلمانان را سالم از میان آنان خارج گرداند، ﴿فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
۳. به یک سخنرانی گوش بده و آن را اجرا کن، ﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ﴾

رهنمودها

۱. ستمگران و طاغوتیان هر گاه از آوردن دلیل ناتوان شوند به زور پناه می‌برند، ﴿قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ﴾
۲. هر گاه ستم سخت و شدید شود، درخواست فتح از الله تعالی جایز است، ﴿قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
۳. چون صبر نوح عليه السلام طولانی شد، الله تعالی دعایش را به سرعت اجابت فرمود، ﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

ترجمه آیات

[نوح] گفت: «من به آنچه آنان [در گذشته] می‌کردند چه دانشی دارم؟ (۱۱۲) حساب آنان تنها با پروردگار من است. اگر می‌فهمید [چنین سخن گزافی نگویید]. (۱۱۳) و من [هرگز] مؤمنان را طرد نمی‌کنم. (۱۱۴) من جز بیم‌دهنده‌ای آشکار نیستم». (۱۱۵) آنان گفتند: «ای نوح، اگر [از دعوتت] دست برنداری، قطعاً سنگسار می‌شوی». (۱۱۶) او گفت: «پروردگارا، قومم مرا دروغگو انگاشتند؛ (۱۱۷) پس میان من و آنان داوری کن و من و مؤمنانی را که همراهم هستند نجات بده». (۱۱۸) او و افرادی را که همراهش بودند، در [آن] کشتیِ آکنده [از انسان و حیوان و کالا] نجات دادیم (۱۱۹) و باقی‌ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۰) قطعاً در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و[لی] بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۲۱) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۱۲۲) [قوم] عاد [نیز] پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۱۲۳) آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟» (۱۲۴) به راستی، من پیامبری امین برای شما هستم. (۱۲۵) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۲۶) و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدهٔ] پروردگار جهانیان است. (۱۲۷) آیا بر هر مکان بلندی، بنایی برافراشته می‌سازید [و در آن] بیهوده‌کاری می‌کنید؟! (۱۲۸) و قصرها و قلعه‌هایی محکم و استوار بنا می‌کنید؛ گویی [در دنیا] جاودانید. (۱۲۹) و چون [به کسی] حمله‌ور می‌شوید، [بی‌رحم و] ظالمانه حمله می‌کنید. (۱۳۰) از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۳۱) و از ذاتی پروا کنید که [نعمت‌هایی چنان فراوان] به شما عطا کرده است که خود، [آنها را بهتر] می‌دانید. (۱۳۲) او به شما چهارپایان و فرزندان [بسیار] عطا کرده است (۱۳۳) و باغ‌ها و چشمه‌سارها. (۱۳۴) به راستی که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم». (۱۳۵) آنان گفتند: «چه ما را پند بدهی یا ندهی، برایمان یکسان است [و از تو اطاعت نمی‌کنیم]. (۱۳۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾
نوح عليه السلام به قومش گفت: نسبت به آن‌چه پیروانم انجام می‌دادند، اطلاعی ندارم و فقط ظاهر کارشان را می‌بینم و نه باطن‌شان را؛ و من مکلف نیستم که از باطن آنان باخبر شوم، بلکه مکلفم ظاهر را بدانم، پس هر کس در ظاهر نیکی کند، من گمان نیک به او دارم و کسی‌که در ظاهر بدی کند، من به او بدبین می‌شوم. می‌گوید: حساب و بررسی باطنِ کارشان را که من آن را نمی‌بینم، پروردگارم انجام می‌دهد، اگر می‌فهمید؛ زیرا او از آشکار و نهان کارشان آگاه است. طبری: ۱۹/ ۳۷۰.
پرسش: دعوتگر در برابر ظاهر احوال مردم مسئول است و به آگاهی از باطن‌شان مکلف نیست، با توجه به آیه، این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾
گویی از نوح عليه السلام خواستند ضعیفان را از خود دور کند، چنان‌که قریش این درخواست را از پیامبر ﷺ کردند. ﴿إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ﴾: الله مرا نفرستاده است که ثروتمندان را بچینم و فقیران را از خود دور کنم، بلکه فرستاده‌ای هستم که آن‌چه را با آن فرستاده شده‌ام، به مردم می‌رسانم، پس هر کس از من اطاعت کند، سعادتمند است هر چند فقیر باشد. قرطبی: ۱۶/ ۵۳.
پرسش: بر اساس آیه، توضیح دهید که آیا دعوت مخصوص ثروتمندان است؟

۳ ﴿أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ﴾
دایرهٔ موعظه گسترده‌تر از دایرهٔ تغییر منکر است؛ بنابراین موعظهٔ هود عليه السلام متوجه بیماری‌های روانی و قلبی آنان بود و فرمان تغییر قلعه‌ها و مکان‌هایی که ساخته بودند، در این موعظه وجود نداشت. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۶۶.
پرسش: آیا هود عليه السلام به خاطر ساختن بناها بر قومش اعتراض کرد؟

۴ ﴿أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ﴿١٢٩﴾ وَإِذَا بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ﴾
دلیل نکوهش آنان از جانب هود، این بود که حب دنیا و تکبر بر دل‌های‌شان مسلط شده بود؛ تا جایی که از مقام و مرتبه بندگی خارج شده بودند. آلوسی: ۱۰/ ۱۰۸.
پرسش: زیاده‌روی در محبت به دنیا، چه پیامدی دارد؟

۵ ﴿أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ﴾
برای شمارش نعمت‌ها، ابتدا از چهارپایان نام برد؛ زیرا آن‌ها برترین و مهم‌ترین نعمت ساکنان آن شهر بودند و روزی و پوشاک‌شان را از آن‌ها تهیه می‌کردند و به‌وسیله همین چهارپایان به سفر می‌رفتند. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۷۰.
پرسش: چرا در آیه، ابتدا از چهارپایان نام برده شد؟

۶ ﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ﴾
قبیله عاد از نظر قدرت و پیروزی بر شهرها به جایی رسیده بودند که می‌گفتند: ﴿مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾ [فصلت: ۱۵]؛ «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!»... عمر بر آنان طولانی شد و به شیوه‌های مختلفی در پی برآورده‌کردن تمایلات‌شان بودند و به خوشی‌ها روی آوردند و آن قدر مغرور شدند که وظیفهٔ اصلی و مهم انسان؛ یعنی دینداری و تزکیهٔ نفس را نادیده گرفتند... و به دستورات الهی توجه نکردند و نصیحت‌گران را احمق دانستند. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۶۵.
پرسش: خطر فراوانی نعمت‌ها را بر جامعه‌ای که غافل از یاد الله باشد بیان کنید.

۷ ﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ﴾
﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ﴾: تمامی این امور برای ما یکسان است؛ ما هرگز سخنت را نمی‌شنویم و به آن‌چه می‌گویی، توجه نمی‌کنیم. قرطبی: ۱۶/ ۵۹.
پرسش: شرایط سنگدلان را زمانی که نصیحت می‌شوند و با آیات الله، مورد وعظ و پند قرار می‌گیرند، بیان کنید.

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٣)

إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
فَأَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣٩﴾
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذۡ
قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٤٣﴾
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ
إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾
فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٖ وَنَخۡلٖ طَلۡعُهَا هَضِيمٞ ﴿١٤٨﴾
وَتَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا فَٰرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَآ أَنتَ
إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ
هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا
بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصۡبَحُواْ
نَٰدِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ
أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

ترجمه آیات

این [آیینِ ما، همان] روش پیشینیان است (۱۳۷) و ما [هرگز] عذاب نخواهیم شد». (۱۳۸) آنان هود را دروغگو انگاشتند؛ ما [نیز] هلاکشان کردیم. قطعاً در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۳۹) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۱۴۰) [قوم] ثمود پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۱۴۱) آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟ (۱۴۲) به راستی، من پیامبری امین برایتان هستم. (۱۴۳) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۴۴) و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدهٔ] پروردگار جهانیان است. (۱۴۵) آیا [می‌پندارید که] شما را در این نعمت‌هایی که اینجاست آسوده رها می‌کنند؟ (۱۴۶) در [این] باغ‌ها و چشمه‌سارها (۱۴۷) و [در کنار این] کشتزارها و نخل‌هایی که میوه‌هایش نرم و رسیده است؟ (۱۴۸) و [سرمست و] ماهرانه از کوه‌ها [برای خود] خانه‌هایی می‌تراشید. (۱۴۹) از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۵۰) و از اسرافکاران [گناهکار] پیروی نکنید. (۱۵۱) [همان] کسانی که در زمین به فساد می‌پردازند و [خویشتن را] اصلاح نمی‌کنند». (۱۵۲) آنان گفتند: «[ای صالح،] جز این نیست که تو جادوشده‌ای. (۱۵۳) تو جز بشری همانند ما نیستی؛ پس اگر راست می‌گویی، نشانه‌ای [بر پیامبری‌ات] بیاور». (۱۵۴) [صالح] گفت: «این ماده شتری است که سهمی از آب [چشمه] دارد و [روزهای معیّنی نیز] شما سهمی از آب دارید. (۱۵۵) پس [کمترین] آزاری به آن نرسانید که عذابِ روزی بزرگ شما را فرامی‌گیرد». (۱۵۶) اما آن را پِی کردند و [از کردهٔ خود] پشیمان شدند. (۱۵۷) پس عذاب [الهی] آنان را فروگرفت. بی‌گمان، در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۵۸) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۱۵۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَهۡلَكۡنَٰهُمۡ﴾

الله در چندین آیه از قرآن کریم، وسیله هلاکت آنان را بیان فرموده است: تندبادی بسیار سرد بر آنان فرستاد و سبب نابودی آنان از جنس خودشان بود؛ آنان افرادی بسیار قوی و سرکش بودند و الله سبحانه عذابی را که از آنان قوی‌تر و شدیدتر بود، فرستاد. ابن کثیر: ۳/ ۳۳۱.

پرسش: با توجه به عذاب عاد که قوم هود عليه السلام بودند، قاعدهٔ (جزا از جنس عمل است) را توضیح دهید.

۲ ﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

آنان صالح عليه السلام را تکذیب کردند که دعوت توحید را برای‌شان آورد؛ یعنی همان چیزی که پیامبران مردم را به سوی آن فرا خواندند، بنابراین گویی تمامی پیامبران را انکار کردند. سعدی: ۵۹۶.

پرسش: چگونه قوم ثمود تمامی پیامبران را تکذیب کردند؟

۳ ﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

می‌گویید: چون می‌خواهی اموالمان را بگیری، از تو پیروی نمی‌کنیم، ﴿إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: من فقط از الله درخواست پاداش می‌کنم. سعدی: ۱/ ۵۹۶.

پرسش: نشانهٔ راستی دوستان صادق الله، که در آیه بیان شده است، چیست؟

۴ ﴿أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ﴾

﴿أَتُتۡرَكُونَ﴾: این عبارت به قصد ترساندن و برحذرداشتن آنان بیان شد؛ یعنی آیا طمع دارید که با وجود کفرتان، در نعمت‌های الهی رها شوید؟! ابن جزی: ۲/ ۱۲۱.

پرسش: آیا وقتی نعمت‌ها با گناهان افراد جامعه جمع شوند، وضعیتی را که در آن قرار دارند ادامه می‌یابد؟

۵ ﴿أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ﴾

﴿ءَامِنِينَ﴾: برای توضیح اجمال موجود در عبارت ﴿فِي مَا هَٰهُنَآ﴾ است؛ به نعمت بزرگی اشاره دارد که اسم اشاره بیانگر آن نیست؛ چون به آن اشاره نشده است؛ یعنی نعمت امنیت که از بزرگ‌ترین نعمت‌ها به شمار می‌رود و مزهٔ سایر نعمت‌ها، با وجود امنیت، چشیده و دانسته می‌شود. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۷۵.

پرسش: چرا امنیت یکی از نعمت‌های مهم و بزرگ به شمار می‌رود؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ﴾

از آن‌جا که ﴿يُفۡسِدُونَ﴾ با اصلاح آنان در برخی از اوقات منافات ندارد، عبارت ﴿وَلَا يُصۡلِحُونَ﴾ در ادامه بیان شد؛ تا بیانگر کمال فساد و تباهی آنان باشد، یعنی این‌که هرگز اهل خیر و صلاح نیستند. آلوسی: ۱۰/ ۱۱۲.

پرسش: چرا صفت فساد و عدم اصلاح، با هم بیان شد؟

۷ ﴿فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

تندباد به هر یک از آنان که برخورد می‌کرد، او را از زمین برمی‌داشت، به هوا پرت می‌کرد، سپس با سر بر زمین می‌کوبید و جمجمه و سرش می‌شکست. سپس آنان را به گونه‌ای بر زمین می‌انداخت که گویی تنه‌های درختان خرمایی بودند که ریشه‌کن شدند. آنان قبلا در کوه‌ها و غارها جای می‌گرفتند و در زمین نیز برای خود گودال می‌کندند، ولی تمامی این موارد نتوانست در برابر عذاب الهی از آنان دفاع کند، ﴿إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ﴾ [نوح: ۴] «قطعاً هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت.» ابن کثیر: ۶/ ۱۵۵.

پرسش: چگونگی عذاب ثمود؛ قوم صالح عليه السلام را بیان کنید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خُلُقُ	دین و عادت.
طَلۡعُهَا هَضِيمٞ	میوه‌اش رسیده و نرم و پخته است.
فَٰرِهِينَ	ماهر در تراشیدن کوه و شرور و سرمست.
ٱلۡمُسۡرِفِينَ	ستیزه‌گر و مُصِر در نافرمانیِ الله.
شِرۡبٞ	سهمی از آب.
فَعَقَرُوهَا	شتر را کشتند.

عمل به آیات

۱. با ارسال پیامی از طریق تلفن همراه، یادآوری کن که یکی از اسباب موفقیت دعوت دعوتگران، اخلاص و نخواستن دنیا در قبال دعوت است، ﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

۲. به امید کسب ثواب از الله تعالی، برخی اذکار روز و شب را به یک مسلمان بیاموز، ﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

۳. با نوشتن پیامی، خطر کافران و منافقان و مظاهر فسادشان بر روی زمین را بیان کن، ﴿وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. به خوارشمردن و تمسخر تکذیب‌کنندگان اهمیت نده که حیلهٔ ضعیفانِ نادان است، ﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

۲. امانتداری، شعار رسولان و دعوتگران صادق در تمام امت‌ها و تمام زمان‌ها بوده است، ﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ﴾

۳. تحذیر از اطاعت کسانی که در گناهان و معاصی زیاده‌روی می‌کنند، به سبب خطر زیاد این کار است، ﴿وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ﴾

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٤)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ
﴿١٦١﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٦٣﴾ وَمَآ
أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٤﴾
أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم
مِّنْ أَزْوَٰجِكُم ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا۟ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ
لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾
رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾
إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم
مَّطَرًا ۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَـَٔايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم
مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ
لْـَٔيْكَةِ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمْ
رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ
مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۞ أَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَلَا
تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾
وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَادُونَ	متجاوزان از حلالی که الله برای‌تان مباح کرده است به حرام.
ٱلْقَالِينَ	دشمنان سرسخت عمل‌تان.
ٱلْغَٰبِرِينَ	بازماندگان در عذاب.
أَصْحَٰبُ لْـَٔيْكَةِ	اصحاب زمینِ دارای درختان درهم پیچیده و انبوه. اینان قوم شعیب عليه السلام بودند.
ٱلْمُخْسِرِينَ	کاهندگان حقوق مردم.
بِٱلْقِسْطَاسِ	با ترازو.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ كَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ، وَالْفُسُوقَ، وَالْعِصْيَانَ» [صحيح؛ مسند احمد: ۱۵۴۹۲؛ الادب المفرد بخاری: ۶۹۹] «یا الله! کفر و گناه و عدم طاعت را ناپسند من قرار بده»، ﴿أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾

۲. از یک منکر نهی کن سپس با ارسال پیامی توضیح بده که امت هر گاه در امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی کند، امر به منکر و نهی از معروف در میان آن‌ها گسترش می‌یابد، ﴿قَالُوا۟ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ﴾

۳. متنی در مورد خطر و کیفر کم‌فروشی در ترازو بنویس و آن را میان فروشندگان محلّه پخش کن، ﴿أَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. اگر محبت الله در دل نباشد، در مورد خطرات انحراف از فطرت هر چه بگویی درست است، ﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾

۲. دعای مظلوم اجابت می‌شود؛ به‌خصوص اگر صالح باشد، ﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ﴾

۳. هر گاه شر گسترش یابد و ستم و فساد زیاد شود، وقوع عذاب نزدیک است، ﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾

ترجمه آیات

قوم لوط [نیز] پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۱۶۰) آنگاه که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟ (۱۶۱) به راستی، من پیامبری امین برای شما هستم. (۱۶۲) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۶۳) و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدهٔ] پروردگار جهانیان است. (۱۶۴) آیا از میان جهانیان، با مردان می‌آمیزید و همسرانی را که الله برایتان آفریده است رها می‌کنید؟! بلکه شما گروهی متجاوزید. (۱۶۵- ۱۶۶) آنان گفتند: «ای لوط، اگر [از این امر و نهی] دست بر نداری، قطعاً [از شهر] اخراج می‌شوی». (۱۶۷) [لوط] گفت: «من دشمن [سرسخت] این کارتان هستم. (۱۶۸) پروردگارا، من و خانواده‌ام را از [عاقبت] آنچه [اینها] انجام می‌دهند نجات ده». (۱۶۹) ما او و همهٔ خانواده‌اش را نجات دادیم (۱۷۰) مگر پیرزنی که در میان بازماندگان [در عذاب] بود. (۱۷۱) سپس دیگران را نابود کردیم (۱۷۲) و بارانی [از سنگ] بر آنان باراندیم؛ و بارانِ بیم‌داده‌شدگان چه بد بود! (۱۷۳) بی‌گمان، در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۷۴) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۱۷۵) اصحاب اَیکه [نیز] پیامبران را دروغگو انگاشتند. (۱۷۶) آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟ (۱۷۷) به‌راستی، من پیامبری امین برای شما هستم. (۱۷۸) پس از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید. (۱۷۹) و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدهٔ] پروردگار جهانیان است. (۱۸۰) پیمانه را تمام بدهید و کم‌فروشی نکنید. (۱۸۱) و با ترازوی درست وزن کنید. (۱۸۲) و کالای مردم را کم ندهید [و حقشان را ضایع نکنید] و در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید. (۱۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

﴿أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ﴾: بر خلاف تمامی مخلوقاتی که نر و ماده هستند، با مردان نزدیکی می‌کنید و مرتکب جرمی می‌شوید که هیچ گروهی آن را انجام نمی‌دهد. اشاره می‌کند که این کار زشت، مخالف فطرت است و حتی در میان حیوانات وجود ندارد. پس کاری است که ابتدا آنان انجام دادند و قبل از آنان، هیچ‌کس مرتکب این کار نشده بود. ابن عاشور: ۱۹/ ۱۷۹.

پرسش: آیه چگونه زشتی جرم قوم لوط را بیان کرد؟

۲ ﴿قَالُوا۟ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ﴾

آنان همچون افراد پیش از خود، سخن گفتند؛ از آن‌جا که دل‌های‌شان در کفر شبیه هم است، سخنان‌شان نیز مانند یکدیگر است. سعدی: ۵۹۶.

پرسش: تشابه سخنان میان مجرمان قدیم و جدید، بیانگر چه موضوعی است؟

۳ ﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ﴾

لوط عليه السلام گفت: ﴿إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ﴾ یعنی: من با عمل شما بغض [و عداوت] دارم و از آن دوری می‌کنم. پیامبران دوستان الله هستند؛ آن‌چه را که او تعالی می‌پسندد، آنان دوست دارند، و از آن‌چه الله دوست ندارد، بیزارند. ابن تیمیه: ۵/ ۴۹.

پرسش: بر اساس آیه، یکی از مهم‌ترین صفات دوستان الله را بیان کنید.

۴ ﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾: یعنی پروردگارا! من و خانواده‌ام را از عذاب و پیامد کارشان نجات بده؛ وقتی لوط از ایمان‌آوردن آنان نااُمید شد، دعا کرد که الله وی را دچار و گرفتار عذاب آن‌ها نکند. قرطبی: ۱۶/ ۶۹.

پرسش: شدت ترس لوط عليه السلام از نزول عذاب را بیان کنید.

۵ ﴿فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ﴾

﴿إِلَّا عَجُوزًا﴾: همسر لوط عليه السلام منظور است که در حکم ﴿ٱلْغَٰبِرِينَ﴾ بود؛ یعنی از بازماندگانی که عذاب به آنان رسیده بود، که ما او را نجات ندادیم؛ زیرا در ازل این‌گونه حکم کرده بودیم؛ چرا که از دین و آیین لوط عليه السلام پیروی نکرد و به قومش متمایل بود. بقاعی: ۱۴/ ۸۳.

پرسش: پیوند دینی، قوی‌تر و مهم‌تر از پیوند نسبی است، با توجه به آیه، این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

دعوت تمامی پیامبران، آن‌گونه که الله فرموده است، به یک روش بود؛ چون همگی به تقوا، اطاعت و اخلاص در عبادت فرمان می‌دادند و از این‌که مزدی به سبب دعوت و تبلیغ رسالت بگیرند، سر باز می‌زدند. بغوی: ۳/ ۳۷۱.

پرسش: صفاتی که همگی پیامبران در دعوت خود داشتند، چیست؟

۷ ﴿أَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ﴾

به کامل‌کردن وزن فرمان می‌دهد و از این‌که ناقص شود، نهی می‌کند، ولی از این‌که وزن را بیشتر کنند، منع نمی‌کند؛ زیرا ظاهرا این کار را نهی نکرده و به انجام آن نیز دستور نداده است، بنابراین اگر کسی وزن و پیمانه را بیشتر کند، کار نیکی انجام داده و کسی هم که این کار را انجام ندهد، ایرادی بر او نیست. آلوسی: ۱۰/ ۱۱۷.

پرسش: این‌که آیه دربارهٔ زیادکردن در پیمانه و وزن، چیزی نگفته است، بیانگر چه مطلبی است؟

ترجمه آیات

و از ذاتی که شما و امت‌های پیشین را آفرید پروا کنید». (۱۸۴) آنان گفتند: «[ای شعیب،] جز این نیست که تو جادوشده‌ای. (۱۸۵) تو جز بشری همانند ما نیستی و ما تو را دروغگو می‌پنداریم. (۱۸۶) اگر راست می‌گویی، پاره‌ای از آسمان را بر [سر] ما بینداز». (۱۸۷) [شعیب] گفت: «پروردگارم به آنچه می‌کنید داناتر است». (۱۸۸) او را دروغگو انگاشتند و عذابِ روزِ ابر [آتشبار] آنان را فراگرفت. به راستی که آن [بارانِ آتش،] عذاب روزی هولناک بود. (۱۸۹) بی‌گمان، در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۹۰) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۱۹۱) و به راستی [این] قرآن فروفرستادۀ پروردگار جهانیان است. (۱۹۲) روح الامین [= جبرئیل] آن را فرود آورده است. (۱۹۳) بر قلب تو [نازل کرده است] تا بیم‌دهنده باشی. (۱۹۴) [قرآن را] به زبان عربی روشن [نازل نمود]. (۱۹۵) و بی‌تردید، [بشارت نزولِ] آن، در کتاب‌های پیشینیان [نیز آمده] است. (۱۹۶) آیا همین نشانه برایشان کافی نیست که علمای بنی‌اسرائیل از [حقیقتِ] قرآن آگاهند؟ (۱۹۷) و اگر آن را بر بعضی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم (۱۹۸) و [پیامبر،] آن را برایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند. (۱۹۹) [آری،] این گونه آن [کفر و تکذیب] را در دل‌های گناهکاران جای دادیم. (۲۰۰) اما به آن ایمان نمی‌آورند تا آنگاه که عذاب دردناک را ببینند. (۲۰۱) ناگهان در حالی که بی‌خبرند، به سراغشان می‌آید. (۲۰۲) [در آن حال] می‌گویند: «آیا مهلتی [برای توبه] خواهیم داشت؟» (۲۰۳) آیا آنان عذاب ما را به شتاب خواستارند؟ (۲۰۴) آیا دانستی که اگر آنان را سال‌ها [از زندگی دنیا] بهره‌مند سازیم (۲۰۵) سپس آنچه که به آنان وعده داده شده است به سراغشان بیاید (۲۰۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَأَسۡقِطۡ عَلَيۡنَا كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ﴾، ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمِ ٱلظُّلَّةِ﴾

این عذاب از جنس درخواست‌شان است که گفتند پاره‌ای از آسمان بر ما بینداز؛ الله تعالی برای عذاب آنان، گرمای شدیدی به مدت هفت روز پیاپی بر این افراد فرستاد، سپس ابری آمد و آنان به سوی ابر شتافتند تا خودشان را از گرما محافظت کنند، وقتی همگی زیر آن جمع شدند، الله تعالی پاره‌ها و گدازه‌های سوزانی از آتش فرستاد و زمین به لرزه افتاد و فریاد بزرگی آمد و جان‌های‌شان را گرفت. ابن کثیر: ۳/ ۳۳۵.

پرسش: توضیح دهید که چگونه عذاب قوم شعیب، از جنس همان چیزی بود که آنان درخواست کردند؟

۲ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

اگر سؤال شود: چرا عبارت ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ﴾ با هر قصه‌ای بیان شده است؟ پاسخ این است که: این عبارت، تاثیر بیشتری در پند و عبرت‌گیری دارد و بیشتر بر دل‌ها تاثیر می‌گذارد. به‌علاوه، هر قصه‌ای مانند کلامی مستقل است و در نتیجه، در پایان همۀ آن‌ها این جمله بیان شده است. ابن جزی: ۲/ ۱۲۳.

پرسش: تکرار عبارت ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ در هر بخشی از این سوره، چه فایده‌ای دارد؟

۳ ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

ذاتی که آن را نازل کرده است، آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین و پروردگار تمامی مخلوقات جهان بالا و پایین است. همان‌گونه که آنان را برای رسیدن به مصالح و منافع دنیوی و جسمی‌شان پرورش می‌دهد، به مصالح دینی و اخروی نیز راهنمایی می‌کند، که بزرگ‌ترین راهنمایی الله، فرستادن این کتاب گرامی و مشتمل بر خیر فراوان و خوبی‌های بسیار است و مردم را به منافع دنیا و آخرت و اخلاق فاضله راهنمایی می‌کند، اما سایر کتاب‌ها این ویژگی‌ها را ندارند. سعدی: ۵۹۷- ۵۹۸.

پرسش: توصیف الله تعالی به ﴿رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ بیانگر چه فایده و نتیجه‌ای است؟

۴ ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٩٢ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ١٩٤ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ﴾

بنگر که چگونه این فضایل زیبا و فاخر در این کتاب گرامی جمع شده است؛ قرآن برترین کتاب است، بهترین فرشته آن را آورده است، بر برترین مخلوق و بهترین عضو او؛ یعنی قلبش و برای بهترین امتی که به منظور دعوت مردم فرستاده شده‌اند، و با بهترین، فصیح‌ترین و گسترده‌ترین زبان؛ یعنی زبان عربی نازل شده است. سعدی: ۵۹۸.

پرسش: درباره فضایل قرآن کریم سخن بگویید.

۵ ﴿أَوَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ ءَايَةً أَن يَعۡلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾

در هر چیزی که اشتباه و شبهه‌ای پیش آید، به افراد آگاه و خردمند رجوع می‌شود و سخن آنان حجت و دلیلی بر دیگران است؛ چنان‌که ساحرانی که در ساحری ماهر بودند، به صداقت معجره موسی عليه السلام پی بردند و دانستند که سحر نیست. بنابراین به سخن و دیدگاه جاهلان توجهی نمی‌شود. سعدی: ۵۹۸.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود دانش علمای بنی‌اسرائیل برای راستی قرآن کافی است؟

۶ ﴿فَيَقُولُواْ هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ﴾

یعنی تا ایمان بیاوریم و تصدیق کنیم؛ بازگشت و مهلت را آرزو می‌کنند. بغوی: ۳/ ۳۷۳.

پرسش: انسانِ منکر و تکذیب‌کننده، در زمان نزول عذاب، چه آرزویی می‌کند؟

۷ ﴿أَفَرَءَيۡتَ إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ﴾

یعنی مدت مهلت‌دادن‌شان هیچ تاثیری در این‌که عذاب بر آنان نازل نشود ندارد، هر چند سال‌ها طول بکشد؛ زیرا هر آن‌چه آمدنی باشد، نزدیک است. ابن جزی: ۲/ ۱۲۴.

پرسش: آیا عمر طولانی برای انسانی که به گناهانش ادامه دهد، فایده‌ای می‌رساند؟

وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلۡجِبِلَّةَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٨٤ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ
ٱلۡمُسَحَّرِينَ ١٨٥ وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ
ٱلۡكَٰذِبِينَ ١٨٦ فَأَسۡقِطۡ عَلَيۡنَا كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٨٧ قَالَ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨٨ فَكَذَّبُوهُ
فَأَخَذَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمِ ٱلظُّلَّةِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ١٨٩
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٩٠ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٩١ وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٩٢ نَزَلَ بِهِ
ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ١٩٤ بِلِسَانٍ
عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ١٩٥ وَإِنَّهُۥ لَفِي زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٩٦ أَوَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ ءَايَةً
أَن يَعۡلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٩٧ وَلَوۡ نَزَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ بَعۡضِ ٱلۡأَعۡجَمِينَ
١٩٨ فَقَرَأَهُۥ عَلَيۡهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ١٩٩ كَذَٰلِكَ سَلَكۡنَٰهُ
فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٠٠ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ
ٱلۡأَلِيمَ ٢٠١ فَيَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٠٢ فَيَقُولُواْ
هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ ٢٠٣ أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ٢٠٤ أَفَرَءَيۡتَ
إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ ٢٠٥ ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ ٢٠٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡجِبِلَّةَ	مردم و امت‌های گذشته.
ٱلۡمُسَحَّرِينَ	کسانی که سحر شدیدی به آنان رسیده و عقل‌شان را ربوده است.
كِسَفٗا	پاره‌های از عذاب.
ٱلظُّلَّةِ	ابری که بر آنان سایه افکند و احساس سردی کردند؛ ولی هنگامی که جمع شدند، آنان را با آتش خود سوزاند.
زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ	کتاب‌های پیامبران پیشین.
ٱلۡأَعۡجَمِينَ	کسانی که به عربی سخن نمی‌گویند.

عمل به آیات

۱. قصۀ قوم شعیب را در چند موضع از قرآن کریم بخوان و در فواید آن بیندیش، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ﴾

۲. پیامی بنویس و با یادآوری یک آیه از قرآن کریم، مسلمانی را نصیحت کن، ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٩٢ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ﴾

۳. به نیت فهمیدن کتاب الله تعالی، متنی به زبان عربی مطالعه و تحقیق کن، ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ﴾

رهنمودها

۱. با مواردی از معانی قرآن کریم که حفظ کرده‌ای و فهمیده‌ای دوستانت را انذار بده، ﴿لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ﴾

۲. مرگ قلب، انسان را در این گمان می‌اندازد که وقوع عذاب بر او دور است، ﴿فَيَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٠٢ فَيَقُولُواْ هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ﴾

۳. برخورداری و طولانی‌شدن زمان هر چند هم که زیاد شود، بنده را از حساب و جزا بی‌نیاز نمی‌سازد، ﴿أَفَرَءَيۡتَ إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ ٢٠٥ ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ﴾

سورة (الشعراء) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٦)

مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ٢٠٧ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا
لَهَا مُنذِرُونَ ٢٠٨ ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٠٩ وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ
ٱلشَّيَٰطِينُ ٢١٠ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ٢١١ إِنَّهُمۡ عَنِ
ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ٢١٢ فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ
مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ٢١٣ وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ٢١٤ وَٱخۡفِضۡ
جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي
بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢١٦ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٢١٧ ٱلَّذِي
يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ٢١٩ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡعَلِيمُ ٢٢٠ هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١ تَنَزَّلُ عَلَىٰ
كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣
وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ٢٢٤ أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ
يَهِيمُونَ ٢٢٥ وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ٢٢٦ إِلَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ
بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ٢٢٧

سُورَةُ النَّمۡلِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلسَّمۡعِ	شنیدن قرآن از آسمان.
لَمَعۡزُولُونَ	دفع می‌شوند و با شهاب‌ها بر آن‌ها می‌زنند.
وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ	پهلو و سخنت را از روی تواضع، پایین بیاور و نرم کن.
أَفَّاكٍ	بسیار دروغگو.
أَثِيمٖ	بسیار گناهکار.
وَادٖ	یکی از فنون باطل و دروغ.
يَهِيمُونَ	فرو می‌روند.
مُنقَلَبٖ	بازگشتگاه.

عمل به آیات

۱. عمل دعوت را با همکاری یکی از نزدیکان، از طریق تقدیم سخنی پسندیده و هدیه‌ای نیکو به خویشاوندانت انجام بده، ﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ﴾

۲. با سجده‌های طولانی شب را زنده نگه دار و به نماز بایست، ﴿ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ﴾

۳. الله تعالی را با اذکار مطلق و مقید مانند صد مرتبه گفتن «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ» و هفتاد مرتبه استغفار یاد کن، ﴿وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. هر کس در حالی که غیر الله را می‌خواند بمیرد از عذاب‌شدگان است، ﴿فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ﴾

۲. دعوتگر بدون بردباری و تواضع و سخن نرم هرگز موفق نمی‌شود، ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۳. از ستم بپرهیز و سرانجامِ بد ستمکاران را به یاد داشته باش، و در حال گردنکشان و متکبران بیندیش که الله چگونه آنان را در هم شکست، ﴿وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ﴾.

ترجمه آیات

این بهره‌مندی‌شان [از دنیا، در هنگام عذاب] سودی برایشان نخواهد داشت؟ (۲۰۷) و ما [ساکنان] هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه هشداردهندگانی [از پیامبران] داشتند. (۲۰۸) تا آنان را پند دهند؛ و ما هرگز ستمکار نبوده‌ایم [که اتمام حجت نکنیم]. (۲۰۹) و این قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند. (۲۱۰) آنان نه درخورِ این کارند و نه توانش را دارند. (۲۱۱) بی‌تردید، آنان از شنیدن [وحی] منع شده‌اند. (۲۱۲) پس [ای پیامبر،] هیچ معبودی را با الله مخوان، که عذاب خواهی شد. (۲۱۳) و خویشاوندان نزدیکت را [از عذاب الهی] بیم ده. (۲۱۴) و با مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، مهربان [و فروتن] باش. (۲۱۵) اگر از [فرمان] تو سرپیچی کردند، بگو: «به راستی، من از آنچه می‌کنید بیزارم». (۲۱۶) و بر [الله] شکست‌ناپذیرِ مهربان توکل کن. (۲۱۷) همان ذاتی که چون [برای عبادت] برمی‌خیزی، تو را می‌بیند. (۲۱۸) و حرکت [و نشست و برخاستِ] تو را میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد]. (۲۱۹) بی‌تردید، او همان شنوای داناست. (۲۲۰) آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟ (۲۲۱) بر هر دروغ‌پرداز گنه‌پیشه نازل می‌شوند. (۲۲۲) آنان شنیده‌ها[یی را که دزدانه از ملکوت گوش داده‌اند، به جادوگران و فال‌گیران] القا می‌کنند و بیشتر آنان دروغگو هستند. (۲۲۳) و [محمد شاعر نیست؛ زیرا] شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. (۲۲۴) آیا ندیدی که آنان در هر لغو و بیهوده‌ای [حیران و] سرگشته‌اند؟ (۲۲۵) و چیزی را می‌گویند که [خود به آن اعتقاد ندارند و] عمل نمی‌کنند؟ (۲۲۶) مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند و الله را بسیار یاد کرده‌اند و پس از آنکه ستم دیدند، انتقام گرفتند [و با شعر خود از اسلام و رسول الله و مسلمانان دفاع نمودند]؛ و کسانی که ستم کردند، به زودی خواهند دانست به چه بازگشتگاهی بازمی‌گردند. (۲۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ﴾

الله تعالی می‌فرماید: سپس عذابی که به سبب کفرشان به آیات ما و تکذیب پیامبران‌مان، با آن تهدید می‌شدند، آنان را فرا گرفت. ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم﴾: تاخیری که در اجل‌شان به وجود آوردیم و متاع و رفاهی که در زندگی دنیا به آنان دادیم، هیچ تاثیر و فایده‌ای نداشت و نتوانست چیزی را از آنان دور کند؛ زیرا توبه نکردند. آیا این رفاه و نعمتی که به آنان دادیم، چیزی جز فساد و تباهی برای‌شان داشت؟! آیا نفعی به آنان رساند؟! بلکه به ضررشان بود که بر گناهان‌شان افزودند و جرایمی مرتکب شدند که اگر در رفاه و نعمت نمی‌بودند، هرگز آن‌ها را انجام نمی‌دادند. طبری: ۱۹/ ۴۰۲.

پرسش: بیان کنید که چگونه عمر طولانی در صورتی که بدون عمل صالح باشد، مایهٔ هلاکت و عذاب است؟

۲ ﴿فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ﴾

در این آیه، پیامبر ﷺ مورد خطاب قرار گرفت، هر چند محال بود که او دچار شرک شود؛ چون الله می‌خواست به افزایش اخلاص تشویق کند؛ یعنی کنایه از این است که: «در توحید آن‌قدر مخلص باش که هیچ‌چیز غیر او تعالی را نبینی.» همچنین گوشزد و پندی برای سایر مکلفان است، به این‌که شرک آن قدر زشت و بد است که حتی فردی که هرگز دچار آن نمی‌شود، از این عمل زشت منع می‌گردد، پس چه رسد به دیگران! آلوسی: ۱۰/ ۱۳۱.

پرسش: چرا در آیه فوق، به پیامبر ﷺ گفته شد شرک نورز، با وجود این‌که او هرگز مرتکب چنین کاری نمی‌شد؟

۳ ﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ﴾

این عبارت، منافاتی با این‌که پیامبر تمامی مردم را هشدار دهد ندارد؛ چنان‌که انسان به نیکی امر شود و سپس به وی گفته شود: «به خویشاوندانت نیکی کن.» بنابراین بیانگر تاکید و تقویت موضوع مذکور است. سعدی: ۵۹۹.

پرسش: آیا از آیه چنین برداشت می‌شود که دعوت پیامبر ﷺ مخصوص و منحصر به قومش بوده است؟

۴ ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ﴾

﴿فَإِنۡ عَصَوۡكَ﴾... این عبارت برای دفع گمان کسی است که تصور می‌کند عبارت ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾، می‌طلبد که تا وقتی آنان مؤمن هستند، پیامبر از تمامی اعمال‌شان راضی است؛ از این‌رو این مطلب را رد کرد. سعدی: ۵۹۹.

پرسش: چرا جمله ﴿فَإِنۡ عَصَوۡكَ﴾ پس از عبارت ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ بیان شد؟

۵ ﴿وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ﴾

یعنی نمازت را که با نمازگزاران ادا می‌کنی، می‌بیند؛ به نماز جماعت اشاره دارد. ابن جزی: ۲/ ۱۲۴.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر وجوب نماز جماعت را بیان کنید؟

۶ ﴿يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ﴾

﴿يُلۡقُونَ﴾: آن‌چه را که می‌شنوند، القا می‌کنند. بنابراین احتمال دارد ضمیر به شیاطین بازگردد؛ چون آن‌ها سخن را به کاهنان می‌رسانند، یا این‌که ضمیر مربوط به کاهنان باشد؛ زیرا آنان سخن را به مردم می‌رسانند. ﴿وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ﴾: یعنی بیشتر شیاطین دروغگویند، یا بیشتر کاهنان؛ چون در آن‌چه از شیاطین خبر می‌دهند، دروغ می‌گویند. ابن جزی: ۲/ ۱۲۵.

پرسش: دروغ کاهنان و جادوگران از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

۷ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ يَهِيمُونَ﴾

می‌فرماید: آن‌ها به هر کار بیهوده‌ای مشغول می‌شوند و از راه حقیقت پیروی نمی‌کنند؛ زیرا کسی که از حق پیروی کند و بداند آن‌چه می‌گوید به حسابش نوشته می‌شود، ثابت‌قدم می‌ماند و سرگردان و حیران نمی‌شود که به سخنانش اهمیتی ندهد. قرطبی: ۱۶/ ۹۵.

پرسش: نظر تو درباره کسی که با هر فرد تبهکاری همراه می‌شود و هر چه می‌خواهد بر زبان می‌آورد و از حقیقت پیروی نمی‌کند، چیست؟